



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



توجه

مهدی الهی قمشه ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه قرآن کریم استاد الهی قمشه ای

نویسنده:

محيالدين مهدى الهى قمشهاى

ناشر چاپى:

فاطمهالزهره(س)

ناشر ديگيتالى:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	ترجمه قرآن کریم استاد الهی قمشه ای
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	الفاتحه
۱۰	البقره
۲۷	آل عمران
۳۷	النساء
۴۸	المائدة
۵۷	الأنعام
۶۶	الأعراف
۷۶	الأنفال
۸۱	التوبة
۸۹	یونس
۹۵	هود
۱۰۱	یوسف
۱۰۸	الرعد
۱۱۰	إبراهیم
۱۱۳	الحجر
۱۱۶	النحل
۱۲۲	الإسراء
۱۲۷	الکھف
۱۳۳	مریم
۱۳۶	طه

۱۴۱	الأنبياء
۱۴۶	الحج
۱۵۰	المؤمنون
۱۵۳	النور
۱۵۸	الفرقان
۱۶۱	الشعراء
۱۶۶	النمل
۱۷۰	القصص
۱۷۵	العنكبوت
۱۷۹	الروم
۱۸۲	لقمان
۱۸۴	السجدة
۱۸۵	الأحزاب
۱۸۹	سبأ
۱۹۲	فاطر
۱۹۵	يس
۱۹۷	الصفات
۲۰۱	ص
۲۰۴	الزمر
۲۰۷	غافر
۲۱۱	فصلت
۲۱۴	الشورى
۲۱۷	الزخرف
۲۲۰	الدخان

۲۲۱	الجائیه
۲۲۳	الأحقاف
۲۲۵	محمد
۲۲۷	الفتح
۲۲۹	الحجرات
۲۳۰	ق
۲۳۲	الذاریات
۲۳۳	الطور
۲۳۴	النجم
۲۳۶	القمر
۲۳۷	الرحمن
۲۳۹	الواقعه
۲۴۰	الحدید
۲۴۲	المجادله
۲۴۴	الحشر
۲۴۵	الممتحنه
۲۴۶	الصف
۲۴۷	الجمعه
۲۴۸	المنافقون
۲۴۹	التغابن
۲۴۹	الطلاق
۲۵۰	التحریم
۲۵۱	الملک
۲۵۳	القلم

۲۵۴	الحاقه
۲۵۵	المعارج
۲۵۶	نوح
۲۵۷	الجن
۲۵۸	المزمل
۲۵۸	المدثر
۲۶۰	القيامة
۲۶۰	الإنسان
۲۶۱	المرسلات
۲۶۲	النبأ
۲۶۳	النازعات
۲۶۴	عبس
۲۶۵	التكوير
۲۶۵	الانفطار
۲۶۶	المطففين
۲۶۷	الانشقاق
۲۶۷	البروج
۲۶۸	الطارق
۲۶۸	الأعلى
۲۶۹	الغاشية
۲۶۹	الفجر
۲۷۰	البلد
۲۷۰	الشمس
۲۷۱	الليل

۲۷۱	الضحی
۲۷۲	الشرح
۲۷۲	التین
۲۷۲	العلق
۲۷۳	القدر
۲۷۳	البینة
۲۷۳	الزلزلة
۲۷۳	العادیات
۲۷۴	القارعة
۲۷۴	التکائر
۲۷۴	العصر
۲۷۵	الهمزة
۲۷۵	الفیل
۲۷۵	قریش
۲۷۵	الماعون
۲۷۵	الکوثر
۲۷۶	الکافرون
۲۷۶	النصر
۲۷۶	المسد
۲۷۶	الإخلاص
۲۷۶	القلق
۲۷۷	الناس
۲۷۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ترجمه قرآن کریم استاد الهی قمشه ای

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی: قرآن - فارسی - عربی عنوان و نام پدید آور: القرآن الکریم / ترجمه محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای؛ خط و تذهیب محمد سعید اهری زاده مشخصات نشر: قم: فاطمه الزهرا (س)، ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری: ص ۸۳۲ شابک: ۴۵۰۰۰۹۶۴-۵۹۲۸-۲۱-۶ وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار). شناسه افزوده: الهی قمشه‌ای، مهدی، ۱۳۵۲ - ۱۲۸۰، مترجم شناسه افزوده: اهری زاده، سعید، خطاط رده بندی کنگره: BP۵۹/۶۶ الف ۷ ۱۳۷۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۴۱ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۱۷۵۶

الفاتحه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است آفریننده جهانها است (۲) خدائی که بخشنده و مهربانست (۳) پادشاه روز جزا است، روز کیفر نیک و بد خلق (۴) پروردگارا تنها تو را میپرستیم و از تو یاری می‌جوئیم و بس (۵) تو ما را به راه راست هدایت فرما (۶) راه آنان که بانها انعام فرمودی مانند انبیاء و اولیاء نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی مانند یهود و نه گمراهان عالم چون اغلب نصاری (۷)

البقره

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم از رموز قرآنست (۲) این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزگارانست (۳) آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز پیا دارند و از هر چه روزیشان کردیمبه فقیران انفاق کنند (۴) و آنان که ایمان آرند به آنچه خدای بتو و بر پیغمبران پیش از تو فرستاد و آنها خود بعالم آخرت یقین کامل دارند (۵) آنان از لطف پروردگار خویش براه راستند و آنها بحقیقت رستگاران عالمند (۶) ای رسول ما کافران را یکسانست بترسانی از عذاب خدا یا نترسانی ایمان نخواهند آورد (۷) قهر خدا مهر بر دلها و پرده بر گوشها و چشمهای ایشان نهاد که فهم حقایق و معارف الهی را نمیکند و ایشان را در قیامت عذابی سخت خواهد بود (۸) و گروهی از مردم منافق گویند که ما ایمان آورده ایم بخدا و روز قیامت و حال آنکه ایمان نیاورده اند (۹) خواهند تا خدای و اهل ایمان را فریب دهند و حال آنکه فریب ندهند مگر خود را و این را از سفاهت نمیدانند (۱۰) دلهای آنان مریض است پس خدا بر مرض جهل و عناد ایشان بیفزاید و آنها راست عذاب دردناک بدین سبب که دروغ میگویند و با اهل ایمان دو رنگی و ریا و نفاق میکنند (۱۱) و چون مومنان آنان را گویند که در زمین فساد مکنید پاسخ دهند که تنها ما کاربصلاح کنیم (۱۲) آگاه باشید که ایشان سخت مفسدند و مخرب ولی خود نمیدانند (۱۳) و چون بانها گویند ایمان آورید چنانکه دیگران ایمان آوردند پاسخ دهند که چگونه ما ایمان آوریم بمانند بیخردان، آگاه باشید که ایشان خود سخت بیعقل و بیخردند ولی نمیدانند (۱۴) چون باهل ایمان برخوردند گویند ما ایمان آورده ایم و چون با شیطانهای خود خلوتکنند گویند ما باطنا با شمائیم جز اینکه مومنان را استهزاء میکنیم (۱۵) خدا به آنها استهزاء کند و آنان را در گمراهی رها کند که در بیابان جهل و گمراهی حیران و سرگردان باشند (۱۶) ایشانند که گمراهی را براه راست خریدند پس تجارت آنها سود نکرد و راه هدایت نیافتند (۱۷) مثل ایشان مثل کسی است که آتش بیفزورد پس تا روشن کند اطراف خود را خدا آن روشنی ببرد و ایشان را در تاریکی رها کند که راه حق و طریق سعادت را هیچ نبینند (۱۸) آنها کر و گنگ و کورند و از ضلالت خود بر نمیگردند (۱۹) یا مثل آنان در گمراهی مثل کسانی است که در

بیابان بارانی تند بر آنها بیارد و در تاریکی و رعد و برق آنان سرانگشت خود را از بیم مرگ در گوش نهند مبادا از شدت صدای صاعقه بمیرند ولی عذاب خدا کافران را فرا گیرد و هیچ راه نجاتی نیابند (۲۰) نزدیک باشد که برق روشنی چشمهایشان ببرد هر گاه روشنی بینند در آن قدم بردارند و چون تاریک شود حیرت زده بایستند و اگر خدا خواستی گوش آنها را به بانگ رعد کر و چشم آنان را بتابش برق کور میساخت که خداوند بر همه چیز قادر است (۲۱) ای مردم خدائی را پرستید که آفریننده شما و پیشینیان شما است باشد که بطاعت و معرفت او پارسا و منزه شوید (۲۲) آن خدائی که برای شما زمین را گسترده و آسمان را برافراشت و فروبارید از آسمان آبی که بسبب آن بیرون آورد میوه های گوناگون برای روزی شما پس کسی را مثل و مانند او قرار ندهید در صورتی که میدانید خدا ذات بی مثل و بی مانند است (۲۳) و اگر شما را شکی است در قرآنی که ما بر محمد (ص) بنده خود فرستادیم پس بیاورید یک سوره مانند آن و گواهان خود را بخوانید از بزرگان و فصحا هر که را خواهید کمک طلبید بجز خدا اگر راست میگوئید که این کلام مخلوق است نه وحی خدا (۲۴) و اگر اینکار را نکردید و هرگز نتوانید کرد پس طعن بقرآن مزید و پرهیزید از آتشی که هیزمش مردم بدکار است و سنگهای خارا که قهر الهی برای کافران مهیا کرده است (۲۵) و مژده ده ای پیغمبر کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری پیشه کردند که جایگاه آنها باغهایی است که نهرها در آن جاری است و چون از میوه های گوناگون آن بهره مند شوند گویند این مانند همان میوه هائست که پیش از این در دنیا ما رانصیب بود و از نعمتهائی مانند یکدیگر متلذذ شوند و آنها را در آن جایگاه خوش جفتهای پاک و پاکیزه است و در آن بهشت جاوید خواهند زیست (۲۶) و خدا را باک و ملاحظه از آن نیست که به پشه کوچک و چیزی بزرگتر از آن مثلزند پس هر مثل که آرد آنهایی که بخدا ایمان آورده اند میدانند که آن مثل از جانب پروردگار آنهاست اما کسانی که کافر شدند میگویند خدا را از این مثل چه مقصود است؟ گمراه میکند بدان مثل بسیاری را و هدایت میکند بسیاری را و گمراه نمیکند بدان مگر فاسقان را (۲۷) کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن می شکنند و رشته ای که آنان را امر به پیوند آن کرده میگسلند و در زمین و میان اهل آن فساد میکنند بحقیقت آنها زیانکاران عالم هستند (۲۸) مردم چگونه کافر میشوند بخدا و حال آنکه شما مرده بودید و خدا شما را زنده کرد و دیگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت بسوی او باز خواهید گشت (۲۹) و خدائست که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد پس از آن بخلقت آسمان نظر گماشت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او بهر چیز و همه نظام آفرینش دانا است (۳۰) بیاد آر آنگاه که پروردگار فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه ای از بشر خواهم گماشت گفتند پروردگارا آیا کسانی خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خونها ریزند و حال آنکه ما خود تو را تسیح و تقدیس میکنیم خداوند فرمود من چیزی از اسرار خلقت بشر میدانم که شما نمیدانید (۳۱) و خدای عالم همه اسماء را بادم تعلیم داد آنگاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود اگر شما در دعوی خود صادقید اسماء اینان را بیان کنید (۳۲) فرشتگان عرضه داشتند ای خدای پاک و منزه ما نمیدانیم جز آنچه تو خود بما تعلیم فرمودی توئی دانا و حکیم (۳۳) خداوند فرمود ای آدم ملائکه را بحقایق این اسماء آگاه ساز چون آنان را آگاه ساخت خدا فرمود ای فرشتگان اکنون دانستید که من بر غیب آسمانها و زمین دانا و بر آنچه آشکار و پنهان دارید آگاهم؟ (۳۴) و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید (۳۵) و گفتیم ای آدم تو با جفت خود در بهشت جای گزین و در آنجا از هر نعمت که بخواهید بی هیچ زحمت برخوردار شوید ولی باین درخت گندم یا سیب نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود (۳۶) پس شیطان آدم و حوا را بلغزش افکند تا از آن درخت خوردند و بدین عصیان آنان را از آن مقام بیرون آورد پس گفتیم که از بهشت فرود آئید که برخی از شما برخی را دشمنید و شما را در زمین تا روز مرگ قرار و آرامگاه خواهد بود (۳۷) قصه آدم و حوا و شیطان و ملائکه را حکمای اسلام و دانشمندان بزرگ علم تفسیر با استفاده از مطاوی و اشارات اخبار اهل بیت عصمت و خاندان نبوت علیهم السلام چنین تفسیر کنند که مراد آدم نوعی و مقام شامخ عالم انسانیت است که خدا روح او را در مقام احسن تقویم مقام برتر از ملک آفریده و فرشتگان و

قوای عالم همه پیش آن روح الهی خاضع و مطیع شدند جز شیطان وهم و خیال پرست عالم طبیعت که سجده نکند و مزاحم سیر تکاملی او بجنّت شهود شود پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت که موجب پذیرفتن توبه او گردید زیرا خدا مهربان و توبه پذیر است (۳۸) گفتیم همه از بهشت فرود آئید تا آنگاه که از جانب من راهنمایی برای شما آید پس هر کس پیروی او کند هرگز در دنیا و آخرت بیمناک و اندوهگین نخواهد گشت (۳۹) و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما کردند آنها البته اهل دوزخند و در آتش آن همیشه معذب خواهند بود (۴۰) ای بنی اسرائیل بیاد آرید نعمتهائی که بشما عطا نمودم و بعهد من وفا کنید تابعهد شما وفا کنم و از شکستن پیمان من برحذر باشید (۴۱) و بقرآنی که فرستادم ایمان آورید که تورات شما را تصدیق میکند و اول کافر بدان نباشید و آیات مرا ببهای اندک مفروشید و از قهر من پرهیزید (۴۲) حق را باطل مپوشانید تا حقیقت را پنهان سازید و حال آنکه به حقانیت آن واقفید (۴۳) و نماز بپا بدارید و زکات بدهید و با خدا پرستان حق را پرستش کنید (۴۴) چگونه شما که مردم را به نیکوکاری دستور میدهید خود را فراموش میکنید و حال آنکه کتاب خدا را میخوانید چرا در آن اندیشه و تعقل نمیکنید تا گفتار نیکخود را بمقام کردار آرید (۴۵) و از خدا بصبر و تحمل و نماز یاری جوئید که نماز با حضور قلب امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خدا پرستان که مشتاق نمازند خوشا آنان که دائم در نمازند (۴۶) آنان که میدانند که در پیشگاه خدا حاضر خواهند شد و بازگشتشان بسوی او خواهد بود (۴۷) ای بنی اسرائیل یاد کنید از نعمتهائی که به شما عطا کردم و شما را بر عالمیان به نعمت کتاب و رسول برتری دادم (۴۸) و حذر کنید از روزی که در آن روز کسی بجای دیگری مجازات نیند و هیچ شفاعت از کسی پذیرفته نشود و فدا و عوض قبول نکنند (۴۹) و بیاد آرید هنگامی که شما را از ستم فرعونیان نجات دادیم که از آنها سخت در شکنجه بودید تا بحدی که پسران شما را کشته و زنانتان را برای کنیزی نگاه میداشتند و این بلاء و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان میامود (۵۰) و یاد کنید از وقتی که برای نجات شما دریا را شکافتیم و فرعونیان را در آن غرق کردیم و غرق و هلاک آنها را بچشم مشاهده میکردید (۵۱) و یاد آرید موقعی که برای نزول تورات با موسی چهل شب وعده نهادیم پس شما درغیبت او گوساله پرستی اختیار کرده ستمکار و بیدادگر شدید (۵۲) آنگاه شما را بخشیدیم و پس از چنین کار زشت از گناه شما درگذشتیم شاید متنبه و سپاسگزار شوید (۵۳) بیاد آورید وقتی که برای راهنمایی بموسی کتاب و فرقان عطا کردیم باشد که براه حق هدایت یابید (۵۴) و یاد کنید موقعی را که موسی بقوم خود گفت ای قوم شما از جهالت گوساله پرستشدید و بنفس خود ستم کردید اکنون بسوی خدا بازگردید و بکیفر جهالت خود بکشتن یکدیگر تیغ برکشید این در پیشگاه خدا بهتر کفاره عمل شما است آنگاه از شما درگذشت و توبه شما را پذیرفت که خدا بسیار توبه پذیر و مهربانست (۵۵) بیاد آرید وقتی که گفتید ای موسی ما بتو ایمان نمی آوریم مگر آنکه خدا را آشکاره بینیم پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد و آن را بچشم خود مشاهده کردید (۵۶) سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم باشد که بعد از نعمت و رحمت خدا را شکر گزارید (۵۷) و ابر را سایبان شما ساختیم و من و سلوی - مرغ بریان و ترانگین - را غذای شما مقرر داشتیم و گفتیم از این روزهای پاک و پاکیزه تناول کنید شکر این نعمت را بجا نیاورند نه بما بلکه بنفس خود ستم کردند (۵۸) و بیاد آرید وقتی که گفتیم وارد این قریه بیت المقدس شوید و از نعمتهای آن تناول کنید و از آن در سجده کنان داخل گردید و بگوئید خدایا از گناه ما درگذر تا از خطای شما درگذریم و بر ثواب نیکوکاران شما بیفزائیم (۵۹) پس از آن ستمکاران حکم خدا را تبدیل بغیر آن نمودند ما نیز بکیفر بد کاری و نافرمانی بر ایشان عذابی سخت از آسمان نازل کردیم (۶۰) و بیاد آر وقتی که موسی برای قوم خود طلب آب نمود و ما باو دستور دادیم که عصای خود را بر سنگ آن پس دوازده چشمه آب از آن سنگ بیرون آمد و هر سبطی را آبشخوری معلوم گردید و گفتیم از آنچه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید و در زمین فساد و فتنه انگیزی نپردازید (۶۱) و ای بنی اسرائیل بیاد آرید وقتی را که بموسی اعتراض کردید که ما بیک نوع طعام صبر نخواهیم کرد از خدای خود بخواه تا برای ما از زمین نباتاتی مانند خیار و سیر و عدس و پیاز برویاند موسی گفت آیا میخواهید غذای بهتری که دارید به پستتر از آن تبدیل کنید حال که تقاضای شما اینست بشهر مصر در آئید که در آنجا آنچه

درخواست کردید مهیا است باز نافرمانی و خودسری کردند و بر آنها ذلت و خواری ضرور و مقدر گردید و چون دست از عصیان و ستمکاری برداشته بایاتخدا کافر گشتند و انبیا را بناحق کشتند دیگر بار بخشم و قهر خدا گرفتار شدند (۶۲) هر مسلمان و یهود و نصارا و ستاره پرست که از روی حقیقت بخدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند البته از خدا پاداش نیک یابد و هیچگاه در دنیا و عقبی بیمناک و اندوهگین نخواهد بود یعنی حقیقت دین ایمان بخدا و قیامت و عمل شایسته است نه اسم مومن و غیره (۶۳) و ای بنی اسرائیل یاد آرید وقتی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر بالای سر شما فرا داشتیم که سخت هراسان شدید و دستور دادیم که احکام تورات را با عقیده محکم پیروی کنید و پیوسته آن را در نظر بگیرید باشد که پارسا و پرهیزکار شوید (۶۴) بعد از آنهمه عهد و پیمان از حق روی گردانیدید و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نمیشد البته در شمار زیانکاران عالم بودید (۶۵) محققا دانسته اید جماعتی از شما که عصیان ورزیده حرمت شنبه را نگاه نداشتند آنان را مسخ کردیم و گفتیم بوزینه شوید دور از درگاه قرب حق و مقام انسانیت (۶۶) و این عقوبت مسخ را کیفر آنها و عبرت اخلاف آنها و پند برای پرهیزکاران گردانیدیم (۶۷) و بیاد آرید وقتی را که موسی بقوم خود فرمود که بامر خدا گاو را ذبح کنید قوم گفتند ما را به تمسخر گرفته ای کشتن گاو با یافتن قاتل چه تناسب دارد موسی گفت پناه میبرم بخدا از آنکه سخن بفسوس و تمسخر گویم که این کار مردم نادانست (۶۸) قوم موسی گفتند از خداوند بخواه که خصوصیت و چگونگی گاو را معین فرماید موسی گفت خدا میفرماید گاو باشد نه پیر از کار افتاده و نه جوان کار نکرده بلکه میانه این دو حال باشد، حال که معین شد آنچه مامورید انجام دهید (۶۹) باز قوم بموسی گفتند از خدا بخواه که رنگ آن گاو را نیز معین فرماید موسی جواب داد خدا میفرماید گاو زرد زرینی باشد که رنگ آن بینندگان را فرح بخش است (۷۰) باز گفتند از خداوند بخواه چگونگی آن گاو را کاملا برای ما روشن گرداند که هنوز بر ما مشتبه است چون رفع اشتباه ما شود البته اطاعت کرده و بخواست خدا راه هدایت پیش گیریم (۷۱) موسی گفت خدا میفرماید آن گاو هم آنقدر بکار رام نباشد که زمین شیار کند و آب به کشتزار دهد و هم بی عیب و یکرنگ باشد. قوم گفتند اکنون حقیقت را روشن ساختی و گاوی بدان اوصاف کشتند لیکن نزدیک بود در این امر باز نافرمانی کنند (۷۲) بیاد آرید وقتی که نفسی را کشتید و یکدیگر را در موضوع آن متهم کرده و نزاع برانگیختید و خداوند رازی که پنهان میداشتید آشکار فرمود (۷۳) پس دستور دادیم که پاره ای از اعضای آن گاو را بر بدن کشته زیند تا ببینید که اینگونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و قدرت کامله خویش را بشما آشکار خواهد ساخت که قدرت خدا به اسباب عادی احتیاج ندارد (۷۴) پس با این معجز بزرگ باز چنان سخت دل شدید که دلهایتان چون سنگ یا سختتر از آن شد چه آنکه از پاره ای سنگها نهرها بجوشد و برخی دیگر سنگها بشکافد و باز آبی از آن بیرون آید و پاره ای از ترس خدا فرود آیند و ای سنگدلان لجوج بترسید که خدا از کردار شما غافل نیست (۷۵) آیا طمع دارید که یهودیان بدین شما بگردند در صورتی که گروهی از آنان کلامخدا را شنیده و بدخواه خود تحریف میکنند با آنکه در کلام خدا تعقل کرده و معنی آن را دریافته اند (۷۶) هرگاه با مومنان روبرو شوند گویند ما نیز مانند شما ایمان آورده ایم و چون با یکدیگر خلوت کنند گویند چرا دری که خدا از علوم برای شما گشوده بروی مسلمانان باز کنید تا بکمک همان علوم و ادله رسالت پیغمبر خاتم با شما محاکمه و خصومت کنند. چرا راه عقل و اندیشه نمی پوئید؟ (۷۷) آیا نمی دانند که خدا بر آنچه پنهان داشته و یا آشکار کنند آگاه است (۷۸) بعضی عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال و آرزوی باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و پندار بیهوده خویشند (۷۹) پس وای بر آن کسان که از پیش خود چیزی نوشته و بخدای متعال نسبت دهند تا ببهای اندک و متاع ناچیز دنیا بفروشند وای بر آنها از آن نوشته ها و آنچه از آن نوشته های موهوم و مجعول بدست آرند (۸۰) و یهود گفتند که هیچوقت خدا ما را در آتش عذاب نکند مگر چند روزی معدود بعقیده آنها هفت یا چهل روز بگو بانان آیا بر آنچه دعوی میکنید عهد و پیمانی از خدا گرفته اید که آن عهد مسلم پایید و هرگز تخلف نکنند. یا چیزی بخیال جاهلانه خود بخدا نسبت میدهید (۸۱) آری هر کس اعمالی زشت اندوخت و کردار بد باو احاطه نمود چنین

کس هر که باشد اهل دوزخ است و در آن آتش پیوسته معذب خواهد بود (۸۲) و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند آنان اهل بهشتند و پیوسته در بهشت جاوید متنعم خواهند بود (۸۳) و یاد آرید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که جز خدای را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و بزبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز پای دارید و زکات مال خود بدهید شما طایفه یهود عهدشکسته و روی گردانیدید جز چند نفری و شما نیک و از حکم و عهد خدا برگشتید (۸۴) و بیاد آرید هنگامی که از شما عهد گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از خانه و دیار خود نرانید پس بر آن عهد اقرار کرده و گردن نهادید و شما خود بر آن گواه میباشید (۸۵) با این عهد و اقرار باز شما بهمان خوی زشت اسلاف خودید که خون یکدیگر میریزید و گروه ضعیف را از دیار خود میرانید و در بد کرداری و ستم بر ضعیفان همدست و پشتیبان یکدیگرید و چون اسیرانی بگیریید برای آزادی آنها فدیة میطلبید در صورتی که بحکم تورات اخراج کردن آنان تا چه رسد بقتل آنها محققا بر شما حرامشده است چرا به برخی احکام تورات که بنفع شما است ایمان آورده و بعضی دیگر کافر میشوید پس جزای چنین مردم بد کردار چیست بجز ذلت و خواری در زندگی اینجهان و سختترین عذاب در روز قیامت و خدا غافل از کردار شما نیست (۸۶) اینان همان کسانی که متاع دو روزه دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند پس در آخرت عذاب آنها هیچ تخفیف نیابد و هیچکس آنان را یاری نخواهد کرد (۸۷) و بموسی کتاب تورات را عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را بمعجزات و ادله روشن حجتها دادیم و او را بواسطه روح القدس اقتدار و توانائی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد سرپیچیده و از راه حسد گروهی را تکذیب میکنید و جمعی را بقتل میرسانید؟ (۸۸) و آن گروه گمراه بتمسخر با پیغمبران گفتند دلهای ما در حجاب غفلت است چیزی از سخنان شما در نمی یابد. چنین نیست که گفتند بلکه چون اتمام حجت شد و فهمیده پذیرفتند خدا بر آنها لعن و غضب فرمود زیرا کافر شدند و در میان آنان اهلايمان بسیار اندک بود (۸۹) و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای هدایت آنها آمد با وجودی که کتاب تورات ایشان را تصدیق میکرد و با آنکه خود آنها پیش از بعثت انتظار فتح و غلبه بواسطه ظهور پیغمبر خاتم بر کافران داشتند و از خدا بنام آن پیغمبر طلب فتح و نصرت بر کافران مینمودند آنگاه که آمد و با مشخصات شناختند که همان پیغمبر موعود است باز کافر شدند و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند که خشم خدا بر گروه کافر باد (۹۰) بد معامله ای با خود کردند که بنعمت قرآن که از لطف خدا بر آنها نازل شد کافر شدند و از روی حسد راه ستمگری پیش گرفتند که چرا خدا فضل خود را مخصوص بعضی از بندگان گرداند و بواسطه این حسد باز خشمی دیگر از خدای برای خود طلبیدند و برای کافران از قهر خدا عذاب خواری مهیا است (۹۱) و چون بطایفه یهود گفته شد بقرآن که خدا برای هدایت بشر فرستاده ایمان آرید پاسخ دادند که تنها بتورات چون بما نازل شده ایمان آوریم و بغير تورات کافر شدند در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق میکند. بگو ای پیغمبر اگر شما در دعوی ایمان بتورات راستگو بودید بکدام حکم تورات از این پیش هر پیغمبر را کشتید؟ (۹۲) و با آنهمه آیات و معجزات روشن که موسی برای شما آشکار نمود باز گوساله پرستی اختیار کردید که مردمی سخت جاهل و ظالم و ستمکارید (۹۳) و بیاد آرید وقتی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما گذاشتیم که باید آنچه فرستادیم با ایمان محکم بپذیرید و سخن حق بشنوید شما گفتید خواهیم شنید و در نیت گرفتید که در عمل عصیان خواهیم کرد و از آن رو دلهای شما فریفته گوساله شد که بخدا کافر بودید. بگو ای پیغمبر ایمان شما سخت شما را بکارید و کردار زشت میگمارد اگر ایمان داشته باشید (۹۴) بگو ای پیغمبر اگر سرای آخرت را با آنهمه نعمت خدا بشما اختصاص داده دون سایر خلق بایستی همیشه بمرگ آرزومند باشید اگر راست میگوئید (۹۵) و هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد زیرا عذاب سخت بواسطه کردار بد برای خود در آخرتمهیا کرده اند و خدا بهمه ستمکاران آگاه است (۹۶) و بر همه پیداست که یهود بحیات مادی حریصتر از همه خلقتند حتی مشرکان از این رو هر یهودی آرزوی هزار سال عمر میکند و اگر بارزویش برسد عمر هزار سال هم او را از عذاب خدا نرھاند و خدا بکردار ناپسند آنان آگاهست (۹۷) بگو ای پیغمبر بطایفه یهود

که بجبرئیل اظهار دشمنی میکنند هر کس که با جبرئیل دشمن است با خدا دشمن است زیرا او بفرمان خدا قرآن را بقلب پاک تو رسانید تا تصدیق سایر کتب آسمانی کند و برای اهل ایمان هدایت و بشارت آورد (۹۸) هر کس با خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل دشمن است چنین کسی محققا کافر است و خدا هم دشمن کافران خواهد بود (۹۹) و ما برای ثبوت پیغمبری تو آیات و دلائل روشن فرستادیم و بجز کافران و اهل عناد کسی انکار آن نخواهد کرد (۱۰۰) برای چه هر عهد و پیمان که با خدا و رسول بستند گروهی می شکنند نه تنها اینان عهد شکنند بلکه اکثر آنها اصلا ایمان نخواهند آورد (۱۰۱) و چون پیغمبری از جانب خدا بر آنان فرستاده شد که برآستی کتب آسمانی آنها گواهی میداد گروهی از اهل کتاب خدا را پشت سر انداختند و بحکم آن کتاب که امر بایمان آوردن بقرآن میکرد رفتار نکردند گوئی از آن کتاب هیچ نمیدانند (۱۰۲) و پیروی کردند سخنانی را که دیو و شیاطین در ملک سلیمان بافسون و جادوگری میخواندند و هرگز سلیمان بخدا کافر نگشت لیکن دیوان همه کافر شدند و سحر ب مردم میاموختند و آنچه را به دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شده یاد میدادند و آن دو ملک بهیچکس چیزی نیاموختند مگر آنکه بدو میگفتند که کار ما فتنه و امتحاناست مبادا کافر شوی و دیوان به مردم چیزی که میان زن و شوهر جدائی افکند میاموختند و زیان نمیرسانیدند بکسی مگر آنکه خدا بخواهد و چیزی که میاموختند بخلق زیان میرسانید و سود نمی بخشید و محققا میدانستند که هر که چنین کند در عالم آخرت هرگز بهره ای نخواهد یافت و آنان بیهای نفوس خود زشتترین متاع را خریده اند اگر میدانستند (۱۰۳) و محققا اگر آنها ایمان آورند و پرهیز کار شوند بهره ای که از خداوند نصیب آنها شود بهتر از هر چیز خواهد بود (۱۰۴) ای اهل ایمان هنگام تکلم با رسول حق بکلمه راعنا تعبیر مکنید مگوئید ما را رعایت کن بلکه بگوئید ناظر احوال ما باش و سخن خدا را بشنوید و بدانید که برای کافران عذاب دردناک مهیاست (۱۰۵) هرگز کافران اهل کتاب و مشرکان مایل نیستند که بر شما مسلمین خیری از جانب خدا نازل شود لیکن خدا بفضل و رحمت خویش هر که را بخواهد مخصوص گرداند و خدا صاحب فضل عظیم است (۱۰۶) هر چه از آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آن را متروک سازیم بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم آیا مردم نمیدانند که خداوند بر هر چیزی قادر است (۱۰۷) آیا نمیدانند که پادشاهی آسمانها و زمین مختص خداوند است و شما را بجز خدایار و یآوری نخواهد بود (۱۰۸) آیا اراده آن را دارید که شما نیز از پیغمبر خود درخواست کنید آن تقاضاهای بی جایی که بنی اسرائیل از موسی داشتند در زمان گذشته و هر که ایمان را مبدل بکفر گرداند بی شک راه راست را گم کرده است (۱۰۹) بسیاری از اهل کتاب آرزو و میل آن دارند که از ایمان، شما را بکفر برگردانند بسبب رشک و حسدی که بر ایمان شما برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار گردید پس اگر از آنها بشما مسلمین ستمی رسید در گذرید و مدارا کنید تا هنگامی که فرمان خدا بجنگ یا صلح برسد که البته خدا بر هر چیز قادر و تواناست (۱۱۰) و نماز بپادارید و زکات بدهید و بدانید که آنچه از طاقت حق و کار نیکو برای خود پیش میفرستید پاداش نیکو در نزد خدا خواهید یافت که محققا خدا بر هر کار شما آگاهست (۱۱۱) و یهود گفتند هرگز بهشت نرود جز طایفه یهود، و نصاری گفتند جز طایفه نصاری بگو ای پیغمبر که این شما را بس آرزویی است بگو بر این دعوی برهان آورید اگر راست میگوئید (۱۱۲) آری کسی که از هر جهت تسلیم حکم خدا گردید و نیکو کار گشت مسلم اجرش نزد خدا بزرگ خواهد بود و او را هیچ خوف و اندیشه و هیچ حزن و اندوهی در دنیا و آخرت نخواهد بود (۱۱۳) یهود بر این دعویند که نصاری را از حق چیزی در دست نیست و نصاری بر این دعوی که یهود را در صورتی که هر دو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسانند یعنی هر دو طایفه اهل کتاب آسمانی و بخواندن از آن بهره مندند اینگونه دعویها نظیر گفتار و مجادلات مردمیست که از کتاب آسمانی بی بهره اند و خداوند در این اختلافات روز قیامت حکم خواهد فرمود (۱۱۴) کیست ستمکارتر از آنکه مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید چنین گروه در مساجد مسلمین در نیابند جز آنکه بر خود از اعمال زشت خویش ترسان باشند، این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بزرگ (۱۱۵) مشرق و مغرب هر دو ملک خدا است پس بهر طرف روی کنید بسوی خدا روی آورده اید خدا بهمه جا محیط و بهر

چیز داناست (۱۱۶) و گروهی بدروغ گفتند که خدا دارای فرزند است او پاک و منزه از آن است بلکه هر چه در آسمانها و زمین است ملک اوست و همه فرمانبردار اویند (۱۱۷) او آفریننده آسمانها و زمین است و چون اراده آفریدن چیزی کند بمحض آنکه بگوید موجود باش موجود خواهد شد (۱۱۸) این مردم نادان اعتراض کردند که چرا خداوند با ما سخن نگوید یا معجزه و کتابی بر ما نفرستد پیشینیان هم بمانند اینان از روی نادانی چنین سخنان میگفتند دلهایشان در بی فهمی بهم شبیه است ما ادله رسالت و علائم رسولان حق را برای اهل یقین بخوبی روشن گردانیدیم (۱۱۹) ای پیغمبر ما تو را بحق فرستادیم که مردم را بنعمت بهشت جاوید مژده دهی و از عذاب جهنم بترسانی و تو پس از انجام رسالت و اتمام حجت دیگر مسئول کافران که براه جهنم رفتند نیستی (۱۲۰) هرگز یهودیان و نصاری از تو راضی و خشنود نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آئین آنها کنی چنانچه بتو اظهار آن کنند بگو ای پیغمبر راهی که خدا بنماید بیقینراه حق تنها همانست و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را بیقین دریافتی دیگر اصلش خدا یار و یاور تو نخواهد بود (۱۲۱) کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آنگاه کتاب را خوانده و حق خواندن را در مقامعمل نیز بجای آوردند آنان بحقیقت اهل ایمانند و آنها که بکتاب خدا کافر شدند و نسبت بدان حق شناسی نکردند آن گروه زیانکاران عالمند (۱۲۲) ای بنی اسرائیل بیاد آرید نعمتی که بشما عطا کردم و اینکه من شما را فضیلت و برتری دادم بر همه مردم (۱۲۳) و بترسید از روزی که هر کس جز جزای عمل خود در آن روز نبیند و کسی را بجای دیگری مجازات نکنند و از هیچکس فدائی پذیرفته نشود و شفاعت کسی سودمند نبود و کسی را یآوری نباشد (۱۲۴) بیاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند مانند اعمال حج و کشتن فرزند و افتادن در فتنه آتش نمود و غیره امتحان فرمود او همه را بجای آورد خدا بدو گفت من تو را به پیشوائی خلق برگزینم ابراهیم عرض کرد این پیشوائی را بفرزندان من نیز عطا خواهی کرد فرمود آری اگر عادل و صالح و شایسته آن باشند که عهدمن هرگز بمردم ستمکار نخواهد رسید (۱۲۵) بیاد آر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امر دین خلق مقرر داشتیم و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسمعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت ببردازید و از هر پلیدی پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان بطواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا بجای آرند (۱۲۶) و چون ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلش را که بخدا و روز قیامت ایمان آورده اند فراوان گردان خداوند خواهش ابراهیم را اجابت کرد و فرمود هر که با وجود این نعمت سپاس نگذاشت و راه کفر پیمود گرچه او را در دنیا اندکی بهره مند کنیم لیکن در آخرت ناچارش معذب به آتشدوزخ گردانم که بدترین منزلگاهست (۱۲۷) و وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه مکه را برافراشتند و عرض کردند پروردگارا این خدمت از ما قبول فرما توئی که دعای خلق را اجابت کنی و به اسرار همه دانائی (۱۲۸) ابراهیم و اسمعیل عرض کردند پروردگارا دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را هم به تسلیم و رضای خود بدار و راه پرستش و طاعت را بما بنما و بر ما وظیفه بندگی را سهل و آسان گیر که تنها توئی بخشاینده و مهربان (۱۲۹) پروردگارا فرزندان ما را شایسته آن گردان که از میان آنان رسولی برانگیزی که بر مردم تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را از هر نادانی و زشتی پاک و منزه سازد توئی که در همه عالم هر کار خواهی بر آن قدرت و علم کامل داری (۱۳۰) هیچکس از آئین پاک ابراهیم روی نگرداند بجز ناکس و مردم بیخرد زیرا ما ابراهیم را در دنیا بشرف رسالت برگزیدیم و البته در آخرت هم از شایستگانست (۱۳۱) آنگاه گرامی گردید که خداوند باو فرمود ای ابراهیم سر بفرمان خدا فرود آور عرض کرد مطیع فرمانم (۱۳۲) ابراهیم و یعقوب بفرزندان خود راجع بتسلیم بودن به فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند بدینگونه که ای فرزندان ما خدا شما را باین پاک برگزید از آن آئین پیروی کنید و تا گاه جان سپردن الا تسلیم رضای خدا نباشید (۱۳۳) شما کی و کجا حاضر بودید؟ هنگامی که یعقوب را مرگ در رسید و بفرزندان خود گفت که شما پس از مرگ من که را میپرستید؟ گفتند خدای تو را و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اوئیم (۱۳۴) آن گروه که در گذشتند هر کار نیک و بد کردند برای خود و شما هر

چه کنید برای خویش خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود پس شما در نیک و بد گذشتگان گفتگوی بسیار مکنید بیشتر به نیکوکاری و نیکی خود پردازید (۱۳۵) یهود و نصاری بمسلمانان گفتند که باین ما در آئید تا راه راست یافته و طریق حق پوئید ای پیغمبر بگو در جواب آنها که ما دین اسلام را که آئین ستوده ابراهیم است پیروی میکنیم که پاک و منزّه از شرک است (۱۳۶) بگوئید که ما مسلمین ایمان بخدا آورده ایم و بدان کتابی که بر پیغمبر ما فرستادند و بانچه بر پیغمبران گذشته چون ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او موسی و عیسی فرستادند و بهمه آنچه بر پیغمبران از جانب خدا آوردند بهمه عقیده مندیم و میان هیچیک از پیغمبران فرق نگذاریم و بهر چه از جانب خدا است گرویده و تسلیم فرمان او هستیم (۱۳۷) پس اگر بانچه شما ایمان آوردید یهود و نصاری نیز ایمان آوردند راه حق یافته اند و اگر از حق روی بگردانند و آئین شما نپذیرند شک نیست که آنها بخلاف حق یعنی بر باطل خواهند بود شما دل قوی دارید که خداوند از شر و آسیب آنها شما را نگاه میدارد چه او دعای اهل ایمان میشوند و بحال همه آگاه است (۱۳۸) رنگ آمیزی خدا است که بما مسلمانان رنگ فطرت ایمان و سیرت توحید بخشیده، هیچ رنگی خوشتر از ایمان بخدای یکتا نیست و ما او را بی هیچ شائبه شرک پرستش میکنیم (۱۳۹) ای پیغمبر باهل کتاب بگو که شما را با ما در موضوع خدا چه جای بحث و جدال استدر صورتی که او پروردگار ما و شماست و ما مسئول کار خود و شما مسئول کردار خویش هستید چیزی که هست مائیم تنها ملتی که خدا را بیکتائی شناخته و او را از روی خلوص پرستش میکنیم (۱۴۰) یا اگر شما اهل کتاب در موضوع انبیاء با مسلمین بجدل برخاسته و گوئید که ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او بر آئین یهودیت یا نصرانیت بودند خدا مرا فرماید که پاسخ ده که شما بهتر میدانید یا خدا؟ و کیست ستمکارتر از آنکه شهادت خدا را در باره این انبیاء کتمان کند یا گواهی خدا را برسالت محمد صدر کتب آسمانی مخفی دارد تا نبوت او را انکار کند و خدا غافل از آنچه می کنید نیست (۱۴۱) آن گروه پیشین از پیغمبران و امتان همه در گذشتند هر چه کردند برای خود کردند و شما نیز هر چه کنید بسود خویش کنید و شما مسئول کار آنان نخواهید بود (۱۴۲) مردم سفیه بیخرد خواهند گفت چه موجب آن شد که مسلمین از قبله ای که بر آن بودند بیت المقدس روی بکعبه آوردند بگو ای پیغمبر مشرق و مغرب خدای راست و هر که را خواهد او براه راست هدایت کند (۱۴۳) و ما همچنان شما مسلمین را باین اسلام هدایت کردیم و باخلاق معتدل و سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و سرمشق درستی خلق تا نیکی و درستی را سایر ملل عالم از شما بیاموزند چنانچه پیغمبر را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید و ای پیغمبر ما قبله ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر بر اینکه بیازمائیم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی کنند از آنانکه بمخالفت او برخیزند و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان بخدا و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند که خدا بخلق مشفق و مهربانست (۱۴۴) ما توجه تو را بر آسمان بانتظار وحی و تغییر قبله بنگریم و البته روی تو بقبله ای که بدان خشنود شوی بگردانیم پس روی کن بطرف مسجد الحرام و شما مسلمین نیز هر کجا باشید در نماز روی بدان جانب کنید و گروه اهل کتاب بخوبی میدانند که این تغییر قبله بحق و راستی از جانب خداست نه بدلخواه کس و خدا از کردار آنها که مطیع و نیکوکار یا منافق و زشت رفتارند غافل نیست (۱۴۵) و تو ای پیغمبر محققا بدان که اگر هر قسم معجزه ای برای اهل کتاب بیاوری پیروقبله تو نشوند و تو نیز تبعیت از قبله آنان نخواهی کرد و بعضی ملل تابع قبله برخی دیگر نشوند. و اگر تو یعنی پیروانت تابع دلخواه و هوسهای جاهلانه آنها شوی بعد از آنکه از جانب خدا علم یافتی در این صورت البته از گروه ستمگران خواهی بود (۱۴۶) گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم یهود و نصاری محمد (ص) و حقانیت او را بخوبی میشناسند بدان گونه که فرزندان خود را ولیکن گروهی از آنان از راه عناد حق را کتمان میکنند در صورتی که علم بدان دارند (۱۴۷) حق همانست که از طرف خدا بسوی تو آمد و دیگران بر باطلند هیچ شبهه بدل راه مده (۱۴۸) هر کسی را راهی است بسوی حق یا قبله ایست در دین خود که بدان راه یابد و بدانقبله روی آورد پس بشتابید بخیرات و عبادات که هر کجا باشید همه شما را خداوند بعرصه محشر خواهد آورد محققا خدا بر هر چیز تواناست (۱۴۹) و از هر کجا و بسوی هر دیار بیرون شدی ای پیغمبر

در نماز روی بطرف کعبه آورچون این دستور قبله بر وجه صواب و بامر خداست و خدا از کار شما غافل نیست (۱۵۰) و ای رسول از هر جا و بهر دیار بیرون شدی روی بجانب کعبه کن و شما مسلمین همبهر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم بحجت و مجادله بر شما زبان نگشایند جز گروه ستمکار و معاند با اسلام که از جدل و گفتگوی آنان هم نیندیشید و از نافرمانی من بترسید و بفرمان من باشید تا نعمت و رحمت را برای شما بحد کمال رسانم و باشد که بطریق حق و صواب راه یابید (۱۵۱) چنانکه رسول گرامی خود را بر خلق فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزه گرداند و بشما تعلیم شریعت و حکمت دهد و از او هر چه را نمیدانید بیاموزید (۱۵۲) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپس شکر نعمت من بجای آرید و کفران نعمت مکنید (۱۵۳) ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و بذکر خدا و نماز توسل جوئید که خدا یاور صابران است (۱۵۴) و آن کسی را که در راه خدا کشته شد مرده نپندارید بلکه او زنده ابدی است ولیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت (۱۵۵) و البته شما را بسختی ها بیازمائیم چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمائیم و بشارت و مژده آسایش از آن سختیها صابران راست (۱۵۶) آنانکه چون بحادثه سخت و ناگواری دچار شوند صبوری پیش گرفته و گویند ما بفرمان خدا آمده ایم و باز بسوی او رجوع خواهیم کرد (۱۵۷) آن گروهند مخصوص بدرود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آنها بحقیقت بسوی خدا هدایت یافتگانند (۱۵۸) سعی صفا و مروه از شعائر دین خداست پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره بجای آورد باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه نیز بجای آرد و هر کس براه خیر و نیکی شتابد خدا پاداش وی خواهد داد که او بهمه امور خلق عالم است (۱۵۹) آن گروه اهل کتاب که آیات واضحه ای را که برای راهنمایی خلق فرستادیم کتمان نموده و بعد از آنکه برای هدایت مردم در کتاب بیان کردیم پنهان داشتند آنها را خدا و تمام جن و انس و ملک نیز لعن میکنند (۱۶۰) مگر آنهایی که توبه کردند و به اصلاح مفاسد اعمال خود پرداختند و برای مردم آنچه را که کتمان میکردند بیان کردند پس توبه این گروه را می پذیریم که منم توبه پذیر گنهکاران و مهربان بخلق (۱۶۱) آن کسانی که کافر شده و بعقیده کفر مردند البته بر آن گروه خدا و همه فرشتگان و مردمان لعن میفرستند (۱۶۲) همیشه در جهنم بعذاب و شکنجه اند نه بر آنان تخفیف عذاب دهند و نه بنظر رحمت بنگرند (۱۶۳) و خدای شما خدای یکتاست نیست خدائی مگر او که بخشاینده و مهربانست (۱۶۴) محققا در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی ها که بروی آب برای انتفاع خلق در حرکتست و بارانی که خدا از بالا فرورستاد تا بدان آب زمین رابعد از مردن و نابود شدن گیاه آن زنده کرد و سبز و خرم گردانید و در برانگیختن انواع حیوانات در زمین و در وزیدن بادهای بهر طرف و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است و به اراده خدا در حرکت است در همه این امور عالم چون همه با نظم و حکمت است برای عاقلان ادله ای واضح بر علم و قدرت و حکمت و رحمت آفریننده است (۱۶۵) برخی از مردم نادان غیر خدا را چون بتان و مدعیان باطل را همانند خدا گیرند و چنان که خدا را بایست دوست داشت بدان بتان دوستی ورزند لیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط بخدا مخصوص دارند و اولیاء خدا و اگر فرقه مشرکان ستمکار بدانند وقتی که عذاب خدا را مشاهده کنند که قدرت و توانائی خاص خداست از شرک خود سخت پشیمان شوند و عذاب خدا مشرکان را بسیار سخت است (۱۶۶) هنگامی که بیزاری جویند روسا و پیشوایان باطل از پیروان خود و عذاب خدا را مشاهده کنند و هر گونه وسیله و اسباب از آنها قطع شده و هیچ رواب باطل بجا نماند (۱۶۷) آنگاه پیروان آن پیشوایان باطل از روی پشیمانی و حسرت گویند کاش دیگر بار بدنیا باز میگشتیم و از اطاعت اینان بیزاری می جستیم چنانکه اینها گرهی از کار ما نگشوده و از ما بیزاری جستند، اینگونه خدا کردار زشت جاهلانها آنها را مایه حسرت و پشیمانی آنان کند و آنها را از عذاب آتش جهنم نجات نباشد (۱۶۸) ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید و پیروی نکنید و ساوس شیطان را محققا شیطان از برای شما دشمن آشکار است (۱۶۹) این دشمن است که بشما دستور بدکاری و زشتی میدهد و بر آن میگمارد که سخنانی از روی جهل و نادانی مانند شرک و جبر و ظلم بخدا نسبت دهید (۱۷۰) و

چون کفار را گویند پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود، آیا بایست آنها تابع پدران باشند در صورتی که آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز بحق و راستی راه نیافته اند؟ (۱۷۱) و مثل کافران در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن چون حیوانی است که آوازش کنند از آن آواز معنائی درک نکرده و جز صدائی نشنود کفار هم از شنیدن و گفتن و دیدن حق کر و گنگ و کورند زیرا عقل خود را کار نمی بندند و فکر و تعمق در آیات حق نمیکنند (۱۷۲) ای اهل ایمان روزی حلال و پاکیزه که ما نصیب شما کرده ایم بخورید و شکر خدا را بجای آرید و تنها سپاس او گوئید اگر شما خالص خدا را میپرستید (۱۷۳) به تحقیق منحصر خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و هر ذبیحه را که با اسم غیر خدا کشته باشند پس هر کس که بخوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و از اندازه سد رمق نیز تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود که بقدر احتیاج صرف کند که محققا خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است (۱۷۴) آنانکه از یهود و غیره پنهان داشتند آیاتی از کتاب آسمانی را که خدا در بعثت محمد (ص) فرستاده بود و آن را ببهای اندک فروختند جز آتش جهنم نصیب آنها نباشد و در قیامت خدا از خشم با آنها سخن نگوید و از پلیدی عصیان پاک نگرداند و هم آنان را در قیامت عذاب دردناک خواهد بود (۱۷۵) آنها همان گروهند که اختیار کردند ضلالت و گمراهی را بجای لطف و هدایت و عذاب خدا را بجای آمرزش و رحمت چقدر بر آتش جهنم سخت جان و پرتاقتند (۱۷۶) حق اینست که خدا کتاب آسمانی را براستی فرستاد و گروهی که در آن اختلاف و مکابره کردند در اختلافی دور از حق خواهند بود (۱۷۷) نیکوکاری بدان نیست که روی بجانب مشرق یا مغرب کنید چه این چیز بی اثری است این آیه رد بر یهود و نصاری است لیکن نیکوکار کسیست که بخدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آرد و دارائی خود را در راه دوستی خدا بخویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز بپا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته بموقع خود وفا کند و در کارزار و سختیها صبور و شکیبیا باشد و بوقت رنج و تعب صبر پیشه کند کسانی که بدین اوصاف آراسته اند آنها بحقیقت راستگویان عالم و آنها پرهیزکارانند (۱۷۸) ای اهل ایمان برای شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد را در مقابل مرد آزاد و بنده را بجای بنده و آن را بزن قصاص توانید کرد و چون صاحب خوناز قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد بدون دیه یا بگرفتن دیه کاریست نیکو پس دیه را قاتل در کمال رضا و خشنودی ادا کند در این حکم تخفیف و آسانی امر قصاص و رحمت خداوندی است پس از این دستور هر که از آن سرکشی کند و بقاتل ظلم و تعدی روا دارد او را عذاب سخت خواهد بود (۱۷۹) ای عاقلان حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل یکدیگر پرهیزید (۱۸۰) دستور داده شد که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان بچیزی شایسته عدل، این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است (۱۸۱) پس هر گاه کسی پس از شنیدن وصیت آن را تغییر دهد و بمنافع اشخاص بر خلاف حقیقت رفتار کند گناه این کار بر آنهاست که عمل بخلاف وصیت کنند و خداوند بهر چیز که خلق گویند و کنند شنوا و داناست (۱۸۲) و هر کس چنین پندارد که از وصیت موسی بوارث او جفا و ستمی رفته و به اصلاح آن پردازد بر او گناهی نیست بلکه ثواب کرده اگر چه به اشتباه و خطا رفته باشد چه آنکه نیک اندیشی قصد داشته زیرا خداوند آمرزنده گناه خلق و در حق همه مهربانست (۱۸۳) ای اهل ایمان بر شما هم روزه داشتن فرض گردید چنانکه امم گذشته را فرض شد و این دستور برای آنست که پاک از شهوات پست حیوانی شده و پرهیزکار شوید (۱۸۴) روزهائی بشماره معین روزه دارید تمام ماه رمضان و هر کس از شما مریض باشد یا مسافر بشماره آن از روزهای غیر ماه رمضان چون حاضر و سالم شود روزه دارد و کسانی که روزه را بزحمت و مشقت توانند داشت چون مردان پیر و آنان حامله و شیرده و غیره عوض هر روز فدا دهد یکمدا طعام آنقدر که فقیر گرسنه ای سیر شود و هر کس بر نیکی بیفزاید و بیش از یک گرسنه سیر کند این رفتار بسیار برای او بهتر است و بی تعلل روزه داشتن شما را از هر کار برای صفای روح و سلامت بدن بهتر خواهد بود اگر فوائد بی شمار این عمل را بدانید (۱۸۵) ماه رمضان

ماهی است که قرآن در آن نازل شده است برای هدایت بشر و برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل پس هر که دریابد ماه رمضان را روزه بدارد و هر کس ناخوشیا در سفر باشد بشماره آنچه روزه خورده است از ماه های دیگر روزه دارد که خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است تا اینکه عدد روزه را تکمیل کرده خدا را بعظمت یاد کنید که شما را بدین اسلام هدایت فرمود، باشد که از این نعمت بزرگ سپاسگزار گردید (۱۸۶) و چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسند بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود هر که مرا خواند دعای او اجابت کنم پس بایست دعوت مرا و پیغمبران مرا بپذیرند و به من بگروند باشد تا بسعادت راه یابند (۱۸۷) برای شما حلال شد در شبهای ماه رمضان مباشرت با زنان خود که آنها جامه ستر و عفاف شما هستند و شما نیز لباس عفت آنها هستید و خدا دانست که شما در کار مباشرت آنان بنافرمانی و اطاعت شهوت نفس خود را در ورطه گناه میافکنید لذا از حکم حرمت واقعه در شبهای رمضان در گذشت و گناه شما را بخشید از اکنون در شب رمضان رواست که با زنهای خود بحلال مباشرت کنید و از خداوند آنچه مقدر فرموده بخواهید و رواست بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خب سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد پس از آن روزه را پایان رسانید تا اول شب و با آنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت مکنید این احکام حدود و دین خداست آنها در آن راه مخالفت میوئید خدا اینگونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید تا باشد که پرهیزکار شوند (۱۸۸) مال یکدیگر را بناحق مخورید و کار را بمحاکمه قاضیان نیفکنید که بوسیله رشوه و زور پاره ای مال مردم را بخورید با اینکه شما بطلان دعوی خود میدانید (۱۸۹) ای پیغمبر از تو سوال کنند که سبب بدر و هلال ماه چیست جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است و نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار بخانه در آید چه اینکار ناشایسته است نیکوئی آنست که پارسا باشید و بهر کاراز راه آن داخل شوید و تقوی پیشه کنید باشد که رستگار شوید (۱۹۰) در راه خدا با آنانکه بجننگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید لیکن ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد (۱۹۱) هر جا مشرکان را یافتید بقتل رسانید و از شهرهاشان برانید چنانکه آنان شما را از وطن آواره کردند و فتنه گری که آنها کنند سختتر و فسادش بیشتر از جنگاست و در مسجد الحرام با آنها قتال مکنید مگر آنکه آنها پیش دستی کنند در این صورت رواست که در حرم آنها را بقتل رسانید این است کیفر کافران (۱۹۲) اگر دست از شرک و ستم بدارند از آنها در گذرید که خدا آمرزنده و مهربانست (۱۹۳) و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آئیندین خدا باشد و اگر از فتنه و جنگ دست کشیدند با آنها عدالت کنید که ستم جز بر ستمکاران روا نیست (۱۹۴) ماه های حرام را در مقابل ماه های حرام قرار دهید که اگر حرمت آن نگاه نداشته و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید پس هر که بجور و ستمکاری شما دست دراز کند او را بمقاومت از پای در آورید بقدر ستمی که بشما رسیده یعنی بعدل با ظلم کافران مقاومت کنید و از خدا بترسید و بدانید که یاری خدا با پرهیزکاران است (۱۹۵) از مال خود در راه خدا انفاق کنید لیکن نه بحد اسراف و خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید و نیکوئی کنید که خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۱۹۶) همه اعمال حج و عمره را برای خدا پایان رسانید و اگر ترس و منعی پیش آید فرستادن قربانی که کاری سهل است بجا آرید، و سر متراشید تا آنگاه که قربانی شما بمحذذبح برسد و هر کس بیمار باشد یا در دسر شود سر بتراشد و از آن فدا کند بروزه داشتن یا صدقه دادن یا کشتن گوسفند، پس از آن که ترس و منع برطرف شود هر کس از عمره تمتع، بحج باز آید هر چه میسر و مقدور اوست از جنس شتر و گاو و گوسفند آنجا قربانی کند و هر کس بقربانی تمکن نیافت سه روز روزه بدارد در ایام حج و هفت روز هنگام مراجعت که ده روز تمام شود این عمل بر آن کس است که اهل شهر مکه نباشد ای بندگان باین احکام عمل کنید و از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که عذاب خدا سخت است (۱۹۷) حج واجب در ماه های معین است شوال، ذیقعد و ده روز اول ذیحجه پس هر که راحج واجب شود بایست آنچه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کار ناروا مانند دروغ و مجادله و بدگوئی و گفتن لا و الله و بلی و الله را ترک کند و شما هر کار نیک کنید خدا بر آن آگاهست و توشه تقوی برای راه آخرت بگیرید که بهترین توشه این راه تقوی است و از من پرهیزید و خدا ترس شوید ای

صاحبان عقل و ادراک (۱۹۸) باکی نیست که شما در هنگام حج کسب معاش کرده و از فضل خدا روزی طلید پس آنگاه که از عرفات باز گشتید در مشعر ذکر خدا کنید و بیاد خدا باشید که شما را پس از آنکه بضلالت کفر بودید براه هدایت آورد (۱۹۹) بعد از آن بطریقی که همه مسلمین باز گردند رجوع کنید بعرفات و از خدا طلب آموزش کنید که خداوند آمرزنده و مهربانست (۲۰۰) آنگاه که اعمال حج بجا آوردید شما هم مانند پدران خود بلکه بیش از پدران خدا را یاد کنید و هر حاجت دنیا و آخرت را از خدا خواهید بعضی مردم کوتاه نظر از خدا تمنای متاع دنیوی تنها کنند و آنان را از نعمت آخرت نصیبی نیست (۲۰۱) و بعضی دیگر گویند بار خدایا ما را از نعمتهای دنیا و آخرت هر دو بهره مند گردان و از شکنجه آتش دوزخ نگاه دار (۲۰۲) هر یک از این دو فرقه یعنی طالبان دنیا و طالبان عقبی بهره مند خواهند گشت از نتیجه اعمال خود و خدا بحساب همه زود رسیدگی کند (۲۰۳) خدا را یاد کنید بذکر تکبیر بعد از نماز خصوص در چند روزی معین یعنی ایام تشریق قدر منا و عرفات که آنجا تنها باید بیاد خدا و ذکر حق پرداخت و باکی نیست که دو روز حرکت از صحرای منا را مقدم یا موخر دارد آن کس که از هر گناه یا در خصوص آنان و صید حرام پرهیز کار بود که، و از خدا بترسید و بدانید که بسوی خدا باز خواهید گشت (۲۰۴) بعضی مردم مانند اخنس بن شریق که یکی از منافقان بود از گفتار دلفریب خود تو را بشگفت آرند که از چرب زبانی و دروغ بمتاع دنیا رسند و از نادرستی و نفاق خدا را براستی خود گواه گیرند و این کس بدترین دشمن اسلامست (۲۰۵) چون از حضور تو دور شود و قدرت یابد کارش فتنه و فساد است بکوشد تا حاصل خلقیاد فنا دهد و نسل بشر را قطع کند و خداوند مفسدان را دوست ندارد و هرگز در مشیت ازلی نخواسته که فساد کنند (۲۰۶) و چون او را باندرز و نصیحت گویند از خدا بترس و ترک فساد کن غرور و خودپسندی او را به بدکاری برانگیزد که نصیحت نشود جهنم او را کفایت کند که بسیار آرامگاه بدیست (۲۰۷) بعضی مردانند مراد علی (ع) است که از جان خود در راه رضای خدا در گذرند مانند شبی که علی (ع) بجای پیغمبر (ص) در بستر خوابید و خدا دوستدار چنین بندگانش (۲۰۸) ای اهل ایمان همه متفقا نسبت باو امر خدا در مقام تسلیم در آئید و از وساوس تفرقه آور شیطان پیروی مکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است (۲۰۹) پس اگر باز براه خطا رفتید با وجود آنکه ادله روشن از جانب خدا برای راهنمایی شما آمد در اینصورت بدانید که خدا بر انتقام خطاکاران توانا و بهمه امور عالم داناست (۲۱۰) آیا کافران که با این ادله روشن ایمان نمیآورند انتظار آن دارند که خدا با ملائکه در پرده های ابر بر آنها نازل شود و حکم قهر خدا بکیفر کافران روزی فرا رسد و بسوی خدا باز گردد همه کارها (۲۱۱) ای پیغمبر از بنی اسرائیل سوال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم هر کس پس از آنکه نعمت هدایتی که خداوند باو داد آن را بکفر مبدل کند بداند که عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است (۲۱۲) حیات عاریت و متاع دنیوی در نظر کافران جلوه نمود که اهل ایمان را فسوس و مسخره میکنند ولی مقام تقوی پیشگان روز قیامت بسی برتر از کافران است و خدا بهر که خواهد روزی بیحساب بخشد (۲۱۳) مردم یک گروه بودند خدا رسولان را فرستاد که نیکان را بشارت دهند و بدان را بترسانند و با آنها کتاب براستی فرستاد تا تنها دین خدا بعدالت در موارد نزاع مردم حکم فرما باشد سپس همان گروه که بر آنان کتاب آسمانی آمد نه غیر آنها برای تعدی بحقوق یکدیگر در کتاب حق شبهه و اختلاف افکندند پس خدا بلطف خود اهل ایمان را از آن ظلمت شبهات بنور حق هدایت فرمود، و خداوند هر که را بخواهد راه راست بنماید (۲۱۴) گمان کردید که به بهشت داخل شوید بدون امتحاناتی که پیش از شما بر گذشتگان آمد که بر آنان رنج و سختیها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آنگاه که رسول و گروندگان باو از شدت غم و اندوه از خدا مدد خواسته و عرض کردند بار خدایا کی باشد که ما را یاری کنی و از این سختیها نجات بخشی در آن حال بر رسول خطاب شد هان بشارت ده که همانا یاری خدا نزدیک خواهد بود (۲۱۵) ای پیغمبر از تو سوال کنند در راه خدا چه انفاق کنیم؟ بگو هر چه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و فقیران و راهگزاران رواست و هر نیکوئی کنید خدا بر آن آگاهست (۲۱۶) حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است لیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی بحقیقت خیر و صلاح در آن بوده و چه بسیار شود

که چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند بمصالح امور داناست و شما نادانید (۲۱۷) ای پیغمبر مردم از تو راجع بجنگ در ماه حرام سوال کنند بگو گناهی است بزرگولی بازداشتن خلق از راه خدا و کفر بخدا و پایمال کردن حرمت خدا و بیرون کردن اهل حرم که مشرکان مرتکب شدند بسیار گناه بزرگتری است و فتنه گری فسادانگیزتر از قتل است و کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند و هر کس از شما از دین خود برگردد و بحال کفر باشد تا بمیرد چنین اشخاص اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده و آنان اهل جهنمند و در آن همیشه معذب خواهند بود (۲۱۸) آنانکه بدین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند که خدا بر آنها بخشاینده و مهربانست (۲۱۹) ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار میپرسند بگو در این دو کار گناه بزرگی است و سودهائی ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آنست و نیز سوال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند؟ جواب ده آنچه زائد بر ضروری زندگانی است، خدا بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند باشد که تفکر و عقل بکار بندید (۲۲۰) هر چه انفاق میکنید خالص برای خدا باشد تا بحقیقت برای آسایش دنیا و آخرت خود انفاق کنید ولی نه همه مال خود را بخشید تا در دنیا برنج افتید و نه بخل ورزید تا از ثواب آخرت بی بهره بمانید و نیز سوال کنند تو را که با یتیمان چگونه رفتار کنید جواب ده که به اصلاح حال و مصلحت مال آنها کوشید بهتر است تا آنها را بی سرپرست گذارید و اگر با آنها آمیزش کنید روا است که برادران دینی هستید و خدا آگاهست از آنکه در کار آنان افساد و نادرستی کند و آنکه صلاح و درستی نماید خدا برای شما در امر یتیمان آسان گرفت و اگر میخواستی کار را بر شما سخت کردی چه آنکه خدا بهر کار توانا و داناست (۲۲۱) با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر که ایمان آرند و همانا کنیزکی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از حسن و جمال او بشگفت آئید و زن بمشکران ندهید مگر آنکه ایمان آرند و همانا بنده مومن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش بشگفت آئید، مشرکان شما را از راه جهل و ضلالت باتش دوزخ خوانند و خدا از راه لطف و مرحمت به بهشت و مغفرت دعوت کند و خداوند برای مردم آیات خویش بیان فرماید باشد که هشیار و متذکر گردند (۲۲۲) و سوال کنند تو را از عادت شدن زنان بگو آن رنجی است برای آنان در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید تا آنکه پاک شوند چون طهارت یافتند از آنجا که خدادستور داده بانها نزدیک شوید که همانا خدا آنان را که پیوسته بدرگاهش توبه و انابه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آلایش را دوست میدارد (۲۲۳) زنان شما کشتزار شما نیستند پس برای کشت فرزند صالح بانها نزدیک شوید هر گاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی برای ذخیره آخرت پیش فرستید و خداترس باشید و بدانید که محققا شما نزد خدا خواهید رفت و ای رسول تو بنعمتهای بهشت اهلایمان را بشارت ده (۲۲۴) و زنهار نام خدا را هدف سوگندهای خود نکنید تا آنکه با قسمهای راست و دروغ مردم را بر شماست براثت جوئید و خود را پرهیزکار قلم دهید و مصلحیمان مردم شوید و برسید که خدا راست و دروغ مردم را میشنود و نیک و بد خلق میداند (۲۲۵) خدا از سوگندهای لغو شما را مواخذه نکند و لیکن بانچه در دل دارید مواخذه خواهد کرد و خدا آمرزنده و بسیار بردبار است (۲۲۶) آنانکه با زنان خود ایلاء کنند یعنی سوگند خورند بر ترک مباشرت با آنها چهارماه انتظار کشند اگر باز گشتند خداوند آمرزنده و مهربانست (۲۲۷) و اگر عزم طلاق نمودند خدا بگفتار و کردارشان شنوا و داناست (۲۲۸) زنهایی که طلاق داده شدند از شوهر نمودن خودداری کنند تا سه پاکی بر آنان بگذرد و حیض یا حملی که خدا در رحم آنها آفریده کتمان نکنند اگر بخدا و روز قیامت ایمان دارند و شوهران آنها در زمان عده حق دارند که آنها را بزنی خود بازرجوع دهند اگر که نیت خیر و سازش دارند نه آزار و ناسازگاری و زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود و خدا بر هر چیز توانا و بهمه امور عالم داناست (۲۲۹) طلاق که شوهر رجوع در آن تواند کرد دو مرتبه است پس آن گاه که طلاق داد یارجوع و نگهداری آن کند بخوشی و سازگاری یا رها کند به نیکی و خیر اندیشی و حلال نیست که چیزی از مهر آنان بجور بگیریید مگر آن که برسید که حدود دین خدا را راجع باحکام

ازدواج نگاه ندارند در چنین صورت زن هر چه از مهر خود بشوهر برای طلاق ببخشد بر آنان روا باشد. این احکام حدود دین خداست از آن سرکشی مکنید کسانی که از احکام خدا سرپیچند آنها خود بحقیقت ستمکارانند (۲۳۰) پس اگر آن را طلاق سوم داد روا نیست که آن زن و شوهر دیگر بار رجوع کنند تا اینکه آن بدیگری شوهر کند اگر آن شوهر دوم آن را طلاق داد آن با شوهر اول که سه طلاق داده توانند بزوجیت باز گردند اگر گمان برند که از این پس احکام خدا را راجع بامر ازدواج نگاه خواهند داشت این است احکام خدا که برای مردمانا بیان میکند (۲۳۱) هر گاه زنان را طلاق دادید بایستی تا نزدیک پایان زمان عده یا آنها را بخوشی و سازگاری در خانه نگاه دارید و یا ببنیکی رها کنید و روا نیست که آنان را بازار نگهداشته تا بر آنها ستم کنید یعنی تعدی بحقوق و کابین آنها کنید هر کس چنین کند همانا بر خود ظلم کرده و آیات خدا را افسوس و سخریه بگیرید و بیاد آورید نعمت خدا را که بشما لطف فرمود و خصوص نعمت بزرگ کتاب آسمانی و حکمت الهی را که بشما فرستاد تا شما را به پند و اندرز آن بهره مند گرداند و خدا ترس باشید و بدانید که خداوند بهمه چیز آگاهست (۲۳۲) و چون آنان را طلاق دادید و زمان عده آنها پایان رسید نباید که آنها را از شوهر کردن منع کنید هر گاه بطریق مشروع بازدواج با مردی تراضی کنند. بدینسخن پند گیرد هر کس بخدا و روز باز پسین ایمان آورده این دستور برای تزکیه نفوس شما بهتر و نیکوتر است چه آن که خدا بمصلحت شما داناست و شما خیر و صلاح خود نمیدانید (۲۳۳) و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند آن کس که خواهد فرزند را شیر تمام دهد و بعهده صاحب فرزند یعنی پدر است که خوراک و لباس مادر را بحد متعارف بدهد هیچکس را تکلیف جز باندازه طاقت نکنند نه باید مادر در نگهداری فرزند بزیان و زحمت افتد و نه پدر بیش از متعارف برای کودک متضرر شود و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او بمتعارف قیام کند و هر گاه زن و شوهر برضایت خاطر یکدیگر و مصلحت دید هم جدائی طفل را اختیار کنند هر دو رارواست و اگر خواهند که مادران فرزندان را شیر دهند آن هم روا باشد در صورتی که مادر را حقوقی بمتعارف بدهید و از خدا بترسید و بدانید که خدا از کردار شما کاملاً آگاهست (۲۳۴) مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند آن زنان باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد پس از انقضای این مدت بر شما گناهی نیست که آنان در حق خویش کاری شایسته کنند یعنی با دیگری ازدواج کنند و خداوند از کردارشان آگاهست (۲۳۵) باکی نیست برای شما که بخواستگاری آن زنان برآئید یا نیت ازدواج را در دل داشته بدون هیچ اظهار تنها خدا داند که از این پس از دل بزبان خواهید آورد و لیکن عده با آنها پنهان قرار و پیمانی نگذارید مگر آن که سخنی بمیزان شرع گوئید ولی عزم عقد و ازدواج مکنید تا زمان عده آنها منقضی شود و بدانید که خداوند از نیت درونی شما آگاهست از او بترسید و نیت بد هم مکنید و بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است (۲۳۶) باکی برای شما نیست اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته اید ولی آنها را به چیزی بهره مند سازید دارا بقدر خود و نادر بقدر خویش به بهره شایسته او که سزاوار مقام نیکوکاران این است (۲۳۷) و اگر زنهایی را طلاق دهید پیش از آنکه با آنها مباشرت کرده باشید در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که تعیین کرده اید بانها بدهید مگر آنکه آنها خود یا کسی که امر نکاح بدست اوست پدر و جد از آن حق درگذرند و اگر درگذرند بتقوی و خداپرستی نزدیکتر است و فضیلت‌هایی که در نیکوئی بیکدیگر است فراموش مکنید و بدانید که خداوند بهر کار نیک و بد شما آگاهست (۲۳۸) باید در هر نماز توجه کامل داشته باشید خصوص نماز وسطی بنظر اکثر مفسرین نماز صبح است و به اطاعت خدا قیام کنید (۲۳۹) اگر شما را بیم خطری از دشمن باشد بهر حال میسر است پیاده و یا سواره نماز بجای آرید آنگاه که ایمنی یافتید با آداب و شرایط خدا را یاد کنید که او شما را بانچه میدانستید دانا گردانید (۲۴۰) مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند باید وصیت کنند که آنها را یکسال نفقه دهند و از خانه شوهر بیرون نکنند پس اگر آنها خارج شوند شما را گناهی نیست از آنچه آنها درباره خود در حدود شرع بگزینند یعنی از کسب و کار حلال و یا اختیار شوهر منعشان مکنید و خدا بر هر کار توانا و بمصالح امور خلق داناست (۲۴۱) مردان زنانی را که طلاق دهند بچیزی بهره مند کنند این کار سزاوار مردم پرهیزکار

است (۲۴۲) خدا آیات خود را برای شما بدین گونه روشن بیان کند باشد که خردمند شوید (۲۴۳) آیا ندیدید آنهایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها نبودند خدا فرمود بمیرید همه مردند سپس آنها را زنده کرد زیرا خدا را در حقبندها فضل و کرم است لیکن بیشتر مردم سپاس گزار حق نیستند (۲۴۴) جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا بگفتار و کردار خلق شنوا و داناست (۲۴۵) کیست که خدا را وام یعنی قرض الحسنه دهد تا خدا بر او بچندین برابر بیفزاید؟ و خداست که میگیرد و میدهد و خلق بسوی او همه باز میگردند (۲۴۶) ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را که پس از وفات موسی از پیغمبر وقت خود یوشع یا شمعون یا شموئیل تقاضا کردند که پادشاهی برای ما برانگیز تا بسرکردگی او در راه خدا جهاد کنیم پیغمبر آنها گفت اگر جهاد فرض شود مبادا به جنگ قیام نکرده و نافرمانی کنید. پاسخ دادند که این چگونه شود که ما به جنگ نرویم در صورتی که دشمنان ما، ما و فرزندان ما را بستم از دیارمان بیرون کردند البته همه جنگ خواهیم کرد. پس چون با درخواستهای آنها حکم جهاد بر آنان مقرر گردید بجزاندکی همه روی از جهاد گردانیدند و خدا بکردار ستمکاران آگاهست (۲۴۷) پیغمبر آنها گفت همانا خداوند طالوت را پادشاهی شما برانگیخت گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته تر از اوئیم او را مال فراوان نیست رسول در جواب آنها گفت که او از این رو بشاهی شایسته تر خواهد بود که خداوندش بر شما برگزیده و او را افزونی بخشیده در بسط دانش و توانائی تن و خدا ملک خود را بهر که خواهد بخشد که او بحقیقت توانگر و داناست (۲۴۸) پیغمبرشان بدان گروه گفت که نشانه شاهی او اینست که تابوتی که در آن سکینه خدا و الواح بازمانده از خانواده موسی و هارونست و فرشتگانش بدوش برند برای شما خواهد آورد که در آن برای شما حجتی است روشن اگر اهل ایمان باشید (۲۴۹) پس هنگامی که طالوت لشکر کشید سپاه خود را گفت همانا خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند هر آنکه از آن بیاشامد از من و هم آئین من نیست و هر آنکه هیچ نیاشامد یا کفی پیش برنگیرد از من و هم آئین من خواهد بود پس همه سپاه آشامیدند بجز عده قلیلی از آنها بدین سبب که معصیت حق کردند چون طالوت و سپاهش مواجه با دشمن شدند لشکر بیمناک گشته و گفتند ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود آنان که بقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند یعنی آن عده قلیلپاک عقیده که اطاعت کرده و از آن نهر نیاشامیدند ثابت قدم مانده و گفتند چه بسیار شده که بیاری خدا گروهی اندک بر سپاهی که بسیار غالب آمده اند خدا یار و معین صابران است (۲۵۰) چون آنها در میدان مبارزه جالوت و لشکریان او آمدند از خدا خواستند که بارپرورد گارا بما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و ما را بر شکست کافران یاری فرما (۲۵۱) پس بیاری خدا کافران را شکست دادند و داود (ع) امیر آنها جالوت را بکشت خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه میخواست بدو بیاموخت و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی انگیزد فساد روی زمین را فرا میگرفت و لیکن خدای متعال خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است یعنی جنگ هم اگر رفع شرطالمان از مظلومان باشد مصلحت نظام عالم و فضل و رحمت خداست (۲۵۲) این آیات خداست که براستی برای تو میخوانیم و همانا تو البته از جمله پیغمبران مرسل می باشی (۲۵۳) این پیغمبران را برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم بعضی با خدا سخن گفته و بعضی رفعت مقام یافته و عیسی پسر مریم را معجزات آشکار دادیم و او را بروح القدس نیرو بخشیدیم و اگر خدا میخواست پس از فرستادن پیغمبران و معجزات آشکار مردم امم و ملل با یکدیگر در مقام خصومت و قتال بر نیامدند لیکن از آن برخلاف و دشمنی با هم برخاستند که برخی ایمان آورده و بعضی کافر شدند و اگر خدا می خواست با هم بر سر جنگ و نزاع نبودند و لیکن خدا بمصلحتی که داند هر چه مشیتش تعلق گیرد خواهد کرد (۲۵۴) ای اهل ایمان از آنچه روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از آنکه بیاید روزی که کسی نه برای آسایش خود چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی بکار آید و کافران آن روز دریابند که بروزگار خود ستم بسی کرده اند (۲۵۵) خدای یکتاست که جز او خدائی نیست زنده و پاینده است هرگز او را کسالت خواب فرا نگیرد تا چه رسد که بخواب رود اوست مالک آنچه در آسمانها و آنچه در زمیناست که را این جرت است که در پیشگاه او بشفاعت برخیزد مگر بفرمان و اجازه او علم ازلی او محیط است بانچه از

ازل پیش نظر خلق بوجود آمده است و آنچه سپس تا ابد موجود خواهد شد و خلق بهیچ مرتبه علم او احاطه نتوانند کرد مگر بآنچه او خواهد، قلمرو علمش از آسمانها و زمین فراتر و نگهبانی زمین و آسمانبر او آسان و بی زحمت است چه او دانای بزرگوار و توانای با عظمت است (۲۵۶) کار دین باجبار نیست راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردید پس هر که از راه کفر و سرکشی برگردد و براه ایمان و پرستش خدا گراید برشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست و خداوند بهر چه خلق گویند و کنند شنوا و داناست (۲۵۷) خدا یار اهل ایمان است آنان را از تاریکیهای جهان بیرون آرد و بعالم نور برد و آنانکه راه کفر گزیدند یار ایشان شیطان و دیو رهن است آنها را از عالم نور بتاریکیهای گمراهی درافکند این گروهند اهل دوزخ و در آن مخلد خواهند بود (۲۵۸) آیا ندیدی در تواریخ امم نمینگری که پادشاه زمان ابراهیم (ع) درباره یکتائی خدا با ابراهیم بجدل و احتجاج برخاست چون ابراهیم گفت خدای من آنست که خلق را زنده میکند و باز میمیراند نمود گفت من هم زنده میگردانم و میمیرانم و گفت دو زندانی را آوردند یکی را آزاد کرد و یکی را بکشت و چون مردم نادان پنداشتند که این عمل احیاء و ماته است ابراهیم از این دلیل عدول کرد و گفت که خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد تو اگر توانی از مغرب بیرون آر آن کافر ناداندر جواب عاجز ماند که خدا رهنمای ستمکاران نخواهد بود (۲۵۹) یا بمانند آن کس که برخی از مفسرین گفتند مراد عزیر است بدهکده ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود گفت بحیرتم که خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد پس خداوند او را صد سال میراند سپس زنده اش برانگیخت و بدو فرمود که چندمدت درنگ نمودی جواب داد یک روز یا پاره ای از یکروز خداوند فرمود نه چینیاست بلکه صد سال است که بخواب مرگ افتادی نظر در طعام و شراب خود بنما مفسرین گفتند طعامش انگور و انجیر و شرابش آب انگور یا شیر بود که هنوز تغییر ننموده و الاغ خود را نیز بنگر تا احوال بر تو معلوم شود و ما تو را حجت برای خلققرار دهیم که امر بعثت را انکار نکنند و بنگر در استخوانهای آن که چگونه درهمش پیوسته و گوشت بر آن پوشانیم چون این کار بر او آشکار و روشن گردید گفت همانا اکنون بحقیقت و یقین میدانم که خداوند بر هر چیز قادر و تواناست (۲۶۰) و چون ابراهیم گفت بار پروردگارا بمن بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد خداوند فرمود باور نداری؟ گفت آری باور دارم لیکن خواهم تا بمشاهده آن از عالم علم بمقام شهود دلم آرام گیرد خداوند فرمود چهار مرغ بگیر و گوشت آنها بهم درآمیز نزد خود آنگاه هر قسمتی بر سر کوهی بگذار سپس آن مرغان را بخوانتا بسوی تو شتابان پرواز کنند و آنگاه بدان که همانا خداوند بر همه چیز خلقتوانا و بحقایق امور عالم داناست (۲۶۱) مثل آنانکه مالشان را در راه خدا انفاق کنند بمانند دانه ایست که از یکدانه هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد که یکدانه هفتصد بشود و خدا از این مقدار نیز بر هر که خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی منتهاست و بهمه چیز خدا احاطه کامل دارد (۲۶۲) آنانکه مالشان را در راه خدا انفاق کنند و در پی انفاق بمستحقان منتهی نگذارده و آزاری نکنند آنها را پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود و از هیچ پیش آمدی بیمناک نباشند و هرگز در دنیا و عقبی اندوهناک نخواهند بود (۲۶۳) فقیر سائل را بزبان خوش و طلب آمرزش رد کردن بهتر است تا آنکه صدقه دهند و از پی آن آزار کنند خداوند از اطاعت و صدقه خلق بی نیاز و بر عصیان و بخل آنان بردبار است (۲۶۴) ای اهل ایمان صدقات خود را بسبب منت و آزار تباہ نسازید مانند آنکه مال خود را از روی ریا انفاق کند تا خودنمائی و جلب توجه مردم بخود کند و ایمان بخدا و روز قیامت نیاورده مثل چنین مرد ریاکار بدان ماند که بجای آنکه در زمین قابلی دانه بذر افشاند دانه را بر روی سنگ سخت ریزد و تند بارانی غبار آن نیز بشوید که نتوانند هیچ از آن حاصلی بدست آرند و خدا گروه کافران را راه سعادت ننماید (۲۶۵) و مثل آنانکه مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر دل بلطف خدا شاد دارند مثل دانه ایست که در زمین شایسته بریزند بر آن باران زیادی بموقع بارد و ثمره و حاصلی دو چندان که منتظرند دهد و اگر باران بسیار نیاید اندک اندک بارد تا باز بثمر رسد و خداوند بکار با اخلاص بی ریای نیکان بصیر و آگاهست (۲۶۶) آیا میخواهید که یکی از شما را باغی باشد از درخت خرما و انگور زیر آن درختان جویهای روان و در آن هر گونه میوه موجود باشد ناگاه ضعف و پیری

بدو فرا رسد که هیچکار نتواند کرد و او را فرزندان خرد و ناتوان باشد که بکاری قادر نیستند و در باغ او بادی آتش بار افتد همه را بسوزاند حال کسی که انفاق بریا و یابمنت و اذیت کند بدین ماند خداوند آیات خود را برای شما روشن بیان می کند باشد که در مال کارها و حقیقت احوال فکر کنید (۲۶۷) ای اهل ایمان انفاق کنید از بهترین آنچه بکسب و تجارت اندوخته اید و از آنچه برای شما از زمین میروینیم و بدها را برای انفاق معین نکنید در صورتی که شما خود جنس بد را نستانید مگر آنکه از بدی آن شما خود چشم پوشی بتوانید کرد و بدانید که خدا از خلق البته بی نیاز و بذات خود ستوده صفات است (۲۶۸) شیطان بوعده فقر و ترس و بی چیزی شما را بکارهای زشت و بخیلی وادار کند و خداوند برای رغبت بخیر و احسان بشما وعده آمرزش و احسان دهد و خدا را فضل و رحمتی منتهاست و بهمه امور جهان داناست (۲۶۹) خدا عطا کند فیض حکمت و دانش را بهر که خواهد و هر که را بحکمت و دانش رساند درباره او مرحمت و عنایت بسیار فرموده و این حقیقت را که علم بهترین عطاستجز خردمندان عالم متذکر نشوند (۲۷۰) هر چه انفاق کنید و یا بنذر و صدقه دهید همانا خداوند میدانند ولی اگر در حق مسکینان ستم کنید ستمکاران را در دو جهان یار و معینی نخواهد بود (۲۷۱) اگر بمستحقان آشکارا انفاق صدقات کنید کاری نیکوست لیکن اگر در پنهانی بفقیران آبرومند رسانید نیکوتر است و خدا پاداش آن گناهان شما محو و مستور دارد و خدا از آشکار و نهان شما آگاهست (۲۷۲) ای رسول ما بر تو دعوت خلق است و هدایت خلق نیست لیکن خدا هر که را خواهد هدایت کند، و شما هر انفاق و احسان کنید درباره خویش کرده اید و نبایست انفاق کنید جز در راه رضای خدا و هر نیکی کنید از خداوند پاداش تمام بشما میرسد و هر گز شما ستم نخواهد رسید (۲۷۳) صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا ناتوان و بیچاره اند و توانائی آنکه کاری پیش گیرند ندارند و از فرط عفاف چنان احوالشان بمردم مشتبه شود که هر کس از حال آنها آگاه نباشد پندارد او غنی است و بی نیاز شما بایست بفقر آنها از سیمایشان پی برید که از عزت نفس هرگز آنها چیزی از کس سوال نکنند، و هر چه انفاق کنند خدا بر آن آگاهست (۲۷۴) کسانی که مال خود را انفاق کنند در شب و روز نهان و آشکار آنان را نزد پروردگارش پاداش نیکو خواهد بود و هرگز از حادثه آینده بیمناک و از امور گذشته اندوهگین نخواهند گشت این آیه درباره علی (ع) نازل شد که چهار درهم داشت یکی را در شب یکی را در روز یکی را آشکار یکی را پنهان بفقیران عطا فرمود (۲۷۵) آن کسانی که ربا خورند از قبرها در قیامت برنخیزند جز بمانند آنکه بوسوسه و فریب شیطان مخب و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت ربا خوردن افتند که گویند هیچ فرق میان معامله تجارت و ربا نیست و حال آنکه خداوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام هر کس پس از آنکه پند و اندرز کتاب خدا بدو رسید از این عمل ربا خوردن دست کشد خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کار او با خدای مهربان باشد و کسانی که از اینکار دست نکشند آنان اهل جهنمانند و در آن جاوید معذب خواهند بود (۲۷۶) خداوند سود ربا را نابود گرداند که ربا جز لعنت و شقاوت در دنیا و آخرت سودی ندارد و صدقات را افزونی بخشد و خدا دوست ندارد مردم سخت بی ایمان گنه پیشه را که رباخوار و حریص و بخیلند (۲۷۷) همانا آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز بپا دارند و زکات بدهند آنان را نزد پروردگار پاداش نیکو خواهد بود و هرگز ترس و بیمی از حوادث آینده و اندوه و غمی از گذشته نخواهند داشت (۲۷۸) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و زیادی ربا مگیرید اگر براستی اهل ایمانید (۲۷۹) پس اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که بجنگ خدا و رسول او برخاسته اید و اگر از این کار پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست نه زیاده پس شما بکسی ستمی نکرده اید و ستمی از کسی نکشیده اید (۲۸۰) اگر از کسی که طلبکار هستید تنگدست شود بدو مهلت دهید تا توانگر گردد و اگر در هنگام تنگدستی برسم صدقه ببخشید که عوض در آخرت یابید برای شما بهتر استاگر بمصلحت خود دانا باشید (۲۸۱) بترسید از آن روزی که در آن روز بسوی خدا بازگشت میکنید پس هر کس کاملاً پاداش عمل خویش خواهد یافت و بهیچ کس هیچ ستمی نکنند (۲۸۲) ای اهل ایمان چون بقرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنوسید و از نوشتن با نکتند که خدا به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد و مدیون امضاء کند و

از خدا بترسد از آنچه مقرر شده چیزی نکاهد و نیفزاید و اگر مدیون سفیه و یا صغیر است و صلاحیت امضاء ندارد ولی او بعدل و درستی امضاء کند، و دو تن از مردان گواه آرید و اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن هر که را طرفین راضی شوند گواه گیرند که اگر یک نفر آنها فراموش کند دیگری را در خاطر باشد و هر گاه شهود را بمجلس و یا بمحکمه بخوانند امتناع از رفتن نکند و در نوشتن آن با تاریخ معین مسامحه نکنید چه معامله کوچک و چه بزرگ باشد این درستتر است نزد خدا و محکمتر برای شهادت و نزدیکتر باین که شک و ربیبی در معامله پیش نیاید که موجب نزاع شود مگر آنکه معامله نقد حاضر باشد که دست بدست میان شما برود در این صورت باکی نیست که نویسد و هر گاه معامله متاع مهمی و مال پربهائی کنید در آن گواه گیرید و نبایست بنویسند و گواه در حال و کارشان ضرری رسد و بی اجرمانند اگر چنین کنید نافرمانی کرده اید از خدا بترسید نافرمانی حکم او نکنید خداوند بشما تعلیم مصالح امور کند و خدا بهمه چیز داناست (۲۸۳) و اگر در سفر باشید و نویسنده برای سند قرض و معامله نسبه نیابید برای وثیقه دین گروهی گرفته شود و اگر امین داند برخی را برخی بانکس که امین شناخته امانت بسپارد و از خدا بترسید و بامانت خیانت نکنید و کتمان شهادت ننمائید که هر کس کتمان شهادت کند البته بدل گناه کار است و خدا از همه کار پیدا و نهان شما آگاهست (۲۸۴) آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه از اغراض خیر و شر در دل دارید آشکارا و یا مخفی کنید همه را خدا در محاسبه شما خواهد آورد آنگاه هر که را خواهد ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند و خداوند بر هر چیز تواناست (۲۸۵) رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مومنان نیز همه بخدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و گفتند ما میان هیچیک از پیغمبران خدا فرق نگذاریم بهمه ایمان داریم و همه یک زبان و یکدل در قول و عمل اظهار کردند که ما فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم پروردگارا ما آمرزش تو را میخواهیم و میدانیم که بازگشت همه بسوی تو است (۲۸۶) خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر بقدر توانائی او و روز جزا نیکی های هر شخص بسود خود او و بدیهایش نیز بزبان خود اوست بار پروردگارا ما را بر آنچه بفراموشی یا بخطا کرده ایم مواخذه مکن بار پروردگارا تکلیف گران و طاقت فرسا چنانکه بر پیشینیان نهادی بر ما نگذار بار پروردگارا بار تکلیفی فوق طاقت ما را بدوشما منه و بیمارز و ببخش گناه ما را و بر ما رحمت فرما تنها سلطان ما و یار و یاور ما تویی ما را بر مغلوب کردن گروه کافران یاری فرما (۲۸۷)

آل عمران

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم این حروف اسرار الهی است (۲) خدای جهان نیست جز آنکه زنده و پاینده ابدی است (۳) آن خدائی که قرآن را بسوی تو برآستی فرستاد که دلیل راستی کتب آسمانی پیش از او باشد و پیش از قرآن کتاب تورات و انجیل را فرستاد (۴) برای هدایت مردم و کتاب کامل جدا کننده میان حق و باطل قرآن را فرستاد همانا آنان که بایات خدا با وجود اتمام حجت این کتاب آسمانی باز کافر شدند بر آنها عذاب سختست و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکارانست (۵) همانا چیزی در آسمان و زمین از خدا پنهان نیست (۶) خداست آنکه می نگارد صورت شما را در رحم مادران هر گونه اراده کند زشت و زیبا و نر و ماده خدائی جز آن ذات یکتا نیست که بهر کار خواهد توانا و بهمه چیز عوالم بیحد داناست (۷) اوست خدائی که قرآن را بتو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که آنها اصل و مرجع سایر آیات کتاب خواهد بود و برخی دیگر آیاتی است متشابه تا آنکه گروهی که در دلشان میل بباطل است از پی متشابه رفته و امتحان شوند تا بتاویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه گری پدید آرند در صورتی که تاویل آن کسی جز خدا نداند و اهل دانش گویند ما بهمه آن کتاب گرویدیم که همه محکم و متشابه قرآن از جانب پروردگار ما آمده و بر این دانش و بر این معنی که آیات قرآن همه از جانب خداست تنها خردمندان عالم آگاهند (۸) که آنها دائم با تضرع بدرگاه خدا گویند بارالها دلهای ما را بباطل میل مده پس از آنکه بحق هدایت فرمودی و بما از لطف خویش اجر کامل عطا فرما که همانا تویی بخشنده بی عوض و منت (۹) بار پروردگارا محققا تو تمام مردم را در روزی یعنی روز قیامت که

هیچ شبهه در آن نیست جمع سازی که این وعده خداست و هرگز خدا نقض وعده خویش نخواهد کرد (۱۰) کافران را هرگز مال و فرزندان‌شان از عذاب خدا نرهاند و آنان آتش افروز جهنمند (۱۱) این گروه هم بمانند فرعونیان و پیشینیان کافر کیش آیات خدا را تکذیب کردند که خدا آنها را بکیفر گناهانشان مجازات کرد و خدا بدکاران هر امت را سخت بکیفر رساند (۱۲) بگو ای پیغمبر بانان که کافر شدند که بزودی مغلوب شوید و بجهنم محشور گردید که بسیار بد جایگاهی است (۱۳) نشانه و آیتی از لطف خدا با شما مومنان این است که چون دو گروه مومن و کافر با یکدیگر روبرو شوند گروه مومن را که در راه خدا جهاد میکنند گروه کافر دوبرابر خود بچشم نگرند و بدین جهت کفار از اهل ایمان ترسان و گریزان شوند و خداوند توانائی و یاری دهد بهر که خواهد و البته بدین آیت الهی اهل بصیرت اعتبار جویند (۱۴) مردم ظاهرین دنیاپرست کوتاه نظر را آرایش حب شهواتی نفسانی که عبارت از میلزنها و فرزندان و همیانهای زر و سیم و اسبهای نشاندار نیکو و چهارپایان و مزارع و املاک است در نظر زیبا و دلفریب است لیکن اینها همه متاع زندگانی فانی دنیاست و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو که بهشت لقای الهی و نعمتباقی ابدیست (۱۵) ای پیغمبر با امت بگو میخواهید شما را آگاه گردانم به بهتر از اینها که محبوبشما مردم دنیاست، بر آنانکه تقوی پیشه کنند نزد خدا باغهای بهشتی است که بر زیر درختان آن نهرها جاریست و در آن جاوید متعم هستند، و آنان پاکیزه و آراسته ای و از همه خوشتر خشنودی خدا، و خداوند بحال بندگان بیناست (۱۶) آنانکه بدرگاه عز الهی به اخلاص عرضه دارند پروردگارا بکرم خود گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش جهنم نگاهدار (۱۷) آنان صابران و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان به فقیران و استغفار کنندگان در سحرگاهانند (۱۸) خدا که حقیقه الوجود است بیکنائی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او خدائی نیست و فرشتگان و دانشمندان علمای ربانی، امامان معصوم، و علمای تابع آنها که مقام حکم و فتوای از طرف امام دارند نیز بیکنائی او گواهند، او نگهبان عدل و درستی است، نیست خدائی جز او که بر هر کار عالم توانا و بهمه چیز آفرینش داناست (۱۹) همانا دین پسندیده نزد خدا آئین اسلام است و اهل کتاب در آن راه مخالفت نپمودند مگر پس از آنکه بحقانیت آن آگاه شدند و این خلاف را از راه رشک و حسد در میان آوردند و هر کس بایات خداوند کافر شود بترسد که محاسبه خدا زود خواهد بود (۲۰) پس اگر برای مخالفت با دین حق بیاطل احتجاج کنند بگو من خود و پیروانم را تسلیمام خدا نموده ام و بگو با اهل کتاب و با امیان آنها که دارای علم کتاب آسمانی نیستند آیا شما چون حق پدیدار شود ایمان آرید؟ اگر ایمان آرند هدایت یافته اند و اگر از حق روی گردانند بر تو چیزی جز تبلیغ دین خدا و اتمام حجت بر آنها نیست و خداوند بحال بندگان بیناست (۲۱) همانا کسانی که بایات خدا کافر شوند و انبیاء را بی جرم و بناحق بکشند و با آن مردمی که خلق را بعدل و درستی خوانند نیز دشمن شده و بقتل رسانند ای پیغمبر آنها را بعذاب سخت دردناک بشارت ده (۲۲) آنها هستند که اعمالشان تباہ و ضایع گردیده و در دنیا و آخرت و هیچکس برای نجات از عذاب خدا یاری آنها نخواهد کرد (۲۳) آیا ننگرید که چون آنها یعنی علمای یهود که بهره ای از کتاب یافته اند دعوت شوندا کتاب خدا بر آنها حکم کند گروهی از آنان بغرور ریاست باطل دو روزه دنیا از حکم حق اعراض کرده و روی بگردانند (۲۴) بدین سبب مطیع حکم خدا نشوند که گویند ما را هرگز در آتش جز اندک زمانی هفتروز یا چهل روز که زمان گوساله پرستی آنهاست عذاب نکنند و این سخنان که بدروغبر خود بسته اند آنها را در دین مغرور گردانیده است (۲۵) پس چگونه خواهد بود حال آنها و چه عذاب شدید و ذلت بدان مغروران رسد هنگامی که جمع آوریم آنان را در روزی که هیچ شک در آن نیست و البته هر شخصی آن روز بتمام جزای اعمال خود خواهد رسید و بهیچ کس ستمی نخواهد شد (۲۶) بگو ای پیمبر بار خدایا ای پادشاه ملک هستی تو هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی بگیری و به هر که خواهی عزت و اقتدار بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی هر خیر و نیکوئی بدست تو است و تنها تو بر هر چیز توانائی (۲۷) شب را در پرده روز روشن نهان سازی و روز را در حجاب شب تاریک گردانی وزنده را از مرده و مرده را از زنده برانگیزی و بهر که خواهی روزی بی حساب عطا کنی (۲۸) نباید اهل ایمان مومنان را وا گذاشته و از کافران دوست گیرند و هر که

چنین کند رابطه او با خدا مقطوع است مگر برای در حذر بودن از شر آنها تقیه کند و خداشما را از عقاب خود میترساند و بدانید که بازگشت همه بسوی خدا خواهد بود (۲۹) بگو ای پیغمبر هر چه را در دل پنهان داشته و یا آشکار کنی به همه آنها خدا آگاهست و بهر چه در آسمانها و زمین است داناست و خدا بقدرت کامله بر همه چیز توانا است (۳۰) روزی که هر شخصی هر کار نیکو کرده همه را پیش روی خود حاضر بیند و آنچه بد کرده آرزو کند که ایکاش میان او و عمل بدش بمسافتی دور جدائی بود خداوند شما را از عقاب خود میترساند که او در حق بندگان بسی مهربانست (۳۱) بگو ای پیغمبر اگر خدا را دوست میدارید مرا پیروی کنید که خدا شما را دوستدارد و گناه شما ببخشد که خداوند آمرزنده و مهربانست (۳۲) بگو فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر از آنان روی گردانید و کافر شوید همانا کافران را هرگز خدا دوست نخواهد داشت (۳۳) بحقیقت خدا برگزید آدم (ع) و نوح (ع) و خانواده ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (۳۴) فرزندان هستند برخی از نسل برخی دیگر و خدا باقوال و احوال همه شنوا و داناست (۳۵) یاد کن آنگاه که زن عمران گفت پروردگارا من عهد کردم فرزندی که در رحم دارم از فرزندی خود در راه خدمت تو آزاد گردانم اینعهد من بپذیر که تو دعای بندگان بشنوی و اجابت کنی و باسرار و احوال همه آگاهی (۳۶) چون فرزند بزاد از روی حسرت گفت پروردگارا فرزندی که زاده ام دختر است و خدایر آنچه زائیده شده داناتر است چه حکمتها و فضیلتها در وجود آن دختر است و عرض کرد الها پسر و دختر در کار خدمت حرم یکسان نخواهد بود و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندان را از شر شیطان رجیم در پناه تو آوردم (۳۷) پس خداوند او را به نیکوئی پذیرفت که از مقبولان در گاهش نمود و او را بتربیتی نیکو پرورش داد و زکریا را برای کفالت و نگهداری او برگماشت و باو کرامتی کرد که هر وقت زکریا بصومعه عبادت مریم میامد رزق شگفت آوری مییافت میوه زمستانی را در تابستان و تابستانی را در زمستان در اطاق عبادت او میدید میگفت که ای مریم این روزی از کجا برای تو میرسد پاسخ میداد که این از جانب خداست که همانا خدا بی سبب بهر کس خواهد روزی بیحساب دهد (۳۸) در آن هنگام که زکریا کرامت مریم را مشاهده کرد عرض کرد پروردگارا مرا بلطف خویش فرزندان پاک سرشت عطا فرما که همانا توئی مستجاب کننده دعا (۳۹) پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت بنماز ایستاده که همانا خداوند تو را بولدت یحیی بشارت میدهد در حالی که او بنبوت عیسی کلمه خدا گواهی دهد و او خود در راه خدا پیشوا و پارسا و پیغمبری از شایستگانست (۴۰) زکریا عرض کرد پروردگارا چگونه مرا پسری تواند بود در حالتی که مرا سن پیری فرا رسیده و اهل من نیز عجوزی نازا باشد گفت چنین است کار خدا هرگز نیازمند باسباب نیست هر چه بخواهد میکند بی آنکه بشرايط و اسباب محتاج باشد (۴۱) عرض کرد پروردگارا برای من بشکرانه این نعمت آیت و عبادتی مقرر فرما فرمود تو را آیت این باشد که تا سه روز با مردم سخن جز برمز نگوئی و پیوسته بیاد خدا باش و او را شبانگاه و صبحگاه تسبیح گوی (۴۲) و آنگاه فرشتگان گفتند ای مریم همانا خداوند تو را برگزیده و پاکیزه گردانید و بر آنان جهانیان برتری بخشید (۴۳) ای مریم فرمانبردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت بجای آر (۴۴) این از اخبار غیب است که بتو وحی نمودیم و تو حاضر نبودی آن زمان که قرعه برای نگهداری و کفالت مریم میزدند و بر سر این کار کارشان به نزاع میکشید (۴۵) چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا تو را بکلمه ای که نامش مسیح ابن مریم است بشارت میدهد که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداست (۴۶) و با خلق در گهواره سخن گوید بدانگونه که در سنین بزرگی و او از جمله نیکویان جهان است (۴۷) مریم عرض کرد پروردگارا مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آنکه با من مردی نزدیک نشده گفت چنین است کار خدا بی نیاز از هر گونه سببی است هر چه بخواهد بدون اسباب میافریند چون مشیت او بخلقت هر چیزی قرار گیرد به محض اینکه گوید موجود باش هماندم موجود شود (۴۸) و خداوند بعیسی تعلیم کتاب و حکمت کند و تورات و انجیل آموزد (۴۹) و او را برسالت بسوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید من از طرف خدا معجزی آورده ام و آن معجزه این است که از گل، مجسمه مرغی ساخته و بر آن نفس قدسی بدمم تا بامر خدا مرغی گردد و کور مادرزاد و مبتلای به پیسی را که هر طیبباز علاج آن عاجز است بامر خدا شفا دهد و مردگان را بامر خدا زنده کنم و بشما از غیب خبر دهم که در خانه

هاتان چه میخورید و چه ذخیره میکنید این معجزات برای شما حجت و نشانه حقانیت من است که اگر اهل ایمان بخدا هستید (۵۰) و کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعضی چیزهایی که شما را حرام بود و از طرف خداوند برای شما معجزه و نشانه نبوت آوردم پس ای بنی اسرائیل از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید (۵۱) همانا خداست پروردگار من و شما او را پرستید که همین است راه راست (۵۲) پس چون عیسی بیقین دریافت که قوم ایمان نخواهند آورد بهمان شاگردانش که ایمان آوردند گفت کیست که با من دین خدا را یاری کند حواریان خواص شاگردان عیسی گفتند ما یاری کنندگان دین خدائیم و بخداوند ایمان آورده ایم، گواهی ده که ما تسلیم فرمان اوئیم (۵۳) پروردگارا ما بکتابی که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو پیروی کردیم نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما (۵۴) یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد و از همه کس خدا بهتر مکر تواند کرد (۵۵) بیاد آر وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و بر آسمان قرب خود بالا برم و تو را پاک و منزّه از معاشرت و آلائش کافران گردانم و پیروانت را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم پس آنگاه باز گشت شما بسوی من خواهد بود که بحق حکم کنم در آنچه که بر سر آن با یکدیگر بخلاف و نزاع برمیخواستید (۵۶) پس آن گروهی را که کافر شدند بعد از آنکه در دنیا و آخرت معذب گردانم و برای نجاتشان هیچکس بانها مدد و یاری نخواهد کرد (۵۷) اما آنانکه ایمان آورده و نیکوکار شدند خدا اجر تمام و کامل بانها عطا کند و خدا هرگز ستمکاران را دوست نمیدارد (۵۸) این سخنان که بر تو میخوانیم از آیات الهی و ذکر حکمتهای خدای حکیم است (۵۹) همانا مثل خلقت عیسی در خارق العاده بودن بامر خدا مثل خلقت آدم ابو البشر است که خدا او را از خاک بساخت سپس بدان خاک گفت بشری بحد کمال باش هماندم چنان گردید (۶۰) سخن حق همانست که از جانب خدا بتو رسید مبادا هیچگاه در آن شک و ریب کنی (۶۱) پس هر کس با تو در مقام مجادله برآید درباره عیسی بعد از آنکه بوحی خدا باحوال او آگاهی یافتی بگو بیائید ما و شما بخوانیم فرزندان و آنان و نفوس خود را تا با هم بمباهله بر خیزیم یعنی در حق یکدیگر نفرین کرده و در دعا و التجاء بدرگاه خدا اصرار کنیم تا دروغ گو و کافران را بلعن و عذاب خدا گرفتار سازیم (۶۲) این داستان بحقیقت سخن حق است و جز آن خدای یکتا خدائی نیست و خداست که بر همه کار توانا و به همه حقایق عالم داناست (۶۳) پس اگر روی از حق بگردانند بترسند که خدا از کردار مفسدان آگاهست (۶۴) بگو ای اهل کتاب بیائید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است و همه حق میدانیم پیروی کنیم و آن کلمه این است که بجز خدای یکتا هیچکس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی برخی را بجای خدا بر بوبیت تعظیم نکنیم یعنی روسای مذهب را بر تبه پرستش و اختصاصات الهیت نرسانیم پس اگر آنها از حق روی گردانند بگوئید شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم (۶۵) ای اهل کتاب چرا در آئین ابراهیم با یکدیگر مجادله کنید در صورتی که تورات و انجیل شما بعد از او نازل شد آیا تعقل نمیکند (۶۶) گیرم در آنچه میدانید شما را مجادله روا باشد چرا در آنچه عالم نیستید باز جدل و گفتگو بمیان آورید، و خدا همه چیز میداند و شما نمیدانید باید از کتاب پیغمبر او بیاموزید (۶۷) ابراهیم باین یهود و نصاری نبود لیکن بدین حنیف توحید و اسلام بود و هرگز از آنانکه بخدا شرک آوردند نبود (۶۸) نزدیکترین مردم ب ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند، و این پیغمبر و امتش که اهل ایمانند و خدا دوستدار مومنان است (۶۹) گروهی از اهل کتاب انتظار و آرزوی آن دارند که شما را گمراه کنند و جز آنکه خود را گمراه کنند بازروئی نخواهند رسید و این را نمیفهمند (۷۰) ای اهل کتاب چرا بایات خدا کافر شوید و حال آنکه شما بصدق آن گواهی میدهد (۷۱) ای اهل کتاب چرا حق را بیاطل مشتبه سازید تا چراغ حق را بباد شبهات خاموش کنید در صورتی که بحقانیت آن آگاهید (۷۲) و گروهی از اهل کتاب گفتند که بدین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز بخدعه ایمان آرید و آخر روز کافر شوید شاید بدین حيله آنها نیز از دین اسلام برگردند (۷۳) و ایمان نیاورید مگر بانکس که پیرو دین شما باشد که راه سعادت و دین حق منحصر ب ماست بگو ای پیغمبر با یهود و نصاری که راه سعادت راهی است که خدا بنماید و بامتی دیگر نیز خدا مانند شریعت و کتاب شما عطا میکند تا آنکه با شما نزد پروردگار احتجاج کنند، بگو ای پیغمبر فضل و رحمت بدست خداست

بهر که خواهد عطا کند و خدا را رحمت بی منتهاست و بهمه امور عالم داناست (۷۴) هر که را مشیت او تعلق گیرد مخصوص بفضل و رحمت خود گرداند که خداوند را فضل و رحمت بی منتهاست (۷۵) بعض اهل کتاب از نصاری تا بدان حد درستکارند که اگر مال بسیاری بانها امانت بسپاری رد امانت کنند و برخی دیگر اهل کتاب یهود تا آن اندازه نادرستند که بانها یک دینار امانت دهی رد نکنند جز آنکه بر مطالبه آن سخت گیری کنی از این رو که گویند برای ما پیروان کتاب تورات بهر وسیله خوردن مال غیر اهل تورات گناهی ندارد و این سخن را به کتاب تورات خدا نسبت دهند در صورتی که میدانند بخدا نسبت دروغ میدهند (۷۶) آری هر کس بعهد خود وفا کند و خداترس و پرهیزکار شود هر کس باشد محبوب خدا شود که خداوند پرهیزکاران را دوست میدارد (۷۷) همانا آنانکه عهد خدا و سوگند خود را به بهائی اندک بفروشد اینان را در دار آخرت از بهشت حق بهره ای نیست و خدا از خشم با آنها سخن نگوید و بنظر رحمت در قیامت بانها ننگرد و از پلیدی گناه پاکیزه نگرداند و آنان را در جهنم عذاب دردناک خواهد بود (۷۸) همانا برخی از اهل کتاب قرائت کتاب آسمانی را بنفع مادی خود تغییر و تبدیل میدهند تا آنچه از پیش خود خوانده اند از کتاب خدا محسوب دارند و هرگز آن تحریف شده از کتاب خدا نخواهد بود و گویند این آیات از جانب خدا نازل شده در صورتی که هرگز از جانب خدا نیست و با آنکه میدانند تحریف خود آنهاست بخدا دروغ میبندند (۷۹) هیچ بشری که خدا وی را برسالت برگزیند و باو کتاب و حکمت و نبوت بخشد او رانرسد که بمردم گوید مرا بجای خدا پرستید بلکه پیغمبران بر حسب وظیفه خود بمردم گویند خدانشناس و خدا پرست باشید چنانچه شما اهل کتاب علماء نصاری و یهود از کتاب بدیگران این حقیقت را میاموزید و خود نیز میخوانید (۸۰) و هرگز خدا بشما امر نکند که فرشتگان و پیمبران را خدایان خود گیرید چگونه ممکنست شما را به کفر خواند پس از آنکه بخدای یگانه اسلام آورده باشید (۸۱) و چون خداوند از پیغمبران پیمان تبلیغ دین توحید گرفت آنگاه که بشما کتاب و حکمت بخشید و بدان عمل نکردید سپس برای هدایت شما اهل کتاب باز رسولی از جانب خدا آمد که گواهی براستی کتاب و شریعت شما میداد تا باو ایمان آورده و از او یاری کنید خداوند فرمود آیا برسول من و بانچه در کتاب آسمانی او قرآن فرستادم اقرار داشته و از پیمان من پیروی خواهید کرد؟ همه گفتند اقرار داریم خداوند فرمود شما بر خویش و امم خود گواه باشید و من هم با شما بر آنان گواه خواهم بود (۸۲) پس کسانی که روی از حق بگردانند بعد از آمدن چنین رسولان و این پیغمبر خاتم (ص) محقق آنان بخصوص گروه فاسقان و گمراهان عالم خواهند بود (۸۳) آیا کافران دینی غیر دین خدا را میطلبند و حال آنکه هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه مطیع فرمان خداست و همه بسوی او رجوع خواهند کرد (۸۴) بگو ای پیغمبر ما بخدای عالم و شریعت و کتابی که بخود ما نازل شده و آنچه بآبراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان نازل شد و آنچه بموسی و عیسی و پیمبران دیگر از جانب پروردگار آمده بهمه ایمان آورده ایم فرقی میان هیچیک از پیمبران خدا نگذاریم زیرا ما مطیع فرمان خدا هستیم (۸۵) و هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است (۸۶) چگونه خداوند گروهی را که از راه عناد و سرکشی بعد از ایمان بخدا و گواهی دادن براستی رسول او بعد از ادله روشن بساز کافر شدند براه راست هدایت کند؟ خدا هرگز گروه ستمکاران را براه سعادت رهبری نخواهد کرد (۸۷) کیفر آن گروه کافر اینست که بر آنان خدا و فرشتگان و همه مردمان لعنت کنند (۸۸) جاوید در جایگاه لعنت که جهنم است بمانند و بر آنها عذاب خدا تخفیف نیابد و هرگز نظر رحمت بسوی آنها نکنند (۸۹) مگر آنهایی که بعد از عصیان و بدکاری توبه کنند و هر بدی کرده اند تدارک و اصلاح آن کنند که خدا بر آنها آمرزنده و مهربانست (۹۰) و همانا آنانکه بعد از ایمان کافر شدند و بر کفر خویش افزودند هرگز توبه آنها پذیرفته نشود و بحقیقت گمراهان هم آنان خواهند بود (۹۱) و البته آنان که بعد از ایمان کافر شدند و در کفر خویش مردند اگر برای آزادی خویش از عذاب خدا برابر همه زمین طلا- بفدا آرند هرگز از ایشان پذیرفته نشود و آنها را بدوزخ عذاب دردناک مهیا باشد و هیچ معین و یاری نخواهد بود (۹۲) شما هرگز بمقام نیکوکاران و خاصان نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست میدارید و بسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید و هر چه انفاق کنید محققا خدا بر آن آگاهست (۹۳) همه

طعامها برای بنی اسرائیل حلال بود مگر آن را که یعقوب پیش از نزول تورات بر خود حرام کرد که گوشت شتر و شیر آنست ای پیغمبر اینک بگو یهودیان چنانچه میگوئید تورات حلالی بر شما حرام کرده اگر راست میگوئید آن حکم تورات را آورده تلاوت کنید (۹۴) پس کسانی که بعد از این حجت بر خدا دروغ بندند البته کافران و ستمکاران عالمهم آنها خواهند بود (۹۵) ای پیغمبر بگو سخن خدا راست است نه دعوی شما باید پیروی از آئین ابراهیم کنید که دینی پاک و بی آرایش است و ابراهیم هرگز از آنانکه بخدا شرک آوردند نبوده است (۹۶) اول خانه که برای مکان عبادت خلق بنا شد همان خانه مکه است که در آن برکت و هدایت خلاق است (۹۷) در آن خانه آیات ربوبیت هویدا است مقام ابراهیم خلیل است هر که در آنجا داخل شود ایمن باشد و مردم را حج و زیارت آن خانه واجب است بر هر کسی که توانائی برای رسیدن بدانجا یافت و هر که بسبب انکار حج بیت الله کافر شود تنها بخود زیان رسانیده که البته خدا از طاعت خلق بی نیاز است (۹۸) بگو ای اهل کتاب چرا بایات خدا راجع به نبوت پیغمبر خاتم کافر شده و باعمال زشت میگرانید بترسید که خدا گواه اعمال شماست (۹۹) بگو ای اهل کتاب چرا راه خدا را می بندید یعنی رسالت و دین محمد (ص) را انکار میکنید و اهل ایمان را براه باطل مخالفت با دین میخوانید در صورتی که بزشتی این عمل خود آگاهید، از قهر حق بترسید که خدا غافل از کردار شما نخواهد بود (۱۰۰) ای کسانی که بدین اسلام گرویده اید اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب را کنید شما را بعد از ایمان بکفر برمیگردانند (۱۰۱) و چگونه کافر خواهید شد در صورتی که برای شما آیات خدا تلاوت میشود و پیغمبر خدا میان شما بهدایت و دعوت مشغول است و هر کس بدین خدا که اسلام است متمسک شود محققا براه مستقیم هدایت یافته (۱۰۲) ای اهل ایمان از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است پیوسته بیاد خدا باشید و شکر نعمتش بجای آرید و ثبات ورزید تا وقت مرگ که تا نمیرید جز بدینمین اسلام (۱۰۳) و همگی برشته دین خدا چنگ زده و براه های متفرق مدعیان دین ساز نروید و بیاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و بلطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید در صورتی که در پرتگاه آتش بودید خدا شما را نجات داد باری بدین مرتبه وضوح و بدین پایه کمال خداوند آیاتش را برای راهنمایی شما بیان میکند باشد که بمقام سعادت هدایت شوید (۱۰۴) و باید از شما مسلمانان برخی که دانا و باتقوی ترند خلق را بخیر و صلاح دعوتکنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که بحقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال فیروزبختی و رستگاری خواهند بود (۱۰۵) و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات و ادله روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمد باز راه تفرقه و اختلاف پیموندند که البته برای چنین مردمی جاهل و بدکار عذاب سخت خواهد بود (۱۰۶) روزی بیاید که گروهی یعنی مومنان روسفید و گروهی یعنی کافران روسیاه باشند اما سیه رویان را اهل محشر نکوهش کنند که چرا بعد از ایمان باز کافر شدید پس اکنون بچشید عذاب خدا را بکیفر کفر و عصیان (۱۰۷) اما روسفیدان یعنی مومنان در بهشت که محل رحمت خداست در آیند و در آن جاوید متنعم باشند (۱۰۸) اینها آیات الهی است که برای تو برآستی میخوانیم و خداوند هرگز در دو عالم اراده ستم به هیچکس نخواهد کرد (۱۰۹) هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است همه ملک خداست و بازگشت همه موجودات بسوی اوست (۱۱۰) شما مسلمانان حقیقی نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که خلق را سعادت بخشند برای اصلاح بشر مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری بازدارند و ایمان بخدا آورند، و اگر اهل کتاب همه ایمان میاورند بر آنان در عالمچیزی بهتر از آن نبود لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند (۱۱۱) هرگز یهودان دشمنان اسلام آسیب و زیان سخت بشما نتوانند رسانید مگر آنکه از نکوهش و یاوه سرائی شما را اندکی بیازارند و اگر بکارزار شما آیند از جنگ خواهند گریخت و از این پس هیچ وقت منصور نخواهند بود (۱۱۲) آنها محکوم بذلت و خواری هستند بهر کجا متوسل شوند مگر بدین خدا و عهد مسلمین در آیند و یا بدیگر مردم پیوندند آنان پیوسته اسیر بدبختی و ذلت شدند از این رو که بایات خدا کافر شدند و پیمبران حق را بناحق کشتند که این نافرمانی و ستمگری کار همیشه آنها بود (۱۱۳) همه اهل کتاب یکسان نیستند طایفه ای از آنها در دل شب بتلاوت آیات خدا و نماز و طاعت

حق مشغولند (۱۱۴) ایمان بخدا و روز قیامت میاورند و امر به نیکوئی و نهی از بدکاری میکنند و در نکوکاری میشتابند، و آنها خود مردمی نیکوکارند (۱۱۵) هر کار نیک کنی البته از ثواب آن محروم نخواهید شد و خدا دانا بحال پرهیزکارانست (۱۱۶) هرگز کافران را بسیاری مال و اولاد از عذاب خدا نتواند رها کند و آنها اهل جهنم و جاوید در آن معذب خواهند بود (۱۱۷) مثل حال کافران در مالی که برای پیشرفت مقاصد دنیوی خود صرف کنند و از آن هیچ بهره ای نیابند بدان ماند که باد سرد شدیدی بکشت قوم ستمکاری برسد و همه را نابود گرداند که حاصلی از آن بدست نیاید و خدا ستمی بر آنها نکرده لیکن آنان بنفس خود ستم میکنند که مالشان را در راه باطل صرف میکنند و بر شقاوت خود میافزایند (۱۱۸) ای اهل ایمان از غیر همدینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید چه آنکه آنها که بغیر دین اسلامند از خلل و فساد در کار شما ذره ای کوتاهی نکنند آنها همیشه مایلند که شما در رنج و سختی باشید دشمنی شما را گاهی بر زبان هم آشکار سازند در صورتی که محققا آنچه در دل پنهان میدارند بیش از آنست که بر زبانشان آشکار میشود، ما آیات خود را برای شما بیان کردیم اگر عقل و اندیشه کار بندید (۱۱۹) آنگاه باشید که چنانکه شما آنها را یعنی کافران را دوست میدارید آنان شما را دوست نخواهند داشت شما چون بهمه کتب آسمانی ایمان دارید با آنها محبت میکنید اما آنها با شما نفاق میکنند در مجامع شما اظهار ایمان کرده و چون تنها شونداز شدت کینه سرانگشت خشم بدنشان گیرند بگو بدین خشم بمیرید خدا از درون دلهای خلق کاملا آگاهست (۱۲۰) اگر شما مسلمین را خوشحالی پیش آید از آن بدحال و غمگین شوند و اگر بشما حادثه ناگواری رسد بدان خوشحال گردند اما اگر شما صبر پیشه کنید و پرهیزکار باشید از مکر و عداوت آنان بشما هیچ آسیبی نخواهد رسید که همانا خداوند بر آنچه میکنند محیط و آگاهست (۱۲۱) بیاد آر ای پیغمبر صبحگاهی را که از خانه خود بجهت صف آرائی مومنان برای جنگ بیرون شدی، و خدا بهمه گفتار و کردار تو شنوا و دانا بود (۱۲۲) و آنگاه که دو طایفه از شما بددل و ترسناک و در اندیشه فرار از جنگ بودند و خدا یار آنها بود آنان را دلدار نمود و همیشه باید اهل ایمان بخدا توکل کنند تا دلدار و نیرومند باشند (۱۲۳) و خداوند شما را بحقیقت در جنگ بدر یاری کرد و غلبه بر دشمن داد با آنکه شما از هر جهت در مقابل دشمن ضعیف بودید پس راه خداپرستی و تقوی پیش گیرید باشد که شکر نعمتهای او بجای آرید (۱۲۴) ای رسول بیاد آر آنگاه که بمومنین گفتی آیا خدا بشما مدد نفرمود که سه هزار فرشته بیاری شما فرستاد (۱۲۵) بلی اگر شما صبر و مقاومت در جهاد پیشه کنید و پیوسته پرهیزکار باشید چون کافران بر سر شما شتابان و خشمگین بیایند خداوند برای حفظ و نصرت شما پنج هزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است بمدد شما میفرستد (۱۲۶) و خدا آن فرشتگان را نفرستاد مگر برای اینکه بشما مژده فتح دهند و دل شما را بنصرت خدا مطمئن کنند و فتح و فیروزی نصیب شما نگشت مگر از جانب خداوند توانای دانا (۱۲۷) تا گروهی از کافران را هلاک گرداند یا ذلیل و خوار کند که از مقصود خود که از میان بردن اسلام و مسلمین است ناامید باز گردند (۱۲۸) ای پیغمبر خدا را اختیار مطلق است بدست تو کاری نیست اگر بخواهد بلطف خود از آن کافران درگذرد و اگر بخواهد بجرم آنکه مردمی ستمگرند آنها را عذاب کند (۱۲۹) هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است همه ملک خداست هر که را خواهد بخشد و هر که را خواهد عذاب کند، و خدا بسیار بر خلق آمرزنده و مهربانست (۱۳۰) ای کسانی که بدین اسلام گرویده اید ربا مخورید که دایم بهره بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود از خدا بترسید و ترک این عمل زشت کنید باشد که سعادت و رستگاری یابید (۱۳۱) و پرهیزید از آتش عذابی که برای کیفر کافران و ربا خواران ظالم افروخته اند (۱۳۲) و از حکم خدا و رسول او فرمان برید باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید (۱۳۳) بشتابید بسوی مغفرت پروردگار خود و بسوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزکارانست (۱۳۴) کسانی که از مال خود بفقرا در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم و غضب خود فرو نشانند و از بدی مردم درگذرند چنین مردمی نیکوکارند و خدا دوستدار نکوکارانست (۱۳۵) نیکان آنها هستند که هر گاه کار ناشایسته ای از ایشان سرزند یا ظلمی بنفس خویش کنند خدا را بیاد آرند و از گناه خود بدرگاه خدا توبه و استغفار کنند که میدانند جز خدا هیچکس نمیتواند گناه خلق را بیامزد و آنها هستند که اصرار در

کار زشت نکنند، چون بزشتی معصیت آگاهند(۱۳۶) و آنها هستند که پاداش عملشان آموزش پروردگار است و باغهایی که از زیر درختان آن نهرها جاریست و جاوید در آن بهشتها متنعم خواهند بود و چه نیکوست پاداش نیکوکاران عالم(۱۳۷) پیش از شما مللی بودند و رفتند، در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید که آنانکه وعده های خدا را تکذیب کردند چگونه هلاک شدند(۱۳۸) این کتاب خدا و آیات مذکوره حجت و بیانی است برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزکاران(۱۳۹) شما مسلمانان نه هرگز در کار دین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و متاع دنیا اندوهناک باشید زیرا شما فاتح و فیروزمندترین مردم و بلند مرتبه ترین ملل دنیا هستید اگر در ایمان ثابت و استوار باشید(۱۴۰) اگر بشما در جنگ احد آسیبی رسید دشمنان شما نیز در بدر شکست و آسیب سخت رسید چنانکه آنها مقاومت کردند و شما نیز باید مقاومت کنید این روزگار را باختلاف احوال گاهی فتح و غلبه و گاه شکست و مغلوبیت میان خلافت میگردانیم که مقام اهل ایمان به امتحان معلوم شود تا از شما مومنان آن را که ثابت در دین است مانند علی (ع) و شیعیانش گواه دیگران کند، و خداوند ستمکاران را دوست ندارد(۱۴۱) و تا اینکه باین اختلاف و حوادث نیک و بد روزگار اهل ایمان را از هر عیب و نقص پاک و کامل کند و کافران را بکیفر ستمکاری محو و نابود گرداند(۱۴۲) گمان میکنید به بهشت داخل خواهید شد بدون آنکه خدا امتحان کند و آنانکه جهاد در راه دین کرده و آنها که در سختیها صبر و مقاومت کنند مقامشان را بر عالمی معلوم گرداند؟(۱۴۳) شما همان کسانی که با کمال شوق آرزوی جهاد و کشته شدن در راه دین میکردید پیش از آنکه برای مسلمین دستور جهاد بیاید پس چگونه امروز که بجهاد مامور شدید سخت از مرگ نگران میشوید(۱۴۴) و محمد (ص) نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از این جهان درگذشتند، اگر او نیز بمرگ یا شهادت درگذشت باز شما بدین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود بخدا ضرری نخواهد رسانید خود را بزبان انداخته و هر کس شکر نعمت دین گزارد و در اسلام پایدار ماند البته خداوند جزای اعمال نیک بشکر گزاران عطا خواهد کرد(۱۴۵) هیچ کس جز بفرمان خدا نخواهد مرد که اجل هر کس در لوح قضای الهی بوقت معینست است، و هر که برای یافتن متاع دنیا کوشش کند از دنیا بهره مندش کنیم و هر که برای ثواب آخرت سعی نماید از نعمت آخرت برخوردارش گردانیم و البته خداوند سپاسگزاران را جزای نیک آسایش دنیا و بهشت آخرت خواهد داد(۱۴۶) چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده و باینحال اهل ایمان با سختیهایی که در راه صبر و ثبات پیش گرفتند که خداوند صابران را دوست میدارد(۱۴۷) آنها در هیچ سختی جز به خدا پناهنده نشده و جز این نمیگفتند که بار پروردگارا بکرم خود از گناه و سستی که ما درباره خود کرده ایم در گذر و ما را ثابت قدمدار و ما را بر محو کافران مظهر گردان(۱۴۸) پس خداوند فتح و فیروزی در دنیا و ثواب در آخرت نصیبشان گردانید، که خدا نیکوکاران را دوست میدارد(۱۴۹) ای اهل ایمان اگر پیروی کافران کنید شما را باز از دین اسلام بکفر برمیگردانند آنگاه شما هم مانند آنان از زیان کاران عالم خواهید گشت(۱۵۰) ای مسلمانان از کافران یاری مجوئید که خدا یار شماست و او بهترین یاری کنندگانست(۱۵۱) ما دل کافران را بیمناک و هراسان کنیم زیرا که آنان چیزی را برای خدا شریکقرار دادند که اصلش بر آن حقیقتی و دلیلی حق نازل نکرده و منزلگاه آنها آتش دوزخ است و سرای ستمکاران بسیار بد منزلگاهی است(۱۵۲) و بحقیقت صدق وعده خدا را که شما را بر دشمنان غالب گرداند کافران آنگاه دریافتند که غلبه کردید و بفرمان خدا کافران را بخاک هلاک افکندید و همیشه بر دشمنغالب بودید تا وقتی که در کار جنگ احد سستی کرده و اختلاف انگیزید برخی در سنگری که پیغمبر دستور داد ایستادید و گروهی از پیغمبر غنیمت رفتید و نافرمانی حکم پیغمبر نمودید پس از آنکه هر چه آرزوی شما بود از فتح و غلبه بر کفار و غنیمت بردن بدان رسیدید منتها برخی برای دنیا و برخی برای آخرت میکوشیدید و سپس از پیشرفت و غلبه شما را بازداشت تا شما را بیازماید، و خدا از تقصیر شما که نافرمانی پیغمبر خود کردید در گذشت که خدا را باهل ایمان عنایت و رحمتاست(۱۵۳) بیاد آرید هنگامی که روی بهزیمت گذاشته و چنان بد هشت میگریختید که توجه باحدی نداشتید تا آنجا که به پیغمبر هم که شما را بیاری دیگران در صف کارزار میخواند توجه نکردید تا پاداش این بی ثباتی غمی بر

غم شما افزود، تا از این پس ثبات ورزید و برای از دست رفتن چیزی یا اصابه رنج و المی اندوهناک نشوید، و خدا بهر چه کنید و هر چه اندیشید آگاه خواهد بود (۱۵۴) پس از آن غم و اندیشه، خداوند شما را ایمنی بخشید که خواب آسایش گروهی از شما را گرفت و گروهی که وعده نصرت خدا را از روی جهل و نادانی راست نمی پنداشتند هنوز در غم جان خود بودند و از روی انکار میگفتند آیا ممکن است ما را قدرت و فرمانی بدست آید؟ بگو ای پیغمبر تنها خداست که بر عالم هستی فرمانروا است منافقان سست ایمان که از ترس مومنان خیالات باطل خود را با تو اظهار نمیدارند، با خود می گویند اگر کار ما بوحی خدا و آئین حق بود شکست نمیخوردیم و گروهی در اینجا کشته نمیشدیم، بگو ای پیغمبر اگر در خانه های خود هم بودید باز آنانکه سرنوشت آنها در قضای الهی کشته شدن است از خانه بقتلگاه بیای خود البته بیرونی آمدند تا خدا آنچه در سینه پنهان دارند بیازماید و هر چه در دل دارند پاک و خالص گرداند و خدا از راز درونها آگاهست (۱۵۵) همانا آنان که از شما در جنگ احد پشت کردند و منهزم شدند شیطان آنها را بسبب نافرمانی و بدکرداریشان بلغزش افکند و خدا از آنها در گذشت که خدا آمرزنده و بردبار است (۱۵۶) ای گرویدگان بدین اسلام شما بمانند آنانکه راه کفر و نفاق پیمودند نباشید که گفتند اگر برادران و خویشان ما بسفر نرفته و یا بجنگ حاضر نمی شدند بجنگ مرگ نمی افتادند آری این آرزوهای باطل را خدا حسرت دلهای آنان خواهد کرد و خداست که زنده میگرداند و میمیراند بهر وقت و هر سبب که میخواهد و بهر چه کنید آگاهست (۱۵۷) اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نائل شوید و آن بهتر از هر چیزیست که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد (۱۵۸) اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید غم مدارید که برحمت ایزدی در پیوسته و بسوی خدا محشور خواهید شد (۱۵۹) ای رسول رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوشخوی گردانید، و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق میشدند، پس چون امت بنادانی درباره تو بد کنند از آنان در گذر و از خدا بر آنها طلب آمرزش کن و برای دلجوئی آنها در کار جنگ مشورت نما لیکن چون تو عقل کاملی آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل بخدا انجامده که خدا آنانکه بر او اعتماد کنند دوست دارد و همه را یاری کند (۱۶۰) اگر شما را خدا یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید و اگر به خواری واگذارد آن کیست که بتواند بعد از آن شما را یاری و غالب کند؟ و اهل ایمان تنها بخدا و قدرت و رحمت او باید اعتماد کنند (۱۶۱) و هیچ پیغمبری البته ابدا خیانت نخواهد کرد، و هر کس خیانت کند روز قیامت بکیفر آن خواهد رسید و بطور کلی هر کس هر عمل نیک و بد در دنیا بجا آرد در قیامت تمام و کامل بجزای آن برسد و به هیچکس ستمی نخواهد شد (۱۶۲) آیا کسی که بایمان در راه رضای خدا قدم بردارد مانند کسی است که بکفر راه غضبخوا پیماید که منزلگاه او جهنم است و بسیار بد جایگاهی است (۱۶۳) این دو گروه مومن و کافر را بر مراتب ایمان و کفر نزد خدا درجات مختلفه است و خداوند بهر چه میکند آگاهست (۱۶۴) خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آلائش پاک گرداند و بانها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد هر چند از آن پیش گمراهی آنان آشکار بود (۱۶۵) آیا هر گاه بشما مصیبتی رسد در جنگ احد در صورتی که دو برابر آن آسیب بدشمنان رسید در جنگ بدر باز از روی تعجب گوئید چرا بما که اهل ایمانیم رنج رسد؟ بگو ای پیغمبر این مصیبت از دست خود کشیدید که نافرمانی رسول (ص) کردید، نه آنکه خدا قادر بر نصرت شما نبود که ایزد متعال بر هر چیز تواناست (۱۶۶) آنچه در روز احد هنگام مقابله دو صف کارزار بشما رسید بقضای خدا و مشیت نافذ او بود تا آنکه بیازماید اهل ایمان را تا معلوم شود حال آنانکه ثابت قدم در ایمانند (۱۶۷) و تا نیز معلوم شود حال آنهایی که در دین نفاق و دورویی کردند و چون بانها گفته شد بیائید در راه خدا جهاد و یا دفاع کنید عذر آوردند که اگر ما بفنون جنگی دانا بودیم از شما تبعیت نموده و بکارزار میامدیم اینان با آنکه دعوی مسلمانی دارند بکفر نزدیکترند تا بایمان بزبان چیزی اظهار می کنند که در دل خلاف آن پنهان داشته اند و خدا بر آنچه پنهان میدارند آگاه تر از خود آنهاست (۱۶۸) آنکسانی که در جنگ با سپاه اسلام همراهی نکرده و گفتند اگر خویشان و برادران ما نیز سخن ما را شنیده و بجنگ احد نرفته بودند کشته نمیشدند ای پیغمبر بچنین

منافق مردم بگو پس شما که برای حفظ حیات دیگران چاره‌توانید کرد مرگ را از جان خود دور کنید اگر راست می‌گوئید (۱۶۹) البته نپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده بحیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود (۱۷۰) آنان بفضل و رحمتی که از خداوند نصیبشان گردیده شاد مانند و بدان مومنان که هنوز بانها نپیوسته اند و بعدا در پی آنها براه آخرت خواهند شتافت مژده دهند که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم نخورند (۱۷۱) و آنها را بشارت بنعمت و فضل خدا دهند و اینکه خداوند البته اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگذارد (۱۷۲) آنانکه دعوت خدا و رسول را اجابت کردند پس از آنکه بانها رنج و لم رسید از آنها هر کس نیکوکار و پرهیزکار شد اجر عظیم خواهد یافت (۱۷۳) آن مومنانی که چون مردمی منافق مانند نعیم بن مسعود اشجعی بانها گفتند لشکر بسیاری که تمام مشرکین مکه و پیروان ابو سفیان باشند بر علیه شما مومنان فراهم شده از آنان در اندیشه و بر حذر باشید این تبلیغات و مکر دشمن بجای آنکه بیم در دل آنها افکند بر ایمانشان بیفزود و گفتند در مقابل همه دشمنان تنها خدا ما را کفایت است و او نیکو یآوری است (۱۷۴) پس آن گروه مومنان بنعمت و فضل خدا روی آوردند و بر آنان هیچ لم و رنجی پیشنیامد و پیرو رضای خدا شدند و خداوند صاحب فضل و رحمت بی منتهاست (۱۷۵) البته این سخنان شیطان است که میترساند و مضطرب میکند به آن دوستارانش را شما مسلمانان ادا از این سخنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمان هستید (۱۷۶) ای پیغمبر تو اندوهناک مباش که گروهی براه کفر میشتابند آنها بخداوند هرگز زیان نرسانند بلکه خود را در دو عالم زیان کار کنند و خدا می‌خواهد که آنان را هیچ نصیبی در عالم آخرت نباشد و نصیبشان عذاب سخت دوزخ خواهد بود (۱۷۷) آنانکه خریدار کفر شدند بعوض ایمان هرگز زبانی بخدا نمیرسانند لیکن آنان رازیان عذاب دردناک خواهد رسید (۱۷۸) و البته آنان که براه کفر رفتند گمان نکنند که مهلتی که ما بانها میدهیم بحال آنها بهتر خواهد بود بلکه مهلت میدهیم برای امتحان تا بر سرکشی و طغیان خود بیفزایند و آنان را عذابی رسد که بدان سخت خوار و ذلیل شوند (۱۷۹) خداوند هرگز مومنان را وانگذارد بدین حال کنونی که مومن و منافق به یکدیگر مشتبهند تا آنکه بازمایش بدسرشت را از پاک گوهر جدا کند، و خدا همه شما را از سر غیب آگاه نسازد ولیکن برای این مقام از پیغمبران خود هر که را مشیت او تعلق گرفت برگزیند پس شما بخدا و پیغمبرانش بگروید که هر گاه ایمان آرید و پرهیزکار شوید در دو عالم اجر عظیم خواهید یافت (۱۸۰) آنانکه بخل نموده و حقوق فقیران را از مالی که خدا بفضل خویش بانها داده ادا نمیکنند گمان نکنند که این بخل بمنفعت آنها خواهد بود بلکه بضرر آنها است چه آنکه آن مالی که در آن بخل ورزیده اند در روز قیامت طوق آتشین گردن آنها شود آری آن روز هیچکس مالک چیزی نیست و تنها خدا وارث آسمانها و زمین خواهد بود و خدا بکردار نیک و بد شما آگاه است (۱۸۱) محققا خدا شنید سخن جاهلان آن کسانی را که چون دستور آمد که بخدا قرض الحسنه بدهید آنها بتمسخر گفتند پس خدا فقیر است و ما دارا البته ما گفتارشان را ثبت خواهیم کرد با این گناه بزرگ که انبیاء را بناحق کشتند و در روز کيفر گوئیم بچشید عذاب آتش سوزان را (۱۸۲) این عذاب را بدست خود پیش فرستادید و خداوند هرگز در حق بندگان خود ستم نخواهد کرد (۱۸۳) آن کسانی که گفتند خدا از ما پیمان گرفته که بهیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد، بگو ای پیغمبر که پیش از من پیغمبرانی آمده و برای شما هرگونه معجزه آورده و این را هم که خواستید نیز آوردند پس اگر راست می‌گوئید و باین شرط ایمان میاورید برای چه آن پیغمبران را کشتید (۱۸۴) پس ای پیغمبر اگر تو را تکذیب کردند غمگین مباش که پیغمبران پیش از تو را هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن بر آنها آوردند نیز تکذیب کردند (۱۸۵) هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققا روز قیامت همه شما بمزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید پس هر کس خود را از آتش جهنم دور داشت و بهشت ابدی در آمد چنین کس فیروزی و سعادت ابد یافت و بدانید که زندگانی دنیا بجز متاعی فریبنده فناپذیر هیچ نخواهد بود (۱۸۶) محققا شما را بمال و جان آزمایش خواهند کرد و بر شما از آخم زبان آنها که پیشاز شما کتاب آسمانی بانها نازل شد آزار بسیار خواهد رسید و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید البته ظفر یابید که ثبات و تقوی سبب نیرومندی و قوت اراده در کارهاست (۱۸۷) و

چون خدا پیمان گرفت از آنانکه کتاب بانها داده شد که حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید پس آنها عهد خدا را پشت سر انداخته آیات الهی را ببهائی اندک فروختند و چه بد معامله پریزانی کردند (۱۸۸) ای پیغمبر مپندار آنهائی که بکردار زشت خود شادمانند و دوست دارند که مردم باوصاف پسندیده ای که هیچ در آنها وجود ندارد آنها را ستایش کنند البته گمان مدار که باین تظاهرها از عذاب خدا رهائی دارند که آنها را بدوزخ عذاب دردناک خواهد بود (۱۸۹) خداست مالک ملک آسمان و زمین و خدا بر هر چیز تواناست (۱۹۰) محققا در خلقت آسمان و زمین و رفت و آمد شب و روز بر وجود حق و علم و قدرت و حکمتش روشن دلائلی است برای خردمندان عالم (۱۹۱) آنهائی که در هر حالت ایستاده و نشسته و خفتن خدا را یاد کنند و دائم فکر در خلقت آسمان و زمین کرده و گویند پروردگارا تو این دستگاہ با عظمت را بیهوده نیافریده ای، پاک و منزهی، ما را بلطف خود از عذاب دوزخ نگاهدار (۱۹۲) ای پروردگارا ما، هر که را تو در آتش افکنی او را سخت خوار کرده ای و او ستمکار بوده و ستمگران را هیچکس یاری نخواهد کرد (۱۹۳) پروردگارا ما چون صدای منادیی که خلق را بایمان میخواند شنیدیم اجابت کردیم و ایمان آوردیم پروردگارا از گناهان ما در گذر و زشتی کردار ما بپوشان و محوساز و هنگام جان سپردن ما را با نیکان و صالحان محشور گردان (۱۹۴) پروردگارا ما را از آنچه برسولان خود وعده دادی نصیب فرما و محروم مگردان که وعده تو هرگز تخلف نخواهد کرد (۱۹۵) پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من که پروردگارم عمل هیچ کس از مرد و زن را بی مزد نگذارم چه آنکه همه در نظر خدا یکسانند بعضی مردم از بعض دیگر برتری ندارد مگر بطاعت و معرفت پس آنانکه از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون شده و در راه خدا رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را در پرده لطف خود بپوشانیم و عفو کنیم آنها را به بهشتی در آوریم که زیر درختانش نهرها جاری است این پاداشی است از جانب خدا و باز نزد خداست پاداش نیکو یعنی بهشت لقای الهی (۱۹۶) تو را دنیا مغرور نکند و غمگین نشوی چون ببینی کافران شهرها در تصرف آرند (۱۹۷) دنیا متاعی اندک است و پس از این جهان منزلگاه آنان جهنم است و چقدر آنجا بد و پر رنج آرامگاهی است (۱۹۸) لیکن آنانکه خداترس و با تقوی شدند منزلگاهشان بهشتی است که در زیر درختانش نهرها جاریست و بهشت منزل جاودانی آنهاست در حالتی که خداوند بر آنها خوان احسان خود بگسترده و آنچه نزد خداست برای نیکان از هر چه در تصور و فکر اندیشید بهتر است (۱۹۹) همانا برخی از اهل کتاب کسانی هستند که بخدا و کتاب آسمانی شما و هم کتاب آسمانی خودشان ایمان آوردند در حالتی که مطیع فرمان خدا بوده و آیات خدا را ببهائی اندک نفروشدند آن طایفه اهل کتاب را نزد خدا پاداش نیکو است که هر نیک و بد را جزائی مسلم است و البته خدا حساب خلق را سریع و آسان خواهد رسید (۲۰۰) ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را بصبر و استقامت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید باشد که فیروز و رستگار گردید (۲۰۱)

النساء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای مردم بترسید از عصیان پروردگار خود آن خدائی که همه شما را از یکتن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت و بترسید از آن خدائی که بنام او از یکدیگر مسئلت و درخواست میکنید خدا را در نظر آرید و درباره ارحام کوتاهی نکنید که همانا خدا ناظر و مراقب اعمال شماست (۲) و اموال یتیمان را پس از بلوغ بدست آنها بدهید و مال بد و نامرغوب خود را بخوب و مرغوب آنها تبدیل نکنید و اموال آنان را بضمیمه مال خود مخورید که این گناهی بس بزرگ است (۳) اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آن کس از آنان را بنکاح خود آرید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است: دو یا سه یا چهار نه بیشتر و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نه پیموده و بانهاستم کنید پس تنها یکزن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید بدان اکتفا

کنید که این نزدیکتر بعدالت و ترک ستمکاریست (۴) و مهر آنان را در کمال رضایت و طیب خاطر بانها بپردازید پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی بشما بخشیدند از آن برخوردار شوید که آن شما راحلال و گوارا خواهد بود (۵) اموالی که خدا قوام زندگانی شما را بدان مقرر داشته بتصرف سفیهان مدهید و سفیهان را از مالشان بقدر لزوم نفقه و لباس بانها دهید و برای آنکه از آنها آزار نینید بگفتار خویش آنها را خرسند کنید (۶) یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل بنکاح پیدا کنند آنگاه اگر آنها را دانا بدرک مصالح زندگانی خود یافتید اموالشان را بانها بازدهید و باسراف و با عجله مال آنها را حیف و میل نکنید بدین اندیشه که مبادا کبیر شوند و اموالشان را از شما بگیرند و هر کس از اولیای یتیم دارا است بکلی از هر قسم تصرف در مال یتیم بنفع خویش خودداری کند و هر که فقیر است در مقابل نگهداری او از مال یتیم بقدر متعارف ارتزاق کند پس آنگاه که یتیمان بالغ شدند و مالشان را رد کردید بر رد مال بانها باید گواه گیرید برای حکم ظاهر و لیکندر باطن علم حق و گواهی خدا برای محاسبه خلق کافست (۷) برای فرزندان ذکور سهمی از ترکه ابوین و خویشان است و برای فرزندان ناث نیز سهمی از ترکه چه مال اندک باشد یا که بسیار نصیب هر کس از آن در کتاب حق معین گردیده است (۸) و چون در تقسیم ترکه میت از خویشان میت و یتیمان و فقیران اشخاصی حاضر آیند بچیزی از آن مال آنها را بهره ای روزی دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوئید (۹) و باید بندگان از مکافات عمل خود بترسند و با یتیمان مردم نیک رفتار باشند کسانی که میترسند بمیرند و کودکان ناتوان از آنها باقی ماند و زیر دست مردم شوند پس باید از خدا بترسند و سخن باصلاح و درستی در حق ایتام مردم گویند و راه عدالت پویند (۱۰) آنانکه اموال یتیمان را بستمگری میخورند در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرومیرند و بزودی بدوزخ در آتش فروزان قهر حق خواهند افتاد (۱۱) حکم خدا در حق فرزندان شما اینست که پسران دو برابر دختران ارث برند پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یکنفر باشد نصف و فرض هر یک از پدر و مادر یک سدس ترکه است در صورتی که میت را فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر بپدر و مادر باشد در اینصورت مادر یک ثلث میبرد و باقی پیدر رسد و اگر میت را برادر باشد در این فرض مادر سدس خواهد برد پس از آنکه حق وصیت و دین که بمال میت تعلق گرفته استثنا شود، شما این را که پدران یا فرزندان و خویشان کدام یک بخیر و صلاح و بارث بردن بشما نزدیکترند نمیدانید تا در حکم مراعات کنید این احکام فریضه ایست که خدا باید معین فرماید زیرا خداوند بهر چیز دانا و بهمه مصالح خلق آگاهست (۱۲) سهم ارث شما مردان از ترکه آنان نصف است در صورتی که آنها را فرزند نباشد و اگر فرزند باشد ربع خواهد بود پس از خارج کردن حق وصیت و دینی که بدارائی آنها تعلق گرفته و سهم ارث آنان ربع ترکه شما مردان است اگر دارای فرزند نباشید و چنانچه فرزند داشته باشید ثمن خواهد بود پس از اداء حق وصیت و دین شما و اگر مردی بمیرد که وارثش کلالة او باشند برادر و خواهر امی یا هر خواهر و برادری یا زنی بمیرد که وارثش یک برادر و یا خواهر او باشد در این فرض سهمارث هر یکنفر از آنها سدس خواهد بود و اگر بیش از یکنفر باشند همه آنها ثلث ترکه را باشتراک ارث برند بعد از خارج کردن دین و حق وصیت میت در صورتی که وصیت بحال ورثه بسیار زیان آور نباشد یعنی زاید بر ثلث نباشد این حکمی است که خدا سفارش فرموده و خدا بهمه احوال بندگان دانا و بهر چه ناروا کنند هم بردبار است (۱۳) آنچه مذکور شد احکام و اوامر خداست و هر کس پیرو امر خدا و رسول اوست او رابه بهشتهایی در آورند که در زیر درختانش نهرا جاریست و آنجا منزل ابدی مطیعان خدا خواهد بود و اینست سعادت و فیروزی عظیم (۱۴) و هر که نافرمانی خدا و رسول کند و تجاوز از حدود احکام الهی نماید او را باتشی درافکند که همیشه در آن معذب است و همواره در عذاب خواری و ذلت خواهد بود (۱۵) آنانی که عمل ناشایسته کنند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید چنانچه شهادت دادند در اینصورت آنان را در خانه نگه دارید تا زمان عمرشان پایان رسد یا خدا برای آنها راهی پدیدار گرداند یعنی توبه یا حد مقرر شود (۱۶) هر کس از مسلمانان عمل ناشایسته مرتکب شوند چه آن و چه مرد آنان را بسرزنش و توییح بیازارید چنانچه توبه کردند دیگر متعرض آنها نشوید که خدا توبه خلق میپذیرد و نسبت بانها مهربانست (۱۷) محققا خدا توبه آنهایی

را میپذیرد که عمل ناشایسته را از روی جهل و نادانی مرتکب شوند پس از آن که زشتی آن عمل را دانستند بزودی توبه کنند پس خدا آنها را می بخشد، و خدا بامور عالم دانا و بمصالح خلق آگاهست (۱۸) کسی که باعمال زشت تمام عمرش اشتغال ورزد تا آنگاه که بیقین مشاهده مرگ کند در آن ساعت پشیمان شود و گوید اکنون توبه کردم. توبه چنین کس پذیرفته نخواهد شد چنانکه هر کس بحال کفر بمیرد نیز توبه اش قبول نشود بر این گروه عذابی بس دردناک مهیا ساختیم (۱۹) ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که آنان را باکراه و جبر بمیراث گیرید چنانکه در جاهلیت هر کس میمرد وراثش آن او را هم حق ارث خود میدانستند و بر آنان سختگیری و بهانه جوئی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده اید بجور بگیریید مگر آنکه عمل زشتی و مخالفتی از آنها آشکار شود، و بانها در زندگانی با انصاف و خوشرفتار باشید و چنانکه آن دلپسند شما نباشد اظهار کراهت مکنید که بسیار چیزها ناپسند شما است و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار برای شما مقدر فرموده است (۲۰) اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر بجای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید البته نباید بازگیرید، چیزی از مهر او، آیا بوسیله تهمت زدن بزن مهر او را میگیرید؟ و این گناهی فاش و زشتی اینکار آشکار است (۲۱) و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در صورتی که هر کسی بحق خود رسیده مرد به لذت و آسایش و آن به نفقه و مهر خود رسیده و در صورتی که آن زنان مهر را در مقابل عقد زوجیت و عهد محکم حق از شما گرفته اند (۲۲) زن پدر را نباید بنکاح در آورید بعد از نزول این حکم الا آنچه از این پیش در زمان جاهلیت کرده اید که خدا از آن درگذشت زیرا این کاریست زشت و مبعوض خدا و عملی بس قبیح است (۲۳) حرام شد برای شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر آن و دختران آن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با آن مباشرت کرده باشید و اگر دخول با آن نکرده طلاق دهید باکی نیست که با دختر او ازدواج کنید و نیز حرام شد آن فرزندان صلبی نه آن پسر خوانده شما و نیز حرام شد جمع میان دو خواهر یعنی که در یکوقت هر دو را بزنی گیرند مگر آنچه پیش از نزول این حکم در عصر جاهلیت کرده اند که خدا از آن درگذشت زیرا خداوند در حق بندگان بخشنده و مهربانست (۲۴) و نکاح آنان محصنه شوهردار نیز برای شما حرام شد مگر آن زنان که در جنگهای با کفار بحکم خدا متصرف و مالک شده اید، بر شماست که پیرو کتاب خدا باشید با آنهائی که بحرمت یاد شد نکاح مکنید و هر زنی غیر آنکه ذکر شد حلال است که بمال خود بطریق زناشوئی بگیریید نه آنکه زنا کنید پس چنانکه شما از آنها بهره مند شوید آن حق معین که مزد آنهاست بانان بپردازید و باکی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم بچیزی با هم تراضی کنید و بدانید که البته خدا دانا و بحقایق امور عالم آگاهست (۲۵) و هر که را وسعت و توانائی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان و آزاد گیرد پسکنیزان مومنه که مالک آن شدید بزنی اختیار کنید خدا آگاه تر است بمراتب ایمانشما که شما اهل ایمان همه از زن و مرد بعضی از جنس بعضی دیگر یعنی همه مومن و در رتبه یکسانید پس با کنیزکان مومنه با اذن مالکش بی هیچ کبر و نخوت ازدواج کنید و مهر آنها بدانچه معین شده بدهید کنیزکانی که عقیف باشند نه زناکار و نه رفیق و دوستدار پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سرزند بر آنها نصف عذاب زنان پارسای آزاد است این حکم کنیز را بزنی گرفتن درباره کسی است که بترسد مبادا برنج افتد یعنی بزحمت عزوبت یا گناه زناکاری افتد و اگر صبر کنید تا وسعت یافته و زنی آزاد بگیریید برای نظم خانه و تربیت فرزند شما بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است (۲۶) خدا میخواهد راه سعادت را برای شما بیان کند و شما را باداب و باخلاق ستوده آنانکه پیش از شما بودند یعنی پیغمبران و نیکان امم سابقه رهبر گردد، و بر شما از لطف و کرم ببخشاید، و خدا باحوال خلق دانا و بحقایق امور آگاهست (۲۷) و خدا میخواهد بر شما بازگشت به رحمت و مغفرت فرماید و مردم هوسناک پیرو شهوات میخواهند که شما را از راه حق و از رحمت الهی بسیار دور و منحرف گردید (۲۸) خدا میخواهد کار بر شما آسان کند که انسان ضعیف خلق شده است (۲۹) ای اهل ایمان مال یکدیگر را بناحق نخورید مگر آنکه تجارتنی از روی رضا و رغبت کرده و سودی برید و نکشید یکدیگر را که البته بسیار خدا بشما مهربان است و هرگز بقتل و ظلم شما در حق یکدیگر راضی نیست (۳۰) و هر کس چنین کند یعنی بمال و جان

مردم دست ظلم دراز کند از روی دشمنی و ستمگری پس او را به زودی در آتش دوزخ درآوریم و این کار یعنی انتقام کشیدن از ظالمان برای خدا آسانست (۳۱) ای اهل ایمان چنانچه از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده اند دوری گزینید یعنی گناهان کبیره را مرتکب نشوید ما از گناهان دیگر شما درگذریم و شما رادر دو عالم بمقامی نیکو و رتبه بلند برسانیم (۳۲) آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا بدان بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید یعنی در اموری که موهبت خداست و اکتسابی نیست مانند نعمت نبوت ولایت هوش حسن جمال و نطق فصیح و غیره طمع نکنید و بر صاحبانش حسد مورزید و بکسب علم و هنر پردازید که هر که از مرد و زن از آنچه اکتساب کنند بهره مند شوند و هر چه خواهید از فضل خدا درخواست کنید نه از خلق تا بشما اعطا کند که خدایفاض و بهمه چیز داناست (۳۳) ما برای هر کس از ارث برها از قبیل پدر و مادر و خویشان حقی قرار داده ایم و به ترتیب مقدم و موخر ارث و مقدار حق هر وارث را بیان کردیم بدان عمل کنید و با هر که عهد و پیمان حقوقی بسته اید بهره آنان را بدهید و نقض عهد مکنید که خدا بر هر چیز و هر چه کنید گواه است (۳۴) مردان را بر آنان تسلط و حق نگهبانی است بواسطه آن برتری نیرو و عقل که خدایبعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید بزنان نفقه دهند پس آنان شایسته و مطیع آنهایند که در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا بحفظ آن امر فرموده نگهدارند و آنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را بزدن تنبیه کنید چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است و بر ظلم مظلوم از ظالم انتقام خواهد کشید (۳۵) چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین آنها یعنی میان زن و شوهر پدید آید داوری بر گزینید از طرف کسان مرد و کسان آن، که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا ایشان را بر آن موفقیت بخشد که خدا بهمه چیز دانا و از همه سرائر خلق آگاهست (۳۶) خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت پیدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه بیگانه و دوستان موافق و رهگذران و بندگان و پرستاران که زیر دست شمایند در حق همه نیکی و مهربانی کنید و متواضع باشید که خدا مردم خودپسند متکبر را دوست ندارد (۳۷) آن گروه از یهود و نصاری که بخل میورزند و مردم را ببخل وادار می کنند و آنچه را خدا از فضل خود بانها بخشیده از آیات و احکام آسمانی کتمان میکنند البته بکیفر خود خواهند رسید و خدا بر کافران عذابی خوار کننده مهیا داشته است (۳۸) آنانکه اموال خود را بقصد ریا و خودنمایی می بخشند و بخدا و روز قیامت نمیگروند ایشان یاران شیطانند و هر که را شیطان یار اوست بسیار یاری زشت و بد خواهد داشت (۳۹) و چه زیان بانها میرسید اگر بخدا و روز قیامت ایمان آورده و از بهره ای که خدا بانان داده برای خدا چیزی انفاق میکردند تا نزد خدا ذخیره آنها باشد و خداوند باحوال و نیت آنان داناست (۴۰) خدا مقدار ذره ای بکسی ستم نکند و هر عمل نیکی را زیاد گرداند و به نیکان از جانب خود مزدی بزرگ عطا کند (۴۱) چگونه است حال در روز محشر و چه اندازه نیکان سرفراز و بدان شرمنده باشند آنگاه که از هر طایفه ای گواهی آریم و تو را ای پیغمبر خاتم بر این امت بگواهی خواهیم (۴۲) در آن روز آنانکه براه کفر رفته و طغیان و نافرمانی رسول حق کردند از سختی عذاب آرزو کنند که ایکاش با خاک زمین یکسان بودند و حشری بر آنها نبود و از خدا چیزی از قبایح اعمالشان را پنهان نتوانند کرد (۴۳) ای اهل ایمان هرگز در حال مستی بنماز نیائید تا بدانید حضور کیستید چه میگوئید و چه میکنید و نه در حال جنابت مگر آنکه مسافر باشید تا وقتی که غسل کنید و اگر بیمار بودید و نتوانستید غسل کنید یا آنکه در سفر باشید یا قضار حاجتی دست داده باشد یا با آنان مباشرت کرده اید و آب برای تطهیر و غسل نیافتید یا از استعمال آب معذور بودید در این صورت بخاک پاک تیمم کنید کف بر خاک زده آنگاه صورت و دستها را بدان مسح کنید شرع حق بر خلق آسان میگردد که خدا آمرزنده و بخشنده است (۴۴) ندیدی حال آنانکه اندک بهره ای از علم کتاب یافتند یعنی علماء یهود و نصاری که خریدار متاع ضلالت و گمراهیند و همی خواهند که شما اهل ایمان را بگمراهی اندازند (۴۵) و خدا داناتر است بدشمنان شما و دوستی خدا و یاری او شما را از شر آنها کفایت خواهد کرد (۴۶) گروهی از یهود کلمات خدا را از جای خود تغییر داده و

گویند فرمان خدا را شنیده و از آن سرپیچیم و بزبان جسارت با تو خطاب کنند گویند بشنو که کاش ناشنوا باشی و گویند ما را رعایت کن و گفتارشان زبان بازی و طعنه و تمسخر به دیناست و اگر باحترام گفتندی که ما فرمان حق را شنیده و تو را اطاعت کنیم و توسخن ما بشنو و بحال ما بنگر هر آینه آنان را نیکوتر بود و بصواب نزدیکتر و لیکن خدا آنها را چون کافر شدند لعنت کرد که بجز اندکی از آنها لایق رحمت خدا نیستند و ایمان نمیآورند (۴۷) ای کسانی که برای شما کتاب آسمانی فرستاده شد بقرآنی که فرستادیم برای پیغمبر اسلام ایمان آورید که مصدق تورات و نجیل شماست پیش از آنکه مستحق عذاب ما شوید و برویتان از اثر ضلالت خب محو و خذلان کشیم یا گونه هایتان را واژگون کنیم و روح انسانی شما را مسخ گردانیم یا آنکه بر شما بمانند اصحاب سبت یهودانی که بمخالفت حکم خدا روز شنبه صید نمودند لعنت و عذاب فرستیم و بترسید که فرمان قضای خدا البته واقع شدنی است (۴۸) محقق است که خدا هر کس را که باو شرک آورد نخواهد بخشید و سوای شرک هر که را خواهد میبخشد و آن کس که شرک بخدا آرد بدروغی که بافته است گناهی بزرگ مرتکبشده است (۴۹) نمی بینی آنان که دعوی پاکدلی و نیک نفسی کنند در موقع عمل چقدر ناپاکند خداست که هر که را بخواهد از ردائل پاک و منزه دارد و بقدر فتیلی یعنی رشته خرمائی در قضای الهی بکسی ستم نشود (۵۰) بنگر چگونه بر خدا دروغ میبافند و همین افترا بخدا گناه آشکار بر پلیدی نفس و هلاک آنان بس است (۵۱) ندیدی و عجب نداشتی از حال آنانکه بهره ای از کتاب آسمانی هم داشتند یعنی یهودان باز چگونه بیتان جبت و طاغوت گرویده و با مشرکین هم عهد و پیمان و متفق شدند و بکافران مشرک میگویند که راه شما بصواب نزدیکتر از طریقه اهل ایمان است؟ (۵۲) این گروهند که خدا آنان را لعنت کرد و هر که را خدا لعنت کند و از رحمت خود دور سازد دیگر هرگز کسی مدد و یاری او نتواند کرد (۵۳) آیا آنانکه از احسان بخلق بهسته خرمائی بخل میورزند بهره ای از ملک و سلطنت خواهند یافت؟ (۵۴) آیا حسد میورزند یهود با مردم یعنی با مسلمین چون آنها را خدا بفضل خود برخوردار نمود که البته ما بر آل ابراهیم حضرت محمد (ص) کتاب و حکمت فرستادیم و بانها ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم (۵۵) آنگاه برخی کسان با حقیقت از اهل کتاب و غیره بدو گرویدند و برخی کسان بی حقیقت و پر غرور راهزن دین و مانع ایمان باو شدند و آتش افروخته دوزخ کیفر کفر آنان بس است (۵۶) آنانکه بایات ما کافر شدند بزودی باتش دوزخشان درافکنیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد پوست دیگرش مبدل سازیم تا سختی عذاب را بپشند که همانا خدا مقتدر است و کارش همه عدالت و از روی حکمت است (۵۷) آنانکه ایمان آوردند و نیکوکار شدند بزودی در بهشتی در آوریم که نهراها از زیر درختانش جاریست و در آن زندگانی جاوید کنند و بر آنها در بهشت جفتهای پاکیزه است و آنان را بسایه رحمت ابدی خود در آوریم (۵۸) خدا بشما امر میکند که امانت را البته به صاحبانش بازدهید و چون حاکم بین مردمشوید بعدالت داوری کنید همانا خدا شما را پند نیکو میدهد که خدا بهر چیز آگاه و بصلاح خلقان بصیر است (۵۹) ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید و چون در چیزی کارتان بگفتگو و نزاع کشد بحکم خدا و رسول بازگردید اگر بخدا و روز قیامت ایمان دارید این کار رجوع بحکم خدا و رسول برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش عاقبتتر خواهد بود (۶۰) آیا ننگری و عجب نداری از حال آنانکه بگمان و دعوی خود ایمان بقرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده اند چگونه باز میخواهند طاغوت شیطان دیو و مردم ناپاک دیو صفت را حاکم خود گمارند در صورتی که مامور بودند که بطاغوت کافر شوند، و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند آنگونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور باشند (۶۱) چون بانها گفته شد که بحکم خدا و رسول باز آئید گروه منافق را بینی که سختمردم را از گرویدن بتو منع میکنند (۶۲) پس چگونه خواهد بود حال آنها چون رنج و مصیبتی از کردار زشت خود بانها رسد آنگاه بتملق و چاپلوسی نزد تو آیند و بخدا از دروغ سوگند خورند که ما در کار خود قصدی جز نیکوئی و موافقت با مسلمین نداشتیم (۶۳) اینان هستند آن گروه منافق که خدا از قلب ناپاک آنها آگاهست پس تو ای رسول از آنان روی بگردان ولی بانها نصیحت کن و بگفتار دلنشین و موثر با ایشان سخنگو (۶۴) ما رسول نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق بامر خدا اطاعت او کنند و هدایت شوند و اگر

هنگامی که گروه منافق بر خود بگناه ستم کردند از کردار خود بخدا توبه نموده و بتو رجوع میکردند که بر آنها استغفار کنی و از خدا آمرزش خواهی البته در اینحال خدا را پذیرنده توبه و بتائبان مهربان مییافتند(۶۵) نه چنین است قسم بخدای تو که اینان بحقیقت اهل ایمان نیستند مگر آنکه در خصومت و نزاعشان تنها تو را حاکم کنند و آنگاه بهر حکمی که بسود و زیان آنها کنی هیچگونه اعتراضی در دل نداشته و کاملاً از دل و جان تسلیم فرمان تو باشند(۶۶) و اگر ما بانها حکم میکردیم که خود را بکشید یا از دیار خود برای جهاد بیرون روید بجز اندکی مومنان کامل اطاعت امر نمیکردند و اگر مردم بحکم حق و آنچه ناصحان نصیحت و پندشان میدهند عمل میکردند البته نیکوتر و کاری محکم اساس تر در امر دین و دنیای آنها بود(۶۷) و در آن صورت محققاً ما آنها را مزدی بزرگ پیاداش طاعت عطا میکردیم(۶۸) و آنان را براه راست سعادت هدایت مینمودیم(۶۹) و آنانکه خدا و رسول را اطاعت کنند البته با کسانی که خدا بانها لطف و عنایت کامل فرموده یعنی با پیمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد و اینان در بهشت چقدر نیکو رفیقانی هستند(۷۰) اینست فضل و بخشش خدا و علم ازلی خدا باحوال و حاجات خلق کفایت کند(۷۱) ای اهل ایمان سلاح جنگ بگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه بیکبار متفق برای جهاد بیرون روید(۷۲) و همانا گروهی از شما که منافقند و بظاهر دوست و در باطن دشمن شما هستند بخرهای مجعول هول انگیز شما را ترسان ساخته و از جهاد باز میدارند و اگر بشما حادثه ناگواری روی آرد آن منافق مردم بطریق شماتت گویند خدا ما را مورد لطف خود قرار داد و از این حادثه که آنها را بکشتن داد محفوظ داشت(۷۳) و اگر فضل خدا شامل حال شما گردد گوئی میان شما و آنان ابد دوستی نیست تانفع شما را نفع خود بدانند و با تاسف گویند ایکاش ما نیز با آنها بجهاد رفته بودیم تا بنعمت فتح و غنیمت بسیاری که نصیب آنها شده بهره فراوان میبردیم(۷۴) مومنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد براه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم(۷۵) چرا در راه خدا جهاد نمی کنید در صورتی که جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک شما که در مکه اسیر ظلم کفارند آنها دایم میگویند بار خدایا ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور و از جانب خود برای ما بیچارگان نگهدار و یاوری فرست تا از شر ستمکاران آسوده شویم(۷۶) اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد میکنند پس شما مومنان با دوستان شیطان بجنگید و از آنها هیچ بیم و اندیشه مکنید که مکر و سیاست شیطان بسیارست و ضعیف است(۷۷) آیا نمینگری و عجب نداری از حال آن مردمی که گفتند بما اجازه جنگ ده و بانها گفته میشد اکنون از جنگ خودداری کرده و بوظیفه نماز و زکات قیام کنید که هنوز مامور بجنگ نیستیم دیدی آنگاه که بر آنها در جنگ بدر حکم جهاد آمد در آن هنگام بیش از آن اندازه که باید از خدا ترسند از مردم دشمنان دین ترسیدند و گفتند ای خدا چرا بر ما حکم جنگ را فرض کردی که عمر ما را تا بهنگام اجل و مرگ طبیعی بتاخیر نیفکنی ای رسول ما بانان که این اعتراض کنند بگو که زندگانی دنیا متاعی اندکست و جهان آخرت ابدی برای هر که خدا ترس می باشد بسیار بهتر از دنیاست و آنجا حکم با خدای عادل است و کمترین ستم درباره کسی نخواهد شد(۷۸) هر کجا باشید اگر چه در کاخهای بسیار محکم مرگ شما را فرا رسد و از چنگ مرگهیچ چاره ای رهائی ندارید و آنان را یعنی گروه منافقان را اگر خوشی و نعمتی فرا رسد گویند این از جانب خداست و اگر زحمتی پیش آید بتو نسبت دهند ای رسولبدان گروه منافق نادان بگو هر چه در جهان پدید آید و هر چه از نیک و بد بشمارسد همه از جانب خداست چرا این قوم جاهل از فهم هر سخن دورند(۷۹) هر چه از انواع نیکوئی بتو رسد از جانب خداست و هر بدی رسد از نفس تست و ای پیغمبر ما تو را برسالت برای راهنمایی مردم فرستادیم و برای رسالت تو تنها گواهی خدا کافی است از انکار امت میندیش که قضا و قدر الهی بر رفعت مقام تو و علای دین اسلام گذشته و آن بر اراده خلق حاکم است و ابداً خلق قادر بر تبدیل آن نیستند(۸۰) هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که مخالفت کند کیفر مخالفتش با خداست و ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده ایم(۸۱) منافقان روز نزد تو بزبان اظهار ایمان کنند و شب چون از حضور تو دور شوند گروهی خلاف گفته تو را در دل گیرند و خدا اندیشه شبانه آنها را خواهد نوشت پس تو ای پیغمبر از آنها

روی بگردان و بخدا اعتقاد کن که تنها خدا تو را یاور و نگهبان کافی است (۸۲) آیا در قرآن از روی فکر و تامل نمینگرند تا بر آنان ثابت شود که وحی خداست و اگر از جانب غیر خدا بود در آن از جه لفظ و معنی بسیار اختلاف می یافتند (۸۳) چرا منافقان اگر مسلمانند اسرار جنگی اسلام را فاش میکنند و چون امری که باعث ایمنی یا ترس مسلمین است و باید پنهان داشت منتشر میسازند تا دشمنان آگاه شوند در صورتی که اگر به رسول و به صاحبان حکم پیشوایان اسلام رجوع میکردند همانا تدبیر کار را آنانکه اهل بصیرتند میدانستند و در آن واقعه صلاح اندیشی میکردند و اگر نه این بود که فضل خدا شامل حال شماست همانا بجز اندکی همه شیطان را پیروی میکردید (۸۴) پس ای پیغمبر تو خود تنها در راه خدا به کارزار برخیز که جز شخص تو بر آن مکلف نیست و مومنان را نیز ترغیب کن باشد که خدا آسیب کافران را از شما بازدارد که قدرت خدا از کمک مردم بیشتر و عذاب و انتقامش سختتر خواهد بود (۸۵) هر که سبب کار نیکوئی شود هم او نصیبی کامل از آن برد و هر که وسیله کار قبیحی گردد از آن سهمی بسزا خواهد یافت و خدا بر همه نیک و بد اعمال خلق مراقب است (۸۶) هر گاه کسی شما را ستایش کند شما نیز باید بستایشی مثل آن یا بهتر پاسخ دهید که خدا بحساب هر نیک و بد کاملاً خواهد رسید (۸۷) خدای یگانه که هیچ خدائی جز او نیست محققاً همه را در روز قیامت که هیچ شک در آن نیست جمع آورد و کیست که راستتر از خدا سخن گوید (۸۸) چرا شما درباره منافقان دو فرقه شدید گروهی باسلام و گروهی بکفرشان قائل گشتید آنها در باطن کافرنند و خدا آنها را بکیفر اعمال زشتشان بازگرداند آیا شما میخواهید کسی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید در صورتی که هر که را خدا گمراه کرده هرگز تو بر هدایت او راهی نخواهی یافت (۸۹) منافقان و کافران از رشک و حسد آرزو کنند که شما مسلمین هم بمانند آنها کافر شوید تا شما را بر آنان امتیازی نباشد و همه برابر و مساوی در کفر باشید پس آنها را تا در راه خدا هجرت نکنند و ایمان قلبی بی مکر و خدعه نیاورند دوست نگیرید و اگر مخالفت کردند آنها را هر کجا یافتید گرفته و بقتل رسانید و از آنها یاور و دوستی نباید اختیار کنید (۹۰) مگر آنانکه بقومی که میان شما با آنها عهد و پیمانی است در پیوسته باشند یا که بر این عهد نزد شما آیند که از جنگ با شما و با قوم خودشان که دشمنان شما هستند هر دو خودداری کنند و از جنگ دلتنگ باشند با این دو طایفه از کافران که در حقیقت بشما پناهنده اند نباید قتال کنید و اگر خدا میخواست آنها را بر شما مسلمین مسلط میکرد تا با شما قتال میکردند پس هر گاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند در اینصورت خدا برای شما راهی بر علیه آنها نگشوده یعنی مال و جانشان را بر شما مباح نکرده (۹۱) گروهی دیگر را خواهید یافت که میخواهند باظهار اسلام از شما ایمنی یابند و از قوم خود باظهار کفر و هر گاه که راه فتنه گری و شرک بر آنها باز شود بکفر خود بازگردند پس اگر از فتنه انگیزی و نفاق با شما کناره نرفتند و تسلیم شما نشدند و از آزار شما دست نکشیدند در این صورت آنها را هر جا یافتید گرفته و بقتل رسانید ما شما را بر جان و مال این گروه تسلطی کامل بخشیدیم (۹۲) هیچ مومنی را نرسد که مومنی را بقتل رساند مگر آنکه باشتباه و خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا هم مومنی را مقتول ساخت باید بکفار این خطا بنده مومنی آزاد کند و خون بهای آن را بصاحب خون تسلیم نماید مگر آنکه دیه را ورثه بقاتل ببخشند و اگر این مقتول با آنکه مومن است از قومی است که با شما دشمن و محاربتند در اینصورت قاتل دیه ندهد لیکن بر اوست که بنده مومنی را آزاد کند، و اگر مقتول از قومی است که میان شما و آن قوم عهد و پیمان برقرار بوده پس خونها را بصاحب خون پرداخته و بنده مومنی بکفار نیز آزاد کنید و اگر بنده ای نیابید بایستی دو ماه متوالی روزه دارید این توبه ایست که از طرف خدا پذیرفته است و خدا باعمال خلق و جزاء آن آگاه و بصیر و بهمه امور عالم وجود دانا و حکیم است (۹۳) هر کس مومنی را بعمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید مهیا سازد (۹۴) ای اهل ایمان چون در راه دین خدا بیرون روید در کار دشمن و دوست تحقیق و جستجو کنید و بانکس که اظهار اسلام کند و بشما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر مدهید تا بیهانه ای مال و جان را بر خود حلال کنید و از متاع ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید که نزد خداست غنایم بیشمار از او اطاعت کنید اسلام شما هم اول امر همچنین اظهار و تسلیمی

بیش نبود تا وقتی که خدا بر شما بنور ایمان منت گذاشت تا از ظاهر اسلام بحقیقت ایمان رسیدید پس اکنون باید تحقیق کنید و بهوس و طمع در جان و مال مردم کسی را بکفر نسبت دهید که خدا بهر چه کنید از باطن شما کاملاً آگاهست (۹۵) هرگز مومنانی که بی هیچ عذری مانند نابینائی، مرض، فقر و غیره از کار جهاد بازنشینند با آنانکه بمال و جان کوشش کنند در مراتب ایمان یکسان نخواهند بود خدا مجاهدان فداکار بمال و جان را بر بازنشستگان بلندی و برتری بخشیده و همه اهل ایمان را وعده نیکوتر که دخول بهشت است فرموده و مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است (۹۶) این درجات و برتری رتبه ها از نظر عدل بخشایش و رحمت اوست و خدا درباره خلق آمرزنده و مهربان است (۹۷) آنانکه هنگام مرگ و قبض روح ظالم و ستمگر بمیرند فرشتگان از آنها بازپرسند که در چکار بودید و چرا بایمان و اعمال نیک برای آخرت نپرداختید پاسخ دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان و اسیر ظلم حکام جاهل و کافر بودیم فرشتگان گویند آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن سفر کنید و از محیط جهل و کفر بسرزمین علم و ایمان شتایید از آنها عذر نپذیرند و ماوای ایشان جهنماست و بازگشت آنها بجایگاه بسیار بدی است که محل قهر و عذاب خداست (۹۸) مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که برآستی ناتوان بودند بحقیقت فقیر و یا عاجز یا مریض و غیره بودند که گریز و چاره ای برایشان میسر نبود و راهی به نجات خود از آن دار کفر نمی یافتند (۹۹) آنها امیدوار بعفو و بخشش خدا باشند که خدا گناهشان را می بخشد که خدا بخشنده و آمرزنده بندگان است (۱۰۰) و هر کس در راه خدا از وطن خویش هجرت کند از آوارگی و غربت نیندیشد در زمین پهناور خدا برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت و هر گاه کسی از خانه خویش و شهر خود برای هجرت بسوی خدا و رسول و حفظ مقام ایمان بیرون آید و در سفر مرگ وی را فرارسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست یعنی یقین خدادر دو عالم بر او رحمت و تفضل خواهد فرمود و خدا پیوسته بر خلق آمرزنده و مهربانست (۱۰۱) و هنگامی که در سفر باشید باکی برای شما نیست که نماز را کوتاه بجای آرید چهار رکعت را دو رکعت کنید هر گاه بیم آن دارید که کافران شما را برنج و هلاکت اندازند و ای مومنان از کافران هیچگاه غافل نشینید که دشمنی کفار نسبت بشما مسلمین کاملاً آشکار است (۱۰۲) و هرگاه ای رسول گرامی در سفرهای جهاد شخص تو یا فرمانداران از طرف تو در میان سپاه اسلام باشی و نماز بر آنان پبای داری باید سپاهی با تو مسلح به نماز ایستند و چون سجده نماز بجای آورند این سپاه برای حفاظت رفته و گروهی که نماز نخوانده اند بنماز آیند و البته با لباس جنگ و با اسلحه زیرا کافران آرزو و انتظار آن دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید و ناگهان یکباره به شما حمله ور شوند، و چنانکه بارانی یا مرضی شما را از برگرفتن سلاح برنج اندازد باکی نیست اسلحه را فرو گذارید ولی البته از دشمن در حذر باشید لیکن بوعده خدا بر فتح خود مطمئن باشید که خدا برای کافران عذابی سخت خوارکننده مهیا ساخته (۱۰۳) پس آنگاه که از نماز فراغت یافتید خصوص در حال جنگ که از نماز کامل باز ماندید باز در همه احوال ایستاده، نشسته و بر پهلو و هر حال که بتوانید خدا را یاد کنید سپس که از آسیب دشمن ایمن شدید در اینحال نماز کامل بجای آرید که نماز برای اهل ایمان حکمی معین و واجب و لازم است (۱۰۴) و نباید از تعقیب کردن در کار دشمنان سستی و کاهلی کنید که اگر شما از آنان برنج و زحمت میافتید آنها نیز از دست شما رنج میکشند با این فرق که شما بلطفخدا و بهشت ابد امیدوارید و آنها چون بی ایمانند بخدا و اجر قیامت امیدی ندارند و خدا دانا و حکیم و کریم است و امیدواران را محروم نمیسازد (۱۰۵) ای پیغمبر ما بسوی تو قرآن را بحق فرستادیم تا بانچه خدا بوحی خود بر تو پدید آرد میان مردم حکم کنی و نباید بر نفع خیانتکاران با مومنان و بی تقصیران بخصوصم برخیزی. در سبب نزول آیه اقوالی است یکی آنکه طعم ابن ابیرق آرهی از قتاده نعمان دزدید و بمرد یهودی سپرد سرقت او کشف شد طعمه بدان یهودی نسبت داد و با قومش نزد رسول شکایت کرد که قتاده دزدی یهود را بمن بسته رسول خواست باقتاده و یهودی خصومت کند آیه نازل شد (۱۰۶) و از خدا آمرزش طلب که خداوند البته آمرزنده و مهربانست (۱۰۷) و هرگز برای خاطر مردمی که با نفوس خود خیانت میکنند با اهل ایمان و مردم بی تقصیر جدال مکن که همانا خدا آن را که خیانتکار و بد عمل است دوست نمیدارد (۱۰۸) مردم خیانتکار در کار خیانت از

خلق شرم میکنند و از خدا نمیکنند و شبانگاه که سخنانی نادرست و ناپسند برای اتهام خلق در دل میانداشند خدا در آن حال هم با آنهاست و خدا بهر چه کنند آگاهست (۱۰۹) بفرض که شما خود از طرف آنها برای زندگانی دنیا دفاع کنید کدام کس طرفداری آنها را روز قیامت خواهد نمود؟ و که آنها را از عقاب خدا نجات تواند داد؟ و یا چه کس بکفالت و وکالت آنها تواند برخاست؟ (۱۱۰) هر که عمل زشتی از او سرزند یا بخویشتن ظلم کند سپس از خدا طلب آمرزش و عفو کند خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت (۱۱۱) هر که گناهی کند که بخود زیان رسانیده و خدا دانا باعمال خلق و کارش در جزای اعمال از روی حکمت است (۱۱۲) و هر کس خطا یا گناهی از او سرزند و تهمت بدیگری بنده مرتکب بهتان و گناه بزرگ آشکاری شده است (۱۱۳) و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نمییود گروهی از آنان یعنی دشمنان اسلامهت بر آن گماشته بودند که تو را از راه صواب دور سازند ولی بلطف خدا آنها خود را از راه حق و صواب دور ساخته و بتو هیچ زبانی نتوانند رسانید و خدا بتو این کتاب الهی قرآن مجید و مقام حکمت و نبوت را عطا کرد و آنچه را که نمیدانستی تو را بیاموخت که خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی اندازه است (۱۱۴) هیچ فایده و خیری در سخنان سری آنها نیست مگر آنکه کسی طبق مصلحت در صدقه دادن و نیکوئی کردن و اصلاح میان مردم سخن سری گوید و هر که بر اینکار در طلب رضای خدا چنین کند بزودی خدا باو اجر عظیم کرامت فرماید (۱۱۵) و هر کس پس از روشن بودن راه حق بر او با رسول خدا بمخالفت برخیزد و راهی غیر طریق اهل ایمان پیش گیرد وی را بهمان طریق باطل و راه ضلالت که برگزیده و اگذاریم و عاقبت او را بجهنم در افکنیم که آن مکان بر او بسیار بد منزلگاهی است (۱۱۶) خدا هر که را باو شرک آرد نخواهد بخشید و مادون شرک گناهان دیگر را هر که رامشیتش تعلق گیرد می بخشد و هر که بخدا شرک آرد سخت گمراه شده و از راه نجات و سعادت دور افتاده است (۱۱۷) مشرکان غیر خدای عالم هر چه را خدا بخوانند یا جمادیت مانند بتهای لات منات عزی که بی اثر صرف است یا شیطان سرکش و فریبنده است (۱۱۸) خدا آن شیطان مردود را از درگاه رحمت خود دور کرده زیرا او بمجادله با خدا برخاست و گفت که من از بندگان تو قسمتی را زیر بار طاعت خود خواهم کشید (۱۱۹) و سخت گمراه کنم و به آرزوهای باطل دور و دراز درافکنم که از راه خدا بازمانند و از هر خیر و سعادت محروم شوند و بانها دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند تا اعلامت باشد که این حیوان نصیب بتهاست و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند کتاب و احکام خدا را بدلخواه خود تاویل و تبدیل کنند و ای بندگان بدانید که هر کس شیطان دشمن و مردود شریر را دوست دارد نه خدای مهربان آفریننده خود را، سخت زیان کرده زبانی که بر هر عاقلی کاملاً آشکار است (۱۲۰) شیطان برای گمراه کردن انسان وعده بسیار دهد و مردم را به اوهام و خیالاتی آرزومند و امیدوار کند ولی وعده و نوید شیطان چیزی بجز غرور و فریب خلق نیست (۱۲۱) ایشان را یعنی شیطان و پیروانش را منزلگاه جهنم است و از آن مفر و گریزگاهی نخواهند یافت (۱۲۲) آنان را که بخدا گرویدند و کارها بصلاح خود و خلق کردند بزودی آنها را به بهشتی درآوریم که زیر درختانش نهرها جاریست تا منزلگاه ابدی آنها باشد وعده خدا البته حق است و کیست که در گفتار راستگوتر از خداست؟ (۱۲۳) کار بامال و آرزوی شما و آرزوی یهود و نصاری درست نشود هر آنکه کار بد کند هر کس باشد کیفر آن را خواهد دید و بجز خدا احدی را یار و یاور خود نتواند یافت (۱۲۴) و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند باایمان بخدا آن کس به بهشت پرنعمت جاوید درآید و بقدر نقیری پرده هسته خرمائی به وی ستم نکنند (۱۲۵) در عالم کدام دین بهتر از آنست که مردم خود را تسلیم حکم خدا نموده و سر زیر بار فرمان حق آورند و هم نیکوکار باشند و پیروی از آئین ابراهیم حنیف کنند آن ابراهیم که خدا او را بمقام خاص دوستی خود برگزیده (۱۲۶) هر چه در آسمان و زمین است ملک خداست و او بهمه چیز و کلیه امور عالم بی نهایت احاطه و آگاهی دارد (۱۲۷) ای پیغمبر درباره آنان از تو فتوی خواهند بگو خدا و آنچه از آیات کتاب خدا برای شما تلاوت شود هم در حق آنان و دختران یتیمشان که مهر و حقوق لازمه آنها را ادا نکرده مایل بنکاح آنان هستید و هم در حق فرزندان ناتوان فتوی خواهد داد و دستور می دهد که درباره یتیمان عدالت پیشه گیرید و در نیکی کوشید که هر کار نیک بجای آرید خدا بر آن آگاهست و اجر و

پادشاه می‌دهد (۱۲۸) و اگر زنی بیم آن داشت که شوهرش با وی مخالفت و بد سلوکی کند یا از او دوری گزیند باکی نیست که هر دو تن براه صلح و سازش باز آیند که صلح بهتر از نزاع و کشمکش است و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته که بازار هم میکوشند و اگر درباره یکدیگر نیکوئی کرده و پرهیزگار باشند باجر نیکی خود برسند که خدا بهر چه کنید آگاهست (۱۲۹) شما هرگز نتوانید میان آنان بعدالت رفتار کنید و هر چند راغب و حریص بر عدل و درستی باشید زیرا حب قلبی بیک آن دون دیگری در اثر حسن و جوانی و غیر آن خارج از اختیار شماست پس تمام میل خود یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او معلق و بلا تکلیف ماند و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید همانا خدا بخشنده و مهربان است (۱۳۰) و اگر از یکدیگر بطلاق جدا شوید باز خدا هر یک را از دیگری برحمت واسع خود بی نیاز خواهد کرد که خدا را بر خلق رحمت بی منتهاست و بحق و حقیقت هر چیز داناست (۱۳۱) هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و ما هم بانانکه پیش از شما بر آنها کتاب فرستاده شد و هم بشما سفارش اکید کردیم که پرهیزکار و خداترس باشید و اگر همه کافر شوید خدا که ملک آسمان و زمین او راست بطاعت شما محتاج نیست که خدا بذات خویش بی نیاز و ستوده صفاتست (۱۳۲) هر چه در آسمانهاست و آنچه در زمین است همه ملک خداست و تنها خدا به نگهبانی خلق عالم کافیت (۱۳۳) ای مردم خدا اگر بخواهد همه شما را که ملک دنیا را قدرت خود می‌پندارید بکلی از دنیا میبرد و قومی دیگر میآورد و البته خدا بر این کار مقتدر و تواناست (۱۳۴) هر که ثواب و نعمت دنیا را طالب است از خدا بخواهد که ثواب دنیا و آخرت هر دو نزد خداست و خدا بدعار خلق شنوا و به احوالشان بیناست (۱۳۵) ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا یعنی موافق حکم خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد برای هر کس شهادت میدهید چه فقیر باشد یا غنی شما نباید در حکم و شهادت طرفداری از هیچکدام کرده و از حق عدول نمائید که خدا برعایت حقوق آنها اولی است پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس مکنید تا عدالت نگاه دارید و اگر زبان را در شهادت طوری بگردانید که سخن بر نفع شما مبهم و مجمل شود و یا از بیان حق خودداری کنید خدا بهر چه کنید آگاه است از کیفر و قهر او بترسید (۱۳۶) ای کسانی که به زبان ایمان آوریده اید بحقیقت و از دل هم ایمان آورید بخدا و رسول او و کتابی که برسول خود فرستاد یعنی قرآن و کتابی که پیش از این فرستاده شده تورات و انجیل و غیره و هر که بخدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و رسولان و روز قیامت کافر شود سخت بگمراهی فرومانده و از راه نجات و سعادت دور افتاده است (۱۳۷) آنانکه نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند باز ایمان آورده دگر بار کافر شدند پس بر کفر خود افزودند اینان را خدا نخواهد بخشید و براهی هدایت نخواهد فرمود (۱۳۸) منافقان را بشارت ده که بر آنان سخت عذاب دردناک خواهد بود (۱۳۹) آن گروه که کافران را دوست گرفتند و مومنان را ترک گفتند آیا نزد کافران عزت میطلبند؟ خطا میروند که عزت همه نزد خداست (۱۴۰) آیا در کتاب الهی این حکم بر شما منافقان فرستاده شد که چون آیات خدا را شنیدید بدان کافر شوید و استهزاء کنید؟ پس شما مومنان با این گروه منافق مجالست مکنید تا از سخن استهزاء قرآن در حدیثی دیگر داخل شوند که اگر هنگامی که قرآن و مسلمانی را استهزاء کنند با آنها همنشین شوید آنگاه شما هم بحقیقت مانند آن منافقان هستید و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد (۱۴۱) منافقان آن کسانی که نگران و مراقب حال شما هستند که اگر برای شما فتح و ظفری پیش آید برای اخذ غنیمت گویند نه آخر ما با شما مسلمانان بودیم؟ و اگر کافران را فاتح و بهره مند بینند به آنها گویند نه این بود که ما شما را باسرار و احوال مسلمانان آگاه کردیم؟ و شما را از آسیب مومنان نگهداری نمودیم تا فاتح شوید؟ پس خدا فردای قیامت میان شما مومنان و آن گروه کافر منافق حکم کند او شما را بهشتی گرداند و آنان را بدوزخ محکوم کند و خدا هیچگاه برای کافران نسبت باهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود (۱۴۲) همانا منافقان با خدا مکر و حيله میکنند و خدا نیز با آنها مکر میکند یعنی مکرشان را باطل میسازد و بر آن مکر و نفاق مجازاتشان هم خواهد کرد و چون بنماز آیند با حال بی میلی و کسالت و برای ریاکاری آیند و ذکر خدا را جز اندک آنهم بقصد ریا نکنند (۱۴۳) دو دل و مردد باشند نه بسوی مومنان یکدل میروند و نه بجانب کافران و هر که را خدا گمراه کند یعنی با

نمودن راه هدایت باز با اختیار راه ضلالت پوید و خدا او را بخود واگذارند تا گمراه شود پس هرگز او را براه هدایت نخواهی یافت (۱۴۴) ای اهل ایمان مبادا کافران را بدوستی گرفته و مومنان را رها کنید آیا می خواهید خدا را بر عقاب کفر و عصیان خود حجتی آشکار گردانید (۱۴۵) البته منافقان را در جهنم پستترین جایگاه است و برای آنان هرگز در دو عالم یابوری نخواهی یافت (۱۴۶) مگر آنها که توبه نموده و تباہ کاری خود را اصلاح کردند و بخدا و بدین خدا در آویختند و بکتاب حق متوسل شدند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند پس این گروه در صف مومنان باشند و بزودی خدا بمومنان اجر و ثواب بزرگ عطا خواهد فرمود (۱۴۷) اگر شما از لطف خدا شکر گزار باشید و باو ایمان آرید خدا چه غرضی دارد که شما را عذاب کند که خدا در مقابل نعمت شکر شما را می پذیرد و علمش بصلاح خلق محیطاست و هر چه مصلحت خلق باشد عطا می کند (۱۴۸) خدا دوست نمیدارد که کسی بگفتار زشت بعیب خلق صدا بلند کند مگر آنکه ظلمی بدورسیده باشد که هر گاه از دست ظالم فریاد و دادخواهی کند و زشتی عمل او رافاش گوید در اینصورت روا است که خدا شنوا باقوال و دانا باحوال بندگانش (۱۴۹) اگر درباره خلق به آشکار یا پنهان نیکی کنید یا از بدی دیگران در گذرید بسیار محبوب خداست که خدا همیشه از بدیها درمیگذرد با آنکه بر انتقام بدان تواناست (۱۵۰) آنانکه بخدا و رسولان او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدائی اندازند یعنی گویند که اینان فرستاده خدا نیستند و گویند که ما به برخی از گفتار انبیاء ایمان نیاوریم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی از روی هوا و هوس اختیار کنند (۱۵۱) بحقیقت اینها هم کافرند و ما برای کافران عذابی خوارکننده مهیا ساخته ایم (۱۵۲) و آنانکه ایمان بخدا و رسولانش آوردند و تفرقه میان خدا و هیچیک از پیمبران نیفکندند اینها را خدا بزودی اجر کامل عطا کند و خدا پیوسته در حق بندگان بخشنده و مهربان است (۱۵۳) ای پیغمبر اهل کتاب یهودان از تو درخواست کنند که یکدفعه بر آنان کتابی از آسمان فرود آری از تقاضای بیجا و عادت جاهلانه آنها دلتنگ مباش از موسی نیز درخواستی بالاتر از این کردند که گفتند خدا را بچشم ما آشکار بنما پس آنها را بسبب این تقاضا که از روی جهل و سرکشی کردند صاعقه سوزان در گرفت و پس از آن همه آیات خدا و معجزات موسی باز گوساله پرستی اختیار کردند باز ما بلطف ذاتی خود از اینکار زشت آنان نیز چون توبه کردند در گذشتیم و به موسی حجت و برهانی آشکار بخشیدیم (۱۵۴) و کوه طور را برای اتمام حجت و اخذ پیمان بر فراز سر آنها بلند گردانیدیم و آنها را گفتیم بحال سجده بدین درگاه در آئید و نیز گفتیم از حکم روز شنبه تعدی مکنید و از آنها پیمانی سخت گرفتیم (۱۵۵) پس چون پیمان شکستند و با اوامر حق مخالفت کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیمبران حق را بناحق کشتند خدا آنان را بکیفر رسانید و همه این قبائح را بجای آوردند بدین عذر که گفتند دلهای ما در پرده است و دروغ گفتند بلکه خدا بسبب کفر آنها را مهر بر دل نهاد که بجز اندکی ایمان نیاورند (۱۵۶) و هم بواسطه کفرشان و هم بهتان بزرگشان بر مریم پاک و منزّه (۱۵۷) و هم از این رو که بدروغ گفتند ما مسیح عیسی این مریم رسول خدا را کشتیم در صورتی که او را نه کشتند و نه بدار کشیدند بلکه بر آنها امر مشتبه شد و همانا آنانکه درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم باو نبودند جز آنکه از پی گمان خود میرفتند و بطور یقین شما مومنین بدانید که مسیح را نکشتند (۱۵۸) بلکه خدا او را بسوی خود بالا برد و پیوسته خدا بر هر کار و بر همه ملک بینهایت وجود مقتدر و کارش همه از روی حکمت است (۱۵۹) و هیچکس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگ به وی یعنی به عیسی روح الله ایمان خواهد آورد و روز قیامت او بر نیک و بد آنان گواه خواهد بود (۱۶۰) پس بجهت ظلمی که یهود درباره پیغمبران و عیسی و در حق نفس خود کردند و هم بدینجهت که بسیاری مردم را از راه خدا منع نمودند ما نعمتهای پاکیزه خود را که بر آنان حلال بود حرام کردیم (۱۶۱) و هم بدین جهت که ربا میگرفتند در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را باطل مانند رشوه و خیانت و سرقت میخورند بکیفر رسند و ما برای کافران آنها عذابی دردناک مهیا ساخته ایم (۱۶۲) لیکن کسانی از آنها که مانند عبد الله سلام و بحیرار راهب در علم قدمی ثابت و نظری عمیق دارند و با ایمان هستند و بانچه بتو و بر پیغمبران پیش از تونازل شده میگردند و آنانکه نماز پیا می دارند و زکات میدهند و بخدا و روز

قیامت ایمان میارند بزودی خدا آنان را اجر و ثواب عظیم عطا خواهد کرد (۱۶۳) چنانکه ما به نوح و پیمبران بعد از او و همچنین ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباب فرزندان یعقوب که دوازده سبب بودند و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم بر تو نیز وحی فرستادیم و به داود هم زبور را اعطا کردیم (۱۶۴) و رسولانی هم که شرح حال آنان را از پیش بر شما حکایت کردیم و آنها که حکایت نمودیم بهمه خدا وحی فرستاد و خدا با موسی بطور آشکار و روشن سخن گفت پس وحی تو امر بی سابقه ای نیست که قریش یا اهل کتاب یا هیچ امتی انکار تواند کرد (۱۶۵) و رسولان را فرستاد که نیکان را برحمت ابدی خدا بشارت دهند و بدان را از قهر و عذاب حق بترسانند تا آنکه پس از فرستادن این همه رسولان مردم را بر خدا حجتی نباشد و خدا همیشه مقتدر و کارش همیشه بر وفق حکمت است (۱۶۶) لیکن خدا بانچه برای تو فرستاد گواهی دهد که بعلم ازلی خود فرستاده و فرشتگان نیز گواهی دهند و گواهی خدا تو را کفایت است (۱۶۷) آنانکه کافر شده و مردم را هم از راه خدا بازداشتند همانا سخت بگمراهی فرورفته و از راه سعادت و نجات دور افتادند (۱۶۸) آنان را که کافر و ستمگر شدند هیچگاه خدا نخواهد آمرزید و راهی از راه های خیر و سعادت هدایت ننماید (۱۶۹) مگر براه دوزخ که در آن جاوید معذب خواهند بود و خدا را این کار یعنی انتقام کشیدن از ستمکاران عالم آسان است (۱۷۰) ای مردم همانا آن پیغمبر حق محمد مصطفی (ص) برای هدایت شما از جانب خدا آمد چنانچه ایمان آرید در دنیا و عقبی برای شما بهتر است و اگر کافر شوید پس بدانید که از این کفر بخود زیان رسانیده اید و خدا از کفرتان بی زیان و از طاعت شمایی نیاز است زیرا هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و خدا به احوالهر مومن و کافر دانا و در ثواب و عقاب آنان درستکار است (۱۷۱) ای اهل کتاب ای علماء نصاری در دین خود اندازه نگهدارید و در باره خدا جز بر راستی سخن مگوئید در حق مسیح عیسی ابن مریم جز این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه الهی و روحی از عالم الوهیت است که بمریم فرستاده پس بخدا و همه فرستادگانش ایمان آرید و بتلیث قائل نشوید آب و ابن و روح القدس را خدا نخوانید از این گفتار شرک باز ایستید بهتر است که جز خدای یکتا عالم را خدائی نیست خدا منزّه و برتر از آن است که او را فرزندی باشد هر چه در آسمان و زمین است همه ملک اوست و خدا تنها به نگهبانی همه موجودات بی نهایت عالم کافی است (۱۷۲) هرگز مسیح با و استنکاف ندارد از بنده خدا بودن و فرشتگان مقرب نیز به بندگی او معترفند و هر کس از بندگی خدا سرپیچد و دعوی برتری کند زود باشد که خداهمه را بسوی خود محشور سازد (۱۷۳) پس هر که ایمان آورده و نیکوکار شده اجر و ثواب او را تام و کامل می دهد و بفضل خود بر آن می افزاید و هر کس از بندگی خدا سرپیچی و سرکشی کرده او را بعذابی دردناک معذب خواهد فرمود و خلق بر نجاج خود جز خدا هیچکس را یار و یاور نخواهند یافت (۱۷۴) ای مردم برای هدایت شما از جانب خدا برهانی محکم آمد رسولی با آیات و معجزات فرستاده شد و نوری تابان بشما فرستادیم (۱۷۵) پس آنانکه بخدا گرویدند و باو متوسل شدند بزودی بجایگاه رحمت و فضل خود یعنی ببهشت ابدی آنها را در آورد و براه راست راه سعادت و کمال رهبری نماید (۱۷۶) ای پیغمبر از تو در باره کلاله یعنی برادر و خواهر پدري یا پدري و مادري فتوی خواهند بگو خدا چنین فتوی می دهد که هر گاه کسی بمیرد فرزند نداشته و او را خواهری باشد وی را نصف ترکه است و او نیز از خواهر ارث برد اگر خواهر را فرزند نباشد و اگر میت را دو خواهر باشد آنها را دو ثلث ترکه است و اگر میت را چندین برادر و خواهر است در اینصورت ذکور دو برابر ناث ارث برند خدا احکام خود را برای هدایت شما بیان کند که مبادا گمراه شوید و خدا بهمه مصالح خلق دانا است (۱۷۷)

المائدة

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای اهل ایمان هر عهد که با خدا و خلق بستید البته بعهد و پیمان خود وفا کنید و بدانید که بهائم بسته زبان یعنی حیوانات علفخوار برای شما حلال گردید جز آنچه بعدا برایتان تلاوت خواهد شد و جز آن صیدی که بر شما در حال احرام حلال نیست، همانا خدا بهر چه خواهد و صلاح داند حکم کند (۲) ای اهل ایمان حرمت شعائر خدا یعنی مناسک حج و ماه

حرام را نگاه دارید و نیز متعرض هدی و قلائد یعنی قربانیهای حاجیان چه علامت قربانی بگردن آن باشد یا نباشد نشوید و نیز تعرض آواران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده اند حلال نشمارید و چون از حرام بیرون شدید صید کنید و عداوت گروهی که از مسجد حرام منعان کردند شما را بر ظلم و بی عدالتی وادار نکنند و باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است (۳) برای شما مومنان گوشت مردار و خون و خوک و آن ذبیحه ای را که بنام غیر خدا کشتند همه حرام شد و نیز حرام است هر حیوانی که بخفه کردن یا بچوب زدن یا از بلندی افکندن یا بشاخ زدن بهم بمیرند و نیز نیم خورده درندگان جز آن را که قبلت کیه کرده باشید حرام است و نیز آن را که برای بتان میکشید و آن را که به تیرها قسمت میکنید رسمی بود در جاهلیت که چون در امری مردد میشدند به تیری مینوشتند خدا امر کرد و به تیری دیگر مینوشتند خدا نهی کرد آنگاه تیرها را در هم ریخته و یکی بقرعه بیرون آورده و مطابق آن رفتار میکردند که این کار فسق است امروز کافران از اینکه بدین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند طمع بریدند پس شما از آنان بیمناک نباشید و از من بترسید امروز بعقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) مراد است دین شما را بحد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم و تکلیف را آسان گرفتم پس هرگاه کسی در ایام مجاعت و سختی از روی اضطرار نه بقصد گناه چیزی از آنچه حرام شده مرتکب شود حق بر او سخت نگیرد که خدا بر خلق بسیار بخشنده و مهربانست (۴) ای پیغمبر از تو سوال خواهند کرد که بر آنها چه چیز حلال گردیده بگو برای شما هر چه پاکیزه است حلال شده و صیدی که بسگان شکاری آموخته اند که بانها آنچه خدا بشما یاد داده میاموزید پس از صیدی که برای شما نگاهدارند بخورید و نامخدا را بر آن صید یاد کنید هنگام صید بسم الله بگوئید و از خدا بترسید که خدا زود بحساب نیک و بد اعمال خلق میرسد (۵) امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلالست و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مومنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنان را بدهید و آنها هم زناکار نباشند و رفیق و دوست نگیرند، و هر کس بدین اسلام کافر شود عمل خود را تباه کرده و در عالم آخرت از زیانکاران خواهد بود (۶) ای اهل ایمان چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا مرفق آرنج بشوئید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید و اگر جنب هستید پاکیزه شوید غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید و یا یکی از شما را قضا حاجتی دست داده و یا با آنان مباشرت کرده اید و آب نیابید یا از استعمال آب ضرر ببینید در اینصورت به خاک پاک و پاکیزه تیمم کنید بدان خاک صورت و دستها را مسح کنید خدا در دین هیچگونه سختی برای شما قرار نخواهد داد و لیکن می خواهد که تا جسم و جان شما را پاکیزه گرداند و نعمت را بر شما تمام کند باشد که شکر او بجای آرید (۷) و یاد کنید نعمت خدا را که بشما ارزانی داشت و عهد او را که با شما استوار کرد که اطاعت امر او کنید آنگاه که گفتید امر تو را شنیدیم و طاعت تو پیش گرفتیم پس از خدا بترسید و به عهد خدا وفا کنید که خدا به نیت قلبی و اندیشه های درونی شما آگاهست (۸) ای اهل ایمان در راه خدا پایدار و استوار بوده و بر سایر ملل عالم شما گواه عدالت و راستی و درستی باشید و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید عدالت کنید که عدل بتقوی نزدیکتر از هر عمل است زیرا عدالت پایه و اساس هر نیکی و پرهیزکاریست و از خدا بترسید که خدا البته بهر چه میکنید آگاهست (۹) خدا به آنانکه ایمان آورده و کار نیکو کردند وعده آمرزش و اجر عظیم فرموده است (۱۰) آنانکه کافر شدند و آیات خدا را تکذیب کردند آنها اهل جهنم خواهند بود (۱۱) ای اهل ایمان یادزیرید نعمت و نصرت خدا را بر خود آنگاه که همت گماشتند گروهی که بر شما دست یابند و خدا دست ستم آنها را از شما کوتاه نمود پس از خدا بترسیدنه از خلق و باید اهل ایمان نظر بخلق نداشته و تنها بر خدا توکل کنند (۱۲) و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده بزرگ میان آنها برانگیختیم که پیشوای هر سبطی باشند و خدا بنی اسرائیل را گفت من در هر حال با شمایم هرگاه نماز بپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و از آنها عزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید یعنی به بندگان خدا بی منت قرض بدونر با

دهید در اینصورت گناهان شما بیامرز و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاریست پس هر کس از شما پس از عهد خدا یعنی آمدن کتاب و رسولان و حجت‌های آسمانی کافر شد سخت از راه راست و طریق سعادت دور افتاده است (۱۳) پس چون بنی اسرائیل پیمان شکستند آنان را لعنت کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم که موعظه در آنها اثر نکرد کلمات خدا را از جای خود تغییر میدادند و از بهره آن کلمات که به آنها پند داده شد در تورات نصیب بزرگی را از دست دادند و تو ای رسول ما داریم بر خیانتکاری و نادرستی آن قوم مطلع میشوی جز قلیلی از آنها مانند عبد الله سلام که مردمی با ایمان و نکوکارند پس تو از آنها در گذر و از کار بدشان عفو کن که همانا خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۱۴) برخی از آنانکه گفتند ما بکیش عیسی هستیم یعنی نصاری از آنها عهد گرفتیم که پیرو کتاب و رسول خدا باشند آنان نیز از آنچه در انجیل پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند و با حق مخالفت کردند ما هم بکیفر عملشان آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها برافروختیم و بزودی خدا آنها را بر عاقبت بد آنچه میکنند آگاه خواهد ساخت این آیه از اخبار غیب است (۱۵) ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی تورات و انجیل را پنهان میدارید برای شما بیان کند و از سر بسیاری از خطاهای شما در گذرد همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری عظیم و رسولی بزرگ و کتابی چون قرآن به حقانیت آشکار آمد (۱۶) خدا بدان کتاب هر کس را که از پی رضا و خشنودی او راه سلامت پوید هدایت کند و او را از تاریکی جهل و گناه بیرون آورد و بعالم نور داخل گرداند و براه راست سعادت وی را رهبری کند (۱۷) همانا آنانکه گفتند خدا محققا همان مسیح ابن مریم است کافر شدند بگو ای پیغمبر کدام قدرت میتواند کسی را از قهر و قدرت خدا ننگه دارد اگر خدا بخواهد عیسی مریم و هر که در روی زمین است همه را هلاک گرداند پس بدانید که هر چه قابل فناست خدا نیست که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک خداستهر چه را بخواهد خلق میکند و او بر ایجاد و هلاک همه چیز تواناست (۱۸) یهود و نصاری گفتند ما پسران خدا و دوستان اوئیم بگو ای پیغمبر اگر چنین استپس او چرا شما را بگناهان عذاب میکند پس این دعوی دوستی دروغ است بلکه شما از آنچه خدا خلق کرده بشری بیش نیستید که او از خلق خود هر که را بخواهد می بخشد و هر که را بخواهد عذاب میکند که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک خداست و بازگشت همه در قیامت بسوی اوست (۱۹) ای اهل کتاب رسول ما آمد تا برای شما حقایق دین را بیان کند در روزگاری که پیغمبری نبود تا نگوئید بما رسولی که بشارت و بیم به ثواب و عقاب دهد نیامد که ما هدایت یابیم پس آن رسول بشارت و بیم آور بسوی شما آمد و خدا بر هر چیز از فرستادن رسل و کتاب و غیره توانا خواهد بود (۲۰) یاد کن آن هنگام را که موسی بقوم خود گفت ای قوم نعمت خدا را بخاطر آرید آنگاه که در میان شما پیغمبران فرستاد و شما را پادشاهی داد و بشما آنچه را که به هیچیک از اهل عالم نداد عطا کرد (۲۱) پس ای قوم بسرزمین مقدسی که خدا سرنوشت شما گردانید داخل گردید و پشت بحکم خدا مکنید که زیانکار می شوید (۲۲) قوم موسی گفتند در آن سرزمین مقدس گروهی مقتدر و قاهر و ستمکار هستند و هرگز تا آنها از آنجا بیرون نشوند ما داخل نخواهیم شد هرگاه آنان بیرون شدند ما داخل می شویم (۲۳) دو نفر مرد خدا ترس یوشع و کالب که مورد عنایت و لطف خدا بودند گفتند شمابر آنها از این در که خدا فرمود در آئید چون در آمدید آنگاه محققا بر آنها غالب خواهید شد و ترسید و بر خدا توکل کنید اگر بدو گرویده اید (۲۴) باز قوم گفتند ای موسی هرگز ما در آنجا مادامی که آنها باشند ابد در نیائیم پس تو برو باتفاق پروردگارت با آنها قتال کنی ما اینجا خواهیم نشست تا پساز فتح شما در آنجا داخل شویم (۲۵) موسی گفت خدایا من جز بر خود و برادر خود مالک و فرمانروا نیستم تو میان ما و این قوم فاسق که فرمان خدا نمیرند جدائی انداز (۲۶) خدا گفت چون مخالفت امر کردند شهر را بر آنان حرام کرده و چهل سال بایستی در بیابان حیران و سرگردان باشند پس تو بر این گروه فاسق متسف مباش (۲۷) و بخوان بر آنها بحقیقت و راستی حکایت دو پسر آدم قابیل و هابیل را که تقرب بقربانی جستند از یکی پذیرفته شد و از آن دیگری پذیرفته نشد قابیل به برادرش هابیل که قربانیش قبول شد گفت من تو را البته خواهم کشت هابیل گفت مرا گناهی نیست که خدا قربانی متقیان را خواهد

پذیرفت (۲۸) اگر تو بکشتن من دست برآوری من هرگز بکشتن تو دست دراز نخواهم کرد که من از خدای جهانیان میترسم (۲۹) من خواهم که گناه کشتن من و گناه مخالفت تو هر دو بتو بازگردد تا تو اهل آتش جهنم شوی که آن آتش جزای ستمکاران عالم است (۳۰) آنگاه پس از این گفتگو هوای نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را بقتل رساند و بدین سبب از زیانکاران دو عالم گردید (۳۱) آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را بچنگال گود نماید تا باو بنماید که چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان سازد قایبل با خود گفت ای وای بر من آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهانکنم پس برادر را بخاک سپرد و از اینکار سخت پشیمان گردید (۳۲) بدین سبب بر بنی اسرائیل چنین حکم نمودیم که هر که نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه ای در روی زمین کند بقتل رساند مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد از مرگ نجات دهد مثل آنست که همه مردم را حیات بخشیده که یکنن منشا حیات خلقی تواند شد و هر آینه رسولان ما بسوی خلق با ادله و معجزات آمدند برای اصلاح خلق و بسیاری از مردم بعد از فرستادن رسول باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند (۳۳) همانا کیفر آنانکه با خدا و رسول او بجنگ برخیزند و بفساد کوشند در زمین جزاین نباشد که آنها را بقتل رسانند یا بدار کشند و یا دست و پایشان بخلاف ببرند یعنی دست راست را با پای چپ و یا بعکس یا با نفی بلد و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت باز در دوزخ بعد از این بزرگ معذب خواهند بود (۳۴) مگر آنان که پیش از آنکه بر آنها دست یابید توبه کنند پس بدانید که خدا بر گنه کاران بخشنده و مهربان است و تائبان را هرگز عذاب نخواهد کرد (۳۵) ای اهل ایمان از خدا بترسید و بوسیله ایمان و پیروی اولیاء حق بخدا توسل جوئید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید (۳۶) آنانکه کافر شدند اگر دو برابر آنچه در روی زمین است فدا آرند تا بدان خود را از عذاب روز قیامت باز رهانند هرگز از آنها قبول نشود و آنان را بدوزخ عذاب دردناک خواهد رسید (۳۷) و آنها دایم آرزوی آن کنند که یککاش از آتش دوزخ بیرون شوند و هرگز بدر نخواهند شد که عذاب آنان دائم و پایدار است (۳۸) دست مرد دزد و آن دزد را بکیفر عملشان ببرید این عقوبتی است که خدا بر آنان مقرر داشته و خدا بر هر کار مقتدر و بمصالح خلق داناست (۳۹) پس هر که بعد از ستمی که کرده توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد از آن پس خدا او را خواهد بخشید که خدا بخشنده و مهربان است (۴۰) آیا ندانستی که ملک آسمان و زمین خدا راست هر که را خواهد عذاب کند و درگذرد از هر که خواهد و او بر هر چیز تواناست (۴۱) ای پیغمبر غمگین از آن مباش که گروهی از آنان که بزبان اظهار ایمان می کنند بدل ایمان نیاورند و براه کفر می شتابند و نیز اندوهناک مباش از آن یهودانی که جاسوسی کنند سخنان فتنه خیز بجای کلمات حق بان قومی که از کبر نزد تو نیامدند میرسانند مانند اعیان یهود خیر. آنها از دشمنی و عناد با اسلام کلمات حق را بعد از آنکه بجای خود مقرر گشت بمیل خویش تغییر دهند و به دروغ و هوای نفس حرام را حلال و حلال را حرام کنند و گویند اگر حکم قرآن این گونه که ما خواهیم از خدا آورده شد بپذیرید و الا دوری گزینید و حکم پیغمبر را ابدا نپذیرید و هر کس را خدا بازمایش و رسوائی افکند هرگز تو او را از قهر خدا نتوانی رهانید آنها کسانی هستند که خدا نخواست دلهاشان را از پلیدی کفر و جهل پاک گرداند آنان را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذاب بزرگ جهنم مهیاست (۴۲) آنها جاسوسان دروغ زن و خورندگان مال حرامند اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنان بگردان و چنانچه روی از آنها بگردانی هرگز کوچکترین زیانی بتو نتواند رسانید و اگر حکم کردی میان آنها بعدالت حکم کن زیرا خدا دوست میدارد آنان را که حکم بعدل میکنند (۴۳) و چگونه آنها یعنی یهود بحکم تو سر فرود آرند در صورتی که تورات نزد آنهاست و در آن حکم خدا راجع برجم و غیر آن مذکور است و از آن روی گردانیده اند پس چنانچه تو نیز از تورات حکمی کنی بدان راضی نشوند چه آنکه اینان بخدا ایمان نیاورده اند (۴۴) ما تورات را که در آن هدایت و روشنائی دلهاست فرستادیم تا پیغمبرانی که تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بر یهودان حکم کنند و نیز خدا شناسان و عالمانی که مامور نگرهبانی احکام کتاب خدا هستند و بر صدق آن گواهی دادند تبلیغ کنند و هرگز در اجرای

احکام خدا از هیچکس نترسید و از انتقام من که خدای قادر مطلقم بترسید و آیات مرا ببهای اندک نفروشید برشوه و اغراض شخصی بر خلاف حکم حق و عدالت نروید که هر کس بر خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از کافران خواهد بود. (۴۵) و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند و چشم را بمقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را بگوش و دندان را بدندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود پس هر گاه کسی بجای قصاص بصدقه و دیه راضی شود نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد شد و هر کس خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند و از حد قصاص یا دیه تعدی و ظلم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود (۴۶) و از پی آن رسولان باز عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق به درستی تورات که در دست او بود داشت و انجیل را نیز بر او فرستادیم که در آن هدایت و روشنی دلها و تصدیق بدرستی تورات و راهنمایی خلق و اندرز برای پرهیزکاران عالم است (۴۷) و اهل انجیل باید بر آنچه خدا در آن کتاب فرستاد حکم کنند و هر کس بخلاف آنچه فرستاده حکم کند چنین کس از فاسقان خواهد بود (۴۸) و ما این کتاب قرآن عظیم اکمل را بحق بر تو فرستادیم که تصدیق بدرستی و راستی همه کتبی که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی میدهد پس حکم کن میان آنها یعنی امت و اهل کتاب به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهشهای ایشان حکم حقی که بتو نازل آمده و امگذار ما بر هر قومی شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم و اگر خدا بمشیت ازلی میخواست همه را یک امت میگردانید و لیکن این نکرد تا شما را به احکامی که در کتاب خود فرستاده بیازماید پس شما امت هر کس هستید بکارهای نیک سبقت گیرید که بازگشت همه شما بسوی خداست و در آنچه اختلاف مینمائید شما را بجزای اختلافات و نیک و بد های اعمالتان آگاه خواهد ساخت (۴۹) و تو ای پیغمبر بدانچه خدا بتو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواهشهای آنان مباش و بیندیش که مبادا تو را فریب دهند. و در بعضی احکام که خدا بتو فرستاده تقاضای تغییر کنند پس هر گاه از حکم خدا روی گردانیدند باک مدار بدان که خدا میخواهد آنها را به عقوبت بعض گناهانشان گرفتار سازد و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند و حکم رسولان خدا را مخالفت میکنند (۵۰) آیا با وجود این دین کامل و قوانین محکم آسمانی باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند؟ و کدام حکم از حکم خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود؟ (۵۱) ای اهل ایمان یهود و نصاری را که دشمن اسلامند بدوستی مگیرید آنان بعضی دوست دار بعضی دیگرند و هر که از شما مومنان با آنها دوستی کند در کفر و ستمگری بحقیقت از آنها خواهد بود و همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود (۵۲) و گروهی منافق مسلمان ظاهری که دلهاشان ناپاک و ناخوش است خواهی دید که در راه دوستی ایشان یعنی یهود و نصاری می شتابند و میگویند ما از آن میترسیم که مبادا در گردش روزگار آسیبی از آنها بماند، باشد که خدا برای مسلمین فتحی پیش آورد و یا امری دیگر از طرف خود که عزت و دولت مسلمین قوت یابد تا منافقان از آنچه به نفاق در دل نهان کردند سخت پشیمان شوند (۵۳) و اهل ایمان چون از نفاق و سیرت زشت آنها آگاه شوند گویند آیا اینان هستند که با جدیت و مبالغه بسیار بخدا سوگند یاد میکردند که ما از شما هستیم؟ اکنون چگونه ربا کاری آنها پدیدار شد و اعمالشان باطل گردید و سخت زیانکار شدند (۵۴) ای گروهی که ایمان آورده اید هر که از شما از دین خود مرتد شود بزودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت بمومنان سرافکننده و فروتن و بکافران سرافراز و مقتدرند مانند علی علیه السلام و شیعیانش بنصرت اسلام برمی انگیزد که در راه خدا جهاد کنند و در راه دین از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند این است فضل خدا به هر که خواهد عطا کند و خدا را رحمت وسیع نامنتهاست و باحوال هر که استحقاق آن را دارد داناست (۵۵) ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و آن مومنانی هستند که نماز بیاداشته و بفقیران در حال رکوع زکات میدهند باتفاق مفسرین عامه و خاصه مراد از این آیه علی (ع) است که فقیری را انگشتی در حال رکوع عطا کرد (۵۶) و هر کس که ولی و فرمانفرمای او خدا و رسول و اهل ایمانند فیروز است که تنها شکر خدا در دو عالم فاتح و غالب خواهند بود (۵۷) ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را بفسوس و بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از آنان نترسید از خدا بترسید اگر باو ایمان آورده اید (۵۸) و چون شما ندای

نماز بلند کنید کافران آن را مسخره و بازی فرض کنند در صورتی که نماز بهترین عبادت خداست زیرا آنقوم مردمی بیخرد و نادانند (۵۹) بگو ای اهل کتاب آیا جز آنکه ما مسلمین بخدا و کتاب خودمان و کتاب شما ایمان آوردیم و شما ایمان نیاورده اید و اکثر فاسقید چیز دیگری موجب کینه و انکار شما بر ماست؟ البته نیست (۶۰) بگو ای پیغمبر آیا شما را آگه سازم که کدام قوم را نزد خدای منتقم بدترین پاداش است؟ کسانی را که خدا بر آنها لعن و غضب کرد و آنان را ببوزینه و خوکمسخ نمود مانند کفار یهود که با حرمت حکم روز شنبه مخالفت خدا کردند و مسخ ببوزینه شدند و امت عیسی که پس از نزول مائده آسمانی و مشاهده اعجاز مسیح‌باز کافر شدند و مسخ بخوک گردیدند و آن کس که عبادت خدا را وا گذاشت و بندگی شیطان کرد این گروه نزد خدا بدترین مردم و گمراه ترین خلق از راه راستند (۶۱) و چون آنان در نزد شما مومنان آیند اظهار کنند که ما ایمان آورده ایم و حال آنکه آنها با همان کفر و انکار که بضسلام درآمدند باز از اسلام بیرون شدند و خدا بکفر و نفاق که در درون دل پنهان میدارند داناتر است (۶۲) بسیاری از آنها را بنگری که در گناه و ستمکاری و خوردن حرام می شتابند البته بسیار بد کاری را پیشه خود نمودند (۶۳) اگر علماء و روحانیان نشان آنها را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند بلکه با آنها بخوردن مال حرام و رشوه شرکت کنند البته آنها هم کاری بسیار زشت میکنند (۶۴) یهود گفتند دست خدا بسته است و دیگر تغییری در خلقت نمیدهد و چیزی از عدم بوجود نخواهد آمد بواسطه این گفتار دروغ دست آنها بسته شده و بلعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست خدا دست قدرت و رحمت او گشاده است و هر گونه بخواد بر خلق انفاق میکند و همانا قرآنی که بتو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزود و ما بکیفر آن تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم این آیه خبر غیب است. هر گاه برای جنگ با مسلمان آتشی برافروزد خدا آن آتش را خاموش سازد و آنها در روی زمین تا توانند بفساد کاری میکوشند ستم درباره ضعیفان و حقوق ناتوانان و اطاعت شهوت و غضب میکنند و خدا هرگز مردم ستمکار مفسد را دوست نمیدارد (۶۵) و چنانچه اهل کتاب ایمان آرند و تقوی پیشه کنند ما البته گناهانشان را محو و دستور میسازیم و محققا آنها را در بهشت پر نعمت داخل میگردانیم (۶۶) و چنانچه آنها به دستور تورات و انجیل خودشان و قرآنی که بتو نازل شد قیام میکردند البته بهر گونه نعمت از بالا و زیر نعمتهای آسمان و زمین جسمانی و روحانی برخوردار میشدند لیکن برخی از آنان مردمی معتدل و میانه رو و بسیاری از آنها بسی زشتکار و بدعملند (۶۷) ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد بخلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت بیممکن و دل قویدار که خدا گروه کافران را به هیچ راه موفقیتی راهنمایی نخواهد کرد آیه راجع بغدیر و خلافت علی (ع) است (۶۸) ای پیغمبر با اهل کتاب بگو که ای یهود و نصاری شما ارزشی ندارید و پایه دین شما بر چیزی استوار نخواهد بود تا آنکه بدستور تورات و انجیل و قرآنی که بشما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید و همانا قرآنی که بشما مسلمین نازل شده بجای آنکه باو ایمان آرند بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود در این صورت زیان کفرشان بر آنهاست تو ای پیغمبر بر حال گروه کافران نباید تاسف خوری (۶۹) البته هر کس از گرویدگان باسلام و فرقه یهودان ستاره پرستان و نصاری که بخدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکار شود هرگز در دو جهان او را ترسی از آنچه پیش آید و اندوهی بر آنچه از او فوت شود نخواهد بود (۷۰) ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که خدا را اطاعت کنند و پیغمبرانی بر آنها فرستادیم که احکام خدا را بیاموزند اما خودسران هر رسولی آمد چون بر خلاف هوای نفس آنها سخن گفت گروهی را تکذیب کرده و گروهی را بقتل رسانیدند (۷۱) و گمان کردند که بر آنها هر چه کنند کیفر و فتنه و امتحانی نخواهد بود لذا از دیدن آیات حق و شنیدن امر خدا کور شدند و از امتحان خدا غافل گشتند پس از آنهمه اعمال زشت باز خدا توبه آنها را پذیرفت باز هم بسیاری دیگر از آن عنودان در باطن کور شدند و از کیفر حق بترسند که خدا بهر چه میکنند آگاه است (۷۲) آنان که قائل بخدائی مسیح پسر مریم شدند محققا کافر گشتند در صورتی که مسیح خود به بنی اسرائیل گفت خدائی را که آفریننده من و شماست پرستید که هر کس باو شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد و ستمکاران عالم را یعنی

مشرکان و کافران را هیچکس از قهر خدا یاری نخواهد کرد (۷۳) البته آن کسانی که سه خدا قائل شدند آب و بن و روح القدس را خدا گفتند کافر گردیدند و حال آنکه جز خدای یگانه خدائی نخواهد بود و اگر از این گفتار تثلیث و قول باقائیم ثلاث زبان نبندند البته آن کافران مشرک را عذابی دردناک خواهد رسید (۷۴) آیا نبایستی آنها از این شرک و کفر خود بسوی خدا بازگشته و توبه کنند و از او طلب آمرزش نمایند؟ تا از گناهشان درگذرد که خدا بر خلق بخشنده و مهربان است (۷۵) مسیح پسر مریم پیغمبری بیش نبود که پیش از او نیز پیغمبرانی آمده اند و مادرش هم زنی با حقیقت و راستگو و باایمان بود و هر دو به حکم بشریت غذا تناول میکردند پس آنها خدا نبودند و گرنه به غذا در زندگانی خود محتاج نمیشدند بنگر چگونه ما آیات خود را در بشریت مسیح روشن بیان میکنیم؟ آنگاه بنگر که آنان چگونه بخدا دروغ می‌بندند؟ و مسیح را خدا میخوانند؟ (۷۶) بگو ای پیغمبر شما کسی را غیر خدا میپرستید که مالک هیچ سود و زیانی نسبت بشما نخواهد بود خداست که هر کس او را بخواند میشنود و باحوال همه موجودات عالم داناست (۷۷) ای اهل کتاب در دین خود بناحق غلو نکنید و از پی خواهشهای آن قومی که خود گمراه شدند و بسیاری را نیز گمراه کردند و از راه راست دور افتادند نروید (۷۸) کافران بنی اسرائیل بزبان داود و عیسی مریم از آن لعنت کرده شدند که نافرمانی خدا نمودند و از حکم حق سرکشی کردند (۷۹) آنها هیچگاه از بد کیشی و کار زشت خود با آن همه پند و اندرز رسولان حق دست برنداشتند و چقدر آنچه میکنند قبیح و ناشایسته است (۸۰) و با آنکه اهل کتاب مدعی ایمانند باز بسیاری از آنها را خواهی دید که با کافران بت پرست و منکران خدا دوستی میکنند و ذخیره ای که برای خود بموجب اعمال زشت و دنیا پرستی پیش میفرستند و آن غضب خداست بسیار بد ذخیره ایست و آنها را بدوزخ عذاب جاوید خواهد بود (۸۱) و اگر اهل کتاب بخصوص یهود بخدا و پیغمبر و کتابی که بر او نازل شده ایمان آورده بودند البته کافران را دوست خود نمیگرفتند و لیکن بسیاری از آنها فاسق و بدکردارند که با آنها دوستی و مساعدت میکنند (۸۲) همانا محقق دشمنترین مردم نسبت بمسلمانان یهود و مشرکان را خواهی یافت و بامحبتتر از همه کس با اهل ایمان آنان را که گویند ما نصرانی هستیم این دوستی نصاری نسبت به مسلمین بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و آنها تکبر و گردنکشی بر حکم خدا نمیکنند (۸۳) و چون آیاتی را که به رسول فرستاده شده استماع کنند اشک از دیده آنها جاری میشود زیرا حقانیت آن را شناخته گویند بار الهی به رسول تو محمد (ص) و کتاب آسمانی او قرآن ایمان آوردیم نام ما را در زمره گواهان صدق او بنویس و از محبانش محسوب دار (۸۴) و گویند چرا ما ایمان بخدا و کتاب حق نیاوریم در صورتی که امید آن داریم که در قیامت خدا ما را داخل در زمره صالحان گرداند (۸۵) پس خدا بر آنچه گفتند و محبتی که به خدا و رسول اظهار داشتند پاداش نیکو به آنها داد و آن پاداش بهشتی است که از زیر درختانش نهرها جاریست که در آن بهشت زندگانی جاوید خواهند داشت و این نعمت ابد در عالم آخرت پاداش نیکوکارانست (۸۶) و آنانکه کافر شدند و تکذیب آیات خدا نمودند ایشان اهل جهنم و شایسته عذاب الیم خواهند بود (۸۷) ای اهل ایمان حرام مکنید طعامهای پاکیزه ای که خدا برای شما حلال نموده و ستم و تعدی به یکدیگر مکنید که خدا ستمکاران را دوست نمیدارد (۸۸) و هر چیز حلال و پاکیزه ای که خدا روزی شما کرده از آن بخورید و پرهیزید از مخالفت آن خدائی که باو گرویده اید (۸۹) خدا به قسمهای لغو بیهوده که به زبانست نه به دل شما را مواخذه نخواهد کرد و لیکن بر آن قسمی که از روی عقیده قلبی یاد کنید مواخذه خواهد نمود و کفار آن قسم طعام دادن ده فقیر است از آن طعام متوسط که بر اهل خود غالباً تهیه میکنید و یا جامه بر آنها بپوشانید و یا یک بنده آزاد کنید و هر کس توانائی آن ندارد سه روز روزه بدارد این است کفار سوگند هائی که یاد میکنید و باید به اداء کفار حرامت سوگندهای خود را نگاه دارید خدا بدینگونه روشن آیات خود را برای شما بیان میکند شاید که شکر او بجای آرید (۹۰) ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی که رسمی بود در جاهلیت همه اینها پلید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید (۹۱) شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد پس شما آیا از آن دست برمیدارید تا بفتنه و فریب شیطان مبتلا بانواع بلاها نشوید؟ (۹۲) و خدا

و رسول خدا را اطاعت کنید و بترسید که هر گاه روی از طاعت خدا بگردانید پس بر رسول، جز آنکه روشن و آشکار حکم خدا را ابلاغ کند تکلیفی نخواهد بود (۹۳) بر آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند باکی نیست و مواخذه نشوند در آنچه از ماکولات خوردند هر گاه تقوی پیش گرفته و ایمان ثابت آرند و کارهای نیک کنند و اگر بریبه و گناهی افتادند باز توبه کرده و پرهیزکار شوند و ایمان آورند و اگر دیگر بار لغزش کردند باز پرهیزکار و نیکوکار شوند که خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۹۴) ای اهل ایمان خدا شما را به چیزی از صید می آزماید که در دسترس شما و تیرهای شما آیند تا بدانند یعنی تا معین و معلوم بر خودشان گردد که چه کسی از خدادار باطن میترسد و صیدی که حکم بحرمت آن شده است شکار نمیکند پس هر که از این بعد از حدود الهی تجاوز کند او را سخت عذاب دردناک خواهد بود (۹۵) ای گروه مومنان در حال احرام صید را نکشید و هر کس آن را عمدا کشت مثل آن صید را که بمثلت آن دو مومن عادل حکم کند بعنوان هدی بکعبه رساند یا چندین مسکین را طعام دهد یا معادل آن روزه بدارد یعنی آن هدی را به قیمت طعام آورده و به هر یک فقیر نیم صاع دهد صاع تقریباً معادل است با یکمن تبریز یا اگر ندارد بعوض هر نیم صاع یکروز روزه بدارد تا بچشد عقوبت مخالفتش را. خدا از گذشته یعنی صید دفعه اول یا آنچه در عصر جاهلیت کردید در گذشت ولی هر که دیگر بار بمخالفت باز گردد خدا در قیامت از وی انتقام می کشد و بار دوم کفاره از او نپذیرد و خدا مقتدر است و از همه انتقام تواند کشید (۹۶) بر شما حلال شد صید دریا و طعام آن از انواع ماهیان تا شما و کاروانان بدانبره مند شوید ولی صید بیابان تا زمانی که محرم هستید حرام است و بترسید از آن خدائی که بازگشت شما بسوی اوست که به حساب نیک و بد خلق میرسد و پاداش و کیفر آنان خواهد داد (۹۷) خدا کعبه را خانه حرام قرار داد و حرمت آن را واجب نمود برای نگهبانی ایمان و اتحاد اسلام و اتفاق ملت و حفظ مصالح دین و دنیای مسلمین و نیز ماه حرام را حرمت داد برای آسایش از جنگ و ترک کارزار و نیز هدی و قلاب را یعنی قربانی نشانه دار و بی نشانه را قرار داد تا بدانید که خدا بهر چه در آسمان و زمین است آگاه است و خدا بهمه چیز داناست (۹۸) ای مردم بدانید که هم عقاب خدا بسیار سخت و دشوار است و هم خدا بر خلق بسیار بخشنده و مهربانست (۹۹) بر پیغمبر خدا جز تبلیغ احکام الهی و وظیفه ای نیست و خدا هر چه بندگان آشکار داشته و یا پنهان دارند همه را میداند (۱۰۰) بگو ای پیغمبر هرگز مردم پاک و ناپاک یکسان نخواهند بود هر چند در جهان بسیاری پلیدان شما را بشگفت آرد پس ای خردمندان عالم از خدا بترسید و از صف پلیداندر زمره پاکیزگان در آئید باشد که رستگار شوید (۱۰۱) ای اهل ایمان هرگز از چیزهایی مپرسید که اگر فاش گردد شما را زشت و بد میاید و غمناک میشوید و اگر پرسش آن را به هنگام نزول آیات قرآن واگذارید قرآن برای شما هر چه مصلحت است بیان میسازد و خدا از عقاب سوالات بیجای شما در گذشت که خدا بخشنده و بردبار است (۱۰۲) قومی پیش از شما هم سوال از آن امور که سوالش مصلحت نبود نمودند آنگاه که برایشان بیان شد بدان کافر شدند (۱۰۳) خدا برای بحیره و سائبه و وصیله و حام یعنی شتر را گوش شکافته و آزاد کنند شتر را بنذر مطلق العنان و آزاد کنند بچه هفتم گوسفند را که نر باشد نذربتها کنند شتری را که ده شکم بزاید بر آن سوار نشوند حکمی مقرر نفرمود ولی کافران در جعل این احکام دروغ بستند بر خدا چه آنکه بیشتر آنان عقل را کار نمی بندند و اموری بر خلاف عقل و بدون فائده بلکه مضر به حال مردم جعل میکنند که همه موهومات و خیالات جاهلانه است (۱۰۴) و چون بانها گفته شد بیائید از حکم کتابی که خدا فرستاد و از دستور رسول او پیروی کنید گفتند آن دینی که پدران خود را بر آن یافتیم ما را کفایت است آیا باید آنها کورکورانه از پدران خود در صورتی که آنها مردم جاهلی بوده و بحق راه نیافته باشند باز پیروی کنند؟ (۱۰۵) ای اهل ایمان شما ایمان خود را محکم نگاه دارید که اگر همه عالم گمراه شوند و شما براه هدایت باشید زبانی از کفر آنها بشما نخواهد رسید بازگشت همه خلق بسوی خداست و همه شما را در قیامت به نتیجه آنچه کرده اید آگاه میسازد یعنی به پاداش اعمالتان میرساند (۱۰۶) ای اهل ایمان چون یکی از شما را هنگام مرگ فرا رسید برای وصیت خود دو شاهد عادل را گواه گیرید از خودتان باشد یا از غیر خودتان که اگر در سفر بشما مصیبت مرگ در رسد آن دو شاهد را نگاه دارند اگر از آنها بدگمانید تا بعد از نماز

آنها را سوگند دهند که ما بحق شهادت میدهیم برای شهادت خود هرگز بهائی نمیخواهیم هر چند شهادت بر خویشانمان باشد و گواهی خود را برای خدا کتمان نخواهیم کرد که اگر کتمان شهادت کنیم البته از گنهکاران خواهیم بود (۱۰۷) اگر بر احوال آن دو شاهد اطلاعی حاصل شد که مستوجب کیفر گناهی شده اند دو شاهد دیگر که صحیح بارث یا شهادت باشند بجای آنها قیام کنند بخدا سوگند یاد کنند که شهادت ما راستتر از آن دو شاهد پیشین است و ما اصلش از حق تجاوز نکردیم تا ستمکار باشیم (۱۰۸) اینگونه که بیان شد نزدیکتر به آن است که هم شهادت را بر وجه خود ادا کنند و هم از اینکه باز اوصیاء بر ورثه قسم را رد کنند بیمناک نباشند و از خدا بترسید و سخن حق را بشنوید که خدا مردم بدکار را هدایت نخواهد کرد (۱۰۹) روزی که خدا همه پیغمبران را جمع گرداند و آنگاه آنان را گوید چگونه امت از دعوت شما جابت کردند؟ ایمان آوردند یا عصیان کردند پیغمبران گویند خدایا ما نمیدانیم توئی که به باطن همه موجودات کاملاً دانائی (۱۱۰) ای پیغمبر مردم را متذکر حکایت عیسی و معجزات و حالات او گردان که خدا عیسی مریم را گفت بخاطر آن نعمتی را که بتو و مادرت عطا کردیم آنگاه که تو را بتایید روح قدسی توانا ساختیم که در گهواره با مردم سخن گفتی و آنگاه تو را تعلیم کتاب و حکمت کردیم و به تو علم تورات و انجیل آموختیم و هنگامی که از گل شکل مرغی بامر من ساخته و در آن دمیدی تا به امر من مرغی گردید و آنگاه که کور مادرزاد و پیس را به امر من شفا دادی و مردگان را به امر من از قبر بیرون آوردی و آنگاه که دست ستم بنی اسرائیل را از سر تو کوتاه کردم وقتی که تو با معجزات روشن به هدایت آنها آمدی و کافران بنی اسرائیل باز به انکار تو گفتند این معجزات عجیبه حیرت انگیز او جز سحری آشکار نخواهد بود (۱۱۱) و یاد کن هنگامی که بحواریین وحی کردیم که بمن و رسول من ایمان آرید گفتند ما با مقام علم الیقین ایمان آوردیم خدایا گواه باش که ما تسلیم امر توایم (۱۱۲) یاد آور هنگامی که حواریین گفتند ای عیسی مریم آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مائده فرستند؟ عیسی در جواب گفت اگر ایمان آورده اید از خدا بترسید و هرگز شک در قدرت خدا یا شک در اجابت دعای پیغمبر خدا مکنید (۱۱۳) حواریان گفتند ما شک نکرده ایم لیکن میخواهیم از آن مائده آسمانی تناول کنیم تا دلهای ما مطمئن شود و بر یقین و اطمینان ما بیفزاید و تا براستی عهدهای تو پی بریم و بر آن بمشاهده گواه باشیم (۱۱۴) عیسی مریم از خدا درخواست کرد گفت بارالها ای پروردگار تو بر ما از آسمان مائده ای فرست تا این روز برای ما و کسانی که پس از ما آیند روز عید مبارکی گردد و آیت و حجتی از جانب تو برای ما باشد که تو بر عالمیان بهترین روزی دهند گانی (۱۱۵) خدا فرمود من آن مائده را برای شما میفرستم ولی هر که بعد از نزول مائده کافر شود وی را عذابی کنم که هیچ یک از جهانیان را نکرده باشم (۱۱۶) و یاد کن آنگاه که خدا به عیسی بن مریم گفت آیا تو مردم را گفتی که من و مادرم را دو خدای دیگر سوی خدای عالم اختیار کنید؟ عیسی گفت خدایا تو از شبه و مثل و شریک منزهی هرگز مرا نرسد که چنین سخنی بناحق گویم چنانچه من این گفته بودمی تو میدانستی که تو از سرائر من آگاهی و من از سر تو آگاه نیستم همانا توئی که بهمه اسرار غیب جهانیان کاملاً آگاهی (۱۱۷) من بانها هرگز چیزی نگفتم جز آنچه تو مرا بدان امر کردی آنچه من به آنها گفتم موافق امر تو این بود که خدای یکتا را پرستید که پروردگار من و شماس و تو خود بر آن مردم گواه و ناظر اعمال بودی مادامی که من در میان آنها بودم و چون روح مرا بقبضه تصرف گرفتی باز تو خود نگهبان و ناظر احوال آنان بودی و تو بر همه سر و عیان خلق عالم گواهی (۱۱۸) اگر آنان را عذاب کنی باز خدا یا همه بندگان تواند کسی تو را از آن منع نتواند کرد و اگر از گناه آنها در گذری باز تو توانا و درست کرداری هیچکس را قدرت مخالفت تو و حق اعتراض بر حکمت و علم تو نیست (۱۱۹) خدا گفت که این روز قیامت روزی است که صادقان از صدق و راستی خود بهره مند میشوند برای آنها بهشتهائست که از زیر درختانش نهرها جاریست که در آن بنعمت ابدی متنعمند و از هر نعمت بهتر آنکه خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند اینست فیروزی و سعادت بزرگ (۱۲۰) ای اهل عالم بدانید که آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست همه ملک خداست و او بر هر چیز تواناست که جهان و جهانیان ملک او و محکوم فرمان او و آیت قدرتاوست (۱۲۱)

الأنعام

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) ستایش خدای یکتا راست که آسمان و زمین را آفرید و روشنی و تاریکی را مقرر داشت و با آنکه نظم آسمان و زمین دلیل یکتائی آفریننده است باز کافران بخدای خود شرک میاورند(۲) اوست خدائی که شما را از خاک بیجان پست با جان دانا و توانا بیافرید پس فرمان اجل و مرگ را بر همه کس مسلط کرد و اجلی که بقلم ازلی معین و معلوم است بنزد اوست، پس با این قدرت کامل شما چرا باز شک در آیات قدرتش خواهید کرد(۳) و اوست خدا در همه آسمانها و زمین که از نهان و آشکار و کلی و جزئی امور شما باخبر است و بدانچه میکیند آگاهست(۴) هیچ آیتی از آیت‌های الهی بر تربیت و هدایت اینان نیامد جز آنکه از جهل و عناد از آن روی گردانیدند(۵) حق را که بر آنها آمد یعنی دین اسلام و قرآن و پیغمبر خدا جدا تکذیب کردند پس بزودی خبر آنانکه حق را بفوس و سخریه گرفتند بشما می رسد که چه روزگار سختی بانها خواهد رسید(۶) آیا ندیدید که ما پیش از ایشان چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم و حال آنکه در زمین بانها قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده ایم و از آسمان بر آنها باران رحمت ظاهر و رحمت باطن که کتب و علوم آسمانی است پیوسته فرستادیم و نهرها در زمین بر آنان جاری ساختیم پس با آنکه بانواع نعمتهای ظاهر و باطنه‌ره مند شدند چون جهل و عناد ورزیدند و نافرمانی کردند آنها را هلاک نمودیم و گروهی دیگر را بعد از آنها برانگیختیم(۷) و اگر ما کتابی بر تو فرستیم در کاغذی که آن را بدست خود لمس کنند چنانکه درخواست آنهاست باز کافران گویند این کتاب نیست مگر سحری آشکار(۸) و گفتند چرا اگر محمد رسول خدا است بر او فرشته نازل نمیشود و چنانچه فرشته بفرستیم کار تمام شود و دیگر لحظه ای آنها مهلت نخواهند یافت یعنی کار آزمایش باخر رسد و مانند امم سالفه بدون مهلت هلاک شوند(۹) و چنانچه فرشته ای نیز برسالت فرستیم هم او را بصورت بشری درآوریم و بر آنان همان لباس که مردمان پوشند بپوشانیم(۱۰) ای پیغمبر پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت فسوس و استهزاء میکردند پس آنان را وبال و کیفر این اعمال دامنگیر شد(۱۱) بگو ای پیغمبر که در روی زمین بگردید و از حال امم گذشته جويا شوید تا عاقبتسخت آنها که تکذیب آیات خدا و رسولان او کردند مشاهده کنید(۱۲) ای پیغمبر از این مشرکان پرس که هر چه در آسمانها و زمین موجود است ملک کیست اگر آنها نگویند تو باز گو که همه ملک خداست که بر خویش رحمت و بخشایش را فرض و لازم کرده یعنی رحمت و بخشایش ذاتی اوست و البته شما را در روز قیامت که بی هیچ شک خواهد آمد جمع میگرداند ولی کسانی که خود را بفریب دنیا در زیان افکندند ایمان به آن روز نمیآورند(۱۳) هر چه در شب و روز آرامش یافته همه ملک خداست و او شنوا و دانای همه امور است(۱۴) بگو ای پیغمبر آیا غیر خدا را بیاری و دوستی برمیگزینید؟ در صورتی که آفریننده آسمان و زمین خداست و او بخلق طعام و روزی میبخشد و خود از طعام بی نیاز است بگو ای رسول من مأمورم که اول شخصی که تسلیم حکم خداست باشم و نیز مرا گفته اند که البته از گروهی که بخدا شرک آورند نباشم(۱۵) بگو من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ سخت میترسم(۱۶) که هر کس در آن روز از عذاب برهد همانا برحمت خدا تا ابد نائل گردد و این فیروزی و سعادت آشکار است(۱۷) و اگر از خدا بتو ضرری رسد هیچکس جز خدا نتواند تو را از آن ضرر برهاند و اگر از او بتو خیری رسد هیچکس تو را از آن منع نتواند کرد که او بر هر چیز تواناست(۱۸) بگو ای پیغمبر خدا کمال اقتدار و توانائی را بر بندگان دارد و همیشه او درستکار و بهمه امور عالم آگاهست(۱۹) بگو ای پیغمبر چه گواهی بزرگتر است از گواهی خدا بگو خدا میان من و شما گواه است و وحی میکند بمن آیات این قرآن را تا به آن شما و هر کس از افراد بشر را که خبر این قرآن باو رسد پند دهم و بترسانم از عواقب کفر و عصیان آیا شما گواهی دهید که با خدای یکتا خدایان دیگری وجود دارد؟ بگو من باین گواهی ندهم بگو محققا جز خدای یکتا هیچ خدائی نیست و من از آنچه شما شریک خدا قرار میدهید بیزارم(۲۰) آنانکه ما کتاب تورات و انجیل را بانها فرستادیم یهود و نصاری با آنکه او رایعنی محمد (ص) را بمانند فرزندان خود می شناسند هم آنها هستند که خود

رازیان انداختند و از روی حسد به محمد (ص) ایمان نمی آوردند (۲۱) کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات خدا را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را در دو عالم فلاح و رستگاری نخواهد بود (۲۲) و روزی که همه آنها را جمع آوریم پس بانها که بخدا شرک آوردند گوئیم بکجا شدند آنها که بگمان شما شریک خدا بودند (۲۳) پس از آنهمه فریفتگی به بتان در پیشگاه حق عذری نیابند جز آنکه از بتان بیزاری جسته و بدروغ گویند ما هرگز شرک بخدا نیاوردیم (۲۴) بنگر که چگونه خود را تکذیب کردند و آنچه به دروغ بر خدا بسته و شریک حق قرار دادند همه محو و نابود شدند (۲۵) بعضی از زنان مشرکان و کافران بسخن تو گوش فرا دادند ولی ما بواسطه عنادشان با رسول حق پرده بر دلهاشان نهاده ایم که فهم آن سخنان نتوانند کرد و گوشهای آنها از شنیدن حق سنگین است که اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز بدان ایمان نمیآورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام مجادله برآمده و گویند این آیات چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (۲۶) همین کسانی که هم مردم را از فیض آیات خدا منع میکنند و هم خود را از فیض و رحمت آن محروم میدارند و غافل از آنند که تنها خود را به هلاکت می افکنند (۲۷) و اگر حال سخت آنها را هنگامی که بر آتش دوزخشان بازدارند مشاهده کنی که در آن حال با نهایت حسرت می گویند ای کاش ما را بدینا باز می گردانیدند تا دیگر ابدا آیات خدای خود را تکذیب نکرده و بدان ایمان میاوردیم آن هنگام به سختی حالشان آگاه شوی (۲۸) آری احوال قیامت که پیش از این بر آنها مستور بود آشکار شود و اگر بار دیگر هم بدینا برگردند باز همان اعمال زشتی که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد و دروغ میگویند که دیگر کار بد نخواهیم کرد (۲۹) و کافران ماده و محسوس پرستان گفتند جز همین زندگانی دنیا زندگی دیگر نخواهد بود دار بقا و قیامتی نیست و ما هرگز بعد از مرگ زنده نخواهیم شد (۳۰) اگر سختی حال آنها را آنگاه که در پیشگاه عدل خدا بازداشته شوند مشاهده کنی که خدا بانها خطاب کند آیا عذاب قیامت حق نبود؟ جواب دهند پروردگارا قسم بذات تو که همه حق بود پس خدا عتاب کند که اینک عذاب را به کیفر کفرتان بچشید (۳۱) آنان که قیامت و لقاء خدا را تکذیب کردند البته زیانکار شدند پس آنگاه که ساعت قیامت ناگهان آنها را فرا رسد گویند وای بر ما که آسایش و سعادت این روز خود را از دست بدادیم پس بار گناهان خویش را بر پشت گیرند آری بار گرانی بدوش می گیرند (۳۲) دنیا جز بازیچه کودکان و هوسرانی بی خردان هیچ نیست و همانا سرای دیگر اهل تقوی را از سرای دنیا بسیار نیکوتر است آیا تعقل و اندیشه در این گفتار نمیکند (۳۳) ما میدانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی میگویند که تو را افسرده و غمگین میسازد دل شاد دار که آن ستمکاران نه تنها تو را بلکه همه آیات و رسولان خدا را انکار می کنند (۳۴) چقدر پیغمبران پیش از تو را هم تکذیب کردند که آنها با همه اذیتهای منکران صبر و تحمل کردند تا آنگاه که عنایت و یاری ما شامل حال آنها شد دل قوی دار که هیچکس کلمات خدا را تغییر نتواند داد و اخبار پیغمبران پیش که امت با آنها چه ستمها کردند بتو رسید (۳۵) ای پیغمبر چنانچه انکار و اعتراض آنها تو را سخت میاید اگر توانی نقبی در زمینساز یا نردبانی بر آسمان بر فراز تا آیتی بر آنها آوری و اگر خدا میخواست همه را مجتمع بر هدایت میکرد، پس از آن جاهلان که راضی بمشیت حق نیستند مباش (۳۶) ای رسول دعوت تو را تنها زنده دلان عالم که گوش شنوا دارند اجابت کنند و جزای عملشان را ببینند (۳۷) و کافران گفتند چرا بر او معجزه و حجتی از خدا فرود نیامد بگو ای پیغمبر خدای اینک آیتی فرستد قادر است و لیکن بیشتر مردم نمیدانند و از قدرت کامله خدا بیخبرند (۳۸) محققا بدانید که هر جنبنده ای در زمین و هر پرنده ای که به دو بال در هوا پرواز میکند همگی طایفه ای مانند شما نوع بشر هستند ما در کتاب آفرینش بیان هیچ چیز را فروگذار نکردیم آنگاه هر کس را خواهد همه بسوی پروردگار خود محسور میشوند (۳۹) و آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند کر و گنگ در ظلمات جهل بسر برند و مشیت الهی هر کس را خواهد گمراه سازد یعنی پس از اتمام حجت او را بخود واگذار کند تا گمراه شود و هر که را خواهد براه راست هدایت کند (۴۰) بگو ای پیغمبر کافران را که اگر عذاب خدا یا ساعت مرگ شما را فرا رسد چه خواهید کرد آیا در آن ساعت سخت غیر خدا را می خوانید اگر راست میگوئید؟ (۴۱) بلکه در آن هنگام تنها خدا را می خوانید تا اگر مشیت او قرار گرفت شما را از سختی برهاند و آنچه را که با خدا شریک قرار میدادید بکلی

فراموش میکنید (۴۲) و ما پیغمبرانی بسوی امتان پیش از تو فرستادیم چون اطاعت آنها نکردند به بلا و مصیبتها گرفتارشان ساختیم شاید که بدرگاه خدا گریه و زاری کنند و لایق عفو و رحمت شوند (۴۳) چرا وقتی که بالای ما بانها میرسید توبه و تضرع و زاری نکردند بدین سبب که دلهاشان را قساوت فرا گرفت و شیطان کردار زشت آنها را در نظرشان زیبا نمود (۴۴) پس چون آنچه از نعم الهی بانها تذکر داده شد همه را فراموش نمودند ما هم ابوابهر نعمت را برای اتمام حجت بروی آنها گشودیم تا به نعمتی که بانها داده شدشادمان و مغرور شدند پس ناگاه آنها را بکیفر اعمالشان گرفتار کردیم که آن هنگام خوار و ناامید گردیدند (۴۵) پس به کیفر ستمگری ریشه گروه ظالمان کنده شد و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان و خلاق عوالم بی پایان است (۴۶) بگو ای پیغمبر اگر خدا گوش و چشمهای شما گرفت و مهر بر دل شما نهاد تا آنکه کر و کور و جاهل شدید آیا خدائی غیر خدا هست که این نعمتها بشما بازدهد بنگر که ما چگونه آیات را بانواع بیان روشن میگردانیم باز آنها چگونه بنادانی اعراض میکنند (۴۷) بگو ای پیغمبر چه خواهید کرد اگر عذاب خدا شما را بناگاه پنهان یا آشکار دررسد آیا کسی بجز گروه ستمکار هلاک خواهد شد؟ (۴۸) ما پیغمبران را جز بر آنکه خوبان را به رحمت حق مژده دهند و بدان را از قهرش بترسانند نفرستادیم سپس هر کس ایمان آورد و کار شایسته کرد هرگز بر او از هر چه پیش آید بیمی نیست و ابد اندوهگین از هیچ حادثه ای نخواهد بود (۴۹) و هر که آیات ما را تکذیب کرد بانان در اثر فسق و زشتکاری بسی عذاب و ناگواری خواهد رسید (۵۰) بگو ای پیغمبر من شما را نمیگویم که گنجهای خدا نزد من است و نه آنکه از غیب الهی آگاهم و نمیگویم که من فرشته ام دعوی من با شما تنها این است که من پیروی نمیکنم جز آنچه را که بمن وحی میرسد بگو آیا کور و بینا یعنی عالم به معرف الله و جاهل بدان برابری با فکر و اندیشه نمیکنند که عالم و جاهل یکسان نیست (۵۱) و آنان را که از حضور در پیشگاه عدل خدا ترسان و هراسانند به آیات قرآن متنبه ساز و بترسان که جز خدا آنها را یآوری و شفיעی نیست باشد که پرهیز کار شوند (۵۲) آنان را که صبح و شام در عین فقر خدا را میخوانند و مراد و مقصد ایشان فقط خداست زنهان آنها را از خود مران که نه چیزی از حساب آنها بر تو و نه چیزی از حساب تو بر آنهاست پس تو اگر آن خداپرستان را از خود برانی از ستمکاران عالم خواهی بود (۵۳) و هم چنین ما برخی را بیرخی دیگر فقرا را باغنیا بیازمودیم تا آنکه بطعن و مسخره و انکار گویند آیا این فقیران را خدا در میان ما برتری به نعمت اسلام داد و ما ثروتمندان را نداد؟ آیا خدا از این منکران به احوال و لیاقت سپاس گزاران فقرا داناتر نیست؟ البته داناتر است که آن فقرا را به نعمت اسلام برگزیده (۵۴) و هرگاه آنانکه به آیات ما میگردند نزد تو آیند بگو سلام بر شما باد خدا بر خود رحمت و مهربانی را فرض نمود که هر کس از شما کار زشتی بنادانی کرد و بعد از آن باز توبه کند و اصلاح نماید البته خدا او را می بخشد که بسیار خدا بخشنده و مهربانست (۵۵) و همچنین ما آیات را مفصل بیان کنیم تا راه گنه کاران و طریق نکوکاران معین و آشکار شود (۵۶) بگو ای پیغمبر که خدا مرا از پرستش آن خدایان باطل که شما میپرستید منع فرموده بگو من پیروی از جهالت و هوسهای شما نکنم تا مبادا گمراه شده و راه هدایت نیابم (۵۷) بگو من هر چه از خدا میگویم با بینه و برهان است و شما از جهالت تکذیب آن میکنید عذابی که شما بدان تعجیل میکنید امر آن بدست من نیست فرمان جز خدا را نخواهد بود او برای آسایش خلق بحق دستور دهد و او بهترین حکم فرمایان عالم است (۵۸) بگو ای پیغمبر اگر بدست من بود عذابی که به تعجیل می طلبید کار میان من و شما خاتمه می یافت و خدا باحوال ظالمان که چه هنگام کیفر آنها صلاح است آگاه تراست (۵۹) و کلیه خزائن غیب نزد خداست کسی جز خدا بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را میداند و هیچ برگی از درخت نیفتد مگر آنکه او آگاهست و هیچ دانه در زیر تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی در جهان نیست جز آنکه در کتابم قرآن عظیم مسطور است (۶۰) و اوست خدائی که چون شب به خواب میروید جان شما را نزد خود برده و شما را میمیراند و کردار شما را در روز میداند و پس از آن مرگ موقت خواب شما را برمی انگیزد تا به اجلی که در قضا و قدر او معین است برسید سپس هنگام مرگ بسوی او باز میگردید تا به نتیجه آنچه از نیک و بد کرده اید خدا شما را آگاه گرداند (۶۱) و اوست خدائی که قهر و اقتدارش مافوق بندگانست و برای حفظ شما فرشتگان

را به نگهبانی می فرستد تا آنگاه که هنگام مرگ یکی از شما فرا رسد رسولان ما او را میمیرانند و در قبض روح شما هیچ تقصیری نخواهند کرد (۶۲) سپس بسوی خدای عالم که به حقیقت مولای بندگانت همه باز میگردند آگاه باشید که حکم و حساب خلق با خداست و او زودتر از هر محاسبی بحساب خلق رسیدگی تواند کرد (۶۳) بگو ای پیغمبر آن کیست که شما را از تاریکیها و سختیهای بیابان و دریا نجات میدهد گاهی که او را بتضرع و زاری و از باطن قلب میخوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد پیوسته شکر گزار او هستیم (۶۴) بگو خداست که شما را از آن سختیها نجات میدهد و از اندوه میرهاند باز هم باو شرک می آورید (۶۵) بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلائی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی و مخالفت با هم درافکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند بنگر چگونه ما آیات خود را بطرق مختلف بوعد و وعید بیان میکنیم باشد که مردم چیزی از قیامت بفهمند (۶۶) و قوم تو آن را یعنی آیات خدا و قرآن را تکذیب کردند در صورتی که حق محض هم آن بود که بر تو نازل شد بگو ای پیغمبر من نگهبان شما نیستم که بجبر از کفر و انکار شما را منع کنم (۶۷) برای هر خبری که پیغمبران بشما دادند وقت معین است و بزودی شما بر صدق آن آگاه میشوید (۶۸) ای رسول ما چون گروهی را دیدی که برای خرده گیری و طعن زدن در آیات ما گفتگو میکنند از آنان دوری گزین تا در سخنی دیگر وارد شوند و چنانچه شیطان البته فراموش ساخت بعد از آنکه متذکر کلام خدا شدی دیگر با گروه ستمگران مجالست مکن (۶۹) در قیامت بر کسانی که پرهیزکارند عقوبت حساب بدکاران نخواهد بود و لیکن فقطبر آنهاست که بدان را پند داده و متذکر سازند شاید از کار خود پرهیز کنند (۷۰) ای رسول آنان را که دین خود را بازیچه و هوسرانی گرفتند و زندگانی دنیا آنها را فریب داد بحال خود واگذار همین قدر بانها تذکره ده که هر کس به عمل خود عاقبت گرفتار میشود و هیچکس را جز خدا در دو عالم دادرس و شفیع نیست و هر چه برای آسایش خود از عذاب قیامت فدا دهد از او نپذیرند اگر باز پند نگرند غم مدار که آنها همان کسانی هستند که عاقبت به هلاکت میرسند و به کیفر کفرشان به شرابی از حمیم جهنم و عذابی دردناک گرفتار میشوند (۷۱) بگو ای پیغمبر که ما چرا خدا را رها کرده و چیزی را مانند بتان که بی اثر محض است و هیچ قادر بر نفع و ضرر ما نباشد بخدائی بخوانیم و باز بخوی جاهلیت بعد از آنکه خدا ما را بوحی قرآن هدایت نموده برگردیم تا مانند کسی که فریب و غوای شیطان او را در زمین سرگردان ساخته است شویم؟ آن شیطان را یارا نیست که شخص را به سوی خود هدایت میکنند بگو هدایت خدا بحقیقت هدایت است نه هدایت شیطان و ما ماموریم که تسلیم فرمان خدای جهان باشیم (۷۲) و بخلق بگوئیم نماز بپادارید و از خدا بترسید که پس از مرگ بسوی او محشور میشوید (۷۳) و اوست خدائی که آسمانها و زمین را بحق آفرید و روزی که ندای حق در خوابگاه عدم بهر چیز خطاب کند که موجود باش آن چیز بی درنگ موجود خواهد شد سخن او حقاقت و پادشاهی و حکم و فرمان عالم روزی که برای زنده کردن مردگان در صور بدمند تنها با اوست و دانای نهان و آشکار اوست و هم او بتدبیر خلق دانا و بر همه چیز عالم آگاهست (۷۴) یاد کن وقتی را که ابراهیم به پدرش آزر عمو و مریش بود که عرب بر آن پدر اطلاق کند گفت آیا بتها را به خدائی اختیار کرده ای و راستی من تو و پیروانت را در گمراهی آشکار می بینم (۷۵) و همچنین ما به ابراهیم ملکوت و باطن آسمانها و زمین را ارائه دادیم تا بمقاماهل یقین رسد (۷۶) پس چون شب تاریک نمودار شد ستاره درخشانی دید برای هدایت مشرکان گفت این پروردگار من است پس چون آن ستاره غروب کرد و نابود شد گفت من چیزی که نابود گردد به خدائی نخواهم گرفت (۷۷) پس چون شب شد و ماه تابان را دید باز برای هدایت قوم گفت این خدای من است وقتی که آنها نابود شد ماه پرستان را متذکر ساخت که آن نیز خدا نباشد و گفت اگر خدای من مرا هدایت نکند همانا که من از گروه گمراهان عالم خواهم بود (۷۸) پس چون صبحگاه خورشید درخشان را دید باز برای ارشاد قوم گفت اینست خدای من این از آن ستاره و ماه با عظمت و روشنتر است چون خورشید نیز که دستخوش حرکت و فناست نابود گردید گفت ای گروه مشرکان من از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید از همه بیزارم (۷۹) من با ایمان خالص روی بسوی خدائی آوردم که آفریننده مهر و ماه و صنجم و همه آسمانها و زمین است و من هرگز با عقیده جاهلانه مشرکان موافق

نخواهم بود (۸۰) قوم ابراهیم با او در مقام خصومت و احتجاج برآمدند گفت آیا با من در امر خداپرستی و وجود خدا محاجه میکنید و حال آنکه بحقیقت خدا مرا هدایت کرد و هیچ از آنچه شما شریک خدا میخوانید بیمی ندارم مگر آنکه خدا از مقدرات خود بر من چیزی بیمناک بخواهد پروردگار من به همه موجودات علمش محیط است شما آیا متذکر اینحقیقت نمی شوید؟ (۸۱) و من چگونه از آنچه شما شریک خدا قرار میدهید بترسم در صورتی که شما از شرکبخدا آوردن نمیترسید با آنکه هیچ برهان و حجتی بر آن شرک ندارید آیا کدامیک از ما به ایمنی و کدام به ترس سزاواریم از خدایان بی اثر باطل باید ترسید یا از خدای دانای مقتدر؟ اگر شما فهم سخنی میکنید؟ (۸۲) آنانکه ایمان به خدا آورده و ایمان خود را بظلم و ستم نیالودند در دو عالم ایمنی آنها راست و هم آنها به حقیقت به سرمنزل سعادت هدایت یافته اند (۸۳) اینست حجتی که ابراهیم را بر قومش دادیم ما مقام هر که را بخواهیم رفیع می گردانیم که خدای تو به نظام و صلاح عالمیان بصیر و داناست (۸۴) و ما بابراهیم اسحق و یعقوب را عطا کردیم و همه را براه راست بداشتیم و نوح را نیز پیش را ابراهیم و فرزندانش داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون هدایت نمودیم و همچنین نیکوکاران را پاداش نیک خواهیم داد (۸۵) و هم زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از نیکوکارانند (۸۶) و نیز اسمعیل و یسع و یونس و لوط در عالم از شایستگانند و ما همه آن پیغمبران را بر عالمیان شرافت و برتری دادیم (۸۷) و نیز برخی از پدران و فرزندان و برادران آنها را فضیلت داده و بر دیگران آنان را برگزیدیم و براه راست هدایت نمودیم (۸۸) این است رهنمائی خدا که به آن هر یک از بندگانش را میخواهد هدایت میکند و اگر به خدا شرک آوردند اعمال آنها را نابود میسازد (۸۹) آنها یعنی پیغمبران کسانی بودند که ما آنان را کتاب و فرمان و مقام نبوت عطا کردیم پس اگر این قوم به آنان یعنی به رسولان حق و خاتم آنها کافر شوند ما قومی را که هرگز کافر نشوند و همیشه از دل و جان مانند علی (ع) و شیعیان او ایمان دارند برگماریم (۹۰) آنان یعنی پیغمبران کسانی بودند که خدا خود آنان را هدایت نمود تو نیز از راه آنها پیروی نما و امت را بگو که من مزد رسالت از شما نمیخواهم جز آنکه میخواهم اهل عالم بیاد خدا متذکر شوند و خداشناس و خداپرست گردند (۹۱) آنها که از کفر و عناد گفتند خدا بر هیچ کس از بشر کتابی نفرستاده خدا را نشناختند ای پیغمبر بانها پاسخ ده که کتاب توراتی را که موسی آورد و در آن نور علم و هدایت خلق بود که غیر حق بر او فرستاد؟ که شما آیات آن را در اوراق نگاهشته بعضی را آشکار نمودید و بسیاری را پنهان داشتید و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید از آن کتاب بیاموختید، بگو آن که رسول و کتاب فرستد خداست آنگاه پس از اتمام حجت آنها را بگذار تا بباز بچه خود و غرور دنیا فرو روند (۹۲) و این قرآن کتابی است که ما فرستادیم با علم و حکمت و خیر و برکت بسیار تا گواه صدق سایر کتب آسمانی که در مقابل اوست باشد و خلق را از اهل مکه و هر که باطراف اوست همه را باندرز و پندهای خود متنبه سازد و البته آنان که به عالم آخرت ایمان آوردند باین کتاب آسمانی قرآن نیز ایمان خواهند آورد و آنها حدود و ارکان و اوقات نمازشان را محافظت خواهند نمود (۹۳) و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد و یا وحی به او نرسیده گوید به من وحی میرسد و به دروغ دعوی علم و نبوت کند و نیز گوید من هم محققا مانند آن کتاب که خدا فرستاده خواهم آورد و اگر فضاحت و سختی حال ستمکاران و مدعیان باطل را ببینی آنگاه که در سکر موت گرفتار آید و فرشتگان برای قبض روح آنها دست قهر و قدرت برآورند و گویند که جان از تن بدر کنید امروز کیفر عذاب و خواری میکشید چون بر خدا سخن بناحق میگفتید و از حکم آیات او گردن کشی و تکبر مینمودید (۹۴) و محققا شما یکایک برای حساب بسوی ما باز آید بدان گونه که اول شما را بیافریدیم و آنچه را که از مال و جاه بشما داده بودیم که سبب غرور شما بود همه را پشت سر افکنید و آن شفیعیان که به خیال باطل برفع خود می پنداشتید همه نابود شوند و میان شما با آنها جدائی افتد (۹۵) خداست که در جوف زمین دانه و هسته را میشکافد تا سبزه و درخت شود و زنده را از زنده پدید آرد زنده را مانند بدن انسان بمیراند و مرده را مانند نطفه حیات بخشد آنکه چنین تواند کرد خداست چرا به دروغ نسبت خدائی را به آنان که این کار نتوانند دهید (۹۶) خداست شکافنده پرده صبحگاهان و شب را بر آسایش خلق او مقرر داشته و خورشید و ماه را به نپمی معین او بگردش آورده این نظم ثابت

عالم به تقدیر خدای منظم‌عالم مقتدر و داناست (۹۷) و نیز اوست که چراغ ستارگان را برای رهنمائی شما در تاریکیهای بیابان و دریا روشن داشته همانا ما آیات خود را برای اهل فهم و فکرت به تفصیل بیان کردیم (۹۸) هم اوست خدائی که همه شما را از یک تن در آرامگاه رحم و ودیعت گاه صلب بیافرید ما نیکو آیات خود را برای اهل بصیرت مفصل بیان نمودیم (۹۹) و هم اوست خدائی که از آسمان باران فروبارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزه‌ها و دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده پدید آریم و از نخل خرما خوشه‌های پیوسته بهم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه بهم است خلق کنیم شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد بچشم‌متعقل بنگرید که در آن آیات و نشانه‌های قدرت خدا برای اهل ایمان هویدا است (۱۰۰) و کافران گروهی مانند مجوس اهریمنان را شریک خدا شمردند در صورتی که آنها آفریده خدا هستند و گروهی چون اهل کتاب و مشرکین قریش عزیز و مسیح و فرشتگان را پسران و دختران برای خدا پنداشتند در صورتی که خدا از همه این نسبتها که بر او وصف کنند برتر و منزّه است (۱۰۱) اوست پدید آورنده آسمان و زمین و چگونه وی را فرزندی تواند بود در صورتی که او را جفتی نیست و او همه چیز را آفرید و بهمه کلی و جزئی امور عالم داناست (۱۰۲) این است وصف پروردگار یکتای شما که جز او هیچ خدائی نیست و آفریننده هر چیز اوست پس او را پرستش کنید که نگهبان همه موجودات است (۱۰۳) او را هیچ چشمی درک ننماید و حال آنکه او همه بینندگان را مشاهده میکند و او لطیف و نامرئی و بهمه چیز خلق عالم آگاه است (۱۰۴) آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف خدا آمد پس هر کس بصیرت یافت خود بسعادتی رسید و هر کس کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما از عذاب خدا نیستم (۱۰۵) و همچنین ما در آیات قرآن به انواع بشارت و وعده و وعید و لطائف و معانی تصرف کنیم تا وسیله هدایت بندگان شود باز کافران نادان ایمان بوحی خدا نیاورده و گویند این سخنان را تو به درس آموخته‌ای و ما آیات را برای آنان که اهل دانشند روشن بیان میکنیم (۱۰۶) ای محمد (ص) هر چه از خدای تو به تو وحی شد از آن پیروی کن که خدائی جز آن ذات یکتا نیست و از مشرکان روی بگردان (۱۰۷) و اگر خدا میخواست آنها را از شرک باز میداشت تا همه موحد و خداشناس میشدند و ما تو را نگهبان ایشان نکردیم و تو وکیل آنها نخواهی بود (۱۰۸) شما مومنان دشنام به آنان که غیر خدا را میخوانند مدهید تا مبدا آنها نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند همچنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده ایم پس بازگشت آنها به سوی خداست و خدا آنان را بگردارشان آگاه می گرداند (۱۰۹) و به خدا بسختترین سوگند قسم یاد کردند که البته اگر آیتی بیاید ایمان آرند بگو ای پیغمبر آیات از طرف خداست و چگونه شما مومنان بگفته این کافران مطمئن میشوید؟ آنها همان مردم معاندند که اگر آیتی بلکه معجزات بسیاری هم آید هرگز بدان ایمان نمیآورند (۱۱۰) و ما دل و دیده اینان را چون اول بار ایمان نیاوردند اکنون از ایمان بگردانیم و آنها را به آن حال طغیان و سرکشی واگذاریم تا به ورطه ضلالت فرومانند (۱۱۱) و چنان در کفر ثابتند که اگر فرشتگان را بر آنها فرستیم و مردگان را بر آنها برانگیزیم باز ایمان نخواهند آورد مگر به مشیت خدا لیکن اکثر مردم مشیت نافذ حق را نمیدانند (۱۱۲) و همچنین که تویی ما هر پیغمبری را از شیطانهای انس و جن دشمنی در مقابل برانگیختیم که آنها برخی با برخی دیگر برای اغفال مومنان سخنان آراسته ظاهر فریبنده اظهار کنند و اگر خدا میخواست چنین نبود پس تو تسلیم مشیت حق باش و اینها را با دروغشان واگذار (۱۱۳) تا به گفتار فریبنده آن اهریمنان آنانکه به آخرت ایمان نیاوردند دل سپرده و بدان خشنود باشند و تا اینان نیز در آن عاقبت بد که اهریمنان راست درافتند (۱۱۴) آیا من غیر خدا حاکم و داوری بجویم و حال آنکه او خدائی است که کتابی چون قرآن که همه چیز در آن بیان شده بشما فرستاد و آنانکه بانها کتاب فرستادیم یهود و نصاری می دانند و در کتب تورات و انجیل خودشان خوانده اند که این قرآن از خدای تو بر تو بحق فرستاده شده پس در آن البته هیچ شک و تردید راه مده (۱۱۵) کلام خدای تو از روی راستی و عدالت بحد کمال رسید و هیچ کس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد و او خدای شنوا و دانا بگفتار و کردار خلق است (۱۱۶) و تو ای رسول اگر پیروی از اکثر مردم روی زمین کنی تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد که اینان جز از پی گمانی و هوا و هوسی نمیروند و جز اندیشه باطل و دروغ

چیزی در دست ندارند (۱۱۷) محققا خدای تو خود داناتر است به حال آنکه از راه او گمراه است و آنکه براه او هدایت یافته است (۱۱۸) پس شما مومنان چنانکه به آیات خدا ایمان دارید از آنچه نام خدا بر آن ذکر شد تناول کنید (۱۱۹) چرا از آنچه از ذبیح که نام خدا بر آن ذکر شده نمیخورند و بر خود حرام میکنند در صورتی که آنچه خدا بر شما حرام کرده مفصل بیان نمود که از آنها هم بهر چه ناچار شوید باز حلالست، و بسیاری مردم به هوای نفس خود از روی جهل و نادانی به گمراهی روند همانا خدا به تجاوزکنندگان از حدود و احکام الهی و عقاب آنها داناتر است (۱۲۰) هر گناه و هر عمل زشت را در ظاهر و باطن ترک کنید که محققا هر کس کسب گناه کند به زودی به کیفر و عقاب آن خواهد رسید (۱۲۱) و از آنچه نام خدا بر آن ذکر نشده مخورید که آن فسق و تبه کاریست و بدانید که اهریمنان یعنی شیاطین انس و جن سخت بدوستان و پیروان خود وسوسه کنند تا با شما بجدل و منازعه برخیزند و اگر شما هم از آنان پیروی کنید مانند آنها مشرک خواهید شد (۱۲۲) آیا کسی که مرده جهل و ضلالت بود ما او را زنده کردیم و باو روشنی علم و دیانت دادیم که با آن روشنی میان مردم سرافراز رود مثل او مانند کسی است که در تاریکیهای جهل و گمراهی فرو شده و از آن بدر نتواند گشت؟ آری کردار بد کافران در نظرشان چنین جلوه گر شده است که اعمال زشت خود را زیبا بینند (۱۲۳) و همچنین ما قرار دادیم که در هر دیاری روسای بدکار ستمگر با مردم آنجا مکر اندیشند و در حقیقت مکر جز به خویشتن نمیکنند و به این هم که از آن مکر خود را به زیان افکندند نه دیگران را آنگاه نیستند (۱۲۴) و چون آیتی برای هدایت آنها نازل شد گفتند ما ایمان نیاوریم تا مانند آنکه بر رسولان خدا نازل شده بر ما نیز نازل شود یعنی ما را هم رسول گرداند بگو خدا بهتر میدانند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد و که را این مقام بلند بخشد به زودی مجرمان را خدا خوار سازد و عذابی سخت بواسطه مکاری که می اندیشند بر آنان فرو می فرستد (۱۲۵) پس هر که را خدا هدایت او خواهد قلبش را بنور اسلام روشن و منشرح گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید یعنی بعد از اتمام حجت به حال گمراهی واگذارد دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت تنگ گرداند که گوئی میخواهد از زمینبر فراز آسمان رود این است که خدا آنان را که بحق نمیگروند مردود و پلید میگرداند (۱۲۶) این راه خدای تست که مستقیم است ما آیات خود را برای گروهی از بندگان شایسته نکوکار که بدان پند می گیرند به خوبی روشن ساختیم (۱۲۷) آنها را نزد خدا دار سلامت و منزل آسایش است و خدا دوستدار آنهاست برای آنکه نیکوکار بودند (۱۲۸) و یاد آور روزی که همه خلق محشور میشوند و به شیاطین خطاب شود که ای گروه جن شما بر انسان فزونی یافتید در آن حال دوستداران شیاطین از جنس بشر گویند پروردگارا ما بعضی از ضلال بعضی دیگر بهره مند گردیدیم و به جلی که تو معین نموده ای رسیدیم خدا در پاسخ شیاطین گوید که اکنون آتش منزلگاه شماست و همیشه در آن خواهید بود مگر آن که را خدا بخواهد بیرون آید که البته پروردگار تو در همه کار درست کردار و به همه امور عالم داناست (۱۲۹) و همچنین ما برخی ستمکاران را مقابل بعض دیگر به مخالفت بر گماریم به سبب آنچه از اعمال حسد و ظلم و مکر و حرص و طمع که بر آزار هم کسب میکنند (۱۳۰) آنگاه خدا خطاب کند که ای گروه جن و انس آیا برای هدایت شما از جنس خود شما رسولانی نیامد که آیات مرا برای شما بخوانند و شما را از مواجه شدن با این روز سخت محشر بترسانند؟ آنها با نهایت پشیمانی جواب دهند که ما به جهالت به مخالفت رسول و بدی بر خود گواهی میدهیم و زندگانی دنیا آنها را مغرور ساخت و در آن حال می فهمند و بر خود گواهی دهند که براه کفر و ضلالت می رفتند (۱۳۱) این فرستادن رسل برای اینست که خدا اهل دیاری را تا اتمام حجت نکرده و آنها غافل و جاهل نباشند به ستم هلاک نگرداند (۱۳۲) و هر کس از بندگان به عملی که کرده نزد حق رتبه خواهد یافت و خدا از عمل هیچ کس غافل نخواهد بود (۱۳۳) و خدای تو از خلق بی نیاز و به همه مهربانست و اگر بخواهد از روی زمین همه شما را ببرد و همه را فانی گرداند آنگاه هر که را خواهد جانشین شما کند چنانکه شما را از ذریه گروهی دیگر پدید آورد (۱۳۴) هر چه به شما وعده دادند محققا خواهد آمد و شما بر قدرت خدا و مقدرات او غالب نخواهید شد (۱۳۵) بگو ای گروه نادان شما را هر چه درخور است و بر آن توانائی دارید عمل کنید من نیز درخور خویش عمل نیک میکنم آنگاه البته من باجر خود رسم و شما بکیفر خویش

مجازات شوید و بزودی هم آگاه خواهید شد که آن کس که عاقبت منزلگاه خوش دارد کیست و محققا بدانید که ستمکاران عالم را رستگاری نیست (۱۳۶) و برای خدا از روئیدنیها و حیوانات که آفریده نصیبی معین کردند و به گمان خودشان گفتند این سهم برای خدا و این سهم دیگر شریکان و بتان ما را پس آن سهمی که شریکانشان را بود به خدا نمیرسید و آنکه برای خدا بود بشریکان میرسید یعنی صدقه ای که برای خدا بود بمصرف بتان صرف مینمودند و صدقات بتان را هیچ برای رضای خدا صرف نمیکردند و حکمی سخت جاهلانه و ناشایسته میکردند (۱۳۷) و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان عمل ظالمانه کشتن فرزندان را بتهای ایشان نیکو جلوه داده تا آنکه آنان را باین کار زشت هلاک سازد و در دین فطریشان که حب فرزند است به غلط و اشتباه اندازد و اگر خدا میخواست چنین نمیکردند پس آنها را بانچه از خرافات میبافند واگذار (۱۳۸) و گفتند این چهارپایان و زراعتها بر همه ممنوع و مخصوص بتان است نباید از آن بخورد مگر آن کس که در کیش بت پرستی خود معین کنیم چون خادمان بت و مردان دون آنان و سواری بعضی چهار پایان بر آنها حرام بود و چهارپایانی را نیز بدون ذکر نام خدا ذبح می کردند و چون در این احکام بخدا دروغ بستند بزودی خدایان دروغ آنها را مجازات خواهد کرد (۱۳۹) و گفتند آنچه در شکم این چهار پایانست مخصوص بمردانست و بر آنان ما حرام خواهد بود و اگر مرده باشد همه زنان و مردان در آن شریک باشند آنها بمجازات و کیفر این گفتار زشت و توصیفات باطل بزودی میرسند که خدا به کیفر خلق درست کردار و داناست (۱۴۰) البته آنها که فرزندان خود را به سفاهت و نادانی کشتند زیان کارند و بی بهره از آنچه خدا نصیبشان کرد و چون افتراء به خدا بستند سخت گمراه شده و هدایت نیافتند (۱۴۱) اوست آن خدائی که برای شما بستانها از درختان داربستی مانند درخت انگور و درختان آزاد چون سایر درختان و درختان خرما و زراعتها که میوه و دانه های گوناگون آرند و زیتون و انار و میوه های مشابه یکدیگر چون شفتالو و آردزولو و نامشابه چون سیب و انجیر بیافرید شما هم از آن میوه هر گاه برسد تناول کنید و حق زکات فقیران را بروز درو و جمع آوری کردن بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان رادوست نمیدارد (۱۴۲) و از بعض حیوانات استفاده باربری و سواری کنید و از آنچه گوشت و روغن و لبنیاتشان هم رزق شما کرده بخورید و از پی غوای شیطان انس و جن مروید که او شما را دشمن آشکاریست که شما را براه کفر و ضلالت و بدبختی میخواند (۱۴۳) برای شما بندگان هشت جفت از چهارپایانی که اکنون بیان میشود حلال است از جنس بره هر دو صنف نر و ماده از جنس بز نر و ماده برای مردم حلال است بگو آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه ای که در شکم مادرهاست کدام یک بحکم خدا حرام شده؟ اگر راست می گوئید شما بمن مدرک قطعی ارائه دهید (۱۴۴) و نیز از جنس شتر دو صنف نر و ماده و از جنس گاو هم نر و ماده هر دو حلال شده با آنها بگو که آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه ای که در شکم ماده هاست کدام حرام است یا شما شاهد هستید که خدا بر این حرمت توصیه نموده؟ باری کیست ستمکارتر از آن کس که به خدا دروغ بندد تا بجهل خود مردمان را گمراه کند البته خدا ستمکاران را هدایت نخواهد کرد (۱۴۵) بگو ای پیغمبر در احکامی که بمن وحی شده من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمیابم جز آنکه میتة حیوان مرده باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق ذبح کنند و در همینها که حرام است نیز هر گاه کسی بخورد آنها مضطر گردید در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی و تجاوز از فرمان خدا نباشد و بقدر ضرورت صرف کند باز خدا خواهد بخشید که همانا خدای تو بر خلق بسیار بخشنده و مهربان است (۱۴۶) و بر یهودان هر حیوان ناخن دار مانند طیور و غیره و از جنس گاو و گوسفند نیز پیه را حرام کردیم مگر آنچه در پشت آنها است یا به بعض روده ها یا باستخوانها آمیخته است و آنها چون ستم کردند ما بدین حکم آنها را مجازات کردیم و البته همه وعده ها و سخنان خدا راست خواهد بود (۱۴۷) پس اگر تو را ای پیغمبر تکذیب کنند بگو خدای شما با آنکه دارای رحمت بی منتهاست عذابش را از فرقه بدکاران باز نخواهد داشت (۱۴۸) آنانکه شرک آوردند خواهند گفت که اگر خدا میخواست ما و پدرانمان مشرک نمی شدیم و چیزی را حرام نمی کردیم بدین گفتار جاهلانه جبریان پیشینیان ایشان نیز تکذیب رسل میکردند تا آنکه طعم عذاب ما را چشیدند بگو ای پیغمبر آیا شما بر این سخن

مدرک قطعی دارید تا ارائه دهید؟ و گرنه شما پیروی جز از خیالات باطل خویش نمیکنید و جز بگرافه و دروغ سخن نمیگوئید (۱۴۹) بگو ای پیغمبر برای خدا حجت بالغه است پس اگر مشیتش قرار می گرفت همه شما را هدایت میکرد (۱۵۰) بگو ای پیغمبر گواهان خود را بر اینکه خدا این و آن را که میگوئید حرام کرده بیاورید پس هر گاه گواهی دادند چون دروغ گواهی میدهند تو با آنها گواهی مده و پیروی از هوای نفس آنها مکن که آنها آیات خدا را تکذیب کرده و به قیامت ایمان نمیآورند و از خدای خود حق مطلق و آفریننده خویش بسوی بتان باطل الذات برمیگردند (۱۵۱) بگو ای پیغمبر بیائید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را براستی بیان کنم در مرتبه اول این که شرک به خدا به هیچوجه نیاورید نه در عقیده و نه در عمل و دیگر اینکه درباره پدر و مادر احسان کنید و نیاز آرید دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید ما شما و آنها را روزی میدهیم و دیگر بکارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که حرام کرده جز بحق یعنی به حکم حق و قصاص بقتل نرسانید شما را خدا باین اندرزا سفارش نموده باشد که در مصلحت این احکام تعقل کنید تا از روی عقل و فهم کار بندید و سعادت یابید (۱۵۲) و هرگز بمال یتیم نزدیک نشوید تا آنکه بحد رشد و کمال رسد و براستی کیل و وزن را تمام بدهید و خیانت کم فروشی و گران فروشی را ترک کنید و بدانید که ما هیچ کس را جز بقدر قدرت و توانائی تکلیف نکرده ایم و هرگاه سخنی گوئید به عدالت گرائید هر چند درباره خویشاوندان باشد و بعهد خدا وفا کنید اوامر و نواهی خدا را اطاعت کنید اینست سفارش خدا بشما باشد که متذکر و هوشمند شوید (۱۵۳) و اینست یعنی این قرآن و احکام الهی است راه راست پیروی آن کنید و از راه های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شماست جز از راه خدا متابعت نکنید این است سفارش خدا به شما باشد که پرهیزکار شوید و مورد لطف و عنایت حق گردید (۱۵۴) پس از انبیاء سالف آنگاه بموسی کتاب کامل دادیم برای تکمیل نفوس هر نیکوکار و برای تفصیل و بیان حکم هر چیز و برای هدایت و رحمت بر خلق باشد که مردم بقاء خدا ایمان آورند (۱۵۵) و این قرآن مبارک کتابی است که ما با برکت و علم و حکمت و خیر بسیار فرستادیم از آن پیروی کنید و پرهیزکار شوید که مشمول مرحمت و لطف ایزد گردید (۱۵۶) قرآن را برای این فرستادیم بر شما تا نگوئید که کتاب تورات و انجیل بس بر دو طایفه یهود و نصاری فرستاده شد و ما از تعلیم درس آن کتاب الهی غافل و بی بهره ماندیم (۱۵۷) یا گوئید اگر کتاب بر ما فرستاده میشد ما بهتر از آنان براه هدایت می شتافتیم پس بشما هم از طرف پروردگارتان حجت آشکار و هدایت و رحمت در رسید اکنون کیست ستمکارتر از آنکه آیات الهی را تکذیب کند و از اطاعت حق روی گرداند بزودی آنان را که از آیات ما روی گردانیده و مخالفت کرده اند به عذاب سخت مجازات کنیم به کیفر آنکه با عناد و لجاج از آیات ما اعراض میکنند (۱۵۸) آیا منکران انتظاری دارند جز آنکه فرشتگان قهر بر آنها در آیند و یا امر خدا و قضای الهی بر آنان فرا رسد و همه هلاک شوند یا برخی دلائل و آیات خدا یعنی علائم قطعی مرگ یا قیامت یا ظهور سلطنت حقه اسلام آشکار شود روزی که بعض آیات قهر و غضب خدای تو بر آنها برسد البته آن روز هیچکس را ایمان نفع نبخشد اگر از آن پیش ایمان نیاورده یا در ایمان کسب خیر و سعادت نکرده باشد ای رسول کافران را بگو شما در انتظار نتیجه اعمال زشت خود باشید ما هم در انتظار نتیجه اعمال صالح خویش هستیم (۱۵۹) آنان که دین را پراکندند و در آن فرقه فرقه شدند چشم از آنها پوش که چنینکسان بکار تو نیایند از دست آنها نیز غمگین مباش که مجازات کار آنها با خداست بعد از این به عقاب آنچه میکنند سخت آگاهشان میگرداند (۱۶۰) هر کس کار نیکو کند او را ده برابر آن پاداش خواهد بود و هر کس کار زشت کند جز بقدر آن کار زشت مجازات نشود و بر آنها اصلا ستم نخواهد شد (۱۶۱) بگو ای پیغمبر محققا مرا خدا براه هدایت کرده است بدین استوار و آئینپاک ابراهیم که وجودش از لوث شرک و عقاید باطل مشرکین منزّه بود (۱۶۲) بگو ای پیغمبر همانا نماز و طاعت و کلیه اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهانهاست (۱۶۳) او را شریک نیست و بهمین اخلاص کامل مرا فرمان داده اند و من اولین کسی هستم که مطیع و تسلیم امر خدا میباشم (۱۶۴) بگو ای پیغمبر آیا من کسی غیر خدا را به ربوبیت گزینم؟ در صورتی که خدا رب همه موجوداتست و هیچکس چیزی نیندوخت مگر بر خود و هیچ نفسی بار دیگری را بر دوش

نگیرد و پس از انتقال از این جهان بازگشت همه شما بسوی خداست او شما را به آنچه خلاف در آن کردید آگاه خواهد ساخت (۱۶۵) او خدائی است که شما را جانشین گذشتگان اهل زمین مقرر داشت و رتبه بعضی را از بعضی بالاتر قرار داد تا شما را در این تفاوت رتبه ها بیازماید که همانا خدا سخت زود کیفر و بسیار بخشنده و مهربان است (۱۶۶)

الأعراف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) المص بعضی در تفسیر آن گفته اند خدای مهربان صاحب اقتدار بردبار (۲) ای رسول کتابی بزرگ برای تو نازل شد پس تو دلتنگ و رنجه خاطر از نکار مردم مباش تا مردمان را به آیات عذابش بترسانی و اهل ایمان را به بشارتش یاد آورشوی (۳) ای اهل ایمان از آنچه خدا بسوی شما فرستاد پیروی کنید و پیرو دستوره‌های غیر او نباشید و جز خدا را بدوستی مگیرید اما اندک مردمی بدین پند که حق را اطاعت کنند و باطل نگرند متذکر میگردند (۴) چه بسیار اهالی شهرها که بر هلاک آنها عذاب فرستادیم آنگاه که در آسایش شب یا بخواب راحت صبحگاه بودند (۵) پس در هنگامی که عذاب ما به آنان رسید جز این دعوی نکردند که ما خود ستمکار و مستحق عذاب بودیم (۶) البته ما هم از اعمال امم و هم از پیغمبران آنها پرسش خواهیم کرد (۷) پس بر آنان حکایت حال آنها را تماما بعلم و بصیرت کامل بیان کنیم تا بدانند که ما از کردار آنان غافل نیستیم (۸) روز محشر حقا روز سنجیدن اعمال است پس آنانکه در آن میزان حق وزین و نیکوکار بودند البته رستگار خواهند بود (۹) و آنان که در آن میزان سبک وزن بودند یعنی بی ایمان و بدعملند آن کسانی هستند که به آیات و رسل خدا ستم کرده اند اما بر خود به حقیقت زیان رسانیده و ستمکرده اند چون به آیات و رسولان خدا ظلم کردند (۱۰) و همانا ما شما فرزندان آدم را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی از هرگونه نعمت مقرر داشتیم لیکن اندکی از شما شکر نعمتهای خدای را بجا میارید (۱۱) و همانا شما آدمیان را بیافریدیم و آنگاه که بدین صورت کامل آراستیم فرشتگان را به سجده آدم مامور کردیم همه سجده کردند جز شیطان که از جمله سجده کنندگان یعنی در حقیقت از نوع فرشتگان نبود (۱۲) خدای متعال بدو فرمود چه چیز تو را مانع از سجده آدم شد که چون تو را امر کردم نافرمانی کردی پاسخ داد که من از او بهترم که مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای (۱۳) خدا به شیطان فرمود از این مقام فرود آ که تو را نرسد که بزرگی و نخوت ورزی بیرون شو که تو از زمره پستترین فرومایگانی (۱۴) شیطان گفت حال که رانده درگاه شدم پس مرا تا به روزی که خلاق برای جزای نیک و بدشان برانگیخته شوند مهلت ده (۱۵) خدا فرمود البته مهلت خواهی داشت (۱۶) شیطان مذهب جبر را بنیاد کرد و گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز بندگانت را از راه راست که شرع و آئین تست گمراه گردانم (۱۷) آنگاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در می آیم و هر یک از قوای عامله و ادراکی آنها را بمیل باطل میکشم تا بیشتر آنان شکر نعمت بجای نیاورند (۱۸) خدا شیطان را گفت بیرون شو که تو رانده درگاه مائی و هر که از فرزندان آدم تو را پیروی کند جهنم را از تو و آنان بیقین پر میگردانم (۱۹) و ای آدم تو با جفتت در بهشت منزل گزینید و از هر چه بخواهید تناول کنید لیک نزدیک این درخت نروید درخت گندم یا انگور یا سیب یا غیره که بد عمل شده و بر خویش ستم خواهید کرد (۲۰) آنگاه شیطان آدم و حوا هر دو را بوسوسه فریب داد تا زشتیهای پوشیده آنان پدیدار شود و بدروغ گفت خدا شما را از این نهی نکرد جز برای اینکه مبادا در بهشت دو پادشاه شوید یا عمر جاودان یابید (۲۱) و بر آن سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم شما را بخیر و صلاح دلالت می کنم (۲۲) پس راهنمایی به فریب و دروغ کرد تا چون از آن درخت تناول کردند زشتیهایشان مانند عورات و سایر زشتیهای پنهان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را ببوشانند و خدا ندا کرد که آیا من شما را از این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان سخت دشمن شماست؟ با وی مخالفت کنید (۲۳) گفتند خدایا ما در پیروی شیطان بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و بما رحمت و رصفت نفرمائی سخت از زیانکاران عالم شده ایم (۲۴) خدا گفت از بهشت فرود آید که برخی با برخی دیگر مخالف و دشمنید و

زمین تاهنگامی معین یعنی وقت مرگ و قیامت جایگاه شماس (۲۵) خدا گفت در این زمین زندگانی کنید و در آن بمیرید و هم از آن باز برانگیخته گردید (۲۶) ای فرزندان آدم ما لباسی که سر عورت شما کند و جامه های زیبا و نرم که به آن تن را بیارائید برای شما فرستادیم و بر شما باد به لباس تقوی که تقوی نیکوترین جامه شماس است این سخنان همه از آیات خداست به شما فرستادیم که شاید خدا را یاد آرید و الطاف بی حد او را فراموش مکنید (۲۷) ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را فریب دهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد جامه عزت را از تن آنان بر کند و قبیح آنان را در نظرشان پدید آورد همانا آن شیطان و خویشان و بستگانش شما را می بینند در صورتی که شما آنها را نمی بینید ما نوع شیاطین را دوستدار آنان که بخدا ایمان نمیآورند قرار داده ایم (۲۸) گویند ما پدران خود را بدین کار یافته ایم و خدا ما را بر آن امر نمود بگو ای پیغمبر هرگز خدا امر به اعمال زشت نکند جز آنکه آنچه را از جهل و نادانی شما خود و پدرانتان میکنید به خدا می بندید (۲۹) بگو ای رسول ما پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده نه به اعمال زشت و نیز فرموده که در هر عبادت روی بحضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص بخوانید و در کار خدا ریا و دغل نکنید که چنانکه شما را در اول بیافرید دیگر بار در محشر بسویش باز آئید (۳۰) گروهی بطاعت خدا ره نورد هدایت و گروهی به پیروی شیطان ثابت در گمراهی شدند چون خدا را گذارده و شیطان را بدوستی اختیار کردند و به باطل گمان میکردند که به راه راست هدایت یافته اند (۳۱) ای فرزندان آدم زیورهای خود در مقام عبادت بخود برگیرید و هم از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را که اندازه نگاه ندارند دوست نمیدارد (۳۲) بگو ای پیغمبر چه کسی زینتهای خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو این نعمتها در دنیا برای اهل ایمانست و خالص اینها یعنی لذات کامل بدون الم و نیکوتر از اینها در آخرت بر آنان خواهد بود ما آیات خود را برای افزایش ایمان اهل دانش چنین روشن بیان میکنیم (۳۳) بگو ای پیغمبر که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکار و چه در نهان منع فرموده و گناهکاری و ظلم بناحق و شرک به خدا را که بر آن شرک هیچ دلیلی ندارید و اینکه چیزی را که نمیدانید از جهالت بخدا نسبت دهید همه را حرام کرده است (۳۴) هر قومی را دوره ای و اجل معینی است که چون فرا رسد لحظه ای مقدم و موخر نتواند کرد (۳۵) ای فرزندان آدم چون پیغمبرانی از جنس شما بیایند و آیات مرا برای شما بیان کنند پس هر که تقوی پیشه کرد و بکار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی از گذشته و آینده در دنیا و عقبی بر آنها نخواهد بود (۳۶) و آنانکه آیات خدا را تکذیب کرده و از اطاعت او سرکشی و تکبر نمودند آنها اهل دوزخند و در آن جاوید بقهر خدا معذب خواهند بود (۳۷) پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدای دروغ بندد یا آیات خدا را تکذیب کند بدروغ نسبت دهد آنان از کتاب قضا و قدر الهی یا از نامه اعمال به کیفر خویش خواهند رسید تا هنگامی که فرستادگان ما ملک الموت و فرشتگان قبض روح بر او فرا رسند که قبض روح او کنند به آنان گویند چه شدند آنهائی که به جای خدا به ربوبیت میخواندید مانند بتان جمادی و غیر جمادی و هواهای نفسانی پاسخ دهند که آنها همه از نظر ما ناپدید و نابود شدند و آنها بر زیان خویش گواهی دهند که کافر بوده و راه هدایت نیپموده اند (۳۸) خداوند گوید شما هم در آن گروه از جن و انس که پیش از شما به دوزخ شدند داخل شوید در آن وقت هر قومی از آنانکه بدوزخ شوند قوم دیگری را از هم کیشان خود لعن کنند تا آنگاه که همه را آتش دوزخ فرا گیرد و آنگاه زمره آخرین با فرقه اول یا مرثوسین با رئیسان گویند که خدایا اینان یعنی روسا ما را گمراه کردند پس عذابشان را در آتش افزون و شدیدتر و مضاعف گردان خدا گوید همه را عذاب مضاعف باستحقاق و به قدر گناه خود است و لیکن شما بر آن آگاه نیستید (۳۹) و گروه مقدم به طایفه موخر پاسخ دهند که شما را بر ما برتری نباشد ما و شما در گناه یکسانیم پس بانها خطاب شود که بچشید عذاب آتش قهر خدا را که به کیفر آنچه از اعمال ناشایسته مرتکب شده اید (۴۰) همانا آنان که آیات خدا را تکذیب کنند و از کبر و نخوت سر بر آن فرود نیآورند هرگز درهای آسمان بروی آنان باز نشود و به بهشت درنیابند تا آنکه شتر در چشمه سوزن درآید یعنی داخل شدنشان به بهشت بدان ماند که شتر به چشمه سوزن رود و این در عادت محال باشد و اینگونه گنهکاران متکبر را

مجازات سخت خواهیم کرد (۴۱) بر آنان در دوزخ بسترها گسترده و سرپرده‌ها افراشته اند و این است جزای ستمکاران عالم (۴۲) و آنان که ایمان آوردند و بقدر وسع در کار نیک و شایسته کوشیدند زیرا ما کسی را بیش از وسع تکلیف نکنیم آنها اهل بهشت و جاودان در آن متمتعند (۴۳) و زنگار کینه و حسد و هر خوی زشت را از آئینه دل بهشتیان بزدایم و در بهشت بر زیر قصرهایشان نهرها جاری شود و چون آن همه نعمتهای بهشتی مشاهده کنند گویند ستایش خدای را که ما را بر این مقام رهنمائی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما بخود در این مقام راه نمی یافتیم همانا رسولان خدا ما را بر این مقام بحق رهبری کردند آنگاه بر اهل بهشت ندا کنند که این است بهشتی که از اعمال صالح خود به ارث یافتید (۴۴) و آنگاه بهشتیان دوزخیان را ندا کنند که آنچه پیغمبران بما وعده دادند از مقامات بهشتی ما بحق و حقیقت یافتیم آیا شما نیز بدانچه وعده دادند از عذاب دوزخ به حقیقت رسیدید؟ گویند بلی ما هم بسزای خود رسیدیم آنگاه میان آنها منادیی ندا کند که لعنت خدا بر ستمکاران عالم باد (۴۵) آنهایی که بندگان خدا را از راه خدا باز میدارند و راه کج را میطلبند و یابشبهه راه راست مردم را کج می کنند و آنها به قیامت ایمان ندارند (۴۶) و میان این دو گروه بهشتیان و دوزخیان حجاب و پرده ایست از سرشت نیک و بد که مانع دیدار یکدیگر است و بر اعراف یعنی جایگاهی میان دوزخ و بهشت مردانی هستند که همه به سیمایشان شناخته شوند برخی از مفسرین گفتند اهل اعراف گناهکارانی هستند که به عفو و بخشش خدا امیدوارند و در انتظار و آرزوی آن هستند که مشمول رحمت حق شوند (۴۷) و چون نظر آنها یعنی صعراfiان بر اهل دوزخ افتد از وحشت بخدا پناه برند و گویند پروردگارا منزل ما را با این ستمکاران بیک جای قرار مده (۴۸) و اهل صعراfiان بر اهل را که به سیمایشان میشناسند آواز دهند و گویند دیدید که جمع مال و جاه و آنچه بر آن فخر و تکبر میکردید بحال شما اصلا سودمند نبود (۴۹) آیا آنهایی از مومنان که سوگند یاد میکردید که خدا آنان را مشمول عنایت و رحمت خود نمیگرداند اکنون مقامشان را می بینید؟ به همانها امروز خطاب شود که در بهشت بی هیچ خوف و اندیشه و بی هیچگونه حزن و اندوه داخل شوید (۵۰) و اهل دوزخ بهشتیان را آواز کنند که ما را از آبهای گوارا و از نعم بهشتی که خدا روزی شما کرده بهره مند کنید آنها پاسخ دهند که خدا این آب و طعام را بر کافران حرام گردانیده است (۵۱) آنهایی که دین خدا را فسوس و بازیچه گرفتند و متاع حیات دنیا آنها را مغرور و غافل کرد امروز ما هم آنها را برحمت در نظر نمی آوریم چنانکه آنان چنین روزشان را بخاطر نیاوردند و آیات ما را راجع بقیامت انکار کردند (۵۲) و ما بر مردمان کتابی فرستادیم که در آن هر چیز را بر اساس علم و دانش تفصیل دادیم برای هدایت آن گروه که ایمان میاورند (۵۳) کافران که به آیات خدا و قیامت ایمان نمیاورند آیا در انتظار چیستند مگر آنکه تاویل آیات و مال اعمال آنها هنگام مرگ یا ظهور قیامت به آنان برسد و آن روز که خلائق تاویل آیات و عاقبت کار را مشاهده کنند کسانی که این روز را فراموش کرده بودند با حال تاسف خواهند گفت افسوس که رسولان خدا با روشنترین برهان حق را برای ما بیان کردند کاش مخالفت نمیکردیم یا امروز کسی بشفاعت ما برمیخاست یا بار دیگر بدنیا باز می گشتیم که غیر از این اعمال زشت به اعمال صالحی میپرداختیم در آن هنگام آن کافران خود را در زیان سخت بینند و آنچه در دنیا میافتند بنگرند که همه نابود شده است (۵۴) پروردگارا شما آن خدائی است که آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد آنگاه بخلقتعشر پرداخت روز را به پرده شب درپوشاند که با شتاب در پی آن پوید و خورشید و ماه و ستارگان به امر او مسخر گردید ای بندگان آگاه باشید که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست که منزّه و بلند مرتبه و آفریننده عالمیان است (۵۵) خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته که به اخلاص نزدیک است بخوانید و بر خلق ستم مکنید که خدا هرگز ستمکاران را دوست نمیدارد (۵۶) هرگز در روی زمین پس از آنکه کار آن بامر حق و شرع رسول حق نظم و صلاح یافته فساد و تباه کاری برنخیزید و خدا را هم از راه ترس هم از روی امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است (۵۷) او خدائست که بادهای را به بشارت باران رحمت خویش در پیش فرستد تا چون بار ابرهای سنگین را بردارند ما آنها را بشهر و دیاری که از بی زبی مرده است برانیم و بدان سبب باران فرو فرستیم که تا هرگونه ثمر و حاصل از آن برآوریم هم اینگونه که گیاه را از زمین مرده میرویانیم

مردگان را هم از خاک برانگیزیم باشد که بر احوال قیامت خود متذکر گردید (۵۸) زمین پاک نیکو گیاهش به اذن خدا نیکو بر آید و زمین خشن ناپاک بیرون نیارود جز گیاه اندک و کم ثمر اینگونه ما آیات قدرت را هر نوع می گردانیم و بهربیان توضیح میدهم برای قومی که شکر خدا بجای آرند (۵۹) نوح را که برای بیان توحید بقومش فرستادیم گفت ای قوم خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدائی نیست من بر شما سخت از عذاب بزرگ قیامت میترسم (۶۰) گروهی از قومش گفتند که ما تو را سخت در گمراهی می بینیم (۶۱) در پاسخ آنان گفت ای قوم من اصلا در گمراهی نیستم شما بخطا میروید لکن من رسول رب العالمینم (۶۲) پیغام خدا را بشما میرسانم و بشما نصیحت و اندرز میکنم و از خدا و وحی الهی باموری آگاهم مانند قیامت و حساب و کیفر اعمال که شما آگاه نیستید (۶۳) آیا تعجب کرده و در نظر شما شگفت انگیز است که مردی از جانب خدا بیاد آوری شما فرستاده شده تا مگر شما را از عذاب قیامت بترساند تا پرهیز کار شوید باشد که مورد لطف خدا گردید؟ (۶۴) چون آن رسول یعنی نوح آمد او را تکذیب کردند ما هم او و پیروانش را در کشتی نجات نشانیدیم و آنان که آیات الهی را تکذیب کردند به دریای هلاک غرق کردیم که مردمی بسیار نادان و کوردل بودند (۶۵) و بقوم عاد برادرشان یعنی مردی از آن قوم هود را فرستادیم بانها گفت ای قوم خدا را بیگنائی پرستید که جز او شما را خدائی نیست آیا اندرز مرا گوش نکرده و پرهیز کار نمی شوید؟ (۶۶) گروهی از قومش که کافر شدند گفتند ما تو را سفیه و بی خرد می یابیم و گمان میکنیم که تو سخت از دروغگویان باشی (۶۷) پاسخ داد که ای قوم مرا سفاهتی نیست گمان شما باطل است لیکن من راستگو و رسول رب العالمینم (۶۸) پیغام خدا را بشما میرسانم و من برای شما ناصح و خیرخواهی مشفق و امینم (۶۹) آیا تعجب کرده اید که مردی از جانب خدا بیاد آوری شما فرستاده شده تا شما را از هول و عذاب قیامت بترساند و ای مردم متذکر باشید و فراموش نکنید که خدا شما را پس از هلاک قوم نوح جانشین آن گروه کرد و در خلقت و نعمت شما بیفزود پس ای قوم انواع نعمتهای خدا را بیاد آرید شاید اطاعت کنید و رستگار شوید (۷۰) قوم هود گفتند آیا تو بر آن بسوی ما آمده ای که خدا را بیگنائی پرستیم و از بتهایی که پدران ما می پرستند اعراض کنیم؟ اینکار نخواهیم کرد تو اگر راست میگوئی هر عذابی که بما بر بت پرستی وعده میدهی زود بانجام رسان (۷۱) هود پاسخ داد که در اینصورت پلیدی و خیانت غضب خدا بر شما حتم گردیده آیا با من که شما را بخدای یکتا میخوانم مجادله میکنید و بالفاظ بی معنی و اسماء بی مسمائی که وهم و خیال باطل شما و پدرانتان بر آن بتان نهاده اید با حق بخصوصت برمیخیزید؟ و حال آنکه خدا در آن بتان هیچ حقیقت و برهانی نهاده پس شما بایستی درانتظار عذاب خدا باشید که من نیز بر شما انتظار عذاب دارم (۷۲) موقع عذاب که رسید ما هود و پیروانش را برحمت خود از عذاب رهانیدیم و آنانکه آیات و رسول ما را تکذیب کردند و ایمان نیارودند همه را هلاک گردانیدیم (۷۳) و بر قوم ثمود برادرشان صالح را برسالت فرستادیم گفت ای قوم خدای را پرستید که جز او شما را خدائی نیست اکنون معجزی واضح و آشکار از طرف خدا آمد اینناقه خداست که شما را آیت و معجزیست بزرگ او را واگذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد سوئی درباره او نکنید که به عذابی دردناک گرفتار خواهید شد (۷۴) متذکر باشید و فراموش نکنید که شما را پس از هلاک قوم عاد خدا جانشین اقوامسلف نمود و در زمین منزل داد تا از اراضی سهله خاک نرم قصرهای عالی و از کوه سخت تراشیدن سنگ منزلهای محکم بنا کنید پس نعمتهای خدا را یاد کنید و در زمین به فساد و تبه کاری برنخیزید (۷۵) روسا و گردنکشان قوم صالح با ضعف و فقرانی که باو ایمان آوردند به تمسخر گفتند آیا شما اعتقاد دارید که صالح را خدا برسالت فرستاده مومنان جواب دادند بلی ما بر این عالم و مطمئنیم ما بی هیچ شک به آئینی که از طرف خدا بر او فرستاده شده ایمان داریم (۷۶) متکبران بی ایمان گفتند ما هم بی هیچ شک بانچه شما ایمان دارید کافریم (۷۷) آنگاه ناچه صالح را پی کردند و از امر خدا سرباز زدند و با پیغمبرشان صالح از روی تهکم و تمسخر گفتند که ای صالح اگر تو از رسولان خدائی اکنون عذابی که بر پی کردن ناچه و نافرمانی خدا ما را وعده کردی بیار (۷۸) پس زلزله ای بر آنها آغاز گردید تا آنکه همه در خانه های خود از پای درآمدند برخی مفسرین گفتند علامات عذاب بر آنها آمد و پس از سه روز هلاک شدند (۷۹) چون علائم عذاب رسید صالح از آنان روی گردانید و از ایمان آنها ناامید شد و گفت

ای قوم من ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم و شما را نصیحت کردم لیکن شما از جهل و غرور ناصحان را دوست نمی‌دارید (۸۰) و لوط را برسالت فرستادیم که بقوم خود گفت آیا عمل زشتی که پیش از شما هیچکس بدان مبادرت نکرده بجا می‌آوردید (۸۱) شما آنان را ترک کرده و با مردان سخت شهوت میرانید آری که شما قومی فاسد و نابکارید (۸۲) آن قوم پیغمبر خود لوط را پاسخی ندادند جز آنکه گفتند او را از شهر بیرون کنید که او و پیروانش مردمی هستند که این کار را پلید دانسته و از آن تتره می‌جویند (۸۳) ما هم او و اهل بیتش همه را از بلای قومش نجات دادیم مگر آن او که آن زن زشتکار و از بازماندگان در عذاب بود (۸۴) و بر آن قوم بارانی از سنگ فرورباریدیم بنگر که مذل کار بدکاران چیست (۸۵) و باهل مدین برادر آنها شعیب را فرستادیم گفت ای قوم خدای را بپرستید که شما را جز او خدائی نیست اکنون که از جانب پروردگار بر شما برهانی روشن آمد کم نفروشید و گران فروشی را ترک گوئید و در سنجش کیل و وزن با مردم عدل و درستی پیشه کنید کم نفروشید و در زمین پس از آنکه قوانین آسمانی بنظم و صلاحتان آمد بفساد برنخیزید اینکار یعنی خدا را به یگانگی پرستیدن و با خلق به عدالت کوشیدن و در وزن خیانت نکردن برای سعادت شما بسیار بهتر است اگر بخدا و روزقیامت ایمان دارید (۸۶) و بهر طریق در کمین گمراه کردن خلق و ترسانیدن و بازداشتن مردم از راه خدا برنیاید تا هر کس بخدا ایمان آورده براه کج و ضلالت اندازید و ای مسلمین شما هم بیاد آرید زمانی را که عده قلیلی بودید و دشمنان بسیار خدا بر عده شما افزود و بر دشمن غلبه داد تا شکر خدا کنید و دقیق بنگرید عاقبت حال مفسدان چگونه بود که همه هلاک شدند تا شما از عمل آنها پرهیزید (۸۷) و شعیب بمومنان گفت اگر بانچه من از طرف خدا مامور به تبلیغ آن شده‌ام گروهی ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاورده و به خصومت برخاستند شما مومنان که ایمان آورده اید صبر پیشه کنید تا خدا میان ما و آنها داوری کند که او بهترین دادگر است (۸۸) گروهی از قوم شعیب گفتند ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون میکنیم مگر آنکه بکیش ما برگردید شعیب گفت با این نفرت که ما از آئین شما داریم رجوع ما به آن محال است (۸۹) اگر ما بدین شما که طریقه شرک و ظلم و جهل و فساد است برگردیم با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده همانا بخدا افتراء و دروغ بسته ایم و هرگز نشود که ما باین جاهلانه باطل شما رجوع کنیم مگر آنکه مشیت خدا قرار گیرد که او پروردگار ماست و بمصالح ما آگاهست و ما بر او توکل کنیم و از او فتح و فیروزی طلبیم پروردگارا تو در نزاع بین ما و امت، بحق ما را فاتح گردان که تو بهترین فتح و فیروزی بخشنده ای (۹۰) گروهی از کافران امتش مردم را تهدید کرده و گفتند ای مردم اگر پیروی شعیب کنید البته در زیان و ذلت خواهید افتاد (۹۱) پس زلزله بر آن منکران آغاز گردید شب را صبح کردند در حالی که در خانه های خودبخاک هلاک افتادند (۹۲) آنانکه شعیب را تکذیب کردند هلاک شدند و اثری از آنها باقی نماند و بجای آنکه پیروان شعیب را زیان کار میخواندند خود زیانکار شدند (۹۳) شعیب پس از آنکه دعوت کرد و از ایمان آوردن قومش ناامید شد از آن مردم بی ایمان روی گردانید و گفت ای قوم من بشما ابلاغ رسالتهای خدا کردم و برای اتمام حجت شما را اندرز و نصیحت نمودم اکنون که کافر شدید من چرا بر هلاک کافران غمگین باشم (۹۴) ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلس را به شدائد و محن مبتلا ساختیم تا مگر توبه کرده و بدرگاه خدا تضرع و زاری کنند (۹۵) سپس آن سختیها را باسایش و خوشی مبدل کردیم تا بکلی حال خود را فراموش کرده و گفتند آن رنج و محن به پدران ما رسید و ما از آن ایمنیم ما هم بناگاه آنان را به کیفر اعمالشان عقاب کردیم در حالی که از توجه به آن عقاب غافل بودند (۹۶) و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار میشدند همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها میگشودیم و لیکن چون آیات و پیغمبران ما را تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم (۹۷) آیا اهل شهر و دیار که به نافرمانی خدا و اعمال نکوهیده مشغولند از آن ایمنند که شبانگاه که در خوابند عذاب ما آنها را فرا گیرد (۹۸) آیا اهل شهر و دیار که از یاد خدا و طاعت او غافلند از آن ایمنند که به روز که سرگرم بازیچه دنیا هستند عذاب ما آنان را فرا رسد (۹۹) آیا از مکر خدا یعنی آزمایش و مجازات خدا غافل و ایمن گردیده اند که از آن مکر و انتقام البته کسی غافل نشود مگر مردم جاهل مغرور زیانکار (۱۰۰) آیا این مردمی را که

بعد از اقوامی که همه مردند وارث زمین شدند خدا آگاه نفرموده که اگر ما بخواهیم به کیفر گناهانشان میرسانیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهم که فهم حقایق نکنند و بگوش دل چیزی از آیات خدا نشنوند و از آن پند نگیرند (۱۰۱) اینست شهرهائی که ما بر تو اخبار اهلش بیان کردیم همه را رسولان حق با ادله روشن آمد چون از پیش آنها را تکذیب کرده بودند و بانان ایمان نیاوردند همچنین خدا هم بشقاوت کفر و عناد دل‌های کافران را مهر کرد (۱۰۲) اکثر مردمان را در عهد استوار ندیدیم بلکه بیشتر را عهدشکن و بزهکار یافتیم (۱۰۳) بعد از آن رسولان باز ما موسی را با آیات و ادله روشن بسوی فرعون و قومش فرستادیم آنها هم با آن آیات مخالفت و سرکشی کردند پس ما آنان را به کیفر ستمگری و فساد هلاک کردیم بنگر تا عاقبت بروزگاران تبه کاران چه رسید؟ (۱۰۴) و موسی خطاب کرد که ای فرعون محققا بدان که من فرستاده خدای عالمیانم (۱۰۵) سزاوار آنم که از طرف خدا چیزی جز بحق بخلق نگویم دلیلی بس روشن معجزه بسیار آشکار و حجتی محکم و استوار از جانب پروردگار عالم برای شما آوردم پس تو ای فرعون بنی اسرائیل را با من بفرست و از آزار آنان دست بردار (۱۰۶) فرعون پاسخ داد که ای موسی اگر دلیلی برای صدق خود در دعوی رسالت داری بیار (۱۰۷) موسی هم عصای خود را بیفکند بناگاه آن عصا ازدهایی عظیم پدیدار گردید (۱۰۸) و دست از جیب خود برآورد که ناگاه بینندگان را آفتابی تابان بود (۱۰۹) گروهی از قوم، فرعون را گفتند که این شخص ساحری سخت ماهر و داناست (۱۱۰) اراده آن دارد که شما را از سرزمین خود بیرون کند اکنون در کار او چه دستور میدهد (۱۱۱) پس از مشاوره در امر موسی قوم فرعون چنین گفتند که موسی و برادرش هارون رازمانی بازدار و اشخاصی بشهرها بفرست (۱۱۲) تا ساحران زبردست دانا را بحضور تو جمع آورند و سحر او را باطل کنند (۱۱۳) فرعون را این رای پسند افتاد و برای جمع آوری ساحران به شهرها کس فرستاد عده بسیاری ساحران بحضور فرعون گرد آمده و فرعون را گفتند اگر بر موسی غالب آئیم برای ما اجر و مزد شایان خواهد بود؟ (۱۱۴) فرعون پاسخ داد بلی و علاوه بر آن نزد من از مقربان خواهید گشت (۱۱۵) آنگاه که موعد عمل رسید ساحران به موسی گفتند اکنون خواهی نخست تو عصای خود بیفکن یا ما بساط سحر خویش بیندازیم (۱۱۶) موسی برای اطمینان بخود و اثبات حقانیت خویش پیش دستی را بساحران داد و گفت شما اول اسباب خود بیفکنید چون بساط خود انداختند بجادوگری چشم خلق بر بستند که مردم سخت هراسان شدند و سحری بس عظیم و هول انگیز برانگیختند (۱۱۷) و به موسی وحی نمودیم که عصای خود را بیفکن چون عصا انداخت معجزه او هر چه ساحران بافته و در نظرها پدید آورده بودند یکباره همه را ببلعید (۱۱۸) پس بظهور آن معجزه حق ثابت شد و اعمال ساحران همه باطل گردید (۱۱۹) عاقبت ساحران با وجود آن سحر بزرگ از آنجا مغلوب و خوار بازگشتند (۱۲۰) و در مقابل قدرت خدا و عظمت معجزه موسی بسجده افتادند (۱۲۱) و گفتند ما ایمان آوردیم بخدای عالمیان (۱۲۲) خدای موسی و هارون (۱۲۳) فرعون سخت بر آشفت و گفت چگونه پیش از دستور و اجازه من باو ایمان آوردید همانادر اینکار مکرر اندیشیده اید و سیاستی که مردم این شهر را با موسی بر علیه من متفق کرده و از شهر بیرون کنید پس بزودی خواهید دانست که شما را چه سخت کیفر دهم (۱۲۴) دست و پای شما را یکی از راست و یکی از چپ بریده و آنگاه همه را بدار خواهم آویخت (۱۲۵) ساحران گفتند از مرگ نمیرسیم زیرا بعد از مرگ بسوی خدای خود باز میگردیم (۱۲۶) کینه و انتقام تو از ما بجرم آنست که ما بایات خدا و رسول او چون برای هدایتما آمد ایمان آوردیم بار خدایا بما صبر و شکیبائی ده و ما را باین اسلام یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا بمیران (۱۲۷) جمعی از سران قوم فرعون گفتند آیا موسی و قومش را واگذاری تا در این سرزمین فساد کنند و تو و خدایان تو را رها کنند فرعون گفت بزودی پیاداش و کیفر آنها پسرانشان را کشته و آنان را زنده گذارم و در رنج و عذاب خدمت و اسارت نگاه دارم ما بر آنها غالب و بر هلاک ایشان مقتدریم (۱۲۸) موسی بقوم خود گفت از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست و او بهر کس از بندگان خواهد واگذارد و حسن عاقبت و فیروزی مخصوص اهل تقوی است (۱۲۹) قوم موسی باو گفتند که ما هم پیش از آمدن تو برسالت و هم بعد از آن در هر دو زمان برنج و شکنجه دشمن بوده ایم موسی گفت غم مخورید امید است که خدا دشمن شما را هلاک نماید و شما را در زمین جانشین او کند آنگاه در مقام امتحان

بنگردتا شما چه خواهید کرد(۱۳۰) و فرعونیان را سخت بقحط و تنگی معاش و نقص و آفت بر کشت و آرع مبتلا کردیمتا شاید متذکر شوند و دست از ظلم بخلق و مخالفت با حق بردارند(۱۳۱) پس آنگاه که نیکوئی و پیش آمد خوشی بانها میرسید بشایستگی خود نسبت میدادند و هر گاه بدی و پیش آمد ناگواری مانند قحط و سختی بر آنها میامد فال بد بموسی و همراهانش می زدند یعنی ظهور موسی و امتش را بفال بد بر خود میگرفتند آگاه باشند که فال بد آنها نزد خداست یعنی رنج و سختی ها که بر آنان پیش آید کیفر از جانب خداست لیکن اکثر آنها بر این آگاه نیستند که هر حادثه بامر اوست(۱۳۲) و فرعونیان بموسی گفتند اگر تو آیات و معجزاتی آورده ای که ما را بدان سحر کنی بدان که هرگز ما ایمان نخواهیم آورد(۱۳۳) پس آنگاه به کیفر کفرشان بر آنها طوفان و ملخ و شپشک و وزغ و خون خون شدن آب آن نشانهای آشکار قهر و غضب را فرستادیم باز طریق کبر و گردنکشی پیش گرفتند و قومی گناهکار بودند(۱۳۴) و چون بلا بر آنها واقع شد بموسی گفتند که از خدا بعهدی که تراست بخواه تا این عذاب و بلا را از ما دور کند بنا بر این پیمان که اگر رفع بلا کردی البته ایمان بتو می آوریم و بنی اسرائیل را بهمراهی و متابعت تو میفرستیم(۱۳۵) پس چون بلا را از سر آنها رفع کردیم تا مدتی که متعهد شدند ایمان آورند مدت که پایان رسید باز پیمان را شکستند(۱۳۶) ما هم از آنان انتقام کشیدیم و آنها را بدریا غرق کردیم بکیفر آنکه آیات ما را تکذیب کرده و از آن غفلت و اعراض نمودند(۱۳۷) و ما پس از آوال ملک فرعون طایفه ای را که فرعونیان ذلیل و ناتوان می داشتند وارث مشرق و مغرب زمین با برکت مصر و شامات گردانیدیم و احسان خدا بر بنی اسرائیل بحد کمال رسید به پاداش صبری که در مصائب کردند و فرعون و قومش را با آن صنایع و عمارات و کاخ با عظمت نابود و هلاک نمودیم(۱۳۸) و بنی اسرائیل را از دریا بساحل سلامت رسانیدیم. پس بقومی که به پرستش بتان خود متوقف بودند برخوردده و بائین بت پرستی از جهل مایل شدند و گفتند ای موسی برای ما خدائی مثل خدایانی که این بت پرستان راست که دیدنی و محسوس است مقرر کن موسی در جواب تقاضای جاهلانه قوم گفت شما سخت مردم نادانی هستید(۱۳۹) خدایانی که این جماعت بت پرستانراست فانی و عقاید و آئینشان باطل است(۱۴۰) موسی گفت آیا غیر خدا را بخدائی میطلبید در صورتی که خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید(۱۴۱) یاد آرید هنگامی را که فرعونیان شما را سخت به عذاب و شکنجه میداشتند پسرانتان را کشته و آنان را زنده باسارت و خدمتگاری می گماشتند و این شما را از جانبخدا امتحان و تنبیه بزرگی بود(۱۴۲) و ما با موسی سی شب وعده قرار دادیم چون پایان یافت ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه زمان وعده بجهل شب تکمیل شد برای وعده که رفت به برادر خود هارون گفت تو اکنون پیشوای قوم من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش(۱۴۳) و چون قوم تقاضای دیدن خدا کردند موسی با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب شده بودند وقت معین بوعده گاه ما آمد و خدا باوی سخن گفت موسی به تقاضای جاهلان قوم خود عرض کرد که خدایا خود را بمن اشکار بنما که بی حجاب جمال تو را مشاهده کنم خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید و لیکن در کوه بنگر اگر کوه طور بدان صلابت هنگام تجلی بجای خود برقرار تواند ماند تو نیز مرا خواهی دید پس آنگاه که تجلی خدا بر کوه تابش کرد کوه رامندک و متلاشی ساخت و موسی بیهوش افتاد سپس که بیهوش آمد عرض کرد خدایا تو منزله و برتری از رویت و حس جسمانی و از چنین اندیشه بدر گاه تو توبه کردم من از قوم خود اول کسی هستم که بتو و تنزه ذات پاک تو از هر آلائش جسمانی ایمان دارم(۱۴۴) خدا فرمود ای موسی من تو را برای اینکه پیغامهای مرا بخلق برسانی برگزیدم و بکلام و همصحبتی خویش انتخاب کردم پس آنچه را که بتو فرستادم کاملاً فرا گیر و شکر و سپاس الهی را بجای آور(۱۴۵) و در الواح تورات آسمانی از هر موضوع برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز برای علم و معرفت بموسی نوشتیم و دستور دادیم که حقایق و احکام آن را بقوت عقل و ایمان فرا گیر و قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آن را اخذ کنند و از طعن فاسقان نیندیشید که پستی مقام و منزلت فاسقان را بزودی بشما نشان خواهیم داد(۱۴۶) من آنان را که در زمین بناحق و از روی کبر دعوی بزرگی کنند از آیات رحمتم روگردان و معرض گردانم که هر آیتی بینند به آن ایمان نیاورند و اگر راه رشد و هدایت یابند آن راه نه پیموده و به عکس اگر راه جهل و

گمراهی یابند پیش گیرند این ضلالت آنها بدین جهت بود که آیات خدا را تکذیب کردند و از فهم آن غافل و معرض شدند (۱۴۷) و آنان که آیات آسمانی ما و لقاء عالم آخرت را تکذیب کردند اعمالشان که جز برای دنیا نبود تباه و باطل شود و به عقاب اعمال باطل معذب شوند آیا در محکمه عدل خدا جز آنچه کردند کیفر آنها خواهد بود؟ (۱۴۸) قوم موسی بعد از او یعنی بعد از رفتن او بطور برای وعده حق مجسمه گوساله ای که صدائی و خواری داشت از طلا- و زیورهای خود ساخته و پرستیدند آیا ندیدند که آن مجسمه بیروح با آنها سخنی نمیگوید و براهی آنها را هدایت نمیکند؟ آری دیدند و از جهل و عناد باز پی آن گوساله گرفتند و مردمی سخت دل و ستمکار بودند (۱۴۹) و چون از آن عمل پرستش گوساله از پشیمانی پشت دست به دندان گرفتند و دیدند که درست گمراهند با خود گفتند اگر خدا ما را نبخشد و از ما نگذرد سخت از زیانکاران عالم خواهیم بود (۱۵۰) و چون موسی به سوی قوم خود بازگشت بحال خشم و تاسف بقوم گفت شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید آیا در امر خدای خود عجله کردید و الواح را بزمین انداخت و از فرط غضب سر برادرش هارون را بسوی خود کشید هارون گفت ای جان برادر ای فرزند مادرم بر من خشمگین مباش که من با نهایت کوشش و فداکاری در کار هدایت قوم بودم آنها مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که بس با قوم خصومت و ممانعت کردم نزدیک بود مرا بقتل رسانند پس تو بخشم خود دشمنان را بر من شاد مگردان و مرا در عداد مردم ستمکار مشمار (۱۵۱) موسی بر او شفقت کرد و گفت پروردگارا من و برادر مرا بیامرزد و در پل رحمت خود داخل گردان که تو مهربانترین مهربانان عالمی (۱۵۲) آنانکه گوساله را به پرستش گرفتند آتش قهر و غضب خدا را در آخرت و ذلت و خواری در حیات دنیا محققا بانها خواهد رسید و همچنان ما دروغگویان را کیفر خواهیم کرد (۱۵۳) آنانکه مرتکب عمل زشت شدند و پس از آن عمل بد توبه کردند و باخلاص ایمان آوردند خدای تو بر آنها بعد از توبه بیقین بخشنده و مهربان است (۱۵۴) و چون غضب موسی فرو نشست الواح تورات را برگرفت که در صحیفه آن تورات هدایت و رحمت الهی بود بر آن گروهی که از قهر خدای خود میترسند (۱۵۵) و موسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده گاه خدا انتخاب کرد بجرم درخواست دیدن خدا به چشم آنها را صاعقه قهر در گرفت موسی در آن حال گفت پروردگارا اگر مشیت نافذت تعلق گرفته بود که همه آنها و مرا هلاک کنی کاش پیشتر از وعده میکردی که قوم نپندارند من بر هلاکت آنهائی که انتخاب کردم سیاست و مکاری اندیشیدم آیا ما را بفعل سفیهان ما که درخواست جاهلانہ کردند هلاک خواهی کرد؟ این کار جز فتنه و امتحان تو نیست که در این امتحان هر که را خواهی گمراه و هر که را خواهی هدایت میکنی توئی مولای ما پس بحکم ربوبیت بر ما ببخش و ترحم کن که توئی بهترین آمرزندگان عالم (۱۵۶) و سرنوشت ما را هم در این دنیا و هم در عالم آخرت نیکوئی و ثواب مقدر فرما که ما بسوی تو هدایت یافته ایم و بتو گرویده ایم خدا در پاسخ درخواست موسی فرمود ای موسی بدان که عذاب من بهر که خواهم رسد و لیکن رحمت من همه موجودات را فرا گرفته و البته برای آنانکه راه تقوی پیش گیرند و زکات مال خود بفقیران میدهند و بایات خدا میگردند آن رحمت را مخصوص بر آنها حتم و لازم خواهیم کرد (۱۵۷) آنانکه پیروی کنند از رسول ختمی و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست نام و نشان را و اوصافش را نگاشته میابند که آن رسول آنها را امر بهر نیکوئی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام میگرداند و احکام پررنج و مشقتی را که از جهل و هوا چون زنجیر بگردن خود نهاده اند همه را برمیدارد و دین آسان و موافق فطرت بر خلق میاورد پس آنان که باو گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که باو نازل شد پیروی نمودند یعنی به قرآنی که روشن کن دلهای تاریک است عمل کردند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند (۱۵۸) ای رسول ما بخلق بگو که من بدون استثنای بر همه شما جنس بشر رسول خدایم آن خدائی که آسمانها و زمین همه ملک اوست هیچ خدائی جز او نیست که او زنده میکند و میمیراند یعنی جان بخشی و جان ستانی بدست خداست نه بدست طبیعت پس ای مردم باید ایمان بخدا آرید و به رسول او پیغمبر امی که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته آن پیغمبری که بس به خدا و سخنان خدا گروید شما باید پیرو او شوید تا هدایت یابید (۱۵۹) جماعتی از قوم

موسی بدین حق هدایت جسته و بدان دین باز میگردند یعنی مسلمان می شوند و مردم را هم بدین اسلام و قرآن دعوت میکنند (۱۶۰) قوم موسی را به دوازده سبب منشعب کردیم که هر سبطی طایفه ای باشند و چون امت موسی در آن بیابان بی زب از او آب طلبیدند که از عطش نجات یابند به موسی وحی کردیم که عصای خود را بر سنگ آن چون زد دوازده چشمه آب از آن سنگ جاری شد که هر چشمه بیک طایفه مخصوص گردید و هر قبیله آبشخور خود را دانستند این معجزه ای بود که به موسی کرامت شد و یکی دیگر آنکه ما بواسطه ابر بر سر آنها سایه افکندیم و نیز برای قوت و روزی آنها من و سلوی - مرغ و ترنجبین - فرستادیم تا تغذیه کنند و از لذیذ و پاکیزه قوتی که روزیشان کردیم گفتیم تناول کنید و از حکم خداتجاوز نکنید و بخلق ظلم و ستم روا مدارید نشنیدند و ستمگر شدند و آنها نه بر ما بلکه بر خویش ستم کردند (۱۶۱) و چون به قوم موسی امر شد که در این شهر بیت المقدس مسکن کنید و از هر چه خواستید از طعامهای این شهر تناول کنید و بر این در بتواضع و سجده درآئید و در دعا بگوئید که پروردگارا گناهان ما را بریز تا از ظلم و خطاهای شما در گذریم که ما نیکوکاران را فزونتر احسان میکنیم (۱۶۲) آنگاه ستمکاران بر خلاف آنچه بانها دستور داده شد رفتار کردند ما هم به کیفر مخالفت و ستمکاری بر آنها از آسمان عذابی سخت فرود آوریم (۱۶۳) و ای رسول بنی اسرائیل را از آن قریه که در ساحل دریا بود ده ایله و مدین باز پرس که از حکم تعطیل شنبه چرا تجاوز کردند آنگاه که برای امتحان به روز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا پدیدار شده و در غیر آن روز اصلش پدید نمی آمدند بدین گونه ما آنان را بعمل فسق و نافرمانی آزمایش کردیم (۱۶۴) و چون پند و موعظه ناصحین در آنها اثری نکرد جمعی از آن گروه گفتند چرا قومی را که از جانب خدا به هلاک و یا به عذاب سخت محکومند با آنکه وعظ و پند بی اثر است باز موعظه میکنید، ناصحان گفتند پند ما معذرت و اتمام حجت است از جانب پروردگار و دیگر آنکه شاید اثر کند و تقوی پیشه کنند (۱۶۵) و چون هر چه بانها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند و موعظه ناصحان نشنیدند ما هم آن جماعت که نصیحت میکردند و خلق را از کار بد منع مینمودند نجات بخشیدیم و آنانکه ظلم و ستمکاری کردند به کیفر فسقشان به بدترین عذاب گرفتار کردیم (۱۶۶) آنگاه که سرکشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب شدند ما هم آنها را مسخر کردیم و گفتیم بشکل بوزینه شوید که بسی دور و بازمانده از رحمت خدا باشید (۱۶۷) و آن هنگام امر نافذ خدای تو بر این قرار گرفت که تا روز قیامت کسی را بعقوبت و عذاب سخت بر آنها برانگیزد که پروردگار تو همانا زود کیفر کننده ستمکاران و به خلق بسیار بخشنده و مهربانست (۱۶۸) و بنی اسرائیل را در روی زمین بشعبی متفرق ساختیم بعضی از آنها صالح و درستکار و برخی بخلاف آن خیانت پیشه اند و آنها را به خوبیها و بدیها چون فقر و غنا و دارائی و عجز و ناتوانی و رنج و آسایش و جنگ و صلح بیازمودیم باشد که بحکم حق باز گردند (۱۶۹) پس از آنکه پیشینیانشان در گذشتند اخلاف و بازماندگانسان که وارث کتاب آسمانی شدند خدا و آخرت را بکلی فراموش کرده و متاع پست دنیا را برگزیدند و هر گناه که کردند گفتند ما بخشیده خواهیم شد و چنانچه مثل آن مال از متاع دنیا که یافتند باز از هر راه حرام و خیانت بیابند بحرص و آز برگیرند. آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشد که بخدا جز حرف حق و سخن راست نسبت ندهند و آنچه در کتابست درس گیرند و عمل کنند؟ و بدانید که منزل ابدی آخرت و نعمتهای بهشتی برای مردم پرهیزکار بسی بهتر از متاع فانی دنیا است آیا تعقل نمیکنید (۱۷۰) آنانکه متوسل بکتاب آسمانی شدند و نماز پسا داشتند بانها مزد حسن عمل داده خواهد شد که ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت (۱۷۱) و بیاد آرند یهودان آنگاه که بر اسلافشان کوه طور را مانند قطعه ابرها بر فراز آنها برانگیختیم که پنداشتند بر آنها فرو خواهد افتاد و امر کردیم که دستور توراتی که بشما آمد با قوت ایمان و عقیده محکم اخذ کنید و آنچه در آن مذکور است متذکر باشید که پرهیزگار شوید (۱۷۲) و ای رسول ما بیاد آر و خلق را متذکر ساز هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی ما به خدائی تو گواهی دهیم برخی مفسرین گفتند مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در نشا ذر و عالم روح و گواهی آنها بنور تجرد و شهود به توحید خدا و ربانیت او در عوالم ملک و ملکوت که

دیگر در روز قیامت یعنی روز قیام حقایق و آوال اوهام و اعراض دنیا نگوئید ما از این واقعه قیامت و یا از معرفت و یکتائی خدا غافل بودیم (۱۷۳) یا آنکه بگوئید که چون منحصرآ پدران ما بدین شرک بودند و ما هم فرزندان بعداز آنها بودیم پس پیروی پدران خود کردیم آیا بعمل زشت اهل باطل ما را به هلاکت خواهی رسانید؟ (۱۷۴) و بدینگونه ما آیات خود را تفصیل میدهیم باشد که مردم از غفلت و جهالت و راه باطل بخداپرستی و معرفت و طاعت حق بازگردند (۱۷۵) و ای رسول ما بخوان بر این مردم بر قوم یهود حکایت آن کس بلعم باعور را که ما آیات خود را باو عطا کردیم از آن آیات به عصیان سرپیچید چنانچه شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان عالم گردید (۱۷۶) و اگر ما بمشیت نافذ خود میخواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می بخشیدیم لیکن او بزمن تن فروماند و پیرو هوای نفس گردید و در این صورت مثل او و حکایت حال او به سگی ماند که اگر از او تعقیب کنی و یا او را بحال خود واگذاری به عوعو زبان کشد یعنی چنین کسی که از روی علم و پس از اتمام حجت به هوای نفسمیل کند از اندیشه های زشت خود در عذاب شقاوتست ای رسول ما اینست مثل مردمی که آیات خدا را بعد از علم بدان تکذیب کردند این حکایت بخلق بگو باشد که برای نجات خود به فکر آیند (۱۷۷) مثل حال گروهی که به عناد و تکبر آیات ما را تکذیب کردند بسیار بوضع بدی متمثل شود و آنها نه بغیر خود بلکه به خویش ستم میکنند (۱۷۸) هر که را خدا هدایت فرمود هم اوست که هدایت یافته و آنهایی که او گمراه کند یعنی پس از اتمام حجت به گمراهی واگذارد هم آنان زیانکاران عالمند (۱۷۹) و محققا بسیاری از جن و انس را برای جهنم واگذاریم که آنها بسور اختیار خود جهنم پلیدی و اخلاق و اعمال زشت و افکار و عقاید فاسد را گزیدند چه آنکه آنها را دلپائست بی ادراک و معرفت و دیده های بی نور بصیرت و گوش هائی ناشنوای حقیقت آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه ترند زیرا قوه ادراک مصلحت و مفسده داشتند و باز عمل نکردند آنها همان مردمی هستند که از خدا و قیامت و عاقبت کار خود به بازیچه دنیا غافل شدند (۱۸۰) خدا را نامهای نیکوست بانها خدا را بخوانید و آنانکه در نامهای او کفر و عناد میورزند بخود واگذارید که بزودی بکردار بدشان مجازات خواهند شد (۱۸۱) و از خلقی که آفریده ایم فرقه ای بحق هدایت میبایند و از باطل همیشه به حق باز میگردند در تفاسیر شیعه آمده که مراد از این فرقه پیشوایان دین و ائمه معصومین علیهم السلامند (۱۸۲) و آنانکه آیات ما را تکذیب کردند بزودی آنها را بعد از هلاکت می افکنیم از جائی که فهم آن نکنند برخی مفسرین گفتند که یعنی آنها به نعمت و ملک و مال مغرور و غافل و هواپرست میشوند پس تدریجا مستحق عقاب خدا شوند این معنی استدرج است (۱۸۳) روزی چند بانها مهلت دهیم تا در این مهلت حقیقت خود و پلیدی خویش را آشکار کنند که همانا مکر و عقاب ما بس شدید بانها فرا رسد (۱۸۴) اما این مردم فکر نکردند که صاحب آنها را یعنی رسولی که خدا برهبری آنان فرستاد و در کمال عقل و دانائی است هرگز جنونی که مردم جاهل یا مغرض باو نسبت میدهند اصلا در او نیست او ترساننده خلق است از احوال قیامت به بیانی روشن (۱۸۵) آیا فکر و نظر در ملکوت و قوای آسمانها و زمین نمیکند و در هر چه خدا آفریده نمینگرند تا بقدرت و حکمت خدا و عاقبت عالم قیامت بینا و دانا شوند و چون اجل و مرگ آنها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شود آنگاه به چه حدیثی بعد از این کتاب مبارک آسمانی ایمان خواهند آورد (۱۸۶) هر که را خدا گمراه خواست هیچ کس رهنمای او نباشد و چنین گمراه را خدا پس از اتمام حجت بخود واگذارد تا در طغیان و سرکشی بحیرت و ضلالت بماند (۱۸۷) ای رسول ما از تو احوال و ساعت قیامت را سوال خواهند کرد که چه وقت فرا خواهد رسید پاسخ ده که علم آن نزد رب من و خدای من است کسی بجز او نداند آن ساعت شانش در آسمانها و زمین بسی سنگین و عظیم است نیاید شما را مگر ناگهانی از تو میبرسند گوئی تو کاملا بدان آگاهی بگو علم آن ساعت محققا نزد خداست لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند (۱۸۸) ای رسول ما به مردم بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم مگر آنچه خدا بر من خواسته و اگر من از غیب جز آنچه بوحی میدانم آگاه بودم بر خیر و نفع خود همیشه میافزودم و هیچگاه زیان و رنج نمیدیدم من نیستم مگر رسولی ترساننده بدان و بشارت دهنده گروهی که اهل ایمانند (۱۸۹) اوست خدائی که همه شما را از یکتن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا باو انس و آرام گیرد و چون باو خلوت کرد نزدیکی کرد

باری سبک برداشت پس آن بار حمل چندی در رحم بزیست تا سنگین شد که آنگاه هر دو یعنی پدر و مادر خدا را خواندند که ای پروردگار ما اگر بما فرزندی صالح عطا کردی بر این نعمت البته از شکرگزاران تو خواهیم بود (۱۹۰) پس چون به آن پدر و مادر فرزندی صالح عطا شد فرزندان مشرک شدند یا آنها را شریکان خود در آنچه به آنها عطا گردید قرار دادند یعنی آن فرزند را در نعمتهائی مانند علم و احساسات و مال دنیا و نعم ظاهر و باطن که از جانب خدا بانها عطاشده بود مثل خود و شریک خویش دانسته و از هر جهت مانند خویش یافتند پس هر که از فرزندان آدم بخدا نسبت فرزند دهد چون نصاری و یهود که عیسی و عزیر را فرزند خدا شمردند یا کفار قریش که فرشتگان را دختران خدا خواندند شریک و مثل برای خدا ثابت کرده و چنین کسی مشرک است و خدای تعالی برتر است از آنچه بر او مشرکان گویند در این آیه جمعی بحیرت افتاده و شرک را بادم و حوا نسبت داده اند در صورتی که آدم برگزیده خداست *إن الله اصطفى آدم* مشرک که مردود خداست نخواهد بود و هر که بشرک آدم تفسیر کرده در معنی آیه به غلط افتاده و بخلاف ظاهر قرآن و خلاف عقل و خلاف نص صریح که انبیاء را منزله از شرک میداند تفسیر کرده است (۱۹۱) آیا این چیز که هیچ موجود را خلق نتواند کرد و خود مخلوق خداست شریک خدا قرار میدهند؟ (۱۹۲) در صورتی که آنها نه هرگز به مشرکان و نه بخود یاری توانند کرد (۱۹۳) و اگر آنها را یعنی بت پرستان را به راه هدایت بخوانید پیروی شما مومنان نخواهند کرد پس خواندن و نخواندن آنها براه خدا شما را یکسان است (۱۹۴) غیر خدا هر آن کس شما مشرکان و یهود و نصاری بخدائی میخوانید مانند بتان و عیسی و عزیر و غیره بحقیقت همه مثل شما بندگانی فانی و فقیر و محتاج هستند اگر در دعوی خود راستگوئید از آنها بخواید تا مشکلات و حوائج شما را روا کنند (۱۹۵) در صورتی که آنها از شما عاجزترند زیرا آن بتان را نه پائی است که راهی پیمایند نه دستی که از آستین قدرت بیرون آرند نه چشم و گوشه که به آن ببینند و بشنوند ای رسول ما به مشرکان بگو شریکان باطل خود را بخوانید و هر حیل که با من میتوانید بکار برید تا مرا مغلوب کنید بی آنکه هیچ مرا مهلت بدهید (۱۹۶) مرا دوست و یاور به حقیقت خدائی است که این کتاب قرآن را فرستاده و البته اویار و یاور نیکوکاران است (۱۹۷) آنهایی را که شما خدا میخوانید جز خدای یکتا هیچ یک قدرت بر یاری شما بلکه بر یاری خود ندارند (۱۹۸) و اگر آنها را براه هدایت خوانید نخواهند شنید یعنی بتان چون گوش و بت پرستان چون هوش ندارند دعوت اسلام را نپذیرند و ای رسول ما یا ای اهل عقل و بینش تو می بینی که آنها بتان یا بت پرستان در تو مینگرند و حق را نمی بینند (۱۹۹) ای رسول ما طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و چنانچه نپذیرند از مردم نادان روی بگردان که بر تو جز دعوت و اتمام حجت نیست (۲۰۰) و چنانچه بخواید از طرف شیطان انس و جن در تو وسوسه و جنبشی پدید آید به خدا پناه بر که او به حقیقت شنوا و داناست (۲۰۱) چون اهل تقوی را از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسد هماندم خدا را بیاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینائی پیدا کنند (۲۰۲) و شیاطین انس و جن برادرانشان را یعنی مردم فاسق متکبر هواپرست را براه ضلالت و گمراهی میکشند و هیچ در گمراه کردن بدکاران تقصیر نمیکنند (۲۰۳) و هر زمان که تو ای رسول آیتی بر آنها بر مخالفان دین نیابردی بر تو اعتراض کنند که چرا آیتی فراهم نساختی در پاسخ بگو من پیروی غیر آنچه از خدایم بوحی رسد نخواهم کرد این است یعنی این آیات قرآنست مایه بصیرتها از جانب پروردگار شما و هدایت و رحمت برای گروهی که ایمان آورند (۲۰۴) و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید و سکوت کنید تا حقایق و نصایح قرآن را فهم کنید باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید (۲۰۵) خدای خود را با تضرع و پنهانی و بی آنکه آواز برکشی در دل خود در صبح و شامیاد کن و از غافلان مباش یکدم از یاد خدا غافل مشو (۲۰۶) ارواح و فرشتگانی که در حضور پروردگار تواند هیچگاه از بندگی خدا سرکشی نکنند و پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و به سجده او مشغولند (۲۰۷)

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) ای رسول ما چون امت از تو حکم انفال را سوال کنند یعنی غنایمی که بدون جنگ از دشمنان بدست مسلمانان آید و آمینهای خراب بیمالک، معادن، بیشه‌ها، فراز کوه، کف رودها، ارث کسی که وارث ندارد، قطایع ملوک، خلاصه ثروتی که بی رنج مردم حاصل شود جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است که رسول و جانشینانش به هر کس و هر قدر صلاح دانند ببخشند در این صورت شما مومنان باید از خدا بترسید و در اینگونه امور از خلاف در امر انفال و تقاضای بیجا و طمع و حرص و نزاع و تفرقه پرهیزید بلکه در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان پردازید و خدا و رسول را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید(۲) مومنان حقیقی آنان هستند که چون ذکری از خدا شود از عظمت و جلال خدا دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و بخدای خود در هر کار توکل میکنند(۳) و نماز را با حضور قلب بپا میدارند و از هر چه روزی آنها کردیم علم و جاه و مال انفاق میکنند(۴) آنها براستی و حقیقت اهل ایمانند و نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو علم و ادب مخصوص آنها است(۵) چنانچه خدا تو را از خانه خود بحق و برای اعلان دین حق بیرون آورد و گروهی از مومنان سخت رای خلاف و کراهت اظهار کردند و تو بمخالفت آنها از حکم حق باز نگشتی و هجرت گزیدی در امر انفال و غیر آنها به خواهش مردم توجه مکن پیرو امر خدا باش و از خلق ابدانندیشه مدار(۶) مردم نادان در حکم حق و طاعت خدا با آنکه حق آشکار و روشن گردید با تو جدل و نزاع خواهند کرد و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است که گویی معاینه مینگرند که آنها را بجانب مرگ میکشند(۷) ای رسول ما بیاد آر هنگامی را که خدا بشما وعده فتح بر یکی از دو طایفه را داد غلبه بر قافله قریش یا کاروان شام و شما مسلمین مایل بودید که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند بی رنج و جهاد اموالشان نصیب شما شود و خدا میخواست که صدق سخنان حق را ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را برکند(۸) تا حق دین اسلام را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران و کافران را خوش نیاید(۹) بیاد آرید هنگامی را که استغاثه و زاری به پروردگار خود میکردید که شما را بر دشمن غلبه دهد پس دعای شما را اجابت کرد و وعده داد که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می فرستم(۱۰) و این فرشتگان را خدا نفرستاد مگر آنکه بشارت و مژده فتح باشد و تا دلهای شما را بوعده خدا مطمئن سازد و بدانید که نصرت و فیروزی نیست مگر از جانب خدا که خدا را در تمام امور کمال قدرت و حکمت است(۱۱) یاد آرید هنگامی را که خواب راحت شما را فرا گرفت برای اینکه از جانب خدا ایمنی یافتید و از آسمان رحمت خود آبی فرستاد که شما را بدان آب پاک گرداند و وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد و دلهای شما را به رابطه ایمان با هم متحد گرداند تا در کار دین ثابت قدم و استوار باشید یعنی از آسمان رحمت بارانی فرستاد که جسم شما را از هر حدث و ناپاکی پاک سازد و جان شما را از هر وسوسه و خیال شیطانی ایمن گرداند(۱۲) و یاد آر ای رسول آنگاه که پروردگار تو بفرشتگان وحی کرد که من با شما مومنان را ثابت قدم بدارید که همانا من ترس در دل کافران میافکنم تا گردنهایشان بزیند و همه انگشتشان و دست آویزهایشان قطع کنید(۱۳) این کیفر کافران بر آنست که با خدا و رسول او سخت ضدیت و مخالفت کردند و هر کس با خدا و رسول او راه شقاق و مخالفت پیماید بترسد که عقاب خدا بسیار سخت است(۱۴) این عذاب مختصر قتل و اسارت را در دنیا بچشید و بدانید که برای کافران در قیامت عذاب سخت آتش دوزخ مهیاست(۱۵) ای اهل ایمان هر گاه با تهاجم و تعرض کافران در میدان کارزار روبرو شوید مبادا از بیم آنها پشت کرده و از جنگ بگریزید(۱۶) هر که در روز جنگ بانها پشت نمود و فرار کرد بطرف غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است خواهد بود مگر آنکه از میمنه بمیسره و یا از قلب به جناح برای مصالح جنگی رود یا از فرقه ای بیاری فرقه ای دیگر شتابد(۱۷) ای مومنان نه شما بلکه خدا کافران را کشت و ای رسول چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند و شکست کافران را خدا برای این خواست که مومنان را به پیش آمد خوشی بیازماید که خدا شنوای دعای خلق و دانا بمصالح امور عالم است(۱۸) این فتح و غلبه در جنگ به خواست خدا شما را نصیب شد و بدانید که محققا خدایی اثر کننده مکر کفار است یعنی شما مومنان از مکر کافران میندیشید که خدا بنیان مکرشان را ویران خواهد

کرد (۱۹) ای کافران اگر شما از خدا فتح و نصرت می‌طلبید اینک فتح کامل شما را رسیدن اسلام و قرآن را که بهترین فتح و پیروزی و کاملترین وسیله سعادت خلق استاز جانب خدا آمد اکنون اگر از کفر و عناد با حق دست بردارید شما را بهتر است و اگر دیگر بار به جنگ و دشمنی اهل ایمان باز آئید ما هم شما را باز کیفر و عذاب کنیم و هرگز جمعیت و سپاه شما هر چند بسیار باشد شما را از قهر خدا و سطوت مسلمین نجات نتواند داد که خدا البته با اهل ایمانست (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و رسول را اطاعت کنید و از فرمان او سر نیچید که شما سخنان حق و آیات خدا را میشنوید (۲۱) و شما مومنان حرف حق را بگوش و قلب و در مقام عمل بشنوید و چون منافقان نباشید که گفتند ما سخن خدا و رسول را شنیدیم و به حقیقت نشنیدند (۲۲) بدترین جانوران و شقی‌ترین اشخاص نزد خدا کسانی هستند که از شنیدن و گفتن حرف حق کر و لالند و اصلش در آیات خدا تعقل نمیکنند (۲۳) اگر خدا بعلم ازلی در آنها خیر و صلاحی میدید آنها را شنوا بکلام حق میکرد اکنون که هیچ خیر و تمایل به دین در آنها نمی‌بیند اگر هم بحق شنوا کند باز از آن روگردانند و اعراض کنند (۲۴) ای اهل ایمان چون خدا و رسول شما را بایمان دعوت کنند اجابت کنید تا بحیاتابد رسید و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حایل است و از اسرار درونی همه آگاهست و همه بسوی او محشور خواهید شد (۲۵) و برسید از بلائی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد ظالمان را بکیفر ظلم و ستم و مظلومان را به کیفر ترکامر بمعروف و نهی از منکر تفسیر دیگر آیه: برسید و پرهیزید از بلا- و فتنه تا به ستمکاران از شما نرسیده است یعنی ستمگران و ظالمان برسند که بلا به کیفر ظلم تنها بانها خواهد رسید نه بغیر آنها و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است (۲۶) و ای مومنان بیاد آرید زمانی را که عده قلیلی در میان دشمنان بسیار بودید که شما را ضعیف و خوار در زمین مکه می‌شمردند و از هجوم مردم مشرک بر خود ترسان بودید بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و بیاری خود نیرومندی و نصرت بشما عطا کرد و از بهترین غنائم و طعامها روزی فرمود باشد که شکر نعمتش بجای آرید (۲۷) ای کسانی که ایمان آوردید زهار در کار دین با خدا و رسول خیانت مکنید و در کار دنیا با یکدیگر در صورتی که شما زشتی خیانت را بخوبی میدانید (۲۸) و محققا بدانید که شما را اموال و فرزندان در دنیا قابلیت ندارد فتنه و ابتلائی بیش نیست و در حقیقت اجر عظیم نزد خداست و سعادت حقیقی در عالم آخرتست (۲۹) ای اهل ایمان اگر خدا ترس و پرهیزکار شوید خدا بشما فرقان بخشد یعنی دیده بصیرت دهد تا بنور باطن حق را از باطل فرق گذارید و راه خدا و شیطان و طریق سعادت و شقاوت و نفع و ضرر دنیوی و اخروی را تشخیص دهید و گناهان شما را بپوشانند و شما را بیا مرزد که خدا دارای فضل و رحمت بی‌منتهاست (۳۰) ای رسول ما بیاد آر وقتی را که کافران با تو مکر میکردند تا تو را از مقصد خود که تبلیغ دین خداست بازدارند یا به قتل رسانند یا از شهر بیرون کنند تو کار خود بخدا واگذار که اگر آنها با تو مکر کنند خدا هم با آنها مکر میکند و خدا بهتر از هر کس مکر تواند کرد (۳۱) و چون بر آنان که منکر و معاند قرآند آیات ما تلاوت شود گویند ما این سخنان را شنیدیم هیچ اعجاز و کرامتی در نظر ما ندارد اگر ما هم میخواستیم مانند آن می‌گفتیم که چیزی جز سخنان افسانه پیشینیان نیست (۳۲) و چون باز لجاجت کردند و گفتند خدایا اگر این قرآن براستی بر حق و از جانبست باز هم پیروی آن نخواهیم کرد پس با این حال یا بر سرمان سنگی از آسمان بیار یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز لذا سخت مستحق عذاب شدند (۳۳) ولی خدا هم تا تو پیغمبر رحمت در میان آنها هستی آنان را عذاب نخواهد کرد و نیز تا مادامی که از نافرمانی خدا پشیمان شوند و بدرگاه خدا توبه و استغفار کنند باز آنها را عذاب نکند (۳۴) و آنها چه کردند که خدا عذابشان نکند؟ و چگونه آن منافقان معاند مستحق عذاب خدا نباشند؟ در صورتی که راه مسجد الحرام را به روی بندگان خدا میندند و اگر دعوی دوستی خدا میکنند کذب است آنها را هیچ رابطه دوستی با خدا نیست که دوستان خدا بجز اهل تقوی نباشند لیکن اکثر مردم از این مطلب آگاه نیستند (۳۵) و اگر به نماز خود دعوی محبت خدا کنند نماز آنها در خانه کعبه جز صغیر و کف زدنی که خلق را از خانه خدا منع میکند چیزی دیگر نیست و چنین نماز نه موجب بلکه سبب قهر خداست پس در آخرت بانها خطاب شود بچشید طعم عذاب را به کیفر آنکه بخدا کافر شدید (۳۶) کافران اموالشان را انفاق میکنند برای این

مقصود که راه خدا را به روی بندگانش ببندند پس به زودی مالهایشان بر سر این خیال باطل برود و حسرتش بر دل آنها بماند و آنگاه علاوه بر اینکه موفق بر منع دین و غلبه بر مسلمین نشوند مغلوب نیز خواهند شد و آن کافران بسوی جهنم جمعا رهسپار میشوند (۳۷) تا آنکه خدا پلید را از پاکیزه جدا سازد و پلیدان را بعضی با بعضی دیگر درآمیزد و با هم گرد آورد آنگاه همه را در آتش دوزخ افکند که آنها زیانکاران عالمند (۳۸) ای رسول ما کافران را بگو که اگر از کفر خود دست کشیده و براه ایمان باز آئید هر چه از پیش کرده اید بخشیده شود و اگر به کفر و عصیان روی آرید سنت الهی در گذشته است یعنی حکم ازلی بر این قرار گرفته که مومنان را عزیز و بهشتی کند و کافران را ذلیل و دوزخی گرداند (۳۹) ای مومنان با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فساد دیگر نماند و آئینهمه دین خدا گردد و چنانچه دست از کفر کشیدند خدا به اعمالشان بصیر و آگاهست (۴۰) و اگر آن کافران به دین خدا پشت کردند پس شما مومنان غم مدارید و بدانید که البته خدا یار شماست که بهترین یار و بهترین یاور است (۴۱) و ای مومنان بدانید که هر چه به شما غنیمت و فایده رسد زیاد یا کم خمس آن خاصخدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان است، به آنها بدهید اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود محمد (ص) در روز فرقان روزی که دو سپاه اسلام و کفر در جنگ بدر روبرو شدند خدا نازل فرمود ایمان آورده اید و بدانید که خدا بر هر چیز تواناست (۴۲) بیاد آرید زمانی را که سپاه شما در وادی نزدیک دشمن به مکانی دور از شهر مدینه واقع شد که موفقیت و اتفاق خوشی خدا نصیب شما کرد و اگر این کارزار بوعده و قرار شما با دشمن مقرر میشد در وعده گاه چنین موفق و دلخواه شما نمیبود و از خوف و اندیشه در جنگ اختلاف میکردید لیکن برای آنکه حکم ازلی و قضای حتمی را که خدا مقدر فرموده اجرا سازد شما را غلبه داد یعنی خدا در جنگ بدر بمدد فرشتگان مومنان کم را بر کافران بسیار غلبه داد که حقانیت قرآن و رسولش را آشکار سازد تا هر که هلاک شدنی است بعد از اتمام حجت هلاک شود و هر که لایق حیات ابدی است به اتمام حجت بحیات ابدی رسد و همانا خدا شنوای دعا و دانای مصالح بندگان است (۴۳) و یاد آر ای رسول آنگاه که دشمنان را در چشم تو و اصحابت اندک نشان دادیم تا شما قویدل باشید و اگر سپاه دشمن را بسیار بچشم شما نشان داده بودیم کاملاً هراسان و بد دل شده و در امر رفتن به جنگ جدل و مخالفت میکردید لیکن خدا شما را از آسیب دشمن سلامت داشت که او دانا و متصرف در اندیشه های درونی دلهای خلق است (۴۴) و یاد آر زمانی که خدا دشمنان را هنگامی که مقابل شدید در چشم شما کم نمودار کرد تا قویدل شده از آنها نیندیشید و شما را نیز در چشم دشمن کم نمود تا تجهیز کامل و تهیه مهمات جنگ نکنند تا خداوند آن را که در قضای حتمی خود مقدر نموده یعنی غلبه اسلام اجرا فرماید تا بدانید که کار بدست خداست و بسوی اوست بازگشت امور (۴۵) ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه با فوجی از دشمن مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید که فیروزمند و فاتح گردید (۴۶) و همه با روح وحدت ایمانی پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع که موجب تفرقه اسلام است نپوئید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد بلکه همه باید یکدل در راه خدا پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است (۴۷) و شما مومنان مانند منافقان نباشید که آنها نه برای جهاد در راه خدا بلکه یا برای هوس و غرور و یا برای تظاهر خارج شدند و از راه خدا خلق را منع میکنند و بترسند که علم خدا بهر چه کنند محیط است و آنان سخت بکیفر خواهند رسید (۴۸) و یاد آور وقتی که شیطان کردار زشت آنان را در نظرشان زیبا نمود و برای فریب آن جاهلان به شکل پیرمردی آمده و گفت امروز از مسلمین هیچکس تاب مقاومت شما را ندارد و احدی بر شما غالب نخواهد گشت و من هنگام سختی یار و فریادرس شما خواهم بود و بدین سخنان کفار قریش را مغرور کرد تا آنگاه که دو سپاه اسلام و کفر روبرو شدند شیطان پای بفرار گذاشت و چون کفار بدو گفتند چه شد قول و معاهده تو پاسخ داد که من از شما بیزارم من قوایی از فرشتگان آسمان می بینم که شما نمی بینید و من از قدرت و غضب و عقاب خدا میترسم که عقاب خداوند بسیار سخت است (۴۹) و یاد آر وقتی که منافقان با هم میگفتند که این مسلمین به دین خود مغرورند و عاقبت شکست خورده و نابود خواهند شد و حال آنکه هر کس بر خدا توکل کند و در دین

خدا ثابت قدم باشد خدا او را یاری خواهد کرد که خدا غالب و مقتدر و بر هر چه خواهد دانا و تواناست (۵۰) و اگر بنگری سختی حال کافران را هنگامی که فرشتگان جان آنها را میگیرند و با تیغ قهر و عذاب خدا بر روی و پشت آنها میزنند و میگویند بچشید طعم عذاب سوزنده را (۵۱) این عقوبت اعمال زشتی است که بدست خویش فرستادید و خدا بهیچ یک از بندگان هرگز کمترین ستم نخواهد کرد (۵۲) ای رسول ما کافران امت تو نیز مانند فرعونیان و کافران پیش از زمان آنها به آیات خدا کتاب آسمانی و معجزات انبیاء کافر شدند خدا هم آنان را بکیفر گناهانشان بگرفت که همانا خدا توانا و سخت کیفر است (۵۳) حکم ازلی خدا اینست که خدا نعمتی که بقومی عطا کرد تغییر نمیدهد و نعمت را به عذاب مبدل نمیکند تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند و اطاعت را بدل بمعصیت کنند که خدا شنوای دعای پاکان و دانای بد و خوب احوال بندگانش است (۵۴) همان طور که خوی فرعونیان و پیش از آنان بر این شد که آیات خدای خود را تکذیب کردند ما هم آنها را به کیفر گناهانشان هلاک نمودیم و فرعونیان را بدریا غرق کردیم و همه آنانکه هلاک نمودیم ظالم و ستمکار بودند (۵۵) بدترین جانوران نزد خدا آنان هستند که کافر شدند و در اثر لجاجت بر کفر خود ایمان ابدا نخواهند آورد (۵۶) چنانکه چند بار با تو عهد صلح و مسالمت بستند مانند یهود بنی قریبه آنگاه عهد تو را در هر مرتبه شکستند و در حفظ عهد تو راه تقوی نیمودند و دشمنان اسلام مشرکان مکه را یاری کردند (۵۷) پس تو ای رسول ما چنین مردم بد عهد پیمان شکن را چون با آنان بکارزار مشغول شوی به تهدید و مجازات و اندرز آنان و پیروانشان را پراکنده ساز باشد که متذکر زشتی نقض عهد شوند (۵۸) و چنانچه از خیانتکاری گروهی از معاهدین خود سخت میترسی می اندیشی در این صورت تو نیز با حفظ عدل و درستی عهد آنها را نقض کن تا تکلیف خود را با تو بدانند و با وجود خیانتکاری آنها فریب و خیانتی از طرف تو بانها نرسد که خدا خیانتکاران را دوست نمیدارد (۵۹) کافران هرگز نپندارند که بکفر خود پیش افتادند یعنی از قهر حق جان رهانیدند که آنها پیوسته زبوندند و هرگز خدا و رسول خدا را زیون نتوانند کرد (۶۰) و شما ای مومنان در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان کاملاً فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطنا کافر محضاند و خدابه مکر و دشمنی آنها آگاهست نیز مهیا باشید و آنچه در راه خدا و احیاء دین خدا صرف میکنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز بشما ستم نخواهد شد (۶۱) و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و از مکر دشمن میندیش بر خدا توکل کن و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوای دعای مومنان و دانا بصلاح خلق است (۶۲) و اگر دشمنان بفکر فریب دادن تو باشند البته مطمئن باش که خدا تو را کفایت خواهد کرد اوست که به نصرت خود و یاری مومنان تو را موید و منصور گردانید (۶۳) و خدا الفت داد دلهای مومنان را دلهایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین میخواستی الفت دهی نتوانستی لیکن خدا تلیف قلوب آنها کرد که او بر هر کار مقتدر و باسرار و مصالح امور داناست (۶۴) ای رسول ما خدا تو را کفایت است و مومنانی که پیروان تو ابدا از منافقان و کافران چشم یاری مدار (۶۵) ای رسول مومنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر کافران غلبه خواهید کرد زیرا آنها گروهی بی دانشند و شما با دین و دانشید لذا بر آنها غالب شوید (۶۶) اکنون خدا بر شما تخفیف داد و در حکم جهاد آسان گرفت و دانست که در شما ضعف ایمان راه یافته که یک نفر با ده نفر نمی توانید مقاومت کنید پس اگر صد نفر باشید صبور و پایدار بر دویست نفر کافران و اگر هزار بر دو هزار آنان باذن خدا غالب خواهید شد یعنی با وجود ضعف ایمان باز یک نفر مومن بر دو نفر کافر غلبه خواهد کرد و خدا با صابران اهل ایمان یار و یاور است (۶۷) هیچ پیغمبری را روا نباشد که از اسیران جنگ فدا گرفته و آنان را رها کند تا خون ناپاکان را در زمین بسیار بریزد پس اصحاب تو ای رسول نبیستی بطمع دنیا این انتظار را از تو داشته باشند شما ای اصحاب رسول متاع فانی ناچیز دنیا را میخواهید و خدا برای شما سرای ابدی و نعمت جاودانی آخرت را و خدا مقتدر و کارش همه از روی حکمت است (۶۸) اگر نبود حکم ازلی

سابق از امر نافذ خدا که بر پیغمبر اسلام فدا و غنایم را روا دانست همانا در آنچه از غنیمت گرفتید به شما عذاب سخت رسیده بود (۶۹) پس اکنون از هر چه غنیمت بیابید بخورید حلال و گوارای شما باد و لیکن بی طمع به غنایم خدا ترس و پرهیزکار باشید که خدا آمرزنده خطاهاست و مهربان بخلق است (۷۰) ای رسول به اسیرانی که در دست شما مسلمینانند بگو که اگر خدا در دل شما خیر و هدایتی مشاهده کند و ایمان آرید در مقابل آنچه از شما گرفته شد بهتر از آن را عطا میکند و از گناهان شما میگذرد که خدا آمرزنده گناه و مهربان در حق خلق است (۷۱) و اگر آن اسیران به اظهار اسلام قصد خیانت با تو دارند ای رسول ما غمگین مباش که از این پیش با خدا هم خیانت کردند خدا تو را بر آنها تمکین و تسلط دهد و خدا دانا به صلاح خلق و درستکار در حق بندگان است (۷۲) آنان که بخدا ایمان آوردند و از وطن خود هجرت نمودند و در راه خدا با مال و جانشان کوشش و فداکاری کردند یعنی مهاجرین مکه و هم آنانکه به مهاجرین منزل دادند و از آنها یاری کردند یعنی انصار مدینه آنها دوستدار یکدیگرند و آنهایی که ایمان آورده اند لیکن مهاجرت نکرده اند هیچ شما دوستدار و طرفدار آنها نباشید تا وقتی که هجرت گزینند ولی اگر از شما در کار دین و پیشرفت اسلام مدد خواستند بر شماست که آنها را یاری کنید مگر آنها با قومی که با شما عهد و پیمان مسالمت بسته اند به خصومت برخیزند و بدانید که خدا بهر چه از بد و نیک میکنید آگاهست (۷۳) آنانکه کافر شدند نیز بعضی دوستدار و مددکار یکدیگرند و شما مسلمین اگر آن را که خدا دستور داده از اتفاق و اخوت و غیره کار نبندید همانا فتنه و فساد بزرگ کفر و بی دینی روی زمین را فرا خواهد گرفت (۷۴) و آنانکه ایمان آوردند و از دیار کفر وطن خود هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنانکه مهاجران را با فداکاری منزل دادند و از آنها یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست (۷۵) و آنان که ایمان آورده اند و بعد از شما یا بعد از صلح حدیبیه هجرت گزیدند و باتفاق شما در راه دین جهاد کردند آنها نیز از شما مومنان هستند در حکم دوستی و یاری و برادری همه یکسانید و ارث مراتب خویشاوندان در کتاب خدا بعضی بر بعض دیگر مقدم شده که خدا بهر چیز و بهمه مصالح خلق داناست (۷۶)

التوبة

از این پس خدا و رسولش از عهد مشرکانی که با شما مسلمین عهد بسته و شکستند بیزاری جست مراد آن طایفه از مشرکان مکه اند که با رسول خدا پیمان بستند که با همعهدان اسلام خصومت نکنند آنگاه به یاری بنوبکر با بنوخزاعه که هم پیمان با نبی اکرم (ص) بودند دشمنی نموده و بسیاری را قتل و غارت کردند رسول خبر از نقض عهد آنها یافت سوره براءت نازل شد و بتوسط علی (ع) با این سوره علام فرمود که از این پس میان پیغمبر و مشرکان عهدشکن عهد و پیمان نخواهد بود (۱) پس بشما مشرکان تا چهار ماه دیگر مهلت داده میشود که در زمین مکه گردش و آسایش کنید و چون این چهار ماه مهلت بگذرد بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد بلکه زبون و مغلوب امر خدا و رسول شوید و همانا خدا کافران را خوار و ذلیل خواهد کرد (۲) و بزرگترین روز حج روز عرفه یا روز عید که همه در مکه جمعند یا در آن روز که مومنان و مشرکان همه به مکه حاضرند خدا و رسولش به مردم اعلام می دارند که بعد از این از عهد مشرکین خدا و رسول بیزارند پس هر گاه شما مشرکان از شرک توبه کرده و به اسلام گرویدید برایتان در دنیا و عقبی بسی بهتر خواهد بود و اگر روگردانید بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نیائید بلکه در مقابل قدرت خدا و رسول عاجز و ناتوان و مغلوب خواهید بود و چنانچه ایمان نیاورند مژده عذاب دردناک عذاب شمشیر در دنیا و آتش دوزخ در آخرت بدان کافران برسان (۳) مگر آن گروه از مشرکان که با آنها عهد کرده اید و هیچ عهد شما نشکستند و هیچیک از دشمنان شما را یاری نکرده باشند پس تا مدتی که مقرر داشته اید عهد نگاه دارید که خدا متقیان را که بعهد خود وفا میکنند دوست میدارد (۴) پس چون ماه های حرام ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب که مدت امان است در گذشت آنگاه مشرکان را هر جا یابید بقتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در کمین آنها باشید چنانچه از شرک توبه کرده موحد شدند و

نماز اسلام بپا داشتند و زکات دادند پس از آنها دست بدارید و توبه آنان بپذیرید که خدا آمرزنده و مهربانست (۵) و هرگاه یکی از مشرکان بتو پناه آورد که از دین آگاه شود بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را بی هیچ خوف به مومن و منزلش برسان زیرا که این مشرکان مردم نادانند اگر ایمن شده و آیات خدا بشنوند باشد که ایمان آرند (۶) چگونه با مشرکان که عهد خدا و رسول شکستند خدا و رسولش عهد آنان نگهدارد چون با عهد شکن نباید عهد نگهداشت لیکن با آن مشرکان که در مسجد الحرام عهد بسته اید تا زمانی که آنها بر عهد خود پایدارند شما هم عهد آنها را بپائید که خدا متقین را که بعهد وفا میکنند دوست میدارد (۷) چگونه با مشرکان عهد شکن وفای بعهد توان کرد در صورتی که آنها اگر بر شما مسلمین ظفر یابند مراعات هیچ علاقه خویشی و عهد و پیمان را نخواهند کرد به زبانبازی و سخنان فریبنده شما را خشنود میسازند در صورتی که در دل جز کینه شما ندارند و بیشتر آنان فاسق و ناپاکارند (۸) فاسقان آیات کتاب خدا را به بهائی اندک گرفتند یعنی بلذت و شهوت حیوانی و مال و جاه دنیای دو روزه فانی بهشت ابدی آخرت و لقای خدا را فروختند تا آنکه راه خدا را به روی خلق بستند بترسند از کیفر کار خود که همانا بسیار بد میکنند (۹) آنان در حق اهل ایمان هیچ مراعات حق خویشی یا عهد و پیمان را نخواهند کرد و هم آنها بسیار متعدی و ستمکارند (۱۰) پس هر گاه از کردار بد خود توبه کرده و نماز بپا داشتند و زکات مال دادند در این صورت برادر دینی شمایند و در همه امور اسلام با شما یکسانند و ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت مفصلش بیان خواهیم کرد (۱۱) و هر گاه آنها سوگند و عهدی که بسته اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در اینصورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست باشد که از ترس شمشیر از طعن زدن به دین اسلام بس کنند (۱۲) آیا با قومی که عهد و پیمان خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را از شهر و وطن خود بیرون کنند قتال و کارزار نمیکنید؟ در صورتی که آنها اول بار بدشمنی و قتال شما برخاستند از آنها ترس و اندیشه دارید؟ و حال آنکه سزاوارتر آنست که از خدا بترسید و بس اگر اهل ایمانید (۱۳) شما ای اهل ایمان با آن کافران به قتال و کارزار برخیزید تا خدا آنان را بدست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آنها منصور و غالب نماید و دل‌های پر درد و غم اهل ایمان را بفتح و ظفر بر کافران شفا بخشد (۱۴) و خدا بظفر و نصرتی که نصیب شما میگرداند از ظلمی که کافران در حق شما کردند انتقام کشیده تشفی خاطر بخشد تا خشم دل‌های شما فرونشاند و خدا از کرم بر هر که می‌خواهد به لطف و رحمت باز می‌گردد که خداوند دانای به صلاح خلق و درستکار و عادل و حکیم است (۱۵) چنین می‌پندارید که شما را بدون آزمایش به حال خود رها میکنند در صورتی که هنوز خدا چنان که معلوم و مشخص در علم ازلی اوست در مقام طاعت و مجاهده بر شما معلوم نگردانیده که از شما مدعیان ایمان چه کس به حقیقت مومن است که جز خدا و رسول و مومنان را هرگز دوست خود و همراز خویش نخواهد گزید و خدا از همه کردار و نیات شما آگاهست (۱۶) مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که بکفر خود شهادت میدهند خدا اعمالشان را نابود خواهد گردانید و در آتش دوزخ آنها جاوید معذب خواهند بود (۱۷) منحصرأ تعمیر مساجد خدا بدست کسانی است که بخدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز پنجگانه بپا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند آنها امیدوار باشند که از هدایت یافتگان راه خدا هستند (۱۸) آیا رتبه سقاییت و آب دادن به حاجیان یعنی مقام عباس و تعمیر کردن مسجد الحرام یعنی مقام شیبیه را با مقام آن کس که بخدا و بروز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده چون علی (ع) یکسان شمیرید؟ هرگز آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود علی (ع) بسی مقامش برتر از عباس و شیبیه است پس بر مراتب یکدیگر حسد و ظلم مکنید و خدا ظالمان را هرگز براه بهشت هدایت نخواهد کرد (۱۹) آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا بمال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند (۲۰) پروردگارشان برحمت بی منتهای خود بشارت دهد و به مقام رضا و خشنودی جن الرضا و به بهشتهائی که در آنجا آنها را نعمت جاودانی است جن النعیم بشارتست (۲۱) در آن بهشت ابدی همیشه متنعم خواهند بود و این مقام را بطاعت از خدا طلب کنید که طاعت را نزد خدا پاداش

بزرگست (۲۲) ای اهل ایمان شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر که آنها کفر را بر ایمان بگزینند و هر کس از شما با وجود کفر آنان را دوست بدارد بی شک ستمکار است (۲۳) ای رسول ما بگو امت را که ای مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و آنان و خویشاوندان خود را و اموالی که جمع آورده اید و مال التجاره ای که از کسادی آن بیمناکید و منازلی عالی که بدان دل خوش داشته اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست میدارید منتظر باشید تا امر نافذ و قضای حتمی خدا جاری گردد و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیا طلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زیانکار شوید و خدا فساق و بدکاران را براه بهشت و سعادت هدایت نخواهد کرد (۲۴) خدا شما مسلمین را در مواقعی بسیار سخت و دشوار یاری کرد و نیز در جنگ حنین که فریفته و مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و آن لشکر زیاد اصلا بکار شما نیامد و زمین بدان فراخی بر شما تنگ شد دشمن بر شما چیره و قوی پنجه گردید تا آنکه همه رو بفرار نهادید (۲۵) آنگاه خدای قادر مطلق وقار و سکینه خود را یعنی شکوه و سطوت و جلال ربانی را بر رسول خود و بر مومنان نازل فرمود و لشکرها را از فرشتگان که شما نمیدیدید بمدد شما فرستاد و کافران را پس از آنکه غالب و قاهر بودند بعذاب و ذلت افکند و مغلوب و مقهور شدند و اینست کیفر کافران (۲۶) آنگاه خدا بعد از آن واقعه جنگ حنین از سر تقصیر هر که میخواهد از مومنانی که فرار کرده هر که توبه نمود و از کافران هر که ایمان آورد درمیگذرد که خداوند بر گناه پشیمانان آمرزنده و بر همه بندگان مهربانست (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید محققا بدانید که مشرکان نجس و پلیدند و بعد از این سال که عهدشان پایان میرسد نباید قدم بمسجد الحرام گذارند و اگر در اثر دور شدن تجارت و ثروت آنها از شما از فقر میترسید نترسید که خدا شما را بفضل و رحمت خود از خلق و از مشرکان بی نیاز خواهد کرد که او بجوانح شما داناست و باحسان به بندگان مومن در کمال عنایت و حکمت است (۲۸) ای اهل ایمان با هر که از اهل کتاب یهود و نصاری که ایمان بخدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمیدانند و بدین حق و آئین اسلام نمیگروند قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند (۲۹) و یهود گفتند عزیز و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنان را که اینها یهود و نصاری صاحب کتاب و دین بر زبان میرانند خود را به کیش کافران مشرک پیشین که اصلا به نبی و کتب آسمانی معتقد نبودند نزدیک و مشابه میکنند خدا آنها را هلاک و نابود کند چرا آنها باز بخدا نسبت دروغ بستند (۳۰) علماء و راهبان خود را از نادانی بمقام ربوبیت شناخته و خدا را نشناختند و نیز مسیح پسر مریم را که متولد از مادر معین و حادث و مخلوق خداست بالوهیت گرفتند در صورتی که مامور نبودند جز آنکه خدای یکتائی را پرستش کنند که منزله و برتر از آنست که با او شریک قرار میدهند (۳۱) کافران میخواهند که نور خدا را که چراغ رخشنده علم و دین و کتب وحی الهی است به نفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خود را یعنی دین اسلام و معارف قرآن و حقایق الهی را در منتهای ظهور و حد اعلائی کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف او باشند (۳۲) اوست خدائی که رسول خود محمد مصطفی (ص) را با دین حق بهدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند (۳۳) ای اهل ایمان بدانید که بسیاری از علماء و راهبان یهود و نصاری اموال مردم را به باطل طعمه هوا و هوس خود میکنند و خلق را از راه خدا و اطاعت امر خدا منع میکنند هم بزبان گمراه میکنند هم به علل دنیا طلبی خلق را از خدا طلبی دور میکنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره میکنند و در راه خدا انفاق نمیکند از حب دنیا آنها را ای رسول بر این کار به عذاب دردناک بشارت ده (۳۴) روزی که آن طلا و نقره ذخائرشان در آتش دوزخ گداخته شود و پیشانی و پشت و پهلوئی آنها را به آن داغ کنند و فرشتگان عذاب بانها گویند اینست نتیجه آنچه از زر و سیم در دنیا بر خود ذخیره کردید اکنون بچشید آتش حسرت و عذاب سیم و آری که اندوخته میکردید (۳۵) همانا عدد ماه های سال نزد خدا که بحساب حق و صلاح خلق است در کتاب تکوین و تشریح دوازده ماه است از آن روزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن دوازده چهار ماه ماه های حرام خواهد بود نزد اکثر مفسرین آن چهار ماه ذیقعد و ذیحجه و محرم و رجب است و نزد برخی از اول شوال تا آخر محرم و برخی از دهم ذیحجه تا دهم ربیع

الآخر دانند اینست دستور دین استوار و محکم پس در آن ماه‌ها ظلم و ستم به جنگ و خونریزی در حق خود و یکدیگر مکنید و متفقا همه با مشرکان قتال و کارزار کنید چنانکه مشرکان نیز همه متفقا با شما بجنگ و خصومت برمیخیزند و بدانید که خدا با اهل تقوی یار و یاور است (۳۶) نسی ر یعنی ماهی را تغییر و تبدیل کردن به ماهی دیگر و حکم ماه حرامی را در هر سه سال سالی ده روز بماهی متخر انداختن که بدعت زمان جاهلیت بود افزایش در کفر است که تا کافران را به جهل و گمراهی کشند سالی ماه حرام را حلال می‌شمرند و سالی دیگر حرام تا بدین وسیله عده ماه‌هایی که خدا حرام کرده پایمال کنند و حرام خدا را حلال گردانند اعمال زشت آنها در نظرشان زیباست و خدا هرگز کافران را براه راست هدایت نخواهد کرد (۳۷) ای کسانی که ایمان آوردید جهت چیست که چون بشما امر شود که برای جهاد در راه دین و جنگ با روم بیدرنگ خارج شوید چون بار گران بخاک زمین سخت دل بسته اید آیا راضی به زندگانی دو روزه دنیا عوض حیات ابدی آخرت شدید؟ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت بسیار اندک و ناچیز است (۳۸) بدانید که اگر در راه دین خدا برای جهاد بیرون نشوید ذلیل و پست شوید و خدا شما را به عذابی دردناک معذب خواهد کرد و قومی دیگر برای جهاد بجای شما برمیگمارد و شما بخدا زیانی نرسانیده اید بلکه خود را زیانکار ابدی کرده اید و خدا بر هر چیز تواناست (۳۹) اگر شما او را یعنی دین خدا یا رسول خدا را یاری نکنید البته خداوند از او یاری خواهد کرد چنانکه هنگامی که کافران پیغمبر را از مکه بیرون کردند خدا یاریش کرد و بر در غار کوه پرده عنکبوتان و آشیانه کبوتران گماشت تا دشمنان که به عزم کشتنش آمده بودند او را نیافتند آنگاه که یکی از آن دو تن که در غار بودند یعنی رسول به رفیق و همسفر خود ابوبکر که پریشان و مضطرب بود گفت مترس که خدا با ماست آن زمان خدا وقار و آرامش خاطر بر او فرستاد و او را به سپاه و لشکرهای غیبی خود که شما آنان را ندیده اید مدد فرمود و ندای کافران را پست گردانید و ندای خدا و دعوت اسلام را مقام بلند داد که خدا را بر هر چیز کمال قدرت و دانائیست (۴۰) برای جنگ با کافران سبک بار و مجهز بیرون شوید با فوج پیاده و سواره آسان یا مشکل و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید این کار شما را بر فتح و پیروزی بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید (۴۱) ای رسول اگر این مردم را برای منفعت آنی و فوری و سفر کوتاه تفریحی دعوت کنی البته تو را پیروی خواهند کرد و لیکن از سفری که مشقتی دارد می‌پرهیزند و موکد به خدا سوگند می‌خورند که اگر توانائی داشتیم همانا برای سفر آماده میشدیم اینان که از فرمان تو به تعلل و دروغ سر می‌پیچند خود را بدست هلاکت می‌سپارند و خدا میداند که آنها به حقیقت دروغ می‌گویند (۴۲) ای رسول، خدا تو را ببخشد، چرا از مهربانی بر امت پیش از آنکه دروغگو از راستگو بر تو معلوم شود به آنها اجازه دادی؟ بهتر آن بود که رخصت در ترک جهاد ندهی تا آن که برستی ایمان آورده از آنکه دروغ می‌گوید امتحان کنی (۴۳) بدان که مسلمانانی که به حقیقت بخدا و روز قیامت ایمان دارند از تو رخصت ترک جهاد نخواهند بلکه تا تو فرمان جنگ دهی با کمال اشتیاق به امر تو به جنگ مبادرت مینمایند تا بمال و جان خود در راه خدا جهاد کنند و خدا به احوال متقیان آگاهست (۴۴) تنها آنهاست که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و دلهاشان در شک و ریب است از تو اجازه معافی از جهاد میخواهند و آن منافقان پیوسته در تیرگی شک و تردید خواهند ماند (۴۵) اگر آنان قصد سفر جهاد داشتند درست مهیای آن میشدند لیکن خدا هم از توفیق دادن و برانگیختن آنها برای جهاد کراهت داشت تا از آن سعادت بزرگ آنها را بازداشت و حکم شد که ای منافقان، ای نالایقان شما هم با معذوران کور عاجز در خانه خود بنشیند (۴۶) اگر این منافق مردم هم با شما مومنان برای جهاد بیرون میامدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمیافزودند و هر چه میتوانستند در کار شما خلل و خرابی میکردند و از هر سو در جستجوی فتنه برمیامدند و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوسهایی وجود دارد و خدا باحوال ظالمان و نیت منافقان مکار ستمگر کاملاً داناست (۴۷) از این پیش در جنگ خندق و احد هم آنان در صدد فتنه‌گری و انهدام اسلام بودند و کارها را به تو ای رسول ما بر عکس مینمودند تا آنگاه که حق روی آورد و امر خدا آشکار گردید یعنی اسلام را فتح نصیب کرد در صورتی که آنها از فتوحات اسلام کمال کراهت را داشتند (۴۸) و برخی از آن مردم منافق با تو گویند که به ما در جهاد اجازه معافی ده و ما را

در آتش جنگ و جدال می‌فکن آگاه باش که آنها خود به فتنه و امتحان درافتادند و دوزخ همانا بدان کافران احاطه خواهد داشت (۴۹) اگر تو را حادثه خوش نصیب شود سخت بر آنها ناگوار آید و اگر تو را از جهاد زحمتی و رنجی پیش آید خوشحال شده و گویند ما در کار خود پیش بینی کردیم که به جنگ نرفتیم و آنها از دین باطنا روگردانند در حالی که بظاهر شادند (۵۰) بگو ای رسول ما هرگز جز آنچه خدا خواسته بما نخواهد رسید اوست مولای ما و خیرخواه مولائی است و البته اهل ایمان در هر حال بر خدا توکل خواهند کرد (۵۱) بگو ای پیغمبر که شما منافقان جز یکی از دو نیکوئی بهشت و یا فتح چیزی می‌توانید بر ما انتظار برید؟ نمی‌توانید ولی ما درباره شما منتظریم که از جانب خدا به عذاب سخت گرفتار شوید بدوزخ و عذاب ابد درافتید یا بدست ما هلاک شوید بنابر این شما در انتظار باشید که ما هم مترصد و منتظر کار شما هستیم (۵۲) بگو به آن منافقین که شما هر چه انفاق کنید صرف مخارج جنگ و تبلیغات مزورانه کنید چه از روی میل و چه کراهت هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد زیرا کار شما خودنمایی است شما مردمی ستمگر بودید و هستید که سخت به فسق خوی گرفته اید (۵۳) و هیچ مانعی از قبول نفقات آنها نبود جز آنکه آنها به خدا و رسول او باطنا کافرند و به نماز نیابند جز بحال اکراه و کسالت و انفاق نکنند جز آنکه سخت در باطن کراهت دارند (۵۴) مبادا تو از کثرت اموال و اولاد آنها در شگفت آئی که آن چیزی مهم نیست خدا میخواهد آنها را به همان مال و فرزند در زندگانی دنیا به عذاب افکند و ساعت‌رگ نیز جان آنها را بگیرد در حالتی که از فرط علاقه و محبت دنیا کافر جان سپارند (۵۵) و آنها برای آنکه نفاق خود را پنهان کنند دائم به خدا قسم یاد میکنند که ما هم به راستی از شما مومنانیم یعنی هم عقیده و آئین شمایم و حال آنکه باطنا شما و هم عقیده شما نیستند و لیکن این قوم از قدرت اسلام می‌ترسند لذا در ظاهر اظهار مسلمانی میکنند (۵۶) اگر پناهگاهی یا سنگری در مغار کوه‌ها یا هر گریزگاهی بیابند که از تسلط مسلمانان ایمن باشند البته بدانجا با کمال تعجیل می‌گریزند (۵۷) و بعضی از آن مردم منافق در تقسیم صدقات بر تو اعتراض و خرده‌گیری کنند اگر بانها مال بسیار عطا کنی از تو رضایت داشته و الا سخت خشمگین شوند (۵۸) و چقدر بهتر بود اگر آنها بانچه خدا و رسول به آنها عطا کرد راضی بودند مانند مومنان حقیقی از منعم به نعمت نپرداخته و میگفتند که خدا ما را کفایت است او و هم رسولش از لطف عمیم بما همه چیز عطا خواهند کرد ما تنها به خدا مشتاقیم (۵۹) مصرف صدقات منحصرًا مختص به این هشت طایفه است فقیران و عاجزان و متصدیان اداء صدقات و برای تالیف قلوب یعنی برای متمایل کردن بیگانگان بدین اسلام و آزادی بندگان و قرض داران و در راه خدا یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا و براه درماندگان. این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداست بر صدقه که خدا بر تمام حکم و مصالح امور خلق آگاهست (۶۰) و بعضی از منافقان آنان هستند که دائم پیغمبر را می‌آزارند و چون عذر دروغ آنها بحلم خود می‌پذیرد می‌گویند او شخص ساده و زودباوری است بگو ای پیغمبر زودباوری من لطفی بنفع شماست رسول به خدا ایمان آورده و بمومنان هم اطمینان دارد و برای مومنان حقیقی شما وجودش رحمت کامل الهی است و برای آنها که رسول را آزار دهند از قهر حق عذاب دردناک مهیاست (۶۱) منافقان برای اغفال و خشنود کردن شما مومنان بنام خدا سوگند می‌خورند در صورتی که اگر ایمان داشتند سزاوارتر این بود که خدا و رسول را از خود خشنود کنند (۶۲) آیا نمی‌دانند که هر کس با خدا و رسولش به عداوت برخیزد از قهر خدا آتش دوزخکیفر دائمی اوست و این به حقیقت ذلت و خواری بزرگ است (۶۳) منافقان از آن روزی بترسند که خدا سوره‌ای بفرستد که آنچه درون ناپاک آنهاست بر آنها آشکار سازد ای رسول بگو اکنون تمسخر کنید که روز کیفر و رسوائی می‌رسد و خدا از آنچه می‌ترسید به سر شما خواهد آورد یعنی کفر پنهان شما را آشکار سازد تا رسوای دو عالم شوید (۶۴) و اگر از آنها بپرسند که چرا سخریه و استهزاء می‌کنید پاسخ دهند که ما به مزاح و مطایبه سخن رانیم ای رسول بگو به آنها آیا با خدا و آیات خدا و رسول خدا تمسخر می‌کنید؟ (۶۵) عذر نیاورید که عذرتان بکلی پذیرفته نیست که شما بعد از ایمان کافر شدید اگر از برخی نادانان و ساده لوحان شما در گذریم گروهی فتنه‌گر را نیز عذاب خواهیم کرد که مردمی بسیار زشت و بدکارند (۶۶) مردان و زنان منافق متفق با همدیگر و طرفدار یکدیگرند دست از نیکی کشیده و مردم را بکار بد و می‌دارند و از

کار نیکو منع میکنند و چون خدا را فراموش کردند خدا آنها را فراموش کرد یعنی بخود وا گذاشت تا از هر سعادت محروم شوند که در حقیقت بدترین زشتکاران عالم همان منافقانند (۶۷) خدا مرد و زن از منافقان و کافران را وعده آتش دوزخ و خلود در آن داده همانند دوزخ کیفر آنها کافی است و خدا آنها را لعن کرده و به عذاب ابد میافکند (۶۸) شما هم دنیا پرستید بمانند آنهائی که پیش از شما بودند در صورتی که پیشینیان از شما قوی تر و مال و اولادشان بیشتر بود بمتاع فانی دنیا دو روزی، بمانند شما متمتع بودند اکنون هم که نوبت بشما رسید از هلاک آنها فراموش کرده به تمتع دنیا بسهم خود مانند آنها سرگرم شدید شما هم در شهوات دنیا بمانند آنها فرو رفتید و شما هم به کیفر آنها میرسید آنان مردمی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت نابود و باطل گشت و هم آنان به حقیقت زیانکاران عالمند (۶۹) آیا اخبار پیشینیانمانند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و موفکات یعنی قوم شعیب و لوط به آنها نرسید که رسولان الهی آیات و معجزات آشکار بر آنها آوردند آنها نپذیرفتند و هلاک شدند آری خدا هیچ ستمی بر آنها نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم کردند (۷۰) مردان و زنان مومن همه یاور و دوستدار یکدیگرند خلق را بکار نیکو امر و از کار زشت نهی می کنند نماز بپا میدارند و زکات میدهند و حکم خدا و رسول را اطاعت میکنند آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و حکیم و درست کردار است و نیکان را البته به نعمت و رحمت ابد میرساند (۷۱) خدا اهل ایمان را از مرد و زن وعده فرموده که در بهشت خلد ابدی که زیر درختانش نهرها جاریست در آورد و در عمارات نیکوی بهشت عدن منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت مقام رضا و خشنودی خدا را به آنان کرامت فرماید و آن به حقیقت فیروزی بزرگ و سعادت ابد در دو عالم است (۷۲) ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت گیر بیش از این با آن عناصر فاسد و پلید حلم و مدارا مکن مسکن و ماوای آنها دوزخ است که بسیار منزلگاهی بد و دردناک خواهد بود (۷۳) منافقان قسم به خدا یاد میکنند که حرف کفر بر زبان نیاورده اند چنین نیست البته سخن کفر گفته و پس از اظهار اسلام کافر شدند و همت بر آنچه موفق بر آن نشدند گماشتند یعنی همت بر قتل رسول و اخراج او و هرگونه فساد در دین او گماشتند ولی موفق نشدند آنها به جای آنکه از آن بی نیازی که به فضل خدا و رسول نصیب آنها شد شکر گویند در مقام انتقام و دشمنی برآمدند اکنون هم اگر باز توبه کنند بر آنها بهتر است و اگر روی از خدا بگردانند آنها را خدا در دنیا و آخرت به عذاب دردناک قتل در دنیا و دوزخ در آخرت معذب خواهد فرمود و دیگر در همه روی زمین یک نفر دوست دار و یابوری بر خود نخواهند یافت (۷۴) بعضی از آنها اینگونه با خدا عهد بستند که اگر نعمت و رحمتی نصیب ما شد البته پیغمبر را تصدیق کرده و از نیکان میشویم (۷۵) و با این عهد باز چون فضل و نعمت خدا نصیب آنها گشت بر آن بخل ورزیدند و از دین روی گردانیده و از حق اعراض کردند (۷۶) در نتیجه این تکذیب و نقض عهد خدا هم دل آنها را ظلمتکده نفاق گردانید تا روزی که به کیفر بخل و مکر و کینه و اعمال زشت خود برسند (۷۷) آیا نمیدانند که خدا از باطن آنها و سخنان سری ایشان آگاهست البته خدا دانای غیب و عالم به اسرار پنهانی است (۷۸) آن کسانی که از فرط بخل و بدنفسی عیب جوئی میکنند بر آن مومنانی که از فرط سخاوت و علو همت علاوه بر واجبات به صدقات مستحب نیز فقیران را دستگیری میکنند همچنین مسخره میکنند مومنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم در راه خدا مضایقه نمیکنند خدا هم آنها را در مقابل تمسخر به مومنان البته مجازات میکند مومنان را رحمت ابد و بانها عذاب دردناک خواهد رسید (۷۹) ای پیغمبر تو بر آن مردم منافق خواهی طلب مغفرت بکن یا نکن هفتاد مرتبه هم بر آنها از خدا آمرزش طلبی خدا هرگز آنان را نخواهد بخشید زیرا آنها از راه فسق و سرکشی به خدا و رسول او کافر شدند و خدا فاسقان را هرگز هدایت نخواهد کرد (۸۰) آنهائی که خوشحالند که از حکم جهاد در رکاب رسول خدا تخلف ورزیدند و مجاهده بمال و جانشان در راه خدا بر آنان سخت ناگوار بود و مومنان را هم از جهاد منع کرده و به آنها می گفتند شما در این هوای سوزان از وطن خود بیرون نروید آنان را بگو آتش دوزخ بسیار سوزانتر از این هواست اگر می فهمیدید (۸۱) اکنون آنها باید خنده کم و گریه بسیار کنند که به مجازات سخت اعمال خود خواهند رسید (۸۲) پس اگر خدا تو را به سوی گروهی از آن متخلفان به مدینه

برگرداند و آنها به ملاقات تو آمده و اجازه جهاد خواهند بانها بگو اجازه نمیدهم ابا شما با من به جنگ نخواهید آمد و با هیچ کس از دشمنان من جهاد نخواهید کرد شما هستید که اول بار برای تخلفتان از سفر جهاد اظهار مسرت می کردید اکنون هم به جای خود بنشینید (۸۳) دیگر هرگز به نماز میت آن منافقان حاضر مشو و بر جنازه آنها بدعا مایست که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و در حال فسق و بدکاری مردند (۸۴) ای رسول از بسیاری اموال و اولاد آن منافقان تعجب مکن که خدا خواهد به آن مال و اولاد آنها را در دنیا معذب گرداند و جانشان را به حال کفر بستاند (۸۵) و هر گاه سوره ای نازل شد که امر بایمان بخدا و جهاد با رسول در راه دین خدا کرد ثروتمندان آن منافقان از حضور تو تقاضای معافی از جهاد کرده و گفتند ما را از معاف شدگان محسوب دار (۸۶) بدان راضی بودند که با آنان و کودکان و عجزه در خانه بنشینند و بجهد حاضر نشوند دلهای آنها نقش کفر و ظلمت گرفت تا دیگر هیچ درک حقایق نمودند (۸۷) اما رسول و مومنان اصحابش که بمال و جانشان در راه خدا جهاد کردند همه خیرات دو عالم و نیکوئیها مخصوص آنها است و هم آنان سعادت‌مندان عالمند (۸۸) خدا بر آنها باغهایی که بزیر درختانش نهرها جاری است مهیا فرموده که در آن تا ابد متنعم باشند و این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگست (۸۹) گروهی از اعراب بادیه که نزد تو آمده و عذر میاورند که اجازه معافی از جهاد یابند و گروهی که تکذیب خدا و رسول را کرده و از جهاد بازنشستند کافران از این دو طایفه بزودی به عذاب دردناک خواهند رسید (۹۰) بر ناتوانان و بیماران و فقیران که خرج سفر و نفقه عیال خود را ندارند تکلیف جهاد نیست هر گاه آنها هم به راه رضای خدا و رسول خلق را نصیحت و هدایت کنند که این کار نیکوست و بر نیکوکاران عالم از هیچ راه حرج و زحمتی نیست و خدا بر آنان آمرزنده و مهربانست (۹۱) همچنین بر آن مومنانی که مهیای جهاد شده و نزد تو آیند که زاد و لوازم سفر آنها را مهیا سازی و تو پاسخ دهی که من مالی که به شما مساعدت کنم ندارم و آنها برمی گردند در حالی که از شدت حزن اشک از چشمانشان جاریست که چرا نمیتوانند مخارج سفر خود فراهم سازند بر آنها هم حرج و گناهی بر ترک جهاد نیست (۹۲) منحصرآ گناه و عقوبت آنها راست که با وجود تمکن و دارائی از تو رخصت معافیتاز جنگ می طلبند و خوش دارند که با آنان و کودکان در خانه بنشینند و به جهاد حاضر نشوند و خدا بر دل آنها نقش کفر و ظلمت زده که هیچ از حقایق درک نکنند (۹۳) وقتی که شما از جنگ سالم و فاتح به سوی آنها برمیگردید آنها از تخلف خود پشیمان شده و به عذرهای بیجا میپردازند بانها پاسخ ده که گفتار کوه کنی که ما هرگز باین عذر تراشیدها تصدیق شما نکنیم خدا حقیقت حال شما را بر ما روشن گردانید و بزودی خدا و رسولش کردار و نفاق شما را بدیده ها آشکار میسازد تا نزد مومنان رسوا شوید آنگاه بسوی خدائی که دانای غیب و شهود است باز میگردید که شما را به کیفر کردارتان برساند (۹۴) چون شما بسوی آنها باز گردید قسمهای موکد بخدا برای شما یاد کنند که از تخلف آنها چشم پوشی کنید فریب آنها را مخورید و از آنها اعراض کنید که مردمی پلیدند و به موجب کردار زشت خود به آتش دوزخ ماوی خواهند یافت (۹۵) آن مردم منافق برای اینکه شما از آنها راضی شوید قسمهای بیجا میکنند پس اگر شما مومنان هم فریب قسمهای دروغ آنها را خورید و از آنها راضی شوید خدا هرگز از آن گروه فاسق راضی نخواهد شد (۹۶) اعراب بادیه نشین در کفر و نفاق از دیگران سختتر و به جهل و نادانی احکامخدا سزاوار ترند و خدا باحوال خلق دانا و به مصالح هر حکمی که کند آگاهست (۹۷) و برخی از اعراب مردمی منافقند که مخارجی را که در راه جهاد دین میکنند بر خود ضرر و زبانی می پندارند و برای شما مسلمین مترصد حوادث و عواقب ناگوارند و حال آنکه عواقب و حوادث بد بر آنها خواهد بود بر شما و خدا به سخنان زشت آنها شنوا و به نیات پلید آنها آگاهست (۹۸) و برخی دیگر از همان اعراب بادیه نشین ایمان واقعی به خدا و قیامت آورده و آنچه در راه خدا اتفاق میکنند موجب تقرب نزد خدا و دعای خیر رسول دانند آری آگاه شوید که اتفاق آنها موجب قرب خداست و البته خدا آنان را در سرای رحمت خود بهشت ابد داخل میگرداند که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۹۹) آنانکه در صدر اسلام سبقت بایمان گرفتند از مهاجر و انصار و در دین ثابت ماندند و آنانکه بطاعت خدا پیروی آنان کردند از سایر امت تا روز قیامت خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا و خدا بر همه آنها بهشتی که از زیر درختانش

نهرها جاریست مهیا ساخته که در آن بهشت تا ابد متعمم باشند و این به حقیقت سعادت بزرگ است (۱۰۰) آگاه باشید که بعضی از اعراب اطراف مدینه منافقند و با شما مسلمین خدعه میکنند و بعضی اهل شهر مدینه هم منافق و بر نفاق ماهر و ثابتند و شما از نفاقشان آگاه نیستید ما بر سریرت ناپاک آنها آگاهیم و آنان را دو بار عذاب میکنیم یعنی در دنیا قبل از مرگ و در برزخ بعد از مرگ و عاقبت هم به عذاب سخت ابدی دوزخ باز میگردند (۱۰۱) و بعضی دیگر آنها به گناه نفاق خود اعتراف کردند که عمل صالح و فعل قبیح هر دو بجای آوردند امید باشد که خداوند توبه آنان بپذیرد که البته خدا آمرزنده و مهربانست (۱۰۲) ای رسول ما تو از مومنان صدقات را دریافت دار تا بدان صدقات نفوس آنها را از پلیدی و حب دنیا پاک و پاکیزه سازی و آنها را بدعای خیر یاد کن که دعای تودر حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا بدعای مخلصان شنوا و بمصالح مومنان داناست (۱۰۳) آیا مومنان هنوز ندانسته اند که محققا خدا توبه بندگان را می پذیرد و خدا صدقه آنها را قبول می فرماید و البته خدا بسیار از تائبان توبه پذیر و بر خلق مهربان است (۱۰۴) و ای رسول ما بگو بخلق که هر عمل کنید نیک یا بد خدا آن عمل را می بیند و هم رسول و مومنان بر آن آگاه میشوند آنگاه بسوی خدائی که دانای عوالم غیب و شهود است باز خواهید گشت تا شما را بجزاء نیک و بد اعمالتان برساند (۱۰۵) برخی دیگر از گناهکاران آنهایی هستند که کارشان بر مشیت خدا موقوفست یا به عدل آنان را عذاب کند و یا بلطف و کرم از گناهشان درگذرد و خدا به صلاح خلق دانا و به حکمت نظام آفرینش آگاهست (۱۰۶) آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان به اسلام برپا کردند که خلق به مسجد پیغمبر و نماز او حاضر نشوند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسمهای موکد یاد میکنند که ما در بنای این مسجد جز قصد خیر و توسعه اسلام غرضی نداریم خدا گواهی میدهد که محققا دروغ میگویند (۱۰۷) تو ای رسول ما هرگز در مسجد آنها قدم نگذار که همان مسجد قبا که به نیایش از اول بر پایه تقوای محکم بنا گردیده بر اینکه در آن اقامه نماز کنی سزاوار تو است که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند نه منافق مردم و خدا مردان پاک مذهب را دوست میدارد (۱۰۸) آیا کسی که مسجدی به نیت تقوی و خداپرستی تاسیس کرده و رضای حق را طالب استمانند کسی است که بنائی سازد بغرض کفر و نفاق و تفرقه کلمه در اسلام بر پایه سستی در کنار سیل که زود بویرانی کشد و عاقبت آن بنا از پایه به آتش دوزخافتد؟ این حال بنای نفاق و ظلم و ستم است و خدا هرگز ستمکاران را به هیچراه سعادت هدایت نخواهد فرمود (۱۰۹) بنیانی که آنها بر کفر بنا کردند دل‌های ایشان را همیشه بحیرت و شک و ریب افکند تا آنکه از آن یا به مرگ یا بتوبه دل برکنند و خدا به اسرار خلق دانا و بدقایق امور عالم آگاهست (۱۱۰) خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد میکنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در سه دفتر آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفا تر بعهد کیست؟ ای اهل ایمان شما بخود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگی است (۱۱۱) بدانید که از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر نعمت گزاران، روزه داران، نماز با خضوع گزاران، امر بمعروف و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی همه اهل ایمانند و مومنان را ای رسول ما به هر اجر و ثواب و سعادت بشارت ده (۱۱۲) پیغمبر و گرویدگان باو نباید برای مشرکان هر چند خویشان آنها باشند از خدا آمرزش طلبند و رقت بحال آنها کنند بعد از آنکه آنها را اهل دوزخ شناختند (۱۱۳) ابراهیم هم که برای پدرش یعنی عمش از خدا آمرزش خواست این نبود مگر به موجب عهدی که با او کرده بود که ایمان آورد چون بر او محقق شد که دشمن خداست از او بیزار است که ابراهیم شخصی بسیار بردبار و خداترس بود (۱۱۴) خدا بعد از آنکه قومی را هدایت کرد دیگر گمراه نکند تا بر آنها آنچه را باید پرهیزند از موجبات ضلالت معین و روشن بیان کند که خدا محققا بهمه چیز داناست (۱۱۵) محققا و منحصر خدا مالک آسمانها و زمین است و او خلق را زنده کند و بمیراند و شما بندگان و همه جهانیان را جز خدا نگهدار و یار و یاور نخواهد بود (۱۱۶) خدا بر پیغمبر و شما امت و اصحابش از مهاجر و انصار که در ساعت سختی که نزدیک بود دل‌های فرقه ای از آنها از رنج و تعب بلغزد در

سختیهای جنگ تبوک و غیره و آنها پیروی از رسولش کردند باز لطف فرمود و از لغزشهایشان درگذشت که او درباره رسول و مومنان به یقین مشفق و مهربانست (۱۱۷) و بر آن سه تن فرا و هلال و کعب که از توبه یا از جنگ تبوک تخلف ورزیدند تا آنکه زمین با همه پهناوری بر آنها تنگ شد و بلکه از خود دلنگ شدند و دانستند که از غضب خدا جز بطف او ملجا و پناهی نیست پس خدا بر آنها باز لطف فرمود توفیق توبه داد تا توبه کنند که خداوند بسیار توبه پذیر و در حق خلق مشفق و مهربان است (۱۱۸) ای اهل ایمان خداترس باشید و از مردم دروغگوی منافق دوری کنید و با مردان راستگوی باایمان بیبوندید (۱۱۹) اهل مدینه و بادیه نشینان اطرافش نباید هرگز از فرمان پیغمبر تخلف کنند و نه هرگز بر خلاف میل او میلی از خود اظهار کنند تا آنکه بعوض اطاعتشان هیچ رنجشنگی و گرسنگی و خستگی در راه خدا نکشند و هیچ قدمی که کفار را خشمگین کند برندارند و هیچ دستبردی به دشمنان نرسانند جز آنکه در مقابل هر یک از این رنج و آلام عمل صالحی در نامه اعمالشان نوشته شود که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت (۱۲۰) و هیچ مالی کم یا زیاد در راه خدا انفاق نکنند و هیچ وادیی نیمایند جز آنکه در نامه عمل آنها نوشته شود تا خداوند بسیار بهتر از آنچه کردند اجر به آنها عطا فرماید (۱۲۱) هنگامی که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد نباید مومنان همگی بیرون رفته و رسول را تنها گذارند بلکه چرا از هر طایفه ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند؟ تا آن علمی که آموخته اند بروند بقوم خود بیاموزند که قومشان هم باشد که خداترس شده و از نافرمانی خدا حذر کنند (۱۲۲) ای اهل ایمان با کافران از هر که با شما نزدیکتر است شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درستی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند تا از سپاه اسلام بیمناک شوند و شما مومنان هیچ گاه نترسید و بدانید که خدا همیشه یار پرهیز کاران است (۱۲۳) و هر گاه سوره ای از نزد خدا نازل شود برخی از همین منافقان اشخاصی هستند که از روی انکار بدیگران میگویند این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ بلی آنانکه به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و بشارت و سرور بخشید (۱۲۴) و اما آنانکه دلهاشان بمرض شک و نفاق مبتلاست هم بر خبث ذاتی آنها خبثاتی افزود تا بحال کفر جان دادند (۱۲۵) آیا منافقان نمی بینند که آنها در هر سالی یکبار یا دو بار البته امتحان میشوند باز هم از کردار زشت خود پشیمان نشده و خدا را یاد نمیکنند (۱۲۶) و هر گاه سوره ای نازل شود بعضی از آنها به بعضی دیگر از راه تمسخر و انکار اشاره کرده و گویند آیا شما را کسی از مومنان در محضر پیغمبر دیده و شناخته یا نه؟ اگر ندیده برخیزید تا این سوره را نشنیده زود برویم آنگاه همه برمی گردند خدا دلهاشان را برگرداند و از نور ایمان محروم سازد که مردمی بسیار بی شعور و نادانند (۱۲۷) همانا رسولی از جنس شما نوع بشر یا قوم عرب برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت میاید و بر آسایش و نجات شما بسیار حریص و به مومنان رئوف و مهربانست (۱۲۸) پس ای رسول هر گاه مردم مقام تو را نشناخته و از تو رو گردانیدند بگو خدا مرا کفایت است که جز او خدائی نیست من بر او توکل کرده ام که خدای جهان و رب عرش بزرگ و دارای رحمت وسیع و علم محیط به عوالم بیحد اوست (۱۲۹)

یونس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الر از اسرار وحی الهی است اینست آیات الهی که بحق و راستی گویاست (۲) آیا مردم تعجب کردند از اینکه ما یکی از افراد آنها را بوحی و رسالت خود برگزیدیم و گفتیم که برو و خلق را از عذاب قیامت بترسان و مومنان را به رحمت خدا بشارت ده که برآستی مقامشان نزد خدا رفیع است چون رسول خدا محمد (ص) بوحی خداسخن گفت کافران در مقام انکار برآمده و گفتند این شخص ساحر توانائست و قرآنش سخنانی سحرانگیز است (۳) خالق و پروردگار شما بحقیقت خداست که طبق صلاح و نظام خلقت جهان را از آسمانها و زمین در شش روز یعنی مقدار زمان شش روز یا شش مرتبه وجودی خلق فرمود آنگاه ذات مقدسش بر عرش توجه کامل فرمود و امر آفرینش را نیکو ترتیب داد هیچ کس شفیع و واسطه جز به رخصت او نخواهد

بود چنین دانا خدائی به حقیقت پروردگار شماسست او را بیگانگی پرستید چرا متذکر اوصاف الهی نمیشوید (۴) بازگشت شما همه بسوی او خواهد بود این به حقیقت وعده خداست که او در اول خلق را بیافرید و آنگاه بسوی خود برمیگرداند تا آنان را که ایمان آورده و عمل صالح کردند بعدل و احسان ثواب و جزاء خیر دهد و آنان را که کافر شدند به کیفرشان به شرابی از حمیم دوزخ و عذابی دردناک معذب گرداند (۵) اوست خدائی که آفتاب را رخشان و ماه را تابان فرمود و سیر ماه را در منازل معین کرد تا بدین واسطه شماره سنوات و حساب ایام را برای امر معاد و نظم معاش خود بدانید اینها را خدا جز بحق و مصلحت نظام خلق نیافریده و بازچه نشاید پنداشت خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت مفصل بیان خواهد کرد (۶) به حقیقت در رفت و آمد شب و روز بلکه در هر چیزی که خدا در آسمانها و زمین خلق فرموده برای اهل خرد و تقوی علامت و نشانه های قدرت خدا پدیدار است (۷) البته آنهایی که به آخرت معتقد نشدند بقاء ما دل نبسته و امیدوار نیستند و بزندگی حیوانی پست دنیا دلخوش و دل بسته اند و آنهایی که از آیات و نشانه های علم و قدرت ما غافلند (۸) هم اینان هستند که عاقبت بکردار زشت خود که فسق و جمع مال و آمال دنیاست در آتش دوزخ ماوی گیرند (۹) آنانکه ایمان بخدا آورده و نیکو کار شدند خدا بسبب ایمان آنها را براه سعادت و طریق بهشت رهبری کند تا به نعمتهای ابدی بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاریست متنعم گردند (۱۰) و در آن بهشت زبان شوق به تقدیس خدا گشایند که بار الها تو از هر نقص و آلیشپاک و منزهی و ثنای آنها در بهشت جسم و جانشان را از هر رنج و درد و غم و حسرت سلامت ابدی می بخشد و آخرین سخنشان ذکر اوصاف پروردگار عالمیان است (۱۱) و اگر خدا بعقوبت عمل زشت مردم و دعای شری که در حق خود میکنند بمانند خیرات تعجیل میفرمود مردم همه محکوم مرگ و هلاک میشدند و لیکن ما آنان را که منکر معاندند و بلقای ما امیدوار نیستند بهمان حال کفر و طغیان برای آزمایش مهلت میدهیم (۱۲) و هر گاه آدمی به رنج و زیانی درافتد همان لحظه بهر حالت باشد از نشسته و خفته و ایستاده فورا ما را بدعا میخواند آنگاه که رنج و زیانش برطرف شود باز به حال غفلت و غرور چنان باز میگردد که گوئی هیچ ما را برای دفع ضرر و رنج خود نخوانده همین کفران و غفلت است که اعمال زشت تبه کاران را در نظرشان زیبا نموده است (۱۳) و ما اقوام و مللی را پیش از شما مانند قوم نوح و فرعون و عاد و ثمود و غیره را به کیفر ظلمشان سخت بدست هلاک سپردیم و با آنکه پیمبرانی با آیات و معجزاتیر آنها آمد باز لجاجت و عناد ورزیدند و هیچ ایمان نیاوردند ما هم اینگونه مردم عنود زشت بدعمل را بکیفر میرسانیم (۱۴) سپس ما بعد از هلاک آنها، شما را در زمین جانشین کردیم تا بیازمائیم و بنگریم که تا با خویش چه عمل خواهید کرد (۱۵) و هر گاه آیات روشن ما بر خلق تلاوت شود منکران معاد که امیدوار بقاء ما نیستند برسول ما اعتراض کرده و گفتند که اگر تو رسولی قرآنی غیر از این هم بیاوریا همین را به قرآن دیگر مبدل ساز: ای رسول ما پاسخ آنها را بگو مرا نرسد که از پیش خود قرآن را تبدیل کنم این عصیانست و من اگر عصیان پروردگار کنم از عذاب روز قیامت سخت میترسم زیرا تغییر و تبدیل کلام خدا گناه بزرگ است (۱۶) بگو ای رسول اگر خدا نخواستی هرگز بر شما تلاوت این قرآن نمی کردم و شما ربه احکام و حقایق آن آگاه نمیساختم من عمری از این پیش میان شما آیستم که دعوی رسالت نداشتم آیا اکنون که برسالت آمدم در این قرآن که معجز و دلیل مستعقل و فکرتان را کار نمی بندید تا بدانید که این کتاب وحی خداست و بزرگ رحمت خدا بر خلق است (۱۷) پس با این دلیل تکذیب حق مکنید که ستمکارتر از آنکه به خدا نسبت دروغ دهد و آیات خدا را تکذیب کند هیچکس نیست و البته ستمکاران را هرگز فلاح و رستگاری نخواهد بود (۱۸) و این مردم نادان بت هائی را به غیر خدا پرستش میکنند که آن بتان بانها هیچضرر و نفعی نمی رسانند و میگویند که این بتان شفیع ما نزد خدا هستند جماد بیحس و شعوری که شما و خیالات باطل شما بافته چگونه شفیع شما تواند بود. ای رسول ما باینان بگو شما به دعوی شفاعت بتها میخواهید خدا را یادآور سازید به چیزی که خدا در همه آسمانها و زمین علم بدان ندارد یاد دهید؟ خدا از این نسبت و از آنچه شریک و شفیع او قرار میدهید منزه و برتر است (۱۹) مردم در فطرت توحید یک طایفه بیش نبودند پس از آن فرقه فرقه شدند و بانواع شرک و دینهای باطل گرویدند و اگر کلمه ای که در ازل از حق سبقت یافته که برای

آزمایش مهلت یابند نبود البته اختلافاتشان خاتمه یافته و حکم بهلاکت کافران داده میشد (۲۰) منکران رسول گویند چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدا نیامد که قهرا مردم مطیع شوند پاسخ ده که دانای غیب و دانا بصلاح عالم خداست اینک بر انکارتان شما کافران منتظر عذاب خدا باشید منمهم با شما منتظر نصرت او میباشم (۲۱) ما هر گاه بر آدمی بعد از آنکه او را رنج و زیانی رسید رحمتی فرستیم و بعد از آنکه بجهل و بدبختی افتادند بواسطه انبیاء و معلمین الهی نجاتشان دادیم آیا در این صورت باید برای محو آیات و رسولان حق مکر و سیاست بکار برند؟ ای رسول ما بگو مکر و سیاست الهی کاملتر و سریعتر است که رسولان ما فرشتگان قوای عالم مکرهای شما را بر زیان شما خواهند نوشت (۲۲) خدا را یاد کنید که اوست آنکه شما را در بر و بحر سیر میدهد تا آنگاه که در کشتی نشینید و باد ملایمی کشتی را بحرکت آورد و شما شادمان و خوشوقت باشید که ناگاه باد تندی بوزد و کشتی از هر جانب به امواج خطر درافتد و خود را در ورطه هلاکت ببینید آن زمان خدا را به اخلاص و دین فطرت بخوانید که بار الها اگر ما را از این خطر نجات بخشی دیگر همیشه از کفر و عصیان دست کشیده شکر و سپاس تو خواهیم کرد (۲۳) پس از آنکه ما از غرق نجاتشان دادیم باز در زمین بناحق ظلم و ستمگری آغاز کننمای مردم بدانید شما هر ظلم و ستم کنید منحصر بنفس خویش کنید در پی متاع فانی دنیا آنگاه در آخرت که بسوی ما باز میگردید شما را بانچه از نیک و بد کرده اید آگاه میسازیم و هر کس را بکیفر خود می‌رسانیم (۲۴) محققا در مثل زندگانی دنیا به آبی ماند که از آسمانها فرو فرستادیم تا بدان باران انواع مختلف گیاه زمین از آنچه آدمیان و حیوانات تغذیه کنند بروید تا آنگاه که زمین از خرمی و سبزی بخود زیور بسته و آرایش کند و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند که ناگهان فرمان ما به شب یا روز دررسد و آن همه زیب و زیور زمین را دور کند و زمین چنان خشک شود که گوئی دیروز در آن هیچ نبوده این حقیقت حال فنای دنیاست اینگونه خدا آیاتش را با مثال روشن برای اهل فکر بیان میکند (۲۵) و خدا همه خلق را بسر منزل سعادت و سلامت میخواند و هر که را میخواهد بلطف خاص خود براه مستقیم هدایت میکند (۲۶) مردم نیکوکار به نیکوترین پاداش عمل خود و زیادت لطف خدا نائل شوند و هر گز بر رخسار پاکشان گرد خجلت و ذلت ننشینند و آنان هم اهل بهشت و در آنجا تا ابد متنعمند (۲۷) و کسانی که مرتکب اعمال بد شدند بقدر همان اعمال زشت مجازات شوند و بخواری و رسوائی درافتند و نگهبانی از عذاب خدا نیابند گوئی روی سیاه آنها قطعه ای از شب ظلمانیست آنان در اثر ظلم و بدکاری خودشان اهل آتش دوزخ و در آن همیشه معذبند (۲۸) و ما روزی همه خلق را در قیامت جمع آریم آنگاه بمشركان با قهر و عتاب گوئیم شما و بتهااتان در مکان خود بایستید سپس میانشان جدائی افکنیم و بتان و سایر معبودان باطل زبان گشوده و گویند شما مشركان هر گز ما را پرستش نکریدید یعنی پرستش شما ما را بی اثر و باطل و از روی هوا و هوس دنیوی بود و امروز همه آن اوهام نابود گشت پس گوئی هیچ ما را نپرستیده اید یا آنکه ما از پرستش شما بیخبر و یا ناراضی بودیم و امروز برای شما شفاعتی و عذری نتوانیم خواست (۲۹) پس در این ادعا شهادت و حکم خدا میان ما بتان و معبودان باطل و شما بت پرستان کفایت کند که ما از پرستش شما غافل بودیم (۳۰) در آن روز قیامت هر شخصی جزاء اعمال نیک و بدی که پیش از این کرده خواهد دید و همه بسوی معبود و مولای حقیقی خود باز میگردند و خدایان باطل که بدروغ می بستند همه محو و نابود شوند (۳۱) ای رسول ما مشركان را بگو کیست از آسمان و زمین بشما روزی میدهد و کیست که فرمانش عالم آفرینش را منظم میدارد تا همه مشركان معترف شده و گویند قادر بر این امور تنها خدای یکتاست پس بانها بگو چرا از خدا رو به خلق کرده و خدانشناس و خدا ترس نمیشوید (۳۲) چنین خدای قادر یکتائی براستی پروردگار شماست و بعد از بیان این راه حق و خدانشناسی چه باشد غیر گمراهی پس شما از راه حق و حقیقت بکجا میروید؟ (۳۳) همچنین حکم شقاوت و کلمه عذاب را فاسقان استحقاق یافتند که با این دلیل روشن و برهان واضح باز ایمان نمیآورند (۳۴) ای رسول بگو که آیا هیچ یک از بتان و خدایان باطل شما بر این کار قادر است که در آغاز خلق را بیافریند و سرانجام بر گرداند بگو تنها خدای یکتاست که در اول خلاق را خلق کرده آنگاه همه را بسوی خود باز میگرداند پس شما مشركان بر این خدای قادر متعال چرا بشرک دروغ می بندید؟ (۳۵) باز بگو آیا هیچ یک از شرکار

شما مشرکان کسی را براه حق هدایت تواند کرد بگو تنها خداست که خلق را براه حق و طریق سعادت هدایت میکند آیا آنکه خلق را براه حق رهبری میکند سزاوار به پیروی است یا آنکه نمیکند؟ مگر آنکه خود بهدایت خدا هدایت شود پس شما مشرکان را چه شده که آنقدر بیخرد و نادانید که بتان را راهنما دانید و چگونه چنین قضاوت باطل برای بتها میکنید (۳۶) و اکثر این مردم الا- از خیال و گمان باطل خود از چیزی پیروی نمی کنند در صورتی که گمان و خیالات موهوم کسی را بی نیاز از حق نمیگرداند و به علم یقین نمیرساند و خدا بهر چه این کافران میکنند آگاهست (۳۷) و این قرآن عظیم نه بدان پایه از فصاحت و جامعیت است که کسی جز به وحی خداوند دریافت لیکن علاوه بر آنکه بمعجزه بر حق بودن خود گواه است سایر کتب آسمانی را نیز به وحی تصدیق میکند و کتاب الهی را بتفصیل بیان میکند که بی هیچ شک نازل از جانب خدای عالمست (۳۸) آیا کافران میگویند قرآن را محمد (ص) بافته است ای رسول ما بگو اگر راست میگوئید که این قرآن وحی خدا نیست شما خود و هم از هر کس نیز میتوانید کمک بطلبید و یک سوره مانند قرآن بیاورید (۳۹) این منکران از روی علم سخن نمیگویند بلکه انکار چیزی را میکنند که علمشان به او احاطه نیافته و حقیقت و باطن آن را درک نکرده اند پیشینیان هم که رسل و آیات خدا را تکذیب میکردند مردمی ستمگر و بی علم مانند اینها بودند ای رسول بنگر عاقبت کار ستمکاران عالم بکجا کشید و چگونه همه هلاک شدند؟ (۴۰) برخی از مردم بقرآن ایمان میاورند و برخی نمی آورند تو تبلیغ رسالت کن و غممدار که خدای تو حال بد اندیشان و جزاء آنها را بهتر میداند (۴۱) اگر تو را تکذیب کردند دلتنگ مشو بگو عمل من برای من و عمل شما از شما هر کس جزاء خود را خواهد یافت شما بری از کردار نیک من هستید و من بیزار از کردار زشت شما (۴۲) برخی از این منکران چون قرائت قرآن کنی بظاهر گوش کنند ولی بمعنی نمیشنوند آیا تو کران را که هیچ عقل و ادراکی هم ندارند از کلام خدا توانی چیزی به آنها بشنوانی؟ (۴۳) و برخی از منکران هنگام تلاوت قرآن بچشم ظاهر در تو مینگرند ولی بمقام باطن و پی نمیرند آیا تو کوران را که بیاطن هیچ نمی بینند هدایت توانی کرد؟ (۴۴) خدا هرگز به هیچکس ستم نخواهد کرد ولی مردم خود در حق خویش ستم میکنند (۴۵) و روزی که همه خلائق بعرضه محشر جمع آیند گویا در دنیا ساعتی از روز بیش درنگ نکرده اند در آن روز یکدیگر را کاملاً میشناسند آن روز آنانکه لقای خدا را انکار کردند بسیار زیانکارند و هرگز بسر منزل سعادت راه نمی یابند (۴۶) و اگر ما بعضی از عقاب آن منکران را که وعده کردیم در حیات دنیا بتو نشان دهیم تا بتاخیر افکنده و بیشتر از عقاب آنها قبض روح تو کنیم باز مرجع آنان در قیامت بسوی ماست در آن روز هم خدا به اعمال و جزاء آنها آگاهست (۴۷) و برای هر امتی رسولی است که هر گاه رسول آنها آمد و حجت بر آنان تمام شد برای مومن و کافر حکم بعدل شود و بر هیچکس در کیفر و پاداش ستم نخواهد شد (۴۸) و کافران می گویند ای رسول و ای مومنان پس این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما راست میگوئید (۴۹) ای رسول پاسخ ده که من مالک نفع و ضرر خود نیستم تا چه رسد بدیگران مگر هر چه خدا خواهد، برای هر امتی اجل معینی است و روز مرگی از جانب خدا که چون فرا رسد ساعتی دیر و زود نگردد و روز مرگ، اول روز وعده های قیامت استو آن را خدا میداند (۵۰) بگو مرا خبر دهید که اگر شب که در خوابید یا روز که بکسب و کارید ساعت عمرتان سرزید و عذاب خدا فرا رسد چه راه مفری دارید چرا گناهکاران بجای توبه عذاب را بتعجیل میطلبند (۵۱) آیا آنگاه که عذاب واقع شد باو ایمان می آورید؟ در صورتی که آن زمان که مرگ فرا رسد دیگر ایمان بی اثر است و گفته شود الان ایمان آوردید و بجزع و توبه برخاستید و حال آنکه قبلش از راه تمسخر عذاب را بتعجیل میخواستید (۵۲) آنگاه به ستمکاران گویند بچشید عذاب ابدی را آیا این عذاب جز نتیجه اعمال زشت شماست؟ (۵۳) ای رسول ما از تو کافران میپرسند که آیا این قرآن و رسالت و وعده ثواب و عقاب آخرت بر حق است بگو آری قسم بخدای من که البته همه وعده ها حق است و شما از آن هیچ مفری ندارید (۵۴) و اگر در آن روز مردم ستمکار مالک روی زمین باشند آرزو کنند که همه دارائی خود را فدا دهند تا مگر خویشتن از عذاب برهاند و نتوانند و چون عذاب را مشاهده کنند حسرت و پشیمانی خود را پنهان دارند که شماتت از مردم نکشند و در حق آنها حکم عقاب بعدل شود و در کیفرشان هیچ ستمی نخواهد شد (۵۵) مردم آگاه باشید که هر

چه در آسمانها و زمین است ملک خداست و هم آگاه باشید که وعده ثواب و عقاب بهشت و دوزخ خدا همه حق محض است ولی اکثر خلق از آن آگاه نیستند (۵۶) خداست که مرده را زنده میکند و زنده را میمیراند و باز همه بسوی او باز میگردید (۵۷) ای مردم عالم نامه ای که همه پند و اندرز و شفای دل‌های شما و هدایت و رحمت بر مومنان است از جانب خدا برای سعادت و نجات شما آمد (۵۸) ای رسول بخلق بگو که شما باید منحصر بفضل و رحمت خدا شادمان شوید و بنزول قرآن مسرور باشید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که بر خود اندوخته میکنید (۵۹) باز بگو بمشركان عرب که آیا رزقی که خدا برای شما فرستاده و حلال فرموده شما از پیش خود بعضی را حرام و بعضی را حلال میکنید؟ با من بگوئید آیا این به دستور خداست یا بحق افترا می بندید؟ مقصود بحیره و سائبه و وصیله و حام است که مشركان بر خود حرام کردند (۶۰) آنانکه بر خدا دروغ می بندند مگر چه گمان دارند به روز قیامت مگر از انتقام حق در آن روز نمیترسند البته خدا را با بندگان فضل و احسان بسیار است ولی اکثر مردم ناسپاسند و شکر احسان حق نمیکنند (۶۱) ای رسول ما بدان که تو در هیچ حال نباشی و هیچ آیه از قرآن تلاوت نکنی و به هیچ عملی تو و امت وارد نشوید جز آنکه ما همان لحظه شما را مشاهده میکنیم و هیچ ذره ای در همه زمین و آسمان از خدای تو پنهان نیست و کوچکتر از ذره و بزرگتر از آن هر چه هست همه در کتاب مبین حق و لوح علم الهی مسطور است (۶۲) آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی از حوادث آینده عالم و هیچ حسرت و اندوهی از وقایع گذشته جهان در دل آنها نیست (۶۳) بحقیقت آنان اهل ایمان و خدا ترسند (۶۴) آنها را از خدا پیوسته بشارت است هم در حیات دنیا بمکاشفات در عالم خواب و هم در آخرت بنعمتهای بهشت سخنان خدا را تغییر و تبدیلی نیست که این فیروزی بزرگ نصیب دوستان خدا است (۶۵) ای رسول ما غم مخور و سخن منکران خاطرت را غمگین نسازد هر عزت و اقتداری مخصوص خداست و او بهمه گفتار خلق شنوا و بهمه احوال بندگان داناست (۶۶) آگاه باش که هر چه در همه آسمانها و زمین است ملک خداست و آنچه را مشركان از غیر خدا پیروی میکنند گمان باطلی بیش نیست و جز آنکه دروغی به خیال خود بافند کاری ندارند (۶۷) او خداوندیست که شب تار را برای آسایش و روز روشن را برای امر معاش مقرر فرمود که در آن نشانه های قدرت خدا برای مردمی که سخن حق را بشنوند پدیدار است (۶۸) کافران قائل شدند که خدا فرزندی اتخاذ کرده چنین نیست او منزّه است و هم بی نیاز که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و شما کافران و مشركان که برخدا فرزند قائلید بر قول خود هیچ دلیلی ندارید آیا بی دلیل و از روی جهالت نسبت بخدا چنین دروغ سخن میگوئید؟ (۶۹) بگو ای رسول ما که هرگز آنان که بخدا چنین نسبت دروغی دهند نجات و رستگاری ندارند (۷۰) این گفتار باطل همه برای طمع متاع دنیاست سپس مرگ که فرا رسد مرجعشان بسوی ما خواهد بود تا آنها را عذابی سخت بکیفرشان بچشانیم (۷۱) ای رسول حکایت نوح را بر اینان بازگو که به امتش گفت ای قوم اگر شما بر مقام رسالت و اندرز من بایات خدا تکبر و انکار دارید و در مقام حسد و آزار من برمیایید من تنها بخدا توکل میکنم و از شر شما باو پناه میبرم شما هم باتفاق بتان و خدایان باطل خود هر مکر و تدبیری بر آزار من دارید انجام دهید تا امر بر شما پوشیده نباشد و درباره من هر مکر و اندیشه باطل دارید بکار برید (۷۲) پس هر گاه شما از حق روی گردانیده و نصیحت مرا نپذیرفتید من از شما اجری نخواسته بلکه همه اجر رسالت من بر خداست و من خود از جانب حق مامورم که از اهل اسلام بوده و تسلیم حکم او باشم (۷۳) قوم نوح با وجود آن همه نصایح و ادله و آیات باز نوح را تکذیب کردند و در مقام هلاکش برآمدند ما او و پیروانش را در کشتی نجات آورده و خلفای روی زمین قرار دادیم و آنانکه آیات ما را تکذیب کردند همه را به طوفان هلاک غرق کردیم بنگر تا عاقبت اندازشدگان یعنی امتی که اندرز رسولان را نشنیدند از قهر خدا بکجا کشید (۷۴) آنگاه بعد از نوح پیغمبرانی را مانند ابراهیم و هود و لوط و شعیب و غیره با آیات و معجزات به امتانشان فرستادیم آنها هم همان آیتاتی را که پیشینیان تکذیب کردند باز از جهل و عناد تکذیب کرده و ایمان نیاوردند و چنین ما هم بر دل‌های تاریک سرکشان مهر قهر و عذاب برنهمیم (۷۵) آنگاه بعد از آن رسولان موسی و هارون را به سوی فرعون و اشراف مملکت او فرستادیم آنها هم تکبر کردند و مردمی تبه کار بودند (۷۶) و چون رسول حق با معجزات و آیات از جانب ما بر آنها آمد آیات و

معجز او را تکذیب کرده و گفتند این سحر بودنش بر همه آشکار است (۷۷) موسی به آنان گفت آیا به رسول و آیات حق که برای هدایت شما آمد نسبت سحر می‌دهید و حال آنکه ساحران را هرگز فلاح و فیروزی نخواهد بود (۷۸) باز بموسی پاسخ دادند که آیا تو آمده ای که ما را از عقاید و آدابی که پدران ما بر آن بودند باز داری تا خود و برادرت هارون در زمین سلطنت یابید و برما حکمفرما شوید ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد (۷۹) فرعون به اتباعش گفت تفحص کنید و هر کجا ساحری ماهر و دانا است همه را نزد من حاضر کنید (۸۰) آنگاه که ساحران همه حاضر شدند و در مقام معارضه با موسی برآمدند موسی به ساحران گفت که شما اول بساط سحر خود را بیندازید و هر مهارتی دارید در سحر بکار برید (۸۱) آنگاه که ساحران بساط جادو انداخته و همه تدابیر و شعبده ها کار بستند موسی گفت خدا البته سحر شما را باطل خواهد کرد که خدا هرگز عمل مفسدان در دین و دنیا را اصلاح نکند (۸۲) و خدا به آیات و کلمات خود حق را تا ابد پایدار گرداند هر چند بدکاران عالم راضی نباشند (۸۳) پس از آن همه ظهور معجزات موسی و ابطال سحر ساحران باز از آن مردم باطل پرستکسی بموسی ایمان نیارود جز قبیله او آنهم با حال خوف و تقیه از فرعون و اتباعش که مبادا در صدد فتنه و قتلشان برآیند که فرعون آن روز در سرزمین مصر بسیار علو و سرکشی داشت و سخت متعدی و ستمکار بود (۸۴) موسی بقوم خود گفت که شما اگر بحقیقت ایمان بخدا آورده و اگر براستی تسلیم فرمان او هستید بر خدا توکل کنید و از کس مترسید (۸۵) پیروان موسی نیز از پی اندرز او همه گفتند ما بر خدا توکل کردیم بار الها ما را دستخوش فتنه اشرا و قوم ستمکار مگردان (۸۶) و مومنان را برحمت و لطف خود از شر کافران نجات ده (۸۷) و با موسی و برادرش هارون وحی کردیم که شما و پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و خانه هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز بپا دارید اکنون که از بیم فرعونیان بمساجد نتوانید رفت و تو هم ای رسول مومنان را بفتح در دنیا و بهشت در آخرت بشارت ده (۸۸) و موسی به پروردگار خود عرض کرد بارها تو بفرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیدی که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنند بار خدایا اموال آنها را نابود گردان و دلهایشان را سخت بر بند که اینان هرگز ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند (۸۹) خدا بموسی و هارون فرمود دعای شما را مستجاب کردم پس هر دو به راه مستقیم توحید و خداپرستی استوار باشید و از مردم جاهل پیروی مکنید (۹۰) و ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم پس آنگاه فرعون و سپاهش بظلم و ستمگری از آنها تعقیب کردند تا چون هنگام غرق فرعون فرا رسید آن زمان از کردار زشت و ظلم و بیداد پشیمان شده و گفت اینک من ایمان آوردم و شهادت میدهم که حق‌آرز آن کسی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند خدائی در عالم نیست و منم تسلیم فرمان او هستم (۹۱) باو در آن حال غرق خطاب شد که ای مغرور اکنون باید ایمان بیاوری؟ در صورتی که از این پیش عمری بکفر و نافرمانی آیستی و از مردم ظالم بدکار بودی؟ (۹۲) پس ما امروز تو را غرق دریای هلاک کرده و بدنت را برای عبرت خلق و بازماندگان به ساحل نجات میرسانیم با آنکه بسیاری از مردم از آیات قدرت ما عبرت نگرفته و از خدا سخت غافل هستند (۹۳) ما بنی اسرائیل را پس از هلاک دشمنان بمقام صدق و منزل آسایش مسکن دادیم و نعمتهای پاکیزه در ملک شام و مصر روزی آنها کردیم و همیشه بنی اسرائیل در ایمان به رسول خاتم اتفاق داشتند تا زمانی که آن رسول با قرآن آسمانی برای هدایت آنها آمد آنگاه آغاز اختلاف کردند و رسالت پیغمبر بزرگ را از عناد و لجاج منکر شدند ای رسول ما خدای تو روز قیامت میان آنها در آنچه اختلاف کردند حکم خواهد کرد (۹۴) پس هر گاه شک و ریبهی از آنچه بتو فرستادیم در دل داری از پیشینیان خود علماء اهل کتاب پیرس یعنی چنانچه امت در دین تو شک دارند از علمای بی غرض اهل کتاب اوصاف تو را پیرسند تا شکویشان مرتفع شود همانا کتاب آسمانی حق از جانب خدای تو آمده و ابدا در حقانیت آن نباید شک و ریبهی در دل راه دهی (۹۵) و نباید هرگز از آنان که تکذیب آیات خدا کنند باشی که از زیانکاران عالم خواهی شد (۹۶) البته آنان که حکم عذاب خدا بر آنها حتم است ایمان نیمدورند (۹۷) و اگر هر گونه معجزه و آیتی از جانب خدا بر آنان بیاید باز ایمان نیاورند تا وقتی که عذاب دردناک را به چشم مشاهده کنند (۹۸) چرا باید از هیچ شهری و از هیچ قوم پیغمبری جز یونس در وقتی که ایمانشان سود

میخشد ایمان نیاورند و تا زمان معاینه عذاب لجاجت کنند و تنها بین اقوام و ملل قوم یونس باشند که چون ایمان بخدا آوردند ما عذاب ذلت را در دنیا و عقبی از آنها برداشتیم و تا زمانی معین وقتی مرگ طبیعی آنها را متمتع و بهره مند گردانیدیم (۹۹) ای رسول ما اگر خدای تو در مشیت ازلی میخواست اهل زمین همه یکسره ایمان میاوردند چون نخواستیم تو کی توانی تا بجزر و کراه همه را مومن و خداپرست گردانی (۱۰۰) و هیچ یک از نفوس بشر را تا خدا رخصت ندهد ایمان نیاورد و پلیدی کفر و جهالت را خدا برای مردم بیخرد که عقل را کار نبندند مقرر میدارد (۱۰۱) ای رسول ما به امت بگو در آسمانها و زمین بچشم عقل و دیده بصیرت بنگرید تا بسیار آیات یکتائی حق و ادله قدرت خدا را مشاهده کنید گرچه هرگز مردمی را که به دیده عقل و ایمان ننگرند دلایل و آیات الهی بی نیاز نخواهد کرد و چیزی بر علم و معرفتشان نخواهد افزود (۱۰۲) پس مردمی که ایمان نیاورند منتظر چیستند جز آنکه روزگار هلاکت و عذابی که پیشینیان دیدند بچشم ببینند ای رسول ما بگو بطاغیان امت که شما نزول عذاب را منتظر باشید که منم منتظر نزول فتح و نصرت خدا با شما میباشم (۱۰۳) و ما از شر و فتنه امت و هلاکتی که بکافران رسد رسولان خود و مومنان را نجات میدهیم این را ما بر خود فرض کردیم که اهل ایمان را نجات بخشیم (۱۰۴) ای رسول ما، مشرکان را بگو که اگر شما از آئین من مشکوکید پس یقین دارید که من هرگز خدایان باطلی که شما می پرستید چیزی نگیرم و جز خدای یکتائی که مرگ و زندگانی همه شما خلاق به امر اوست کسی را به خدائی نمیرستم و مامورم که خود از اهل ایمان باشم (۱۰۵) و خدا مرا امر کرده که روی بجانب دین حنیف اسلام و آئین پاک توحید آور و هرگز لحظه ای هم آئین مشرکان مباش (۱۰۶) و نیز مرا فرموده که غیر از خدای یکتا هیچ یک از این خدایان باطل که بحال تو نفع و ضرری ندارند به خدائی مخوان و گرنه مشرک شده و از ستمکاران خواهی بود (۱۰۷) و اگر خدا بر تو ضرری خواهد هیچ کس دفع آن ضرر نتواند و اگر خیر و رحمتی خواهد باز احدی منع آن نتواند که فضل و رحمت حق بهر کس از بندگان بخواهد البته میرسد و اوست خدای آمرزنده مهربان (۱۰۸) ای رسول ما بگو ای مردم کتاب و رسول حق از جانب خدا برای هدایت شما آمد پس هر کس هدایت یافت نفعش بر خود اوست و هر کس براه گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من پس از اتمام حجت نگهبان شما از مواخذه خدا نیستم (۱۰۹) و ای رسول تو خود از وحی خدای که بر تو میرسد پیروی کن و راه صبر پیش گیر تا وقتی که خدا میان تو و مخالفان حکم کند که او بهترین حکمفرمایان عالمست (۱۱۰)

هود

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الر اسرار این حرف نزد خدا و رسول است این قرآن کتابی است با دلایل محکم که از جانب خدای حکیم و آگاه بر حقایق عالم بسیار روشن بیان گردیده است (۲) تا تذکر دهد بخلق که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستید و من حقا رسول اویم که برای اندرز و بشارت امت آمده ام (۳) تا بخلق بگویم که از گناهانتان آمرزش از خدا طلبید و بدرگاه او توبه و انابه کنید که شما را اجل معین و هنگام مرگ لذت و بهره نیکو بخشد و در حق هر مستحق رحمتی تفضل فرماید و اگر روی از او بگردانید سخت از عذاب روز بزرگ قیامت بر شما میترسم (۴) رجوع شما به سوی خداست و پاداش نیک و بد با اوست و او بر همه چیز تواناست (۵) ز که باشید که آنان یعنی منافقان امت روی دلها از خدا میگردانند و از حضور رسول و استماع کلام خدا دوری جسته و احتراز میکنند تا خود را از او پنهان دارند آگه باش که هر که سر در جامه خود بپیچند که از حق پنهان شوند خدا هر چه پنهان یا آشکار کنند همه را میداند که او بر درون دلهای خلق محققا آگاهست (۶) هیچ جنبنده در زمین نیست جز آنکه روزیش بر خداست و خدا قرارگاه منزل دائمی و آرامشگاه جای موقت او را میداند و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است (۷) و او خدائست که آسمان و زمین را در فاصله شش روز آفرید و عرش با عظمت او شاید یک معنی عرش که روح و حقیقت انسانست اینجا مراد باشد بر آب قرار یافت شاید مراد از آب علم باشد تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است و ای رسول

محققا اگر باین مردم بگوئی که شما برای جهان دیگر خلق شده اید و پس از مرگ زنده خواهید شد همانا کافران خواهند گفت که این سخن را هرگز حقیقتی جز به سحر و خیال موهوم نیست (۸) و اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین هنگام مرگ بتعویق اندازیم آنها به جای آنکه توبه از گناه کنند تمسخر و استهزاء کرده و گویند چه موجب تاخیر عذاب شده چرا به وعده محمد (ص) بما عذاب نمیرسد آنگه باشند که چون هنگام عذاب برسد دیگر از آن هرگز رهایی نیابند و بآنچه تمسخر میکردند سخت گرفتار شوند (۹) و اگر ما بشر را در دنیا بنعمت و رحمتی برخوردار کردیم تا شکر کند او شکر نکرد سپس چون کفران کرد آن نعمت را از او گرفتیم سخت باز به جای امیدواری بخدا بخوی نومیدی و کفران درافتد (۱۰) و اگر آدمی را به نعمتی پس از محتنی رسانیم مغرور و غافل شود که دیگر روزگار زحمت و رنج من سر آمده سرگرم شادمانی و مفاخرت گردد (۱۱) این خوی بشر بی صبر کم ظرف ضعیف است مگر آنانکه دارای ملکه صبر و عمل صالحند که هنگام نعمت شکر خدا و گاه مصیبت صبر میکنند بر آنها آمرزش حق و اجر بزرگ نعمت بهشت ابدی است (۱۲) ای رسول ما، مبادا بعض آیاتی را که بتو وحی شده درباره کافران به ملاحیاتی تبلیغ نکنی و از قول مخالفان که میگویند اگر این مرد پیغمبر است چرا گنج و مالی ندارد و یا فرشته آسمان همراه او نیست دلتنگ شوی؟ از این سخنان جاهلانه هرگز غمگین مباش که وظیفه تو تنها نصیحت و اندرز خلق است اما حاکم و نگهبان هر چیز خداست (۱۳) آیا کافران میگویند این قرآن وحی الهی نیست خود او بهم بسته و بخدا نسبت میدهد بگو اگر راست میگوئید شما هم با کمک همه فصحای عرب بدون وحی خدا ده سوره مانند این قرآن بیاورید (۱۴) پس هر گاه کافران جواب ندادند و عاجز از آوردن یک سوره مانند قرآن شدند در این صورت شما مومنان بدانید که این کتاب به علم ازلی از جانب خدا نازل شده دعوتش اینست که هیچ خدائی جز آن ذات یکتای الهی نیست آیا شما مردم با این دلیل روشن و قرآن محکم دعوت توحید را اجابت میکنید؟ و تسلیم حکم خدا و رسول خواهید شد؟ (۱۵) کسانی که طالب تعیش مادی و زینت و شهوات دنیوی هستند ما مزد سعی آنها را در کار دنیا کاملاً میدهیم و هیچ از اجر عملشان کم نخواهد شد (۱۶) ولی هم اینان هستند که دیگر در آخرت نصیبی جز آتش دوزخ ندارند و همه افکار و اعمالشان در راه دنیا پس از مرگ ضایع و باطل میگردد (۱۷) آیا پیغمبری که از جانب خدا دلیلی روشن مانند قرآن دارد با گواهی صادق مانند علی (ع) که به تمام شئون وجودی از علم و زهد و ایمان و گواه صدق رسالت و بعلاوه کتاب تورات موسی هم که پیش از او پیشوا و رحمت حق بر خلق بود و به آن ایمان آوردند باو بشارت داد اینان از اهل کتاب باو ایمان میاورند؟ یا کافر میشوند و هر کس از طوایف بشر باو کافر شود وعده گاهش البته آتش دوزخ است که در آن هیچ شک مدار که این وعده قطعی عذاب قهر پروردگار است و لیکن اکثر مردم بدان ایمان نمیآورند (۱۸) در جهان از آنهایی که بخدا نسبت دروغ دادند ستمکارتر کیست؟ آنان بر خدا عرضه داشته شوند و گواهان محشر گویند اینان هستند که بزرگترین ظلم را مرتکب شده بر خدا دروغ بستند باری ای خلاق آگاه باشید که لعن خدا بر ستمکاران عالم است (۱۹) آن ستمکاران که راه خدا را بروی بندگان بسته و سعی کنند که راه حق را کج کرده و خلق را براه باطل کشند و هم آنها هرگز باختر ایمان نیاورند و منکر قیامتند (۲۰) اینها هیچ قدرت و راه مفری در زمین از قهر خدا ندارند و جز خدا که او بر عذابشان خواهد افزود از هیچکس حتی از اعضاء و قوای خود یار و مددکاری نخواهند یافت که هرگز گوششان هم در شنوائی سخن راست و چشم در بینائی حق و حقیقت بانها مدد نتواند کرد (۲۱) همین مردم دنیا طلب هستند که نفوس خود را سخت در زیان افکندند و هر دروغ بسته و هر تدبیری در راه دنیا کردند همه محو و نابود شود (۲۲) ناگزیر در عالم آخرت زیانکارترین مردم آنها هستند (۲۳) آنانکه به خدا ایمان آورده و به اعمال صالح پرداختند و بدرگاه خدای خود خاضع و خاشع گردیدند آنها البته اهل بهشت جاویدند و در آن بهشت متنعم ابدی خواهند بود (۲۴) حال این دو گروه کفر و ایمان در مثل به شخص کور و کر و شخص شنوا و بینا مانند است آیا حال این هر دو شخص یکسانست؟ هرگز یکسان نیست پس چرا متذکر نمی شوید تا از کوری کفر و جهالت به بینائی علم و ایمان شتابید (۲۵) و ما نوح را برای هدایت قومش به رسالت فرستادیم او قومش را گفت که من با بیان روشن برای نصیحت و اندرز شما آمدم (۲۶) تا شما

را بگویم که غیر خدای یکتا کسی را نپرستید که اگر بجز خدا کسی را پرستش کنید من از عذاب روز سخت قیامت بر شما میترسم (۲۷) نوح را سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمیدانیم و در بادی نظر آنان که پیرو تواند اشخاصی پست و بی قدر بیش نیستند و ما هیچگونه مزیتی بر شما نسبت بخود نمی بینیم که تو را پیغمبر خدا و پیشوای خلق شناسیم بلکه شما را دروغگو می پنداریم (۲۸) نوح قومش را پاسخ داد که شما چه میگوئید هر گاه ببینید که مرا دلیل روشن و رحمت مخصوص از جانب پروردگار عطا شده باز هم حقیقت حال بر شما پوشیده خواهد ماند آیا جهالت نیست که من برحمت و سعادت شما را اجبار کنم و شما تنفر اظهار کنید؟ (۲۹) باز گفت بدانید که من از شما در عوض هدایت ملک و مالی نمیخواهم اجر من بر خداست و من هرگز آن مردم با ایمان را هر چند بنظر شما فقیر و ذلیل و بیقدر باشنند از خود دور نمیکنم که آنها بشرف ملاقات خدا میرسند ولی بنظر من شما که آنان را خوار میشمارید خود مردم نادانی هستید (۳۰) باز گفت ای قوم اگر من آن مردم پاک خداپرست را از خود برانم و خدا از من برنجد بمدد که از خشم خدا نجات یابم؟ آیا از این سخنان پند نمیگیرید؟ (۳۱) باز گفت که ای قوم من نمیگویم که خزائن خدا نزد منست و نه مدعیم که از علم غیب حق آگاهم و نه دعوی کنم که فرشته آسمانم و هرگز مومنان پاکی را که از شوق حق اشک از دیده میبارند و بچشم شما خوارند نخواهم گفت که آنها از جانب خدا هیچ فضیلت بر دیگران ندارند که خدا بر دلهای با اخلاص آنها داناتر از من است که آنها را عزیز و گرامی داشته که اگر من مانند شما آنها را خوار شمارم از ستمکاران عالم بشمار باشم (۳۲) باز قوم گفتند ای نوح تو با ما جدل و گفتگو بسیار کردی اکنون اگر راست میگوئی سخن کوتاه کن و بر ما وعده غذایی که دادی ببار (۳۳) نوح گفت آن وعده را اگر خدا خواهد بشما میرسد و هیچ از آن مفری ندارید (۳۴) و دیگر پند و نصایح من سود نکند و اگر خدا خواهد که شما را گمراه کند یعنی پس از اتمام حجت بتعلیمات رسالت بحال گمراهی خود واگذارد من میل آنکه باربشما نصیحت کنم ندارم او خدای شماست و بسوی او باز میگردید (۳۵) آیا قوم ایمان میاورند یا باز خواهند گفت که تو از پیش خود سخنانی فرا بافته و از دروغ بوحی خدا نسبت میدهی بگو اگر چنین باشد عقوبت آن گناه بر من است نه بر شما و من از کفر و گناه شما بیزارم (۳۶) و بنوح وحی شد که جز همین عده که ایمان آورده اند دیگر ابدا هیچکس از قومت ایمان نخواهد آورد و تو بر کفر و عصیان این مردم لجوج محزون مباش (۳۷) و بساختن کشتی در حضور و مشاهده ما و بدستور ما مشغول شو و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند دیگر سخن مگوی (۳۸) و نوح به امر خدا بساختن کشتی پرداخت و چون در بیابان بی زبی کشتی میساخت هر کس از قومش بر او میگذاشت وی را مسخره و استهزاء میکرد و نوح در جواب آنها میگفت اگر امروز شما ما را مسخره میکنید ما هم روزی شما را پاسخی بدهیم که بعد از این بدانید (۳۹) و معلوم شما شود که ما و شما کدام بعذاب ذلت و خواری گرفتار و عذاب دایم خدا را مستوجب خواهیم شد؟ (۴۰) نوح بساختن کشتی و قوم بتمسخر پرداختند تا وقتی که فرمان قهر ما فرا رسید و از تنور آتش آب بجوشید و عالم را بطوفان داد در آن هنگام بنوح خطاب کردیم که تو با خود از هر نوع حیوان دو فرد نر و ماده با جمیع آن و فرزندان آن پسر کنعان و آن واحله نام که وعده هلاکش در علم ازلی گذشته همه را در کشتی همراه بر که از غرقاب برهند و گرویدگان نوح در عالم عده قلیلی بیش نبودند (۴۱) و دستور داد که شما مومنان بکشتی درآئید تا بنام خدا کشتی هم روان شود و همبساحل نجات رسد که خدای من البته صاحب مغفرت و رحمت است (۴۲) و آن کشتی به دریا با امواجی مانند کوه در گردش بود که در آن حال نوح از ره شفقت فرزندش را ندا کرد که ای پسر تو هم بدین کشتی درزی که نجات یابی و با کافران همراه مباش که هلاک خواهی شد (۴۳) آن پسر نادان ناهل پدر را پاسخ داد که من بزودی بر فراز کوهی روم که از خطر هلاکم نگهدارد نوح گفت ای پسر امروز هیچکس را از قهر خدا جز بلطف او پناه نیست این بگفت و موج میان آنها جدائی افکند و پسر با کافران چون از جنس آنها بود بدریا غرق شد (۴۴) و بزمین خطاب شد که فوراً آب را فرو بر و به آسمان امر شد که باران را قطع کن و آب بیک لحظه خشک شد و حکم قهر الهی انجام یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و فرمان هلاک ستمکاران در رسید (۴۵) و نوح بدرگاه خدا عرض کرد بار

پروردگارا فرزند من اهل بیت من است که وعده لطف و نجات به آنها دادی و وعده عذاب تو هم حتمی است که قادرترین حکم فرمایانی پس بلطف خود فرزندم را نجات بخش (۴۶) خدا بنوح خطاب کرد که فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد زیرا او را عملی بسیار ناشایسته است پس تو از من تقاضای امری که هیچ از حال آن آگه نیستی مکن و شفاعت نااهلان رها کن من تو را پند میدهم نصیحت بشنو و از مردم جاهل مباش (۴۷) نوح عرض کرد بار الهی من پناه میبرم بتو که دیگر چیزی که نمیدانم از تو هیچگاه تقاضا کنم و اکنون اگر گناه مرا نبخشی و ترحم نفرمائی من از زیانکاران عالمم (۴۸) و به نوح خطاب شد که از کشتی فرود آی که سلام ما و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه در خداپرستی با تو و تابع امر تو اند اختصاص یافته و امتهایی که خود سر و ستمگر شوند ما پس از آنکه به آنها بهره ای از دنیا دهیم آنان را بعد از سخت قیامت کیفر خواهیم کرد (۴۹) این حکایت نوح از اخبار غیب است که پیش از آنکه ما بتو وحی کنیم تو و قومت هیچ از آن آگاه نبودید پس بعد از وحی حکایات نوح و حلم او بر آزار امت تو در طاعت حق راه حلم و صبر پیش گیر که عاقبت اهل تقوی نیکوست (۵۰) و ما برای هدایت قوم عاد برادرشان یعنی مردی از طایفه آنها هود را فرستادیم هود نیز برای اداء رسالت بقوم خود گفت که ای مردم خدای یکتائی را پرستش کنید که جز او شما را خدائی نیست و گفتاری که از بتان و خدایان باطل به میان آورده اید بدانید که افتراء و دروغی بیش نیست (۵۱) باز گفت ای قوم من از شما مزد رسالت نمیخواهم اجر من جز بر خدا که مرا آفریده نیست آیا در امر من فکر و عقل کار نمی بندید تا حق را از باطل تمیز دهید (۵۲) ای قوم از خدا آمرزش طلبید و بدرگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانائی شما بیفزاید و زنهاری به نابکاری و عصیان روی از خدای رحمان مگردانید (۵۳) قوم هود وی را پاسخ دادند که تو برای ما دلیلی روشن بر دعوی رسالت خود نیاوردی و ما هرگز از خدایان خود یعنی بتان بمجرد حرف بیدلیل تو دست نمیکشیم و ما هرگز بتو ایمان نخواهیم آورد (۵۴) تنها چیزی که درباره تو میگوئیم اینست که برخی از خدایان ما تو را آسیب جنون رسانیده و عقل تو را بجرم بدگوئی از بتان مغشوش گردانیده است هود بانها گفتن خدا را گواه میگیرم و شما هم گواهی دهید که از این پس من از شما و خدایانی که غیر خدای یکتا میپرستید بیزارم (۵۵) شما هم هر فکر و تدبیری در کار من دارید بی هیچ مهلت انجام دهید (۵۶) من بر خدا که پروردگار من و شماست توکل کرده ام که زمام اختیار هر جنبنده بدستمشیت اوست و البته هدایت پروردگار من خلق را براه راست خواهد بود (۵۷) پس هرگاه شما روی از حق بگردانید من بوظیفه خود که ابلاغ رسالت و اتمام حجت بر شماست قیام کردم و اکنون مستحق هلاک شدید و خدای من پس از هلاک شما قومی دیگر را جانشین شما خواهد کرد و به هود هم چون در حفظ و امان خداست هیچ ضرری نتوانید رسانید که پروردگار من بر هر چیز و هر کس حافظ و نگهبانست (۵۸) و چون فرمان قهر ما بهلاکت قوم در رسید ما بفضل و رحمت خود هود را و هر کس با او ایمان آورد نجات بخشیدیم و از عذاب بسیار سختی آنها را ایمن ساختیم (۵۹) و همین قوم عاد امت هود هستند که آیات خدا را انکار و پیغمبران را آزار و نافرمانی کردند و پیرو امر هر شخص متکبر جبار شدند (۶۰) و آنها بلعن خدا هم در حیات دنیا و هم در قیامت گرفتار گردیدند ای اهل ایمان آگاه باشید که قوم عاد در اثر طغیان و عصیان به خدای خود کافر و از رحمت او دور شدند ای مومنان بدانید که قوم عاد امت هود از رحمت خدا دورند (۶۱) و باز ما صالح پیغمبر را بسوی قوم ثمود برسالت فرستادیم صالح بقوم خود گفت ای مردم خدای یگانه را که جز او خدائی نیست پرستش کنید او خدائست که شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن زمین برگماشت پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و بدرگاه او پناه برید و از لغزش و گناهان توبه کنید که البته خدا بهمه نزدیکست و دعای خلق را میشنود و جابت میکند (۶۲) قوم گفتند ای صالح تو پیش از آنکه دعوی نبوت کنی در میان ما مورد اعتقاد و امیدواری بودی آیا میخواهی باین دعوی پرستش خدای یگانه ما را از پرستش خدایان پدران ما منع کنی ما بدعوی نبوت سخت بدگمان و بی عقیده خواهیم بود (۶۳) صالح باز گفت آیا رای شما چیست اگر من بر دعوی خود معجز و دلیلی از طرف خدادر دست دارم که او مرا بنبوت بلطف و مرحمت بسیار برگزیده است اگر باز هم فرمان او نبرم و گفتار جاهلانه شما را بشنوم و

ابلاغ رسالت نکنم در اینصورت مرا از عذاب خدا که امان تواند داد؟ که شما بر من جز ضرر و زیان چیزی نخواهید افزود (۶۴) صالح باز گفت ای قوم این ناقه آیت خداست و معجز برای اتمام حجت الهی بر شما او را بحال خود آزاد گذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد آزار او مکنید و گرنه خدا شما را بزودی به عذاب گرفتار سازد (۶۵) قوم پند صالح را نشنیدند و ناقه را پی کردند صالح هم بانها وعده عذاب داد که بعد از این عمل تا سه روز دیگر در منازل خود از زندگی تمتع برید که سپس همه هلاک خواهید شد و این وعده البته حق است و دروغ نیست (۶۶) چون وقت فرمان قهر ما فرا رسید تنها صالح و مومنان با او را برحمت خاص خود از بلای آن روز نجات دادیم که خدا بر هر چه خواهد مقتدر و تواناست (۶۷) و آنگاه ستمکاران را شب صیحه عذاب آسمانی بگرفت که صبحگاه در دیارشان بیحس و حرکت و خاموش ابدی شدند (۶۸) چنان هلاک شدند که گوئی آنها در آن دیار هرگز زنده نبودند شما مردم از آنها عبرت گیرید و آگاه شوید که قوم ثمود چون بخدای خود کافر شدند دور از رحمت ابدی خدا گردیدند (۶۹) و آنگاه فرستادگان ما فرشتگان آسمان بر ابراهیم خلیل بسلامتی بشارت آوردند و او را سلام گفته و از او پاسخ سلام شنیدند آنگاه ابراهیم چون فرشتگان را بشکل بشر دید و مهمان پنداشت بر آنها از گوشت گوساله کبابی مهیا کرد (۷۰) و چون ابراهیم دید که آنان بطعام دست دراز نمیکنند در حال از آنها دلش متوحش و بیمناک گردید آنان حس کرده و گفتند مترس که ما فرستاده خدا بقوم لوط میباشیم (۷۱) در آن حال زن ابراهیم ساره ایستاده بود که از فرط شوق متبسم یا حائض گردید پس ما آن زن را بفرزندی بنام اسحق و سپس یعقوب بشارت دادیم (۷۲) زن چون مژده فرزند شنید از فرط شوق گفت که آیا میشود از من با آنکه پیری سالخورده ام و شوهرم نیز مردی پیر و فرتوت است فرزندی پدید آید این چیز بسیار شگفت انگیز است؟ (۷۳) فرشتگان با او گفتند آیا از کار خدا عجب داری؟ عجب مدار که رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت رسالت است زیرا خدا بسیار ستوده صفات و مقتدر و بزرگوار است و به پیمبرانش عنایت بیش دارد (۷۴) چون ابراهیم را وحشت از دل برفت و بشارت فرزند پیامد در آن حال برای خلاص قوم لوب با ما بگفتگو و التماس درآمد یعنی از فرشتگان که وعده هلاک قوم لوط از خدا شنید استدعای نجات بر آنها کرد (۷۵) که همانا ابراهیم بسیار حلیم و رئوف بود و بسیار بدرگاه خدا دعا و تضرع داشت و بسیار از حق مغفرت و آمرزش در حق خود و خلق میطلبید (۷۶) خطاب شد ای ابراهیم از این خواهش نجات قوم لوط درگذر که هنگام حکم قهر الهی بر این قوم فرا رسیده و بر آنها عذابی که حتمی است و بازگشت ندارد خواهد رسید (۷۷) و چون فرستادگان ما فرشتگان قهر به لوط وارد شدند بر قوم خود پریشان خاطر و دلتنگ شد و گفت این روز بسیار سختی است (۷۸) و چون فرشتگان بصورت جوانان زیبا بخانه لوط درآمدند قوم لوط آگاه شده و بقصد عمل زشتی که در آن سابقه داشتند بسرعت بدرگاه او وارد شدند لوط بانها گفتاین دختران من جنس آنان امتم که بمنزله دختران منند برای شما پاکیزه و نیکوترند از خدا بترسید و مرا نزد مهمانان بعمل زشت خود خوار و سرشکسته مکنید آیا درمیان شما یکمرد خیرخواه رشید خداپرست نیست که شما را از این کار بد منع کند (۷۹) قوم لوط گفتند ما را رغبت و میلی بدان دختران نیست و تو بخوبی میدانی که مطلبما چیست (۸۰) لوب چون دید پند او اثری ندارد گفت ای کاش مرا بر منع شما اقتداری بود حالی که بر منتان قدرت ندارم از شر شما برکن محکمی که اقتدار بی انتهاست خداست پناه خواهم برد (۸۱) فرشتگان به لوط گفتند تو نه از ما و نه از قوم اندیشه مدار که ما رسولان پروردگاریم و هرگز دست آزار قوم بتو نرسد تو با اهل بیت خود شبانه از این دیار بیرون شو و از اهل بیت خود هیچکس جز آن زن کافرت که آنها هم با قوم باید هلاک شود یکی را وامگذار که وعده عذاب صبحگاه است و تا صبح وقت بسیار نیست (۸۲) چون صبح شد فرمان قهر ما دیار آن قوم نابکار را ویران و زیر و زبر ساخت و برسر آنها مرتب از آسمان سنگ هلاک فرو ریختیم (۸۳) که آن سنگهای بلا بر سر ستمکاران از امر خدا نشان دار و معین بود و البته چنین هلاکتی از ظالمان عالم دور نخواهد بود (۸۴) و ما به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را به رسالت فرستادیم آن رسول گفت ای مردم خدای یکتا را که جز او خدائی نیست پرستش کنید و در کیل و وزن کم فروشی مکنید من خیر شما را در آن می بینم که با همه عدل و انصاف کنید و اگر ظلم کنید من میترسم از روزی که عذاب

سخت شما را فرا گیرد (۸۵) ای قوم در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و به مردم کم و گران نفروشید و در زمین بخیانت و فساد برنخیزید (۸۶) و بدانید که آنچه خدا بر شما باقی گذارد و برکت بخشد بهتر است از آن زیادتی که به خیانت و کم و گران فروشی بدست میاورید اگر واقعا به خدا ایمان دارید. این نصیحت وظیفه من است ولی اگر عصیان کردید دیگر من نگهبان شما از عذاب خدا نیستم (۸۷) قوم بمسخره گفتند ای شعیب آیا این نماز تو، تو را مامور میکند که دعوی رسالت کرده و ما را از پرستش خدایان پدرانمان و از تصرف در اموال بدلخواه خودمان منع کنی؟ آفرین تو بسیار مرد بردبار درستکاری هستی (۸۸) شعیب گفت ای قوم رای و نظریه شما چیست آیا اگر مرا از جانب پروردگار حجت روشن و دلیل قاطع باشد و از او بر من رزق حلال و پاکیزه بی هیچ خیانت و حيله های شما برسد باز اطاعت او نکنم؟ و بدانید که غرض من از آنچه شما را نهی میکنم ضدیت و مخالفت با شما نیست بلکه تا بتوانیم تنها مقصود اصلاح امر شماست و از خدا در هر کار توفیق میطلبم و بر او توکل میکنم و بدرگاه او از شر بدان پناه میبرم (۸۹) شعیب باز به نصیحت لب گشود که ای قوم ضدیت با من شما را بر آن وادار نکند که راه کفر و طغیان پیش گیرید و خود را مستوجب عذاب کنید تا بر شما هم بلائی از مانند قوم نوح و قوم هود و صالح از جانب خدا نازل شود بخصوص از قوم لوط که دورانشان دور از شما نیست عبرت گیرید (۹۰) و از خدای خود آمرزش طلبید و بدرگاهش توبه و انابه کنید که او بسیار مشفق و مهربانست (۹۱) قوم پاسخ دادند که ما بسیاری از آنچه میگوئی نمی فهمیم یعنی سخنانت بیمعنی و بدون نتیجه است و ما هیچ نمی پذیریم و تو در میان ما شخصی بی ارزش و ناتوانی اهمیت و مقامی بر تو قائل نیستیم و اگر ملاحظه طایفه تو نبود سنگسارت میکردیم که تو را نزد ما عزت و احترامی نیست (۹۲) شعیب باز گفت ای قوم آیا طایفه من عزتش نزد شما بیش از خداست؟ و خدا را بکلی فراموش کردید؟ بترسید که خدای من بهر چه شما میکنید آگاهست (۹۳) باز گفت ای قوم شما هر کار میتوانید انجام دهید من هم هر چه موظف خواهم کرد بزودی شما خواهید دانست که عذاب ذلت و خواری بر کدام یک از من و شما میاید و دروغگوی ما کیست پس شما منتظر نزول عذاب خدا باشید که منم بر خود لطف و بر شما قهر حق را منتظرم (۹۴) و هنگامی که حکم قهر ما فرا رسید ما شعیب و کسانی که به او ایمان آوردند بلطف و مرحمت خود نجات دادیم و ستمکاران امت او را صیحه عذاب فرا گرفت که صبحگاه همه به آن صیحه در دیار خود هلاک شدند (۹۵) چنان هلاک شدند که گوئی هرگز در آن دیار نبودند ای مردم شما آگاه باشید که اهل مدین هم مانند کافران قوم ثمود از رحمت خدا دور شدند (۹۶) آنگاه موسی عمران را با آیات و حجت روشن به رسالت فرستادیم (۹۷) به سوی فرعون و اشراف قومش. مردم موسی را گذاشته و پیرو حکم و امر فرعون شدند با آنکه میدانستند که هیچ هدایت و رشدی در اطاعت امر فرعون نبود (۹۸) فرعون پیروان خود را در قیامت با خود باتش دوزخ درافکند که واردان را بسیار بد منزلگاهيست (۹۹) و فرعونیان بواسطه ظلم و بیداد در این جهان بر خود بد لعنتی گذاشتند و برای روز قیامت بد عطا و ذخیره ای فرستادند (۱۰۰) ای رسول ما، این بعضی از اخبار دیار ستمکاران است که بر تو حکایت کردیم که برخی از آن دیار گرچه خلقتش مردند شهرهاشان هنوز معمور است و برخی دیگر شهرهاشان هم بکلی ویران گشت و هم داس مرگ اهلش را دور کرد (۱۰۱) و آنها که بهلاکت رسیدند نه ما بر آنها بلکه خود بر خویشتن ستم کردند و غیر خدا همه خدایان باطلی که میپرستیدند هیچ دفع هلاکت از آنان نمودند و هنگامی که امر قهر خدا بر هلاکشان در رسید آن بتان که پرستیدند چیزی جز بر حسرت آنها نیفزودند (۱۰۲) این گونه است سختگیری پروردگار هرگاه بخواهد دیار ستمکاران را ویران کند پس بدانید که انتقام و مواخذه خدا بسیار دردناک و شدید است (۱۰۳) همانا این هلاک بدکاران آیت و عبرتی است بر آن کس که از عذاب روز محشر بترسد که روز محشر روزیست که همه خلق در آن جمع شوند و جزای اعمال خود را ببینند (۱۰۴) و ما آن روز را بتاخیر نیفکنیم جز به وقتی که در علم ما معین است (۱۰۵) در آن روز هیچ کس جز بفرمان خدا سخن نگوید پس خلق بر دو فرقه شوند برخی شقی و بد روزگارند و بعضی سعید و خوشوقت (۱۰۶) اما اهل شقاوت همه را در آتش دوزخ در حالی که آه و ناله حسرت میکشند در افکنند (۱۰۷) آنها در آتش دوزخ تا آسمان و زمین باقیست مخلدند مگر آنکه مشیت خدا بخواهد نجاتشان دهد که البته

خدا بقدرت کامله و حکمت بالغه خویش هر چه بخواهد میکند (۱۰۸) اما اهل سعادت هم تمام در بهشت ابد تا آسمان و زمین باقیست مخلدند مگر آنچه مشیت پروردگار باشد که عطایش ابدی و نامقطوع است (۱۰۹) پس تو ای رسول ما بی شک بدان که اینان عبادت بتها را جز به پیروی و تقلید جاهلانه پدرانشان نمیکنند و این کاری باطل است و ما آنچه سهم عذاب این مشرکان لجوج عنود است بحد کامل خواهیم داد (۱۱۰) و ما کتاب تورات را برای موسی فرستادیم آنگاه مردم بجای آنکه بدان هدایت یابند در آن اختلاف کردند و اگر کلمه سابقه الهی و مشیت ازلی خدا بر تاخیر عذابخلق تا قیامت نبود همانا میان آنها حکم بعذاب میشد و این مردم از این گونه وعده و وعیدها همیشه بدگمان و درشکند و بر خود ریب و شبهه میکنند (۱۱۱) و تو آسوده خاطر باش محققا خدای تو بر همه کردار خلق آگاهست (۱۱۲) پس ای رسول ما، تو چنان که ماموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو بخدا رجوع کرد نیز پایدار باشد و هیچ از حدود الهی تجاوز نکنید که خدا بهر چه شما میکنید بصیر و داناست (۱۱۳) و شما مومنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست باشید و گرنه آتش کیفر آنان در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد (۱۱۴) و نماز را در دو طرف اول و آخر روز بپادارید و نیز در ساعت تاریکی شب که البته حسنات و نکوکاریهای شما سیئات و بدکاریهایتان را نابود میسازد این نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را محو میکند یادآوری است برای اهل ذکر و پندی بر مردم آگاه است (۱۱۵) ای رسول ما، تو بر آزار و جهالت امت و اداء نماز پنجگانه با مومنان صبر کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد (۱۱۶) چرا در امم گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که خلق را از فساد و اعمال زشت نهی کنند تا ما مثل آن عده قلیل مومنانشان که نجات دادیم همه را نجات دهیم و ستمکاران از پی تعیش به نعمتهای دنیوی رفتند که مردمی فاسق بدکار و کافر به آخرت بودند بدین جهت همه هلاک شدند (۱۱۷) خدا هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در صورتی که آنها مصلح و نیکوکار باشند بظلمهلاک نکند (۱۱۸) و اگر خدا میخواست همه ملل و مذاهب خلق را یک امت میگردانید و لیکن دائم همه اقوام و ملل دنیا با هم در اختلاف خواهند بود (۱۱۹) مگر آن کس که خدا برحمت و لطف خاص هدایت کند و برای همین آفریده شدند و کلمه قهر خدا به حتم و لزوم پیوست که از کافران جن و انس دوزخ را پر سازد (۱۲۰) و ما همه این حکایات اخبار انبیاء را بر تو بیان میکنیم تا قلب تو را بدان قوی و استوار گردانیم و در این شرح الحال رسولان طریق حق و راه صواب بر تو روشن شود و اهل ایمان را پند و عبرت و تذکر باشد (۱۲۱) و تو ای رسول ما، با آنانکه ایمان نمیآورند بگو که شما هر چه بتوانید بزشتکاری و معصیت خدا بپردازید ما هم بکار اطاعت مشغول خواهیم بود (۱۲۲) و شما جزای کردار خود را منتظر باشید ما هم پاداش عمل خود را از حق منتظریم (۱۲۳) و هر چه در آسمانها و آمینها پنهانست همه برای خدا آشکار است و امور عالم همه راجع بخداست و بدست قدرت اوست او را پرستید و بر او توکل کنید که پروردگار تو از آنچه بندگان میکنند غافل نیست (۱۲۴)

یوسف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الر این حروف مقطعه رموز خدا و رسول است اینست آیات کتاب الهی که حقایق را آشکار میسازد (۲) این قرآن مجید را ما به عربی فصیح فرستادیم باشد که شما به تعلیمات او عقل و هوش یابید (۳) ما بهترین حکایات را بوحی این قرآن بر تو میگوئیم و هر چند پیش از این وحی از آن آگاه نبودی (۴) اکنون متذکر شو خواب یوسف را که گفت ای پدر در عالم رویا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده میکردند (۵) یعقوب گفت ای فرزند عزیز زنهار خواب خود را بر برادران حکایت مکن که به اغوای شیطان بر تو مکر و حسد خواهند ورزید زیرا دشمنی شیطان بر آدمیان بسیار آشکاراست (۶) و این تعبیر خواب تست که خدا تو را برگزیند و علم تاویل خوابها بیاموزد و نعمت و لطفش را در حق تو و آل یعقوب مانند پدرانت ابراهیم و اسحق تمام گرداند و رسالت و سلطنت هر دو بتو مرحمت فرماید که خداوند دانا و حکیم است (۷) همانا در حکایت

یوسف و برادرانش برای دانش طلبان و اهل تحقیق عبرت و حکمت بسیار مندرج است مانند تذکر غلبه خواست خدا بر اراده خلق و تثیر و حقیقت خواب که جزئی از نبوت است و غافل از حسد حسودان نبودن که حتی فرزندان پیغمبران را هم تا به بدترین عمل که قصد قتل و هلاکت برادر است وامیدارد و ترغیب نفوس بصبر و توکل بر خدا در حوادث ناگوار و ترغیب پیاکدامنی و عفت. و آثار زشت عشق مجازی. و توجه بخدا از شر آن. و کیفیت مملکت داری. و عدل و رعیت پروری. و احتیاج ملک بوزارت خواربار و دارائی و زراعت و تجارت. و مکافات عمل نیکو بد در دو عالم. و ظهور و بروز حقایق پنهانی و عفو و بخشش از خطاکاران و بسیار حکمت‌های دیگر که در این سوره مبارکه مندرج است (۸) پس حکایت را بر امت بگو هنگامی که برادران یوسف گفتند ما با آنکه چندین برادریم پدر چنان دل‌بسته یوسف و برادر اوست که او را تنها بیش از همه ما برادران دوست میدارد و ضلالت او در حب یوسف نیک پدیدار است (۹) باید یوسف را یا بکشید یا در دیاری دور از پدر بیفکنید و روی پدر را یک جهت بطرف خود کنید آنگاه بعد از این عمل کشتن یا دور کردن یوسف توبه کرده و مردمی صالح و درستکار شوید (۱۰) این رای که مطرح شد یکی از برادران یوسف روبیل مهین برادر او اظهار داشت که اگر ناچار سو، قصدی دارید البته باید از کشتن وی صرف نظر کنید ولی او را بر سر راه کاروانان به چاهی درافکنید که کاروانی او را بیابد و با خود به دیار دور برد (۱۱) بعد از این رصی و تصمیم نزد پدر رفته و گفتند ای پدر چرا تو بر یوسف از مایمن نیستی و همراه ما او را نیمفرستی در صورتی که ما برادران همه خیرخواه یوسفیم و از ما باو هرگز آزاری نرسیده (۱۲) ای پدر فردا او را با ما به صحرا فرست که در چمن و مراتع بگردیم و بازی کنیم و البته ما همه از هر خطری نگهبان اوئیم (۱۳) یعقوب گفت ای فرزندان من از آن ترسان و پریشان خاطرک که از او در بیابان غفلتکنید و طعمه گرگان شود (۱۴) برادران گفتند و الله این هرگز نخواهد شد زیرا اگر با آنکه ما چند مرد نیرومند به همراه اوئیم باز گرگ قصد او کند پس ما بسیار مردم ضعیف زیانکاری خواهیم بود (۱۵) بهر حال پدر پس از اصرار آنان یوسف را فرستاد همینکه او را بصحرا بردند و براین عزم متفق شدند که یوسف را به چاه درافکنند ما در آن حال که بقر چاه افتاد برای آنکه قلبش آرام شود و بخواب خود و وعده خدا مطمئن گردد باو وحی نمودیم که غم مخور و دلشاد باش البته تو روزی برادران را بکار بدشان آگاه میسازی که آنها تو را نشناخته و درک مقام تو نمیکنند (۱۶) و برادران شبانگاه با چشم گریان نزد پدر بازگشتند (۱۷) پدر چون آنان را گریان دید و یوسف را ندید حال پرسید گفتند قصه اینست که مادر صحرا برای مسابقه رفتیم و یوسف را بر سر متاع خود گذاردیم چون بازگشتیم یوسف را گرگ طعمه خود ساخته بود و هر چند ما راست بگوئیم تو باز از ما باور نخواهی کرد (۱۸) و پیراهن یوسف را برای اثبات کذب خود آلوده به خون دروغ نزد پدر آوردند یعقوب گفت بلکه این امر زشت قبیح را نفس مکار در نظر شما بسیار زیبا جلوه داده در هر صورت در این مصیبت صبر جمیل کنم و از خدا یاری طلبم که بر رفع این بلیه که شما اظهار میدارید بس خداست که مرا یاری تواند کرد (۱۹) باری یوسف در چاه بود که کاروانی آنجا رسید و سقای قافله را برای آب فرستادند دلو را که از آن چاه برآورد دید غلامی زیبا چون ماه تابان در دلو بجای آب برآمد گفت به به ازین بشارت و خوشبختی که رخ داده و او را پنهان داشتند که سرمایه تجارت کنند و خدا بهر چه خلق میکنند آگاهست (۲۰) روز بعد برادران که یوسف را نزد کاروان دیدند گفتند این پسر غلام ماست و باذکر عیوبی چند بدروغ به آن قافله بهائی اندک و درهمی ناچیز فروختند و در او زهد و اعراض نمودند و از یوسف بدگوئی بسیار کردند تا کاروان نیز درباره او بی‌علاقه و بدگمان شد (۲۱) قافله یوسف را بمصر آورده و او را بسیار گرانها فروختند عزیز مصر که او را خریداری کرد بزن خویش سفارش غلام را نمود که مقامش بسیار گرامی دار که این غلام امید است بما نفع بسیار بخشد یا او را به فرزندی بگیریم، و ما اینچنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم و برای آنکه او را علم خوابها بیاموزیم و مقام نبوت بخشیم برگماشتیم که خدا بر کار خود غالب است و همه در مقابل قدرت او مغلوب و ناتوانند ولی بسیاری مردم بر این حقیقت آگه نیستند که امر خدا بر همه نافذ و قاهر است و اراده خلق مقهور امر حتمی خداست (۲۲) و چون یوسف بسن رشد و کمال رسید او را مسند حکمفرمائی و مقام و دانش عطا کردیم و همچنین ما نکوکاران عالم را پاداش

میبخشیم (۲۳) یوسف در آن خانه ای که بود بدون آنکه نظر بد و خیانت کند بانوی خانه بمیل نفسخود با او بنای مراده گذاشت و روزی درها را بست و یوسف را بخود دعوت کرد و اشاره کرد که من برای تو آماده ام یوسف که عفت ذاتی و قدس الهی داشت جوابداد به خدا پناه میبرم که بر چنین عمل زشت اقدام کنم خدا مرا مقامی منزه و نیکو عطا کرده چگونه خود را بستم و عصیان آلوده کنم که خدا هرگز ستمکاران را رستگار نسازد (۲۴) آن زن از فرط میل با آنکه از یوسف جواب رد و امتناع شنید باز در وصل او اصرار و اهتمام کرد و اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق نگهبان یوسف نبود او هم بمیل طبیعی اهتمام کردی ولی ما میل او را از قصد بد و عمل زشت بگردانیدیم که همانا او از بندگان معصوم و پاکیزه ماست (۲۵) و هر دو برای گریختن به جانب درشتافتند یوسف از خوف خدا و زلیخا از شوق یوسف و آن دست در گریبان او شد و پیراهن یوسف از پشت بدرید که در آن حال آقای آن زن یعنی شوهرش را بر در منزل یافتند و زن برای رفع تهمت بسخن سبقت گرفت و گفت جزای آنکه با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا بزندان برند یا به عقوبت سخت کیفر کنند چه خواهد بود؟ (۲۶) یوسف جواب داد چنین نیست بلکه این زن خود با وجود انکار من با من قصد مراده کرد و بر صدق دعویش شاهدهی از بستگان آن گواهی داد مفسران گفتند کودک کی در گهواره به اعجاز گواه صدق یوسف گردید ولی سر بسته که آن شرمنده نشود گفت اگر پیراهن یوسف از پیش دریده آن راستگو و یوسف از دروغگویان است (۲۷) و اگر پیراهن او از پشت سر دریده آن دروغگو و یوسف از راستگویانست (۲۸) چون شوهر دید که پیراهن از پشت سر دریده است گفت این شکوه و تظاهر به عفت و تهمت بر دیگری بستن از مکر شماست که مکر و حيله آنان بسیار بزرگ و حیرت انگیز است (۲۹) شوهر که حقیقت را دریافت یوسف را گفت ای پسر از این درگذر یعنی قضیه را از همه پنهان دار و آن را گفت از گناه خود توبه کن تو مرتکب خطای بزرگ شدی و سخت از خطاکاران گردیدی (۳۰) زنان مصر از آن آگاه شدند و زبان بملامت زلیخا گشودند که زن عزیز مصر خاطر خواه یوسف شده و قصد مراده با غلام خویش داشته حب یوسف وی را شیفته و فریفته خود ساخته و ما او را از فرط محبت کاملاً در ضلالت می بینیم (۳۱) چون زلیخا ملامت زنان مصری را درباره خود شنید فرستاد و از آنها دعوت کرد و مجلسی بیاراست و به احترام هر یک بالش و تکیه گاهی بگسترد و بدست هر یک کاردی و ترنجی داد و آنگاه با زیب و زیور یوسف را بیاراست و تقاضا نمود که بمجلس این زنان در آ چون یوسف را زنان مصری دیدند در جمال او حیران شده و بر حسنش زبان به تکبیر گشودند و دستها بجای ترنج بردند و گفتند تبارک الله که این پسر نه آدمی است بلکه فرشته بزرگ حسن و زیباییست (۳۲) چون زلیخا آنان را همه در جمال یوسف واله و حیران دید روی بانها کرد و گفت اینست غلامی که مرا در محبتش ملامت میکردید دیدید چگونه شما را با یک نظر شیفته و بیخود ساخت آری من خود از وی تقاضای مراده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس هم خواهش مرا رد کند البته زندانی شود و خوار و ذلیل گردد اینسخن را گفت که شاید یوسف را بتهدید با خود رام سازد (۳۳) یوسف که این سخن بشنید دست بدعا برداشت و گفت ای خدا مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که آنان از من تقاضا دارند بارالها اگر تو حيله اینان بلطف و عنایت خود از من دفع نفرمائی بانها میل کرده و از اهل جهل و شقاوت کردم (۳۴) خدا دعای او را مستجاب کرده و مکر دسایس آن زنان را از او بگردانید و دامن عصمتش را پاک داشت که خداوند دعای بندگان مخلص را می شنود و به احوال خلق آگاهست (۳۵) و با آنکه دلایل روشن پاکدامنی و عصمت یوسف را دیدند باز چنین صلاح دانستند که یوسف را چندی زندانی کنند و به حبس فرستادند تا این قضیه از سر زبانها بیفتد و بیش از این کار برسوائی نکشد (۳۶) و با یوسف دو جوان دیگر هم از ندیمان و خاصان شاه زندانی شدند آن دو جوان چوندر سیمای یوسف آثار دانش و هوش دیدند شب در زندان خوابی دیده و ازو تعبیرش خواستند یکی از آنها گفت من در خواب دیدم که انگور برای شراب میافشرم دیگری گفت من دیدم که بر بالای سر خود طبق نانی میبرم و مرغان هوا از آن بمنقار میخورند یوسف ما را تو از تعبیر آن آگاه کن که تو را از نیکوکاران و دانشمندان عالم میبینم (۳۷) یوسف در پاسخ آنها گفت من شما را از پیش که طعام آید و تناول کنید بتعبیر خوابتان آگاه میسازم که این علم را خدای بمن آموخته است زیرا که من آئین

گروهی که بخدا بی ایمان و باخرت کافرند ترک گفتم (۳۸) و از آئین پدرانم ابراهیم خلیل و اسحق و یعقوب که دین توحید و خداپرستی است پیروی کردم در آئین ما هرگز نباید چیزی با خدا شریک گردانیم و احدی را موثر در کار آفرینش دانیم این توحید و ایمان بیگانگی خدا فضل و عطای خداست بر ما و بر همه مردم لیکن اکثر مردمان شکر این عطا را بجا نمی آورند (۳۹) ای دو رفیق زندان من از شما میپرسم آیا خدایان متفرق بی حقیقت مانند بتان و فراعنه و غیره بهتر و در نظام خلقت موثرترند یا خدای یکتای قاهر و غالب بر همه قوای عالم وجود (۴۰) و بدانید که آنچه غیر از خدا میپرستید اسماء بی حقیقت و الفاظ بی معنی است که شما خودتان و پدرانتان ساخته اید خدا هیچ نشانه الهیت و کمترین اثر خالقیت در آن خدایان باطل ننهاد و همه بی اثرند و تنها حکمفرمای عالم وجود خداست و شما بندگان امر فرموده که جز آن ذات پاک یکتا کسی را نپرستید این توحید آئین محکم است لیکن اکثر مردم از جهالت بر این حقیقت آگه نیستند (۴۱) یوسف پس از آنکه دو رفیق زندانش را به دین حق دعوت کرد و حقایق توحید را باادله روشن بر آنان بیان فرمود آنگاه به تعبیر خواب آنها پرداخت و گفت ای دو رفیق زندان من اکنون تعبیر خوابتان بشنوید اما یکی از شما ساقی شراب شاه خواهد شد و اما آن دیگری بدار آویخته شود و آن قدر بر چوبه دار بماند تا مرغان مغزسر او را بخورند این مرد که تعبیر خواب خود را چنین شنید برای رهائی از خطر خواب را بدروغ منکر شد یوسف گفت که وقوع قضیه حتمی است زیرا در قضای الهی راجع به امری که سوال کردید چنین حکم شده است (۴۲) آنگاه یوسف از رفیقی که ساقی شاه و اهل نجاتش یافت در خواست کرد که مرا نزد پادشاه یاد کن باشد که چون بی تقصیرم بیند، از زندانم برهاند در آن حال شیطانید خدا را از نظرش ببرد و بخلق متوسل شد بدین سبب در زندان چندین سال محبوس بماند در صورتی که اگر بشاه متوسل نمیشد بیش از چند روز زندانی نبود (۴۳) و پادشاه مصر با ملازمان و دانشمندان دربار خود گفت من خوابی دیدم که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر خوردند و هفت خوشه سبز را هفت خوشه خشک نابود کردند ای بزرگان ملک مرا بتعبیر آن اگر علم خواب میدانید آگاه گردانید (۴۴) آنها گفتند این خواب پریشانست و ما تعبیر خواب پریشان نمیدانیم (۴۵) در اینحال آن رفیق زندانی یوسف که نجات یافته و مقرب سلطان بود بعد از چندین سال بیاد یوسف افتاد و گفت من شاه را به تعبیر این خواب آگاه میسازم مرا نزد یوسف زندانی فرستید که از او بازجویم (۴۶) در زندان رفت و گفت ای یوسفی که هر چه گوئی همه راست گوئی ما را بتعبیر این خواب که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر خوردند و هفت خوشه سبز را هفت خوشه خشک نابود ساختند آگاه گردان باشد که از پیش تو نزد مردم بازگردم و شاه و دیگران همه تعبیر خواب و مقام تو را بدانند (۴۷) یوسف در تعبیر خواب گفت باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو کنید جز کمی که قوت خود میسازید همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید (۴۸) که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید که ذخیره شما بمصرف قوت مردم برسد که گرسنه نمیرند جز اندکی که برای تخم کاشتن در انبار نگهدارید (۴۹) آنگاه بعد از سنوات قحط و شدت مجاعه باز سالی آید که مردم در آن به آسایش و وسعت و فراوانی نعمت میرسند (۵۰) این شخص تعبیر خواب را بشاه عرضه داشت شاه یوسف را خواست و گفت زود او را نزد من بیاورید چون فرستاده شاه نزد یوسف آمد یوسف باو گفت باز گرد و شاه را از من پرس چه شد که زنان مصری همه دست خود بریدند آری خدا بمکر آنان و بیگناهی من آگاهست (۵۱) شاه با زنان مصر گفت حقیقت حال خود را که با یوسف مراد داشتید بگوئید همه گفتند حاش لله که ما از یوسف هیچ بدی ندیدیم و جز عفت نفس در او مشاهده نکردیم در اینحال زلیخا زن عزیز مصر اظهار کرد که الا این حقیقت آشکار شد و من بگناه خود اعتراف میکنم که من بخواهش نفس خود با یوسف عزم مراد داشتم و او که دعوی عفت و بی گناهی می کند البته راستگوست (۵۲) یوسف گفت من این کشف حال نه برای خودنمایی بلکه برای آن خواستم تا عزیز مصر بدانند که من هرگز در نهانی باو خیانت نکردم و بدانند که خدا هرگز خیانت کاران را به مکر و خدعه به مقصود نمی رساند (۵۳) و من خودستائی نکرده و نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمیدانم زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت و امدار دارد جز آنکه خدای من بلطف خاص خود بنده را از فریب نفس نگهدارد که خدای من بسیار آمرزنده و

مهربانست (۵۴) شاه گفت یوسف را نزد من آرید که او را از زندان خلاص و از خاصان خود گردانم چون او را ملاقات کرده و با او هر گونه سخن به میان آورد او را بسیار خردمند و شایسته یافت باو گفت تو امروز که مقام معلوم شد نزد ما امین و صاحب منزلت خواهی بود (۵۵) یوسف بشاه گفت در این صورت مرا بخزانه داری مملکت و ضبب دارائی کشور منصوبدار که من در حفظ دارائی و مصارف آن دانا و بصیرم (۵۶) سپس یوسف به مقام شاهی رسید و ما در حقیقت یوسف را در زمین بدین منزلت که هر جا خواهد فرمانروا باشد رسانیدیم نه شاه مصر که هر کس را ما بخواهیم بلطفخاص خود مخصوص میگردانیم و اجر هیچکس از نیکوکاران را در دنیا ضایع نمیگذاریم (۵۷) و حال آنکه اجر عالم آخرت برای اهل ایمان و مردم پرهیزکار بسیار بهتر از اجر و مقام دنیوی است (۵۸) برادران یوسف که در کنعان بقحطی مبتلا شدند چهل سال بعد از فروختن یوسف بمصر نزد یوسف آمدند در حالی که او برادران را شناخت ولی آنها یوسف را نشناختند و در خیال آنها نمی گنجید که آن برادر بی کس غریبشان بغلامی از دیار کنعان به ملک مصر آید و بخواست خدا شاه کشور فرعونیان شود (۵۹) برادران از یوسف در مقابل متاعی که آورده بودند طعام خواستند و یوسف چون بار غله آنها را بست از آنها پرسید شما برادری دیگر نیز دارید؟ گفتند یک برادر پدری هم داریم گفت میخواهم برادر پدری را نزد من سفر دیگر بیاورید تا در حق شما چون مطمئن شدم و راستگویتان یافتم بیشتر احسان کنم نمی بینید که من مقدار زیادی از خواربار در این زمان قحط بشما عطا کردم و بهترین میزبان شما بودم (۶۰) و اگر آن برادر را همراه بیاورید دیگر بکشور من نیائید و از من تقاضای مساعدت مکنید (۶۱) برادران گفتند تا بتوانیم میکوشیم که پدر را راضی کنیم و برادر را همراه بیاوریم (۶۲) آنگاه یوسف بغلامانش گفت متاع این کنعانیان را در میان بارهاشان بگذارید که چون بشهر خود رفته متاع خود را دیدند دریابند که من غله بلا- عوض بانها داده ام. این احسان موجب شود که باز نزد من مراجعه کنند (۶۳) چون برادران نزد پدر بازگشتند گفتند ای پدر با همه کرم و سخای خدیو مصر غله بسیار بما عطا نشد و وعده داد که اگر برادر خود را همراه آورید بشما گندم فراوان خواهم داد پس تو با کمال اطمینان او را با ما فرست تا مقدار کافی غله تهیه کنیم و البته ما کاملاً نگرهبان او خواهیم بود (۶۴) یعقوب گفت آیا من همانقدر درباره این برادر بشما مطمئن باشم که درباره یوسف مطمئن بودم؟ بلی باز این را هم میفرستم و بخدا می سپارم که خدا بهترین نگرهبان و به خلق مهربانترین مهربانانست (۶۵) چون برادران بارها را گشوده و متاعشان را بخود رد شده یافتند پدر را گفتند که ما دیگر چه میخواهیم با همین مال التجاره باز بمصر میرویم و غله برای اهللیت خود تهیه کرده و برادر را هم در کمال مراقبت حفظ میکنیم و بار شتری بر اینقوت کم که اکنون آورده ایم میافزائیم (۶۶) یعقوب گفت تا شما برای من بخدا عهد و قسم یاد کنید که او را برگردانید مگر آنکه بقهر خدا هلاک شوید من هرگز بنیامین را همراه شما نخواهم فرستاد پس چون برادران عهد و قسم بخدا یاد کردند یعقوب گفت خدا بر قول ما وکیل و گواه است و او را فرستاد (۶۷) و گفت ای پسران من سفارش میکنم که چون بمصر برسید همه از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف در آئید و بدانید که از خدا چیزی شما را بی نیاز نتواند کرد که هیچکس فرمانفرمای عالم جز خدا نیست بر او توکل میکنم و باید همه صاحبان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند (۶۸) چون آنها بملک مصر بطریقی که پدر دستور داده بود وارد شدند البته چیزی از خدا آنان را بی نیاز نکرد جز آنکه در دل یعقوب که گفت از درهای متفرق در آئید غرضی بود که از چشم بد گزندى نبینند ادا گردید و او بسیار بعلم الهی دانشمند بود زیرا ما او را به وحی خود علم آموختیم و لیکن اکثر مردم نمیدانند (۶۹) چون برادران بر یوسف وارد شدند او برادر خود بنیامین را مشتاقانه بحضور خواند و در کنار خویش جای داد و باو اظهار داشت که همانا برادر تو یوسف که از فراقش میسوختی من همانم اکنون شاد شو و دیگر بر آنچه برادران بر یوسف کردند محزون مباش (۷۰) چون بار آن قافله را مهیا ساختند جام زرین را شاه در رحل برادر نهاد و آنگاه از غلامان منادئی ندا کرد که ای اهل قافله شما بی شک دزدید (۷۱) آنها رو بغلامان کرده برآشفتنند که مگر چه چیز از شما مفقود شده است که نسبتسرتق بما میدهید (۷۲) غلامان گفتند جام زرین شاه ناپیداست و من که رئیس انبارم یکبار شتر طعام ضمانتکنم بر آن کس که جام را پیدا کرده بیاورد (۷۳) برادران گفتند بخدا سوگند که شما بخوبی حال ما را دانسته

و شناخته اید که برای فساد در این سرزمین نیامده و دزد نبوده ایم (۷۴) غلامان گفتند اگر کشف شد که دروغ می‌گوئید کیفر آن دزد چیست؟ (۷۵) گفتند جزاء آن کس که این جام در رحل او یافت شود آنست که هم او را به بندگی برگیرند که ما دزد و ستمکار را چنین بکیفر میرسانیم (۷۶) یوسف یا مامور او شروع در تحقیق از بارهای ایشان کرد آخر آن مشربه را از برادر خود بنیامین بیرون آورد این تدبیر که آن برادر را باین اتهام نزد خود نگاه دارد و امر را بر برادران دیگر مشتبه کند ما به یوسف آموختیم که در آئینملک این نبود که بتوان آن برادر را بگرو بگیرد جز آنکه خدا بخواهد و دستوری از طریق وحی بیوسف بیاموزد و ما که خدای جهانیا نام هر کس را بخواهیم به مراتب بلند میرسانیم و تا مردم بدانند که فوق هر دانشمندی دانشمندتری وجود دارد تا بخدا منتهی شود و تنها خدا در همه علم و در اوصاف و کمالات فوق همه موجودات است (۷۷) برادران چون مشربه سلطان از بار بنیامین درآمد گفتند که اگر این دزدی کند بعید نیست که برادرش یوسف نیز از پیش دزدی کرد از پدر مادری خود بتی دزدید که نابود سازد زیرا با بت از کودکی دشمن بود یوسف چون اتهام دزدی را بخود شنید خشم خود را فرو برد و باز قضیه را در دل پنهان کرد و بانها اظهار نکرد که من آن یوسفم و ابدا نه من و نه برادرم دزدی نکرده ایم و گفت شما بسیار مردم بدی هستید که خود بد کرده و بدیگران تهمت بسته و یا غیبت میکنید و خدا بر آنچه نسبت میدهید بحقیقت آن آگاه تر است (۷۸) برادران چون دیدند که اگر برادرشان بجرم دزدی بمصر بماند پدر از آنها باور نمیکند سخت نگران شده و به التماس گفتند ای عزیز مصر تو بچشم دل ما از نیکان عالمی ما را پدر پیری است که باین برادر علاقه شدید دارد لطفی کن و یکی از ما را بجای او نگاه دار (۷۹) یوسف گفت معاذ الله که ما در شرع خویش جز آنکه متاع خود را نزد او یافته ایم دیگری را بگیرییم که اگر چنین کنیم بسیار مردم ستمکاری هستیم (۸۰) چون برادران از پذیرفتن خواهش خود مایوس شدند با خود خلوت کرده و در سخن سرخود بمیان آوردند. برادر بزرگ گفت آیا نه این است که پدر از ما عهد و سوگند بنام خدا گرفته است و از این پیش هم درباره یوسف مقصر بودیم ما دیگر با چه آبرو نزد پدر روییم من که هرگز از این سرزمین برنخیزم تا پدرم اجازه دهد یا خدای عالم حکمی درباره من فرماید که او بهترین حکمفرمایانست (۸۱) شما نزد پدر باز شوید و بگوئید که فرزندان بنیامین در مصر سرقت کرد و بدین جرم گرفتار شد و ما جز بر آنچه دانستیم گواهی ندادیم و لیکن حقیقت امر چیست ما حافظ اسرار غیب نیستیم (۸۲) و اگر پدر باور نکرد بگوئید از آن شهر و از آن قافله که ما در آن بودیم حقیقت را جويا شود تا صدق دعوی ما کاملا بر تو معلوم گردد (۸۳) آنها نزد پدر آمده و قضیه را اظهار داشتند یعقوب گفت این قضیه هم مانند یوسف و گرگ حقیقت ندارد بلکه چیزی از او هام عالم نفس، بر شما جلوه نموده پس من باز هم راه صبر نیکو پیش گیرم که امید است خدا ایشان را بمن باز رساند که او خدائی حکیم دانا و درستکار است (۸۴) آنگاه یعقوب از شدت حزن روی از آنها بگردانید و گفت و اسفا بر فراق یوسف عزیزم و از گریه غم، چشمانش در انتظار یوسف سفید شد و سوز هجران و داغ دل بنهفت (۸۵) فرزندانش بملامت گفتند بخدا سوگند که تو آنقدر دایم یوسف کنی تا از غصه فراقش مریض شوی و یا خود را بدست هلاک سپاری (۸۶) یعقوب بفرزندان گفت من با خدا غم و درد دل خود گویم و از لطف بیحساب خدا چیزی دایم که شما نمیدانید (۸۷) ای فرزندان بروید بملک مصر و از حال یوسف و برادرش تحقیق کرده و جويا شوید و از رحمت بی منتهای خدا نومید مباشید که هرگز جز کافر هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست (۸۸) برادران به امر پدر باز بمصر آمده و بر شاه وارد شدند و گفتند ای عزیز مصر ما با همه اهلیت خود بفقرو و قحطی و بیچارگی گرفتار شدیم و با متاعی ناچیز و بی قدر حضور تو آمدیم محبت فرما و بر قدر احسانت نسبت بما بیفزا و از ما به صدقه دستگیری کن که خدا صدقه بخشندگان را نیکو پاداش میدهد (۸۹) در اینحال که یوسف نیازمندی و دلشکستگی برادران را دید رحمش آمد و پرده از روی کار برداشت و گفت شما برادران یوسف در دوران جهل و نادانی فهمیدید که با یوسف چه کردید؟ (۹۰) آنان بخود آمده و با شرم حضور گفتند آیا همان یوسف که چهل سال پیش ما بکاروان فروختیم تو هستی؟ پاسخ داد که آری من همان یوسف و این برادر من بنیامین است خدا به رحمت بی حساب خود بر ما منت نهاد و ما را به دیدار هم پس از چهل سال رسانید که البته هر کس در حوادث عالم تقوی

و صبر پیشه کند چنین کسی نیکوست و خدا اجر نیکویان را ضایع نگذارد (۹۱) در آن هنگام با نهایت شوق و سرور با یوسف گفتند بخدا که تو را بر ما بملک و عزت و عقل و حسن و کمال برگزید و ما در حق تو و نشناختن قدر تو مقصر و خطا کاریم (۹۲) یوسف چون برادران را شرمگین یافت از روی مهربانی گفت امروز هیچ خجل و متاثر نباشید که من عفو کردم خدا هم گناه شما ببخشد که او مهربانترین مهربانانست (۹۳) اکنون پیراهن مرا نزد پدرم یعقوب برده و به روی او افکنید که تا دید گانش باز بینا شود آنگاه او را با همه اهلیت و خویشان از کنعان بمصر آرید (۹۴) و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسفم را میشنوم (۹۵) شنوندگان زبان ملامت گشوده گفتند قسم بخدا که تو از قدیم الایام تاکنون از شوق یوسف حواست پریشان و عقلت مشوش است که هنوز بوی یوسف میشنوی (۹۶) پس از آن که بشیر بشارت یوسف آورد و پیراهن او را به رخسارش افکند دیده انتظارش بوصل روشن شد و گفت بشما نگفتم که از لطف خدا چیزی از اسرار غیب آگاهم که شما آنگه نیستید (۹۷) در آن حال برادران یوسف با تضرع و التماس عرضه داشتند ای پدر ما گنه کاریم از ما در گذر بر تقصیراتمان از خدا آمرزش طلب که ما درباره یوسف خطای بزرگ مرتکب شده ایم (۹۸) پدر گفت حالی که به دیدار یوسف میرسم بزودی در شب جمعه سحرگاه از درگاه خدا برای شما آمرزش میطلبم که او بسیار آمرزنده و مهربانست (۹۹) پس آنگاه که یعقوب و آلش از کنعان بجانب مصر حرکت کردند و بر یوسف وارد شدند یوسف پدر و مادر خود را مراد از مادر خاله یوسفست در آغوش آورد و از آنجا که به استقبالشان آمده بود گفت به شهر مصر در آئید که انشاء الله بعد از ایناز شرفراغه مصر ایمن خواهید بود (۱۰۰) آنگاه پدر و مادر را بر تخت بنشانند و آنها بشکرانه دیدار او خدا را سجده کردند و یوسف در آن حال پدر را گفت که این بود تعبیر خوابی که از پیش دیدم که خدای من آن خواب را واقع و محقق گردانید و درباره من احسان فراوان فرمود که مرا از تاریکی زندان نجات داد و شما را از بیابان دور باینجا آورد که پس از دیرگاه بدیدار هم نائل شدیم پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فساد کرد و مدتی جدائی افکند که خدای من لطف و کرمش بانچه مشیتش تعلق گیرد شامل شود و هم اودانا به حقیقت امور و محکم کار در تدبیر آفرینش است (۱۰۱) آنگاه یوسف رو به درگاه خدا آورد و عرض کرد بارالها تو مرا سلطنت و عزت بخشیدی و علم رویا و تعبیر خوابها بیاموختی توئی آفریننده زمین و آسمان توئی ولی نعمت و محبوب من در دنیا و آخرت مرا به تسلیم و رضای خود بمیران و با صالحانم محشور فرما (۱۰۲) ای رسول ما این حکایت از اخبار غیب بود که بر تو به وحی رسانیدیم و گرنه تو آنجا که برادران یوسف بر مکر و حيله تصمیم گرفتند حاضر نبودى و چون امى هستى در کتابى نیز نخواندى (۱۰۳) و بدان که تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد دل پاکت را زیاد رنجه مدار (۱۰۴) و تو ای رسول ما، از امت خود اجر رسالت نمی خواهی و این کتاب غرضی جز آنکه اهل علم را متذکر و بیدار سازد ندارد (۱۰۵) و این مردم بی خرد چه بسیار بر آیات و نشانه های قدرت حق در آسمانها و زمین میگذرند و از آن روی می گردانند و اعراض از تامل و تفکر در آن میکنند (۱۰۶) و اکثر خلق بخدا ایمان نمیآورند مگر آنکه مشرک شوند و جز خدا امور دیگر رانیز موثر در انتپام عالم دانند (۱۰۷) آیا مردم کافر ایمن از آنند که عذابی از قهر خدا بر آنها احاطه کند یا آنکه ساعت مرگشان ناگهان فرا رسد که در آن حال غافل باشند (۱۰۸) ای رسول ما، امت را بگو طریقه من و پیروانم همین است که خلق را بخدا با بینائی و بصیرت دعوت کنم و خدا را از شرک و شریک منزه دانم و هرگز بخدای یکتا شرک نیاورم (۱۰۹) و ما هیچکس را پیش از تو به رسالت نفرستادیم جز آنکه رسولان همه مانند تو مردانی بودند از اهل شهرهای دنیا که بوحی ما موید شدند اینانکه به انکار رسول براه کفر و باطل میروند آیا در روی زمین سیر نکرده اند تا عاقبت حال پیشینیانشان که چگونه هلاک شدند بنگرند؟ و شما مومنان اگر تعقل کنید بخوبی خواهید فهمید که سرای آخرت برای اهل تقوی از حیات دنیا بسیار نیکوتر است (۱۱۰) مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند تا آنجا که رسولان مایوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد یا گمان کردند که دیگر هیچکس تصدیق آنها نخواهد کرد در آن حال نزدیک ناامیدی وقت یاری ما فرا رسید تا بلطف خود هر که را بخواهیم نجات بخشیم و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز نخواهد

گردید(۱۱۱) همانا در حکایت آنان یعنی پیغمبران یا یوسف و برادران برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود این قرآن نه سخنی است که فرا توان بافت لیکن به اعجاز خود کتب آسمانی پیش از خود را هم تصدیق کرده و هر چیزی را که راجع به سعادت دنیا و آخرت خلق است مفصل بیان میکند و برای اهل ایمان هدایت و سعادت و رحمت خواهد بود(۱۱۲)

الرعد

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) المر رمزی بین خدا و رسول است اینست آیات کتاب خدا و قرآنی که بحق و راستی بر تو از جانب پروردگار نازل گردید و لیکن اکثر مردمان به آن ایمان نمی‌آورند(۲) خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که مینگرید بی ستون برافراشت آنگاه با کمال قدرت عرش وجود کل را در خلقت بیاراست و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر کدام در وقت خاص و مدار معین بگردش آیند امر عالم را با نیامی محکم و آیات قدرت را با دلائلی مفصل منظم و مبین ساخت باشد که شما بندگان بغرض اصلی خود که معرفت خدا و وصول بعالم بقاست پی برید و به ملاقات پروردگار خود یقین کنید(۳) و اوست خدائی که بساط زمین را بگسترده و در آن کوه ها برافراشت و نهرها جاری ساخت و از درختان هر گونه میوه ها پدید آورد همه چیز را جفت بیافرید و شب تار را به روز روشن بپوشانید همانا در این امور متفکران را دلائل روشن بر قدرت آفریدگار است(۴) و در زمین قطعاتی مجاور و متصل است که آثار هر قطعه مابین دیگر است یکجا معدن نفت و طلا و فیروزه و آغال و غیره است و یکجا نیست آملینی برای تاکستان و باغ انگور قابل است و یکجا برای زراعت غلات و آملینی برای نخلستان آنهم نخلهای گوناگون و با آنکه همه با یک آب مشروب میشوند ما بعضی را برای خوردن بر بعضی برتری دادیم و این امور اختلاف آثار قطعات زمین عاقلان را ادله واضحه بر حکمتصانع است یعنی هر کس فکر و عقل کار بندد خواهد فهمید که این نظم و ترتیب در آسمان و زمین با این خواص مذکور بدست طبیعت نیست بلکه به امر خدای با علم و قدرت و حکمت است(۵) و اگر تو را جای تعجب به کار منکران است عجب قول منکران معاد است که میگویند آیا ما چون خاک شدیم باز از نو خلق خواهیم شد؟ اینان هستند که به خدای خود کافر شدند و هم اینان زنجیرهای قهر و عذاب بر گردن خود نهادند و هم اینان اصحاب دوزخ و در آن همیشه معذبند(۶) ای رسول ما، کافران به جای تقاضای آمرزش و احسان به تمسخر از تو تقاضای تعجیل در عذاب میکنند؟ در صورتی که چه عقوبتها بر امتان کافر گذشته رسید مگر اینان عبرت گرفته و از کفر به ایمان گریند تا خدا از جرمشان درگذرد که خدا بر ظلم خلق هم بسیار صاحب عفو و مغفرت است و هم صاحب قهر و انتقام سخت است(۷) و باز به طعنه میگویند که چرا خدا بر او آیت و معجزه ای نفرستاد باید بدانند که تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن خلق از نافرمانی خدا است و هر قومی را از طرف خدا رهنمائیست در اخبار و تفاسیر بسیار رهنما به علی (ع) تفسیر شده(۸) تنها خدا میداند که بار حمل آبستان عالم چیست و بار رحما چه نقصان و چه زیادت خواهد یافت و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است(۹) اوست عالم به عوالم غیب و شهود و بزرگ خدای متعال برتر از هر وصف و ادراک عقول(۱۰) در پیشگاه علم ازلی اینکه شما سخن به سر گوئید یا آشکار و آنکه در ظلمت شب است یا روشنی روز، همه یکسانست و خدا بر همه آگاهست(۱۱) برای هر چیز پاسبانها از پیش رو و پشت سر برگماشته که به امر خدا او را نگهبانی کنند و خدا با آن همه مهربانی بخلق حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند و از نیکی ببدی شتابند و هر گاه خدا اراده کند که قومی را ببدی اعمالشان عقاب کند هیچ راه دفاعی نداشته و هیچکس را جز خدا یارای آنکه آن بلا بگرداند نیست(۱۲) اوست که برای بیم از قهر و امید برحمت خود برق را بشما مینماید و ابرهای سنگین را هر جانب بر میانگیزد(۱۳) رعد و برق و همه قوای عالم غیب و شهود و جمیع فرشتگان همه از بیم قهر خدا به تسبیح و ستایش او مشغولند و صاعقه ها را بر سر هر قومی بخواهد میفرستد باز هم کافران در قدرت خدای سخت انتقام جدل میکنند(۱۴) دعوت خدا و رسولانش بحق و حقیقت است و هر وعده لطف و احسان کند صدق است ولی دعوی غیر خدا و غیر

خداپرستان همه دروغ است هیچ حاجتی را از خلق برنیاورند مانند آن کس که بر چاه آبی دست فرو برد که بیاشامد و دستش باب نرسد و کافرانجز به حرمان و ضلالت دعوت نمیکنند(۱۵) هر که در آسمانها و زمین است با همه آثار وجودش به رغبت و اشتیاق و به اکراه و الزام شب و روز به طاعت خدا مشغولست(۱۶) ای رسول ما از این مشرکان بازپرس که آفریننده آسمانها و زمین کیست؟ اگر آنها از جهل و عناد جواب ندهند تو خود بگو خداست آفریننده عالم پس بگو شما خدا را گذارده و غیر خدا مانند بتان و فرعونان را برای نگهبانی و یاری خود برگزیدید در صورتی که آنها بر سود و زیان خود هم قادر نیستند؟ آنگاه بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسانست یا ظلمات شرک و بت پرستی با نور معرفت و خدا پرستی مساویست؟ یا آنکه این مشرکان شریکانی برای خدا یافتند که آنها همانند خدا چیزی خلق کردند و بر مشرکان خلق خدا و خلق شریکان خدا مشتبه گردید؟ بلکه هرگز چنین نیست تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتائی است که همه عالم مقهور اراده اوست(۱۷) خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی بقدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد و بر روی سیل کفی برآمد چنانچه فلزاتی را نیز که برای تجمل و زینت مانند طلا و نقره یا برای اثاث و ظروف مانند آهن و مس در آتش ذوب کنند مثل آب کفی برآورد خدا بمثل این آب و فلزات و کف روی آنها برای حق و باطل مثل میزند که باطل چون آن کف بزودی نابود میشود و اما آن آب و فلز که بخیر و منفعت مردم است مدتی در زمین درنگ میکند خدا مثلها را برای فهم بدین روشنی بیان میکند(۱۸) آنانکه دعوت حق را اجابت کرده و بخدا ایمان آوردند بر آنها بهترین پاداش و خوشترین زندگانیست و آنانکه اجابت نکردند اگر مالک همه آنچه در روی زمین استباشند آن را فدای آسایش خود کنند مگر از عذاب برهند هرگز نجات نیابند و آنها را حساب سخت و جایگاه دوزخ باشد که بسیار بد آرامگاه‌هایست(۱۹) آیا مسلمانی که به یقین میدانند که این قرآن بحق از جانب خدا بر تو نازل شده است و از آن کسب علم و حکمت و سعادت میکند مقامش نزد حق با کافر نابینای جاهل یکسانست؟ هرگز یکسان نیست و تنها عاقلان متذکر این حقیقتند(۲۰) تنها عاقلانند که هم بعهده خدا وفا میکنند و هم پیمان حق را نمی شکنند(۲۱) و هم آنچه را خدا امر به پیوند آن کرده مانند صله رحم و دوستی پدر و مادر و محبت اهل ایمان و علم و حفظ عهد و پیمان با خدا و خلق اطاعت میکنند و از خدا میترسند و از سختی هنگام حساب میاندیشند(۲۲) و هم در طلب رضای خدا راه صبر پیش میگیرند و نماز بپامیدارند و از آنچه نصیبتان کردیم بفقرا پنهان و آشکار انفاق میکنند و در عوض بدیهای مردم، نیکی میکنند اینان هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یافتند(۲۳) که آن منزل بهشتهای عدن است که در آن بهشت خود و همه پدران و آنان و فرزندان شایسته خویش داخل میشوند در حالی که فرشتگان بر تهنیت آنها از هر در وارد میگردند(۲۴) و میگویند سلام و تحیت بر شما باد که در طاعت و عبادت خدا صبر پیشه کردید تا عاقبت نیکو منزلگاهی یافتید(۲۵) آنانکه پس از پیمان بستن با خدا و رسول عهد خدا را شکستند چون معاویه صفتان و هم آنچه خدا امر به پیوند آن کرده مانند صله رحم و دوستی علی (ع) و مومنان و اولیاء خدا پاک بگسستند و در روی زمین فساد و فتنه برانگیختند اینان را لعن خدا و منزلگاه عذاب سخت دوزخ نصیب است(۲۶) خدا هر که را خواهد فراخ روزی و هر که را خواهد تنگ روزی میگرداند و این مردم کافر به زندگانی و متاع دنیا دلشادند در صورتی که دنیا در قبال آخرت متاع موقت ناقابلی بیش نیست(۲۷) کافران مکه میگویند چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر اثبات نبوت او نازل نشد ای رسول ما تو بانها بگو که حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که بدرگاه او تضرع و انابه کند هدایت میکند(۲۸) چه اشخاصی بدرگاه خدا انابه و تضرع میکنند؟ آنها که بخدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد خدا آرام میگیرد مردم آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست(۲۹) آنانکه بخدا ایمان آورده و بکار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها(۳۰) ای محمد (ص) ما تو را میان خلقی به رسالت فرستادیم که پیش از اینهم پیغمبران و امتهای دیگر بجایشان بوده و درگذشتند امر تازه ای نیست که تو را بر رسالت فرستادیم تا بر امت آنچه از معارف الهی از ما به وحی بر تو رسد تلاوت کنی و بمردمی که بخدای مهربان کافر میشوند بگو او خدای منست و جز آن خدائی نیست و من بر او توکل کرده ام و روی امیدم همه

بسوی اوست (۳۱) و اگر کتابی با اعجاز بیان کوه‌ها را برفتار و مردگان را بگفتار آرد و زمین را از هم بشکافد همین قرآن با عظمت است که با وجود آن باز ایمان نمی‌آورند آری فرمان دو همه عالم با خداست هر چه خواهد بمشیت ازلی میکند آیا مومنان هنوز ندانسته‌اند که خدا اگر بخواهد همه مردم را به الزام و جبر هدایت میکند؟ این نه مصلحت است زیرا کافران باید پیوسته از کردار زشتشان بکیفر و سرکوبی رسند یا مصیبتی بر دیار آنها زود فرود آید تا آنگاه که در محشر هم وعده خدابر هلاک آنها فرا رسد که خدا خلاف وعده نخواهد کرد (۳۲) ای رسول ما، تو از آزار و تکذیب امت هیچ غمین مباش که مردم برسولان پیش از تو هم استهزاء بسیار کردند ما هم به آنها فرصت دادیم تا آنگاه که ایشان را بعقوبت گرفته و با چه عقاب سخت بکیفر رسانیدیم (۳۳) آیا خدائی را که نگهبان همه نفوس عالم با آثارشان اوست فراموش کردند و برای خدا شریکانی از پیش خود جعل کردند ای رسول بانها بگو که نام خدایان خود برگوئید که اینها کیستند و اثر اینان چیست و از چه رو مستحق پرستش شدند یا اینکه شما مردم نادان می‌خواهید خدا را بچیزی که در زمین از آن آگاه نیست آگه سازید؟ یا آنکه بظاهر سخنی که خود هم حقیقتی بر آن قائل نیستند می‌گوئید؟ بلکه کافران را مکر و فسون بت تراشان در نظر زیبا آمده و از راه خدا باز ماندند و هر کس را خدا گمراه کند یعنی پس از اتمام حجت بگمراهی واگذار دیگر هیچکس وی را هدایت نتواند کرد (۳۴) چنین گمراهان هم در زندگانی دنیا به انواع بلا معذبند و هم در عالم آخرت بسختترین عذاب گرفتارند و از قهر خدا ابدان نگهداری ندارند (۳۵) بهشتی که متقیان را وعده دادند چنانست که نهرها زیر درختانش جاریست و ماکولاتش همیشگی و سایه آن برقرار است این بهشت سرانجام اهل تقوی و آتش دوزخ سرانجام کافرانست (۳۶) آنان که ما بر آنها کتاب فرستادیم یعنی مومنان اهل کتاب و مسلمانان بر اینکتاب با عظمت قرآن که بر تو نازل شد بسیار خوشوقتند و جماعتی از آنها مانند کفار اهل کتاب و قریش برخی آیات را انکار میکنند و در کتاب خدا چون و چرا روا دارند آنها را بگو من مأمورم که خدای یکتا را پرستم و هرگز باو شرک نیاورم خلق را بسوی او دعوت کنم و بگویم که بازگشت ما بسوی اوست (۳۷) و همچنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم و اگر با این کتابزرگ علم و دانش که بر تو از جانب خدا آمد باز پیرو میل جاهلان آنها شدی بدان که دیگر مدد و نگهبانی از خدا نخواهی داشت (۳۸) و ما رسولانی پیش از تو بخلق فرستادیم و بر همه مانند تو آنان و فرزندان مقرر نمودیم یعنی همه رسل بشر بودند یکی فرشته نبود که از لوازم بشری بی نیاز باشد و هیچ پیغمبری نبوده که بی اذن خدا آیت و معجزی آورد که هر امری را وقتی معین در کتاب قضای حق مرقوم است (۳۹) خدا هر چه را خواهد از احکام یا حوادث عالم محو و هر چه را خواهد اثبات میکند اجل و علل و حوادث عالم را به مشیت خود تغییر میدهد و اصل کتاب آفرینش مشیت اوست (۴۰) و هرگاه ما در حیات تو بر تو برخی از آن وعده‌عذابی که بر کافران دادیم پدیدار کنیم یا آنکه پیش از وقت تو را به دیدار آخرت بریم بهر حال بر تو تبلیغ حکم خدا و بر ما حساب خلقت تعیین وقت عذاب و حساب یا عفو بندگان او و وظایف نبوت نیست (۴۱) آیا مردم ندیدند و بسیار در جهان مشاهده نکردند که ما بفرستادن رسولان عزم سرزمین کافران جاهل کرده و از هر طرف میکاهیم و بر بلاد و قدرت اهل ایمان می‌افزاییم؟ و تنها خداست که در جهان فرمان دهد و هیچکس بر رد حکمش قادر نیست و اوست که در یک لحظه حساب همه خلق بیشمار را میکند (۴۲) پیش از اینان هم بسیاری کافران مکرها بر ضد رسولان کردند و عاقبت همه هلاک شدند پس همه مکر و تدبیرها نزد خداست و او بخلق فکر و مکر و سیاست آموخته است و او میداند هر کس به چه کار و اندیشه است و کافران به زودی خواهند یافت که عاقبت خوش و منزل سعادت برای کیست (۴۳) و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی بگو تنها گواه بین من و شما خدا و عالمان حقیقی بکتاب خدا که انبیاء و اولیاء و علماء ربانیند کافی خواهد بود (۴۴)

ابراهیم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ال حروف مقطعه اسرار الهی است این قرآن کتابی است که ما به تو فرستادیم تا مردم را به امر خدا از

ظلمات جهل و کفر بیرون آری و با علم و ایمان بعالم نور رسانی و به راه خدای مقتدر ستوده صفات رهسپار گردانی (۲) خدائی که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست و وای بر کافران از آتشقهر و عذاب سخت خدا (۳) کافران یعنی آنانکه زندگانی دنیا را بر آخرت مقدم و محبوبتر دارند و خلق را از راه خدا بر گردانند و آن راه راست را به شک و شبهات کج کنند آنان در گمراهی و از سعادت و رحمت خدا بسیار دورند (۴) و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر بزبان آن قوم تا بر آنها معارف و احکام الهی را بیان کند و بر امت اتمام حجت شود آنگاه خدا هر که را خواهد بضلالت وامیگذارد و هر که را خواهد بمقام هدایت میرساند و او خدای مقتدر داناست و همه کارش از روی حکمت و مصلحت است (۵) و ما موسی عمران را با آیات خود با تورات و معجزات بر فرعونیان فرستادیم و باو دستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آور و بعالم نور رسان و روزهای خدا را بیاد آور که این یادآوری ایام الله بر هر شخصی که در بلا و نعمت صبور و شکر گزار است دلائل روشنی خواهد بود مراد بایام الله برخی ایام عهد الست و روزگار عالم ذر و برخی ایام ظهور پیغمبران و برخی حوادث عظیم لطف بر مومنان و قهر بر کافران تفسیر کرده اند (۶) ای رسول ما یاد کن وقتی را که موسی بقوم خود گفت بخاطر آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما را از بیداد فرعون نجات داد که آنها شما را بظلم و شکنجه سخت میافکندند پسرانتان را کشته دخترانتان را بذلت و بیچارگی ابقار میکردند و این ابتلار و امتحان بزرگی از جانب خدا بر شما بود (۷) و باز بخاطر آرید وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت بجای آرید بر نعمت شما میافزایم و اگر کفران کنید بعد از شدید گرفتار میکنیم (۸) و باز به یاد آرید که موسی برای اتمام حجت بقوم خود گفت اگر شما و همه اهله زمین یکمرتبه کافر شوید خدا از همه بی نیاز است او محتاج عبادت و شکر خلق نیست بلکه بندگان بطاعت و شکر خدا محتاجند تا بدین وسیله بکمال سعادت و نعمت برسند (۹) آیا اخبار بسیاری از پیشینیان شما مانند قوم عاد و ثمود و قوم بعد از آنها که همه در گذشتند و جز خدا کسی بر احوالشان آگاه نیست بشما نرسیده که پیغمبران ایشان آیات و معجزات روشن بر آنها آوردند و آنها از تعجب و خشم دست بدهان فرورده میگفتند که ما بهر چه شما پیغمبران مامور آن هستید بهمه کافریم و هم به آنچه شما دعوت میکنید از خدا و قیامت و بهشت و دوزخ و سایر گفتارتان در همه شک و تردید داریم (۱۰) رسولان در جواب آنها گفتند آیا در هر چه شک کنید در خدا هم که آفریننده آسمانها و زمین است شک توانید کرد ای بیچارگان گمراه خدا بواسطه رسولانش شما را بمغفرت و آمرزش از گناهان میخواند و می خواهد از تعجیل بعقوبت عصیان برهاند و لایق لطف و رحمت خود کند و به اجل معین و عمر طبیعی برساند باز کافران گفتند ما شما پیغمبران را مثل خود بشری بیشتر نمیدانیم که بدعوی نبوت میخواهید ما را از آنچه پدران ما میپرستیدند منع کنید و اگر برآستی پیغمبر هستید برای ما حجت و معجزی که ما را مجبور به ایمان کند بیاورید (۱۱) رسولان باز بکافران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما بشری بیش نیستیم لیکن خدا هر کس از بندگان را بخواهد بنعمت بزرگ نبوت منت میگذارد و به وحی خود برمیگزیند و ما را نرسد که آیت و معجزی الا به اذن و دستور خدا بیاوریم مومنان باید بخدا در هر حال توکل کنند (۱۲) و چرا ما بر خدا توکل نکنیم؟ در صورتی که خدا ما را براه راست هدایت فرموده و البته در راه اطاعت و رضای خدا به آزار و ستمهای شما صبر خواهیم کرد که ارباب توکل باید همیشه در همه حال خوش و ناخوش بر خدا توکل کنند (۱۳) باز کافران بر رسولان پاسخ دادند که دست از این دعویها بردارید و به آئین ما برگردید و الا ما البته شما را از شهر و دیار خود بیرون میکنیم در این حال که رسولان مایوس از ایمان کافر شدند خدا بانها وحی فرمود که غم مخورید البته ما ستمکاران را هلاک خواهیم کرد (۱۴) محققا ما شما رسولان و پیروانتان را در سرزمین کافران پس از هلاک آنها با آسایش و ایمنی ساکن میگردانیم و این آسایش نصیب کسی است که خوف خدا در دل اوست و از وعده قهر و عقاب خدا میترسد (۱۵) و البته فتح و فیروزی بر حسب وعده ما نصیب رسولان خداست و نصیب هر ستمگر جبار هلاکت و حرمانست (۱۶) از پی گردنکش عنود آتش دوزخ خواهد بود و آبی که میاشامد در دوزخ آب پلید چرکیناست (۱۷) که آن آب پلید را پیوسته میاشامد و هیچ گوارای او نشود و از هر جانب مرگ به وی روی آور شود ولی نمیرد تا دائم در عذاب سخت معذب

باشد (۱۸) مثل اعمال کسانی که بخدا کافر شدند بجا کستری میماند که در روز تندباد شدید همه بیاد فنا رود و از همه کوشش خود هیچ نتیجه نبرند این همان ضلالت و حسرت دور از طریق نجات است (۱۹) ای بشر ندانستی که خدا آسمانها و زمین را بحق آفریده و برای مقصود بزرگی خلق کرده است و اگر بخواهد شما جنس بشر همه را در زمین نابود میسازد و خلقی دیگر از نو میافریند (۲۰) و اینکار اصلا بر خدا دشوار نیست (۲۱) و روزی که مردم از قبرها برانگیخته و به پیشگاه خدا حاضر شوند در آن روز ضعیفان بگردنکشان گویند ما در دنیا تابع رای شما بودیم آیا امروز شما هم از عذاب خدا ما را کفایت خواهید کرد؟ جواب دهند که اگر ما را از خدا سعادت هدایت بود ما هم شما را هدایت میگردیم اکنون هر چه جزع و التماس کنیم یا صبر و تحمل یکسانست و هیچ از عذاب گریزگاهی نداریم (۲۲) و چون حکم قیامت پایان رسید و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند در آن حال شیطان برای نکوهش و تمسخر کافران گوید خدا بشما بحق و راستی وعده داد و من بخلاف حقیقت و بر شما برای وعده دروغ خود هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم و تنها شما را به وعده های دروغی فریتم پس امروز شما ابلهان که سخن بی دلیل مرا پذیرفتید مرا ملامت مکنید بلکه نفس پر طمع خود را ملامت کنید که امروز نه شما فریادرس من توانید بود و نه من فریادرس شما من به شرکی که شما به اغوای من آوردید معتقد نیستم، آری در این روز ستمکاران عالم را عذاب دردناک خواهد بود (۲۳) و آنان را که بخدا ایمان آورده و عمل صالح کردند در بهشت هائی برند که زیر درختانش نهرها جاریست و همیشه بفرمان خدا با تحیت و سلام و احترام در آن بهشت مخلدند (۲۴) ای رسول ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را بدرخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان رفعت و سعادت برشود (۲۵) و آن درخت زیبا به اذن خدا همه اوقات میوه های ماکول و خوش دهد مثل جان پاکب دانش و معرفت و افکار و کردار نیکو در منفعت دائم برای خود و دیگران بدان درخت زیبای پر ثمر مانند خدا اینگونه مثالهای واضح برای تذکر مردم میاورد (۲۶) و مثل کلمه کفر و روح پلید مانند درخت پلیدیست که ریشه اش به قلب زمین نرود بلکه بالای زمین افتد و زود خشک شود و هیچ ثبات و بقائی نخواهد یافت (۲۷) خدا اهل ایمان را با عقیده ثابت در دنیا و آخرت پایدار میدارد و ستمکاران را گمراه میگرداند یعنی بحال گمراهی پس از اتمام حجت و امیدگذازد و خدا هر چه بخواهد به اختیار مطلق میکند (۲۸) هیچ ندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را بکفر مبدل ساختند و خود و قوم خود را به دیار هلاک رهسپار کردند (۲۹) و بدوزخ که بدترین جایگاهست درافتادند (۳۰) و در مقابل خدا امثال و اصدادی مانند فرعونان و بتان جعل کردند که خود و خلق را از راه خدا گمراه کنند ای رسول ما، به این مردم بت تراش و بت پرست بگو که این دو روزه دنیا بلدات دنیوی مشغول باشید که بازگشت شما باتش دوزخ خواهد بود (۳۱) و ای رسول ما به آن بندگان من که ایمان آوردند بگو نماز بپادارند و از آنچه روزی آنها کردیم در نهان و آشکار انفاق کنند پیش از آنکه بیاید روزی که نه چیزی توان خرید و نه دوستی کسی جز خدا بکار آید (۳۲) خداست آن که آسمانها و زمین را آفرید و باران را از آسمان فروبارید تا انواع ثمرات و حبوبات را برای روزی شما برآورد و کشتی ها را به امر خود به روی آبدریا و نهرها را بروی زمین با اختیار شما جاری گردانید (۳۳) و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر کرد (۳۴) و از انواع نعمتهائی که از او درخواست کردید بشما عطا فرمود که اگر نعمتهای بی انتهای خدا را بخواهید بشماره آورید هرگز حساب آن نتوانید کرد با این همه لطف و رحمت خدا باز انسان سخت کفر کیش و ستمگر است (۳۵) یاد آر وقتی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر مکه را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را کرم کن و از پرستش بتان دور دار (۳۶) پروردگارا، این بتان و بت تراشان بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هر کس در راه توحید و خداپرستی پیرو من است او از من است و هر که مخالفت من کند و راه شرک و عصیان پوید اختیارش با تست که تو خدای بخشنده و مهربانی (۳۷) پروردگارا من ذریه و فرزندان خود را به وادی بی کشت و آرسی نزد بیت الحرام تو برای پاداشتن نماز مسکن دادم بار خدایا تو دلهای مردمان را بسوی آنها مایل گردان و بانواع ثمرات آنها را روزی ده باشد که شکر تو بجای آرند اثر این دعا بود که در ذیحجه هزار و سیصد و شصت و هشت از دحام هزار هزار و چهار صد و پنجاه هزار مسلمین در حج بیت الله

دیدیم و با این کثرت حاج باز نعمت شهر مکه وادی کم آب و گیاه بسیار فراوان بود و تا قیامت خواهد بود (۳۸) پروردگارا تو بهر چه ما پنهان و آشکار کنیم بر همه آگاهی که تو خدائی و بر خدا البته هیچ چیز در آسمان و زمین پنهان نیست (۳۹) ستایش خدای را که بمن در زمان پیری دو فرزندم اسمعیل و اسحق را عطا فرمود و درخواست مرا اجابت کرد که پروردگار من البته دعای بندگان را خواهد شنید (۴۰) پروردگارا من و ذریه مرا نمازگزار گردان و بارالها دعای ما را اجابت فرما (۴۱) بارالها روزی که میزان عدل و حساب پیا میشود تو در آن روز سخت بر من و والدین من و همه مومنان از کرم ببخشا (۴۲) و هرگز مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است بلکه کیفر ظالمان را بتاخیر میافکند تا آن روزی که چشمهایشان در آن روز خیره و حیرانست (۴۳) در آن روز سخت آن ستمکاران همه شتابان و هراسان سر بیالا- کرده و چشمها واله مانده و دلهاشان از شدت عذاب به دهشت و اضطرابست (۴۴) ای رسول ما مردم را از روزی که هنگام عذاب و کیفر اعمالشان فرا میرسد بترسان و آگاهشان ساز که ستمکاران خلق چون سختی عذاب را بنگرند از حسرت و پشیمانی خواهند گفت پروردگارا عذاب را بتخیر افکن و ما را باز بدنیا برگردان تا دعوت تو را اجابت کنیم و پیرو رسولان تو شویم و از هر کار بد بازگردیم بانها پاسخ آید که آیا شما بارها پیش از این در دنیا سوگند یاد نمیکردید که ما را ابدًا زوال و هلاکی نخواهد بود؟ (۴۵) شما ستمکاران بودید که در منازل ستمگران پیش از خود مسکن گزیدید و از هلاکت و مرگ آنان باز عبرت نگرفتید و حال آنکه مشاهده کردید که عاقبت ما بسر پنجه قهر مرگ چه بر سر آنها آوردیم؟ و بر شما سرگذشت آنها را مثل آوردیم تا مگر عبرت گیرید و از کار زشت و ستمگری دست کشید ولی هرگز پند نگرفته و بیدار نشدید (۴۶) و آن ستمکاران بزرگترین مکر و مهمترین سیاست خویش را بکار بردند ولی چه سود که پیش قدرت و تقدیر خدا مکر و فکر آنها هیچ است هر چند به مکر و سیاست خود کوه ها را از جای برکنند (۴۷) پس هرگز مپندار که خدا وعده رسولانش را خلاف کند که البته خدا بر هر کار مقتدر است و از ستمکاران انتقام خواهد کشید (۴۸) روزی که زمین را به امر خدا بغیر این زمین مبدل کنند و هم آسمانها را دگرگون سازند و تمام خلق در پیشگاه حکم خدای یکتای قادر قاهر حاضر شوند (۴۹) و در آن روز بدکاران و گردنکشان را زیر زنجیر قهر خدا مشاهده خواهی کرد (۵۰) و بینی که پیراهنهای از مس گداخته آتشین بر تن دارند و در شعله آتش چهره آنها پنهانست (۵۱) اینگونه عذاب برای آنست تا خدا هر شخص را بکیفر کردارش برساند که خدا یک لحظه بحساب خلق خواهد رسید (۵۲) این قرآن عظیم حجت بالغ برای جمیع مردم است تا خلاق از آن پند گرفته و خداشناس و خدا ترس شوند و تا بتعلیمات آیات توحید آن عموم بشر خدا را بیگانگی بشناسند و صاحبان عقل، متذکر و هوشیار گردند (۵۳)

الحجر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الر اسرار این حروف نزد خدا و رسول است اینست آیات کتاب خدا و قرآنی که راه حق و باطل را روشن و آشکار میگرداند (۲) کافران چون چشم حقیقت بین بگشایند ای بسا آرزو کنند که کاش مسلم و خداپرست بودند (۳) ای رسول ما این کافران لجوج را بخورد و خواب طبیعت و لذات حیوانی واگذار تا آمال و اوهام دنیوی آنان را غافل گرداند که عقاب نتیجه این کامرانی بیهوده را بزودی خواهند یافت (۴) و ما هیچ ملک و ملتی را هلاک نکردیم جز بهنگامی معین (۵) اجل هیچ قومی از آنچه در علم حق معین است یک لحظه مقدم و موخر نخواهد شد (۶) کافران گویند ای کسی که مدعی آنی که قرآن از جانب خدا بر من نازل شده تو به عقیده ما محققا دیوانه ای که چنین دعوی میکنی (۷) اگر راست می گوئی و بر تو فرشتگان خدا نازل میشوند چرا فرشتگان بر ما نازل نمیشوند؟ (۸) ای رسول ما پاسخ این سخن به آنها بگو ما فرشتگان را جز برای حق و حکمت و مصلحت نخواهیم فرستاد و آنگاه که بفرستیم دیگر کافران لحظه ای بر عذاب و هلاکتشان مهلتی نخواهند یافت (۹) البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را محققا از آسیب حسودان و منکران محفوظ خواهیم داشت (۱۰) و ما پیش از تو هم رسولانی بر امم

سالفه فرستادیم (۱۱) ولی هیچ رسولی بر این مردم ناشایسته ننماید جز آنکه بجای اطاعت به انکار و استهزای او میپردازند (۱۲) اینگونه ما قرآن را روشن در دل زشتکاران و کافران برای هدایتشان وارد سازیم (۱۳) لیکن کافران عنود، به آن ایمان نمی آورند و نسبت برسولان و کتب آسمانی عاداتم سابقه هم مانند امت تو بر همین انکار و استهزاء گذشت (۱۴) و اگر ما بر این کافران امت دری از آسمان بگشاییم تا دایم بر آسمانها عروج یا فرشتگان بر آنها نزول کنند (۱۵) باز هم بر رد و انکار تو خواهند گفت چشمان ما را محمد (ص) فرو بسته و در ماسحر و جادویی بکار برده است (۱۶) ما در آسمان کاخهای بلند برافراشتیم و بر چشم بینایان عالم آن کاخها را بزیب و زیور بیاراستیم (۱۷) و آن را از دستبرد شیطان مردود محفوظ داشتیم (۱۸) لیکن هر شیطانی برای سرقت سمع یعنی برای دزدیدن و دریافتن سخن فرشتگان عالم بالا- باسمان نزدیک شد تیر شهاب شعله آسمانی حجج و ادله عقلی قرآن او را تعقیب کرد (۱۹) و زمین را هم ما بگستریم و در آن کوه های عظیم برنهادیم و از آن هر گیاه و هر نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت برویانیدیم (۲۰) و در این زمین هم لوازم معاش و زندگانی شما نوع بشر را مهیا کردیم و هم بر سایر حیوانات از طیور و دواب و سباع و غیره که شما به آنها روزی نمیدهید قوت و غذا فراهم ساختیم (۲۱) و بدان که هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانه آن نزد ما خواهد بود ولی ما از آن بر عالم خلق الا بقدر معین که مصلحت است نمیفرستیم (۲۲) و ما بادهای آبستن کن رحم طبیعت را فرستادیم و هم باران را از آسمان فرود آوردیم تا بدان آب شما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیدیم و گرنه شما نمی توانستید آبهایی برای وقت حاجت خود در هر جای زمین از کوه و دره و بیابان و صحرا منبع ساخته و جاری سازید (۲۳) و مائیم که خلائق را زنده میکنیم و میمیرانیم و وارث همه خلق که فانی میشوند ما هستیم (۲۴) و البته علم ما بهمه گذشتگان و آیندگان شما احاطه کامل دارد (۲۵) و البته خدای تو همه خلائق را در قیامت محشور خواهد کرد که کار او از روی علم و حکمت است خلق را بیهوده و عبث نیافریده بلکه برای بقا تا ابد و برای آنها ثواب و جزاء ابدی مقرر است (۲۶) و همانا ما انسانی را از گل و لای سالخورده تغییر یافته بیافریدیم (۲۷) و طایفه دیوان را پیشتر از آتش گدازنده، خلق کردیم (۲۸) و آنگاه که پروردگار بفرشتگان عالم اظهار فرمود که من بشری از ماده گل و لای کهنه متغیر خلق خواهم کرد (۲۹) پس چون آن عنصر را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم همه از جهت حرمت و عظمت آن روح الهی بر او سجده کنید (۳۰) چون فرمان حق بسجده آدم در رسید همه فرشتگان و قوای فعاله عالم سجده کردند (۳۱) مگر ابلیس که از سجده آدم امتناع ورزید (۳۲) خدا بشیطان فرمود که ای شیطان برای چه تو با ساجدان عالم بسجده آدم سر فرود نیاوردی (۳۳) شیطان پاسخ داد که من هرگز به بشری که از گل و لای کهنه خلقت کرده ای سجده نخواهم کرد (۳۴) خدا هم باو قهر و عتاب فرمود که پس چون سجده نمیکنی از صف ساجدان و از بهشت مطیعان خارج شو که تو رانده درگاه ما شدی (۳۵) و لعنت ما تا روز جزا بر تو محقق و حتمی گردید (۳۶) شیطان چون مردود شد از خدا درخواست کرد که پروردگارا پس مرا تا روز قیامت که خلق مبعوث میشوند مهلت و طول عمر عطا فرما (۳۷) خدا فرمود آری تو را مهلت خواهد بود (۳۸) تا بوقت معین و روز معلوم شاید مراد تا قیامت یا نفعه صور اول یا ظهور دولتولی عصر یا ظهور حکومت عقل انسان بر نفس و هوای او باشد (۳۹) آنگاه که شیطان مهلت یافت بمعارضه با خدا برخاست و گفت خدایا چنانکه مرا گمراه کردی من نیز در زمین همه چیز را در نظر فرزندان آدم جلوه میدهم تا از یاد تو غافل شوند و همه آنها را گمراه خواهم کرد (۴۰) بجز بندگان پاک و خالص تو را (۴۱) خدا فرمود همین اخلاص و پاکی سریرت راه مستقیم به درگاه رضای منست (۴۲) و هرگز تو را بر بندگان با خلوص من تسلط و غلبه نخواهد بود لیکن اقتدار و سلطه تو بر مردم نادان گمراهی است که پیرو تو شوند (۴۳) و البته وعده گاه جمیع آن مردم گمراه نیز مانند تو آتش دوزخ خواهد بود (۴۴) که آن دوزخ را هفت در است و هر دری برای ورود دسته ای از گمراهان معین گردیده است (۴۵) و اهل تقوی را البته در بهشت باغها و نهلهای جاری خواهد بود (۴۶) به آنها خطاب شود که شما با درود و سلام و با کمال ایمنی و احترام به بهشت ابد وارد شوید (۴۷) و ما آئینه دلهای پاک آنها را از کدورت کینه و حسد و هر خلق ناپسند بکلی پاک و پاکیزه سازیم تا همه با هم برادر و دوستدار هم شوند و روبروی یکدیگر بر تخت عزت بنشینند (۴۸) در

حالتی که هیچ رنج و زحمت در آنجا به آنها نرسد و هرگز از آن بهشت ابد بیرونشان نکنند (۴۹) ای رسول ما بندگان مرا آگاه ساز و مژده بده که من بسیار آمرزنده و مهربانم (۵۰) و نیز آنها را بترسان که عذاب من بسیار سخت و دردناک است (۵۱) و هم بندگانم را از حکایت فرشتگان مهمانان ابراهیم آگاه ساز (۵۲) و بگو که چون آن مهمانان بر ابراهیم وارد شدند و بر او سلام دادند ابراهیم مضطرب شده و گفت من از اینکه شما بدون اذن و بی موقع بر من در آمدید بیمناکم (۵۳) فرشتگان گفتند هیچ مترس که ما آمده ایم تو را بفرزندی دانا از جانب خدا بشارت دهیم (۵۴) ابراهیم گفت آیا مرا در این سن پیری مژده فرزند میدهید؟ نشانه این مژده چیست؟ (۵۵) گفتند ما تو را بحق و حقیقت بشارت دادیم و تو هرگز از لطف خدا نومید مباش (۵۶) ابراهیم گفت آری هرگز بجز مردم نادان مادی گمراه کسی از لطف خدا نومید نیست (۵۷) آنگاه ابراهیم پرسش کرد که ای رسولان حق بازگوئید بر چه کار مبعوث شده اید (۵۸) فرشتگان پاسخ دادند که ما را بر هلاک قومی زشتکار فرستاده اند (۵۹) که آن قوم مجرم لوطند که بجرم عمل بد هلاک شوند مگر اهلیت لوط و خانواده نبوتکه آنها را همه از بلا نجات خواهیم داد (۶۰) جز زن لوط که آنها را چون با بدن همدست است چنین مقرر داشتیم که با زشتکاران هلاک شود (۶۱) آنگاه که فرشتگان فرستاده حق بر لوط و خانواده او وارد شدند (۶۲) لوط با فرشتگان چون بی سابقه در خانه او آمدند گفت شما اشخاص ناآشنائید و من هیچ شما را نمی شناسم (۶۳) فرشتگان پاسخ دادند که ما بر انجام وعده عذاب که قومت در آن بشک و انکار بودند فرستاده شدیم (۶۴) و بحق و راستی بسوی تو آمده ایم و از آنچه گوئیم صدق محض است (۶۵) پس تو ای لوط با خانواده ات شبانه از این دیار بیرون شو و همه اهلیت پیشاپیش و خود از پی آنان بروید و هیچیک بازپس ننگرید بلکه بدان سو که مامورید بسرعت روان شوید (۶۶) و آنگاه بر قوم لوط حکم هلاک دادیم و بر این فرمان را که قومت تا آخرین افراد، صبحگاه هلاک میشوند وحی کردیم (۶۷) و در آن شب که فرشتگان بشکل جوانهای زیبا بخانه لوط در آمدند قوم لوط آگاه شده خوشحال بخیال کامرانی بخانه او شدند (۶۸) لوب بقوم خود گفت این جوانان در منزل من مهمانند مرا به آزدن ایشان شرمسار مکنید (۶۹) از خدا بترسید و در کار مهمان غریب مرا خجل مگردانید (۷۰) قوم گفتند آیا ما تو را از حمایت عالمیان منع نکردیم؟ و نگفتیم که غریبان را از ما پنهان مکن و در خانه خود پناه مده؟ چرا کردی؟ (۷۱) لوب بقوم خود گفت من این دخترانم را بنکاح شما میدهم تا اگر خیال عملی دارید انجام دهید و با مهمانانم قصد بد مکنید (۷۲) ای محمد بجان تو قسم که این مردم دنیا همیشه مست شهوات نفسانی و بحیرت و غفلت و گمراهی خواهند بود (۷۳) باری قوم لوط هنگام طلوع آفتاب بصیحه آسمانی همه هلاک شدند (۷۴) و شهر و دیار آنها را زیر و زبر ساخته و آن قوم سنگباران عذاب کردیم (۷۵) و در این عذاب هوشمندان را عبرت و بصیرت بسیار است (۷۶) و این ویرانه شهر سدوم و دیار قوم لوط است که اکنون راهی و حجتی برقرار و طریقی برای عبرت صاحبان افکار است (۷۷) همانا در این عقوبت بدکاران عالم اهل ایمان را آیت و عبرت است (۷۸) و اهل شهر ایکه قوم شعیب هم بسیار مردم ستمکاری بودند (۷۹) آنها را نیز بکیفر رسانیدیم و این هر دو شهر یعنی شهر ایکه و سدوم یا مدین که دیار قوم لوط و شعیب بود برای اهل اعتبار راهی روشن و آشکار است (۸۰) و اصحاب حجر هم رسولان را بکلی تکذیب کردند (۸۱) و از آیاتی که ما بر آنان فرستادیم روگردانیدند (۸۲) و در کوه ها منزل میساختند تا از خطر ایمن باشند (۸۳) صبحگاهی صیحه عذاب قهر ما آنها را نابود کرد (۸۴) و بفراز کوه با همه ذخائر و ثروت از هلاک ایمن نگردیدند (۸۵) و ما آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست بجز برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگخلق نکردیم و البته ساعت قیامت که غرض و مقصود اصلی خلقت شماست خواهد آمد اکنون تو ای رسول ما از این منکران نیکو در گذر یعنی با خلق خوش آنها را بحق دعوت کن و اگر نپذیرند دلتنگ مباش (۸۶) محققا پروردگار تو آفریننده دانائست بی مقصود خلق را نیافریده البته هر کسی به نتیجه عملا خواهد رسید (۸۷) ای محمد همانا هفت آیت با ثنا و دعا که قسمت بین خدا و عبد شده و در هر نماز دوبار خوانده میشود یعنی سوره حمد و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم (۸۸) تو از این ناقبال متاع دنیوی که به طایفه ای از مردم کافر برای امتحان دادیم البته چشم پوش و بر اینان اندوه مخور و اهل ایمان را زیر پر و بال علم و حکمت و لطف و رحمت

خود گیر و با کمال حسن خلق پیروان (۸۹) و بگو من رسولم که برای اندرز و ترسانیدن خلق از عذاب قهر خدا با دلیلی روشن آمده ام (۹۰) آنگونه عذابی که بر کسانی که آیات خدا را قسمت کردند یعنی یهود و نصاری که به میل خود تجزیه کردند نازل نمودیم (۹۱) آنانکه قرآن را بمیل خود و غرض فاسد خویش جزر جزر و پاره پاره کردند بعضی راقبول و بعضی را رد کردند (۹۲) قسم بخدای تو که از همه آنها سخت مواخذه خواهیم کرد (۹۳) روزی از آنچه میکنند بازخواست میشوند (۹۴) پس تو به صدای بلند آنچه ماموری بخلق برسان و از مشرکان روی بگردان (۹۵) همانا که خدای مقتدر و توانایم تو را از شر تمسخر و استهزاء کنندگان مشرک که چند نفر از اشراف قریش بودند محفوظ میداریم مفسرین گفتند مراد ولید مغیره و عاص وائل و اسود مطلب و اسود عبد یغوث و حارث غیث است که به دعای پیغمبر هر پنج بمرند (۹۶) آنانکه با خدای یکتا خدائی دیگر گرفتند بزودی خواهند دانست که در چه جهل و اشتباهی بوده اند و با چه شقاوت و عذابی محسور میشوند (۹۷) ما میدانیم که تو از آنچه امت در طعنه و تکذیب تو میگویند سخت دلتنگ میشوی (۹۸) غم مخور و بذکر اوصاف کمال پروردگارت تسبیح گو و از نماز گزاران باش تا به یاد خدا شاد خاطر شوی (۹۹) و دایم به پرستش خدای خود مشغول باش تا ساعت مرگ و هنگام لقای ما به یقین بر تو فرا رسد (۱۰۰)

النحل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) فرمان خدا به ظهور قیامت و یا به عذاب شمشیر بر مشرکان بزودی فرا میرسد پس هان ای کافران شما به تمسخر و هزل تقاضای تعجیل آن مکنید خدای یکتا متعالی و منزّه از شرک مشرکانست (۲) خدا فرشتگان و روح را به امر خود بر هر که از بندگان خواهد میفرستد تا او خلق را اندرز داده و از عقوبت شرک به خدا بترساند و به شما بندگان بفهماند که عالم را خدائی جز من نیست تا تنها از من و عقاب من بترسید (۳) خدا آسمانها و زمین را برای غرضی محقق و حکمتی بزرگ آفرید و از آنچه مشرکان شرک آرند متعالی و منزّه است (۴) خدا انسان را از آب نطفه بی قدر و ضعیف بیافرید آنگاه اصل خلقت خود را فراموش کرده و با خالق بخصومت شدید برخاست (۵) و چهارپایان را برای انتفاع شما بشر خلقت کرد تا از خود به موی و پشم آنها دفع سردی و گرمی کرده و فوائد بسیار دیگر برید و از شیر و گوشتشان غذای مکول سازید (۶) و هنگامی که گله از گوسفند و گاو و شتر شبانگاه برگردند یا صبحگاه به چرا بیرون روند زیب و افتخار شما باشند یا از کرک و پشم آنها تجمل و انواع لباسهای فاخر دربرکنید (۷) و بارهای سنگین شما را که جز به مشقت بسیار نتوانید برد باسانی از شهری بشهر دیگر برند که خدا درباره شما روف و مهربانست (۸) و اسب و استر و حمار را برای سواری و تجمل مسخر شما گردانید و چیز دیگری هم که شما هنوز نمیدانید برای سواری شما خواهد آفرید شاید غرض ترن و اتومبیل و طیاره و غیره باشد (۹) و بر خداست بیان راه عدل و راستی و بعضی راه ها جور و ناراستی است از سلوک در آن دوری کنید که شما را در سیر راه سعادت و شقاوت مختار کردند تا از این دو راه هر کدام را خواهید اختیار کنید و اگر خدا میخواست بدون آزمایش بلکه به جبر شما را همگی به راه هدایت و جنت میکشید لیکن این خلاف مصلحت الهی و نظام ربانی است (۱۰) اوست خدائی که آب را از آسمان فرو فرستاد که از آن بیاشامید و درختان پرورش دهید تا به میوه آن شما و به برگش حیوانات شما برخوردار شوید (۱۱) و هم زراعتهای شما را از آن آب باران برویاند و درختان زیتون و خرما و از هرگونه میوه بپرورد در این کار آیت و نشانه رحمت و قدرت الهی برای اهل فکر پدیدار است (۱۲) و هم شب و روز و خورشید و ماه را برای زندگانی شما در گردون مسخر ساخت و ستارگان آسمان را به فرمان خویش مسخر کرد تا بهر جانب آسمان حکمت بالغ او فرمان دهد از شوق حرکت کنند در این کار آیت و نشانه های قدرت خدا برای اهل خرد پدیدار است (۱۳) و در زمین آنچه را برای شما آفرید به انواع گوناگون و اشکال رنگارنگ درآورد با آنکه همه از یک خاک سر برآورده اند در این کار هم آیت و نشانه الهیت بر مردم هشیار پدیدار است (۱۴) و هم او خدائست که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت ماهیان

حلال آن تعدیه کنید و از زیورهای آن مانند در و مرجان و خز و سنجابش استخراج کرده و تن را بیارائید و کشتی‌ها در آن برانید تا به تجارت و سفر از فضل خدا روزی طلبد باشد که شکر خدا بجای آرید (۱۵) و نیز کوه‌های بزرگ را در زمین بنهاد تا از حیرانی و اضطراب برهید شاید به یکمعنی غرض از کوه‌ها انبیاء و رجال الهی باشند که خلق را از حیرت در امر معاش و معاد به هدایت خود آسوده می‌گردانند و نهرها در زمین و چشمه‌ها از کوه‌ها جاری کرد و راه‌ها پدیدار ساخت تا مگر هدایت شوید (۱۶) نشانه‌های زمین مانند کوه‌ها و دریاها و رودها و جنگلها و ستارگان آسمان را شاید انبیاء و ائمه و علماء ربانی نیز مقصود باشد مقرر داشت تا روز و شب بانها هدایت یابید (۱۷) آیا آن خدائی که این همه نعمت را برای شما بندگان خلق کرده مانند آن کس از فراغه و بتان است که هیچ چیز در عالم خلق نکرده آیا متذکر و هوشیار نمیشوید؟ (۱۸) اگر بخواهید که نعمتهای بیحد و حصر خدا را شماره کنید هرگز نتوانید که خدا را در حق بندگان بسیار غفور و مهربانست (۱۹) و خدا هر چه را پنهان و آشکار دارید به همه آگاه است از مواخذه خدا بترسید و ترک ریا و اعمال زشت کنید (۲۰) و بدانید که آنچه را غیر از خدا چون بتها و فراغه به خدائی میخوانید او چیزی خلق نکرده و اثری در عالم بنفع خلق ندارد و خود نیز مخلوقست (۲۱) اینها مرده و از حیات بی بهره اند و هیچ حس و شعور ندارند که در چه هنگام مبعوث میشوند و که آنها را بر میانگیزد (۲۲) خدای شما خدای یکتاست و آنانکه به عالم آخرت ایمان ندارند اگر هم بزبان گویند به دل منکر مبد متعالند و از اطاعت حکم خدا تکبر و سرپیچی میکنند (۲۳) محققا خدا بر باطن و ظاهر آنها آگاهست و به کیفر اعمالشان میرساند و او هرگز متکبران را دوست نمیدارد (۲۴) و هرگاه به این مردم متکبر گفته شود که خدا چه بزرگ آیاتی از آسمان علم خود برای هدایت شما بوحی فرستاده گویند این آیات وحی خدا نیست بلکه همه افسانه‌های پیشینیانست (۲۵) تا آنکه آنان در نتیجه انکار روز قیامت بار سنگین گناه خود را با بار گناه کسانی که از جهل گمراهشان کردند بدوش نهند عاقلان آگاه باشید که آن بار و آرزو گناه بسیار بد عاقبت است (۲۶) آن کافرانی که پیش از اینان بودند نیز مانند اینها مکرها برای پامال کردن حق اندیشیدند لیکن خدا سقف بنای آنها را از پایه ویران کرد و بر سرشان فرو ریخت و عذاب خدا از جائی که نمیفهمیدند آنها را فرارسید (۲۷) آنگاه روز قیامت هم آنان را خوار و ذلیل خواهد کرد و آن روز خواهد گفت کجایند شریکان من بگمان باطل شما که برای طرفداری آنها با مومنان خصومت و جنگ پامی کردید در آن هنگام اهل علم و دانش اظهار کنند که امروز ذلت و خواری و عذابه کافران اختصاص دارد (۲۸) آنها را فرشتگان ماموران غضب الهی جانشان را میگیرند در حالی که در دنیا به نفس خود ستم کردند در آن حال مرگ، مجبورا سر تسلیم پیش دارند و گویند مابدنیا ابد کار بد نکردیم فرشتگان جواب دهند که آری کاری بدتر از شرک و تکبر بر خدا چیست که شما مرتکب شدید آری خدا بهر چه کرده اید آگاهست (۲۹) پس فرشتگان خطاب کنند که از هر در بدوزخ داخل شوید که در آنجا همیشه معذب خواهید بود. و جایگاه متکبران که دوزخ است بسیار بد منزلگاهست (۳۰) و چون به اهل تقوی گفته شود که خدا چه آیاتی فرستاد گویند نیکو آیاتی فرستاد بهترین راه هدایت و سعادت و خیر دنیا و آخرت را در آیات قرآن پروردگار مافرستاد و بر خلاف منکران که گفتند قرآن همان افسانه پیشین است آنانکه نیکو کارند در حیات دنیا نیکو و خوشی بینند و هم در آخرت آنها را بهترین منزل است و البته بسیار خانه اهل تقوی مجلل و نیکو خواهد بود (۳۱) که باغهای بهشت عدن باشد که در زیر درختانش از لطف خدا نهرها جاریست متقیاندر آن داخل شوند در حالتی که هر چه بخواهند و میل کنند در آنجا بر ایشان حاضر است باری اینست اجر و جزائی که خدا باهل تقوی عطا خواهد کرد (۳۲) آنانکه چون فرشتگان مامور رحمت خدا پاکیزه از شرک، قبض روحشان کنند به آنها گویند که شما به موجب اعمال نیکوئی که در دنیا بجا آوردید اکنون به بهشت ابدی در آئید (۳۳) این کافران منکر جز آنکه یا فرشتگان غضب خدا بر سر آنها بیایند و ترسان و لرزان شوند یا به هلاک آنان حکم خدا در رسد دیگر چه انتظار میبرند منکران پیشین هممانند اینان بودند و کردند که همه هلاک شدند و خدا که هلاکشان فرمود اصلا بانها ستم نکرد بلکه آنها خود به نفس خویش ستم کردند (۳۴) تا آنکه بکیفر اعمال زشت خود رسیدند و آن عذابی که بر آن تمسخر میکردند بانها احاطه کرد (۳۵) و

مشرکان چون خطا و کیفر اعمال زشت خود ببینند آنجا جبری شوند و گویند اگر خدا میخواست هرگز نه ما و نه پدرانمان چیزی جز آن خدای یکتا نمیپرستیدیم. مشرکان پیش از اینان هم کردار و گفتارشان همین بود که به در جبر و انکار عمل خویش میزدند پس در این صورت برای رسولان ما جز تبلیغ رسالت و اتمام حجت تکلیفی نیست (۳۶) و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا بخلق ابلاغ کند که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید پس در نتیجه دعوت رسول بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر در ضلالت و گمراهی ثابت ماندند اکنون شما عاقلان در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنانکه انبیاء را تکذیب کردند بکجارسید و آنها چگونه هلاک ابدی شدند (۳۷) ای رسول ما تو اگر چه بسیار حریص و مشتاق هدایت خلق هستی و لیکن بدان که خدا گمراهان را پس از اتمام حجت هدایت نکند و آنها را یآوری نخواهد بود (۳۸) و کافران با مبالغه و تاکید کامل قسم یاد میکنند که هرگز کسی که مرد خدا او را زنده نخواهد کرد و قیامتی وجود نخواهد داشت بلی خیال باطل کردند البته قیامت وعده حتمی خداست و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند (۳۹) آن روز محشر خواهد آمد که در آنچه اختلاف میکردند آشکار و مبین گردد و تا کافران کاملاً بدروغ و اندیشه غلط خود آگاه شوند (۴۰) ما به امر نافذ خود هر چه اراده کنیم و گوئیم موجود باش همان لحظه موجود خواهد شد (۴۱) آنانکه در راه خدا مهاجرت کردند پس از آنکه ستمها در وطن خود از کافران کشیدند ما در دنیا بانها جایگاه آسایش و نیکو میدهیم در صورتی که اگر بدانند اجری که در آخرت بانها عطا خواهیم کرد بسیار بهتر و نیکوتر است (۴۲) این اجر بزرگ در دنیا و عقبی به آن کسانی عطا میشود که در راه دین صبر کردند و بر خدای خود در کارها توکل نمودند (۴۳) و ما پیش از تو ای محمد (ص) بر هیچ امت غیر رجال موید به وحی خود کسی را برسالت نفرستادیم که امت تو گویند چرا رسول ما فرشته نیست و از جنس بشر است بگو بروید و از اهل ذکر یعنی علماء و دانشمندان هر امت اگر نمیدانید که رسولان حق همه بشر بودند سوال کنید (۴۴) ما بهر رسولی معجزات و کتب و آیات وحی فرستادیم و بر تو قرآن را که جامع و کاملترین کتاب الهیست نازل کردیم تا بر امت آنچه فرستاده شده و بیان کنی باشد که عقل و فکر کار بندند و در دو عالم سعادت یابند (۴۵) آنانکه بر کردار زشت خود مکرها میانیدند آیا از این بلا ایمنند که خدا ناگاه همه را بزمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند عذابی فرستد (۴۶) یا آنکه در سفر که سرگرم رفت و آمدند ناگاه به مواخذه سخت بگیرد؟ و آنان البته بر قدرت حق غالب نتوانند شد (۴۷) یا آنکه دایم آنها را به حال ترس بگیرد خدا که این زشتکاران را به این انواع بلاها گرفتار نکرد بدینجهت است که پروردگار تو بسیار بخلق مشفق و مهربانست (۴۸) آیا چشم ننگشوندند که آثار قدرت خدا را در هر چیز مشاهده کنند تا ببینند که هر موجودی چگونه آثار وجودی و اظله خود را بهر جانب میفرستد و از راست و چپ مستقیماً غیر مستقیم همه به سجده خدا با کمال فروتنی مشغولند شاید مراد بپلال ظهور آثار اشیا باشد چون نور مهر و ماه مانند ظهور میوه و گل از درخت که این خود پرستش خداست یعنی وقتی همه موجودات را دیدید بظهور کمالاتشان بعبادت خدا مشغولند شما بندگان چرا بطاعت حق نپردازید؟ (۴۹) هر چه در آسمانها و زمین است از جنندگان و فرشتگان همه بی هیچ تکبر و با کمالتذلل بعبادت خدا مشغولند؟ (۵۰) و تمام موجودات از قهر خدا که فوق همه آنهاست میترسند و هر چه مامورند اطاعت میکنند (۵۱) خدای یکتای عالم فرموده که به راه شرک و دوتائی نروید که خدا یکی از من بترسید و بس و از هیچکس دگر نترسید (۵۲) هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و دین و اطاعت همیشه مخصوص اوستغیر او که مالک و سلطان عالم است کسی را اطاعت نباید کرد آیا شما بندگان باید از کسی غیر از خدای مقتدر بترسید؟ در صورتی که غیر خدا همه عاجز و بی اثر و فانی هستند (۵۳) و شما بندگان با آنکه هر نعمت که دارید همه از خداست و چون بلائی رسد و به درگاه او پناه جسته و به او در رفع بلا استغاثه میکنید (۵۴) باز وقتی که بلا را از سر شما دفع کرد گروهی از شما بخدای خود شرک میاورید (۵۵) و خلق لجوج با وجود آن همه نعمت که بانها دادیم باز براه کفر و کفران میروند باری این دو روزه دنیا بکامرانی حیوانی پردازید که بزودی هنگام مرگ نتیجه عمل خود را خواهید دانست (۵۶) و این مشرکان برای بتان از روی جهل نصیبی از رزقی که ما به آنها دادیم قرار میدهند سوگند به خدای یکتا که البته از

آنها از این دروغ و عقاید باطل بازخواست خواهد شد (۵۷) و این مشرکان فرشتگان را با آنکه خدا منزله از فرزند است دختران خدا دانسته و حال آنکه بر خود پسران را آرزو میکنند (۵۸) و چون یکی از آنها را بفرزند دختری مژده آید از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده و سخت دل‌تنگ میشود (۵۹) و از این عار روی از قوم خود پنهان میدارد و به فکر افتد که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگهدارد یا زنده به خاک گور کند عاقلان آگاه باشید که آنها بسیار بد میکنند (۶۰) اوصاف کسانی که به خدا و به قیامت ایمان ندارند زشت است و اعمالشان مانند زنده بگور کردن دختران هم از روی قساوت و جهالت و خودخواهی و بیرحمی است اما خدا و خداشناسان را پسندیده و عالیترین اوصاف کمال است و خدا بر هر کار مقتدر و بهر چیز داناست (۶۱) و اگر خدا از ظلم و ستمگریهای خلق انتقام کشد جنبنده ای در زمین نخواهد گذاشت و لیکن او در عقوبت تعجیل نمیکند و از راه لطف تاخیر میافکند تا وقتی معین که مقتضای مصلحت و حکمت است ولی آنگاه که اجل آنها در رسید دیگر یک لحظه مقدم و موخر نخواهد شد (۶۲) و این مشرکان آنچه را که بر خود نمی‌پسندند چون داشتن فرزند دختر از دروغ بخدا نسبت میدهند و تصور میکنند که باز عاقبت نیکو دارند در صورتی که محققا کيفر آنها آتش دوزخ است و زودتر از دیگران هم بدوزخ میروند (۶۳) بخدا سوگند که ما رسولانی پیش از تو بر امم سابقه فرستادیم تا مگر سعادت یابند ولی شیطان اعمال زشت آنها را در نظرشان زیبا جلوه داد پس امروز یعنی روز محشر شیطان یار آنهاست و بعداب دردناک گرفتار خواهند بود (۶۴) و ما این قرآن بزرگ را بر تو نفرستادیم مگر برای اینکه حقیقت را در آنچه از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره مردم اختلاف میکنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشی (۶۵) و خدا از آسمان باران را فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کرد البته در اینکار آیت قدرت و حکمت الهی بر آنانکه سخن حق بشنوند پدیدار است (۶۶) و البته برای شما هوشمندان ملاحظه حال چهار پایان از شتر و گاو و گوسفند همه عبرت و حکمت است که ما از میان دو جسم ناپاک سرگین و خون، شیر پاک شما را مینوشانیم که در طبع همه نوشندگان گواراست (۶۷) و هم از میوه های درخت خرما و انگور که از آن نوشابه های شیرین و رزق حلال نیکو بدست آرند در این کار نیز آیت قدرت حق برای خردمندان پدیدار است (۶۸) و خدا به زنبور عسل وحی کرد که از کوه ها و درختان و سقفهای رفیع منزل گیرید (۶۹) و سپس از میوه های شیرین و از حلاوت و شهد گل‌های خوشبو تغذیه کنید و راه پروردگارتان را به اطاعت پیوئید آنگاه از درون آنها شربت شیرینی برنگهای مختلف بیرون آید که در آن سفار مردمانست در این کار نیز آیت قدرت خدا برای متفکران پیداست (۷۰) و خدا شما بندگان را آفریده بعضی را بسن انحطاب پیری میرساند که هر چه دانسته همه را فراموش میکند همانا خداست که همیشه دانا و تواناست و شما را گاهی قوت و دانش میدهد و گاهی میگیرد (۷۱) و خدا رزق بعضی از شما را بر بعضی دیگر فزونی داده آنکه رزقش افزون شده بزیردستان و غلامان زیاده را نمی‌دهد تا با او مساوی شوند لیکن مقام خدائی را به بتی یا بشری میدهد تا با خدا شریک و مساوی داند آهی جهل و ناسپاسی آیا نعمت ایمان به خدا را به عصیان و شرک باید انکار کنند (۷۲) و خدا از جنس خودتان برای شما جفت آفرید یعنی آنان را برای آسایش و آرامش مردان آفرید و از آن جفتها پسران و دختران و دامادان و نوادگان بر شما خلق فرمود و از نعمتهای پاکیزه لذیذ روزی داد آیا مردم با وجود این همه نعمتهای خدا باز بیاطل میگردند و به نعمت خدا کافر میشوند (۷۳) و بت پرستان از جهل خدا را که نعمتهای بیشمار بانها داده نمی‌پرستند و به جای او بت‌هایی را پرستش میکنند که در آسمان و زمین مالک چیزی که روزی به مشرکان دهند اصلش نیستند و توانائی بر هیچ کار ندارند (۷۴) پس شما مشرکان از جهل و نادانی بتها را برای خدا مثل و مانند نشمارید و بخدای یکتا بگروید که خدا بهمه چیز داناست و شما نادانید (۷۵) خدا مثلی زده بشنوید آیا بنده مملوکی که قادر بر هیچ حتی بر نفس خود نیست بامردی آزاد که ما به او رزق نیکو و مال حلال بسیار عطا کردیم که پنهان و آشکار هر چه خواهد انفاق میکند این دو یکسانند هرگز یکسان نیستند. مثل بت و خدا و بت پرست و خداپرست بدین تمثال ماند ستایش مخصوص خداست و لیکن اکثر مردم آگاه نیستند (۷۶) و خدا مثلی زده بشنوید دو نفر مرد یکی بنده ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز و کل بر مولای خود و از هیچ راه خیری به مالک خویش نرساند و دیگری

مردی آزاد و مقتدر که بر خلق بعدالت و احسان فرمان دهد و خود هم براه مستقیم هدایت و سعادت باشد آیا این دو نفر یکسان هستند هرگز یکسان نیستند. مثل کافر و مومن بدین تمثال ماند (۷۷) تنها خدا بر غیب آسمانها و زمین آگاهست و بس و کار ساعت قیامت در سرعت و آسانی مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر بیش نیست که خدا البته بر هر چیز تواناست (۷۸) و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد در حالی که هیچ نمیدانستید و بشما چشم و گوش و قلب بتدریج اعطا کرد تا مگر دانا شوید و شکر این نعمتها بجای آرید (۷۹) آیا در مرغان هوا نمینگرید که جو آسمان مسخر آنهاست و بجز خدا کسی نگهبان آنها نیست در این امر برای اهل ایمان نشانی از قدرت حق پدیدار است (۸۰) و خدا برای سکونت دائم شما منزلهایتان را مقرر داشت و برای سکونت موقت سفر از پوست و موی چهارپایان خیمه ها را برای شما قرار داد تا وقت حرکت و سکون سبک وزن و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی گوسفندان و شتران ااثیه منزل مانند گلیم و نمد و قالی و متاع و اسباب زندگانی و لباسهای فاخر برای شما خلق فرمود تا در حیات دنیا از آن استفاده کنید (۸۱) و خدای عالم برای آسایش شما از گرما سایه بانها از درختان و سقف و دیوار و کوه ها مهیا ساخت و از غارهای کوه پوشش و اطاقها برایتان قرار داد تا از سرما و گرما پناهی گیرید و نیز از نباتات و حیوانات و کرم ابریشم لباس که شما را از گرمای آفتاب و سرمای زمستان بیوشاند خلق کرد و نیز برای آنکه در جنگ محفوظ مانید لباس آهن مقرر گردانید چنین نعمتهای خود را بر شما تمام و کامل کرد تا مگر منعم را بشناسید و مطیع و تسلیم امر او باشید (۸۲) پس با وجود این همه نعم الهی اگر باز روی از خدا بگردانند ای رسول ما بر تو تبلیغ رسالت و اتمام حجت بیش نیست (۸۳) این مردم خودخواه لجوج نعمت خدا را دانسته و شناخته باز انکار میکنند و اکثر اینان کافر به خدا و نعمتش میباشند (۸۴) و به یاد خلق آور روزی را که در قیامت ما از هر امتی رسول و شاهدی برانگیزیم آنگاه به کافران اجازه سخن و اعتذار داده نشود و نه توبه و انابه و عذری از آنان پذیرند (۸۵) و روزی که ستمکاران عذاب خدا را بچشم ببینند دیگر هیچ نه تخفیف عذاب و نه مهلت آسایش خواهند یافت (۸۶) و چون مشرکان شریکان خود را در قیامت ذلیل و عاجز مشاهده کنند حسرت خورند و در آن حال گویند بار الهی اینانند که ما بجای تو پرستش کردیم آنها را که ما را فریب دادند بجای ما مجازات کن شریکان جواب دهند که ای مشرکان شما البته دروغ میگوئید ما هرگز شما را به پرستش خود نخواندیم (۸۷) و در آن روز همه کفار و مشرکین تسلیم فرمان خدا شوند و هر چه غیر از خدا جعل کرده و میپرستیدند همه از نظرشان محو و نابود شود (۸۸) آنانکه خود کافر شدند و راه خدا را نیز بروی خلق بستند ما آنها را بکیفر فساد و خلل در کار خلق عذابی فوق عذاب کافران دیگر بیفزاییم (۸۹) و روزی که ما بر هر امتی از رسولان خودشان گواهی برانگیزیم و تو را ای محمد ص بر این امت گواه آریم آن روز سخت را یاد کن و امت را متذکر ساز و ما بر تو این قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و راه دین حق را از راه های باطل بنماید و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد (۹۰) همانا خدا خلق را فرمان به عدل و احسان میدهد و به بذل و عطار خویشاوندان امر میکند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی میکند و بشما از روی مهربانی پند میدهد باشد که موعظه خدا را بپذیرید تا سعادت و بهشت ابد یابید (۹۱) چون با خدا و رسول و بندگانش عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که موکد و استوار کردید مشکنید چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته اید و خدا بهر چه میکنید آگاهست (۹۲) و در مثل مانند زنی که رشته خود را پس از تابیدن محکم و اتابید نباشید که عهد و قسمهای استوار و محکم خود را برای فریب یکدیگر و فساد کاری بکار برید تا آنکه قومی بر قوم دیگر تفوق یابید زیرا خدا شما بندگان را باین عهد و قسمهای آزماید و در روز قیامت همه تقلبها و اختلافات شما را بر شما آشکار خواهد ساخت (۹۳) و اگر خدا میخواست به مشیت ازلی همه بشر را یک امت قرار میداد و هیچگونه اختلافات نژاد و زبان و ملیت در بشر نمیگذاشت ولیکن این اختلافات برای امتحانست پساز امتحان هر که را بخواهد بگمراهی واگذارد و هر که را بخواهد هدایت میکند و البته آنچه از نیک و بد کرده اید از همه سوال خواهید شد (۹۴) و عهد و سوگندهای خود را برای فریب بین خود بکار مبرید تا آنکه ثابت قدم است نیز به فریب و سوگند دروغ بلغزد و از این که راه خدا را بر خلق بستید بدانید که همه به سختی مبتلا شوید و به

عذاب سخت گرفتار گردید (۹۵) و عهد خدا را به بهائی اندک نفروشید که آنچه از نعمت ابد نزد خداست اگر بفهمید بسیار شما را بهتر از آن منفعتی است که به نقض عهد بیایید (۹۶) آنچه نزد خداست از ذخائر اعمال نیک و ثواب آخرت تا ابد باقی خواهد بود و البته اجری که به صابران بدهیم اجریست بسیار بهتر از عملی که بجا آوردند زیرا اعمال نیک باقی نماند ولی بهشت ابد که اجر آنهاست جاوید بماند (۹۷) هر کس از مرد و زن کار نیکی بشرط ایمان بخدا بجای آرد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت، زنده ابد میگردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا میکنیم (۹۸) ای رسول ما چون خواهی تلاوت قرآن کنی اول از شر و سوسه شیطان مردود به خدا پناه بر (۹۹) که البته شیطان را هرگز بر کسی که به خدا ایمان آورده و بر او توکل و اعتماد کرده تسلط نخواهد بود (۱۰۰) تنها تسلط شیطان بر آن نفوسی است که او را دوست گرفته اند و به اغوای او به خدا شرک آورده اند (۱۰۱) و ما هرگاه آیتی را از راه مصلحت نسخ کرده و به جای آن آیتی دیگر آوریم در صورتی که خدا بهتر داند تا چه چیز بصلاح خلق نازل کند کافران اعتراض بر نسخ آیه کرده و می گویند تو بر خدا همیشه افترا می بندی چنین نیست بلکه اکثر اینهانی فهمند که این نزول آسمانیست (۱۰۲) تو ای رسول ما به کافران بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من به حقیقت و راستی نازل کرد تا اهل ایمان را در راه خدا ثابت قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد (۱۰۳) و ما کاملاً آگاهیم که کافران معاند میگویند آن کس که مطالب این قرآن را به رسول میاموزد بشری است اعجمی غیر فصیح مقصودشان بلعام ترسا یا عایش یا نفیس یا غلام رومی یا سلمان فارسی بود و رسول پس از آموختن مطلب این قرآن را خود بزبان عربی فصیح درآورده و به خدا دروغ بندد (۱۰۴) البته آنانکه به آیات خدا ایمان نمی آورند پس از اتمام حجت کامل دیگر خدا هرگز هدایتشان نخواهد کرد و آنها را از قهر خدا عذاب دردناک خواهد رسید (۱۰۵) دروغ را آن کس به خدا می بندد که ایمان به آیات خدا نیورده و این کافران البته خود مردمی بی ایمان و دروغگویند (۱۰۶) هر آن کس بعد از آنکه به خدا ایمان آورده باز کافر شد نه آنکه بزبان از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد مانند عمار یاسر بلکه به اختیار کافر شد و با رضا و رغبت و هوای نفس، دلش آکنده به ظلمت کفر گشت بر آنها خشم و غضب خدا و عذاب سخت دوزخ خواهد بود (۱۰۷) این غضب و عذاب بر آنها بدین سبب است که حیات فانی دنیا را بر حیات ابدی آخرت برگزیدند و آخرت را فدای دنیا کردند و بکلی کافر به آخرت شدند و خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد (۱۰۸) همینها هستند که خدا بر دلها و گوش و چشمهایشان مهر قهر زده است و اینها همان مردمنده که از خدا و قیامت غافلند (۱۰۹) بدین جهت است که آنان در عالم آخرت از هر خیر محروم و بسیار زیانکارند (۱۱۰) آنگاه محققاً بدان که خدا با مومنانی که از شهر و دیار خود چون به شر و فتنه کفار مبتلا شدند ناگزیر هجرت کردند و از خانه و زندگانی خود چشم پوشیدند و در راه دین کوشش و در رنج و بلا صبر بسیار نمودند خدا با آن مومنان یار و یاور است و از این پس بر آنها بسیار غفور و مهربان خواهد بود و بانها عزت و قدرت و نعمت عطا خواهد کرد (۱۱۱) یاد کن بر امت آن روزی را که از شدت ابتلا و سختی هر نفسی برای رفع عذاب از خود به جدل و دفاع برخیزد و هر کس را به جزاء عمل نیک و بد او کاملاً میرسانند و بر آنها ستم نمیکنند (۱۱۲) و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد تا گوش کرده و عبرت گیرید مثل شهری را چون شهر مکه که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی میکردند و از هر جانب روزی فراوان بانها میرسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت خدا را کفران کردند خدا هم بموجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را بانها چشاند (۱۱۳) و رسولی از خود آنها بر آنها آمد وجود آن نعمت بزرگ را کفران نمودند و او را تکذیب کردند و چون ظلم کردند عذاب بر آنها فرا رسید (۱۱۴) پس شما مومنان از حال آنها عبرت گیرید و از آنچه خدا روزی حلال و طیب شما قرار داده تناول کنید و شکر نعمتش به جای آرید اگر حقیقتاً خدا را میپرستید تا به نعمت شما بیفزاید (۱۱۵) خدا بر شما بندگان تنها مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه را بنام غیر خدا ذبح کنند حرام گردانید و باز از همین حرامها نیز اگر کسی مضطر و ناچار شود بی آنکه قصد تجاوز و تعدی از حکم خدا نماید به قدر ضرورت تناول کند خدا البته غفور و مهربانست (۱۱۶) و شما نباید از پیش خود

بدروغ چیزی را حلال و چیزی را حرام کرده و بخدا نسبت دهید تا بر خدا دروغ بندید که آنان که بر خدای خود دروغ بستند هرگز روی رستگاری نخواهند دید (۱۱۷) متاع قلیل فانی دنیا که کافران بر آن همه مکر و حيله و سياست و دروغ ميبافند نابود شود و بر آنها عذاب اليم آخرت خواهد ماند (۱۱۸) و ما همان چيزها که بر تو از پيش شرح کرديم از مردار و خون و خنزير و ذبيحه بنام غير خدا بر يهوديان حرام کرديم و بر آنان ستم نکرديم ليکن آنها خود بر نفس خویش ستم کردند که حلال خدا را حرام کردند و اين کفر است پس آنها راه کفر و عصيان پيش گرفتند (۱۱۹) باز هم خدا بر آنانکه از روی جهالت و نادانی عمل زشتی انجام داده و سپس بدرگاه خدا توبه کرده و فساد آن عمل زشت را اصلاح کنند بعد از توبه خدا آمرزنده و مهربانست و تائبان را می بخشد (۱۲۰) همانا ابراهيم خليل تنها شخص موحدی که امام بود بين امتی یا تنها در فضل و علم کمالات انسانی بمنزله یک امت بود که مطیع و فرمانبردار بود و هرگز بخدای يکتا شرک نیاورد (۱۲۱) همیشه شکر گزار نعمتهای خدا بود که خدا او را به رسالت برگزیده و براه مستقیمش هدايت فرمود (۱۲۲) و او را در دنيا نیکوئی و سعادت عطا کردیم و در آخرت از صالحان و نیکان قرار دادیم (۱۲۳) آنگاه بر تو وحی کردیم که در دعوت بخداپرستی و توحيد و بسط معارف الهی از آئينپاک ابراهيم تعقيب کن که او هرگز به خدای يکتا شرک نیاورد و مشرکان قريش که دعوی پیروی او میکنند دروغ میگویند (۱۲۴) روز شنبه بر يهود، محترم مقرر گردید که در آن راه اختلاف پيموندند و حرمتش نگاه نداشتند و خدای تو البته روز قيامت در آنچه خلق در آن اختلاف و نزاع برپا میکند حکم خواهد کرد (۱۲۵) ای رسول ما خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو براه خدا دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن وظيفه تو پيش از اين نيست که البته خدا عاقبت حال کسی که از راه او گمراه شده و آنکه هدايت يافته بهتر ميداند (۱۲۶) و اگر بشما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانيد شما بايد بقدر آن در مقابل انتقام کشيد نه بيشتر و رسم عدالت از دست ندهيد و اگر صبوری کنيد و از او در گذريد البته برای صابران اجری بهتر از انتقام خواهد بود (۱۲۷) و تو ای رسول برای رضای خدا بر رنج تربيت امت صبر و تحمل پيشه کن و بر آنها که ترک کفر و عناد نمیکنند غمگين مشو و از مکر و حيله آنان دلتنگ مباش که خدا از مکر و دشمنی خلق تو را و دين تو را محفوظ ميدارد (۱۲۸) محققا همانا خدا يار و ياور متقيان و نیکوکاران عالم است (۱۲۹)

الإسراء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) پاک و منزهست خدائی که در مبارک شبی بنده خود محمد را از مسجد حرام مکه معظمه به مسجد اقصائی که پیرامونش را به قدوم خاصان خود مبارک و پر نعمت ساخت سير داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و به امور غیب و شهود عالم بیناست (۲) و به موسی کتاب تورات را فرستادیم و آن را وسیله هدايت بنی اسرائیل قرار دادیم تا غير من که خدای عالمم هيچکس را حافظ و نگهبان فرا نگیرند (۳) ای فرزندان کسانی که به کشتی نوحشان بردیم و از هلاک نجاتشان دادیم چنانکه نوح بسيار بنده شکرگزاری بود شما هم مانند او شاکر باشيد تا نجات يابيد (۴) و در کتاب تورات یا در لوح محفوظ و کتاب تکوين الهی خبر دادیم و چنین مقدر کردیم که شما بنی اسرائیل دو بار حتما در زمين فساد و خون ریزی ميکنيد و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه مييابيد يکبار بقتل اشعيا و مخالفت رميا و بار ديگر بقتل زکريا و يحيى بظلم و بيداد برخيزيد (۵) پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را چون بخت النصر بر شما برانگيزيم تا آنجا که در درون خانه های شما نیز جستجو کنند و اين وعده انتقام خدا حتمی خواهد بود (۶) آنگاه شما را بروی آنها برگردانيم و بر آنها غلبه دهيم و بمال و فرزندان مددبخشيم و عده جنگجویان شما را بسيار گردانيم تا بر دشمن و لشکر بخت النصر غلبه کنيد (۷) بدانيد شما بنی اسرائیل و همه اهل عالم که اگر نیکی و احسان کرديد بخود کرديد و اگر بدی و ستم کرديد باز بخود کرده ايد و آنگاه که وقت انتقام ظلم شما که کشتن يحيى و زکريا است یا عزم قتل عيسى فرا رسيد باز بندگان قوی و جنگ آور

را بر شما مسلط میکنیم تا اثر بیچارگی و خوف و اندوه به رخسار شما ظاهر شود و به مسجد بیت المقدس معبد بزرگ شما مانند بار اول در آیند و ویران کنند و به هر چه رسند نابود سازند و بهر کس تسلط یابند به سختی هلاک گردانند (۸) ای رسول ما باز هم بنی اسرائیل را بشارت ده که امید است خدا به شما اگر توبه کرده و صالح شوید باز مهربان گردد و اگر به عصیان و ستمگری برگردید ما هم بعقوبت و مجازات شما باز میگردیم و جهنم را زندان کافران عنود قرار داده ایم (۹) همانا این قرآن خلق را به راستتر و استوارترین طریقه هدایت میکند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و ثواب عظیم بشارت میدهد (۱۰) و بر آنانکه به عالم آخرت ایمان نمی آورند البته عذاب دردناک مهیا ساخته ایم (۱۱) انسان با شوق و رغبتی که خیر و منفعت خود را میجوید چه بسا به نادانی با همان شوق و رغبت شر و زیان خود را میطلبد و انسان از فرط جهل بسیار بی صبر و شتابکار است (۱۲) و ما شب و روز را دو آیت و نشانه قدرت خود قرار دادیم آنگاه از آیت شب و روشنی ماه آن کاستیم و خورشید آیت روز را تابان ساختیم تا شما در روز روزی حلال از فضل خدا طلب کنید و تا آنکه شمار سالها و شهور و ایام زمان و حساب اوقات را عموماً بدانید و ما برای پند و صلاح بندگان هر چیزی را مفصل بیان کردیم (۱۳) و ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم که ملازم و قرین همیشگی او باشد و روز قیامت کتابی که نامه اعمال اوست بر او بیرون آریم در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را که مجموعه اعمال اوست یک مرتبه ملاحظه کند (۱۴) و باو خطاب رسد که تو خود کتاب اعمال را بخوان و بنگر تا در دنیا چه کرده ای که تو خود تنها برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی (۱۵) هر کس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود یافته و هر که بگمراهی شتافت آنهم بزیان و شقاوت خود شتافته و هیچکس بار عمل دیگری را بدوش نگیرد و ما تا رسول نفرستیم و بر خلق اتمام حجت نکنیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد (۱۶) و ما چون اهل دیاری را بخواهیم بکیفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم بطاعت لیکن آنها راه فسق و تبه کاری و ظلم در آن دیار پیشگیرند و مردم هم براه آنها روند آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت آنگاه همه را بجرم بد کاری هلاک می سازیم (۱۷) چه بسیاری از ملل و اقوامی را بعد از نوح بجرم کفر و عصیان هلاک کردیم و تنها خدای تو که بر گناهان بندگانش آگاه و با خبر است کفایت میکند که به مصلحت هر که را خواهد عفو و هر که را خواهد عقاب کند (۱۸) هر کس بسعی و کوشش خود متاع عاجل و لذات فانی دنیا را طالب است متاع دنیا را باو می دهیم لیکن باز بهر که خواهیم و هر چه مشیت ازلی ما باشد سپس در عالم آخرت به کیفر کردارش دوزخ را نصیب او کنیم که با نکوهش و مردودی به جهنم درآید (۱۹) و کسانی که طالب حیات آخرت باشند و برای آن بقدر طاقت بکوشند البته بشرط ایمان به خدا سعی آنها مقبول و مجور خواهد بود (۲۰) و ما بهر دو فرقه از دنیا طلبان و آخرت طلبان به لطف خود مدد خواهیم داد که از لطف و عطای پروردگار تو هیچکس محروم نخواهد بود (۲۱) ای رسول ما بنگر تا ما چگونه در دنیا بعضی مردم را بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم تا بدانی که مراتب آخرت نیز بسیار بیش از درجات دنیاست و برتری خلاق بر یکدیگر بمراتب افزون از حد تصور مردم است (۲۲) هرگز با خدای یکتا شرک و شریک میاور و گرنه به نکوهش و خذلان ابدی مبتلا خواهی شد مخاطب امتند (۲۳) و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکوئی کنید و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند که موجب رنج و زحمت شما باشند زنهار کلمه ای که رنجیده خاطر شوند مگوئید و کمترین آزار بانها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن گوئید (۲۴) و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو پروردگارا چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی به مهربانی پروردند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما (۲۵) خدای به آنچه در دلهای شماست از خود شما داناتر است اگر همانا در دل اندیشه صلاح دارید خدا هر که را با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند البته خواهد بخشید (۲۶) ای رسول ما تو خود و امت حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را بحق خودشان برسان و هرگز در کارها اسراف روا مدار (۲۷) در هیچ کار هرگز اسراف مکن که مبذران و مسرفان یعنی آنان که مال و عمر خود را بیهوده صرف خیالات باطل شیطانی میکنند برادر شیطانند و شیطانست که سخت

کفران نعمت پروردگار خود کرد (۲۸) و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق مذکور چون فعلش نادار هستی ولی در آتیه به لطف خدا امیدواری اکنون اعراض کرده و توجه به حقوقشان نتوانی کرد باز بگفتار خوش و زبان شیرین آنها را از خود دلشاد دار (۲۹) نه هرگز دست خود در احسان بخلق محکم بسته دار و نه بسیار باز و گشاده دار که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست (۳۰) همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند که او بصلاح کار بندگان کاملاً آگاه و بصیر است (۳۱) هرگز فرزندان خود را از ترس فقر بقتل مرسانید زنده بگور مکنید که ما رازق شما و آنها هستیم زیرا این قتل و زنده بگور کردن فرزندان بسیار گناه بزرگی است (۳۲) و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است (۳۳) و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه بحکم حق مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را بناحق بریزد ما به ولی او حکومت و تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام انتقام آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مویذ و منصور خواهد بود اکثر مفسرین و محققین امامیه این آیه را راجع بانقام ولی عصر از قاتلین حضرت حسین (ع) طبق اخبار و روایات تفسیر کرده اند و البته این یکی از مصادیق بزرگ آیه است (۳۴) و هرگز بمال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری به نفع یتیم منظور دارید تا آنکه بحد بلوغ و رشد برسد و همه بعهد خود باید وفا کنید که البته در قیامت از عهد و پیمان سوال خواهد شد (۳۵) و هر چه را به کیل یا وزن می سنجید تمام بیمائید و کم و گران نفروشید و همه چیز را با ترازوی عدالت بسنجید که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است (۳۶) و ای انسان هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن و بی تحقیق در پی سخنی مرو و کسی را نیک و بد مخوان و از احدی نکوهش و ستایش روا مدار و بکسی پن بد مبر که در پیشگاه حکم خدا چشم و گوش و دلها همه مسئولند (۳۷) و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مفروش که به نیرو زمین را نتوانی شکافت و بکوه در سربلندی نخواهی رسید (۳۸) که این قبیل کارها و اندیشه های بد بدان که همه نزد خدا ناپسند خواهد بود (۳۹) اینست آنچه از حکمت به وحی پروردگار بتو میرسد و هرگز با خدای یکتا کسی را بخدائی مپرست و گرنه ملامت زده و مردود بدوزخ خواهی درافتاد (۴۰) آیا خدا شما را بفرزندان پسر برگزیده است و خود فرشتگان را دختران خویش قرار داده؟ این رای و گفتار شما مشرکان بسیار افترائی عظیم و گناهی بزرگ است (۴۱) و ما این قرآن را به انواع سخنان فصیح و بلیغ نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را بجز نفرت و معاندان را جز شقاوت حاصلی نیفزود (۴۲) ای رسول ما مشرکان را بگو اگر با خدای یکتا چنانکه شما میگوئید خدایان دیگری بود در این صورت آن خدایان بر خدای عرش به تنازع راه میگرفتند و تمناع آنان موجب اختلال نظام عالم میشد پس چون عالم را نظام ثابتی است دلیل است که با خدای یگانه خدایان دیگری نیست (۴۳) خدا از آنچه مشرکان نادان میگویند بسیار برتر و منزه تر است (۴۴) هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمیکنید همانا او بسیار بردبار و آمرزنده گناه خلق است (۴۵) و چون تو قرآن را تلاوت کنی ما میان تو و آنها که از جهل و عناد به خدا و قیامت ایمان ندارند حجابی بداریم که آنها از فهم حقایق آن دور و مستور مانند (۴۶) و ما بر دلهای تیره آن کافران پرده ای افکندیم که قرآن را فهم نمیکنند و گوشه‌هایشان هم از شنیدن سخن حق سنگین است و چون تو در قرآن خدا را بوحدانیت و یگانگی یاد کنی آنان روی گردانیده و گریزان میشوند (۴۷) ما به خیالات باطلی که وقت شنیدن گفتار تو در دل خود میکنند از خود آنها آگاه تریم و بر ما اندیشه های فاسدشان پوشیده نیست که آن مردم ستمکار چون ولید بن مغیره و غیره بمردم گویند که شما جز شخصی مفتون سحر و ساحری را پیشوای خود نکرده اید (۴۸) بنگر تا چه نسبتها از جهل به تو میدهند؟ که از گمراهی خود هیچ راه خلاصی نمیابند (۴۹) و کافران بمعاد گفتند آیا ما چون استخوان پوسیده شویم باز روزی از نو زنده و برانگیخته خواهیم شد؟ هرگز چنین نخواهد بود (۵۰) ای رسول ما بگو به منکران معاد که شما سنگ باشید یا آهن (۵۱) یا خلقتی سختتر از سنگ و آهن باز به امر خدا زنده میشوید پس اگر گویند ما را که زنده میکند؟ بگو همان خدائی که هم اول بار

شما را آفرید آنگاه آنها به این دلیل قاطع نزد تو سر بزیر افکنده و بازگویند پس این وعده کی خواهد بود؟ بگو ای محمد باشد که این حادثه بزرگ از حوادث نزدیک باشد زیرا مرگ به هر کس نزدیکست و قیامتش به مرگ برپا میشود (۵۲) ای رسول ما یاد کن و هم امت را متذکر ساز روزی را که خدا شما را بخواند و شما سر از خاک بیرون کرده و با حمد و ستایش او را اجابت کنید و با آنکه سالهای بسیار از مرگ شما گذشته تصور میکنید که جز اندک زمانی در گورها درنگ نکرده اید (۵۳) و ای محمد بند گانم را بگو که همیشه سخن بهتر را در مقام تکلم بر زبان آرید و هرگز حرف زشت مگوئید که شیطان بسیار شود بیک کلمه زشت میان شما دشمنی و فساد بر میانگیزد زیرا دشمنی او با آدمیان واضح و آشکار است (۵۴) خدا صلاح حال شما را بهتر از شما میداند و بد و نیکتان را بهتر میشناسد پس طبق حکمت اگر بخواهد و صلاح بداند به شما لطف و مهربانی کند و اگر بخواهد و مصلحت باشد مجازات و عذاب فرماید و ما تو را ای محمد و کیل و نگهبان بندگان قرار ندادیم بر تو تنها رسالت و اتمام حجت است (۵۵) و خدای تو به آنچه در آسمانها و زمین است داناتر و به قابلیت هر موجودی آگاه تر است و همانا ما بعضی از انبیاء را بر بعضی دیگر برتری دادیم و بدادود زبور را عطا کردیم (۵۶) ای رسول ما، مشرکان را بگو از این بتها آن را که به جز خدا موثر مینندارید در حوایج خود بخوانید تا ببینید که نه دفع ضرری از شما توانند کرد و نه تغییر حالی بشما توانند داد (۵۷) آنهایی را که کافران به خدائی می خوانند آنان خود به درگاه خدا وسیله تقرب می جویند و هر که مقربتر است بیشتر امیدوار به رحمت و ترسان از عذاب اوست که البته از عذاب خدا باید سخت هراسان بود (۵۸) هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور روز قیامت اهل آن شهر را یا هلاک کرده یا به عذاب سخت معذب میکنیم این حکم در کتاب علم ازلی حق مسطور است (۵۹) ما را از فرستادن آیات و معجزات جز تکذیب پیشینان چیزی مانع نبود و به ثمود قوم صالح آیت ناهه را که همه مشاهده کردند بدادیم درباره آن ظلم کردند و ناهه را پی نمودند و ما معجزات و آیات را جز برای آنکه مردم از خدا بترسند و هدایت شوند نمی فرستیم (۶۰) ای رسول ما، بیاد آر وقتی را که به تو گفتیم خدا البته به همه افعال و افکار مردم محیط است و ما رویائی که بتو ارائه دادیم نبود جز برای آزمایش و امتحان مردم و شناختن درختی که بلعن در قرآن یاد شد درخت نژاد بنی امیه و همه ظالمان عالم و ما بذکر این آیات عظیم آنها را از خدا میترسانیم و لیکن آیات بر آنها از فرط شقاوت جز طغیان و کفر و انکار شدید چیزی نیفزاید (۶۱) و یاد آور وقتی را که فرشتگان را امر به سجده آدم کردم پس همه سجده کردند جز شیطان که اعراض کرده و گفت آیا من سر طاعت به آدمی که از خاک آفریدی فرود آرم؟ هرگز سجده به آدم نخواهم کرد (۶۲) آنگاه شیطان در مقام مجادله برآمد که با من بگو آیا این آدم خاکی را بر منفضیلت و برتری دادی که مسجود من باشد ای خدا اگر اجل مرا تا قیامت به تخیر افکنی بجز قلیلی چون معصومین و خواص مومنین همه اولاد آدم را مهار کرده و بدار هلاک میکشانم (۶۳) خدا به شیطان گفت برو که هر کس از اولاد آدم پیرو تو گردد با تو بدوزخ که پاداش کامل شماست کیفر خواهد شد (۶۴) برو و با جمله لشکر سوار و پیاده ات بر آنها احاطه کن و در اموال و اولاد همبا ایشان شریک شو و به وعده های دروغ آنها را بفریب و مغرور ساز باری ای بندگان بدانید که وعده شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود (۶۵) همانا تو را بر بندگان خاص من تسلط نیست و تنها محافظت و نگهبانی خدای تو از شیطان آنها را کافی است (۶۶) پروردگار شماست آنکه بدریا برای شما کشتیها را به حرکت می آورد تا از فضل خداروزی طلبید که او درباره شما بسیار مهربانست (۶۷) و چون در دریا بشما خوف و خطری رسد در آن حال به جز خدا همه را فراموش میکنید آنگاه که خدا شما را از خطر نجات داد و به ساحل سلامت رسانید باز از خدا روی میگردانید و انسان بسیار کفرکیش و ناسپاس است (۶۸) آیا پس از نجات از دریا باز ایمیند که به قهر خدا زلزله زمین شما را فرور بردیا تندباد غضبش بر سرتان سنگ بارد؟ آنگاه از آن بلای الهی بر خود پناه و نگهبانی نیابید؟ (۶۹) آیا از آن ایمیند که بار دیگر خدا شما را به اراده خود به دریا برگرداند و تندبادی بفرستد تا همه بکیفر کفر بدریا غرق شوید؟ آنگاه کسی را از قهر ما دادخواه و فریادرس خود نیابید (۷۰) و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و جهان جسم و جان را مسخر انسان ساختیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر

بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم (۷۱) ای رسول ما بیاد آر و امت را متذکر ساز روزی را که ما گروهی از مردم را با پیشوایشان به پیشگاه حقیقت دعوت میکنیم پس هر کس راست بوده و درستکار نامه عملش را به دست راست دهند آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی بانها نخواهد شد (۷۲) هر کس در این جهان نابینای کفر و جهل و ضلالت است در عالم آخرت نیز از مشاهده بهشتیان و شهود و جمال حق نابینا و گمراه تر خواهد بود (۷۳) ای رسول ما کافران نزدیک بود که تو را فریب داده و از آنچه به تو وحی کردیم که به بتان هیچ اعتنا مکن غافل شوی و چیز دیگر بر ما فرا بندی تا مشرکان تو را دوست خود گیرند (۷۴) و اگر ما تو را بوحی خود ثابت قدم نمی گردانیم نزدیک بود که به آن مشرکان اندک تمایل و اعتمادی پیدا کنی (۷۵) و در آن صورت که با بت و بت پرستان اندک توجه میکردی بتو جزاء این عمل را می چشاندیم و عذاب تو را در حیات دنیا و آخرت مضاعف می گردانیدیم و آنگاه از قهر و خشم ما بر خود هیچ یاوری نمی یافتی (۷۶) و نزدیک بود که کافران تو را در سرزمین خود سبک و دلسرد کرده و از آنجا به مکر و حيله و فریب بیرون کنند اگر با تو چنین میکردند در این صورت پس از آن اندک زمانی بیش زیست نمی کردند که به عذاب ما همه هلاک میشدند (۷۷) ما آئین همه پیمبرانی را که پیش از تو فرستادیم نیز همین توحید و خداپرستی و هلاک کافران و نجات اهل ایمان قرار دادیم و این طریقه ما را تغییرپذیر نخواهی یافت (۷۸) نماز را وقت آوال آفتاب تا اول تاریکی شب پیادار یعنی نماز ظهرین را از اول ظهر و نماز عشاءین را از بدو تاریکی شب پیادار و نماز صبح را نیز بجای آر که آن نماز مهم است و به حقیقت مشهود نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز است در این آیه پنج وقت نماز مذکور است (۷۹) و بعضی از شب بیدار و متعهد باش و نماز شب خاص تو است بجا آور، باشد که خدایت به مقام محمود شفاعت کبری مبعوث گرداند (۸۰) و ای رسول ما، دایم دعا کن که بار الها مرا همیشه به هر جا روم به مکه یا مدینه یا عالم قبر و محشر به قدم صدق داخل و خارج گردان و به من از جانب خود بصیرت و حجت روشنی که دایم یار و مددکار باشد عطا فرما (۸۱) و به امت بگو که رسول حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی ابدی است (۸۲) و ما آنچه از قرآن فرستیم شفای دل و رحمت الهی برای اهل ایمانست و لیکن کافران را بجز زیان و شقاوت چیزی نخواهد افزود (۸۳) و ما هر گاه به انسان نعمتی عطا کردیم کفران کرد و از آن رو بگردانید و دوری جست و هر گاه شر و بلائی به او روی آورد بکلی از خدای مهربان مایوس و ناامید شد (۸۴) تو به خلق بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد و خدای شما بر آنکه راه هدایت یافته از همه کس آگاه تر است و هدایت شدگان را بر گمراهان کاملاً برتری و امتیاز خواهد داد (۸۵) و ای رسول ما تو را از حقیقت روح می پرسند جواب ده که روح از عالم امر خداست و بی واسطه جسمانیات به امر الهی به بدنها تعلق می گیرد و شما پی به حقیقت آن نمی برید زیرا آنچه از علم شما دادند بسیار اندک است و حقیقت و کنه چیزی را به علم جزئی خود در نمی یابید (۸۶) ای پیغمبر اگر ما بخواهیم آنچه را که به وحی بر تو آوردیم از قرآن و علم و آئین همه را باز میبریم و آنگاه تو بر قهر ما هیچ مدد کاری نخواهی یافت (۸۷) مگر آنکه رحمت و لطف پروردگار از تو مدد کند که فضل و رحمت او بر تو بسیار است (۸۸) بگو ای پیغمبر که اگر جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند هر چند همه پشتیبان یکدیگر باشند (۸۹) و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال و بیان روشن آوردیم تا مگر هدایت شوند لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند (۹۰) و گفتند ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد تا آنکه از زمین برای ما به عجاز چشمه آبی بیرون آری (۹۱) یا آنکه تو را باغی از خرما و انگور باشد که در میان آن باغ نهرهای آب جاری گردد (۹۲) یا آنکه بنا بر وعده تو آسمان بر سر ما فرو افتد یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما حاضر آری تا ما آنها را بچشم بینیم و تصدیق تو کنیم (۹۳) یا آنکه خانه ای از آر و کاخی آرنگار دارا باشی یا آنکه بر آسمان بالا روی و باز هم هرگز ایمان به آسمان رفتنت نیاوریم تا آنکه بر ما کتابی نازل کنی که آن را قرائت کنیم و از آن یقین برسالت تو بر ما حاصل شود تو در پاسخ این تقاضاهای جاهلانۀ آنان بگو خدا منزّه است از آنکه من او یا فرشتگان او را حاضر سازم آیا من فرد بشری بیشترم که از جانب خدا برسالت آمده ام؟ (۹۴) مردم را چیزی از هدایت و ایمان

بازداشت وقتی که قرآن آمد جز این خیال باطل که گفتند آیا خدا بشری را هرگز به رسالت فرستاده است؟ (۹۵) ای پیغمبر بگو اگر فرشتگان را در زمین مسکن و قرارگاه بودی ما هم فرشته راز آسمان بر آنها می فرستادیم که رسول باید از جنس امت باشد و گرنه حجت و معجزش پذیرفته نشود (۹۶) ای پیغمبر پس از اتمام حجت به امت بگو خدا شاهد میان من و شما کافی است که او به احوال بندگانش آگاه و بصیر است که من به وظیفه رسالت یا شما به تکلیف اطاعت تقصیر کردیم (۹۷) هر که را خدا رهنمائی کند آن کس به حقیقت هدایت یافته و هر که را گمراه کرد یعنی به گمراهی واگذارد دیگر جز خدا هیچ رهنما و دوست و نگهبانی بر او نخواهی یافت و چون روز قیامت شود بر صور کور و گنگ و کر محشورشان خواهیم کرد و به دوزخ مسکن کنند که هر که آن دوزخ آتشش خاموش شود باز شدیدتر سوزان و فروزان میکنیم (۹۸) اینست کیفر آن کافران چون به آیات ما کافر شدند و گفتند آیا پس از آنکه ما استخوانی پوسیده شویم از نو باز برانگیخته میشویم؟ (۹۹) آیا این منکران معاد ندیدند و ندانستند که آن خدائی که زمین و آسمانها را آفرید قادر است که مانند اینها را باز خلق کند و بر آنها وقت روز موعودی که بی شک خواهد آمد مقرر گرداند؟ آری با این همه آیات و حجت قاطع باز ستمکاران جز راه کفر و عناد نپیمودند (۱۰۰) ای رسول ما به این مردم بخیل پست نظر بگو که شما اگر دارای گنجهای رحمت بی انتهای خدا شوید باز هم از ترس فقر و خوف درویشی بخل از انفاق خواهید کرد که انسان طبعاً بسیار ممسک و بخیل است (۱۰۱) و ما به موسی نه آیت روشن و معجز آشکار عطا کردیم این حکایت را از بنی اسرائیل سوال کن که موسی بر آنها آمد پس فرعون گفت ای موسی من تو را ساحر و سحرآموز میندازم (۱۰۲) موسی به فرعون پاسخ داد که تو خود کاملاً دانسته ای که این آیات را برای هدایت خلق جز خدای آسمان و زمین نفرستاده و من ای فرعون، تو را شخصی جاهل و لایقهاک می پندارم (۱۰۳) آنگاه فرعون اراده آن کرد که موسی و قومش را از زمین مصر براندازد ما هم او و همدستانش را تمام به دریا غرق کردیم (۱۰۴) و بعد از آن بنی اسرائیل را فرمان دادیم که در آن زمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرا رسد همه شما را باز جمعا مبعوث گردانیم و هر کس را بکیفر و پاداش عمل خود برسانیم (۱۰۵) و ما این آیات قرآن عظیم را بحق فرستادیم و برای اقامه حق و راستی نازل شد و نفرستادیم تو را جز برای آنکه مومنان را بشارت به رحمت دهی و کافران را از عذاب الهی بترسانی (۱۰۶) و قرآنی را جزر جزر بر تو فرستادیم که تو نیز بر امت به تدریج قرائت کنی و با صبر و تنی به هدایت خلق پردازای این قرآن کتابی از تنزیلات بزرگ ما و مشتمل بر حقایق و علوم بیشمار است (۱۰۷) ای رسول ما به امت بگو که شما به این کتاب ایمان بیاورید یا نیاورید مرا یکسانست که البته آنها که پیش از این به مقام علم و دانش رسیدند هرگاه این آیات بر ایشان تلاوت شود همه با کمال خضوع و فروتنی سر طاعت بر حکم آن فرود آوردند (۱۰۸) و گویند پروردگار ما پاک و منزّه است هرگز خلاف وعده نفرماید البته وعده خدای ما محققاً واقع خواهد شد و روز ثواب و عقاب البته بیاید (۱۰۹) آنها با چشم گریان همه سر بخاک عبودیت نهاده و پیوسته بر خوف و ترسشان از خدا میافزاید (۱۱۰) بگو ای محمد (ص) که خدا را به اسم الله یا به اسم رحمان بهر اسمی بخوانید اسماء نیکو همه مخصوص اوست زیرا اوصاف جمال و جلال حضرتش بیشمار است و تودر نماز نه صدا را بسیار بلند و نه بسیار آهسته گردان بلکه حد توسط را اختیار کن (۱۱۱) و بگو ستایش مخصوص خداست که نه هرگز فرزندی و نه شریکی در ملکش بر گرفته و نه هرگز عزت و اقتدار بی انتهای او را نقصی رسد که به دوست و مددکاری نیازمند شود و پیوسته ذات الهی را به بزرگترین اوصاف کمال ستایش کن (۱۱۲)

الکھف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ستایش و سپاس مخصوص خداست که بر بنده خاص خود محمد (ص) این کتاب بزرگ قرآن را نازل کرد و در کمال صورت و معنای آن هیچ نقص و عوجی نهاد (۲) تا باین کتاب بزرگ خلق را از عذاب سخت خدا بترساند و اهل ایمان را که اعمال آنها نیکوست به اجر بسیار نیکو در عالم آخرت بشارت دهد (۳) که در آن سرمنزل پر نعمت بهشتی زندگانی

ابدی خواهند داشت (۴) و بترسان از عذاب آنان را که گفتند خدا فرزندی برای خود برگرفته است یعنی مردمی را که عیسی یا عزیر یا فرشتگان را فرزندان خدا گویند بر این شرک آنها را از قهر خدای یکتا بترسان (۵) که آنها که به این سخن جاهلانه باطل قائلند نه خود نه پدرانشان از روی علم و دانش سخن نمیگویند این کلمه کذب و افتراء بزرگ که از دهنشان خارج میشود جز شرک و دروغ چیزی نیست (۶) ای رسول نزدیکست که اگر امت تو به قرآن ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تاسف بر آنان هلاک سازی تو بعد از انجام رسالت ابد از کفر و عصیانامت غمگین باش که جزای هر کس با ماست (۷) ما آنچه در زمین جلوه گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم تا مردم را به آن امتحان کنیم که کدام یک در طاعت و حب خدا عملشان نیکوتر خواهد بود (۸) و ما آنچه را زیور زمین گردانیدیم باز همه را به دست ویرانی و فنا میدهیم (۹) ای رسول ما، تو پنداری که قصه اصحاب کهف و رقیم در مقابل این همه آیات قدرت و عجایب حکمتهای ما واقعه عجیبی است؟ (۱۰) آنگاه که آن جوانان کهف از بیم دشمن در غار کوه پنهان شدند از درگاه خدا مستثلت کردند بار الها تو در حق ما بلطف خاص خود رحمتی عطا فرما و بر ما وسیله رشد و هدایتی کامل مهیا ساز (۱۱) پس ما در آن غار از خواب بر گوش و هوش آنها تا چند سالی پرده بیهوشی آدیم (۱۲) پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه مومنان اهل کتاب که در خواب اصحاب کهف اختلاف داشتند مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد و پی به قدرت خدا میبرند (۱۳) ما قصه آنان را بر تو بدرستی حکایت خواهیم کرد آنها جوانمردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما به لطف خاص خود بر مقام ایمان و هدایتشان بیفزودیم (۱۴) ما بر دلهای پاک آنها علاقه محبت و توحید و ایمان به خدا را محکم ساختیم که آنها در میان مشرکان و کافران عالم قیام کرده و گفتند خدای ما پروردگار آسمانها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچکس را به خدائی نمیخوانیم که اگر بخوانیم چون شما مشرکان سخت راه خطا و ظلم پیموده ایم و مستحق قهر و عقاب خدا میشویم (۱۵) اینان قوم ما هستند که خدایانی غیر خدای یگانه برگرفتند در صورتی که هیچ دلیلی روشن بر خدائی آنها ندارند چه ظلمی بالاتر از این افترا و دروغی است که بر خدا می بندند؟ (۱۶) و آنگاه اصحاب کهف با یکدیگر گفتند که شما چون از این مشرکان و خدایان باطلشان دوری جستید برای آنکه از شر و بیداد اینان ایمن باشید باید به غار کوه گریخته و پنهان شوید تا خدا از رحمت خود در همان غار تنگ شما گشایش و توسعه بخشد و اسباب کار شما را با روزی حلال و آسایش مهیا سازد آنگاه به غار کوه رفته و به خواب شدند (۱۷) و گردش آفتاب را چنان مشاهده میکنی که هنگام طلوع از سمت راست غار آنها بر کنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان بدور میگردید و آنها کاملاً از حرارت خورشید در آسایش بودند شاید در آن اشاره هم باشد که بنای عمارت رو به جنوب بهتر است برای استفاده نور و آسایش این حکایت جوانمردان کهف یکی از آیات الهی است هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را گمراه گرداند دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار و راهنمایی نخواهد بود (۱۸) و آنها یعنی اصحاب کهف را بیدار پنداشتی و حال آنکه در خواب بودند و ما برای رفع خستگی آنان را به پهلوی راست و چپ میگردانیدیم و سگ آنها دو دست بر در آن غار گسترده داشت و اگر کسی بر حال ایشان مطلع شدی از آنها گریختی و از هیبت و عظمت آنان بسیار هراسان گردیدی (۱۹) باز ما آنان را از خواب برانگیختیم و زمان خوابشان بر خود آنها مشتبه و نامعلوم بود تا میان خودشان صحبت و بحث از مقدار زمان خواب پیش آمد یکی پرسید چندمدت در غار درنگ کردید جواب دادند یک روز تمام یا که برخی از روز. دیگر بار در شک و اندیشه شدند و گفتند خدا داناتر است که چند مدت در غار بوده ایم باری شما در هماتان را به شهر بفرستید تا مشاهده شود که کدام طعام پاکیزه تر و حلالتر است تا از آن روزی خود فراهم آرید و باید با دقت و ملاحظه زود بطوری که هیچ کس شما را نشناسد و از کار شما آگاه نشود بروید و برگردید (۲۰) زیرا که محققاً اگر این مردم کافر بر شما آگهی و ظفر یابند شما را یا سنگسار خواهند کرد یا به آئین خودشان برمیگردانند و هرگز دیگر روی رستگاری نخواهید دید (۲۱) و باز ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا بروز معاد و زنده کردن مردگان بحق بوده و ساعت قیامت البته بی هیچ

شک خواهد آمد. تا مردمی که میانشان تنازع و خلاف در امر آنها بود یعنی در عدد یا آئین آنها که قائل به معاد و قیامت بودند رفع نزاعشان بشود پس این همه بعضی گفتند باید گرد آنها حصار و بنائی بسازیم که در حبس از خلق مستور و ممنوع شوند تا کسی را به دین خود نخوانند خدا به احوال آنها آگاه تر است و آنانکه بر واقع احوال آنها ظفر و اطلاع یافتند یعنی خداپرستان و نیکان امت با خود گفتند البته برایشان مسجدی بنا کنیم که در آن نماز آیند و خلق را به دین خود که راه حق و خداپرستی است هدایت کنند (۲۲) بعضی خواهند گفت که عده آن اصحاب کهف سه نفر بود و چهارمین هم سگ آنها و برخی دیگر از روی خیال بافی و غیب گوئی میگویند عده آنها پنج نفر بود و ششمین سگ آنها و برخی دیگر گویند هفت نفر بودند و هشتمین سگ آنها ای رسول ما، تو با مردمی که این اختلاف بی نتیجه را برپا میکنند بگو خدا من به عده آنها آگاه تر از خلق است که بر عدد آنها از خلق بجز افراد قلیلی مانند انبیاء و اولیاء که از طرف حق به وحی دانسته اند هیچکس آگاه نیست پس تو با اهل کتاب در این موضوع مجادله مکن جز آنکه هر چه به ظاهر وحی دانستی اظهار کن و دیگر هرگز فتوی از احدی در این باب مپرس (۲۳) و ای رسول ما تو هرگز مگو که من این کار را فردا خواهم کرد (۲۴) مگر آنکه بگوئی ان شاء الله اگر خدا بخواهد و لحظه ای خدا را فراموش مکن و به خلق بگو این قدر بر سر قصه یاران کهف بحث و جدل برپا مکنید که امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر و علمی برتر از این قصه هدایت فرماید (۲۵) و آنها در کهف کوه سیصد سال، نه سال هم افزون درنگ کردند یهود بر علی ع در این آیه اعتراض کردند که نه سال زیاده در تورات ما نیست حضرت پاسخ داد که این نه سال بر اینست که سال شما شمسی و سال ما قمریست (۲۶) بگو خدا به زمان اقامت آنان در کوه داناتر است که او به همه اسرار غیب آسمانها و زمین محیط است و چقدر هم بینا و شنواست و هیچ کس جز او نگهبان خلق نیست (۲۷) و آنچه از کتاب خدا بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن که کلمات خدا را هیچ کس تغییر نتواند داد و هرگز جز در گاه او پناهی نخواهی یافت (۲۸) و همیشه خویش را با کمال شکیبائی به محبت آنان که صبح و شام خدا را میخوانند و رضای او را میطلبند و ادا کن و یک لحظه از آن فقیران چشم مپوش که به زینتهای دنیا مایل شوی و هرگز با آنانکه ما دلهای آنها را از یاد خود غافل کرده ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبه کاری پرداختند متابعت مکن یعنی با اشراف و ثروتمندان ظالم هواپرست نپیوند (۲۹) و بگو دین حق همانست که از جانب پروردگار شما آمد پس هر که میخواهد ایمان آرد و هر که میخواهد کافر شود ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته ایم که شعله های آن مانند خیمه های بزرگ گرد آنها احاطه کند و اگر از شدت عطش شربت آبی درخواست کنند آبی مانند مس گداخته سوزان بانها دهند که رویها را بسوزاند و آن آب بسیار بد شربتی و آن دوزخ بسیار بد آسایشگاهی خواهد بود (۳۰) آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت (۳۱) بلکه اجر عظیم بهشتهای عدن که نهراها زیر درختانش جاریست خاص آنهاست در حالی که در آن بهشت بر تن زیورهای زرین بیاریند و لباسهای سبز حریر و دیبا درپوشند و بر تختها به عزت و نشاط تکیه زنند که آن بهشت نیکو اجری و خوش آرامگاهی است (۳۲) ای رسول ما حکایت دو مرد مومن و کافر را برای امت مثل آر که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و به نخل خرما اطرافش را پوشانیدیم و عرصه میان آنها را کشت زار برای گندم و سایر حبوبات مخصوص گردانیدیم (۳۳) آن دو باغ کاملاً میوه های خود را بی هیچ آفت و نقصان بداد و در وسط آنها جوی آبی نیز روان ساختیم (۳۴) و این مرد را که در باغ میوه بسیار بود به رفیق خود که مردی مومن و فقیر بود در مقام گفتگو و مفاخرت برآمد و گفت من از تو به دارائی بیشتر و از حیث خدم و حشم نیز محترم و عزیزترم (۳۵) و روزی به باغ در حالی که به نفس خود ستمکار بود چون عمر را به کفر و گناه و غفلت از خدا می گذرانید با کمال غرور داخل شد و گفت گمان ندارم هرگز اینباغ و دارائی من نابود شود (۳۶) و نیز گمان نمیکنم که روز قیامتی بپاشود و اگر به فرض هم خدا و قیامتی باشد و من به سوی خدای خود بازگردم البته در آن جهان نیز از این باغ دنیا منزلی بهتر خواهم یافت (۳۷) رفیق با ایمان و فقیر در مقام گفتگو و اندرز بدو گفت آیا به خدائی که نخست از خاک و بعد از نطفه تو را آفرید و آنگاه مردی کامل و آراسته خلقت ساخت تشکیک کرده و کافر شدی؟ آهی جهل و نادانی (۳۸) لیکن

من که پروردگارم آن خدای یکتاست و هرگز به خدای خود احدی را شریک نخواهم ساخت (۳۹) ای رفیق تو چرا وقتی به باغ خود در آمدی نگفتی که همه چیز به خواست خداست و جز قدرت خدا قوه ای نیست و اگر تو مرا از خود به مال و فرزند کمتر دانی به خود مغرور مشو (۴۰) که امید است خدا مرا بهتر از باغ تو در آخرت و دنیا بدهد و بر بوستان تو مرد کافر کیش شبی آتشی فرستد که چون صبح شود باغت یکسره نابود و با خاک صرف یکسان گردد (۴۱) یا صبحگاهی جوی آبش به زمین فرورود و دیگر هرگز نتوانی آب بدست آری و باغناز بی زبی خشک شود (۴۲) یا آنکه ثمره و میوه هایش همه نابود گردد تا صبحدمی از شدت حزن و اندوه بر آنچه در باغ خرج کردی دست بر دست زنی که بنا و اشجارش همه ویران و خشک شده است آنگاه از کفر خود پشیمان شوی و گوئی ای کاش من به خدای خود مشرک نمی شدم و بخودپرستی و غرور و معصیت نمی پرداختم (۴۳) و ابدًا جز خدا هیچکس نباشد که آن گنه کار کافر را از قهر و خشم خدا یاری و حمایت تواند کرد (۴۴) آنجا ولایت و حکمفرمائی خاص خداست که بحق فرمان دهد و بهترین اجر و ثواب و عاقبت نیکو را هم او بهر که خواهد عطا کند (۴۵) ای رسول ما برای امت چنین زندگانی تمام دنیا را مثل آن که خلق در یک باغ و مزرعه حال دنیا به چشم مینگرند که ما آب بارانی از آسمان نازل کردیم و به آن آب درختان و نباتات گوناگون زمین درهم پیچیده و خرم بروید سپس صبحگاهی همه در هم شکسته و خشک شود و بدست بادهای حوادث زیر و زبر و فانی گردد و خدا بر هر چیز در عالم اقتدار کامل دارد (۴۶) مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیاست و لیکن اعمال صالح که تا قیامت باقی است مانند نماز و تهجد و ذکر خدا و صدقات جاری چون بنای مسجد و مدرسه و موقوفات و خیرات در راه خدا نزد پروردگار بس بهتر و عاقبت آن نیکوتر است (۴۷) و یاد کن ای محمد (ص) روزی را که ما کوه ها را به رفتار آریم و زمین را صاف و بدون پست و بلندی آشکارا بینی و همه را در صف محشر از قبرها برانگیزیم و یکی را فرونگذاریم (۴۸) و خلائق را در صفی بر خدا عرضه کنند و به کافران گفته شود دیدید همان گونه که اول بار شما را آفریدیم باز به سوی ما امروز باز آمدید و آن معادی را که به خیال باطل خود منکر بودید به چشم مشاهده کردید؟ (۴۹) و در آن روز کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند و اهل عصیان را از آنچه در نامه عمل آنهاست ترسان و هراسان بینی در حالی که با خود گویند ای وای بر ما این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را سر موئی فرونگذاشته جز آنکه همه را احصار کرده است و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر بیند و جزای آن را بیابد و خدا به هیچکس ستم نخواهد کرد (۵۰) و ای رسول یاد آر وقتی را که به فرشتگان فرمان دادیم که بر آدم صفی الله همه سجده کنید و آنها تمام سر به سجده فرود آوردند جز شیطان که از جنس جن دیو بود بدین جهت از طاعت خدای سرپیچید آیا شما فرزندان آدم مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندانش را دوست خود گرفتید؟ در صورتی که آنها شما را سخت دشمنند؟ و ظالمان که به جای خدا شیطان را به طاعت برگزیدند بسیار بد مبادله کردند (۵۱) من در وقت آفرینش آسمان و زمین و یا خلقت خود این مردم آنها را حاضر و گواه نساختم و کمک از کسی نخواستم و هرگز گمراهان را بمددکاری نگرفتم پس مردم از آفرینش جهان بلکه از خلقت خویش هم به حقیقت بی خبرند و هر چه گویند و شنوند تصور و گمانی بیش نیست (۵۲) و یاد آور روزی را که خدا به کافران برگوید که اکنون آنان را که شریک من گمان داشتید بخوانید تا بفریاد شما رسند آنها بخوانند و یکی اجابت نکنند پس میان همه آنها یعنی مشرکان و معبودانشان جایگاهی سخت مهلک مقرر سازیم (۵۳) و آنگاه مردم بدکار آتش دوزخ را به چشم مشاهده کنند و پندارند که در آن خواهند افتاد و از آن ابدًا مفری ندارند (۵۴) و ما در این قرآن هر گونه مثال و بیان برای هدایت خلق آوردیم و لیکن آدمی بیشتر از هر چیز با سخن حق به جدال و خصومت برخیزد (۵۵) و چون هدایت الهی قرآن راهنمای بزرگ به خلق رسید چه منع کرد که مردم آن هدایت را بپذیرند و به درگاه پروردگار خود توبه و استغفار کنند به جز آنکه خواستند مستحق شوند تا سنت عقوبت و هلاک پیشینیان به اینان هم برسد و یا با مجازات و عذاب خدا روبرو شوند (۵۶) و ما رسولان را جز برای بشارت نیکان و ترسانیدن بدان نفرستادیم و کافران با سخنان بیهوده باطل میخواهند جدل کرده و حق را پایمال کنند و آیات مرا آنچه برای تنبیه و اندازشان آمد از جهل و غرور به استهزاء

گرفتند (۵۷) و کیست ستمکارتر از آن کسی که متذکر آیات خدا شده و باز از او اعراض کرد و از اعمال زشتی که کرده بود به جای آنکه توبه و انابه کند از همه بکلی فراموش کرد و ما پس از اتمام حجت بر دل‌هایشان پرده جهل و قساوت انداختیم تا دیگر آیات ما را فهم نکنند و گوش آنها را از شنیدن سخن حق سنگین ساختیم و اگر به هدایتشان بخوانی دیگر ابدا هدایت نخواهند یافت (۵۸) خدای تو بسیار آمرزنده و بی نهایت دارای کرم و رحمت است و اگر خواهد تا خلق را بگردارشان مواخذه کند همانا در عذابشان تعجیل و تسریع کند و لیکن برای آن عذاب وقت معین در عالم قیامت مقرر است که از آن هرگز پناه و گریزگاهی نخواهند یافت (۵۹) و اینست شهر و دیارهایی که اهل آن را چون ظلم و ستم کردند هلاک ساختیم و برجایگه هلاکشان که آتش دوزخست موعدی در قیامت مقرر گردانیدیم (۶۰) و ای محمد (ص) امت را بیاد آر وقتی را که موسی برفیق جوانمردش یوشع که وصی و خلیفه او بود گفت من دست از طلب برندارم تا به مجمع البحرین به محل دو دریای مشرق و مغرب یا مرد کامل الهی خضر وقت که جمع بین دریای مشرق معرفت و مغرب عبادت کرده برسم یا قرن‌ها عمر در طلب بگذرانم (۶۱) و چون موسی و رفیقش بدان مجمع البحرین رسیدند ماهی غذای خود را فراموش کردند آن ماهی، راه بدریا برگرفت و رفت (۶۲) پس آنگاه که از آن مکان بگذشتند موسی به آن جوان گفت غذای چاشت ما را بیاور که ما در این سفر رنج بسیار دیدیم (۶۳) یوشع گفت در نظر داری آنجا که بر سر سنگی منزل گرفتیم من آنجا ماهی را فراموش کردم و شیطان از یادم برد و شگفت آنکه ماهی بریان راه دریا گرفت و برفت (۶۴) موسی به فراست دریافت و یوشع را گفت آنجا همان مقصدی است که ما در طلب آنیم و از آن راهی که آمدند به آنجا برگشتند (۶۵) در آنجا بنده ای از بندگان خاص ما را که جوپای او بودند یافتند که او را رحمت و لطف خاصی عطا کردیم و هم از نزد خود وی را علم لدنی و اسرار غیب الهی بیاموختیم (۶۶) موسی به آن شخص دانا و خضر زمان گفت آیا اگر من تبعیت و خدمت تو کنم از علم لدنی خود مرا خواهی آموخت؟ (۶۷) آن عالم پاسخ داد که تو ای موسی ظرفیت نداری و هرگز نمیتوانی که تحمل اسرار کرده و با من صبر پیشه کنی (۶۸) و چگونه صبر توانی کرد بر چیزی که اصلا از علم آن آگاهی نیافته ای (۶۹) موسی باز گفت به خواست خدا مرا با صبر و تحمل خواهی یافت و هرگز در هیچ امر با تو مخالفت نخواهم کرد (۷۰) آن عالم باز گفت پس اگر تابع من شدی دیگر از هر چه من کنم هیچ سوال مکن تا وقتی که از آن راز من خود تو را آگاه سازم (۷۱) موسی قبول شرط کرد و سپس هر دو با هم برفتند تا وقتی که در کشتی سوار شدند آن عالم کشتی را در میان دریا بشکست موسی شرط و عهد خود را فراموش کرد و گفتای مرد چرا کشتی شکستی تا اهل آن را بدریا غرق کنی؟ بسیار کار منکر و زشتی به جای آوردی؟ (۷۲) آن عالم به موسی گفت آیا من با تو ننگتم که هرگز ظرفیت و توانائی آنکه با منصبر کنی نداری؟ (۷۳) موسی متذکر شرط خود شد و گفت این یک بار بر من مگیر که شرط خود را فراموش کردم و فراموشی اختیاری نیست ببخش و مرا تکلیف سخت طاقت فرسا نفرما (۷۴) خضر عذرش را پذیرفت و باز هم روان شدند تا از دریا گذشته در ساحل به پسری برخوردند او پسر را بی گفتگو بقتل رسانید باز موسی شرط رفاقت خود را فراموش کرده تندش و گفت آیا نفس محترمی که کسی را نکشته بود بیگناه کشتی؟ همانا کار بسیار منکر ناپسندی کردی؟ (۷۵) باز آن عالم به موسی گفت آیا با تو ننگتم که تو هرگز پرفیت و مقام آنکه با من و اسرار کار من صبر کنی نخواهی داشت (۷۶) موسی گفت این دفعه را هم ببخش اگر بار دیگر از تو مواخذه و اعتراضی کردم از آن بعد با من ترک صحبت و رفاقت کن که از تقصیر من عذر موجه بر متار که دوستی بدست خواهی داشت (۷۷) خضر عذر موسی را پذیرفت و باز هم روان شدند تا وارد بر قریه ای شدند و از اهل آن شهر طعام خواستند مردم از طعام دادن و مهمانی آنها با کردند و هیچ کس آنها را مهمان نکرد آنها هم از آن شهر به عزم خروج رفتند تا نزدیکی دروازه آن شهر بدیواری که نزدیک به انهدام بود رسیدند خضر آن دیوار را دیده و به استحکام و تعمیر آن پرداخت باز موسی زبان به اعتراض گشود و گفت روا بود که تو که این زحمت را بخود دادی جائی این تعمیر را میکردی که بر آن اجرتی میگرفتی تا از آن اجرت بر خود تهیه غذا میکردیم (۷۸) خضر گفت این سه بار کم پرفی و بی صبری و اعتراض عذر مفارقت بین من و تو است و من همین ساعت تو را بر اسرار کارهایم که بر فهم آن

صبر و ظرفیت نداشتی آگاه می‌سازم (۷۹) اما آن کشتی را که بشکستم صاحبش خانواده فقیری بود که از آن کشتی کسب و ارتزاق میکردند خواستم چون کشتیهای بی عیب را پادشاه به غضب میگرفت این کشتی را ناقص کنم تا برای آن فقیران باقی بماند (۸۰) اما آن غلام را که بقتل رساندم چون کافر بود و پدر و مادر او مومن بودند از آن باک داشتم که آن پسر آنها را فریفته خود سازد و به خوی کفر و طغیان خود درآورد (۸۱) خواستم تا به جای او خدا فرزندی بهتر و صالحتر و مهذبتر و نزدیکتر به ارحامپرستی به آن پدر و مادر بخشد (۸۲) اما آن دیوار را که تعمیر کردم در این شهر بدین جهت بود که زیر آن گنجی از دو طفل یتیمی که پدری صالح داشتند نهفته بود خدا خواست تا آن اطفال بحد رشد رسند و گنج تا آن زمان بر آنان زیر دیوار بماند تا بلطف خدا خودشان گنج را استخراج کنند و من اینکارها نه از پیش خود بلکه به امر خدا کردم اینست مال و باطن کارهایی که تو طاقت و ظرفیت بر انجام آن نداشتی مفسرین برخی طبق اخبار گفتند آن گنج از جواهر علوم بود نه آر و گوهر (۸۳) و از تو ای رسول سوال از ذوالقرنین میکنند پاسخ ده که من بزودی حکایت او را بشما تذکر خواهم داد (۸۴) ما او را در زمین رسالت و سلطنت و تمکن و قدرت بخشیدیم و در علم و هنر از هر چیزی رشته ای بدست او دادیم (۸۵) او هم از آن رشته و وسیله حق پیروی کرده و موفقیتها مییافت (۸۶) تا هنگامی که در سیر خود ذوالقرنین به مغرب رسید جائی که خورشید را که در دریای محیط غروب میکرد چنین می یافت که در چشمه آب تیره ای رخ نهان میکند و آنجا قومی را یافت که ما چون کافر بودند به ذوالقرنین دستور دادیم که درباره این قوم یا قهر و عذاب اگر ایمان نیاوردند یا لطف و رحمت اگر ایمان آرند به جای آور (۸۷) ذوالقرنین به آن قوم گفت اما هر کس از شما ظلم و ستم کرده او را به کیفر خواهم رسانید و سپس هم که بعد از مرگ به سوی خدا باز گردد خدا او را به عذابی بسیار سخت کیفر خواهد کرد (۸۸) و اما هر کس به خدا ایمان آورد و نیکو کردار شد نیکوترین اجر که سعادت دنیا و بهشت آخرت است خواهد یافت و هم ما امر را بر او سهل و آسان گیریم و از هر جهت وسایل آسایش او فراهم سازیم (۸۹) ذوالقرنین باز با همان وسایل و اسباب سفر را ادامه داد و تعقیب کرد (۹۰) تا آنکه به مشرق زمین رسید آنجا قومی را یافت که ما میان آنها و آفتاب ساتری قرار ندادیم یعنی لباس و خیمه و مسکنی که از حرارت خورشید سایبان کنند نداشتند (۹۱) همچنین بود و البته ما از احوال آن کاملاً باخبر بودیم (۹۲) باز از جنوب به سمت شمال سفر را ادامه داد و با وسایل تعقیب میکرد (۹۳) تا رسید میان دو سد دو کوه بین دو کشور در شمال یا جنوب خاک ترکستان آنجا قومی را یافت که سخنی فهم نمی کردند و سخت وحشی و زبان نفهم بودند (۹۴) آنان گفتند ای ذوالقرنین بدان که قومی بنام یجوج و مجوج پشت این کوه فساد و خونریزی و وحشی گری بسیار میکنند آیا چنانکه ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما و آنها می بندی؟ که ما از شر آنان آسوده شویم؟ (۹۵) ذوالقرنین گفت تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده از هزینه شما بهتر است نیازی به کمک مادی شما ندارم اما شما با من به قوت بازو کمک کنید مرد و کارگر از شما، وسایل و هزینه آن با من تا سدی محکم برای شما بسازم که بکلی مانع دستبرد آنها شود (۹۶) و گفت قطعات آهن بیاورید آنگاه دستور داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مسای دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند و سپس آتش افروخته تا آهن گداخته شود آنگاه مس گداخته بر خلل و فرج آن آهن و سنگ ریختند (۹۷) از آن پس آن قوم نه هرگز بر شکستن آن سد و نه بر بالای آن شدن و رخنه در آن توانائی یافتند (۹۸) ذوالقرنین گفت که این قدرت و تمکن بر بستن سد از لطف و رحمت خدای منست و آنگاه که وعده خدا فرا رسد که در روز قیامت یا روز ظهور حضرت ولی الله اعظم است آن سد را متلاشی و پاره پاره گرداند و البته وعده خدا محقق و راست خواهد بود (۹۹) و روز آن وعده که فرا رسد طایفه یاجوج و ماجوج یا همه خلائق محشر چون موج مضطرب و سرگردان باشند و نفخه صور دمیده شود و همه خلق در صحرای قیامت جمع آیند (۱۰۰) و دوزخ را که انکار میکردند اشکار به کافران بنمائیم (۱۰۱) آن کافرانی که بر چشم قلبشان پرده غفلت بود و از یاد من غافل بودند و از فرط هوای نفس هیچ توانائی بر شنیدن آیات و کلمه الهی نداشتند (۱۰۲) آیا کافران پندارند که بندگان باخلوص من، غیر من کسی را دوست و یاور خود خواهند گرفت آهی پندار باطل. بندگان من هرگز از من بغیر نپردازند و ما برای کافران دوزخ

را منزلگاه قرار داده ایم (۱۰۳) ای رسول ما به امت بگو که میخواهید شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ (۱۰۴) زیانکارترین مردم آنها هستند که عمرشان را در راه دنیای فانی تباه کردند و به خیال باطل می پنداشتند که نیکوکاری میکنند (۱۰۵) همین دنیا طلبانند که به آیات خدای خود کافر شدند و روز ملاقات خدا را انکار کردند لذا اعمالشان همه تباه گشته و روز قیامت آنها را هیچ وزن و ارزشی نخواهیم داد زیرا آنها کاری که در آن جهان ارزشی دارد نکرده اند (۱۰۶) اینان چون کافر شده و آیات و پیمبران مرا استهزاء کردند باتش دوزخ کیفر خواهند یافت (۱۰۷) و آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند البته آنها در بهشت فردوس منزل خواهند یافت (۱۰۸) همیشه در آن بهشت ابد منزل یافته و هرگز از آنجا انتقال نخواهند یافت (۱۰۹) ای رسول ما به امت بگو که اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود پیش از آنکه کلمات الهی به آخر رسد دریا خشک خواهد شد هر چه دریائی دیگر باز ضمیمه آن کنند یعنی عوالم وجود که کلمات تکوینی الهی است بیحد و نامتناهی است (۱۱۰) ای رسول بگو به امت که من مانند شما بشری هستم دعوی احاطه به جهانهای نامتناهی و کلیه کلمات الهی نکنم تنها فرق من با شما اینست که به من وحی میرسد که خدای شما خدای یکتاست و هر کس به لقای رحمت او امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدا احدی را با او شریک نگرداند (۱۱۱)

مریم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) که بعض این حروف رموز و اسرار است در میان خدا و رسول (ص) (۲) در این آیات پروردگار تو از رحمتش بر بنده خاص خود زکریا سخن میگوید (۳) یاد کن حکایت او را وقتی که خدای خود را پنهانی و از صمیم قلب ندا کرد (۴) عرض کرد که پروردگارا استخوان و ارکان حیات من سست گشت و فروغ پیری بر سرمبتافت و با وجود این من از دعائی بدرگاه کرم تو چشم امید دارم و خود را محروم از عطای بی انتهای تو هرگز ندانسته ام (۵) بار الها من از این وارثان کنونی که پسر عموهای من هستند بیمناکم مبادا که پس از من در مال و مقام خلف صالح نباشند و راه باطل پویند و زوجه من هم نازا و عقیم است تو خدایا از لطف خاص خود فرزندی صالح و جانشینی شایسته به من عطا فرما (۶) که او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما (۷) ما دعای او را مستجاب کردیم و گفتیم ای زکریا همانا تو را به فرزندی که نامشیحی است و از این پیش همانم و همانندش در تقوی نیافریدیم بشارت میدهم (۸) زکریا از فرط شوق و شگفتی و برای حصول اطمینان عرض کرد الها مرا از کجا پسری تواند بود در صورتی که زوجه من نازا و سن نود متجاوز و من هم به قرب صد رسیده ام و از شدت پیری خشک و فرتوت شده ام (۹) فرشته ای گفت خدا فرمود اینکار برای من بسیار آسانست که خواست من به اسباب و علل عادی مربوب نیست و منم که تو را پس از هیچ و معدوم صرف بودن نعمت وجود بخشیدم (۱۰) زکریا باز عرضه داشت بار الها برای من نشانه و حجتی بر این بشارت قرار ده تا شکر گفته و کاملاً مطمئن شوم خدا فرمود که بدین نشان که با مردم تکلم تا سه روز نکنی و بر سخن قادر نباشی (۱۱) پس ما به زکریا در آن جائی که از محراب عبادت بر قومش بیرون آمد وحی کردیم که تو و امت همه صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید و خدا را از شرک و شریک پاک و منزّه خوانید (۱۲) چون زکریا ذکر تسبیح و نماز کرد ما به او یحیی را عطا کردیم و چون سه ساله شد به یحیی خطاب کردیم که ای یحیی تو کتاب آسمانی ما را به قوت نبوت فرا گیر و به او در همان سن کودکی مقام نبوت بخشیدیم (۱۳) و او به لطف خاص ما بدان مقام نبوت رسید و از این رو که طریق بندگی خدا و تقوی پیش گرفت (۱۴) و هم در حق پدر و مادر خود بسیار نیکی کرد و هرگز به احدی ستم نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید (۱۵) سلام حق بر او باد در روز ولادتش و روز وفاتش و روزی که برای زندگانی ابدی برانگیخته خواهد شد چون بندگان در این سه روز سخت بیشتر به لطف خدا محتاجند (۱۶) و ای رسول ما یاد کن در کتاب خود احوال مریم را آن روزی که از اهل خانه خویش کنار گرفته به مکانی به مشرق بیت المقدس برای عبادت روی آورد (۱۷) و آن گاه که از همه خویشانش به کنج

تنهایی محتجب و پنهان گردید ما روح خود را روح القدس که فرشته اعظم است بر او در صورتی زیبا مجسم ساختیم (۱۸) مریم که آن روح مجسم را در آن صورت نیکو دید بدو گفت من از تو پناه به خدای رحمان میبرم که تو پرهیز کاری کنی و با این حسن و زیبایی خیال زشتی درباره من نکنی (۱۹) روح القدس در پاسخ مریم گفت من فرستاده خدای توام آمده‌ام تا به امر او تو را فرزندی بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت (۲۰) مریم گفت ای عجب از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که دست بشری به من نرسیده و من کار ناشایسته ای نکرده‌ام (۲۱) رسول حق از زبان بی‌زبانی خدا گفت این چنین کار البته خواهد شد و بسیار بر من آسانست و ما این پسر را آیت بزرگ و پیغمبر عظیم الشان و رحمت واسع خود برای خلق می‌گردانیم و قضای الهی بر این کار رفته است (۲۲) پس مریم به مشاهده جبرئیل در گریانش نسیم اهتزاز یافت و به آن پسر بار برداشت و برای آنکه از سرزنش قوم جاهل برکنار باشد به مکانی دور خلوت گزید (۲۳) آنگاه ساعت بعد که او را درد زائیدن فرا رسید زیر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود میگفت ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه عالم بکلی نامم فراموش شده بود (۲۴) مریم در آن حال غم و اندیشه بود که از زیر آن درخت روح القدس یا فرزندش عیسی او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد (۲۵) ای مریم شاخ درخت را حرکت ده تا از آن برای تو رطب تازه فروریزد و روزی خود تناول کنی (۲۶) پس از این رطب تناول کن و از این چشمه آب بیاشام و چشم خود به عیسی روشن دار و هر کس از جنس بشر را که بینی به اشاره با او بگو برای خدا نذر روزه سکوت کرده‌ام و با هیچکس تا روزه‌ام هرگز سخن نخواهم گفت (۲۷) آنگاه قوم مریم که از این قضیه آگاه شدند به جانب او آمدند که از این مکانش همراه برند بر او زبان ملامت گشوده و گفتند ای مریم عجب کاری منکر و شگفت آور کردی (۲۸) ای مریم خواهر هارون تو را نه پدری ناصالح بود و نه مادری بدکار پس تو دختر بکر از کجا فرزند یافتی (۲۹) مریم پاسخ ملامتگران را به اشاره حواله به طفل کرد آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره ای سخن گوئیم (۳۰) آن طفل به امر خدا به زبان آمد و گفت همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود (۳۱) و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد (۳۲) و به نیکوئی با مادر توصیه نمود. و مرا ستمکار و شقی نگردانید (۳۳) و سلام حق بر جان پاک من است روزی که به دنیا آمدم و روزی که از جهان بروم و روزی که برای زندگانی ابدی آخرت باز برانگیخته شوم (۳۴) اینست قضیه عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شک و ریب دارند اکنون به سخن حق و صواب حقیقت حالش بیان گردید (۳۵) خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده که وی منزله از آنست او قادر است که چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد گوید موجود باش بی درنگ آن چیز موجود میشود (۳۶) خدای یکتا پروردگار من و شما و همه عالم است او را پرستید که راه راست همین راه خداپرستی است (۳۷) طوایف مردم از پیش خود درباره مسیح پسر مریم اختلاف کردند برخی او را از کفر و جهل خدا دانستند و برخی پسر خدا و برخی پسر یوسف نجارش خواندند و ای بر این مردم کافر هنگام حضور آن روز بزرگ قیامت (۳۸) روز محشر که خلق به سوی ما باز آیند چقدر شنوا و بینا شوند ولی امروز که باید حقیقت را بشنوند و ببینند مردم ستمکار همه به گمراهی و ضلالت فرورفته اند (۳۹) و ای رسول ما امت را از روز غم و حسرت یعنی روز مرگ و قیامت بترسان که آن روز دیگر کارشان گذشته است و فکر و تدبیری نتوانند کرد و مردم سخت از آن روز غافلند و به آن ایمان نمی‌آورند (۴۰) تنها مائیم که پس از فنای خلق و انتقالشان به عالم آخرت زمین و اهلش را وارث می‌شویم و همه به سوی ما باز می‌گردند (۴۱) و ای رسول یاد کن در کتاب خود شرح حال ابراهیم را که او شخص بسیار راستگو و پیغمبری بزرگ بود (۴۲) هنگامی که با پدر خود یعنی عموی خویش آزر گفت ای پدر چرا خدا را رها کرده و بتی جماد که چشم و گوش و حس و هوشی ندارد و هیچ رفع حاجتی از تو نتواند کرد پرستش میکنی؟ (۴۳) ای پدر بدان که مرا از وحی خدا علمی آموختند که تو را آن علم نیاموخته اند پس تو مرا پیروی کن تا براه راست هدایت کنم (۴۴) ای پدر هرگز شیطان را نپرست که شیطان سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد (۴۵) ای پدر از آن سخت می‌ترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و به دوزخبا

شیطان یار و یاور باشی (۴۶) آزر پس از این نصایح در پاسخ گفت ای ابراهیم تو مگر از خدایان من روگردان و بی عقیده شدی؟ چنانچه دست از مخالفت بتان برداری تو را سنگسار کنم و گرنه سالها از من بدور باش (۴۷) باز ابراهیم به امید هدایت آزر او را دعای خیر کرده و گفت سلامت باشی من از خدا بر تو آموزش می طلبم که خدای من بسیار در حق من مهربانست (۴۸) من از شما و بتانی که به جای خدا می پرستید دوری کرده و خدای یکتا را میخوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم مرا از درگاه لطفش محروم نگرداند و از شر مشرکان حفظ کند (۴۹) چون ابراهیم از آن قوم و بتانی که به جای خدا می پرستیدند نومید شد و دوری گزید و به خدای یکتا رو آورد ما هم به لطف و رحمت خود به او اسحق و یعقوب را عطا کردیم و به همه شرف نبوت بخشیدیم (۵۰) و آنها را از رحمت خود بهره مند ساختیم و بر زبان عالمی آوازه نکونامی شان را بلند گردانیدیم (۵۱) و یاد کن در کتاب خود شرح حال موسی را که او بسیار بنده ای با اخلاص و رسولی بزرگ و مبعوث به پیمبری بر خلق بود (۵۲) و ما او را از وادی مقدس طور ندا کردیم و به مقام قرب خود برای استماع کلام خویش برگزیدیم (۵۳) و از لطف و مرحمتی که داشتیم برادرش هارون را نیز برای مشارکت و مساعدت او مقامنبوت عطا کردیم (۵۴) و یاد کن در کتاب خود شرح حال اسماعیل را که بسیار در وعده صادق و در عهد استوار و پیغمبری بزرگوار بود (۵۵) و همیشه اهل بیت خود را به اداء نماز و زکات امر میکرد و او نزد خدا بنده پسندیده ای بود (۵۶) و یاد کن در کتاب خود احوال دریس را که او شخصی بسیار راستگو و پیغمبری عظیم الشان بود (۵۷) و مقام او را بلند و مرتبه اش را رفیع گردانیدیم (۵۸) اینان که از زکریا تا دریس اوصافشان یاد شد همان رسولانی هستند که ما از میانهمه اولاد آدم و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشانیدیم و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم آنها را به لطف و نعام خود مخصوص گردانیدیم حال آنها در بندگی چنانست که هرگاه آیات و رحمت ما بر آنها تلاوت شود با گریه شوق و محبت روی اخلاص بر خاک نهند (۵۹) سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع گزارده و شهوت نفس را پیروی کردند و اینها به زودی کيفر گمراهی را خواهند یافت (۶۰) مگر آن کس که توبه کند و به خدا ایمان آورد و نیکوکار شود در این صورت گناهایش بخشیده و بی هیچ ستم به بهشت ابد داخل خواهد شد (۶۱) آن بهشت عدنی که خدای مهربان برای بندگان صالح در غیب این جهان وعده فرمود و البته وعده خدا یقین به انجام میرسد (۶۲) و در آن بهشت هرگز سخن لغوی نشنوند بلکه همه گفتارشان سلام و ستایش یکدیگر است و روزی آنها صبح و شام بی هیچ رنج به آنها میرسد (۶۳) این همان بهشتی است که ما بندگان پاک متقی خود را بالخصوص وارث آن می گردانیم (۶۴) ما رسولان و فرشتگان خدا جز به امر خدای تو هرگز از عالم بالا نازل نخواهیم شد اوست که بر همه جهانهای پیش رو و پشت سر ما و بین آنها هر چه هست به احاطه علمی به همه آگاهست و هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد شاید مقصود از جهانهای پیش رو عوالم آخرت باشد و از پشت سر عالم ذر و ما بین آنها کرات و عوالم جسمانی زمین و آسمان مراد است (۶۵) تنها اوست آفریننده آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن که اگر او را به خدائی نپرستی آیا دیگری را مانند او به نام خدائی لایق پرستش خواهی یافت؟ هرگز نخواهی یافت (۶۶) و انسان بیچاره در امر معاد شک کند و گوید آیا چون من بمیرم باز به زودی سر از قبر بیرون آورده و زنده خواهم شد؟ از کجا معلوم است (۶۷) آیا آدمی برای ایمان به معاد متذکر آن نمی شود که اول هیچ محض و معدوم صرف بود ما او را ایجاد کردیم؟ (۶۸) قسم به خدای تو که البته آنها را که در کفر و انکارند با شیاطین در قیامت محشور می گردانیم آنگاه همه را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش جهنم به زانو در آیند (۶۹) سپس هر که را عتو و سرکشی بر فرمان خدای مهربان بیشتر کرده یک یک را از هر فرقه بیرون آریم تا به دوزخ درافکنیم (۷۰) آنگاه ما آنها را که سزاوارتر به آتش دوزخند بهتر بشناسیم (۷۱) و هیچ یک از شما نوع بشر باقی نماند جز آنکه به دوزخ وارد شود و این حکم پروردگار تست (۷۲) پس از ورود همه در دوزخ ما افرادی را که خدا ترس و با تقوی بوده اند از جهنم نجات خواهیم داد و ستمکاران را فرو گذاریم تا در آن آتش به زانو درافتند (۷۳) و هرگاه در فضیلت مومن بر کافر آیات واضحی ما بر مردم تلاوت شود کافران غنی و

متکبر به مومنان در مقام مفاخره گویند کدام یک از ما دو فرقه غنی و فقیر مقاماتمان بهتر و منزلتان نیکوتر خواهد بود؟ (۷۴) در صورتی که ما پیش از این با کافران چه کرده بسیاری را که از اینها دارا تر و خوشتر بودند همه را هلاک گردانیدیم (۷۵) ای رسول ما، به امت بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت خدای مهربان به او مهلت و طول عمر و تمکن میدهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم خود ببینند که یا در دنیا عذاب قتل و اسیری چشد یا ساعت قیامت وی را فرا رسد و کافران به زودی خواهند دانست که از مومن و کافر کدام یک روزگارش بدتر و سپاهش ضعیفتر است؟ البته کافران بد روزگار و مومنان خوش عاقبتند (۷۶) و خدا هدایت یافتگان را بر هدایت می افزاید و اعمال صالحی که اجرش نعمت ابدی است نزد پروردگار تو بهتر از مال و جاه فانی دنیا است هم از جهت ثواب الهی و هم از جهت حسن عاقبت اخروی (۷۷) ای رسول دیدی حال آنکه به آیات ما کافر شد مانند عاصی ابن وائل کافر که به خباب بن ارت مومن به استهزاء و مسخره گفت من البته مال و فرزند بسیار در بهشتهم خواهم داشت آنجا طلب تو را میدهم (۷۸) آیا این شخص کافر جاهل که چنین سخن میگوید بر عالم غیب آگاهی یافته یا از خدا بر خود عهدی گرفته است که در عالم آخرت هم دارای نعمت و ثروت باشد (۷۹) هرگز چنین نیست ما البته آنچه گوید خواهیم نوشت و سخت بر عذابش خواهیم افزود (۸۰) و آنچه از مال و متاع و فرزند که به مفاخرت و غرور داریم در گفتار داشت ما وارث آن شویم و او بی کس و تنها از دنیا به جانب ما باز آید (۸۱) و مشرکان خدای یگانه را ترک گفته و خدایان باطل مانند بتها و فراعنه را برای عزت و احترام دنیوی برگرفتند (۸۲) چنین نیست بلکه به زودی از کار خود پشیمان و از پرستش آن خدایان باطل روی بگردانند و به خصومت آنها برخیزند (۸۳) آیا ندیدی که ما شیاطین را بر سر کافران فرستادیم تا سخت آنها را آزار کنند و به وهم و خیالات باطل دنیا از سعادت ابد محرومشان سازند (۸۴) پس تو ای رسول تعجیل در کار آنها مکن که ما حساب روز و ساعت عذاب آنان را کاملادر نظر داریم (۸۵) یاد آور روزی را که متقیان را به سوی خدای مهربان به اجتماع محشور گردانیم (۸۶) و بدکاران را به آتش دوزخ درافکنیم (۸۷) که در آن روز هیچکس مالک شفاعت نباشد مگر کسی که به پرستش حق از خدای مهربان عهدنامه توحید کامل و شفاعت دریافته است (۸۸) و کافران گفتند که خدای رحمان فرزند برگرفته (۸۹) ای کافران همانا شما سخنی بسیار زشت و منکر بر زبان آوردید (۹۰) نزدیکست از این گفته زشت و عقیده باطل آسمانها از هم فروریزد و زمین بشکافد و کوه ها متلاشی گردد (۹۱) چرا که برای خدای مهربان فرزندی مسیح و عزیر و ملایک را دعوی کردید (۹۲) در صورتی که هرگز خدا را که منزله از مثل و مانند است فرزند داشتن سزاور نخواهد بود (۹۳) بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست جز اینکه خدا را بنده فرمانبردار است (۹۴) او به شماره همه موجودات کاملا آگاهست (۹۵) و تمام آنها روز قیامت منفرد و تنها به پیشگاه حضرتش حضور میابند (۹۶) همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند خدای رحمان آنها را در نظر خلق و حق محبوب میگرداند (۹۷) ما حقایق این قرآن را تنها به زبان تو سهل و آسان کردیم تا به آن اهل تقوی را بشارت دهی و معاندان لجوج را از عذاب خدا بترسانی (۹۸) و چه بسیار اقوامی از اهل عناد را که پیش از این معاندین هلاک ساختیم که اثری از آنها باقی نماند آیا چشم تو به احدی از آنها دیگر خواهد افتاد؟ یا کمترین صدائی در دنیا از آنان تا ابد خواهی شنید؟ (۹۹)

طه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طه ای مشتاق حق و هادی خلق (۲) ای رسول ما قرآن را از آن برای تو نازل نکردیم که از کثرت عبادت خدا و جهد و کوشش در هدایت خلق خویشتن را به رنج درافکنی (۳) تنها غرض از نزول قرآن آنست که مردم خدا ترس را متذکر و بیدار سازی (۴) این کتاب بزرگ فرستاده آن کسی است که زمین و آسمانهای بلند را آفرید (۵) آن خدای مهربانی که بر عرش عالم وجود و کلیه جهان آفرینش به علم و قدرت محیطاست (۶) هر چه در آسمانها و زمین و بین آنها یا زیر کره خاک موجود است همه ملک اوست (۷) و اگر به آواز بلند یا آهسته سخن گوئی یکسانست که همانا خدا بر پیدا و نهان و مخفی ترین امور جهان

کاملاً آگاهست (۸) به جز خدای یکتا که همه اسماء و صفات نیکو مخصوص اوست خدائی نیست (۹) و ای رسول ما داستان موسی را میخواهی تا بدانی؟ (۱۰) آنگاه که موسی آتشی مشاهده کرد و به اهل بیت خود که در بیابان سرد به آتش محتاج بودند گفت اندکی مکث کنید که از دور آتشی به چشم دیدم باشد که یا پاره ای از آن آتش بر شما بیاورم یا از آن به جانی راه یابم یعنی از این بیابان و سرما در پی این آتش رفته و به منزلگاهی رهبری شوم (۱۱) چون موسی به آن آتش نزدیک شد در میان درختی آتش روشنی دید و از آنجا ندا شد که ای موسی (۱۲) من پروردگار توام تو نعلین همه علاقه غیر مرا از خود بدور کن که اکنون در وادی مقدس و مقام قرب ما قدم نهادی (۱۳) و من تو را به رسالت خود برگزیدم در این صورت به سخن وحی گوش فراده تا کلام مرا بشنوی (۱۴) اولاً- بدان که منم خدای یکتا هیچ خدائی جز من نیست پس مرا به یگانگی بپرست و نماز را مخصوصاً برای یاد ما بپادار (۱۵) و بعد از توحید بدان که محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و ما آن ساعت را پنهان داریم تا مردم آزمایش شوند و هر نفسی را به پاداش نیک و بد اعمالش در آن روز برسانیم (۱۶) پس زنهار مردمی که به قیامت ایمان ندارند و پیرو هوای نفسند تو را از یاد آن روز هولناک باز ندارند و غافل نکنند و گرنه هلاک خواهی شد (۱۷) و ای موسی اینک باز گو تا چه به دست راست داری؟ (۱۸) موسی در پاسخ خطاب رب العز عرضه داشت این عصای من است که بر آن تکیه میزنم و گوسفندانم را میرانم و از درختان بر آنها برگ میریزم و حوائجی دیگر چون مدد راه رفتن و دفع دشمن و غیره نیز به آن انجام میدهم (۱۹) خدا فرمود ای موسی این عصا که این همه تعلق خاطر باو داری بیفکن و بکلی علاقه غیر خدا را از خود دور کن (۲۰) موسی چون آن را به زمین انداخت عصا از دهائی مهیب شد و به هر سو می شتافت (۲۱) باز حضرت احدیت فرمود عصا را بگیر و از آن مترس که ما او را به صورت اول برمیگردانیم (۲۲) باز به او خطاب شد که دست خود به گریبان فرو بر تا دستی بی هیچ عیب چون خورشید رخشان بیرون آید و این معجزه دیگر تو خواهد بود (۲۳) تا باز هم ای موسی بزرگتر آیات خود را ارائه دهیم (۲۴) اینک به رسالت به جانب فرعون روانه شو که وی در کفر سخت طغیان کرده است (۲۵) موسی به خدا عرضه داشت پروردگارا اکنون که بر این کار بزرگ مامور فرمودی پس شرح صدرم عطا فرما که از جفا و آزار مردم تنگدل نشوم (۲۶) و کار مرا آسان گردان و سختیهای که در انجام این وظیفه بر من پیش میاید برطرف ساز (۲۷) و عقده را از زبانه بگشا (۲۸) تا مردم سخنم را نیکو فهم کرده و خوش بپذیرند (۲۹) و نیز از اهلیت من یکی را وزیر و معاون من فرما (۳۰) برادرم هارون را وزیر من گردان (۳۱) و به او پشت من محکم کن (۳۲) و او را در امر رسالت با من شریک ساز (۳۳) تا دائم بستایش و سپاس تو پردازیم (۳۴) و تو را بسیار یاد کنیم (۳۵) که همانا بس تویی بصیر و مهربان به احوال ما و ما به جز تو کسی نداریم (۳۶) پروردگار فرمود ای موسی آنچه از ما خواستی همه به تو اعطا گردید (۳۷) همانا متذکر باش که ما بر تو بار دیگر نیز منت بزرگی نهادیم (۳۸) آن هنگام که برای حفظ جان تو از بلائی فرعونیان به مادرت وحی مهمی نمودیم (۳۹) وحی کردیم که کودک خود را در صندوقی گذار و به دریا افکن چنین کرد و امواج دریا کودک را به ساحل رسانید تا دشمن من و آن طفل یعنی فرعون از دریا طفل را برگرفت و من به لطف خود از تو بر دلهای دشمن و دوست فرعون و دیگران محبت افکندم تا تربیت و پرورشت به نظر ما انجام گیرد (۴۰) آنگاه که از مادر دور افتادی خواهرت در جستجوی بود تا تو را نزد فرعونیان یافت و به آن فرعون گفت می خواهید یکی را که شیر و تربیت این طفل را تکفل کند به شما معرفی کنم و ما بدین وسیله تو را به مادرت برگردانیدیم تا بدیدار تو دیده اش روشن گردید و باز منت دیگر آنکه یک نفر از فرعونیان را کشتی ما از غم آن نیز تو را نجات دادیم و دیگر بارت به امتحان و ابتلای سخت بیازمودیم تا آنکه حال ای موسی به مقام نبوت رسیدی (۴۱) و تو را برای مقام رسالت و محبت خود آراستیم (۴۲) اکنون تو و برادرت با معجزات و آیاتی که به شما دادم از پی رسالت خود بروید و سستی در ذکر من روا مدارید (۴۳) بروید به رسالت به سوی فرعون که او سخت به راه کفر و طغیان شتافته است (۴۴) و با او با کمال آرامی و نرمی سخن گوئید باشد که از این خواب غفلت و غرور بیدار و متذکر شود یا از خدا بترسد و ترک ظلم کند (۴۵) موسی و هارون عرض کردند بار الها میترسیم که فرعون با آن قدرت و نخوت پیش از آنکه به ادله و معجزات ما توجه نماید بی درنگ بر ما

ظلم و عقوبت کند یا برکفر و سرکشی خود بیفزاید (۴۶) خدا فرمود هیچ نترسید که من با شمایم و شما را یاری میکنم و همه گفتار و رفتار شما را با او می شنوم و می بینم (۴۷) خدا وعده نصرت و حفظ به آنها داد و سپس فرمود اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگوئید که ما دو رسول پروردگار توایم تا از این پس دست از ظلم و بیداد به بنی اسرائیل برداشته و کارشان با ما گذاری و بیش از این عذاب به آنها نکنی که همانا ما با آیت و معجزه از جانب خدا آفریننده تو آمده ایم و سلام حق بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند (۴۸) به ما رسولان خدا چنین وحی شده که همانا عذاب سخت خدا بر آن کس است که خدا و رسولانش را تکذیب کند و از حق روی بگرداند (۴۹) فرعون پس از شنیدن نصایح آنها گفت ای موسی خدای شما کیست؟ (۵۰) موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است که او همه موجودات عالم را نعمت وجود بخشیده و سپس به راه کمالش هدایت کرده است (۵۱) آنگاه فرعون گفت پس حال اقوام سلف که خداشناس و خداپرست نبودند چیست؟ (۵۲) موسی پاسخ داد که احوالشان به علم ازلی خدا در کتاب لوح محفوظ ثبت است هرگز از حال احدی خدای مرا خطا و فراموشی نیست (۵۳) همان خدائی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راه ها برای رواب سفر و حوائج خلق پدید آورد و هم از آسمان آب نازل کرد تا به آن آب آسمانی انواع نباتات مختلف از زمین برویندیم (۵۴) تا ای بندگان شما از آن نعمتها تناول کنید و چهارپایانتان را هم بچرانید که همانا در اینکار آیات ربوبیت برای خردمندان پدیدار است (۵۵) ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمیگردانیم و هم بار دیگر روز قیامت از این خاک بیرون می آوریم (۵۶) و ما به فرعون به واسطه موسی همه آیات خود را روشن نمودیم و او همه را تکذیب کرد و از آن روگردانید (۵۷) فرعون در پاسخ گفت ای موسی تو آمده ای به طمع آنکه ما را از کشورمان به سحر و شعبده خود بیرون کنی؟ (۵۸) ما هم در مقابل سحر تو سحری البته خواهیم آورد پس موعدی معین کرد که بی آنکه هیچ یک از ما خلف وعده کنیم در سرزمین مسطحی که خلائق ببینند برای سحر و ساحری مهیا شویم (۵۹) موسی گفت وعده ما و شما روز زینت یعنی روز عید قبطیان باشد و مردم هنگام ظهر به موعد برای مشاهده همه بیرون آیند (۶۰) آنگاه فرعون از موسی روگردانید و به تدبیر جمع آوری سحر و ساحران پرداخت و اسباب کار مهیا کرده سپس با ساحران بسیار به وعده گاه آمد (۶۱) موسی ساحران را اندرز کرده و گفت وای بر شما زنهار بر خدا به سحر دروغ مبندید که بنیاد شما را بر باد هلاک دهد و بدانید که هر کس به خدا افترا بست سخت زیانکار شد (۶۲) موعظه موسی در ساحران اثر کرد و آنها در کارشان بگفت و شنید پرداختند و در نتیجه گفتند که کار موسی سحر و ساحری نیست ولی راز خود را پنهان داشتند (۶۳) فرعونیان گفتند این دو تن موسی و هارون دو ساحرنده که میخواهند به سحرانگیزی شما مردم را از سرزمین خود بیرون کنند و طریقه نیکوی شما را که اطاعت فرعون است از میان ببرند (۶۴) پس ای ساحران باید امروز شما بر هر مکر و تدبیر توانید مهیا شده و مقابل این دو ساحر صف آرایی کنید که امروز آن کس که غلبه و برتری یابد او فیروزی یافته است (۶۵) ساحران چون مهیای کار شدند ادب کرده و گفتند ای موسی تو نخست به کار خواهی پرداخت یا ما اول بساط خود بیفکنیم؟ (۶۶) موسی گفت شما اول بساط خود را درافکنید آنها بساط خویش افکندند که ناگاه در اثر سحر چوبها و رسنهاشان پنداشتی در نظر به جنبش و رفتار آمد و سحری بزرگ برانگیختند (۶۷) در آن حال موسی سخت بترسید که مبادا امر بر مردم مشتبه شود و میان سحر ساحران با معجز موسی فرق نگذارند و حجت او بر خلق آشکار نگردد (۶۸) ما گفتیم ای موسی مترس که تو بر آنها البته همیشه غلبه و برتری خواهی داشت که هرگز سحر با معجزه برابری نتواند کرد و باطل بر حق غالب نخواهد شد (۶۹) و اینک عصای خود را بیفکن تا اژدها شود و یکباره بساط سحر و ساحری اینان رافرو بلعد که کار اینان سحر و فسونی بیش نیست و ساحر هرگز فلاح و فیروزی نخواهد یافت (۷۰) ساحران چون معجزه موسی را دیدند سر به سجده فرود آورده و گفتند ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم و از فرعون و فرعونیان بیزاری جستیم (۷۱) فرعون به ساحران گفت شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟ او معلومست که در سحر معلم شما بوده باری من شما را دست و پا میبرم و به نخله خرما بدار میاویزم تا بدانید که عذاب من و موسی کدام سختتر و پاینده تر خواهد بود (۷۲) ساحران به فرعون پاسخ دادند که ما تو را

هرگز با وجود این معجزات آشکار که از موسی مشاهده کردیم بر موسی مقدم نخواهیم داشت در حق ما هر چه توانی بکن که هر ظلمی کنی همین حیات دو روزه دنیاست (۷۳) ما به راستی به خدای خود ایمان آوردیم تا از خطاهای ما درگذرد و گناه سحری که تو ما را به اجبار بر آن داشتی ببخشد و لطف و مغفرت خدا بهتر و پاینده تر از حیات فانی دنیا خواهد بود (۷۴) که همانا هر کس به خدای خود طاعی و گنه کار وارد شود جزاء او جهنمی است که در آنجا نه بمیرد تا از عذاب برهد و نه زنده شود که به لذت زندگی برخوردار باشد (۷۵) و هر کس به خدای خود مومن باشد و با اعمال صالح بر او وارد شود اجر آنها هم عالیترین درجات بهشتی است (۷۶) آن بهشتهای عدنی که دایم زیر درختانش نهرها جاریست آنجا نعمت و حیات ابدیست و این بهشت پاداش کسی است که خود را از کفر و عصیان و شرک و طغیان پاک و پاکیزه گرداند (۷۷) و به موسی وحی کردیم که بندگان مومن مرا شبانه از شهر مصر بیرون بر و به عجاز لطف ما راهی خشک از میان دریا بر آنها پدید آور نه از تعقیب و رسیدن فرعونیان ترسناک باش و نه از غرق شدن اندیشه دار (۷۸) موسی بنی اسرائیل را بیرون برد و فرعون با سپاهش از پی آنها تاختند پس موجد دریا چنان آنها را فروبرد که از آنان اثری باقی نگذاشت (۷۹) و فرعون پیروان نادان خود را علاوه بر اینکه هدایت نکرد سخت به ضلالت و بدبختی افکند (۸۰) ای بنی اسرائیل ما شما را از شر دشمن نجات دادیم و از شما در وادی ایمن کوه طور وعده خواستیم تا به مناجات موسی کلام حق را بشنوید و در بیابان که سرگردان شدید برای قوت شما من و سلوی یعنی ترنجبین و مرغ بریان فرستادیم (۸۱) و دستور دادیم که از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم تناول کنید و در آن به کفر نعمت و ترک شکرگزاری طغیان و سرکشی مکنید و گرنه مستحق غضب و خشم من میشوید و هر کس مستوجب خشم من گردید همانا خوار و هلاک خواهد شد (۸۲) و البته بر آن کس که از کفر توبه کند و به خدای ایمان آورد و نکوکار گردد و درستبه راه هدایت رود مغفرت و آمرزش من بسیار است (۸۳) و ای موسی باز گو که بر قومت چرا سبقت گرفته و با شتاب به وعده گاه آمدی (۸۴) موسی عرضه داشت هم اینک قوم از پی من هستند و من خود برای خشنودی تو تعجیل کرده و بر آنها تقدم جستم (۸۵) خدا فرمود ما قوم تو را پس از تو به فتنه سامری آزمایش کردیم و سامری آنان را گمراه کرد (۸۶) موسی که از فتنه سامری آگاه شد متسف و غضبناک به سوی قوم بازگشت و گفت ای مردم مگر خدای شما به شما وعده احسان نداد که شما را نعمت کتاب بزرگ تورات عطا کند آیا وعده خدا طولانی شد؟ که عهد من شکستید یا مایل شدید که مستوجب قهر و غضب خدای خود شوید؟ (۸۷) قوم به موسی گفتند ما به میل و اختیار خود خلاف وعده تو نکردیم و لیکن اسباب تجمل و زینت بسیاری که از فرعونیان بار دوش ما بود آنها را در آتش افکندیم و چنین سامری فتنه انگیز بر ما القا کرد (۸۸) آنگاه سامری با آن آر و زیورها گوساله ای بساخت که صدائی شگفت داشت و با اینشعبده سامری و پیروانش گفتند خدای شما و خدای موسی همین گوساله است که موسی فراموش کرده است (۸۹) آیا این گوساله پرستان نمی نگرند که هیچ حرف و اثری و هیچ خیر یا شری از این گوساله به آنها عاید نمیشود پس چرا می پرستند؟ (۹۰) و هارون پیش از آنکه موسی باز آید گفت ای قوم به هوش باشید که این گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردیده و محققا بدانید که آفریننده شما خدای مهربان استنه این گوساله سامری پس شما سامری و گوساله اش را ترک گوئید و پیرو من شوید و امر مرا فرمان برید (۹۱) قوم در پاسخ نصایح هارون گفتند ما به پرستش گوساله ثابت هستیم تا وقتی که موسی به سوی ما باز گردد (۹۲) موسی چون بازگشت با عتاب به هارون گفت مانع تو چه بود که چون قوم گمراه شدند از پی من نیامدی؟ (۹۳) چرا نافرمانی امر من کردی؟ (۹۴) هارون گفت ای برادر مهربان بر من قهر و عتاب مکن سر و ریش من مگیر عذر من این بود که ترسیدم اگر در پی تو آمیم بگوئی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و به سخنم وقعی نهدادی (۹۵) آنگاه موسی به سامری با خشم گفت این فتنه چه بود که تو برپا کردی؟ (۹۶) سامری در جواب گفت من چیزی از اثر قدم رسول حق جبرئیل امین را دیدم که قوم ندیدند آن را برگرفتم و در گوساله ریختم و نفس من چنین فتنه انگیزی را به نظرم جلوه داد (۹۷) موسی چون این بشنید از روی خشم به سامری گفت از میان ما بیرون شو که تو در زندگانی دنیا به مرضی معذب خواهی شد که همه از تو متنفر شوند و دایم گوئی کسی مرا نزدیک نشود و در آخرت

هم وعده گاهی که در دوزخ داری که تخلف نخواهد شد اکنون این خدایت را که با آر و زیور ساخته ای و بر پرستش و خدمتش ایستادی بنگر که آن را در آتش می سوزانیم و خاکسترش را به آب دریا می‌دهم (۹۸) تنها خدای شما آن یگانه خدائست که جز او هیچ خدائی نیست و به همه ذرات عوالم هستی وجود علمش محیط است (۹۹) و ما مانند شرح حال موسی اخبار گذشتگان دیگر را نیز بر تو حکایت خواهیم کرد و از نزد خود برای یادآوری ذکر را یعنی کتاب عظیم الشن قرآن را به تو عطا کردیم (۱۰۰) و هر کس از آن ذکر اعراض کند روز قیامت بار سنگینی از گناه را بدوش خواهد داشت (۱۰۱) او در عذاب آن اعمال زشت مخلد است و سخت است بسی بار اعمال زشتی که در قیامت بدوش گرفته است (۱۰۲) روزی که نفخ صور دمیده شود آن روز بدکاران ازرق چشم محشور خواهند شد و چشم کبودشان نشانه جرم خواهد بود (۱۰۳) و آنها از هول و هراس آن روز با یکدیگر آهسته زیر لب گویند که ای افسوس ده روزی بیش در زندگی دنیا درنگ نکردید و نعمت ابدی بهشت را برای دنیای فانی از دست بدادید (۱۰۴) و ما به آنچه می‌گویند بهتر آگاهیم که از آن بدکاران بهتر و درست تریشان به آنها از روی حسرت خواهد گفت ای افسوس گوئی در دنیا یا قبر روزی بیش درنگ نکردید دریغا چه زود عمر در شهوت و معصیت بگذشت و جرم و عقابش بماند (۱۰۵) ای رسول از تو هر گاه پرسند که کوه ها در روز قیامت چه میشود جواب ده که خدای من کوه ها را چنان از بنیاد بر کند که خاک شده و خاکش بر باد دهد (۱۰۶) آنگاه پست و بلندیهای زمین را چنان هموار گرداند (۱۰۷) که در آن ابداء هیچ بلندی و پستی و رتبه و مقامات موهوم نخواهی دید (۱۰۸) و خلایق همه از پی کسی که آنها را به راه مستقیم به عرصه قیامت دعوت کند یعنی اسرافیل ناچار خواهند رفت و صداها پیش خدای رحمان خاشع و خاموش گردد که از هیچکس جز زیر لب و آهسته صدائی نخواهی شنید (۱۰۹) و در آن روز، شفاعت هیچکس سود نبخشد جز آن کس که خدای رحمان به او رخصت شفاعت داده و سخنش پسند او گردیده یعنی انبیاء و ائمه هدی (ع) و مومنان خاص (۱۱۰) و خدا به علم ازلی بر همه آینده و گذشته خلایق آگاهست و خلق را ابداء به اواحاطه و آگاهی نیست (۱۱۱) و بزرگان عالم همه در پیشگاه عزت آن خدای حی توانا ذلیل و خاضعند و در آن روز هر که بار ظلم و ستم بدوش دارد سخت زبون و زیانکار است (۱۱۲) و هر کس اعمالش نیکوست و به خدا هم ایمان دارد از هیچ ستم و آسیبی بی‌مناک نخواهد بود (۱۱۳) و ما اینگونه قرآن عظیم را با فصاحت کامل عربی بر تو فرستادیم و در آن وعده ها و احوال قیامت را تذکر دادیم باشد که مردم پرهیزکار شوند یا به پندی از نو یادآوری شوند (۱۱۴) پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدائی که به حق و راستی پادشاه ملک وجود است و تو ای رسول پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد تعجیل در تلاوت و تعلیم آن مکن و دائم بگو پروردگارا بر علم من بیفز (۱۱۵) و ما با آدم عهدی بستیم که فریب شیطان نخورد و در آن عهد او را استوار و ثابت قدم نیافتیم (۱۱۶) و هنگامی که فرشتگان را گفتیم به آدم سجده کنید همه سجده کردند جز شیطان که امتناع ورزید (۱۱۷) آنگاه گفتیم ای آدم محققا بدان که این شیطان با تو و جفت دشمن است هشیار باش که مبادا شما را از بهشت بیرون آرد و از آن پس به شقاوت و بدبختی گرفتار شوید (۱۱۸) همانا برای تو در بهشت هر گونه غذا و لباس مهیاست نه هرگز آنجا گرسنه شوی و نه برهنه و عریان مانی (۱۱۹) و نه هرگز در آنجا به تشنگی و به گرمای آفتاب آزار بینی (۱۲۰) باز با این همه سفارش شیطان در او وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا میل داری تو را بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنم (۱۲۱) زدم پرسید آن کدام است شیطان گفت همان درختی که از آن ممنوع شدی بخور تا عمر ابد یابی پس آدم و حوا فریب خوردند و از آن درخت تناول کردند بدین جهت لباسهای بهشتی از تنشان دور و عیوب و عورت آنها در نظرشان پدیدار شد و خواستند تا به ساتری از برگ درختان بهشت خود را بیوشانند و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد (۱۲۲) سپس خدا توبه او را پذیرفت و هدایتش فرمود و به مقام نبوتش برگزید (۱۲۳) آنگاه خدا به آدم و حوا و شیطان فرمود اکنون از عالی رتبه بهشت همه فرود آئید که برخی از شما با برخی دیگر دشمنید تا چون از جانب من برای شما راهنمایی بیاید آن هنگام هر که از راه من پیروی کند نه هرگز گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد (۱۲۴) و هر کس از یاد من اعراض کند همانا در دنیا معیشتش تنگ شود و روز قیامتش نابینا

محشور کنیم (۱۲۵) او در آن حال گوید الها چرا مرا نابینا محشور کردی و حال آنکه من در دنیا بینا بودم (۱۲۶) خدا به او فرماید آری چون آیات ما که برای هدایت تو آمد همه را به طاق فراموشی و غفلت نهادی امروز هم تو را ملائکه رحمت فراموش و بی بهره خواهند کرد (۱۲۷) و همچنین ما در دنیا هر کس را که ظلم و نافرمانی کند و ایمان به آیات خدا نیاورد مجازات سخت می کنیم با آنکه هنوز عذاب آخرتش سختتر و پاینده تر خواهد بود (۱۲۸) آیا این کفار قریش از مشاهده حال طوایف بسیاری از گذشتگان که ما همه را هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها میروند عبرت و پند نگرفتند و هدایت نیافتند آری خردمند نیستند و گرنه احوال گذشتگان برای خردمندان بسیار مایه عبرت و هدایت است (۱۲۹) اگر نه این بود که کلمه پروردگار و تقدیر ازلیش بر این کار سبقت یافته که کافران و بدکاران این امت در قیامت به کیفر رسند همانا عذاب در دنیا بر آنها لزوم می یافت (۱۳۰) پس تو ای رسول بر آنچه امت جاهل بر انکار و طعن تو میگویند صبر و تحمل پیش گیر و خدای را پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن و ساعاتی از شب تار و اطراف روز روشن ستایش و تسبیح گو باشد که به مقام رفیع شفاعت خشنود شوی به این آیه نمازهای پنجگانه همه یا بعضی با نماز شب مراد است (۱۳۱) ای رسول ما هرگز به متاع ناچیزی که به قومی کافر و جاهل در جلوه حیات دنیای فانی برای امتحان داده ایم چشم آرزو مگشا و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است (۱۳۲) تو اهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش ما از تو روزی کسی را نمی طلبیم بلکه ما به تو و دیگران روزی میدهیم و بدان که عاقبت نیکو مخصوص اهل پرهیزکاری و تقوی است (۱۳۳) و کافران گفتند چرا محمد (ص) آیت و دلیلی روشن بر ثبوت نبوت خود از جانب خدا برای ما نمی آورد؟ آیا آیات بینه کتب پیشین چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست بر آنان نیامد چرا باز ایمان نیاوردند (۱۳۴) و اگر ما پیش از فرستادن پیغمبر کافران و مشرکان قریش را همه به نزول عذاب هلاک میکردیم البته آنها میگفتند پروردگارا چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از او پیروی کنیم که این عذاب و ذلت و خواری بر ما پیش نیاید؟ (۱۳۵) بگو ای رسول ما اکنون که رسول حق به سوی شما آمد و مخالفتش کردید مترصد و منتظر امر خدا باشید که به زودی خواهید دانست ما و شما کدام به راه مستقیم سعادت رفته و طریق هدایت یافته ایم و کدام به راه جهل و شقاوت شتافته ایم (۱۳۶)

الأنبياء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) روز حساب مردم بسیار نزدیک شده و مردم سخت غافلند و از یاد قیامت و مهیای حساب شدن اعراض میکنند یعنی هر چه از عمر میگذرد مردم به مرگ نزدیکتر شوند ولی علاقه آنها به دنیا و غفلتشان از آخرت بیشتر میشود (۲) این مردم غافل هیچ پند و موعظه ای از جانب پروردگارشان نیاید جز آنکه آن پند را شنیده و نشنیده گرفتند و باز به بازی دنیا و لهو و لعب عمر میگذرانند (۳) با آنکه خبر قیامت را شنیدند باز دلهاشان به لهو و بازیچه دنیا متوجه است و مردم جاهل ستمکار پنهان و آهسته با یکدیگر میگویند آیا این شخص که خبر از قیامت میدهد جز آنکه بشری مانند شماست؟ که محکوم خور و خواب و سایر لوازم بشریت است چرا شما که مردمی بصیر و دانا هستید سحرهای او را معجزه شمرده و سخنش را میپذیرید؟ (۴) ای رسول ما، بگو خدای من هر حرفی که خلق در آسمان و زمین گویند همه را میدانند که او خدای شنوا و داناست (۵) ولیک این مردم غافل نادان گفتند که سخنان قرآن خواب و خیالی بی اساس است بلی محمد (ص) که به این قرآن دعوی نبوت میکند شاعر بزرگی است که این کلمات را خود فرا بافته است و از دروغ به خدا نسبت میدهد و گرنه باید مانند پیغمبران گذشته آیت و معجزه ای برای ما بیاورد (۶) پیش از اهل مکه هم ما اهل شهری که ایمان به خدا و روز قیامت نیاوردند همه را هلاک کردیم آیا اهل مکه ایمان خواهند آورد تا مگر از هلاک و عذاب خدا برهند؟ (۷) و ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم جز مردان پاکی را که به آنها هم مانند تو وحی فرستادیم ای رسول ما به امت بگو که شما خود اگر نمیدانید بروید و از اهل ذکر و دانشمندان امت

سوال کنید برخی مفسرین گفتند مراد از اهل ذکر علمای تورات و انجیل است و برخی گفتند علمای هر ملت و در احادیث ما اهل ذکر به ائمه هدی علیهم السلام تفسیر شده است (۸) و ما پیغمبران را چون فرشته بدون بدن دنیوی قرار ندادیم تا به غذا و طعام محتاج نباشند و در دنیا همیشه زنده بمانند بلکه آنها هم چون سایر بشر غذای جسمانی و مرگ خواهند داشت (۹) پس از آنکه جهال و اشرار امت گفتار رسولان حق را انکار کردند و در مقام آزارشان برآمدند ما به وعده ای که به آنها دادیم وفا کردیم و آنان را با هر که خواستیم از شر دشمنان نجات دادیم و مسرفان ظالم را هلاک گردانیدیم (۱۰) همانا ما به سوی شما امت کتابی که مایه شرافت و عزت شماست فرستادیم آیا نباید در این کتاب بزرگ تعقل کرده و حقایق آن را فهم کنید؟ (۱۱) و چه بسیار مردم مقتدری در شهر و دیارها بودند که ما به جرم ظلم و ستمکاری آنها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آنها بیافریدیم (۱۲) پس هنگامی که آن ستمکاران عذاب ما را به چشم مشاهده کردند از آن دیار رو بفرار نهادند (۱۳) در آن حال به آنها خطاب شد که مگریزید که گریز فایده ندارد بلکه رو به خانه های خود آرید و به اصلاح فسادکاری خویش که روزی ممکن است از آن بازخواست شوید پردازید (۱۴) در آن هنگام ظالمان به حسرت و ندامت گفتند وای بر ما که سخت ستمکار بودیم (۱۵) و پیوسته همین گفتار حسرت بار بر زبانشان بود تا آن که ما همه را طعمه شمشیر مرگ و هلاکت ساختیم (۱۶) ما آسمان و زمین و آنچه را بین زمین و آسمانست به بازیچه نیافریدیم (۱۷) و اگر ما میخواستیم جهان را به بازی گرفته و کاری بیهوده انجام دهیم میکردیم و احدی را بر ما قدرت اعتراض نبود لیکن چنین نیست بلکه هر چه آفریده ایم طبق حکمت و مصلحت است (۱۸) بلکه ما علامه بر آنکه هیچ کار باطل نمیکنیم همیشه حق را بر باطل غالب و فیروز میگردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و وای بر شما مردم جاهل که خدا را به وصف کار باطل و بازیچه متصف گردانید (۱۹) و بدانید که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و ارواح قدسی که در پیشگاه حضرتش مقربند هیچگاه از بندگی سرپیچی نکنند و از عبادتی که به شوق و رغبت میکنند هرگز خسته و ملول نشوند (۲۰) همه به شب و روز بی آنکه هیچ سستی کنند به تسبیح و ستایش او مشغولند (۲۱) بلکه این مردم مشرک نادان خدایانی از سنگ و چوب و آهن همین زمین برگرفته و آنها را جان آفرین پندارند (۲۲) اگر در آسمان و زمین به جز خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می یافت پس از نظم ثابت عالم بدانید که پادشاه ملک وجود خدای یکتاست و از توصیف و اوهام مشرکان جاهل پاک و منزّه است (۲۳) و او بر هر چه میکند حاکم مطلق است و بازخواست نشود ولی خلق از کردارشان بازخواست میشوند (۲۴) آیا مشرکان نادان خدای به حق و آفریننده مطلق را رها کرده و خدایان باطل بی اثر را برگرفتند؟ بگو برهانتان چیست بیاورید. این ذکر خدای یکتا و دعوت به توحید سخن من و عالمان امت من است و همه انبیاء و دانشمندان پیش از من، اما این مشرکان جاهل به حق دانا نیستند که از آن اعراض میکنند (۲۵) و ما هیچ رسولی را به رسالت نفرستادیم جز آن که به او وحی کردیم که به جز من خدائی نیست تنها مرا به یکتائی پرستش کنید و بس (۲۶) و مشرکان گفتند که خدای رحمان دارای فرزند است حاشا خدا پاک و منزّه از آنست بلکه کسانی را که مشرکان فرزند خدا پنداشتند از فرشتگان و مسیح و عزیر همه بندگان مقرب خدا هستند (۲۷) که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه کنند به فرمان او کنند (۲۸) و هر چه آنان از ازل کرده و تا ابد میکنند همه را خدا می داند و هرگز آن مقربان درگاه از احدی جز آن کسی که خدا از او راضی است شفاعت نکنند و آنها دایم از خوف قهر خدا هراسانند (۲۹) و هر کس از آنها که مقربان درگاهند یا سایر مخلوق بگوید که من خدای عالم دون خدای به حق و آفریننده مطلق ما او را به آتش دوزخ کیفر خواهیم کرد که سرکشان و ستمکاران را البته چنین مجازات میکنیم (۳۰) آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را بشکافتیم و از آبهر چیز را زنده گردانیدیم چرا باز به خدا ایمان نمی آورند شاید از آسمان، علوم آسمانی انبیاء و از زمین امتهای مقصود باشند که پیش از این خلق مرده دلبودند و خداوند به علم کتب آسمانی هر چیز را زنده کرد و خلایق را به نور علم، حیات بخشید یا آنکه کرات عالم در ذرات همه یکی بودند و خدا به علم خویش آنها را از هم جدا کرد و حیات و استقلال و حرکت و نظم خاص و

وجود مخصوص بخشید و در نظام کل همه را با هم مرتب ساخت این کار خدای علم و قدرست نه کار اتفاق و طبیعت پس چرا مردم طبیعت و ماده پرست باز به خدا ایمان نمی آورند (۳۱) و در روی زمین کوه های استوار قرار دادیم شاید امامان و مردمان ثابت ایمان مراد باشد تا خلق را از اضطراب حفظ کند و نیز راه ها در کوه و جاده ها در زمین برای هدایت مردم مقرر فرمودیم (۳۲) و آسمان را سقفی محفوظ و طاقی محکم آفریدیم و این کافران غافل از مشاهده آیات آن اعراض میکنند (۳۳) و اوست خدائی که شب و روز و خورشید و ماه و سایر انجم را به قدرت کامل بیافرید که هر یک به امر خدا در مدار معینی سیر میکنند (۳۴) و ما به هیچ کس پیش از تو عمر ابد ندادیم تا به تو دهیم آیا با آنکه تو که محبوب و مقربترین خلق مائی خواهی مرد دیگران ابدًا به دنیا زنده مانند؟ (۳۵) هر نفسی، در عالم رنج و سختی مرگ را میچشد و ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور عالم مبتلا کردیم تا شما را بیازمائیم و هنگام مرگ به سوی ما باز میگردید (۳۶) و کافران هنگام ملاقات تو سخت تو را به استهزاء گرفته و گویند آیا این شخص است که بتان را که خدایان ما هستند به اهانت و بدی یاد میکند؟ و ای رسول ما بدان که محقق آنها به ذکر خدا و کتاب و آیات او کافر هستند و خدای مهربان را نشناخته اند (۳۷) زدمی در خلقت و طبیعت بسیار شتاب کار است ای مردم، ما آیات قدرت و حکمت بالغه خود را به زودی به شما مینمایانیم تعجیل مدارید که هر کاری را وقت معینی است (۳۸) و کافران منکر قیامت بر تو و اصحاب به اعتراض و نکار می گویند این وعده قیامت اگر راست میگوئید کی خواهد بود (۳۹) اگر کافران بدانند وقتی که آتش دوزخ هر طرف از پیش روی و پشت سر به آنها احاطه میکند که نه خود دفع آن توانند و نه کسی یاری آنها تواند آن وقت از قیامت آگاه میشوند (۴۰) بلکه واقعه مرگ و قیامت ناگهانی فرا رسد و آنها را مبهوت و حیران کند که نه قدرت بر رد آن داشته و نه بر تخیر آن مهلتی توانند یافت (۴۱) و همانا مردم از جهل و شقاوت بر رسولان پیش از تو نیز بسیار تمسخر و استهزاء کردند تا آنکه کیفر آن استهزاء عذاب خدا گردید و به آنها احاطه کرد (۴۲) ای رسول ما به خلق بگو کیست به جز آن خدای مهربان که شما را در شب و روز محافظت میکند؟ و از خطرهای عالم نگاه میدارد؟ بلی این مردم با آن که رحمت و مهربانی خدا را میدانند باز از یاد خدای خود اعراض میکنند (۴۳) آیا برای این مشرکان غیر ما خدایانی هست که بتوانند عذاب ما را از اینان منعکنند در صورتی که آن خدایان نه هیچ قدرت بر دفاع از خود دارند و نه آنها را از قهر ما قادری حمایت تواند کرد (۴۴) بلکه تنها مائیم که این مردم و پدران پیشینشان را متمتع به نعمتهای دنیا کردیم تا آنکه عمر دراز کردند و بتهایی که میپرستند هیچ اثر و نفعی بر آنها ندارد آیا مردم نمی بینند که مائیم قادر مطلق که اراده کنیم زمین و اهلش را از هر طرف به مرگ و فنا میکاهیم آیا این خلق عاجز بر ما غلبه توانند کرد؟ (۴۵) ای رسول ما، به امت بگو که من شما را به وحی خدا آگاه میسازم و از عذابش میترسانم ولی گوش کر و جان جاهل هنگام وعظ و اندرز سخن نمی شنود (۴۶) و اگر از جانب خدای بر این کافران شمه ای از عذاب فرا رسد در آن حال به حسرت و پشیمانی خواهند گفت ای وای بر ما که مردم ستمکاری بودیم (۴۷) و ما ترازوهای عدل را برای روز قیامت خواهیم نهاد و ستمی به هیچ نفسی نخواهد شد و اگر عملی به قدر دانه خردلی باشد در حساب آریم و تنها علم ما از همه حساب گران کفایت خواهد کرد (۴۸) همانا ما به موسی و برادرش هارون کتاب تورات را عطا کردیم که جدا سازنده میان حق و باطل و روشنی بخش دلها و یادآور متقیان است (۴۹) متقیان همانهایی هستند که از خدای خود در نهان و آشکار می ترسند و از ساعت قیامت و روز جزا سخت هراسانند (۵۰) و این قرآن کتابیست با اندرز و تذکر و برکت بسیار که ما آن را برای هدایت و سعادت خلق فرستادیم آیا شما آن را انکار خواهید کرد؟ (۵۱) و ما پیش از این در زمانی که شرک و کفر جهان را فرا گرفته بود ابراهیم را کاملاً به رشد و کمال خود رسانیدیم تا بیرق توحید و خداپرستی را در عالم برافرازد و ما به شایستگی او بر این مقام دانا بودیم (۵۲) هنگامی که با پدرش یعنی عمویش و با قومش گفت این مجسمه های بیروح و بتهای بی اثر چیست که شما به نام خدائی می پرستید؟ و بر آن عمری متوقف شده اید (۵۳) آنها ابراهیم را پاسخ دادند که ما پدران خود را بر پرستش این بتان یافته ایمما پیروی آنها خواهیم کرد (۵۴) ابراهیم گفت همانا شما خود و پدرانتان همه سخت در گمراهی بوده و هستید (۵۵) قوم به ابراهیم گفتند آیا تو بر علیه

شرک و اثبات توحید حرف حق و حجت قاطعی داری یا سخنی به بازیچه و هزل میرانی؟ (۵۶) ابراهیم پاسخ داد آری حرف حق اینست که خدای شما همان خدائست که آفریننده آسمان و زمین است و من بر این سخن به یقین گواهی میدهم (۵۷) و به خدا قسم که من این بت‌های شما را با هر تدبیری توانم درهم میشکنم بعد از آنکه شما برای تفرج و رسوم عید به صحرا رفتید و از بتخانه روی گردانیدید (۵۸) در آن موقع به بتخانه شد و همه بت‌ها را درهم شکست به جز بت بزرگ آنها تا در مقام شکایت به او رجوع کنند (۵۹) قوم ابراهیم چون از انجام رسوم عید بازگشته و بت‌ها را شکسته دیدند گفتند کسی که چنین کاری کرده همانا بسیار ستمکار است (۶۰) آنان که لعن بتان را از ابراهیم شنیده بودند گفتند که ما جوانی ابراهیم نام را شنیده ایم که نام بتان را به بدی و زشتی یاد میکرد (۶۱) قوم گفتند او را حاضر سازید در حضور جماعت تا بر این کار او جمع گواهی دهند (۶۲) ابراهیم را آوردند و به او گفتند ای ابراهیم تو با خدایان ما چنین کردی (۶۳) ابراهیم در مقام احتجاج گفت بلکه این کار را بزرگ آنها کرده است شما از این بتان سوال کنید اگر سخن میگویند (۶۴) آنگاه با خود فکر کردند و با هم گفتند البته شما که این بتان عاجز و بی اثر را می پرستید ستمکارید نه ابراهیم که آنها را درهم شکسته است (۶۵) پس در مقابل حجت ابراهیم همه سر بزیر شدند و گفتند تو میدانی که این بتان را نطق و گویائی نیست (۶۶) ابراهیم گفت آیا خدا را که هر نفعی به دست اوست رها کرده و بت‌های میپرستید که هیچ نفع و ضرری برای شما ندارند (۶۷) اف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا میپرستید آیا شما عقل خود را هیچ کار نمی بندید؟ (۶۸) قوم گفتند ابراهیم را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر بر رضای خدایان کاری خواهید کرد (۶۹) پس آن قوم آتشی سخت افروختند و ابراهیم را در آن افکندند ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش آتش را به خطاب خدا گل و ریحان گردید (۷۰) باز قوم در مقام کید و کینه او برآمدند و ما کیدشان را باطل کرده آنها را به سختترین زیان و حسرت انداختیم (۷۱) و ما ابراهیم را با برادرزاده اش لوط از شر نمرودیان برهانیدیم و به شام سرزمینی که مایه برکت جهانیان قرار دادیم آنها را بفرستادیم (۷۲) و به او یعنی به ابراهیم اسحق و فرزندزاده اش یعقوب را عطا کردیم و همه را صالح و شایسته مقام نبوت گردانیدیم (۷۳) و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را از انواع عبادات و خیرات و خصوص قامة نماز و اداء زکات را به آنها وحی کردیم و آنها هم به عبادت ما پرداختند (۷۴) و لوط را هم مقام علم و نبوت و حکم فرمائی عطا نمودیم و او را از شهری که اهلش به اعمال زشت و کار پلید لواب میپرداختند نجات دادیم که آنها بسیار بدکار و فاسق مردمی بودند (۷۵) و لوط را در رحمت خود داخل کردیم زیرا از مردم بسیار صالح و نیکوکار بشمار بود (۷۶) و یاد کن ای رسول حکایت نوح را که پیش از لوط و ابراهیم او را به رسالت فرستادیم و قومش راه مخالفت و عصیان پیش گرفتند و وی خدا را به یاری خود خواند ما هم او و اهل بیتش و گرویدگانش را از بالای سخت طوفان نجات دادیم (۷۷) و او را بر دفع آن قومی که آیات ما را تکذیب کردند نصرت دادیم و آن قوم بدکار کافر را یکسر به طوفان غرق کردیم (۷۸) و یاد کن ای رسول احوال داود و سلیمان را وقتی که درباره گوسفندان بی شبانی که مزرعی را تباه کردند قضاوت نمودند که از شیرشان صاحب آرع به قدر زراعتش استفاده کند و ما بر حکم آنها گواه بودیم (۷۹) و ما آن قضاوت را به سلیمان به وحی آموختیم و به هر یک از سلیمان و داود مقام حکم فرمائی و دانش عطا کردیم و کوه ها و مرغان را به آهنگ تسبیح و نغمه داود مسخر او گردانیدیم و ما این معجزات را از او پدید آوردیم (۸۰) و ما بداود صنعت آره ساختن آموختیم تا شما را از آخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد آیا شکر نعمتهای بی حساب الهی را به جا میاورید؟ (۸۱) و باد تند سیر صرصر را ما مسخر سلیمان گردانیدیم تا به امر او بدان سرزمین شامات که با برکت برای جهانیان کردیم حرکت کند و ما به همه امور عالم و مصالح بندگان دانائیم (۸۲) و نیز برخی از دیوان را مسخر سلیمان کردیم که به دریا غواصی کنند و بر او لولو و مرجان و دیگر جواهرات برآورند و یا به کارهای دیگر در دستگاه او پردازند و ما نگهبان دیوان برای حفظ ملک سلیمان بودیم (۸۳) و یاد کن ای رسول حال ایوب را وقتی که دعا کرد که ای پروردگار مرا بیماری و رنج سخت رسیده و تو بر بندگان از همه مهربانان عالم مهربان تری (۸۴) پس ما دعای او را مستجاب کردیم و درد و

رنجش را برطرف ساختیم و به لطف و رحمت خود اهل و فرزنداناش را که از او گرفته بودیم با عده دیگر به مثل آنها باز به او عطا کردیم تا اهل عبادت متذکر لطف و احسان ما شوند(۸۵) و نیز یاد آر حال اسماعیل و ادریس و ذو الکفل را که همه بندگان صابر ما بودند(۸۶) و ما آنها را به رحمت خاص خود درآوردیم زیرا آنان از نیکان عالم به شمار بودند(۸۷) و یاد آر حال یونس را هنگامی که از میان قوم خود غضبناک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه و سختی نمی افکنیم تا آنکه به ظلمات دریا و شکمماهی در شب تار گرفتار شد آنگاه در آن ظلمتها فریاد کرد که الهها خدائی به جز ذات یکتای تو نیست تو از شریک و هر عیب و آلایش پاک و منزهی و من از ستمکارانم که بر نفس خود ستم کردم به حالم ترحم فرما(۸۸) پس ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از گرداب غم نجات دادیم و اهل ایمان را هم اینگونه نجات میدهیم(۸۹) و یاد آر حال زکریا را هنگامی که خدا را ندا کرد که بار الهها مرا یک تن و تنها وامگذار و به من فرزندی که وارث من باشد عطا فرما که تو بهترین وارث اهل عالم هستی(۹۰) ما هم دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را به او عطا فرمودیم و جفتش را که نازا بود شایسته همسری او و قابل ولادت گردانیدیم زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل میکردند و در حال بیم و امید ما را میخواندند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند(۹۱) و یاد کن مریم را که رحمش را پاکیزه گردانیدیم و در آن از روح خود بدمیدیم و او را با فرزندش عیسی معجز و آیت بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم(۹۲) اینک طریقه واحد و دین یگانه شما آئین پاک اسلام است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما هستم پس از همه بازآئید و تنها مرا پرستش کنید(۹۳) و امت با این سفارش باز در کار دین بین خود تفرقه و اختلاف انداختند و ملت واحد را پریشان و متفرق ساختند باز رجوع همه به سوی ما خواهد بود(۹۴) پس هر کس اعمالش نیکو و دارای ایمانست سعیش در راه دین ضایع نخواهد شد که ما آن را کاملاً مینویسیم(۹۵) و اهل دیاری را که ما هلاک گردانیم دیگر زندگانی بر آنها حرام و هرگز به دنیا یا به ایمان باز نخواهند گشت(۹۶) تا روزی که راه یاجوج و ماجوج باز شود و آنان از هر جانب پست و بلند زمین شتابان درآیند که روز قیامت یا قیام ولی عصر مقصود است(۹۷) آنگاه وعده ثواب و عقاب حق بسیار نزدیک شود و ناگهان چشم کافران از حیرت بی حرکت فروماند و فریاد کنند ای وای بر ما که از این روز غافل بودیم و سخت به راه ستمکاری شتافتیم(۹۸) و به آن کافران خطاب شود البته شما و آنچه را که غیر خدا میپرستیدید امروز همه آتش افروز دوزخید و در آن آتش وارد شوید(۹۹) اگر این بتان که شما میپرستید به راستی خدایان بودند به دوزخ نمیشدند در صورتی که شما و بتانتان همه در آتش مخلد خواهید بود(۱۰۰) آن کافران را در دوزخ آفیر و ناله بسیار دردناکیست و در آنجا هیچ سخنی که مایه امید و نشاط شود نخواهند شنید(۱۰۱) و البته مومنان آنان که توفیق و وعده نیکوی ما در سرنوشت ازلی بر آنها سبقت یافته از آن دوزخ بدور خواهند بود(۱۰۲) آنها هرگز آواز جهنم را نخواهند شنید و به آنچه مشتاق و مایل آند در بهشت تا ابد متنعمند(۱۰۳) و هیچ گاه فرع اکبر و هنگامه بزرگ قیامت آنها را محزون نخواهد ساخت و با آنان فرشتگان رحمت ملاقات کنند و گویند اینست آن روز سعادت شما که رسولان حق در دنیا به شما وعده میدادند(۱۰۴) روزی که آسمانها را مانند طومار درهم پیچیم و به حال اول که آفریدیم باز برگردانیم این وعده ماست که البته انجام خواهیم داد شاید مقصود آن باشد که چنانچه آسمانها در بدو خلقت همه یک جوهر بودند و ما از رتق به فتق آوردیم و هر یک از کرات سماوی را وجودی و حرکتی و تعیینی خاص دادیم باز اینها را در قیامت به حال ذرات و رتق برمیگردانیم(۱۰۵) و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم و در کتب انبیاء سلف وعده دادیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد(۱۰۶) این قرآن برای اهل عبادت تبلیغ رسالت خواهد بود(۱۰۷) و ای رسول ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی(۱۰۸) ای رسول ما به امت بگو که بر من به یقین و درست این وحی میرسد که خدای شما خدائست یکتا پس آیا شما تسلیم امر او خواهید شد؟(۱۰۹) و چنانچه کافران از حق روگردانیدند به آنان بگو من بر حسب وظیفه رسالت شما را آگاه کردم و دیگر نمیدانم که آن وعده روز سخت قیامت که به شما دادند دور یا نزدیک خواهد بود(۱۱۰) همانا خدا به همه سخنان آشکار و اندیشه های پنهان شما آگاهست(۱۱۱) و خود ندانم شاید این تخیر عذاب برای شما

امتحانی باشد و تمتعی در دنیا تا هنگام مرگ فرا رسد آنگاه به کیفر کردار تان برسید (۱۱۲) رسول گفت الها تو به حق میان ما حکم کن و پروردگار ما همان خدای مهربانست که بر ابطال آنچه شما بر خلاف حق و بر علیه اسلام می گوئید از او یاری میطلبیم که تنها از او در هر کار یاری باید خواست (۱۱۳)

الحج

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای مردمان خدا ترس و پرهیزگار باشید که زلزله روز قیامت بر خلایق بسیار حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود (۲) چون هنگامه آن روز بزرگ را مشاهده کنید هر آن شیرده طفل خود را از هول فراموش کند و هر آبستن بار رحم را بیفکند و مردم را از وحشت آن روز بیخود و مست بنگری در صورتی که مست نیستند و لیک عذاب خدا سخت است که از هول آن مردم چون مست و مدهوشند. این آیات در جنگ بنی المصطلق نازل شد رسول بر اصحاب بخواند آنها سخت گریان و هراسان شدند رسول فرمود آن روز از هزار نفر فرزند آدم یکی بهشتی و نهصد و نود و نه نفر دوزخی شوند مردم بیشتر پریشان شدند و خیمه نزدند و طبخ نکردند که وای بر ما همه دوزخی باشیم دیگر بار رسول بشارت داد که با هم جمع باشید و دل نزدیک و درست کار و خوش باشید که از صد و بیست صفت بهشتیان دو ثلث آن هشتاد صفت امت من باشد اصحاب خوشحال شدند عکاشه به رسول (ص) عرض کرد دعا کن بر من که بهشتی شوم رسول خدا دعا کرد دیگری برخاست حضرت فرمود عکاشه بر تو سبقت گرفت (۳) برخی مردم از جهل و نادانی در کار خدا جدل کنند و از پی هر شیطان گمراه کنند روند (۴) در لوح تقدیر چنین فرض و لازم شده که هر کس شیطان را دوست و پیشوای خود سازد وی او را گمراه کند و به عذاب دوزخش رهبر شود (۵) ای مردم اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا بر بعث مردگان شک و ریبی دارید برای رفع شک خود بدین دلیل توجه کنید که ما شما را نخست از خاک آفریدیم آنگاه از آب نطفه آنگاه از خون بسته آنگاه از پاره گوشت تمام و ناتمام تا در این انتقال و تحولات قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه ها آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحما قرار دهیم تا به وقتی معین طفلی چون گوهر از صدف رحم بیرون آریم تا زیست کرده و بحد بلوغ و کمال برسد و برخی از شما در این بین بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آنجا که پس از دانش و هوش خرف شود و هیچ فهم نکند و دلیل دیگر از ادله قدرت خدا بر معاد آنکه زمین را بنگری وقتی خشک و بی گیاه باشد آنگاه باران بر آن فروباریم تا سبز و خرم شود و تخمها آن نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند (۶) این آثار قدرت دلیل است که خدای قادر حق است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققا بر هر چیز تواناست (۷) و محققا ساعت قیامت بی هیچ شک بیاید و خدا به یقین مردگان را از قبرها برانگیزد (۸) و برخی از مردم چون ابو جهل و نصر حارث از روی جهل و گمراهی و بی هیچ کتاب و حجت روشن در کار خدا جدل میکنند (۹) و با تکبر و نخوت از حق اعراض کرده تا خلق را از راه خدا گمراه گرداند چنینکسی را در دنیا ذلت و خواری نصیب باشد و در آخرت عذاب آتش سوزان خواهیم چشاند (۱۰) و در آخرت به او خطاب شود که این آتش همان اعمال زشتی است که خود پیش فرستادی و خدا هرگز کمترین ستم در حق بندگان نخواهد کرد (۱۱) و بعضی از مردم کسی است که خدا را به زبان و به ظاهر میپرستد نه از باطن و حقیقت از این رو هر گاه به خیر و نعمتی رسد اطمینان خاطر پیدا کند و اگر به شر و فقر و آفتی برخورد از دین خدا روبرگرداند چنین کس در دنیا و آخرت زیانکار است و این نفاق و دورویی زیانش بر همه کس آشکار است (۱۲) این کافر نگون بخت خدا را رها کرده و چیزی را می پرستد که هیچ نفع و ضرری به حال او ندارد و این حقا همان گمراهی دور از هر سعادت است (۱۳) غافل گمراه خدا را رها کرده و چیزی را که به ضرر نزدیکتر از نفع است میپرستد وی بسیار بد معبودی یافته و بسیار بد دمساز و پشتیبانی اختیار کرده است (۱۴) همانا خدا آنان که اهل ایمان و نیکوکارند داخل به باغ و بهشت هائی کند که زیر درختانش نهرا جاریست و خدای قادر مطلق هر چه اراده کند خواهد کرد (۱۵) آن کس که پندارد خدا هرگز او را یعنی رسولش را در دنیا و آخرت یاری

نخواهد کرد و ابدا به نصرت خدا امیدوار نیست وی را بگو که پس طنابی به سقف آسمان در آویز و به گردن افکن سپس طناب را ببر آن گاه بنگرد که آیا این حيله و كيداو، خشمش را از بين ميبرد؟ و جز به زيان او اثری در عالم دارد؟ (۱۶) و ما همچنين مانند ساير كتب آسمانی آیات روشن این قرآن بزرگ را برای هدایت خلق فرستادیم و خدا به این آیات هر که را بخواهد هدایت میکند (۱۷) البته خدا بین اهل ایمان و یهود و ستاره پرستان و نصاری و گبر و آنان که به خدا شرک آوردند محققا روز قیامت میان آنها جدائی افکند و هر کس را به جایگاه استحقاقش برد که او بر احوال و پاداش همه موجودات عالم بصیر و گواه است (۱۸) آیا ای هوشمند به چشم بصیرت مشاهده نکردی که هر چه در آسمانها و هر چه در زمیناست و خورشید و ماه و ستارگان و درختان و جنبندگان و بسیاری از آدمیان همه با کمال شوق به سجده خدا و اطاعت او مشغولند؟ و بسیاری از مردم هم در اثر کفر و عصیان مستوجب عذاب حق شدند و هر که را خدا خوار و ذلیل گرداند دیگر کسی او را عزیز و گرامی نتواند کرد که البته خدای مقتدر حکیم بهر چه مشیت کامله اش تعلق گیرد خواهد کرد (۱۹) این دو گروه مومن و کافر که در دین خدا با هم به جدال برخاستند مخالف و دشمن یکدیگرند و کافران را لباسی از آتش دوزخ به قامت بریده اند و بر سر آنان آب سوزان حمیم جهنم فروریزند (۲۰) تا پوست بدنشان و آنچه در درون آنهاست از امعاء و احشاء همه به آن آب سوزان گداخته شود (۲۱) و گرز گران و عمودهای آهنین بر سر آنها مهیا باشد (۲۲) هر گاه خواهند از دوزخ بدر آیند و از غم و اندوه آن نجات یابند باز فرشتگان عذاب آنان را به دوزخ برگردانند و گویند باز باید عذاب آتش سوزان را بچشید (۲۳) آنان که ایمان به خدا آوردند و نیکوکار شدند البته خدا همه را در بهشت هائی داخل گرداند که زیر درختانش نهرها جاریست و در آنجا طلا و مروارید بر دستریور بندند و تن به جامه حریر بیاریند (۲۴) و به گفتار خوش و طریق زندگی با نشاط پسندیده هدایت شوند (۲۵) آنان که به خدا کافر شده و مردم را از راه دین خدا منع میکنند و نیز از مسجد الحرامی که ما حرمت احکامش را برای اهل آن شهر و بادیه نشینان یکسان قرار دادیم مانع مردم میشوند و هر کسی که در آنجا اراده لحاد و تعدی کرده و به خلق ظلم و ستم کند همه را به کیفر کفر و ظلمشان عذاب دردناک میچشانیم (۲۶) و یاد آور ای رسول که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با منهج کس را شریک و انباز نگیرد و به اخلاص کامل مرا پرستش کند و به او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نماز گزاران و رکوع و سجود کنندگان از لوٹ بتان و بت پرستان پاک و پاکیزه دار (۲۷) و ای رسول ما مردم را به اداء مناسک حج اعلام کن تا خلق پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو جمع آیند و آنجا کانون اجتماع خداپرستان شود و کنگره وحدت اهل ایمان گردد و مجمع طوایف مختلف بشر و مرکز نشر و تبلیغ حقایق توحید و معارف الهی و بسیار منافع دنیوی و اخروی دیگر گردد (۲۸) تا در آنجا منافع دنیوی و اخروی بسیار برای خود فراهم بینند و نام خدا را در ایامی معین یاد کنند که ما آنها را از حیوانات بهائم یعنی شتر و گاو و گوسفند روزی دادیم تا از آن تناول کرده و فقیران بیچاره را نیز از قربانها طعام دهند (۲۹) سپس باز گو تا مناسک حج و حلق و تقصیر را بجای آرند یعنی سر بتراشند و ناخن و موی بسترند تا از احرام بدر آیند و بهر نذر و عهدی که در حج کردند یا به هر پیمانی که با خدا و خلق بسته اند وفا کنند و طواف کعبه را گرد خانه عتیق بیت الحرام بجای آرند (۳۰) این است احکام حج و هر کس اموری را که خدا حرمت نهاده بزرگ و محترم شمارد البته از آنکه حرمت نداشته و اهانت کرده مقامش نزد خدا عالیت و بهتر خواهد بود و چهارپایان غیر آنچه تلاوت خواهد شد همه برای شما حلال گردید. و از پلید حقیقی یعنی بتها اجتناب کنید و نیز از قول باطل مانند دروغ و شهادت ناحق و سخنان لهو غنار دوری گزینید (۳۱) و خاص و خالص بی هیچ شائبه شرک خدا را پرستید که هر کس به خدا شرک آرد در عجز و بیچارگی بدان ماند که از آسمان درافتد و مرغان در فضا بدنش را به منقار قطعه قطعه برابند یا بادی تند او را به مکانی دور از هر وسیله نجات در افکند (۳۲) اینست سخن حق و هر کس شعایر دین خدا را بزرگ و محترم دارد خوشا بر او که این صفت دلهای باتقواست (۳۳) این شعایر و احکام الهی یا این شتران یا تجارات تا وقت معین به صلاح و منفعت شماست آنگاه محل هدی و سایر مناسک حج حرم و خانه کعبه است که پرستشگاه دیرین و معبد محترم خداست (۳۴) و ما برای هر

امتی شریعت و معبدی مقرر فرمودیم تا به ذکر نام خدا و شکر نعمت حق پردازند که آنها را از حیوانات بهائم یعنی گاو و گوسفند و شتر... روزی داد پس بدانید که خدای شما خدائست یکتا همه تسلیم فرمان او باشید و ای رسول ما تو متواضعان و مطیعان را به سعادت ابدی بشارت ده (۳۵) آنهائی که چون یاد خدا کنند دلهاشان هراسان شود و در راه او هر چه مصیبت بیند صبور باشند و نماز بپا دارند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق میکنند (۳۶) و نحر شتران فربه را از شعائر حج مقرر داشتیم که در آن قربانی شما را خیر و صلاح است پس هنگام ذبح آن تا برپا ایستاده نام خدا را یاد کنید و چون پهلویش به زمین افتد و ذبح کامل شود از گوشت آن تناول و به فقیر و سائل هم اطعام کنید خدا این بهائم را مسخر و مطیع شما ساخته تا شکر نعمتهای خدا را بجای آرید (۳۷) و بدانید که هرگز گوشت این قربانیها نزد خدا به درجه قبول نمی رسد لیکن تقوای شماست که به پیشگاه قبول او خواهد رسید و این بهائم را مسخر شما ساخته تا خدا را که شما را هدایت فرمود تکبیر و تسبیح گوئید و شکر نعمتش بجای آرید و تو ای رسول نیکوکاران را به سعادت ابد بشارت ده (۳۸) خدا مومنان را از هر مکر و شر دشمن نگاه میدارد و دفع خیانتکاران را میکند که خدا هرگز خیانتکار کافر ناسپاس را دوست نمیدارد (۳۹) رخصت جنگ با دشمنان به جنگجویان اسلام داده شد زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و خدا بر یاری آنها قادر است (۴۰) آن مومنانی که به ظلم کفار به ناحق از خانه هاشان آواره شده و جز آنکه میگفتند پروردگار ما خدای یکتاست هیچ جرمی نداشتند و اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه ها و دیر و کنشتها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار میشود همه خراب و ویران میشد و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد که خدا را منتهای اقتدار و توانائست (۴۱) آنانکه خدا را یاری میکنند آنهائی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز بپا می دارند و زکات به مستحقان میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند و از هیچ کس جز خدا نمیترسند چون میدانند که عاقبت کارها به دست خداست (۴۲) و اگر کافران امت تو را تکذیب کردند افسرده خاطر مباش که پیش از اینان هم قوم نوح و عاد و ثمود نیز رسولان حق را تکذیب کردند (۴۳) و همچنین قوم ابراهیم و لوط (۴۴) و نیز قوم شعیب اصحاب مدین همه رسولان خود را تکذیب نمودند و موسی نیز تکذیب شد و ما هم کافران را برای امتحان مهلت دادیم سپس آنها را به عقوبت گرفتیم و چقدر مواخذه و عقاب من بر کافران سخت خواهد بود (۴۵) چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند به خاک هلاک نشانیدیم و اینک آن شهرها از بنیاد ویرانست و چه چاه و قناتهای آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی بی صاحب گشت (۴۶) آیا این کافران در روی زمین به سیر و تماشا نمیروند؟ تا دلهاشان بینش و هوشیابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد که این کافران را چشم سر گر چه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده دلها کور است (۴۷) ای رسول ما کافران به سخریه از تو تقاضای تعجیل در عذاب می کنند و هرگز وعده خدا به عذاب آنان خلف نخواهد شد و همانا یک روز نزد خدا و از نظر حلم او چون هزار سال به حساب شماست (۴۸) و بسا شهر و دیاری که به اهلش با آنکه ستمکار بودند مهلت دادیم تا روزی آنها را به انتقام گرفتیم و بازگشت خلق به سوی من است و هر نیک و بد را جزا خواهم داد (۴۹) ای رسول ما بگو به امت که ای مردم من برای شما رسول ترساننده مشفق بیستم (۵۰) پس آنانکه به خدا ایمان آوردند و نیکوکار گردیدند بر آنها آمرزش حق و رزق با لطف و کرامت عالست (۵۱) و آنان که در رد و انکار آیات ما سعی و کوشش کردند آنها اهل آتش دوزخند (۵۲) و ما پیش از تو هیچ رسول و پیمبری نفرستادیم جز آنکه چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد شیطان جن و انس در آیات الهی القاء دسیسه کرده آنگاه خدا آنچه شیطان القاء کرده محو و نابود میسازد و آیات خود را تحکیم و استوار می گرداند و خدا دانا به حقایق امور و درستکار در نظام عالم است (۵۳) تا خدا به آن القازت شیطان کسانی را که در دلهاشان مبتلا به مرض نفاق و شکیا کفر و قساوت است بیازماید و باطن آنها را پدیدار سازد و همانا کافران و ستمکاران عالم سخت در شقاوت دور از نجات میباشند (۵۴) و تا آنکه اهل علم و معرفت به یقین بدانند که این آیات قرآن به حق از جانب پروردگار تو نازل گردیده که بدان ایمان آورند و دلهاشان پیش او خاضع و خاشع شود و البته خدا اهل ایمان را به راه راست

هدایت خواهد کرد (۵۵) و آنان که کافرند در اینکه نزول قرآن از جانب خداست یا در وعد و وعید قرآن همیشه شک دارند تا وقتی که ساعت مرگ یا قیامت فرا رسد یا عذاب آن روز بد که شب آسایش و خیر و سعادت در پی ندارد بر آنها فرود آید (۵۶) در آن روز سلطنت و حکم فرمائی تنها مخصوص خداست و همه قوای عالی و دانی عالم محکوم ویند پس آنان که ایمان به خدا آورده و نیکوکار شدند در بهشت پرنعمتند (۵۷) و آنان که کافر شده و تکذیب آیات خدا کردند آنها را عذاب خواری و ذلت است (۵۸) و آنان که در راه رضای خدا از وطن خود هجرت گزیده و در این راه کشته شدند یا مرگشان فرا رسید البته خدا رزق و روزی نیکوئی در بهشت ابد نصیبشان میگرداند که همانا خداوند بهترین رزق و روزی بخشنده است (۵۹) خدا آنها را در بهشت منزلی عنایت کند که بسیار بدان خوشنود باشند و همانا خدا بر احوال خلق دانا و بر گناهانشان بردبار است (۶۰) سخن حق اینست و هر کس به همان قدر ظلمی که به او شده در مقام انتقام برآید و باز بر او ظلم شود البته خدا او را یاری میکند در این آیه ترغیت خلق است بر گرفتن حق مظلوم از ظالم و همانا خدا را از گناه خلق عفو و آمرزش بسیار است (۶۱) اینست برهان حق که خدا شب تار را در روز روشن پنهان میکند و روز روشن را در شب تار و خدا به صدای اهل عالم شنوا و به دقایق امور خلق بیناست (۶۲) حقیقت اینست که خدای یکتا حق مطلق است و هر چه جز او خوانند باطل صرف است و علو مقام و بزرگی شان مخصوص ذات پاک خداست (۶۳) ای بشر آیا ندیدی که خدا از آسمان آب فروبارید که زمین را سبز و خرم کرد؟ این دلیل قدرت و رحمت آفریننده است که همانا خدا را با خلق عنایت و لطف بسیار است و به دقیقترین امور عالم آگاهست (۶۴) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه ملک خداست که از همه عالم بی نیاز و به همه اوصاف کمال آراسته است (۶۵) ای بشر ندیدی که هر چه در زمین است امر خدا مسخر شما گردانید و کشتی به فرمان او در دریا سیر میکند؟ و آسمان را دستور او نگهداشته که بر زمین نیفتد؟ که همانا خدا درباره بندگان بسیار رئوف و مهربانست (۶۶) اوست خدائی که شما را اول بار زنده کرد و دیگر بار بمیراند با وجود این آیتقدرت و نعمت بزرگ باز انسان بسیار ناسپاس و کافر کیش است (۶۷) و ما برای هر امتی پرستشگاهی مقرر کردیم تا به خدا توجه کنند و آنجا جهت وحدت و انس و الفت آن امت شود پس ای رسول نباید مردم در امر کعبه و قربانگاه و سایر دستورهای الهی با تو به منازعت برخیزند و تو خلق را به سوی خدا دعوت کن که خود به راه راست و هدایت کامل هستی (۶۸) و اگر کافران با تو در اوامر حق جدل و خصومت کنند آنها را بازگو که من جزای کار شما با خدا و اگذارم خدا به آنچه میکنید بهتر آگاهست (۶۹) خدا میان شما در آنچه با من خلاف و نزاع میکنید روز قیامت حکم خواهد فرمود (۷۰) ای بشر آیا نمیدانی که خدا از آنچه در آسمانها و زمین است آگاهست و این جهان و همه حوادث آن در کتاب علم خدا محفوظ و مسطور است و این حفاظ و نگهبانی بر خدا کاری بسیار سهل است (۷۱) این مشرکان خدا را رها کرده و چیزی غیر او را می پرستند که بر پرستش آن نه دلیل و برهانی دارند و نه علم و بصیرتی و مشرکان نادان و ستمکارند و هرگز ستمکاران را در جهان یار و یآوری نخواهد بود (۷۲) و هرگاه بر این کافران معاند آیات روشن ما تلاوت شود در چهره آنها به حدی اثر مخالفت و انکار مشاهده کنی که نزدیکست از فرط غضب بر مومنانی که آن آیات راقرائت میکنند حمله ور شوند ای رسول ما، به آنها بگو شما را به عذابی بدتر از این خبر دهم آن آتش دوزخ است که قهر خدا به کافران وعده داد و آنجا بسیار بد جایگاهی خواهد بود (۷۳) ای مردم مشرک کافر بدین مثل گوش فرا دارید تا حقیقت حال خود بدانید آن بتهای جماد که بدون خدا معبود خود میخوانید هرگز بر خلقت مگسی هر چند همه اجتماع کنند قادر نیستند و اگر مگس ناتوان چیزی از آنها بگیرد قدرت بر بازگرفتن آن ندارند بدانید که طالب و مطلوب یعنی بت و بت پرست یا عابد و معبود یا مگس و بتان هر دو ناچیز و ناتوانند (۷۴) این مشرکان مقام خدا را نشناختند که خدا ذاتیست بی نهایت توانا و بی همتا و گرنه جماد ناتوانی را خدا نمیخواندند (۷۵) خدا از میان فرشتگان و آدمیان رسولان خود را برمیگزیند که همانا خدا به سخن عالمیان شنوا و به لیاقت آنان بیناست (۷۶) او به علم ازلی آنچه در نظر این مردم پیدا و آنچه ناپیدا است همه بر او پیدا است و به همه داناست و بازگشت کلیه امور به سوی خداست (۷۷) ای اهل ایمان خدای را در نماز رکوع و سجود آرید و با توجه و بی ریا و

خالص او را پرستید و کار نیکو کنید باشد که رستگار شوید (۷۸) و برای خدا حق جهاد در راه او را با دشمنان دین و با نفس اماره به جای آرید و در طلب رضای او بقدر طاقت بکوشید او شما را به دین خود سرفراز کرده و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج نهاده و این آئین اسلام مانند آئین پدر شما ابراهیم خلیل است که خدا از این پیش شما امت را در صحف او و در این قرآن مسلمان نامیده تا رسول برای شما و شما برای سایر خلق گواه خداپرستی باشید پس نماز بپادارید و زکات به مستحقان بدهید و به خدا و کتاب او متوسل شوید که او پادشاه و مولا و نگهبان و حافظ و ناصر شماست و نیکو ناصر و مولائی است (۷۹)

المؤمنون

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند (۲) آنان که در نماز خاضع و خاشع هستند (۳) و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز میکنند (۴) و آنان که زکات مال خود را به فقرا میدهند (۵) و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه میدارند (۶) مگر بر جفته‌هایشان که آنان عقدی آنها باشند یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچ گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست (۷) و کسی که غیر این زنان حلال را به مباشرت طلبد البته ستمکار و متعدی خواهد بود (۸) و آنان که به امانت‌ها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا میکنند (۹) و آنان که بر نمازهایشان و همه اوقات و شرایط ظاهر و باطن نماز را محافظت دارند (۱۰) چنین کسان وارث مقام عالی بهشتند (۱۱) که بهشت فردوس ارث آن خوبان و منزلگاه ابدی آن پاکانست (۱۲) و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم (۱۳) پس آنگاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار صلب و رحم قرار دادیم (۱۴) آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم و پیکری کامل کردیم پس از آن به دمیدن روح پاک مجرد خلقتی دیگر انشا نمودیم آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده (۱۵) باز شما آدمیان که بدین ترتیب خلقت شدید همه خواهید مرد (۱۶) و آنگاه روز قیامت به یقین تمام مبعوث خواهید شد (۱۷) و همانا مافوق شما خاکیان هفت آسمان عالم پاک را فراز یکدیگر آفریدیم و لحظه ای از توجه به خلق و التفات به عوالم بی نهایت آفرینش غافل نبوده و نخواهیم بود (۱۸) و ما برای شما آب را و آب علم و معرفت را به قدر معین از آسمان رحمت نازل در زمین ساختیم و محققاً بر ناپود ساختن آن نیز قادریم (۱۹) آنگاه ما به آن آب برای شما باغها و نخلستانهای خرما و انگور ایجاد کردیم و میوه های گوناگون بسیاری که از آن تناول می کنید آفریدیم (۲۰) و نیز درختی که از طور سینا برآید و روغن آیت بار آورد و نان خورش مردم گردد به آن آب پرورش دادیم (۲۱) و برای شما در مطالعه حال چهار پایان و حیوانات اهلی عبرت خواهد بود که مانند مادر از شیر خود به شما بیاشامانند و در آنها برای شما منافع بسیار است مانند فرشها و لباسها و اثاثیه و باربری و فوائد بسیار دیگر و از گوشت آنها نیز غذاهای گوناگون ماکول تناول میکنید (۲۲) و بر آن چهار پایان و نیز بر کشتیها در سفر دریا سوار میشوید اینها همه نعمتهای خداست بر شما فراموش نکنید و شکر او به جای آرید (۲۳) همانا ما پیغمبر خود نوح را به رسالت به سوی امتش فرستادیم نوح به قوم خود گفت که خدا را پرستید که جز آن ذات یکتا شما را خدائی نیست آیا شما مردم تا کی خداترس و با تقوی نمیشوید؟ (۲۴) اشراف قوم که کافر شدند در پاسخ نوح به مردم چنین گفتند که این شخص جز آنکه بشریست مانند شما که میخواهد بر شما برتری یابد فضیلت دیگری ندارد و اگر خدا میخواست رسول بر بشر بفرستد همانا از جنس فرشتگان می فرستاد ما این سخنانی که این شخص می گوید از پدران پیشین خود هیچ نشنیده ایم و دعوی او را چون سابقه نداشته نباید تصدیق کنیم (۲۵) این شخص که دعوی نبوت دارد جز مردی دیوانه به شمار نیست پس باید تا مدتی با او مدارا کنید و انتظار برید تا یا از مرض جنون بهبود یابد یا بمیرد (۲۶) نوح عرض کرد خدایا تو مرا بر اینان که تکذیب من کردند یاری فرما (۲۷) ما هم برای حفظ او چنین وحی کردیم که در حضور ما و به وحی و دستور ما به ساختن کشتی پرداز تا آنگاه که فرمان طوفان از جانب ما آمد و آب از تنور فوران کرد پس در آن کشتی با خود نر و ماده ای از هر نوع جفتی همراه بر و اهلیت خود را هم جز آن کس که در علم ازلی ما هلاک او گذشته تمام بکشتی

بنشان و به شفاعت ستمکاران حتی فرزند ناهلت با من سخن مگو و تقاضائی مکن که البته آنها باید همه غرق شوند (۲۸) پس چون تو ای نوح با همراهانت در کشتی نشستی بگو ستایش خدای را که ما را از ظلم ستمکاران عالم نجات داد (۲۹) و باز بگو پروردگارا مرا به منزل مبارک و جایگاه برکت و رحمت خود فرود آور که تو بهترین کسی که بارها به منزل خیر و سعادت توانی فرود آورد (۳۰) همانا در این حکایت قوم نوح و حادثه طوفان برای خلق آیت و عبرتهاست و البته ما بندگان را به اینگونه حوادث آزمایش خواهیم کرد (۳۱) پس از هلاک قوم نوح باز قوم دیگری ایجاد کردیم (۳۲) بر آن قوم باز رسولی از خودشان یعنی هود را فرستادیم که به خلق بگوید خدای یکتا را پرستش کنید که جز او شما را خدائی نیست آیا تا کی خداترس و با تقوی نمیشوید؟ (۳۳) باز آن رسول را نیز مانند نوح اشراف و اعیان قوم وی که ما متعمرشان در حیات دنیا کرده بودیم و آنها نیز کافر شدند و عالم آخرت را تکذیب کردند به مردم گفتند که این شخص بشری مانند شما بیش نیست که از هر چه شما بشر می خورید و می آشامید او هم میخورد و می آشامد (۳۴) و شما مردم اگر بشری مانند خود را اطاعت کنید بسیار زیانکار ساده لوح نادان و نالایق مردمی خواهید بود (۳۵) آیا این مدعی رسالت به شما نوید میدهد که پس از آنکه مریدید و استخوانهای شما هم پوسید و خاک شد باز زنده میشوید و از خاک سر بر میاورید؟ (۳۶) هیئات که این وعده ها که به شما میدهد از آخرت و زندگی ابد راست باشد بلکه همه فریب و دروغ است (۳۷) زندگانی جز این چند روزه حیات دنیا بیش نیست که زنده شده و خواهیم مرد و دیگر هرگز از خاک برانگیخته نخواهیم شد (۳۸) و این شخص جز آنکه مردیست دروغ و افترا بر خدا می بندد هیچ مزیت ندارد و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد (۳۹) آن رسول هم در مقابل این تکذیب سران قوم به خدا متوسل شد و عرض کرد خدایا برابر این قوم که تکذیب من کردند یاری فرما (۴۰) خدا به رسول خود فرمود اندک زمانی نگذرد که وقت هلاک فرا رسد و قوم از تکذیب و انکار خود سخت پشیمان خواهند شد (۴۱) تا آنگاه که صیحه و بانگ عذاب آنها را بگیرد و ما آنان را خاک و خاشاک بیابان ساختیم که ستمکار مردم از رحمت الهی دور باد (۴۲) پس از هلاک اینان باز اقوامی دیگر پدید آوردیم (۴۳) هیچ قومی را اجل مقدم و موخر نخواهد شد (۴۴) آنگاه پیغمبرانی پی در پی بر خلق فرستادیم و هر قومی که رسول بر آنها آمد آن رسول را تکذیب و انکار کردند ما هم آنها را از پی یکدیگر همه را هلاک کردیم و داستانهای هلاک آن اقوام را عبرت دیگران ساختیم که قوم بی ایمان از رحمت خدا دور باد (۴۵) پس آنگاه موسی و برادرش هارون را فرستادیم با آیات معجزات و حجت روشن (۴۶) به سوی فرعون و اشراف قومش آنها هم ایمان به خدا و رسول نیاوردند و تکبر و نخوت کردند زیرا آنان مردمی متکبر و سرکش بودند (۴۷) از این رو گفتند چرا ما به دو بشر مثل خودمان ایمان آریم در صورتی که طایفه این دو مرد ما را پرستش می کردند؟ (۴۸) پس فرعونیان از تکبر موسی و هارون را تکذیب کرده و بدین سبب همه هلاک شدند (۴۹) و حال آنکه ما به موسی کتاب تورات را فرستادیم تا باشد که آنها را به راه خدا هدایت شوند (۵۰) و ما پسر مریم را با مادرش بر خلق آیت و معجزه بزرگ گردانیدیم و هر دو را به سرزمین بلندی که آنجا مکانی هموار و چشمه سار بود شام و بیت المقدس منزل دادیم (۵۱) ای رسولان ما از غذاهای پاکیزه حلال تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح پردازید که من به هر چه میکنید آگاهم (۵۲) و این مردم همه یک دین و متفق الکلمه یک امت شما پیغمبران خدایند و من یگانه خدای شما هستم پس از من بترسید نه از غیر من و بی هیچ گونه خلاف مرا پرستش کنید نه دیگری را (۵۳) آنگاه مردم با وجود این سفارش خدا امر دین خود را پاره پاره کرده و در آئینفرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه نزد خود پسندیدند دلخوش گشتند و به خیالات باطل نفس مذهبی اختیار کردند (۵۴) پس ای رسول ما بگذار که این بی خیران در جهل و غفلت خود بسر برند تا هنگامی معین که روز مرگ و قیامت باشد آن روز از خواب غفلت بیدار و به نتیجه اعمال خود گرفتار شوند (۵۵) آیا این مردم کافر می پندارند که ما آنها را مدد به مال و فرزندان میکنیم؟ (۵۶) برای آنکه می خواهیم در حق ایشان مساعدت و تعجیل به خیرات دنیا کنیم؟ نه چنین است بلکه برای امتحان است و آنها نمی فهمند (۵۷) همانا آن مومنانی که از خوف خداترسان و هراسانند (۵۸) و آنان که به آیات خدای خود بی شائبه شک و ریب و نفاق ایمان می آورند (۵۹) و آنان که

هرگز به پروردگارشان مشرک نمیشوند (۶۰) و آنانکه آنچه وظیفه بندگی و ایمانست بجای آورده و باز از روزی که به خدای خود رجوع میکنند دلهاشان ترسانست (۶۱) چنین بندگانی که دارای این اوصافند تعجیل در سعادت و خیرات خود میکنند و اینان هستند که به کارهای نیکو سبقت میجویند (۶۲) ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانائی تکلیف نمیکنیم و نزد ما کتابیست از لوح محفوظ الهی که آن کتاب سخن به حق گوید و نیک و بد و سعید و شقی خلق را بر خودشان ظاهر سازد و به هیچکس هرگز ستم نخواهد شد (۶۳) بلکه دلهای کافران از این کتاب لوح محفوظ حق در جهل و غفلتست و اعمالی که این کافران عامل آنند غیر اعمال آن اهل ایمانست که در آیات سابق ذکر شد (۶۴) این کافران به همین کردار بد مشغولند تا آنگاه که ما متنعمان آنها را به عذاب اعمالشان بگیریم در آن حال فریاد خدا خدای آنها بلند شود (۶۵) و ما فرمائیم که امروز فریاد مکنید زیرا بی اثر است که از ما به شما هیچ مدد و یاری نخواهد شد (۶۶) که همانا آیات ما بر شما بواسطه رسولان ما تلاوت می شد و شما به جای آنکه اطاعت کنید واپس میرفتید و بر کفر میافزودید (۶۷) در حالتی که به هذیان و افسانه های شبانه خود از شنیدن کلام خدا دوری میکردید (۶۸) آیا در سخن خدا و قرآن بزرگ فکر و اندیشه نمی کنند تا حقایق آن را درک کنند یا آنکه کتاب و رسول تنها بر اینان آمده و بر پدرانشان نیامده و هیچ دعوت نبوت سابقه نداشته که انکار آن میکنند (۶۹) یا آنکه اینان با وجود آیات و معجزات روشن باز رسول خود را نشناخته اند که او را انکار و تکذیب میکنند (۷۰) یا آنکه از جهل میگویند که این رسول را جنونی عارض شده که دعوی رسالت میکند چنین نیست بلکه در کمال عقل دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند (۷۱) و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست فاسد خواهد شد زیرا زمین و آسمان به حق استوار و جسم و جان عالم به حق زنده و پایدار است و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند بلکه ما به واسطه عقل کامل او اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان به ناحق از آن اعراض کردند (۷۲) ای رسول ما آیا تو از این امت خرج و مزد رسالت خواستی؟ هرگز نخواستی مزی که خدا به تو دهد از هر چیز بهتر است که خدا بهترین روزی دهنده خلق است (۷۳) و البته تو خلق را به راه راست اسلام و خداپرستی میخوانی (۷۴) و لیکن آنان که به خدا و آخرت ایمان نمی آورند از آن راه راست برمی گردند (۷۵) و اگر ما به آنها مهربانی کرده و هرگونه الم و رنج و عذابی دارند برطرف سازیم آنها سختتر در طغیان و سرکشی و ضلالت خود فرو میروند (۷۶) و همانا ما آنها را به عذاب سخت گرفتار کردیم و باز آن کافران از جهل و عناد و لجابت به تضرع و توبه و ناله رو به درگاه خدای مهربان نیاوردند (۷۷) تا آن که بر آنها دری از بلا و عذاب سخت گشودیم که دیگر ناگاه از هر سو نومید شدند و به ترک توبه در آمرزش و عفو خدا را به روی خود بستند (۷۸) و اوست خدائی که برای شما بندگان گوش و چشم و قلب آفرید و نعم ظاهر و باطنی عطا فرمود تا شکرش بجای آرید ولی عده بسیار کمی از شما شکر او به جای می آورید (۷۹) و اوست خدائی که شما را از خاک پدید آورد و باز روز قیامت رجوع و حشر شما به سوی او خواهد بود (۸۰) و اوست خدائی که خلق را زنده گرداند و بمیراند و اختلاف و حرکت شب و روز به امر اوست آیا شما عقل خود کار نمی بندید تا خداشناس شوید و اطاعت امر او کنید (۸۱) این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند (۸۲) که گفتند از کجا که چون ما مردیم و استخوان ما پوسیده و خاک شد باز مبعوث وزنده شویم (۸۳) از این وعده ها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها افسانه های پیشینیانست و هر که مرد ابتدا زنده نخواهد شد (۸۴) ای پیغمبر ما، تو با ادله و برهان به کافران بگو که زمین و هر کس که در او موجود است بگوئید از کیست؟ و که آفریده است؟ اگر شما فهم و دانش دارید (۸۵) البته جواب خواهند داد از خداست و خدا آفریده پس بگو چرا متذکر قدرت خدا نمیشوید؟ تا به عالم آخرت ایمان آرید (۸۶) باز به آنها بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و خداوند عرش بزرگ و آفریننده آن کیست؟ (۸۷) البته باز جواب دهند آفریننده آن خداست پس بگو چرا متقی و خداترس نمیشوید (۸۸) باز ای رسول بگو آن کیست که ملک و ملکوت همه عالم بدست اوست و او به همه پناه دهد و از همه حمایت کند و از او کس حمایت نتواند کرد اگر میدانید کیست باز گوئید (۸۹) محققا آنها خواهند گفت که آن خداست پس بگو حال که می

دانید زمام امور عالم‌بدست خداست چرا به فریب و فسون مفتون شدید؟ و از خدا غافل گشتید؟ (۹۰) با آنکه ما رسول و کتاب و حجت و دین حق را به ایشان فرستادیم باز دروغ میگویند و منکر آن حقایق میشوند (۹۱) خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده و هرگز خدائی با او شریک نبوده که اگر شریکی بود در این صورت هر خدائی به سوی مخلوق خود روی کردی و نظم و حدانی عالم از همگسیختی و بعضی از خدایان بر بعضی دیگر علو و برتری جستی پس نظام دائمی عالم دلیل است که خدا از آنچه مشرکان گویند پاک و منزّه است (۹۲) او دانا به عالم غیب و شهود است و ذات پاکش از شرک و شریک برتر و والاتر است (۹۳) ای رسول ما در دعا بگو بار الهی امید است وعده های عذاب این کافران را به من بنمایانی (۹۴) و بار الهی مرا در میان قوم ستمکار و امگزار (۹۵) و البته ما قادریم که وعده عذاب کافران را بتو بنمایانیم و دعای تو را مستجاب گردانیم (۹۶) ای رسول ما تو آزار و بدیهای امت را به آنچه نیکوتر است دفع کن و بدی آنها را به نیکوئی خود به بخش ما جزای گفتار آنها را بهتر میدانیم (۹۷) ای رسول ما در دعا بگو بار الهی من از وسوسه و فریب شیاطین انس و جن به سوی تو پناه میآورم (۹۸) و هم بتو پناه میبرم بار خدایا از آنکه شیاطین انس و جن به مجلسم حضور بهم رسانند و مرا از یاد تو غافل سازند (۹۹) کافران در جهل و غفلتند تا آنگاه که وقت مرگ هر یک فرا رسد در آن حال آگاه و نادم شده و گوید بار الهی مرا به دنیا بازگردان (۱۰۰) تا شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم و به او خطاب شود که هرگز نخواهد شد و این کلمه ارجعونی، مرا بازگردان را از حسرت همی بگوید و ثمری نمی بخشد که از عقب آنها عالم برزخست تا روزی که برانگیخته شوند و در عرصه محشر جمع آیند (۱۰۱) پس آنگاه که نفخه صور قیامت دمید دیگر نسب و خویشی در میانشان نماند و کسی از کس دیگر حال نپرسد (۱۰۲) پس در آن روز هر آنکه اعمالش سنگین و وزین یعنی در عمل خلوص و توجهش به خدا بیشتر است آنان رستگارانند (۱۰۳) و هر آنکه اعمالش سبک و زن است آنان کسانی هستند که نفس خویش را در زیان افکنده و بدوزخ مخلد خواهند بود (۱۰۴) زتش دوزخ صورتهای آنها را میسوزاند و در جهنم زشت منظر خواهند زیست (۱۰۵) و به آنها خطاب شود آیا آیات من برای شما تلاوت نشد؟ و شما از جهل و تکبر تکذیب آیات ما نکردید؟ (۱۰۶) آن کافران در جواب گویند بار الهی رحم کن که شقاوت بر ما غلبه کرد و کار ما به گمراهی کشید (۱۰۷) پروردگارا ما را از جهنم نجات ده اگر دیگر بار عصیان تو کردیم همانا بسیار ستمکاریم و محکوم بهر گونه کیفر و عذاب سخت (۱۰۸) باز به آنان خطاب سخت شود ای سگان به دوزخ شوید و با من لب از سخن فروبندید (۱۰۹) زیرا شمائید که چون طایفه ای از بندگان صالح من روی به من آورده و عرض می کردند بار الهی ما به تو ایمان آوردیم تو از گناهان ما در گذر و در حق ما لطف و مهربانی فرما که تو بهترین مهربانان هستی (۱۱۰) در آن وقت شما کافران آن بندگان خاص مرا تمسخر میکردید تا آنجا که مرا بکلی فراموش کرده و بر آن خداپرستان خنده و استهزاء می نمودید (۱۱۱) منم امروز جزای صبر بر آزار و سخریه شما را به آن بندگان پاک خود خواهم داد و آنها امروز سعادت‌مند و رستگاران عالمند (۱۱۲) آنگاه خدا به کافران گوید که میدانید شما چند سال در زمین درنگ کردید؟ (۱۱۳) آنها پاسخ دهند که تمام زیست ما در زمین یا یک روز بود یا یک جزر از روز اگر ما خطا میگوئیم از فرشتگانی که حساب عمر خلق دانند باز پرس (۱۱۴) خدا فرماید شما اگر از حال زندگانی خود آگاه بودید میدانستید که مدت درنگتان در دنیا با آنکه چند سال بودید باز بسیار اندک بوده (۱۱۵) آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده ایم و پس از مرگ هرگز به ما رجوع نخواهید کرد؟ (۱۱۶) چنین نیست زیرا خدای پادشاه به حق برتر از آنست که ازو فعل عبث و بیهوده صادر شود که هیچ خدائی به جز همان پروردگار عرش مبارک نخواهد بود (۱۱۷) و هر کس غیر خدا کسی را به الهیت خواند حساب کار و کیفر کردار او نزد خدای دانای اسرار است و البته کافران را در روز کیفر فلاح و رستگاری نیست (۱۱۸) و تو ای رسول به امت دعا کن و بگو بار الهی بیمارز و ببخشای که تو بهترین بخشندگان عالم و جودی و بخشایش دیگران افاضه تو است (۱۱۹)

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) این سوره را فرستادیم و احکامش را فریضه بندگان کردیم و در آیات روشن توحید و معارف و احکام الهی نازل ساختیم باشد که بندگان متذکر آن حقایق شوند(۲) باید شما مومنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز در باره آنان در دین خدا رفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مومنان مشاهده کنند یعنی حد زنا در حضور جمعی از مومنان اجرا شود تا از آن عمل بیزار و متنفر شوند(۳) مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نکاح نمیکنند و آن زانیه را هم جز مرد زانی و مشرک به نکاح نخواهد گرفت و این کار یعنی نکاح زنان مشرک و زناکار بر مردان مومن حرام است(۴) و آنان که به زنان با عفت مومنه نسبت زنا دهند آنگاه چهار شاهد عادل بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرید که مردمی فاسق و نادرستند(۵) مگر آنهایی که بعد از آن فسق و بهتان به درگاه خدا توبه کردند و در مقام اصلاح عمل خود برآمدند در این صورت از گناه آنها درمیگذرد که خدا البته بسیار بر خلق آمرزنده و مهربانست(۶) و آنان که به زنان خود نسبت زنا دهند و جز خود بر آن شاهد و گواهی نداشتند چون حد لازم آید برای رفع حد باید از آن زن و مرد نخست مرد چهار مرتبه شهادت و قسم به نام خدا یاد کند که البته او در این دعوی زنا از راستگویانست(۷) و بار پنجم قسم یاد کند که لعن خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد(۸) پس چون بعد از این پنج قسم شوهر بر زن حد لازم آید برای رفع عذاب حد آن زن نیز نخست چهار مرتبه شهادت و قسم به نام خدا یاد کند که البته شوهرش دروغ میگوید(۹) و بار پنجم قسم یاد کند که غضب خدا بر او اگر این مرد در این دعوی از راستگویان باشد(۱۰) و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما مومنان نبود و اگر نه این بود که خدای مهربان البته توبه پذیر است و کار به حکمت کند حدود و تکلیف را چنین آسان نمی گرفت و به توبه رفع عذاب از شما نمیگردد(۱۱) همانا آن گروه منافقان که بهتان به شما مسلمین بستند و به عایشه تهمت کار ناشایست زدند که رسول و مومنان را بیازارند نپندارید ضرری به آبروی شما میرسد بلکه خیر و ثواب نیز چون بر تهمت صبر کنید از خدا خواهید یافت و هر یک از آنها به عقاب اعمال خود خواهند رسید و آن کس از منافقان که راس و منشا این بهتان بزرگ گشت هم او به عذابی بسیار سخت معذب خواهد شد(۱۲) آیا سزاوار این نبود که شما مومنان زن و مردتان چون از منافقان چنین بهتان و دروغها شنیدید حسن ظنشان درباره یکدیگر بیشتر شده و گوئید این سخن منافقان دروغی است آشکار که برای طعن رسول (ص) و تفرقه بین مسلمین میگویند(۱۳) چرا منافقان بر دعوی خود چهار شاهد عادل اقامه نکردند پس حالی که شاهد نیاوردند البته نزد خدا مردمی دروغ زنند(۱۴) و اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و عقبی شامل حال شما مومنان نبود به مجرد خوضدر اینگونه سخنان نفاق انگیز به شما عذاب سخت میرسید(۱۵) زیرا شما آن سخنان دروغ منافقان را از زبان یکدیگر تلقی کرده و حرفی بر زبان میگوئید که علم به آن ندارید و این تهمت است و کار را سهل و کوچک می پندارید در صورتی که نزد خدا گناهی بسیار بزرگ است(۱۶) چرا به محض شنیدن این سخن منافقان نگفتید که هرگز ما را تکلم به این روا نیستمنزه و پاک خدایا این بهتان بزرگ و تهمت محض است؟(۱۷) خدا به شما مومنان موعظه و اندرز میکند که زنهار دیگر گرد این سخن اگر اهل ایمانید هرگز نگردید(۱۸) و خدا آیات خود را برای شما بیان فرمود که او به حقایق امور و سرائر خلق دانا و به مصالح بندگان و نظام عالم کاملا آگاهست(۱۹) آنان که چون عبد الله ابی سلول و منافقان دیگر دوست میدارند که در میان اهالیمان کار منگری را اشاعه و شهرت دهند آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا فتنه گری و دروغشان را میداند و شما نمیدانید(۲۰) و اگر فضل و رحمت خدا و رصفت و مهربانی او شامل حال شما مومنان نبود در عقاب گناهتان تعجیل کردی و توبه نپذیرفتی(۲۱) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید زنهار پیروی شیطان مکنید که هر کس قدمبه قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت منکرش وامیدارد و عاقبت هلاک میگردد و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود احدی از شما از گناه و زشتی پاک و پاکیزه نشدی لیکن خدا هر کس را میخواهد منزّه و پاک میگرداند که خدا شنوای ندای خلق و دانا به احوال بندگان است(۲۲) و نباید صاحبان ثروت و نعمت درباره خویشاوندان خود و در حق مسکینان و مهاجران راه خدا از بخشش و انفاق کوتاهی

کنند و به موجب رنجشی ترک احسان کنند چون ابوبکر که بمسطح پسر خاله خود برای آنکه از اصحاب افک به عایشه شد منع انفاق نمود باید مومنان همیشه بلند همت بوده و با خلق عفو و صفح پیشه کنند و از بدیها درگذرند آیا دوست نمیدارید که خدا هم در حق شما مغفرت و احسان فرماید؟ که خدا بسیار در حق خلق آمرزنده و مهربانست (۲۳) کسانی که به زنان باایمان عقیفه مبرا و بی خبر از کار بد تهمت بندند محققادر دنیا و آخرت ملعون و محروم از رحمت حق شدند و هم آنان به عذاب سخت معذب خواهند شد (۲۴) بترسند از روزی که زبان و دست و پای ایشان بر اعمال ناشایسته آنها گواهی دهد (۲۵) که در آن روز خدا حساب و کیفر آنها را تمام و کامل خواهد پرداخت (۲۶) آنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان زشتکار ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفتند و بالعکس زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه اند و این پاکیزگان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنان گویند منزهند و از خدا بر ایشان آمرزش و رزق نیکوست (۲۷) ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه مگر خانه های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته و داخل شوید به اهل آن خانه نخست سلام کنید و آداب و تحیت بجای آرید که این ورود با اجازه و تحیت برای حسن معاشرت و ادب انسانیت شما را بسی بهتر است تا باشد که متذکر شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت شوید (۲۸) و اگر به خانه ای کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یافته آنکه درآئید تا به سرقت و جسارت متهم نشوید و چون به خانه ای درآمدید و گفتند بر گردید بزودی باز گردید که این بر تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه میکیند داناست (۲۹) باکی بر شما نیست که به خانه غیر مسکونی که در آن متاعی دارید بی اجازه درآئید و بدانید که خدا به همه کار آشکار و پنهان شما آگاهست (۳۰) ای رسول ما، مردان مومن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را از کار زشت با آنان محفوظ دارند که این بر پاکیزگی جسم و جان شما اصلحاست و البته خدا بهر چه کنید کاملاً آگاهست (۳۱) ای رسول زنان مومن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را از عمل زشت محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر میشود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود و زنان خود یعنی زنان مسلمه و کنیزان ملکی خویش و اتباع خانواده که رغبت به آنان ندارند از زن و مرد یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم آنان آگاه نیستند و از غیر ایناشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود و ای اهل ایمان همه به درگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید (۳۲) و البته باید مردان بی زن و آنان بی شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح یکدیگر درآورید تا میان مومنین مرد بی زن و آن بی شوهر باقی نماند و از فقر مترسید که اگر مرد و زنی فقیرند خدا به لطف خود آنان را بی نیاز و مستغنی خواهد فرمود که خدا به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع و نامتناهی است (۳۳) و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف خود بی نیاز گرداند و از بردگانتان آنان که تقاضای مکاتبه کنند یعنی خواهند که خود را از مولا به مبلغی مشروب یا مطلق خریداری کنند تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید و برای کمک به آزاد شدن آنها از مال خدا که به شما اعطا فرموده به عنوان زکات و صدقات در وجه مال المکاتبه به آنها بدهید و کنیزکان خود که مایلند به عفت زنهار برای طمع مال دنیا جبرابه زنا وادار مکنید که هر کس آنها را اکراه به زنا کند خدا در حق آنها که مجبور بودند آمرزنده و مهربانست لیکن شما را که آنها را به زنا مجبور کنید به جای آنان عقاب خواهد کرد (۳۴) همانا ما برای هدایت و سعادت شما آیاتی روشن نازل گردانیدیم و داستانی از آنان که پیش از شما درگذشتند برای عبرت خلق و موعظه برای اهل تقوی فرستادیم (۳۵) خدا نور وجودبخش آسمانها و زمین است داستان نورش به مشکوتی ماند که در آن روشنچراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه ای که تلل و آن گوئی ستاره ایست درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست شرق و غرب جهان بدان فروزانست و بی آنکه آتشی آیت آن را برافروزد خود به خود جهانی را روشنی بخشد که پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت

قرار گرفته و خدا هر که را خواهد به نور خود و اشراقات وحی خویش هدایت کند و این مثلها خدا برای مردم هوشمند میزند که به راه معرفتش هدایت یابند و خدا به همه امور غیب و شهود عالم داناست این باشد که نور خدا در مشک و سینه پاک انبیاء و آجابه قلب روشن اولیاء، گوئی ستاره رخشنده بلکه آفتاب فروزنده ایست که خود که شرقی و غربی نیست بلکه از جهان لا مکانی است برافروزنده و به آیت وحی الهی مدد گیرند همه جهانیان را نور معرفت خود ظل نور حقیقت است که بر روی نور وحی و معرفت الهی قرار گرفته و خدا بدان نور هر که را دوست میدارد مخصوص به هدایت خود میگرداند که خدا به لیاقت همه اهل عالم داناست (۳۶) در خانه هائی مانند معابد و مساجد و منازل انبیاء و اولیاء خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند (۳۷) پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند و نماز پیداشته و زکات فقیران میدهند و از روزی که دل و دیده ها در آن روز حیران و مضطربست ترسان و هراسانند (۳۸) تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان که خلوص قلب و خوف خدا و معرفت اوست جزاء و ثواب کامل عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آنها بیفزاید و خدا هر که را خواهد روزی بی حد و حساب بخشد (۳۹) و آنان که کافرنند اعمالشان در مثل به سرابی مانند در بیابان هموار بی زب که شخص تشنه آن را آب پندارد و به جانب آن شتابد چون بدانجا رسید هیچ آب نیابد و آن کافر خدا را حاضر و ناظر اعمال خویش بیند که به حساب کارش تمام و کامل برسد و کیفر کفرش بدهد و خدا به یک لحظه حساب تمام خلاق میکند (۴۰) یا مثل اعمال کافران به ظلمات دریای عمیقی ماند که امواج آن که شک و جهل و اعمال زشت است بعضی بالای بعضی دیگر دریا را بپوشاند و ابر تیره کفر نیز فراز آن برآید تا ظلمتها چنان مترکم فوق یکدیگر قرار گیرد که چون دست بیرون آردهیچ نتواند دید و هر که را خدای نور علم و معرفت و ایمان نبخشد هرگز جان روشنی نخواهد یافت و به کفر و شک و حیرت خواهد مرد (۴۱) ای بینندگان عالم یا ای رسول ما آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین استتا مرغ که در هوا پرگشاید همه به تسبیح و ثنای خدا مشغولند و همه آنان صلو و تسبیح خود بدانند و خدا به هر چه کنند آگاهست؟ (۴۲) و بدانید که ملک آسمانها و زمین همه خاص خداست و بازگشت همه خلاق بسوی اوست (۴۳) آیا ندیدی که خدا ابر را از هر طرف براند تا بهم در پیوندد و باز انبوه و مترکم سازد آنگاه بنگری قطرات باران از میان ابر فروریزد و نیز از جبال آسمان تگرگ فروبارد که آن بهر که خدا خواهد اصابت کند و اشجار و کشتزار او را تباه گرداند و از هر که خواهد بازدارد تا تگرگش زیان نرساند و روشنی برق چنان بتابد که خواهد روشنی دیده ها را از بین ببرد (۴۴) خدا شب و روز را بر یکدیگر می گرداند تا صاحبان بصیرت در این آیات الهی به دیده عبرت بنگرند و حکمت خدا را مشاهده کنند (۴۵) و خدا هر حیوان را از آب آفرید و انواع گوناگون ساخت که بعضی مانند مارها بر شکم روند و برخی مانند انسان بر دو پا و برخی چون اسب و گاو و شتر بر چهارپا حرکت کنند و خدا هر چه خواهد بیافریند که خدا به قدرت کامله بر همه کار خلق تواناست (۴۶) همانا ما آیات و ادله بسیار روشن برای هدایت عموم خلق فرستادیم و خدا هر که را خواهد به راه راست هدایت میکند (۴۷) و منافقان هم مانند مومنان میگویند که ما به خدا و رسولش ایمان آورده و اطاعت میکنیم و لیکن با اینهمه قول باز گروهی وقت عمل از حق روی می گردانند و اصلش آنان ایمان ندارند (۴۸) و هرگاه به سوی حکم خدا و رسول خوانده شوند تا خدا میان دعاوی آنها قضاوت کند گروهی از ایشان از حکم حق اعراض میکنند (۴۹) و اگر دعوی خود را بر حق می دانستند البته با کمال انقیاد سر به حکم خدا فرود می آوردند (۵۰) آیا در دلهایشان مرض جهل و نفاق است یا شک و ریبی دارند یا میترسند که خدا و رسول در مقام قضاوت بر آنها جور و ستمی کنند؟ خدا ظلم نخواهد کرد بلکه آنها خود مردمی ظالم و متعدینند (۵۱) آنان مومنانند که چون بسوی حکم خدا و رسولشان بخوانند تا خدا میان آنها حکم کند از دل و جان خواهند گفت که حکم خدا را هر چند بر علیه ما باشد شنیده و اطاعت میکنیم و رستگاران عالم به حقیقت اینها هستند (۵۲) و هر کس فرمان خدا و رسول را اطاعت کند و خداترس و پرهیزگار باشد چنین کسان را فیروزی و سعادت خواهد بود (۵۳) و ای رسول بدان که منافقان شدیدترین قسم را به نام خدا یاد کنند که اگر تو آنها را امر کنی البته همه به جهاد دشمن بیرون خواهند

رفت به آنان بگو سوگند دروغ یاد مکنید که همیشه طاعت زبانی بی حقیقت معروف و مخصوص شما منافقان بوده و بترسید که خدا بهر چه می‌کنید کاملاً آگاهست (۵۴) ای رسول ما بگو که فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر اطاعت نکردید بر آنها بار تکلیف خود و بر شما بار تکلیف خویش است و باز از روی شفقت که لازمه مقام نبوت است بگو که اگر خدا را اطاعت کنید هدایت و سعادت خواهید یافت و بر رسول جز ابلاغ رسالت کامل تکلیفی نخواهد بود (۵۵) و خدا به کسانی که از شما بندگان به خدا و حجت عصر (ع) ایمان آرد و نیکوکار گردد وعده فرمود که در ظهور امام زمان در زمین خلافت دهد و به جای امم سالفه حکومت و اقتدار بخشد چنانکه امم صالح پیمبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را که اسلام واقعی است بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مومنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبه کارند که با شناسائی و معرفت حق از پی شهوت نفس به راه کفر می‌روند (۵۶) ای اهل ایمان شما نماز را بپادارید و زکات مال خود را به فقیران بدهید و رسولما را اطاعت کنید باشد که مورد لطف و رحمت شوید (۵۷) ای رسول هرگز مپندار که کافران در زمین معجز و قدرتی خواهند یافت و جایگاهشان نیز در آخرت دوزخ است که بسیار منزلگاه بدیست (۵۸) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید بدانید که باید بندگان ملکی شما و اطفالی که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده اند باید شبانه روزی سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند یک بار پیش از نماز صبح دیگر پس از نماز خفتن سوم هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شماسست اکثر برهنه یا در لباس کوتاهید و بعد از این سه بار اجازه دیگر باکی بر شما و آنها نیست که بی دستور با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند خدا آیاتش را بر شما چنین روشن بیان می‌کند که او به کار بندگان دانا و به مصالح خلق آگاه و محکم کار است (۵۹) و آنگاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند مانند سایر بالغان البته همه وقت با اجازه وارد شوند خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان میکند که او به صلاح بندگان دانا و در وضع تکلیف محکم کار است (۶۰) و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر زنان باکی نیست اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های خود را یعنی لباسهای رو مانند عبا و چادر و روپوش و امثاله را از تن نزد نامحرمان برگیرند و اگر باز هم عفت و تقوی بیشتر گزینند جامه برنگیرند بر آنان در دین و دنیا بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و به اغراض و نیات آنها آگاهست (۶۱) بر نابینایان و لنگان و بیماران باکی نیست که به جهاد نروند یا تندرستان با آنها معاشر و هم سفره شوند و نیز باکی بر شما نیست که از خانه‌های خود و پدران خود و مادرانتان و برادران و خواهران و عمو و عمه و خالو و خاله خویش غذا تناول کنید یا آنکه از هر جا که کلید آن در دست شماسست یا خانه رفیق خود باکی نیست که از مجموع یا هر یک از این خانه‌ها طعامی خورید و با وجود این دستور باز هر گاه بخواهید به خانه‌ای از اینها داخل شوید نخست بر خویش سلام کنید یعنی چون به خانه یا مسجدی درآئید بر مسلمانان هم دینان خودتان یا اگر کسی نباشد بر نفس خود باز سلام کنید و خلاصه باخبر وارد شوید که این تحیت و سلام برکتی نیکو از جانب خداست چنین خدا آیات خود را برای شما روشن بیان میکند باشد که در آنها تعقل کنید و طریق سعادت و هدایت بازجوئید (۶۲) مومنان حقیقی آنهائی هستند که به خدا و رسولش ایمان و انقیاد کامل دارند و هر گاه در کاری اجتماعشان به حضور رسول (ص) لازم باشد حاضر آیند و تا اجازه نخواهند هرگز از محضر او بیرون نمی‌روند و ای رسول ما، آنان که از تو دستور می‌خواهند و بی اذنت خارج نمی‌شوند اینان به حقیقت اهل ایمان به خدا و رسولند پس چون از تو اجازت طلبند که بعضی مشاغل و امور خود را انجام دهند به آنان هر که را خواهی اجازه ده و بر آنها از خدا طلب مغفرت و آمرزش کن که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۶۳) ای مومنان شما دعای رسول (ص) و ندا کردن او را مانند ندای بین یکدیگر بدون حفظ ادب مقام رسالت قرار مدهید یا دعای او را مانند دعای خود نامستجاب مپندارید خدا به حال آنان که برای سرپیچی از حکمش به یکدیگر پناه برده و رخ از رسول (ص) پنهان میدارند آگاهست پس باید کسانی که امر خدا را مخالفت

میکنند بترسند که مبدا به فتنه بزرگ تسلط سلطان جور یا عذاب دردناک دیگر مانند قتل و اسارت گرفتار شوند (۶۴) آگاه باشید که آسمانها و زمین همه ملک خداست و شما بهر حالی هستید البته خدا از آن آگاهست و روزی که به سوی او رجوع میکنید یعنی هنگام مرگ یا قیامت آن روز به جزای هر نیک و بدی که بندگان کرده اند آگاهشان میگرداند که خدا به احوال و اعمال خلاق کاملاً داناست (۶۵)

الفرقان

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) بزرگوار است پاک خداوندی که قرآن را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا به اندرزه‌های وی اهل عالم را متذکر و خداترس گرداند (۲) آن خدائی که هرگز فرزندی نگرفته و شریکی در ملک هستی نداشته و همه موجودات را او خلق کرده است و به حکمت کامل و تقدیر ازلی خود حد و قدر هر چیز را معین فرموده است (۳) و مشرکان نادان خدا را که مبدص کل و مرجع همه امور عالم است فراموش کرده و غیر او یعنی بت‌های بی اثر را به خدائی برگرفتند و حال آنکه آن بتان نه هیچ بر نفع و ضرر آنها قادرند و نه امر موت و حیات و بعث آنها بدست آن بتهاست (۴) و کافران گفتند این کتاب که محمد (ص) وحیش می شمرد جز آنکه به دروغ از خود فرا بافته و دیگران از اهل کتاب نیز در قصص و احکام به او کمک کرده اند چیز دیگری نیست و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ درباره قرآن الهی و نسبتی ناحق در حق پیغمبر خدا است (۵) و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که محمد ص خود برنگاشته و اصحابش صبح و شام بر او ملا و قرائت میکنند تا کامل و آراسته گردانند (۶) ای رسول ما پاسخ تکذیب این کافران بگو این کتاب را آن خدائی فرستاده که به علم ازلی از اسرار آسمانها و زمین آگاهست و شما از این انکار و کفر و گناه بازگردید که هم او البته بسیار آمرزنده و مهربانست (۷) و باز کافران در مقام تکذیب برآمده و گفتند چرا این رسول اگر به راستی پیغمبر خداست غذا تناول میکند و در کوچه و بازار راه میرود و چرا فرشته محسوس و ظاهر بر او نازل نمیشود تا گواه صدق او باشد و امت از مخالفت با وی بترسد (۸) یا چرا بر این رسول گنجی فرونیفتد تا از فقر نجات یافته و ثروتمند شود یا چرا باغی ندارد که از میوه هایش تناول کند و ستمکاران پس از این همه چون و چراها به مردم گفتند که شما پیروان این رسول پیروی نمی کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است (۹) ای رسول عالی مرتبه ما بنگر تا امت جاهل چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ و چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت (۱۰) بزرگوار است پاک خدائی که اگر خواستی برای تو بهتر از آنچه این کافران گفتند قراردادی و آن بهشتی است که زیر درختانش نهرها جاریست و در آن بهشت قصرهای بسیار عالی خاص تو قرار خواهد داد (۱۱) بلکه این کافران به جای آنکه به کار آخرت و یاد محشر باشند ساعت قیامت را تکذیب کردند ما آتش دوزخ را بر آنکه قیامت را تکذیب کرد مهیا داشته ایم (۱۲) چون آتش دوزخ آنان را از مکانی دور ببیند خروش و فریاد وحشتناک دوزخ را از دور به گوش خود می‌شنوند (۱۳) و چون آن کافران را در زنجیر بسته به مکان تنگی از جهنم درافکنند در آن حال همه فریاد و اوایلا از دل برکشند (۱۴) و به آنها عتاب شود که امروز فریاد حسرت و ندامت شما یکی دو تا نیست بلکه از غم و اندوه و اعمال زشت خود بسیار از این آه و اوایلاها از دل برکشید (۱۵) ای رسول ما به اینان بگو آیا این حالی که شما دوزخیان دارید بهتر است یا بهشت ابدی که به متقیان وعده دادند که آن بهشت پاداش اعمال صالح و منزل جاودانی ایشانست (۱۶) که در آن بهشت هر چه خواهند و آرزو کنند بر آنها حاضر است و آن مقام همیشگی آنهاست وعده ایست بر خدا که مومنان از او درخواست کرده اند و او اجابت فرموده است (۱۷) و روزی که این مشرکان را با معبودانی مانند عیسی و عزیر و معبودان دیگر که به جای خدا پرستیده اند به عرصه قیامت محسور گردانند آنگاه بدان معبودان گوید آیا شما بندگان مرا از راه بردید؟ یا خود به راه ضلالت شتافتند؟ (۱۸) آنها با زبان عجز گویند پاک و منزّه پروردگارا ما خود هرگز جز تو کسی را سزاوار آن که معبود و محبوب خود اختیار کنیم ندانستیم تا چه رسد که دعوی خدائی کنیم و لیکن تو این کافران و

پدرانشان را متمتع به دنیا و نعمتهای آن گردانیدی تا آنکه از فرط سرگرمی به دنیای پست فانی ذکر تو و قرآن عظیم تو که سرمایه سعادت بود فراموش کردند و مردمی شقی و تبه روزگار بودند (۱۹) پس آنها شما مومنان را در آنچه راجع به خدا و رسول و قیامت گوئید تکذیب کردند و در اثر آن به عذاب ما گرفتار شدند که نه شما توانید آن عذاب را برطرف گردانید و نه یاری آنها توانید کرد و هر کسی از شما بندگان مشرک شود که ظلم و ستمبزرگ است ما او را به عذاب بزرگ گرفتار میگردانیم (۲۰) و ما هیچ رسولی پیش از تو به خلق نفرستادیم مگر آنکه آنها هم مانند تو غذا می خوردند و در میان کوچه و بازار راه میرفتند پس امت به این عذر تکذیب رسالت تو نتوانند کرد و ما بعضی از شما بندگان را سبب آزمایش بعضی دیگر میگردانیم چنانکه انبیاء را به امت و امت را به انبیاء یا فقیر را به غنی و غنی را به فقیر امتحان میکنیم که آیا صبر در طاعت خدا خواهید کرد؟ و پروردگار تو به احوال و اعمال همه خلق آگاهست (۲۱) و آنانکه امید لقای ما را نداشتند و به قیامت معتقد نبودند گفتند چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا چرا ما خدا را به چشم نمی بینیم؟ تا در ایمان به رسول محتاج نباشیم همانا آنان در حق خویش راه تکبر و نخوت پیش گرفتند و به سرکشی و طغیان شدید شتافتند و خود را از سعادت پیروی انبیاء محروم ساختند (۲۲) روزی که فرشتگان را به بینند مجرمان در آن روز بشارتی از فرشته نیافته بلکه به آنها گویند ای سرکشان محروم و ممنوع از لقاء رحمت و جنت خدا باشید (۲۳) و ما توجه به اعمال فاسد بی خلوص و حقیقت آنها کرده و همه را باطل و نابود میگردانیم (۲۴) به هر حال اهل بهشت در آن روز مسکن و مقری بهتر و آرامش و خوابگاهی نیکوتر از این دوزخیان خواهند داشت (۲۵) و یاد کن روزی را که آسمان با ابر از هم شکافته و فرشتگان با سرعت تمام به امر حق فرود آیند (۲۶) پادشاهی به حق در آن روز خاص خدای رحمانست و بر کافران که محکوم بدوزخند روز بسیار سختی خواهد بود (۲۷) و روزی که مردم ظالم پشت دست حسرت به دندان گرفته و گویند ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می گرفتم (۲۸) وای بر من ای کاش که فلان مرد کافر و رفیق فاسق را دوست نمیگرفتم (۲۹) رفاقت او از پیروی قرآن و رسول حق مرا محروم ساخت و گمراه گردانید آری دوستی شیطان نسی و جنی برای انسان مایه خذلان و گمراهی است (۳۰) در آن روز رسول به شکوه از امت در پیشگاه رب العز عرض کند بارالها تو آگاهی که امت من این قرآن بزرگ کتاب تو را بکلی متروک و رها کردند و پیرو کافران شدند (۳۱) و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران امتش قرار دادیم و تو ای رسول از دشمن میندیش که تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است (۳۲) و باز کافران جاهل به اعتراض گفتند که چرا این قرآن اگر از جانب خداست یکجابرای رسول نازل نشد؟ ای رسول ما، جاهلان ندانستند حکمتش اینست که تا تدریجاً ما تو را به آیات آن دل آرام کنیم و اطمینان قلب دهیم و بدین سبب آیات خود را بر تو مرتب به ترتیبی روشن و روشنی نیکو فرستادیم (۳۳) و کافران بر تو هیچ مثل باطل و اعتراض ناحق نیاورند مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان پاسخ آنها آریم (۳۴) آنان که در قیامت به رو در آتش دوزخ وارد شوند به بدترین مکان شتافته و سختترین راه ضلالت یافته اند (۳۵) و همانا ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم و برادرش هارون را و زیر او قرار دادیم این آیه به ضمیمه حدیث متواتر رسول (ص) یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی به شکل اول برهان قاطع خلافت بلا فصل حضرت علی علیه السلام است (۳۶) آنگاه موسی و هارون را گفتیم که رو به جانب آن قوم که آیات ما را تکذیب کردند کنید که ما آنها را سخت هلاک میگردانیم (۳۷) و نیز قوم نوح چون رسولان حق را تکذیب کردند ما آنها را به طوفان هلاک سپردیم و آیت عبرت مردم ساختیم و برای ستمکاران عذاب دردناک مهیا گردانیدیم (۳۸) و نیز قوم عاد و ثمود و اصحاب رس شاید قوم شعبیند که نزد چشمه یا چاه آبی که رس نامند منزل داشتند و طوایف دیگر بسیاری بین اینها همه را به کیفر کردارشان هلاک کردیم (۳۹) و ما برای هر یک از این طوایف پندها و مثلها برای هدایت و اتمام حجت آدیم و همه را به کلی هلاک ساختیم (۴۰) و همانا این کافران آمدند و دیدند آن دیار قوم لوط را که بر آن باران عذاب و هلاکت بارانیدیم آیا اینان به چشم خود دیار خراب آنها را ندیدند؟ آری دیدند و لیکن چون بروز محشر ایمان نیاورده اند امید و بیمی از قیامت و کیفر ندارند (۴۱) ای رسول ما، غمین مباش که این کافران هر گاه تو را

بینند از حسد کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده و گویند آیا این مرد همانست که خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟ (۴۲) و گویند نزدیک بود که محمد (ص) ما را اگر بر بت پرستی خود پایدار نبودیم بکلی گمراه کند و از پرستش خدایانمان بازدارد این مشرکان که از جهل توحید را گمراهی خواندند چون عذاب حق را مشاهده کنند بزودی خواهند دانست که گمراه تر از آنها در عالم نیست (۴۳) ای رسول دیدی حال آن کس که از غرور، هوای نفسش را خدای خود ساخت؟ چگونه به پرستش آن هلاک شد؟ آیا تو حافظ و نگهبان او از هلاکت توانستی شد؟ (۴۴) یا پنداری که اکثر این کافران مطیع نفس، حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ حاشا اینان در بی عقلی بس مانند چهارپایانند بلکه نادانتر و گمراه ترند (۴۵) آیا ندیدی که لطف خدا چگونه سایه را با آنکه اگر خواستی ساکن کردی بر سر عالمیان بگسترانید و پل شمس حقیق الوجود و پرتو علم و نور وحی انبیاء را از لطف و مرحمت بر عالم و آدم منبسط گردانید آنگاه آفتاب را بر آن دلیل قرار دادیم شاید آفتاب در این آیه ذات احدیت که نور عالم وجود است مقصود باشد و سایه او رسولان و حضرت پیغمبر (ص) و اوصیاء (ع) آن بزرگوارند (۴۶) سپس ظل آن آفتاب منبسط را به سوی خود تدریجا قبض میکنیم و باز همه موجودات به سوی ما به قیامت باز گردند (۴۷) و او خدائست که ظلمت شب را برای شما لباس گردانید تا همه در سیاه جامه شبمستور شوید و خواب را مایه آرامش و ثبات شما قرار داد و روز روشن را برای جنبش و کار مقرر داشت (۴۸) و او خدائست که بادها را برای بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد و از آسمان آبی طاهر و مطهر برای شما نازل کردیم (۴۹) تا به آن باران زمین خشک و مرده را زنده سازیم و آنچه آفریدیم از چهارپایان و آدمیان بسیاری را سیراب گردانیم (۵۰) و ما تغییرات باد و باران و سایر انقلابات عالم را بین مردم آوردیم تا پند گرفته و متذکر حق شوند لیکن اکثر مردم جز راه کفران و جحود پیش نگرفتند (۵۱) و اگر ما میخواستیم در بین مردم هر قریه پیغمبری که خلق را از عذاب خدا بترساند میفرستادیم (۵۲) پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنندسخت جهاد و کارزار کن (۵۳) و او خدائست که دو دریا را بهم درآمیخت که این آب گوارا و شیرین و آن دیگر شور و تلخ بود و بین این دو آب در عین بهم آمیختن واسطه و حایلی قرار داد که همیشه از هم منفصل و جدا باشند (۵۴) و او خدائست که از آن نطفه بشر را آفرید و بین آنها خویشی نسب و بستگی ازدواج قرار داد و خدای تو بر هر چیز قادر (۵۵) و این مشرکان نادان خدا را واگذارده و به جای خدا بتهایی که هیچ سود و زیان به حال آنان ندارد میپرستند و کافر به نادانی از خدای روی میگرداند و پشت به امر پروردگار خود میکند (۵۶) ای رسول ما تو را نفرستادیم مگر برای آنکه خلق را به رحمت ما بشارت دهی و از عذاب ما بترسانی (۵۷) ای رسول ما بگو من از شما امت مزد رسالت نمیخواهم اجر من همین بس که هر که بخوهد از پی من راه خدای خود پیش گیرد و به سعادت ابد نائل گردد (۵۸) و تو بر خدای زنده ابدی که هرگز نمیرد توکل کن و به ستایش ذات او وی را تسبیح و تنزیه گو و هم او که به گناه بندگانش کاملاً آگاهست کفایت است هر که را بخواهد می بخشد و هر که را بخواهد مواخذه میکند (۵۹) آن خدائی که آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را در شش روز بیافرید آنگاه عرش رحمانی را با حسن کامل خلقت بیاراست از خداشناسی حقیقت را بازجو تا به اسرار الهیت و خلقت آگاه شوی (۶۰) و چون تو به این مردم کافر گوئی بیائید و خدای رحمان را سجده کنید در جواب گویند خدای رحمان کیست؟ آیا ما به آنچه تو امر میکنی سجده کنیم و پیرو دستور تو شویم؟ هرگز نشویم و دعوت به خدای یکتا به جای اطاعت بر نفرتشان بیفزاید (۶۱) بزرگوار آن خدائی که در آسمان برجهای مقرر داشت و در آن چراغ روشن خورشید و ماه تابان را روشن ساخت (۶۲) و اوست خدائی که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای آن کس که خواهد به شب یا روز متذکر خدا شود یا شکر او به جای آرد شب و روز یکسانست (۶۳) و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین ره به تواضع و فروتنی روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب و عتابی کنند با سلامت نفس و زبان خوش جوابدهند (۶۴) و آنان هستند که شب را به سجده و قیام نماز برای رضای خدا روز کنند و روز را به نیکی با خلق به شب آرند (۶۵) و آنان هستند که دائم به دعا و تضرع گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بگردان که سخت عذاب مهلک دائمی است (۶۶) که آنجا بسیار بد قرارگاه و بد

منزلگاهی است (۶۷) و آنان هستند که هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نوزند بلکه در احسان میانه رو و معتدل باشند (۶۸) و آنان هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمیخوانند و نفس محترمی را که خدا حرام کرده به قتل نمی رسانند و هرگز گرد عمل زنا نمی گردند که هر که اینعمل کند کیفر گنااهش را خواهد یافت (۶۹) و عذابش در قیامت مضاعف شود و با ذلت و خواری به دوزخ مخلد گردد (۷۰) مگر آن کسانی که از گناه توبه کنند و با ایمان به خدا عمل صالح به جای آرند پس خدا گناهان آنها را بدل به حسنات گرداند که خداوند در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربانست (۷۱) و هر کس توبه کند و نیکوکار شود البته توبه اش به درگاه خدا و بارگاه قبولحق خواهد رسید (۷۲) و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل لغوی از مردم غافل بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند (۷۳) و آنان هستند که هرگاه متذکر آیات خدای خود شوند کر و کورانه در آن آیات ننگرند بلکه با دل آگاه و چشم بینا مشاهده آن کنند تا بر مقام معرفت و ایمانشان بیفزاید (۷۴) و آنان هستند که هنگام دعا با خدای خود گویند پروردگارا ما را از جفتمان فرزندانِ مرحمت فرما که خلف صالح و مایه چشم روشنی ما باشند و ما را سر خیل پاکان و پیشوای اهل تقوی قرار ده (۷۵) چنین بندگان که اوصافشان ذکر شد پاداش صبرشان در راه عبادت عالی غرفه های جنت و قصرهای بهشتی یابند که در آن جا با تحیت و سلام و شادمانی علو مقام یکدیگر را ملاقات کنند (۷۶) و در آن بهشت که بسیار نیکو منزل و مقامی است تا ابد مخلد و متنعم خواهند بود (۷۷) ای رسول ما، به امت بگو که اگر دعای شما و ناله و زاری و توبه شما نبود خدابه شما چه توجه و اعتنائی داشت؟ که شما کافران آیات حق را تکذیب کردید و به کیفر آن گرفتار خواهید شد (۷۸)

الشعراء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طسم (۲) اسرار است بین خدا و رسول این قرآن آیات روشن کتاب خداست که بر تو نازل گردید (۳) ای رسول ما تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی جان عزیزت را از غم اینکه ایمان نمی آورند هلاک سازی (۴) غم مدار که ما اگر بخواهیم از آسمان مشیت آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرودزنند (۵) وای بر اینان که هیچ آیت و ذکری از خدای رحمان بر آنها مجدد نیامد جز آنکه از آن اعراض کردند (۶) همانا این کافران آیات خدا را تکذیب کردند و به زودی حادثه هلاک آنان که به آیات حق استهزاء کردند به اینان هم خواهد رسید (۷) آیا در زمین بدیده عبرت نظر نکردند که ما چه انواع گوناگون از نباتات پرسوداز آن برویاندیم؟ (۸) در اینکار آیت لطف و رحمت و علم و قدرت خدا بر هوشمندان آشکار است و باز اکثر اینان به خدا ایمان نمی آورند (۹) و همانا پروردگار تو بسیار مقتدر و مهربان بر خلق است (۱۰) یاد آر هنگامی که خدا به موسی ندا کرد که اینک به رسالت ما به سوی قوم ستمکار روی آور (۱۱) و قوم ستمکار فرعون را بگو آیا پس از این همه طغیان و معصیت خدا باز هم خداترس و پرهیزکار نمی شوید (۱۲) موسی عرض کرد ای پروردگار از آن میترسم که فرعونیان سخت مرا تکذیب کنند (۱۳) و از کفر آنها دل‌تنگ شوم و عقده زبانم به هدایت آنان باز نگرود پس لطفی کن و هارون برادرم را نیز با من به رسالت بفرست (۱۴) و بر من از این قوم قبطی گناهی است که میترسم بدان گناهم قبطیان به قتل رسانند (۱۵) خدا به موسی فرمود هرگز مترس و با برادرت هارون بدین معجزات و آیات من به سوی آنان بروید که من همه جا با شما هستم و گفتار شما را میشنوم (۱۶) هر دو به اتفاق به جانب فرعون روید و بگوئید که ما دو رسول پروردگار جهانیم (۱۷) زنده ایم که طایفه بنی اسرائیل را با ما از مصر به فلسطین بفرستی و امرشان به ما واگذاری (۱۸) فرعون موسی را شناخته و گفت تو نه آن کودکی که ما پروردیم و سالها عمرت در نزد ما گذشت؟ (۱۹) و آن فعل زشت قتل نفس از تو سر زد و به خدائی ما کافر بودی؟ (۲۰) موسی در پاسخ فرعون گفت آری من چنین فعلی را مرتکب شدم ولی نه بر عمد بلکه در آن هنگام من برای نجات سبطیان از ظلم قبطیان به وادی حیرت سرگردان و از گمشدگان دیار شما بودم و کاری به قصد نجات مظلومی کردم به قتل خطائی منتهی شد (۲۱) و آنگاه از ترس شما گریختم تا آنکه خدای من مرا علم و حکمت عطا فرمود و از پیغمبران خود قرار داد (۲۲) و باز گو این

که طایفه بنی اسرائیل را بنده خود کرده ای این هم نعمتی است که منت آن بر من مینهی؟ (۲۳) باز فرعون به موسی گفت رب العالمین کیست که تو رسول آن هستی؟ (۲۴) موسی جواب داد رب العالمین خدای آسمانها و زمین است و آنچه ما بین آنهاست اگر به یقین باور دارید (۲۵) فرعون عاجز از جواب به مغلظه پرداخت و روی به درباریانش کرد و گفت آیا نمی شنوید که این مرد چه دعوی بی دلیل میکند (۲۶) موسی باز در مقام اثبات به بیان دیگر گفت رب العالمین همان خدائست که شما و پدران پیشین شما را از عدم بیافریده (۲۷) باز فرعون در مقام تشنیع و تمسخر موسی برآمد و گفت ای مردم این رسولی که به سوی شما به رسالت آمده سخت دیوانه است (۲۸) باز موسی به تمسخر خصم اعتنار نکرده و در مقام اثبات به بیان دیگر گفت رب العالمین همان آفریننده مشرق و مغرب و روز و شب است و هر چه بین اینها موجود است اگر شما در قدرت حق تعقل کنید (۲۹) باز فرعون که از جواب عاجز ماند به تهدید پرداخت و گفت اگر غیر من خدائی را پرستی البته تو را به زندان خواهم کشید (۳۰) موسی باز به ملایمت پاسخ داد اگر هم حجت و معجزی بر صدق دعوی خود بر تو آرم؟ بازم به زندان کشی؟ (۳۱) فرعون گفت آن معجزه چیست بیار اگر راست میگوئی؟ (۳۲) در آن موقع موسی عصای خود بیفکند که ناگاه ازدهائاتی عظیم پدیدار گشت (۳۳) و نیز دست از گریبان بیرون آورد که ناگاه خورشیدی تابان به چشم بینندگان آشکار گردید (۳۴) فرعون با دیدن این دو معجز بزرگ رو به درباریانش کرد و گفت این مرد ساحری بسیار ماهر و داناست (۳۵) که میخواهد بدین سحر و شعبده ها شما مردم مصر را از کشور خود آواره کند (۳۶) آنها به فرعون گفتند از او و برادرش مهلت خواه و از شهرها به معارضه او ساحران را جمع آورد (۳۷) تا ساحران ماهر زبردست بر دفع او همه نزدت حاضر شوند (۳۸) این سخن را پذیرفت و ساحران را جمع آورد آنگاه ساحران را بر حسب وعده با موسی به روز معین حاضر ساخت (۳۹) و چون سحره را بر موسی غالب میدانستند مردم شهر را گفتند چه بهتر که همه در آن روز جمع باشید تا واقعه را مشاهده کنید (۴۰) باشد که ما هم اگر ساحران غالب شدند از سحره فرعون پیروی کنیم (۴۱) و چون ساحران حضور فرعون آمدند با وی گفتند آیا اگر بر موسی غالب آئیم اجر بزرگی در مقابل این خدمت خواهیم داشت؟ (۴۲) فرعون گفت آری البته علاوه بر اجر خدمت از مقربان در گاهم نیز خواهید شد (۴۳) چون ساحران به معارضه حاضر شدند موسی به آنها گفت ما پیش دستی را به دشمن دهیم اینک شما بساط سحر خود هر چه میخواهید به کار اندازید (۴۴) ساحران هم چوبها و رسن و طنابهای سحر خود را بیفکندند و به عزت فرعون قسم یاد کردند که بر موسی البته غالب خواهیم شد (۴۵) در آن حال موسی عصای خود را بیفکند که ناگاه ازدهائاتی عظیم شد و همه وسائل سحرانگیزی ساحران را به کام فرو برد (۴۶) ساحران که این معجزه بدیدند و قطعاً دانستند سحر نیست پیش موسی به سجده افتادند (۴۷) و گفتند ما به خدای عالم ایمان آوردیم (۴۸) پروردگار موسی و هارون (۴۹) فرعون به ساحران گفت چرا بی اجازه من ایمان به موسی آوردید همانا معلوم است که این استاد بزرگ شما است که شما را ساحری آموخته به زودی کیفر خود را خواهید دید دست و پای شما را به اختلاف دو طرف چپ و راست قطع میکنم آنگاه همه را بیدار میکشم (۵۰) ساحران گفتند از این دار و قتل به ما هیچ زیانی نخواهد رسید چون بعد از مرگبه سوی خدا باز میگردیم (۵۱) و از خدا امید آن داریم چون اول ما به او ایمان آوردیم که به لطف خویش از گناهان ما درگذرد (۵۲) و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه از شهر مصر بیرون بر تا شما را فرعونیان تعقیب کنند و به دریا غرق شوند (۵۳) آنگاه فرعون که از رفتن چندین هزار بنی اسرائیل از مصر اطلاع یافت ترسید و رسول برای جمع آوری لشکر به شهرها فرستاد (۵۴) و برای تبلیغات به آنها می گفتند که همانا از طایفه بنی اسرائیل جز عده قلیلی باقی نیست (۵۵) و ما سپاهی بی شمار و از دست آنها خشمناکیم (۵۶) و نیز ما لشکری همه نیرومند و مسلح به اسلحه کاملیم (۵۷) با وجود این همه دعوی ها ما آنها را از باغهای مصفا با نهرهای آب روان از مصر بیرون کردیم و به دریای هلاک افکندیم (۵۸) و از گنجها و ثروتها و مقامات عالیه ریاست محروم ساختیم (۵۹) و قوم ضعیف بنی اسرائیل را وارث آن شهر و دیارها و ثروت و مقامها گردانیدیم (۶۰) صبحگاهی که فرعونیان موسی و بنی اسرائیل را تعقیب کردند (۶۱) چون دو لشکر روبرو شدند و اصحاب موسی بیم کرده گفتند اینک به دست فرعونیان سخت

هلاک میشویم (۶۲) موسی گفت هرگز مترسید که خدا با من است و مرا به حفظ از دشمن یقین راهنمایی خواهد کرد (۶۳) پس ما به موسی وحی کردیم که عصای خود را به دریای نیل آن چون زد دریا شکافت و آب هر قطعه دریا مانند کوهی بزرگ بر روی هم قرار گرفت و راه عبور در دریا برای موسی و قومش باز شد (۶۴) و دیگران یعنی فرعونیان را از پی بنی اسرائیل به دریا آوردیم (۶۵) آنجا موسی و کلیه همراهانش را از دریا بیرون آورده و به ساحل سلامت رسانیدیم (۶۶) آنگاه قوم دیگر همه را به دریا غرق کردیم (۶۷) همانا این هلاک فرعونیان آیت بزرگی برای عبرت و موعظه مردم بود لیکن اکثر خلق از فرط جهل و غفلت به آیات حق ایمان نمی آورند (۶۸) و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربانست (۶۹) ای رسول حکایت ابراهیم را بر امت بیان کن (۷۰) هنگامی که برای ابطال شرک و دعوت به توحید با پدر یعنی عمو زیرا پدران پیغمبران همه موحدند و با قومش گفت شما چه معبودی را میپرستید؟ (۷۱) جواب دادند که ما بتهایی را می پرستیم که ما ثابت بر پرستش آنها بوده و هستیم (۷۲) ابراهیم گفت آیا هرگاه این بتهای جماد را بخوانید سخن شما را میشنوند؟ (۷۳) یا به حال شما هیچ سود و زیانی توانند داشت؟ (۷۴) آنها در جواب ابراهیم گفتند ما پدران خود را بر پرستش این بتان یافته ایم و هر چند جماد بی اثری باشند میپرستیم (۷۵) ابراهیم باز به آنها گفت آیا میدانید که این بتهایی که شما مردم اینک میپرستید (۷۶) و پدران شما از قدیم میپرستیدند (۷۷) من با پرستش همه اینها جز خدای یکتای عالم مخالف و با تمام بت و بتگر و بت پرستان جهان دشمنم (۷۸) و میپرستم همان خدائی که مرا بیافرید و به لطف خود به راه راستم هدایت می فرماید (۷۹) همان خدائی که چون گرسنه شوم به کرم خود مرا غذا میدهد و چون تشنه شوم سیراب میگرداند (۸۰) همان خدائی که چون بیمار شوم مرا شفا میدهد (۸۱) همان خدائی که مرا از حیات چند روزه دنیا میمیراند و سپس به حیات ابدی آخرتزنده میگرداند (۸۲) همان خدائی که چشم امید دارم که روز جزا گناهم را بپامزد (۸۳) آنگاه ابراهیم رو بدرگاه خدا کرده عرض کرد بارالها مرا بر این مشرکان فرمانروائی ده و به رسل و بندگان صالح خود ملحق ساز (۸۴) و نامم بر زبان اقوام آتیه نیکو و سخنم دلپذیر گردان (۸۵) و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده (۸۶) و از پدرم یعنی عمومیم به لطف خود در گذر و او را هدایت فرما که وی سخت از گمراهانست (۸۷) و بار پروردگارا روزی که خلق را از قبرها برانگیزی در آن روز مرا رسوا و هلاک مگردان (۸۸) آن روزی که مال و فرزندان هیچ به حال انسان سود نبخشند (۸۹) و تنها آن کس سود برد که با دل با اخلاص پاک از شرک و ریب و ریا به درگاه خدا آید (۹۰) و آن روز بهشت را به اهل تقوی نزدیک سازند (۹۱) و دوزخ را بر گمراهان پدیدار گردانند (۹۲) و آن روز به کافران گفته شود بتهایی که پرستش می کردید به کجا شدند (۹۳) آنان را که خدا را رها کرده و به جای او به خدائی برگزیدند آیا میتوانند به شما اینک یاری کرده یا از جانب شما دفاع کنند هرگز کاری از غیر خدا بر نیاید (۹۴) در آن حال کافران و معبودان باطلشان هم برو در آتش دوزخ افتند (۹۵) و با تمام سپاه شیطان به جهنم در آیند (۹۶) و در دوزخ به مجادله و خصومت با یکدیگر گویند (۹۷) به خدا قسم که ما در گمراهی بسیار آشکاری بودیم (۹۸) که شما بتها را مانند خدای عالمیان پرستش میکردیم (۹۹) و ما را گمراه نکردند جز قوم تبه کار و مدعیان باطل خودپرست بد انیش (۱۰۰) که در این روز سخت نه شفیع داریم (۱۰۱) و نه یک دوستی که از ما حمایتی کند (۱۰۲) ای کاش که بار دیگر به دنیا باز میگشتیم تا به خدای یگانه ایمان می آوردیم و از این مدعیان باطل و بت و بتگرهای بداندیش بیزاری میجستیم (۱۰۳) همانا در این ندامت گمراهان آیت و عبرت دیگران است ولیک اکثر مردم باز ایمان نمی آورند (۱۰۴) و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربانست (۱۰۵) قوم نوح هم کافر شده و پیغمبران خدا را تکذیب کردند (۱۰۶) هنگامی که مهربان برادرشان نوح آنها را گفت آیا هنوز خداترس و متقی نمیشوید؟ و از کفر و عصیان اعراض نمیکنید؟ (۱۰۷) من برای شما بسیار رسول امین و خیرخواهی مشفق هستم (۱۰۸) پند مرا بشنوید و از خدا بترسید و راه طاعت وی پیش گیرید (۱۰۹) و من اجری از شما برای رسالت نمیخواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم (۱۱۰) پند بی غرض مرا بشنوید و از خدا بترسید و راه طاعت وی پیش گیرید (۱۱۱) قوم نوح از کبر و خودپرستی پاسخ دادند که ما چگونه به تو ایمان آوریم در صورتی که پیروانت معدودی مردم خوار و فرومایه اند (۱۱۲) نوح گفت مرا چکار که افعال و

احوال پیروانم را بدانم که از طبقه عالی یا دانی است (۱۱۳) اگر شعور و معرفتی دارید بدانید که حساب کار آنها بر کسی جز خدا نخواهد بود (۱۱۴) و مرا نرسد که مومنان به حق را هر چند فقیر باشند از خود برانم (۱۱۵) من جز آنکه مردم را اندرز کنم و از خدا بترسانم و از ثواب و عقاب اعمالشان آگاه گردانم وظیفه ای ندارم (۱۱۶) باز قوم نوح به سرکشی و لجاجت برخاستند و گفتند اگر ترک این سخنان نگوئی تو را سخت سنگسار میکنیم (۱۱۷) نوح گفت پروردگارا، قوم سخت مرا تکذیب کردند (۱۱۸) بارالها بین من و قوم حکم فرما و به ما گشایشی عطا کن و من و مومنانی که با من همراهند از شر قوم نجات ده (۱۱۹) ما هم دعای نوح را اجابت کردیم و او را با همه آنان که در آن کشتی نجات در آمدند به ساحل سلامت رساندیم (۱۲۰) و باقی آن قوم سرکش همه را به دریا غرق کردیم (۱۲۱) همانا در نجات مومنان و هلاک کافران قوم نوح آیت عبرتی است و لیکن باز هم اکثر مردم ایمان نمی آورند (۱۲۲) و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربانست (۱۲۳) قوم عاد نیز رسولان خدا را تکذیب کردند (۱۲۴) هنگامی که رسول آنها هود با مهر برادری به آنها گفت آیا با آنکه هلاک اهل کفر و عصیان پیش از خود را دیدید هنوز متقی و خداترس نمی‌شوید؟ (۱۲۵) من برای شما بسیار پیغمبری خیرخواه و امینم (۱۲۶) پسند من بشنوید و از خدا بترسید و راه اطاعت وی پیش گیرید (۱۲۷) و من از شما اجری برای رسالت نمیخواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم (۱۲۸) آیا بنا میکنید بهر سرزمین مرتفع عمارت و کاخ برای آنکه به بازی عالم سرگرم شوید؟ و از یاد خدا غافل مانید؟ (۱۲۹) و عمارتهای محکم بنا میکنید به امید آنکه در آن عمارات مرگ به شما دست نیابد و عمر ابد کنید؟ (۱۳۰) و چون به ظلم و بیداد خلق دست گشائید کمال قساوت و خشم کار بندید (۱۳۱) از خدا بترسید و مرا که رسول حقم اطاعت کنید (۱۳۲) بترسید از آن خدائی که شما را به آنچه خود میداند مدد و قوت بخشید (۱۳۳) مدد بخشید به خلق چهارپایان و فرزندان برای شما تا بر اسب با جوانان و خویشان خود برنشینید و نیرومند گردید (۱۳۴) و نیز مدد بخشید به شما به ایجاد باغها و چشمه های آب که در آن تفریح کنید (۱۳۵) باری از خدا بترسید و ترک عصیان او کنید که همانا من از عذاب روز بزرگ قیامت بر شما می ترسم (۱۳۶) قوم نادان پس از این مواظظ در پاسخ هود (ع) گفتند تو این همه وعظ و نصیحتکنی یا هیچ نکنی به حال ما یکسانست (۱۳۷) این مسئله حیات و موت کار طبیعت و خوی جهان و سرنوشت همه پیشینیانست (۱۳۸) و ما پس از مرگ دیگر زنده نمیشویم و هرگز قیامت و ثواب و عقابی نخواهیم داشت (۱۳۹) الغرض رسول حق را تکذیب کردند ما هم آنان را هلاک گردانیدیم و بیشتر آنها ایمان به خدا نیاوردند (۱۴۰) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربانست (۱۴۱) قوم ثمود نیز رسول خدای را تکذیب کردند (۱۴۲) هنگامی که پیغمبر و برادر مهربان آنها صالح به ایشان گفت آیا باز هم متقی و خدا ترس نمی‌شوید؟ (۱۴۳) من برای شما پیغمبر بسیار امین و خیر خواهم (۱۴۴) پسند من بشنوید و از خدا بترسید و راه طاعت پیش گیرید (۱۴۵) من اجری از شما برای رسالت نمیخواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم (۱۴۶) آیا تصور میکنید که تا ابد ایمن از مرگ در این ناز و نعمت دنیا خواهید ماند؟ (۱۴۷) گمان دارید در این باغهای با صفا و چشمه های آب گوارا و مزارع کشتزار و نخل و آن شکوفه های زیبایش همیشه زنده اید (۱۴۸) و خیال میکنید دائم در این عماراتی که در کوهستان و ییلاقات با کمال دقت بنا کرده اید به آسایش تعیش میکنید؟ (۱۴۹) البته چنین نیست و مرگ شما را در پیش است پس پسند من بشنوید و از خدا بترسید و راه طاعت پیش گیرید (۱۵۰) خداترس باشید و مرا که رسول اویم اطاعت کنید (۱۵۱) و از رفتار روسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید (۱۵۲) که آن مردم در زمین همه گونه فساد میکنند و هیچگونه به اصلاح حال خلق نمیردازند (۱۵۳) قوم صالح گفتند به یقین تو را سحر کرده اند که دعوی نبوت میکنی (۱۵۴) و گرنه تو هم مثل ما بشری بیش نیستی اگر راست میگوئی و پیغمبر خدائی معجزی بیاور (۱۵۵) صالح که از او تقاضای معجزه کردند گفت این ناقه معجزه من است آب نهر را روزی ناقه بنوشد و روزی شما بنوشید و روز نوبت ناقه شما به جای آب از شیر ناقه بهره مند شوید (۱۵۶) و هرگز سو، قصدی بر ناقه نکنید که اگر ناقه را کشتید به روز سخت عذاب گرفتار خواهید شد (۱۵۷) قوم صالح سخن نشنیدند و ناقه را پی کردند و صبحگاه از کار خود پشیمان شدند (۱۵۸) آنگاه به عذاب موعود گرفتار شدند و هلاک گردیدند همانا در هلاک این قوم آیت عبرت

برای دیگران بود و لیکن اکثر مردم باز ایمان به خدا نیاوردند (۱۵۹) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربانست (۱۶۰) قوم لوط نیز پیغمبران خود را تکذیب کردند (۱۶۱) هنگامی که پیغمبر مهربان آنها لوط در مقام نصیحت گفت آیا با آنکه شما هلاکتناهل کفر و عصیان پیشین را به چشم خود دیدید باز هم خدا ترس و پرهیزکار نمیشوید؟ (۱۶۲) پند من بشنوید که من برای شما پیغمبری بسیار امین و خیرخواهم (۱۶۳) از خدا بترسید و راه طاعت وی پیش گیرید (۱۶۴) و من از شما اجری برای رسالت خود نمی خواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم (۱۶۵) آیا عمل زشت منکر را با مردان انجام می دهید؟ (۱۶۶) و آنان را که خدا همسر شما و برای تمتع و مقاربت آفریده رها میکنید آری شما بسیار مردم متعدی نابکاری هستید (۱۶۷) قوم در جواب لوط گفتند اگر از این پس دست از این نهی و منع برداری تو را از شهر بیرون خواهیم کرد (۱۶۸) لوب باز گفت من خود هم اگر منع شما نتوانم دشمن این کار زشت شما و بیزار از آن خواهم بود (۱۶۹) آنگاه در دعا به خدا روی آورد که بار الهی من و اهل بیتم را از عقاب این عمل زشت قوم نجات بخش (۱۷۰) ما هم دعای او را به اجابت رسانیدیم و او را با همه اهل بیتش نجات دادیم (۱۷۱) جز پیرزنی که در اهل عذاب باقی ماند و به کیفر کفر با قوم هلاک گردید (۱۷۲) آنگاه جز اهل بیت لوط همه را به خاک هلاک نشانیدیم (۱۷۳) و آنها را به سنگباران عذاب که باران بسیار سختی بر سر بدکارانست هلاک ساختیم (۱۷۴) و در این هلاک قوم لوط نیز آیت عبرت بزرگی برای دیگران بود لیکن اکثر مردم باز ایمان به خدا نیاوردند (۱۷۵) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربانست (۱۷۶) باز اصحاب ایکه یعنی امت شعیب هم پیغمبران خود را تکذیب کردند (۱۷۷) هنگامی که رسولشان شعیب در مقام نصیحت به آنها گفت آیا شما با آنکه هلاک اهل شقاوت را به چشم دیدید باز هم خدا ترس و پرهیزکار نخواهید شد؟ (۱۷۸) پند من بشنوید که من برای شما رسولی بسیار امین و خیرخواهم (۱۷۹) از خدا بترسید و راه طاعت وی پیش گیرید (۱۸۰) و من از شما هرگز اجر رسالت نمیخواهم و جز از خدای عالم به کسی چشم پاداش ندارم (۱۸۱) ای مردم آنچه می فروشید سنگ تمام بدهید و از کم فروشی و گران فروشی که آنهم نوعی کم فروشی است کناره گیرید (۱۸۲) اجناس را با میزان صحیح و ترازوی درست بسنجید (۱۸۳) و آنچه به مردم می فروشید تمام بدهید از وزن و پیمان کم نگذارید و در زمین به ظلم و فسادکاری برنخیزید (۱۸۴) و از خدائی که شما و همه طبایع پیشینیان را آفریده بترسید و خلاف امر او مکنید (۱۸۵) قوم شعیب پاسخ او گفتند تو را بی شک به سحر و شعبده مفتون کرده اند (۱۸۶) و تو جز آنکه بشری هستی مانند ما هیچگونه مزیتی بر دیگران نداری و ما تو را در دعوت نبوت دروغگو می پنداریم (۱۸۷) اگر راست میگوئی و پیغمبر خدائی قطعه ای از آسمان را بر سر ما فرود آور تا تصدیق تو کنیم (۱۸۸) شعیب گفت خدا بهتر بر صدق دعوی من و کذب قول و زشتی افعال شما آگاهست (۱۸۹) باز او را تکذیب کردند و به عذاب سخت روز سایه بان یعنی روزی که مردم از شدت گرما به سایه بانی پناه می بردند و باز از گرمی هلاک میشدند گرفتار کردیم که عذاب آن روز بسیار سخت بود (۱۹۰) و درین هلاک قوم شعیب نیز آیت بزرگی برای دیگران بود و لیکن اکثر مردم باز ایمان نیاوردند (۱۹۱) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربانست (۱۹۲) و این قرآن به حقیقت از جانب خدا نازل شده (۱۹۳) جبرئیل روح الامین فرشته بزرگ خدا نازل گردانید (۱۹۴) و آن را بر قلب تو فرود آورده تا به حکمت و اندرزهای آن خلق را متذکر ساخته و از عقاب خدا بترسانی (۱۹۵) و به راه خدا مردم را به زبان عربی فصیح هدایت کنی (۱۹۶) و ذکر عظمت این قرآن در کتب انبیاء پیشین مسطور است (۱۹۷) آیا این خود آیت و برهان روشنی بر کافران نیست که علماء بنی اسرائیل از کتب انبیاء سلف بر این قرآن آگاهند؟ (۱۹۸) و اگر ما این کتاب عربی را بر بعض مردم عجم نازل می گردانیدیم (۱۹۹) و رسول به زبان تازی بر عجمها قرائت میکرد آنان ایمان نمی آوردند به این عذر که قرآن چون به زبان ما نیست ما فهم آن نکرده و اعجاز آن را درک نمیکنیم اما شما قوم عرب با چه عذر ایمان نمی آورید (۲۰۰) ما این قرآن را چنین در دل تبه کاران گذرانیدیم و بر آنها به این کتاب تمامحجت کردیم (۲۰۱) که تا مشاهده عذاب دردناک نکنند به این قرآن ایمان نمی آورند (۲۰۲) پس به ناگاه وقت عذاب و ساعت قیامت که سخت از آن غافل بودند به آنها فرارسد (۲۰۳) و آن کافران از شدت عقوبت التماس کنند و گویند آیا بر ما مهلتی منپور میشود؟ تا زمانی از عذاب بیاسائیم (۲۰۴) آیا اکنون که هنگام

عذابشان نیست از تمسخر انتقام ما را به تعجیل میطلبند (۲۰۵) ای رسول ما، چه خواهی دید اگر ما چند سالی آنها یعنی بنی امیه و هر ظالمی را در دنیا متنعم سازیم (۲۰۶) سپس به عذابی که بر آنان وعده شده یکسر هلاک شوند (۲۰۷) و بهره ای که از مال دنیا داشتند هیچ آنها را از عذاب نرساند (۲۰۸) و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم (۲۰۹) این هلاک بدان پند و موعظه است برای خوبان و ما هرگز به کسی ستم نکردیم (۲۱۰) این قرآن را شیاطین نیاوردند بلکه جبرئیل امین فرشته خدا نازل ساخته (۲۱۱) و نه هرگز اینگونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت بر نزول آن دارند (۲۱۲) که البته آنها از استماع وحی الهی معزولند و از درک اسرار غیبی محروم (۲۱۳) پس تو ای رسول جز خدای یکتا احدی را معبود مخوان و گرنه از اهل عذاب خواهی شد (۲۱۴) نخست خویشان نزدیک را از خدا بترسان (۲۱۵) آنگاه پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمانیت به تواضع بگستران (۲۱۶) و هرگاه قوم فرمانت را مخالفت کردند به آنها بگو من خود از کردار بد شما بیزارم (۲۱۷) و توکل بر آن خدای مقتدر مهربان کن (۲۱۸) آن خدائی که چون از شوقش به نماز برخیزی تو را مینگرد و حال تو را مشاهده می کند (۲۱۹) و به انتقال تو در اهل سجود و به دوران تحولت از اصلاص شامخه به ارحام مطهره به همه آگاهست (۲۲۰) که او خدای شنوا و دانا به گفتار و کردار خلق است (۲۲۱) بگو به کافران که می خواهید من شما را آگاه سازم که شیاطین بر چه کسان نازل میشوند (۲۲۲) شیاطین بر هر شخص بسیار دروغگویی بدکار نازل میشوند (۲۲۳) گوش فرا میدهند تا حرف مومنان و قوای قدسی را بروده و به اتباع خود برسانند و اکثر دروغ میگویند و اندک راست آنها هم برای شبهه کاری و فساد و فتنه انگیزیست (۲۲۴) و شاعران یاوه سرای کفار مانند عالمان بی عمل و مدعیان باطل را مردم جاهل گمراه پیروی کنند (۲۲۵) آیا ننگری که آنها خود به هر وادی حیرت سرگشته اند (۲۲۶) و آنها بسیار سخنان میگویند که یکی را عمل نمی کنند (۲۲۷) مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاد خدا بسیار کردند و برای انتقام از هجوی و ستمی که در حق آنها و سایر مومنان شده به نظم سخن و طبع شعر از حق یاری خواستند و به شمشیر زبان با دشمنان دین جهاد کردند آنان را مومنان پیروی خواهند کرد و آنان که ظلم و ستم در حق آل رسول (ص) و اهل ایمان کردند به زودی خواهند دانست که به چه کیفر گاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند (۲۲۸)

النمل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طس شاید اشاره به سوره است یا نام خدا یا رسول است که به آن قسم یاد شده این آیات قرآن بزرگ و کتاب هویدای خداست (۲) که هدایت و بشارت برای اهل ایمانست (۳) آنان که به یاد خدا نماز پیا میدارند و زکات به مسکینان میدهند و کاملاً به عالم آخرت یقین دارند (۴) همانا آنان که ایمان به عالم آخرت نمی آورند پس از اتمام حجت ما اعمالشان را در نظرشان جلوه دهیم تا بکلی مغرور و گمراه شوند (۵) آنها را هم در دنیا سختترین عذابست و هم در آخرت زیان کارترین خلقند (۶) و ای رسول ما، آیات قرآن عظیم از جانب خدای حکیم به وحی بر تو لقا میشود (۷) به یاد آر هنگامی که موسی وقت بیچارگی و درد حمل آن در آن بیابان سرد و ظلمت نوری دید و به اهل بیتش گفت مرا آتشی به نظر آمد می روم تا از آن به زودی خبری بیاورم یا شاید برای گرم شدن شما شعله ای برگیرم (۸) چون موسی بدان آتش نزدیک شد او را ندا کردند که آن کس را که در اشتیاق این آتش است یا به گردش در طلب است مقدمش به لطف حق مبارک باد و منزّه و بلند مرتبه خداست که آفریننده عوالم بی حد و نهایت است (۹) از آن آتش شجر طور ندا آمد ای موسی همانا منم خدای مقتدر دانای درستکار (۱۰) و تو عصای خود و خودیت بیفکن چون عصا افکند ناگاه موسی بر آن نگریست که به جنبش و هیجان درآمد چنانکه از دهائی مهیب گردید، موسی از آن چنان بترسید که رو به فرار نهاد و دیگر واپس نگریدید در آن حال بدو خطاب شد ای موسی مترس که پیغمبران در حضور من از غیر من هرگز نمی ترسند (۱۱) ستمکاران عالم باید بترسند مگر کسی که چون ستم و کار بد کند به زودی توبه کند و آن بد را به نیکوئی مبدل گرداند تا خدایش ببخشد که همانا خدا بسیار به خلق آمرزنده و مهربانست (۱۲) ای موسی

دست در گریبان خود کن تا چون بیرون آوری نه از مرض برص بلکه از نظر لطف خدا سپید و روشن چون ماه تابان گردد آنگاه با نه معجز الهی یعنی عصا و ید بیضار و ملخ و قمل و ضفدع و خون و شکافتن دریا و کوه و طوفان به سوی فرعون و قومش که گروهی فاسق و نابکارند به رسالت روانه شو (۱۳) موسی که به امر ما به نزد فرعونیان آمد چون آیات و معجزات ما را به آنها ارائه داد گفتند که این معجزات بزرگ تو سحر بودنش روشن و آشکار است (۱۴) و با آنکه پیش نفس خود، به یقین دانستند معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند بنگر تا عاقبت آن مردم ستمکار فاسد به کجا انجامید؟ و چگونه هلاک شدند؟ (۱۵) و همانا ما به داود و سلیمان مقام دانش عطا کردیم که به شکرانه آن گفتند ستایش و سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش فضیلت و برتری عطا فرمود (۱۶) و سلیمان که وارث ملک داود شد و مقام سلطنت و خلافت یافت به مردم گفت که ما را زبان مرغان آموختند و از هر گونه نعمت عطا کردند این همان فضل و بخشش آشکار است از خدای متعال (۱۷) و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان هر سپاهی تحت فرمان رئیس خود در رکابش حاضر آمدند (۱۸) تا آنجا که به وادی مورچگان رسید موری پیشوای موران چون جلال سلیمان و سپاه عظیم آنان مشاهده کرد گفت ای موران همه به خانه های خود اندر روید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندانسته شما را پایمال کنند (۱۹) سلیمان از گفتار مور بخندید و گفت پروردگارا مرا توفیق شکر نعمت خود که به من و پدر من عطا فرمودی عنایت فرما و مرا به عمل صالح خالصی که تو بپسندی اگر چه خلق نپسندند موفق بدار و مرا به لطف و رحمت در صف بندگان خاص شایسته ات داخل گردان (۲۰) و سلیمان از میان سپاه خود جویای حال مرغان شد هدهد را در مجمع مرغان نیافت به رئیس مرغان عقاب گفت هدهد کجا شد که به حضور نمی بینمش؟ بلکه بی اجازه من غیبت کرده است؟ (۲۱) چنانچه بدون عذری بی رخصت غایب شده همانا او را به عذابی سخت معذب گردانم یا آن که سرش از تن جدا کنم یا که برای غیبتش دلیلی روشن و عذری صحیح بیاورد (۲۲) پس از اندک مکثی هدهد حاضر شد و عذری موجه و حجتی درست آورد گفت من به چیزی که تو از آن در جهان آگاه نشده ای خبر یافتم و از ملک سبا به طور یقین تو را خبری مهم آوردم (۲۳) همانا در آن ملک زنی را یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زنه گونه دولت و نعمت و زینت امور دنیوی عطا شده بود و علاوه بر اینها تخت با عظمتی داشت (۲۴) آن زن را با تمام رعیتش یافتم که خدا را از یاد برده و به جای خدا خورشید را میپرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را بکللی از راه خدا باز داشته تا هرگز به حق هدایت نیابند (۲۵) و خدای را که نور او در آسمان و زمین هر پنهان در ظلمت عدم را به عرصه ظهور آورده و بر نهان و آشکار خلق آگاهست پرستش نکنند (۲۶) در صورتی که خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست پروردگار عرش با عظمت و ملکبی نهایت است و تنها سزاوار پرستش اوست (۲۷) سلیمان هدهد را گفت باید تحقیق کنم تا صدق و کذب سخنت را دریابم این آیه دلیل است که انسان باید تحقیق نکرده هیچ سخنی را تصدیق نکند و تکذیب هم نکند (۲۸) اینک نامه مرا به جانب آنان بر و باز شو آنگاه بنگر تا پاسخ چه میدهند (۲۹) چون هدهد نامه را از منقار در بر بلقیس افکند به شگفت آمد و مهر نامه را بگرفت و به دقت مطالعه کرد آن را بسیار مهم یافت، بلقیس رو به رجال دربارش کرده و گفت نامه بزرگی به من رسیده است (۳۰) که آن نامه از جانب سلیمان و عنوانش به نام خدای بخشنده مهربانست (۳۱) و بعد چنین نگاشته که بر من برتری مجوئید و از فرمانم سر میپچید و تسلیم امر من شوید (۳۲) آنگاه به مشورت گفت ای رجال کشور شما به کار من رای دهید که من تاکنون بی حضور شما به هیچ کار تصمیم نگرفته ام (۳۳) رجال ملک به او اظهار داشتند که ما دارای نیروی کامل و مردان جنگجوی مقتدری هستیم لیکن اختیار با شما تا به صلح و تسلیم یا به جنگ و خلاف به فکر روشن چه دستور فرمائی (۳۴) بلقیس گفت پادشاهان چون به دیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین اشخاص مملکت را ذلیلترین افراد گیرند و رسم و سیاستشان بر این کار خواهد بود (۳۵) صلاح اینست که حال من هدیه ای بر آنان بفرستم تا ببینم فرستادگانم از جانب سلیمان پاسخ چگونه باز می آرند (۳۶) چون فرستادگان بلقیس حضور سلیمان رسیدند به هدیه آنها اعتنائی نکرد گفت شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟ آنچه خدا به من از ملک

و مال بی شمار عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماس است آری شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد شوید مرا این متاع فانی پیشیزی در نظر نیاید (۳۷) ای فرستاده بلقیسیان با هدایا به سوی آنان باز شو که من لشکری بی شمار که هیچجا آن مقاومت نتوانند کرد بر آنها می فرستم و آنها را با ذلت و خواری از آن ملک بیرون می کنم مگر آن که به دین توحید و خداپرستی بگردند (۳۸) آنگاه سلیمان رو به حضار بارگاه کرد و گفت کدام یک تخت بلقیس را پیش از آنکه تسلیم امر من شود خواهید آورد؟ تا چون اعجاز مرا مشاهده کند از روی ایمان تسلیم شود (۳۹) از آن میان عفریت جن گفت من چنان بر آوردن تخت او قادر و امینم که پیش از آنکه تو از جایگاه قضاوت خود برخیزی آن را به حضور آرم یعنی کمتر از نصف روز میتوانم تخت با عظمت بلقیس را نزد تو حاضر کنم و در جواهر و نوامیس آن دستخیانت نبرم (۴۰) و آن کس که به علم کتاب الهی دانا بود یعنی آصف برخیا یا خضر یا سلیمان که دارای اسم اعظم و علم غیب بود گفت که من پیش از آنکه چشم بهم زنی تخت را بدینجا آرم و هماندم حاضر نمود چون سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد گفت این توانائی از فضل خدای منست تا مرا بیازماید که نعمتش را شکر میگویم یا کفران میکنم و هر که شکر نعمت حق کند شکر به نفع خویش کرده همانا خدا از شکر خلق بی نیاز و بر کافر هم به لطف عمیم کریم و مهربانست (۴۱) آنگاه سلیمان گفت تخت بلقیس را به تغییر شکل و هیات بر او ناشناس گردانید تا بنگریم که وی سریر خود را خواهد شناخت یا نه یعنی تا آزموده شود که او زنی است حقیقت بین و نظرش به عالم حقایق و لایق پیشوائی است یا چون دیگر زنان به فریب صورت و شکل و رنگ مغرور و برای ریاست نالایق است (۴۲) هنگامی که بلقیس آمد از او پرسیدند که عرش تو چنین است؟ وی گفت گویا همیناست و ما از این پیش بدین امور دانا و تسلیم امر خدا بودیم (۴۳) و او را پرستش غیر خدا مانند آفتاب و سایر اجرام علوی از خداپرستی بازداشته و از فرقه کافران مشرک به شمار بود (۴۴) آنگاه او را گفتند که در ساحت این قصر داخل شو وی چون کوشک را مشاهده کرد از فرط صفا و تألؤ پنداشت که لجه آبیست و جامه از ساق پا برگرفت و گفت این قصریستاز آبگینه صاف از آن دستگاه با عظمت نبوت به حیرت آمد و گفت بارالها من سختدر گذشته بر نفس خویش ستم کردم و اینک با رسول تو سلیمان تسلیم فرمان یکتا پروردگار عالمیان گردیدم تا از تقصیرات گذشته ام به لطف خود درگذری (۴۵) و ما به قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم که امت را بگوید خدای یکتا را پرستید چون تبلیغ رسالت کرد قوم بر دو فرقه شدند یک فرقه مومن و دیگر کافر و با هم به مخاصمه و جدال پرداختند (۴۶) صالح گفت ای قوم چرا پیش از نکوکاری به بدکاری می شتابید، چرا از کردار زشت استغفار به درگاه خدا نمی کنید تا شاید مورد عفو و رحمت واقع شوید (۴۷) آن کافران چنین گفتند ما به وجود تو و پیروانت فال بد میزنیم که ظهور تو اسبابرنج و خصومت و عذاب و شومی حال ما شده است صالح گفت این فال بد شما نزد خدامحققا معلوم است که شما خود موجب این امتحان و ابتلا شده اید (۴۸) و در شهرستان قوم صالح نه نفر از روسای قبیله بودند که دایم در زمین به فتنه و فساد میپرداختند و هرگز قدمی به صلاح خلق برنمیداشتند و قوم صالح را بر مخالفت و ضدیت و بر ظلم و قتل صالح و امیداشتند (۴۹) آن روسای مفسد به قوم صالح گفتند که شما همقسم شوید که شیخون زنید و شبانه صالح را به قتل برسانید و آن گاه به وارث او همه شهادت خواهیم داد که ما به مکان ارتکاب قتل هم حاضر نبودیم و البته ما راست میگوئیم (۵۰) و آن کافران در قتل صالح مکر و حيله به کار بردند و شیخون زدند و ما آنها را از جایی که هیچ نفهمیدند به کیفر مکرشان رسانیدیم (۵۱) بنگر که پایان مکرشان چه شد؟ عاقبت ما آنان که در قتل صالح حيله و مکر کار بستند همه را با بستگانشان هلاک کردیم (۵۲) اینست خانه های بی صاحب ایشان که چون ظلم کردند همه ویران شد و در این کار هلاک ستمکاران برای دانایان آیت عبرت و مایه هوشیاری است (۵۳) و از آن قوم اهل ایمانی که پرهیزکار و خداترس بودند همه آنها را از عذاب نجات دادیم (۵۴) و پیغمبر ما لوط وقتی به قوم خود گفت آیا شما با آنکه بصیرت به زشتی عمل خوددارید باز مرتکب چنین کار منکری میشوید؟ (۵۵) آیا شما با مردان شهوترانی کرده و آنان را ترک میگوئید؟ آری شما بسیار مردم جهالت پیشه ای و گمراهی هستید (۵۶) قوم لوط به او جوابی ندادند جز آنکه با یکدیگر گفتند که لوط را با همه

اهلیتیش که از این کار تنزه و دوری میجویند از شهر خود بیرون کنید (۵۷) ما هم لوط را با همه اهل بیتش جز آن کافر او که مقدر بود میان اهل عذاب باقی ماند همه را نجات دادیم (۵۸) و بر سر آنها که بایستی به کیفر برسند سنگ باران هلاک بارانندیم که بسیاری باران هلاکتی است بر آن قوم بدکار (۵۹) ای رسول بگو ستایش مخصوص خداست و سلام خاص بر بندگان برگزیده خدا آیا خدای قادر آفریننده جهان بهتر و پرستش را سزاوارتر است یا آنانکه شریک خدا می شمارید که همه عاجز و ناتوان و دستخوش مرگ و فنا هستند (۶۰) آیا آن کیست جز خدای یکتا که آسمانها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما باران میفرستد تا به آن درختان و باغ و بستانهای شما را در کمال سبزی و خرمی میرویانیم که هرگز شما از پیش خود قادر بر رویانیدن آن درختان نیستید آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست؟ هرگز خدائی نیست لیکن این مشرکان از نادانی به بتها توجه کرده و از عناد روی از خدا می گردانند (۶۱) آیا آن کیست جز خدای یکتا که زمین را آرامگاه شما قرار داد و در آن نهرهای آب برای شرب خودتان و حیوانات و زراعات و اشجار شما جاری کرد و کوه ها برای راهنمایی و منافع بسیار دیگر برافراشت و میان دو دریا به قطعه ای از زمین حایل گردانید یا دو دریای شور و شیرین را بی فاصله منع از اختلاط آب آنها کرد آیا با وجود خدای قادر یکتا خدائی هست؟ هرگز نیست لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند (۶۲) آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می رساند و رنج و غم آنان را برطرف میسازد و شما مسلمین را جانشینان اهل زمین قرار می دهد آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست؟ هرگز نیست لیکن اندکی مردم متذکر این حقیقتند (۶۳) آیا آن کیست که در تاریکیهای بر و بحر عالم به نور خورشید و ماه و ستارگان و در ظلمات جهل و حیرت به نور رسل و امامان و عالمان شما را هدایت میکند و کیست که به بادها بر شما تشنگان عالم مژده باران رحمت میفرستد آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست؟ هرگز نیست او بسی برتر و بالاتر است از آنچه مشرکان جاهل شریک وی می شمارند (۶۴) آیا آن کیست که نخست آفرینش را آغاز میکند آنگاه همه را به سوی خود باز میگرداند و آن کیست که از قوای آسمان و زمین به شما روزی می دهد آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست؟ هرگز نیست مشرکان را بگو اگر راست میگوئید غیر خدا هم کسی در آفرینش موثر است بر دعوی خود برهانی بیاورید (۶۵) ای رسول ما، بگو که در همه آسمانها و زمین جز خدا کسی از علم غیب آگاه نیست و خلق هیچ نمیدانند که چه هنگام زنده و برانگیخته خواهند شد (۶۶) بلکه این مدعیان نادان امروز به روز قیامت دانا شوند و تدارک کار کنند هیئات اینان از قیامت هم در شک و ریبند بلکه بکلی از عالم آخرت بی خبر و از مشاهده آن جهان کورند (۶۷) و کافران با یکدیگر چنین گفتند آیا هرگاه ما چون مردیم و یکسر خاک شدیم باز در قیامت زنده شویم و سر از خاک بیرون می آوریم (۶۸) این خبر به ما و پیش از ما به پدران ما وعده ها داده شد لیکن این سخنان چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (۶۹) ای رسول ما به این کافران بگو در روی زمین سیر کنید تا بنگرید عاقبت کار بدکاران به کجا کشید و چگونه همه هلاک شدند (۷۰) ای رسول تو بر کفر و بدبختی این کافران اندوهناک شو و از مکر آنان نیز دل‌تنگ مباش که ما قادر به انتقام آنهایم (۷۱) و کافران می گویند پس این وعده قیامت که شما پیغمبران می دهید اگر راست میگوئید کی خواهد بود (۷۲) بگو ای پیغمبر بعضی از آن وعده که به وقوعش تعجیل دارید بدین زودی شاید در پی شما آید که به مرگ الهی یا شمشیر مسلمین همه هلاک شوید و به دوزخ روید (۷۳) و همانا خدای تو درباره خلق دارای فضل و رحمت بسیار است و لیکن اکثر مردم شکر نعمش بجا نیاورند (۷۴) و همانا خدای تو بر آنچه خلق در دلها پنهان کنند یا آشکار سازند به همه آگاهست (۷۵) هیچ امری در آسمان و زمین پنهان نیست جز آنکه در کتاب علم الهی آشکار است (۷۶) همانا این قرآن اکثر احکامی که بنی اسرائیل در آن اختلاف می کنند کاملاً بیان خواهد کرد و حکم واقعی تورات را آشکار می سازد (۷۷) و هم این کتاب خدا برای اهل ایمان هدایت و رحمت کامل است (۷۸) ای رسول ما خدای تو در قیامت میان اختلافات این مردم حکم خواهد کرد که او خدای مقتدر و داناست (۷۹) پس تو بر خدای دانای توانا توکل کن که تو البته رسول بر حقی و حقانیت بر همه آشکار است (۸۰) همانا تو با آنکه پیغمبر به حق و هادی مطلقى باز نتوانی که مردگان و مرده دلان کفر را سخنی بشنوانی و یا کران باطن را که به گمراهی از

گفتارت روی میگردانند به حقیقت شنوا کنی (۸۱) و تو هرگز نتوانی که این کوران باطن را از گمراهی هدایت کنی تنها آنانکه به آیات ما ایمان میاورند تو آنها را میتوانی سخن بشنوانی و به راه حق هدایت کنی و ایشانند که تسلیم امر خدا هستند (۸۲) و هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد و یا زمان انتقام به ظهور قائم فرا رسد جنبنده ای از زمین برانگیزیم که با آنان تکلم کند که مردم به آیات مابعد از این از روی یقین نمی گروند در اخبار امامیه جنبنده ای که در این آیه مذکور است داض الارض به رجعت حضرت امیر (ع) در ظهور حضرت قائم یا خودولی عصر عجل الله تعالی فرجه تفسیر شده اما در اخبار اهل سنت به حیوان عجیبی تفسیر شده که بین دو شاخش یک فرسخست و سرش به گاو و گردنش به شتر مرغ و سینه اش به شیر نر و چشم چنان و گوش چنان و یا به مرغی که پر و بالش چنین و چنانست حکایت گردیده و قول اول صحیح است (۸۳) و ای رسول امت را به یاد آر روزی را که خلق به عرصه قیامت یا رجعت به دنیادر ظهور امام عصر از هر قومی یک دسته را که تکذیب آیات ما میکنند برمی انگیزیم و آنها برای سوال بازداشته خواهند شد (۸۴) تا آنگاه که همه باز آمدند خدا به آنها بفرماید که آیات مرا که به آن احاطه علمی نیافتید از جهل و خودسری تکذیب کردید آیا در مقام عمل با آن آیات چه کردید؟ از کفر و عصیان همه را برخلاف امر کردید؟ اینک به کیفر خود میرسید (۸۵) و فرمان عذاب شدید به کیفر کفر و ظلم بر آنها برسد و هیچ سخن دیگر نتوانند گفت (۸۶) آیا کافران ندیدند که ما به قدرت کامله خود شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم و روز را روشن برای کسب و کار همانا در این وضع شب و روز آیات و نشانه های قدرت الهی برای اهل ایمان پدیدار است (۸۷) و باز به امت یادآور شو روزی را که صور اسرافیل دمیده شود آن روز هر که در آسمانها و هر که در زمین است جز آن را که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند و همه منقاد و ذلیل به محشر در آیند (۸۸) و در آن هنگام کوه ها را بنگری و جامد و ساکن تصور کنی در صورتی که مانند ابر تندسیر در حرکتند صنع خداست که هر چیزی را در کمال تقان و استحکام ساخته که علم کامل او به افعال همه شما خلایق محیط است (۸۹) کسانی که در قیامت نیکو کار آیند پاداش بهتر از آن یابند و هم از هول و هراس قیامت ایمن باشند (۹۰) و کسانی که بدکار و زشت کردار آیند در آن روز به رو در آتش جهنم افتند آیا این عذاب آتش دوزخ جز آنکه جزاء اعمال آنهاست که به عذاب دوزخ تجسم یافته است؟ (۹۱) ای رسول بگو من مامورم که منحصرأ خدای این بلد مکه معظمه را که بیت الحرامش قرار داده پرستش کنم که آن خدا مالک هر چیز عالم است و باز مامورم که از تسلیم شدگان فرمان او باشم (۹۲) و نیز مامورم که قرآن را به حکم وظیفه رسالت بر امت تلاوت کنم پس هر کس هدایت یافت و به راه سعادت و اطاعت خدا شتافت به نفع خود هدایت یافته و هر کس گمراه شد و از راه خدا روی تافت آنها هم به زیان خود اقدام کرده است و بگو که من جز آنکه از پیمبرانی هستم که برای ارشاد و هدایت و ترسانیدن خلق آمده ام وظیفه دیگر ندارم (۹۳) و بگو ستایش مخصوص خداست که به زودی آیات قدرتش را به شما ارائه خواهد داد تا آن را بشناسید و خدا هرگز غافل از کردار شما نیست بلکه شما و اعمالتان و همه امور عالم همیشه در نظر او هستید پس از او بترسید و از اطاعتش رخ نتابید (۹۴)

الفصل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طسم شاید اشاره به اسماء الله یا نام سوره است و قسم به آن یاد شده (۲) اینست آیات کتاب خدا که روشن کننده راه حق از باطل و هدایت از گمراهی است (۳) ای رسول ما از حکایت موسی و فرعون به حق بر تو بیان میکنیم تا تو رنج آن رسول را از فرعونیان دانسته و بر تحملت از آزار امت بیفزاید و اهل ایمان از دانستن آن منتفع شوند (۴) همانا فرعون در زمین مصر تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند و طایفه بنی اسرائیل را سخت ضعیف و ذلیل کرد پسرانشان را میکشت که مبادا به ظهور موسی قدرت یابند و زنانشان را زنده میگذاشت که به خدمت پردازند و همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بداندیش بود (۵) و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان

خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم یا مراد مومنینند که پس از مظلومیت و عجز و فقر باز به ظهور امام عصر (ع) در روی زمین تاقیامت دولت و قدرت و سلطنت یابند(۶) و در زمین به آنها قدرت و تمکین بخشیم و به چشم فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را کز آن اندیشناک و ترسان بودند بنمائیم یعنی قدرت بنی اسرائیل را به ظهور موسی به عالم نشان دهیم و با آن ضعف و ذلت آنان را مقتدر و مسلط بر ملک فرعونیان کنیم تا خلق متذکر قدرت حق شوند(۷) و به مادر موسی وحی کردیم که طفلت را شیرده و چون از آسیب فرعونیان بر او ترسان شوی به دریا افکن و دیگر بر او هرگز مترس و محزون مباش که ما او را به تو باز آوریم و هم از پیغمبران مرسلش گردانیم(۸) چون جاسوسان فرعون به قصد قتل موسی آمدند و مادر موسی ترسان شد به امر خدا به صندوقش نهاد و به دریا افکند اهل بیت فرعون آسیه موسی را از دریا برگرفت تا در نتیجه دشمن و مایه اندوه آل فرعون شود و به مشیت خدا فرعون دشمن بزرگ خود موسی را به دامان پیرورد که همانا فرعون و هامان و لشکریانشان بسیار نادان و خطاکار بودند که به زیان خود دشمن خویش را با محبت کامل پیروردند(۹) چون فرعون به سعایت مردمان به آن طفل بدگمان شده و قصد قتلش کرد آن فرعون به شفاعت برخاست و گفت این کودک را مکشید که مایه نشاط دل و نور دیده من و تستباهش در خدمت ما سودمند افتد و یا او را به فرزندی خود بگیریم و آنها از حقیقت حال موسی و تقدیر ازلی حق بی خبر بودند(۱۰) صبحگاه مادر موسی دلش از هر چیز جز یاد طفلش فارغ بود و به حدی غم و اندوه قلبش را فرا گرفت که اگر نه ما دلش را بر جای نگاه داشتیم تا ایمانش برقرار ماند نزدیک بود راز درونش را آشکار سازد و بی اختیار به نام طفلش موسی فریاد برآورد(۱۱) و آنگاه مادر موسی به خواهر او گفت که از پی طفلم رو و از حالش جويا شو باشد که او را بیایم خواهر رفت و موسی را از دور دید و شناخت ولی آل فرعون وی را نشناختند(۱۲) و ما شیر هر دایه ای را بر او حرام کردیم و آل فرعون با محبت قلبی که به او داشتند در پی دایه ای که پستانش را طفل بگیرد برآمدند در این حال خاله موسی گفت آیا مایلید که من شما را بر خانواده ای که دایه و پرستار این طفل شوند و در کمال محبت و مهربانی تربیت کنند رهنمائی کنم؟(۱۳) و بدین وسیله ما موسی را به مادرش برگردانیدیم تا دیده اش به جمال موسی روشن شود و حزن و اندوهش بکلی برطرف گردد و نیز بطور یقین بداند که وعده خدا حق است لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند(۱۴) آنگاه که موسی به سن عقل و رشد رسید و حد کمال یافت ما به او مقام علم و حکمنبوت عطا کردیم و چنین پاداش به مردم نیکوکار میدهیم(۱۵) و موسی روزی بیخبر اهل مصر به شهر درآمد آنجا دید که دو مرد با هم به قتال مشغولند این یک از شیعیان وی یعنی از بنی اسرائیل بود و آن یک از دشمنان یعنی از فرعونیان بود در آن حال آن شخص شیعه از موسی دادخواهی و یاری بر علیه آن دشمن خواست موسی خشمناک به یاری مومن شتافت و مشتت سخت بر آن دشمن زد مگر دفع ظلم او از مومنی کند قضا را بدان ضربت مرگش فرا رسید موسی گفت این کاراز فریب وسوسه شیطان بود تا این کافر ظالم را با مومنی به قتال برانگیخت و عاقبت به هلاکت رسید که دشمنی شدید شیطان و گمراه ساختن آدمیان سخنی آشکار است(۱۶) آنگاه موسی از عاقبت کار و شر فرعونیان به خدا پناه برد گفت ای خدا من بر خویشستم کردم که به این عمل خود را به فتنه فرعونیان انداختم تو الهی از من در گذر خدا هم دعای او را مستجاب کرد و از او در گذشت که او بسیار آمرزنده و مهربانست(۱۷) موسی باز گفت ای خدا به شکرانه این نعمت نیرو که مرا عطا کردی منم بد کاران را هرگز یاری نخواهم کرد(۱۸) موسی پس از کشته شدن قبطی و نجات سبطی از توقف به شهر مصر بیمناک شد و مراقب دشمن بود ناگاه آن کس که روز گذشته از او یاری جسته بود باز او را به دادخواهی خواند موسی به او گفت پیدا است تو سخت گمراهی(۱۹) و چون رفت به یاری آن سبطی مومن و خواست دست به قبطی دشمن دراز کند قبطی فریاد کرد ای موسی مرا هم میخواهی مانند شخص دیروز به قتل رسانی؟ معلومست که تو در این سرزمین قصدی جز گردنکشی و جباری نداری و هیچ نخواهی مشفق و مصلح باشی(۲۰) و در این حال مردی مومن از دورترین نقاط شهر مصر آمد و گفت ای موسی رجال دربار فرعون در کار تو شوری می کنند که تو را به قتل رسانند به زودی از شهر بیرون گریز و بدان که من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم(۲۱) موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن به جانب شهر مدین

بیرون رفت گفت بار الها مرا از شر این قوم ستمکار نجات ده (۲۲) و چون از مصر بیرون شد سر به بیابان رو به جانب شهر مدین آورد یک تن تنها، نه از راه خیر و نه کسی رهبر داشت، در آن حال غربت تنها نظرش به حق و همه امیدش به خدا بود و با خود گفت امید است که خدا مرا به راه مستقیم هدایت فرماید (۲۳) و چون بر سر چاه آبی حوالی شهر مدین رسید آنجا جماعتی را دید که حشم و گوسفندانشان را سیراب میکردند و دوزن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع آوری و منع اختلاط گوسفندانشان مشغول بودند موسی به جانب آن دوزن رفته و گفت شما اینجا چه میکنید و کار مهمتان چیست؟ آن دوزن پاسخ دادند که چون ما اختلاطاً مردان نتوانیم اینجا منتظریم تا مردان گوسفندانشان را سیراب کرده بازگردند آنگاه گوسفندان خود را سیراب کنیم و پدر ما شیخی سالخورده و فوت است و مرد دیگری نداریم ناچار ما را به شبانی گوسفندان فرستاده (۲۴) موسی به حال آن دختران رفت فرمود گوسفندانشان را سیراب کرد و با حالی خسته رو به سایه درختی آورد تا از خستگی راه و رنج کشیدن آب و حرارت آفتاب دمی بیساید و چون توشه و قوتی نداشت با حال گرسنه دست به دعا به درگاه خدا برداشت و گفت بار الها من به خیری یعنی زندگانی و قوت غذایی که تو از خان کرمت نازل فرمائی محتاجم (۲۵) موسی هنوز لب از دعا نبسته بود دید که یکی از آن دو دختر با کمال وقار و حیا باز آمد و گفت پدرم از تو دعوت میکند تا بمنزل ما آئی و در عوض سقایت و سیراب کردن گوسفندان ما به تو پاداشی دهد چون موسی نزد او یعنی شعیب پدر آن دختر رسید و شعیب از حال او پرسید و سرگذشت خود را بر او حکایت کرد شعیب گفت اینک هیچ مترس که از شر قوم ستمکار نجات ابدی یافتی (۲۶) یکی از آن دو دختر صفورا گفت ای پدر این مرد را که به شجاعت و امانت آراسته است به خدمت خود اجیر کن که بهتر کسی که باید به خدمت و رفاقت و شرکت و غیره برگزید کسی است که امین و توانا باشد (۲۷) شعیب تقاضای دختر را پذیرفت و به موسی گفت من اراده آن دارم که یکی از این دو دختر را به نکاح تو در آورم بر این مهر که هشت سال خدمت من کنی و اگر ده سال تمام کنی آن دو سال به میل و اختیار تو و من در این نکاح رنج بر تو نخواهم نهاد انشاء الله مرا شخص شایسته این خدمت خواهی یافت (۲۸) موسی عهد را پذیرفت و خرسند شد و گفت هر کدام از دو مدت را در خدمت به انجام رسانم بر من ستمی نشده و خدا بر این قول و عهد ما وکیل است (۲۹) آنگاه که موسی عهد خدمت بپایان رسانیده و با اهل بیت خود از حضور شعیب رو به دیار خویش کرد در راه شب تار و بیابان دور و هوای سرد و حال سخت وضع حمل اهل بیتش را فرا رسید و موسی از هر جهت نگران بود که ناگاه آتشی از جانب طور دید به اهل بیت خود گفت شما در اینجا مکث کنید که از دور آتشی به نظرم رسید میروم تا شاید از آن خبری بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله ای برگیرم (۳۰) چون موسی به آن آتش نزدیک شد به او از جانب وادی ایمن در آن بارگاه مبارک از آن درخت مقدس ندائی رسید که ای موسی هوش دار که منم خدای یکتا پروردگار جهانیان (۳۱) و تو در این مقام عصای خود و خودیت بیفکن چون عصا افکند و بر آن نگرست دید اژدهائی مهیب و سبک خیز گردید موسی چنان ترسید که رو به فرار نهاد و واپس نگردید در آن حال بدو خطاب شد ای موسی پیش آی و مترس که تو از آسیب این اژدها به لطف خدا آسوده و ایمن خواهی بود (۳۲) و دست خود را در گریبان بر و بیرون آور تا بی هیچ نقص برص و مرضی سفید و روشن چون ماه تابان گردد و تا به ظهور این معجزه از وحشت و اضطراب بیسائی باز دست به گریبان بر تا به حال اول بر گردد این عصا و ید بیضا از جانب خدا بر رسالتت دو برهان کامل و دو معجز بزرگ الهی است اینک برو به رسالت به سوی فرعون و فرعونیان که قومی فاسق و نابکارند (۳۳) موسی گفت ای خدای، من از فرعونیان یک نفر را کشته ام و می ترسم که به خونخواهی و کینه دیرینه مرا به قتل رسانند (۳۴) و با این حال اگر از رسالت ناگزیرم برادرم هارون را نیز که ناطقه اش فصیح تراز من است با من یار و شریک در کار رسالت فرما تا مرا تصدیق و ترویج کند که می ترسم این فرعونیان سخت تکذیب رسالت کنند (۳۵) خدا به او فرمود که ما تقاضای تو را پذیرفته و به همدستی برادرت هارون بسیار بازویت را قوی میگردانیم و به شما در عالم قدرت و حکومت میدهیم که هرگز دشمن به شما دست نیابد اینک با این آیات و معجزاتی که شما را عطا کردیم به رسالت به سوی فرعونیان بروید که شما و پیروانتان بر دشمنان غالب خواهید

بود (۳۶) چون موسی با معجزات و آیات ما که حقانیتش بر همه روشن بود به رسالت به سوی فرعونیان آمد باز آن قوم خودسر و لجوج نادان گفتند این معجزات تو جز سحری که ساختگی تست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشنمان امم سابقه نشنیده ایم (۳۷) موسی گفت خدای من به احوال رسولی که از جانب خود به هدایت خلق فرستاده داناتر است و میدانند که کار من معجز حق است نه سحر باطل و میدانند که از ما مومنان و شما کافران کدام یک عاقبت خوش در دار عقبی خواهیم داشت محققا بدانید که ستمکاران عالم هرگز فلاح و رستگاری نخواهند یافت (۳۸) و فرعون باز به دعوی باطل خویش ادامه داد و با بزرگان قوم خود چنین گفت که من هیچکس را غیر خودم خدای شما نمیدانم و با وزیرش گفت ای هامان خشتی در آتشپخته و از آن بر من قصری بلند پایه بنا کن تا من بر خدای موسی اگر راست میگوید مطلع شوم هر چند او را در دعوی رسالت دروغگو می پندارم (۳۹) خلاصه فرعون و فرعونیان بناحق در زمین از فرمان حق سرکشی و تکبر کردند و چنین پنداشتند که معاد و قیامت نیست و به سوی ما باز نخواهند گشت (۴۰) ما هم از اعمال آن ظالم و لشکر و اتباعش سخت مواخذه کردیم و همه را به دریا غرق ساختیم ای رسول ما بنگر تا عاقبت کار ستمکاران به کجا کشید؟ (۴۱) و ما آن قوم ظالم را پیشوایان ضلالت و دعوت به دوزخ قرار دادیم و روز قیامت هیچکس آنها را بر نجات از عذاب دوزخ یاری نخواهد کرد (۴۲) و در نتیجه اعمالشان هم آنها را در این دنیا در پی کردار آنها لعن ابد فرستادیم و هم در آخرت آنان را از زشتکاران و مردودان درگاه خود ساختیم (۴۳) و همانا ما پس از آن که طوایفی از امم گذشته را به کیفر کفر هلاک کردیم به موسی برای بصیرت و رحمت و هدایت خلق کتاب تورات را عطا کردیم باشد که مردم متذکر شوند و راه خداپرستی پیش گیرند (۴۴) و ای رسول ما تو آن هنگام که ما به موسی مقام نبوت و فرمان الهی عطا کردیم به جانب غربی کوه طور اصلا نبودی و حضور نداشتی و حکایت او به وحی بر تو روشن گردید (۴۵) و لیکن ما امم و قبایلی را بیافریدیم که عمر دراز یافتند و همه را به غفلت و جهالت بسر بردند و هلاک شدند و تو میان اهل مدین که به جهل و گمراهی میزیستند نبودی تا آیات ما را بر آنان تلاوت کنی و به دانش و دینشان راه بنمائی و لیکن ما هر کس را مانند تو لایق پیمبری دانیم به رسالت میفرستیم و به وحی خود از هر چیزش آگاه میکنیم (۴۶) و تو وقتی که ما به موسی ندا کردیم به جانب کوه طور نبودی و لیکن وحی ما قصص موسی و سایر رسل را به مقتضیات لطف خداست به تو برای اینست که قومی را که بر آنان پیمبر منذری پیش از تو نیامده و کتاب آسمانی به دست ندارند از خدا بترسانی تا باشد که خدا را متذکر شوند و راه هدایت پیش گیرند (۴۷) و تا اگر بلا و عذابی به موجب کردار زشت خودشان به آنها رسید نگویند پروردگارا چرا برای هدایت ما رسولی نفرستادی تا آیات تو را پیروی کنیم و از اهل ایمان شویم (۴۸) پس هنگامی که رسول حق از جانب ما به آنها فرستاده شد باز بنای لجاج نهادند و گفتند چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات داده نشد آیا این مردم از این پیش به موسی هم با همه این معجزات کافر نشدند و گفتند اینها سحر و جادوگری است که موسی و هارون ظاهر میکنند؟ و گفتند ما به همه اینها سخت بی ایمان و بی عقیده ایم (۴۹) ای رسول ما به این مردم بی ایمان دیار مکه بگو پس شما اگر راست میگوئید کتابی که از این دو کتاب آسمانی تورات و قرآن خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم (۵۰) پس هر گاه به تقاضای تو جواب نتوانند داد در اینصورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست ستمگر و گمراه تر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفسند و کیست خدا قوم ستمکار معاند را پس از اتمام حجت هرگز هدایت نخواهد کرد (۵۱) و ما برای هدایت این مردم آیات قرآن را سخن پیوسته یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق آوردیم تا مگر متذکر حقایق آن شوند (۵۲) آنان که ما به آنها پیش از این کتاب آسمانی تورات و انجیل را فرستادیم یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها به این کتاب آسمانی قرآن البته آنان ایمانمی آورند (۵۳) و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده و ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم (۵۴) اینان را دو بار پاداش نیکو دهند زیرا صبر و ثبات در دین خود و اسلام هر دو ورزیدند و بدی را به نیکی دفع میکنند و از آنچه روزی آنها

کردیم از علم و قدرت و ثروت به مستحقان انفاق میکنند(۵۵) و چون سخن لغوی از دشمنان دین بشنوند از آن اعراض کرده و گویند اعمال ما از ما و اعمال شما از شما بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم هرزه گوی نادان را نمی طلبیم(۵۶) ای رسول ما، با آنکه تو هادی خلقی چنین نیست که هر کس را بخواهی هدایت توانی کرد لیکن خدا هر که را خواهد هدایت میکند و او به حال آنان که قابل هدایتند آگاه تر است(۵۷) و برخی از اهل مکه گفتند اگر ما با تو اسلام را که طریق هدایت است پیروی کنیم ما را از سرزمین خود به زودی برزنند و بدست ملت عرب که متفق بر علیه اسلامند از وطن آوراه شویم. پاسخ آنها بگو آیا ما حرم مکه را برایشان محل آسایش و ایمنی قرار ندادیم تا به این مکان بی زرع و گیاه انواع نعمت و ثمرات که ما روزیشان کردیم از هر طرف بیاورند؟ و احدی از عرب هم نتواند متعرض اهل حرم شوند پسبدان که این عذرها دروغست لیکن حقیقت اینست که اکثر مردم نادانند(۵۸) و چه بسیار شده که ما اهل دیاری را که به هوس رانی و خوش گذرانی پرداختند هلاک کردیم این خانه های ویران آنها است که بعد از آنها جز عده قلیلی در آن دیار سکونت نیافت و تنها ما وارث دیار آنها بودیم(۵۹) و پروردگار تو اهل هیچ شهر و دیاری را تا در مرکز آن رسولی نفرستد که آیات ما را بر آنها تلاوت کند هرگز هلاک نکند و باز هم بدانید که ما هیچ دیاری را هلاک نکینم مگر آنکه اهلش ظالم و بیدادگر باشند(۶۰) و آنچه از نعمتهای این عالم به شما داده شده متاع و زیور بی قدر زندگانی دنیاست و اما آنچه نزد خداست بسیار برای شما بهتر و باقی تر است اگر فهم و عقل کاربندید(۶۱) آیا آن کس که ما به او وعده نیکوی بهشت ابدی داده ایم و به آن وعده البته خواهد رسید مانند کسی است که او را از متاع دنیای فانی بهره مند ساختیم سپس در قیامت او را برای حساب و مجازات حاضر آرند؟(۶۲) و یاد آور روزی را که خدا آن مشرکان را ندا کند و به توبیح و ملامت به آنها خطاب کند که کجا شدند آن خدایانی که به خیال باطل خود شریکان من پنداشتید؟(۶۳) در آن حال آنان که وعده عذابشان محقق و حتمی شده یعنی پیشوایان کفر گویند پروردگارا ما که این مردم را گمراه کردیم سببش گمراهی ما بود که خلق را هم مانند خود گمراه می خواستیم و امروز از کردار بد خویش و از پیروان خود به سوی تو بیزاری میجوئیم که آنها از روی عقیده ما را نمی پرستیدند بلکه به هوای نفس خود در پی ما آمدند(۶۴) و در آن روز به مردم بت پرست و پیروان و روسای گمراه گویند اینک آنان را که شریک خدا گرفتید بخوانید تا شما را از عذاب برهانند، آنها بخوانند ولی جواب به ایشان ندهند و چون عذاب را به چشم ببینند آرزو کنند که ای کاش مانند مومنان هدایت یافته بودند(۶۵) و روزی که خدا خلق را ندا کند که شما چگونه به رسولان حق پاسخ دادید؟ از آنها اطاعت کردید یا مخالفت؟(۶۶) پس راه هر گونه عذر و سخن آن روز بر آنها پوشیده و مسدود شده و هیچ از هول عذاب سوال و جواب نکنند(۶۷) اما آن کس که در دنیا به درگاه خدا توبه کرده و عمل صالح به جای آورد او امید دارد که از رستگاران باشد(۶۸) و خدای تو قادر مطلق است که هر چه خواهد بیافریند و هر کس را صلاح داند برگزیند و دیگران را در نظم عالم هیچ اختیاری نیست و ذات پاک الهی منزّه و برتر از آنست که به او شرک آورند(۶۹) و خدای تو به آنچه خلق در دل پنهان کنند یا آشکار سازند به همه آگاهست(۷۰) و اوست خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست هم ستایش در اول و آخر عالم مخصوص او هم حکم و سلطنت جهان با او و هم رجوع اهل عالم به سوی اوست(۷۱) ای رسول ما، به این مردم مشرک بگو چه تصور میکنید اگر خدا ظلمت شب را بر شما تا قیامت پاینده و ابدی گرداند جز خدا کیست خدائی که بتواند برای شما روشنی روز پدید آرد؟ آیا سخن نمی شنوید؟(۷۲) باز بگو چه تصور میکنید اگر خدا برای شما روز را تا قیامت پاینده و ابدی قرار دهد جز خدا کیست خدائی که برای آرامش و استراحت شما شب را پدید گرداند؟ آیا چشم بصیرت به حکمت گردش روز و شب نمیکشاید(۷۳) یکی از هزاران لطف و رحمتهای خدا آنست که شب و روز را برای شما قرار داده تا در شب آرام گیرید و در روز از فضل خدا طلب روزی کنید باشد که شکر گزار نعمتهای خدا شوید(۷۴) و روزی در آخرت خدا مشرکان را ندا کرده و با نکوهش و عتاب به آنها خطاب کند که آن بتان و معبودان باطل که شریک من می پنداشتید کجا رفتند؟(۷۵) و آن روز ما از هر امتی شاهدی برگرفته و گوئیم اینک برهانی بر آن دعویهای باطل که در دنیا داشتید اقامه کنید آنگاه آنها رسوا شده و بدانند که

حق و حقیقت با خدا و رسولان او است و آنچه به دروغ فرا یافتند همه نابود گردد (۷۶) همانا قارون یکی از ثروتمندان قوم موسی بود که بر آنها طریق ظلم و طغیان پیشگرفت و ما آن قدر گنج و مال به او دادیم که بر دوش بردن کلید آن گنجها صاحبان قوت را خسته کردی هنگامی قومش به او گفتند آنقدر مغرور و شادمان به ثروت خود مباش که خدا هرگز مردم پرغرور و نشاط را دوست نمیدارد (۷۷) این پند الهی بشنو و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده از قوای ظاهره و باطنه و مال و سایر نعمتهای دنیا بکوش تا ثواب و سعادت دار آخرت تحصیل کنی و لیکن بهره ات را هم از لذات و نعم حلال دنیا فراموش مکن و تا توانی به خلق نیکی کن چنان که خدا به تو نیکوئی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد برمی‌نگیز که خدا مفسدان را ابدا دوست نمیدارد (۷۸) قارون گفت من این مال و ثروت فراوان را به علم و تدبیر خود به دست آوردم ولیک اشتباه گفت آیا ندانستی که خدا پیش از او چه بسیار امم و طوایفی را که از او قوت و ثروت و جمعیتشان بیشتر بود هلاک کرد و هیچ از گناه بد کاران سوال نخواهد شد بلکه یکسر به دوزخ روند (۷۹) آنگاه قارون روزی با زیور و تجمل بسیار بر قومش در آمد مردم دنیا طلب که او را دیدند گفتند ای کاش همانقدر که به قارون از مال دنیا دادند به ما هم عطا میشد که بهره بزرگ و حظ وافری را دارا است (۸۰) اما صاحبان مقام علم و معرفت به آن دنیاپرستان گفتند وای بر شما و همت پست شما ثواب خدا برای آن کس که به خدا ایمان آورده و نیکوکار گردیده بسی بهتر و بالاتر از این دارائی دو روزه قارون است ولی هیچکس جز آنان که صبر پیشه کنند بدان ثواب و مقام نخواهند رسید (۸۱) پس از اندک زمانی ما هم او را با خانه و گنج و دارائی اش به زمین فرو بردیم و هیچ حزب و جمعیتی جز خدا نتوانست او را یاری کند و از جانب حق هم هیچ نصرت نیافت (۸۲) صبحگاه هم آنان که روز گذشته ثروت و مقام او را آرزو میکردند با خود میگفتند ای وای بر ما و آرزوهای ما گوئی خداست که هر که را خواهد روزی فراوان دهد و هر که را خواهد تنگ روزی کند و اگر نه این بود که خدا بر ما منت گذاشت و غرور و ثروت قارون نداد ما را هم مثل او زمین فرو بردی ای وای که گویا کافران را هرگز فلاح و رستگاری نیست (۸۳) ما این دار بهشت ابدی آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکارانست (۸۴) هر که در عالم دنیا و آخرت عمل نیک آرد پادشاه بهتر از آن یابد و هر کس که عملبد کند جز به همان اعمال بد مجازات نشود (۸۵) ای رسول ما یقین دان که آن خدائی که احکام قرآن را بر تو فرض گردانید و ابلاغ آن را وظیفه تو قرار داد البته تو را به جایگاه خود مکه یا بهشت ابد بازگرداند تو با مردم بگو که خدای من به حال آن که محقق در هدایت و آنکه آشکار در ضلالتست از هر کس داناتر است (۸۶) ای رسول تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ قرآن بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید پس به شکرانه این رحمت هیچگاه به کافران نصرت و یاری مکن و همیشه یار اهل ایمان باش (۸۷) و زنهار کافران تو را از تبلیغ آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند همیشه خلق را به سوی خدای یگانه دعوت کن و یک لحظه از مشرکان و هم عقیدت و خوی آنان مباش (۸۸) و هرگز با خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست دیگری را به خدائی مخوان و بدان که هر چیزی جز ذات پاک الهی هالک الذات و نابود است فرمان و سلطنت عالم آفرینش با او و رجوع همه خلایق به سوی اوست (۸۹)

العنکبوت

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم این حرف اشاره به اسماء الهی یا اسراری بین خدا و رسول اوست (۲) آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان به خدا آورده ایم رهاشان کنند و بر این دعوی هیچ امتحانشان نکنند؟ هرگز چنین نیست (۳) و ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم تا خدا دروغگویان را از راستگویان کاملاً معلوم کند و مقام منافق و مومن پاک را از هم جدا سازد (۴) آیا آنان که کار زشت و اعمال ناشایسته مرتکب میشوند پنداشتند که بر ما سبقت گیرند و از عقاب ما خلاصی یابند بسیار بد و جاهلانه حکم میکنند (۵) هر کس که به لقاء ما و مشاهده جمال ما و وصول به رحمت و جنت ما

امیدوار و مشتاقاست بداند که هنگام اجل و وعده معین خدا البته فرا رسد و پیک مرگ شما را به ملاقات خدا دعوت کند و خدا به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست (۶) و هر که در راه ایمان جهد و کوشش کرد به سود خود کند که خدا از طاعت و عبادت عالمیان البته بی نیاز است (۷) و آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند ما هم گناهانشان را محو و مستور کنیم و بهتر از آن اعمال نیکشان به آنها پاداش دهیم (۸) و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند و اگر آنها خود مشرک باشند و کوشند تا تو به من که خدای یگانه ام از روی جهل و نادانی شرک آوری در اینجا هرگز اطاعت امر آنها مکن که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل نیک یا بد که بجای آوردید آگاه میگردانم (۹) و آنان که به خدا ایمان آورده و کار نیکو کردند آنان را البته به بهشت در صف صالحان و رتبه نیکان آریم و در جنت رضوان نعمت جاودان بخشیم (۱۰) و بعضی مردم از راه نفاق می گویند ما به خدا ایمان آوردیم و چون رنج و آزاری از دشمنان دین در راه خدا ببینند فتنه و عذاب خلق را با عذاب خدا برابر شمرند یعنی همانقدر که ترس عذاب خدا آنها را از کفر به ایمان میخواند ترس عذاب مردم هم از ایمان به کفر میکشد و هرگاه ظفر و نصرتی از جانب خدا به مومنان رسد آن منافقان گویند ما هم با شما و هم آئین شما بودیم. آیا خدا از هر کس بر دلهای خلایق و نفاق درونی منافقان داناتر نیست؟ (۱۱) و البته خدا هم به احوال اهل ایمان داناست و هم از درون منافقان آگاهست و در کار او ریا و نفاق و شبهه نتوان کرد (۱۲) و کافران به اهل ایمان گفتند شما طریقه ما را پیروی کنید اگر به خطا رفتید بار خطاهای شما را ما به دوش میگیریم و از عهده عقاب آن شما را بیرون می آوریم در صورتی که آنها دروغ میگویند و هرگز بار گناهشان را به دوش نگیرند و از عهده عقابشان برنایند (۱۳) و آنها علاوه بر بار سنگین گناهان خود بار گناهان هر که را گمراه کرده اند نیز به دوش میگیرند و از آنچه دروغ بسته اند سخت مواخذه میشوند (۱۴) و همانا نوح را به رسالت سوی قومش فرستادیم او هزار سال پنجاه سال کم میان قوم درنگ کرد و خلق را دعوت به خداپرستی نمود و اجابت نکردند و چون همه ستمگر و ظالم بودند همه غرق طوفان هلاک شدند (۱۵) و تنها خود نوح را با اصحاب کشتی او از غرق نجات دادیم و آن کشتی را برای خلق عالم آیت قدرت و رحمت خویش قرار دادیم (۱۶) و یاد آر حکایت ابراهیم را که به قوم خود گفت ای مردم خدا را پرستید و از او بترسید که پرستش و ترس خدا اگر بفهمید از هر چیز برای شما بهتر است بلکه چیزی بهتر از خداپرستی و خداترسی نیست (۱۷) و بدانید که آنچه بجز خدا میپرستید بتهایی جماد و بی اثر بیش نیست که شما خود بدروغ ساخته اید و نام خدا بر او نهاده اید اینک بدانید که هر چه را جز خدا میپرستید قادر بر رزق شما نیستند پس آنها را رها کنید و از خدا روزی طلبید و او را پرستید و شکر نعمت وی بجای آرید و بدانید که باز رجوع شما بسوی اوست (۱۸) ای رسول ما، اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که تکذیب معلمین الهی عادت دیرین جهال است پیش از شما هم بسیاری از امم پیمبران خود را تکذیب کردند و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست (۱۹) آیا مردم بارها به چشم خود ندیدند که خدا چگونه ابتدا خلقی را ایجاد میکند و باز به اصل خود برمیگرداند؟ خلق میکند و نابود میسازد و حیات میدهد و میمیراند، روز میارد و شب میگرداند این کار بر خدا بسیار آسانست (۲۰) ای رسول بگو به مردم که در زمین سیر کنید و ببینید که خدا چگونه خلق را ایجاد کرده تا از مشاهده اسرار خلقت نخست بر شما بخوبی روشن شود که سپس نشه آخرت را ایجاد خواهد کرد و حیات فانی به حیات جاودانی میبندد که خدا بر هر چیز تواناست (۲۱) هر که را از اهل گناه بخواهد به عدل عذاب میکند و هر که را بخواهد به لطف و رحمت می بخشد و خلایق همه به سوی او باز میگردند (۲۲) و شما مخلوق عاجز نه هرگز خدای قادر مطلق را عاجز در زمین و آسمان توانید کرد و نه جز خدا در آسمان و زمین نگهبان و یآوری دارید (۲۳) و آنان که به آیات خدا و شهود لقای او کافر شدند آنها از رحمت و نعمت بهشت من ناامیدند و سخت بعذاب دردناک گرفتار خواهند شد (۲۴) بعد از این همه نصایح و اندرز ابراهیم باز قوم جز آنکه گفتند او را بکشید و در آتش بسوزانید پاسخ ندادند و او را به جرم خدا پرستی در آتش افکندند و خدا او را از آتش نمرودیان نجات داد در این حکایت برای قومی که به خدا ایمان آرند آیت قدرت الهی پدیدار است (۲۵) باز ابراهیم به هدایت مشرکان جاهل پرداخت و گفت

ای مردم شما خود میدانید که آنچه را جز خدای یکتا به خدائی برگرفته اید بتهائی جماد و بی اثر است که تنها برای حفظ دوستی و استفاده مادی دو روزه دنیای خود اتخاذ کرده اید و چون روز قیامت شود یا مرگ فرا رسد و اغراض فاسد دنیوی از میان برود در آن روز شما از بت پرستی و عبادت غیر خدا بیزار شوید و هر یک دیگری را کافر دانید و بیکدیگر لعن و نفرین کنید و جایگاه ابدی تمام شما آتش دوزخ است و هیچ یآوری که از او نجات خود طلبید ابداندارید (۲۶) پس از دیرگاه دعوت نخست خواهرزاده اش لوط به او ایمان آورد و ابراهیم به او گفت که من از این دیار شرک هجرت به سوی خدای خود خواهم کرد که او بر حفظ من از دشمن مقتدر است و به صلاح امورم داناست (۲۷) و ما اسحق و یعقوب را به او عطا کردیم و در خاندانش مقام نبوت و کتاب آسمانی برقرار نمودیم و در دنیا هم به نعمت فرزندان صالح و نام نیکو و سایر نعم الهی اجر او را دادیم و در آخرت نیز وی را از صف صالحان و هم‌رتبه مقربان قرار دهیم (۲۸) و یاد کن حکایت لوط را هنگامی که به قوم خود گفت آیا شما به عمل زشتی که هیچکسدر عالم پیش از شما مرتکب نشده اقدام میکنید (۲۹) شما به شهوت رانی با مردان خلوت کرده و راه فطرت زناشویی را قطع کنید و در مجامع خود بی هیچ خجالت به کار قبیح میردازید قوم لوط جز آنکه به طعنه گفتند اگر راست میگوئی عذاب خدا را بر ما نازل کن به او ابدان جوابی ندادند (۳۰) لوب از انکار قوم به درگاه خدا نالید و گفت پروردگارا مرا بر محو این قوم فاسد یاری کن (۳۱) و چون رسولان ما فرشتگان عالم قدس به ابراهیم بشارت نصرت حق آوردند گفتند ما به امر خدا اهل این دیار را که قومی سخت ظالم و بدکارند هلاک میکنیم (۳۲) ابراهیم به فرشتگان گفت لوط هم که بنده صالح موحد پاکی است در این دیار استپاسخ دادند که ما به احوال آنکه در این دیار است بهتر آگاهیم لوط را با همه اهل بیتش غیر آن وی که در میان اهل هلاکت باقی ماند البته همه را نجات خواهیم داد (۳۳) و چون رسولان ما نزد لوط آمدند لوط از آمدن آنها که ناشناس و با صورت زیبا بودند اندوهگین و دل‌تنگ گردید فرشتگان گفتند هیچ بیمناک و غمگین مباش که ما تو را با اهل بیتت غیر آن زن کافرت که در میان اهل هلاک واماند همه را نجات دهیم (۳۴) ما بر اهل این دیار که فاسق و بدکارند از آسمان عذابی سخت نازل کنیم و بر سرشان سنگ هلاک فروریزیم (۳۵) و همانا از آن دیار لوط آثار خرابی را وا گذاشتیم تا آیتی روشن برای عبرت عاقلان باشد (۳۶) و شعیب را که برادر مهربانی برای قومش بود به رسالت به سوی اهل مدین فرستادیم و او با قوم گفت که همیشه خدا را پرستید و به روز قیامت و سعادت آخرت امیدوار باشید و هرگز در روی زمین فساد و تبه کاری نکنید که آسایش دو گیتی در اینصایح است (۳۷) قوم شعیب او را تکذیب کردند و نصایح مشفقانه اش را به هیچ نشمردند و به کيفر آن شبی به زلزله سخت گرفتار شدند و صبحگاه همه را در خانه هاشان مرگ به زانو درآورد (۳۸) و قوم عاد و ثمود را که منازل خراب و ویرانشان را به چشم می بینید آنها نیز با آنکه بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه حق آنها را بازداشت همه هلاک و نابود گردیدند (۳۹) و قارون و فرعون و هامان را هم که موسی (ع) با معجزات روشن به هدایت آنها آمد به او نگریدند و باز در زمین بر ضعیفان تکبر و ظلم و طغیان کردند و یکسر هلاک شدند و بر قهر حق سبق نگرفتند و راه نجاتی نیافتند (۴۰) ما هر طایفه ای را به کيفر گنااهش مواخذه کردیم که بعضی را بر سرشان سنگ بلا فروباریدیم و برخی را به صیحه عذاب آسمانی و برخی را به زلزله زمین و گروهی دیگر را به غرق دریا به هلاکت رسانیدیم خدا به آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود در حق خویش ستم کردند (۴۱) مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی برگرفتند در سستی و بی بنیادی حکایت خانه ایست که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانید سستترین بناخانه عنکبوت است که به کمترین باد حادثه خراب میگردد (۴۲) خدا بر آنچه که به غیر او بخوانید و پرستش کنید بر آن آگاهست و او بر انتقام اهل شرک و ریا مقتدر و به دقائق امور عالم داناست (۴۳) و ما اینهمه مثلها میزنیم تا حقایق برای مردم روشن شود و لیکن به جز مردم دانشمند کسی تعقل در آن نخواهد کرد (۴۴) خدا آسمانها و زمین را به حق و در کمال حکمت آفریده نه بر باطل و لغو و عبث و در این خلقت آسمان و زمین آیت و نشانه ربوبیت کاملاً برای اهل ایمان پدیدار است (۴۵) ای رسول ما آنچه را که از کتاب آسمانی قرآن بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن و نماز را که بزرگ عبادت

خداست بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشت و منکر باز میدارد و روح را از هر آرایش و کدورت عالم پاک میگرداند و همانا ذکر خدا بزرگتر و برتر از حد اندیشه خلق است و خدا بهر چه برای خوشنودی او و به یاد او کنید آگاهست و اجر آن را عظیم عطا خواهد کرد (۴۶) و شما مسلمانان با یهود و نصاری و مجوس اهل کتاب جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها و با اهل کتاب بگوئید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اوئیم (۴۷) و ما همچنان که بر رسولان پیشین کتاب آسمانی تورات و انجیل و زبور فرستادیم بر تو هم ای رسول قرآن را نازل کردیم پس آنان که به آن کتب که برایشان فرستادیم ایمان آوردند به این کتاب نیز ایمان آرند و از این گروه اهل مکه هم بعضی ایمان آورند و به جز کافران هیچکس آیات ما را انکار نخواهد کرد (۴۸) و تو از این پیش نه توانستی کتابی خواند و نه خطی نگاشت تا مبادا مبطلان منکر قرآن در نبوت شک و ریبی کنند و گویند این کتاب به وحی خدا نیست و خود از روی کتب سابقین جمع و تلیف کرده است (۴۹) بلکه این قرآن آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که از خدا نور علم و دانش یافتند و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند (۵۰) و کافران گفتند این مرد اگر رسول خداست چرا بر او آیات و معجزاتی از جانب خدا نازل نشد. ای رسول ما، بگو آیات نزد خدا و به امر خداست من که رسولم جز آنکه خلق را از انتقام خدا بترسانم وظیفه ندارم (۵۱) آیا اینان را که تقاضای معجزه میکنند این معجزه کفایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را ما بر تو فرستادیم و تو بر آنها تلاوت کردی؟ که در آن برای اهل ایمان البته رحمت و پند و هدایت خواهد بود (۵۲) ای رسول ما بگو میان من و شما خدا گواهی کافی است که او بهر چه در آسمان و زمین است آگاهست و آنان که به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند هم آنان به حقیقت زیانکاران عالمند (۵۳) ای رسول ما منکران به تمسخر از تو تقاضای تعجیل در نزول عذاب میکنند و اگر وقت معین آن در علم ازلی قیامت نبود عذاب حق بر آنها میرسید و البته ناگهانی هم نازل میشد که غافل و بیخبر باشند (۵۴) و این کافران از تو به تعجیل عذاب میطلبند در صورتی که شراره عذاب جهنم به آنها احاطه نموده است زیرا همان کفر و اعمال زشت و طینت دوزخی و شهوت و غضب حیوانی که محیط به آنهاست اگر می فهمیدند به حقیقت احاطه آتش دوزخست (۵۵) اینان را متذکر ساز آن روزی را که عذاب خدا از بالا و زیر آنها را فروگیرد و بگوئید امروز بچشید کیفر آنچه در دنیا عمل کردید (۵۶) ای بندگان با ایمان من، زمین من بسیار وسیع است در اینصورت اگر از جور کفارد سرزمینی به تنگ آمده و به کفر مجبور شوید از آنجا به دیار دیگر هجرت کنید و هر کجا باشید مرا منحصرأ به اخلاص پرستش کنید (۵۷) هر نفسی، شهد ناگوار مرگ را خواهد چشید و پس از مرگ همه رجوع به ما خواهند کرد (۵۸) آنان که به خدا ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند البته آنها را به عمارات عالی بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست منزل دهیم که در آن زندگانی ابدی کنند آنجا چقدر پاداش نیکو به نیکوکاران عالم دهند (۵۹) آنان که در راه دین خدا صبر و شکیبائی پیشه کردند و بر لطف و کرم پروردگار توکل نمودند (۶۰) و در کار رزق به خدا توکل کنید نه بر سعی خود که چه بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نکشند و خدا بدون هیچ کوشش به آنها و هم به شما روزی میرساند که او شنوای دعای محتاجان و دانا به احوال بندگان است (۶۱) و اگر از این کافران مشرک سوال کنی که آسمانها و زمین را که آفریده و خورشید و ماه مسخر فرمان کیست به یقین جواب دهند که خدا آفریده پس چرا با این اقرار به افتراء و دروغ از توحید و معرفت خدا به شرک و جهالت می شتابند (۶۲) خداست که هر کس از بندگان را خواهد وسیع روزی و یا تنگ روزی می گرداند که همانا او به صلاح حال کلیه خلائق آگاهست (۶۳) و اگر از این مشرکان کافر سوال کنی آن کیست که از آسمان باران نازل سازد تا زمین را به آن پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز به نسیم جانبخش بهار زنده گرداند به یقین جواب دهند که آن خداست پس بگو ستایش مخصوص خدای یکتاست که نعمت باران و هر نعمت دیگر از جانب اوست آری ولیک این حقیقت را عقل اکثر این مردم در نخواهد یافت (۶۴) این زندگانی چند روزه دنیا اگر نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود افسوس و بازیچه ای بیش نیست و

زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت دار آخرت است که حیاتش جاوید و نعمتش بی رنج و آواست (۶۵) این مردم مشرک نادان چون به کشتی نشینند و بدست امواج خطر افتند در آن حال تنها خدا را به اخلاص کامل می خوانند و چون از خطر دریا به ساحل نجات رسیدند از جهل و غفلت باز به خدای یکتا مشرک میشوند (۶۶) تا از جهل هر نعمتی را که ما به آنها عطا کرده ایم کفران کنند و به جای سپاس حق خدایان باطل پرستند (۶۷) آیا کافران اهل مکه ندیدند که آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم در صورتی که از اطرافشان مردم ضعیف را به قتل و غارت میربایند آیا با این نعمت بزرگ امنیت که خدا به آنها عطا کرده باز به باطل می گروند و به نعمت حق کافر میشوند (۶۸) آیا هیچکس از آنکه بر خدا دروغ بست و رسول حق را که برای هدایت او آمد تکذیب کرد در عالم ستمکارتر هست؟ هرگز نیست آیا جایگاه کافران ستمکار در آتش دوزخ نیست؟ البته هست (۶۹) و آنان که در راه ما به جان و مال جهد و کوشش کردند محققا آنها را به راه معرفت و لطف خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نکو کارانست (۷۰)

الروم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم اشاره به اسماء یا اسرار کتاب الهی است (۲) رومیان مغلوب فارسین شدند (۳) در جنگی که به نزدیکترین زمین به دیار عرب واقع شد که حوالی شام یا اطراف جزیره باشد و آنها پس از مغلوب شدن فعلی به زودی بر فارسین باز غلبه خواهند کرد (۴) این غلبه رومیان در اند سالی خواهد شد و بدانید که این حادثه و کلیه امور عالم از قبل از این و بعد از این همه به امر خداست و آن روز که رومیان فاتح شوند چون بعد از آن خدا وعده یاری به اهل اسلام داده مومنان شاد میشوند (۵) به یاری خدا که خدا هر که را بخواهد نصرت و فیروزی میبخشد و اوست که بر هر کار عالم مقتدر و به تمام خلق جهان مهربانست (۶) این وعده خداست و خدا هرگز خلاف وعده نکند و لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند (۷) اکثر به امور ظاهری زندگی دنیا مانند صنعت و تجارت و غیره آگاهند و از عالم آخرت و وعده ثواب و عقاب حق بکلی بیخبرند (۸) آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند تا بدین حکمت پی برند که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست از انواع بی شمار مخلوق همه را جز به حق و برای حکمت و مصلحت و به وقت و حد معین نیافریده است. و بسیاری از مردم چون فکر در حکمت خلق نمیکنند به شهود لقای خدای در عالم غیب و وعده ثواب و عقاب بهشت و دوزخ و قیامت بکلی کافر و بی عقیده اند (۹) آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینیانشان چون قوم عاد و ثمود را ببینند که از اینها بسیار تواناتر بودند و بیش از اینها در زمین کشتزار و کاخ و عمارت برافراشتند و رسولان خدا با آیات و معجزات برای هدایت آنان آمدند لیکن چون نپذیرفتند همه به کیفر کفر هلاک شدند و خدا درباره آنها هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم کردند (۱۰) زخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که به حق کافر شده و آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند زیرا معصیت دل را تاریککنند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد (۱۱) خداست که خلق را نخست از عدم پدید آرد و باز به مرگ و فنا بازگرداند و آنگاه به قیامت رجوع به حضرت او خواهند کرد (۱۲) و روزی که ساعت قیامت برپا شود آن روز بدکاران شرمنده و اندوهگین شوند (۱۳) و هیچ شفیع و مددکاری بر خود از آنان که شریک حق گرفتند نمی یابند بلکه به آن شریکان و خدایان باطل کافر میشوند و از آنها بیزاری میجویند (۱۴) و روزی که ساعت قیامت برپا شود در آن روز خلاق بر حسب مراتب طاعت و معرفت و کفر و عصیان فرقه فرقه شوند (۱۵) اما آن فرقه که به خدای خود ایمان آوردند و به نیکوکاری پرداختند در آن روز مسرور و محترم به باغ بهشت منزل گیرند (۱۶) و اما آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و حیات آخرت را تکذیب کردند آنان را برای کیفر در عذاب دوزخ حاضر کنند (۱۷) پس به فکر آن روز بزرگ باشید و خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش گوئید تا سعادت ابد یابید (۱۸) و سپاس اهل عالم در آسمانها و زمین مخصوص اوست و شما نیز در تاریکی شب و نیمه روز در نماز عشاء و ظهر و عصر به ستایش او مشغول شوید این دو آیه مشتمل بر ذکر همه نمازهای پنجگانه است (۱۹) آن خدائی را تسبیح و ستایش گوئید که

زنده را از مرده و مرده را از زنده به قدرت کامله خود بیرون آورد یعنی آدمی را از نطفه و نطفه را از آدمی برانگیخت و زمین را پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز به نسیم جانبخش بهارش زنده گرداند و همین گونه شما را هم پس از مرگ زنده کند و از خاک بیرون آورد (۲۰) و یکی از آن قدرتهای خدا این است که پدر شما آدمیان را از خاک خلق کرد سپس که به توالد بشری منشعب و نژادهائی مختلف شدید در همه روی زمین منتشر گشتید (۲۱) و باز یکی از آیات لطف الهی آنست که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رفت و مهربانی برقرار فرمود در این امر نیز که در حقیقت پایه زندگی و آسایش و خوشی و بقای نوع بر آنست برای مردم با فکرت ادله علم و حکمت حق آشکار است (۲۲) و یکی از آیات قدرت الهی خلقت آسمانها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان که در این امور نیز ادله صنع و حکمت حق برای دانشمندان عالم آشکار است (۲۳) و یکی از آیات حق همین که شما در شب و روز به خواب رفته و بیدار میشوید و از فضل خدا طلب روزی میکنید در این امر هم ادله قدرتش برای قومی که سخن حق بشنوند پدیدار است (۲۴) و یکی از آیات الهی همان قوه رعد و برق است که هم شما را از صاعقه عذاب میترساند و هم به رحمت باران آسمان که زمین را پس از مرگ زنده میکند امیدوار میگرداند در این امر نیز ادله قدرت ایزد برای اهل خرد آشکار است (۲۵) و یکی از آیات قدرت خدا آنکه آسمان و زمین را به فرمان خود برپا داشته است و در این نظم آسمان و زمین شما آدمیان را از خاک بر میانگیزد و باز به خاکمیرد و سپس که در محشر شما را از خاک برخواند و زنده گرداند همگی سر از قبرها بیرون می آورید (۲۶) و هر کس در آسمانها و زمین است همه بنده او و با کمال خضوع و خشوع مطیع فرمان اوست (۲۷) و او خدائست که نخست خلایق را از عالم مشیت بیافریند و آنگاه بدان عالم معاد باز گرداند و این اعاده مثل ایجاد بر او بسیار سهل و آسانست و آن ذات یکتا را در آسمان و زمین مظهر و مثالی عالی تر از حد وصف و تعقل است و مقتدر کامل و دانا به حقایق امور تنها اوست در اخبار ائمه معصومین آمده که ما عالیتین مثال و کاملترین مظهر الهی هستیم (۲۸) خدا برای هدایت شما هم از عالم خود شما مثالی زد شما فکر کنید آیا هیچ یک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه از مال و حقوق و مقام که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند؟ تا شما و آنها در آن چیز بی هیچ مزیت مساوی باشید؟ و همانقدر بیمی که شما از نفوس خود دارید هم از آنان دارید؟ هرگز ندارید و هیچ آنها را شریک و مساوی با خود نمیدانید پس چگونه مخلوقات مملوک خدا را شریک خدا گرفته و معبود خود میگردانید ما چنین مفصل و روشن آیات خود را برای مردم با عقل و هوش بیان میکنیم (۲۹) آری مردم ستمکار مشرک هوای نفس خود را از جهل و نادانی پیروی کردند و آن را که خدا گمراه کرد یعنی پس از اتمام حجت به گمراهی واگذار کرد که میتواند هدایت کند؟ البته هیچکس هدایت نتواند کرد و آن گمراهان ستمکار را در قیامت هیچ یار و یآوری نخواهد بود (۳۰) پس تو ای رسول با همه پیروانت مستقیم روی به جانب آئین پاک اسلام آور و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد. اینست آئین استوار حق و لیکن اکثر مردم از حقیقت آن آگاه نیستند (۳۱) شما اهل ایمان از پیروی همین دین فطرت به درگاه خدا باز آید و خدا ترس باشید و نماز بپادارید و هرگز از طریقه توحید و خداپرستی بیرون نشوید و از فرقه مشرکان نادان نباشید (۳۲) از آن فرقه هواپرست نادان نباشید که دین فطرت خود را متفرق و پراکنده ساختند و از هوای نفس و خودپرستی فرقه شدند و گروهی به اوهام باطل و عقیده و خیالات فاسد خود دلشاد بودند (۳۳) و مردم عادتشان اینست که هرگاه رنج و المی سخت به آنها رسد در آن حال خدای را به دعا میخوانند و به درگاه او با تضرع و اخلاص روی می کنند و پس از آنکه خدا به آنها رحمت خود را چشایند و از آن سختی نجاتشان داد آنگاه باز گروهی از آنها به خدای خود مشرک میشوند (۳۴) تا نعمتی که به آنها عطا کردیم کفران کنند باری ای کافران ناسپاس اینک به هوا و هوس تمتع برید که به زودی به کیفر اعمال خود آگاه میشوید (۳۵) آیا ما بر این مردم رسول و کتاب توحید فرستادیم؟ یا دلیل و حجتی فرستادیم که درباره شرک و دعوت به بت پرستی به ایشان سخن گوید؟ و برهان بر صحت شرک آورد؟ (۳۶) و مردم بر این عادتند که هرگاه ما به لطف خود رحمتی به آنها چشاییم

شاد شده و اگر رنج و بلائی از کرده خودشان ببینند در آن حال به جای توبه به درگاه خدا از رحمتش بکلی نومید میشوند (۳۷) آیا ندیدند که همانا خدا هر که را خواهد روزی وسیع کند و هر که را خواهد تنگروزی گرداند و در این امر ادله روشنی از حکمت الهی برای اهل ایمان پدیدار است (۳۸) ای رسول ما همه مومنان خصوص شخص تو حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که صله رحم و احسان به فقیران برای آنان که مشتاق لقای خدا هستند بهترین کار است و هم اینان که نیکی کنند رستگاران عالمند (۳۹) و آن سودی که شما به رسم ربا یا هدیه دادید که بر اموال مردم رباخوار بیفزاید و یا هدیه به اغنیار دهید تا خود نفع زیاد دنیوی برید نزد خدا هرگز نیفزاید بلکه محو و نابود شود و آن زکاتتی که بی ریب و ریا از روی شوق و اخلاص به خدابه فقیران دادید ثوابش چندین برابر شود و همین زکات دهندگان هستند که بسیار نزد حق ثواب و برکات و دارائی خود را افزون کنند (۴۰) خداست آن کسی که شما را خلق کرده و روزی در مدت عمر بخشیده سپس بمیراند و باز در قیامت زنده گرداند. آیا آنان را که شریک خدا دانید هیچ از این کارها توانند کرد؟ هرگز نتوانند که خود مخلوقی عاجز و فانیند و خدا از آنچه به او شریک گیرند پاک و منزه تر و بالاتر است (۴۱) فساد و پریشانی بکرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا ما همکیر بعضی اعمالشان را به آنها بچشانیم باشد که از گنه پشیمان شده و به درگاه خدا باز گردند (۴۲) ای رسول ما بگو به مردم که در زمین و احوال اهلش سیر کنید تا از عاقبت طوایفیش از خود که اکثرشان کافر و مشرک بودند آگاه شوید که چگونه همگی با معبودانشان دستخوش فنا شدند (۴۳) پس تو ای رسول با پیروانت روی به دین استوار اسلام و خداپرستی آور پیش از آنکه روزی بیاید که هیچکس نتواند از امر خدا آن را برگرداند و در آن روز بزرگ قیامت خلاق فرقه فرقه شوند گروهی دوزخی و گروهی بهشتی گردند (۴۴) هر که به راه کفر و عصیان رود زیانش بر خود اوست و هر که صالح و نیکوکار شود آن هم برای شخص خود در بهشت آسایشگاهی خوش فراهم خواهد ساخت (۴۵) تا از فضل و کرم به آنان که ایمان آورده و نیکو کار شدند خدا نیکو پاداش دهد و کافران راهیچ مورد لطف و کرم قرار ندهد (۴۶) و از جمله آیات قدرت الهی آنست که خدا بادهای بشارت آور می فرستد که شما رابه چیزی از رحمت بی انتهای خود بهره مند گرداند و تا از فضل و کرمش انواع نعمتها تحصیل کنید و باشد که شکر نعمتش به جای آرید (۴۷) و ای رسول، ما پیش از تو پیمبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن آوردند پس چون بعضی ایمان آورده و بعضی به راه کفر و عصیان شتافتند ما هم از کافران بدکار انتقام کشیدیم و بر خود نصرت و یاری اهل ایمان را حتم گردانیدیم (۴۸) خدا آن کسی است که بادها را میفرستد تا ابرها را در فضا برانگیزد پس بهر گونه که مشیتش تعلق گیرد در اطراف آسمان متصل و منبسط کند و باز متفرق گرداند آنگاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد تا به کشتزار و صحرای هر قومی از بندگان بخواهد فروبارد و به یک لحظه آن قوم از غم رهیده و مسرور و شادمان گردند (۴۹) و هر چند پیش از آنکه باران رحمت حق بر آنان بیبارد از لطف خدا به حال یاس و نومیدی میزیستند (۵۰) پس ای بشر دیده باز کن و آثار رحمت نامنتهای الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ و دستبرد خزان باز به نفس باد بهار زنده میگرداند محققا بدانهمان خداست که مردگان را هم پس از مرگ باز زنده میکنند و او به قدرت کامله ذاتی بر همه امور عالم تواناست (۵۱) و اگر باز بادی فرستیم که سمومش کشت و آرع خرم آنها را فاسد کند و آن کشت سبز را زرد و پژمرده بنگرند همه آن نعمتهای گذشته را فراموش کنند و به کفر و کفران نعمت حق برمیگردند (۵۲) پس تو ای رسول ما با همه جهد و کوشش این مردم مرده دل بی ایمان را نتوانی با سخن حق شنوا کنی و دعوت خود را به گوش این کران که مخصوصا از تو به کبر و نخوت رومیگردانند برسانی (۵۳) و تو مردمی را که کوردل و کافر هستند نتوانی از ضلالت به راه هدایت آری تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی هدایت کنی و سخن خدا را بگوش هوششان برسانی (۵۴) خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف نطفه بیافرید آنگاه پس از ضعف و ناتوانی کودکی توانا کرد و باز از توانائی و قوای جوانی به ضعف و سستی پیری برگردانید که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد میزند زیرا خدا به همه امور عالم دانا و به هر چه خواهد

تواناست (۵۵) و روزی که ساعت قیامت برپا شود بدکاران قسم یاد کنند که در دنیا و قبر و برزخ ساعتی بیش درنگ نکردند همین گونه عادتشان از دیرین بود که از راستی و حقیقت به ناراستی و دروغ پردازند (۵۶) و آنان که به مقام علم و ایمان رسیده اند به آن فرقه بدکار گویند شما تا روز قیامت که هم امروز است در عالم علم خدا مهلت یافتید و لکن از جهل بر آن آگاه نبودید (۵۷) پس در این روز آنان که در دنیا به خود و به خلق خدا ستم کردند عذرشان مفید نیفتد و توبه و بازگشتشان به سوی خدا پذیرفته نشود (۵۸) ما در این قرآن عظیم برای هدایت مردم هرگونه مثل آدیم و حقایق را به مثال روشن کردیم و اگر تو بر این مردم هرگونه معجز و آیتی بیاوری باز محققا از روی عناد خواهند گفت شما مسلمین و رسولتان خلق را به باطل و اوهام میخوانید (۵۹) این چنین خدا بر دل‌های اهل جهل پس از اتمام حجت مهر شقاوت نهد که هیچ سخن حق را نپذیرند (۶۰) پس تو ای رسول صبر پیشه کن و از انکار کفار غمین مباش که وعده خدا البته حق و حتمی است و مراقب باش که مردم بی علم و یقین و ایمان مقام حلم و وقارت را به خفت و سبکی نکشانند (۶۱)

لقمان

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم این حروف گفته شد که اسرار الهی است (۲) اینست قرآن عظیم و آیات کتاب خدای حکیم (۳) که رحمت و هدایت است برای نیکوکاران عالم (۴) آنان که نماز بپا میدارند و زکات فقیران ادا میکنند و به عالم آخرت کاملا یقین دارند (۵) هم آنان از لطف پروردگار خویش به راه راستند و هم آنان رستگاران عالمند (۶) و برخی از مردمان فاسد فتنه انگیز مانند نصر حارث کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را مانند قصه های دروغ و افسانه های شهوت انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب بهر وسیله تهیه میکند تا خلق را به جهالت از راه خدا و آموختن علوم و معارف قرآن گمراه سازد و قرآن را به تمسخر و استهزاء میگیرد این مردمان فاسد کافر به عقاب با خواری و ذلت گرفتار شوند (۷) و هرگاه بر این مردم تلاوت آیات قرآن شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گوئی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است ای رسول گرامی این کس را به عذاب دردناک بشارت ده (۸) آنان که به خدا ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند باغهای پر نعمت بهشت جاودانی مخصوص آنهاست (۹) و آنها در بهشت ابد همیشگی خواهند بود این وعده خدا محقق و حتمی است و خدا بر همه کار عالم مقتدر و به حقیقت هر چیز آگاهست (۱۰) سقف رفیع آسمانها را بی ستونی که به حس مشاهده کنند خلق کرده و کوه های بزرگ را در زمین بنهاد تا از حیرت و اضطراب برهید شاید یک معنی کوه ها انبیاء و رجال الهی باشند که خلق را هدایت کرده و از حیرت و گمراهی در امر معاش و معاد میرهاند و در روی زمین انواع مختلف حیوانات را منتشر و پراکنده ساخت و هم از آسمان آب باران فرود آوردیم و به آن آب نباتات پرفایده برویاندیم (۱۱) این آسمان و زمین و کوه و باران و گیاه و حیوان و غیره که بیان شد همه آفریده خداست حال شما مشرکان بگوئید آنان که به جز خدا معبود شما هستند در جهان چه آفریده اند؟ هیچ نیافریده اند بلکه ستمکاران مشرک که آنها را شریک خدا گرفتند دانسته و آشکار در گمراهی هستند (۱۲) و ما به لقمان مقام علم و حکمت عطا کردیم و فرمودیم که بر این نعمت بزرگ خدا را شکر کن و هر کس شکر حق گوید به نفع خود اوست که خدا نعمتش بیفزاید و هر که ناسپاسی و کفران کند باز به زیان خود اوست که خدا از شکر و سپاس خلق بی نیاز و به ذات خود ستوده صفات است (۱۳) ای رسول ما، یاد کن وقتی را که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت ای پسر عزیزم نخست پند من بتو اینست که هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم‌بزرگی است زیرا مخلوق عاجز فانی را به جای خالق قادر ابدی نهاده ای و این وضع شی، در غیر موضع و منشا هرگونه ظلم به خود و به خلق است (۱۴) و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر بازگرفته هر روز بر رنج و ناتوانیش بیفزوده، ای فرزند در حق آنان بسیار نیکی و سپاسگزاری کن و نخست شکر من که خالق و منعم و آنگاه شکر پدر و

مادر بجای آور که بازگشت خلق به سوی من و پاداش نیک و بد خلق با من خواهد بود (۱۵) و اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خدا که آن را به حق نمیدانی و اداری کنند در این صورت دیگر آنها را اطاعت مکن ولیک در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه ما رجوع و انابه اش بسیار است پیروی کن که پس از مرگ رجوع شما به سوی منست و من شما را به پاداش اعمالتان آگاه خواهم ساخت (۱۶) باز لقمان گفت ای فرزندم بدان که خدا اعمال بد و خوب خلق را گرچه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در طبقات آسمانها یا زمین پنهان باشد همه را در محاسبه میاورد که خدا بر همه چیز توانا و آگاهست (۱۷) ای فرزند عزیزم نماز بپادار و امر بمعروف و نهی از منکر کن و بر این کار از مردم نادان هر آزار بینی صبر پیش گیر که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق نشانه ای از عزم ثابت مردم بلند همت در امور عالم است (۱۸) و هرگز به تکبر و ناز از مردم اهل نیاز رخ متاب و در زمین با غرور و تبختر قدم برمدار که خدا هرگز مردم متکبر خودستا را دوست نمیدارد و عاقبت خوار و ذلیلشان خواهد کرد (۱۹) در رفتار میان روی اختیار کن و سخن آرام گو نه با فریاد بلند که منکر و زشتترین صداها صوت الاغ است شاید صدا و هیاهوی مردم جاهل عالم نمای ریائی مغالطه کار مراد باشد چنان که از اخبار بدست می آید (۲۰) یا شما مردم به حس مشاهده نمی کنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمتهای ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده با وجود این برخی از مردم بی خبر از کتاب روشن حق از روی جهل و گمراهی در دین خدای متعال مجادله میکنند (۲۱) و چون به این مردم اهل جدل و عناد بگوئید که بیاید و از کتابی که خدا برای هدایت خلق فرستاده پیروی کنید جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی میکنیم ای رسول بگو آیا هر چند پدرانتان را شیطان به آتش دوزخ بخواند باز پیرو آنها میشوید؟ (۲۲) و هر کس روی تسلیم و رضا به سوی خدا آرد و نکوکار باشد چنین کس به محکمترین رشته الهی چنگ زده و بدانید که پایان کارها به سوی خداست (۲۳) ای رسول ما، تو از کفر هر که کافر شود و تو را تکذیب کند محزون مباش که رجوعشان به سوی ماست و ما آنان را سخت از کیفر کردارشان آگاه میسازیم که همانا خدا از اسرار دلهای خلق هم آگاهست (۲۴) اندک زمانی آن کافران را به لذات فانی دنیا برخوردار میسازیم آنگاه بعد از مرگ به عذاب سختشان به ناچار گرفتار خواهیم کرد (۲۵) و اگر از این کافران سوال کنی آن کیست که آسمانها و زمین را آفریده البته جواب دهند خداست ای رسول ما، باز گو ستایش خدای را که کافران نیز معترفند آری اکثر آنها بر این حقیقت که آفریننده جهان خداست اگر به زبان گویند به دل آگاه نیستند (۲۶) هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و خدا ذاتش بی نیاز و اوصافش همه پسندیده است (۲۷) و اگر هر درخت روی زمین در کف نویسندگان عالم قلم شود و آب دریا به اضافه هفتدریای دیگر مداد گردد باز نگارش کلمات خدا که موجودات بی نهایت کتاب آفرینش است ناتمام بماند که همانا خدا را اقتدار بی نهایت و حکمت بی پایان است (۲۸) خلقت و بعثت همه شما خلایق بی شمار در آسانی بر خدا جز مثل یک تن واحد نیست که همانا خدا به یک لحظه شنوای سخنان بی شمار و بینا به احوال خلق بی نهایت است (۲۹) آیا ای رسول ندیدی و ای مردم به حس مشاهده نمیکنید که خدا شب را در روز و روز را در شب داخل کند و خورشید و ماه را مسخر ساخته که هر یک تا وقت معینی و به نظم ثابت مخصوصی گردش کنند؟ و نمیدانید که خدا به هر چه از نیک و بد میکنید آگاهست (۳۰) این قدرت کامل بدین سبب است که خدای یکتا حق مطلق و آنچه به جز او به خدائی میخوانید همه باطل محض است و تنها خدا که حق و وجود حقیقی است بلند مرتبه و بزرگوار است (۳۱) نمی بینی که چگونه کشتی به دریا به لطف و احسان خدا سیر میکند تا به شما بعضی از آیات قدرتش را بنمایاند که همانا در این کار آیات عجائب حکمتهای خدا البته بر هر شخص صبور در بلا و شکر گزار در نعمت پدیدار است (۳۲) و هرگاه که دریا طوفانی شود و موجی مانند کوه ها آنها را فرو گیرد در آن حال خدا را با عقیده پاک و اخلاص کامل میخوانند و چون باز به ساحل نجاتشان رسانید بعضی بر قصد طاعت و شکر خدا باقی ماندند و بعضی به کفر شتابند و آیات ما را انکار نمیکنند جز آن کس که غدار و عهد شکن و کافر و ناسپاس است (۳۳) ای مردم از خدا بترسید و بیندیشید از آن روزی که نه هیچ پدری را به جای فرزند

و نه هیچ فرزندی را به جای پدر پاداش و کیفر کنند البته وعده خدا حق و حتمی است پس زنهار شما را زندگانی دنیا فریب ندهد و از عقاب خدا شیطان به عفو و کرمش سخت مغرورتان نگرداند (۳۴) همانا علم ساعت قیامت نزد خداست و او باران را فروربارد و آنچه از نر و ماده و زشت و زیبا که در رحمهای آبستن است میدانند و هیچ کس نمیدانند که فردا از سود و زیان چه خواهد کرد و هیچکس نمیدانند که به کدام سرزمین مرگش فرا میرسد و به خاک می‌رود پس تنها خدا به همه چیز خلاق دانا و بر کلیه اسرار و دقائق عالم آگاهست (۳۵)

السجده

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم از اسرار یا متشابهات یا اشاره به اسماء الهی یا نام این سوره قرآن است (۲) تنزیل این کتاب بزرگ قرآن بی هیچ شک بدانید که از جانب پروردگار عالم است (۳) کافران میگویند قرآن را او از پیش خود بی مدد وحی خدا فرا بافته. چنین نیست بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا بر قومی که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده تو رسالت کنی و از معصیت خدا بترسانی باشد که راه هدایت پیش گیرند (۴) خدا آن کسی است که آسمان و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را در مقدار ششروز بیافرید آنگاه به خلقت عرش با عظمت پرداخت شما را غیر او هیچ در عالم یار و یاور و شفیع و مدد کاری نیست (۵) اوست که امر عالم را به نظام احسن و اکمل از آسمان تا زمین تدبیر میکند سپسروزی که مقدارش به حساب شما بندگان هزار سال است باز حقایق و ارواح را به سوی خود بالا میبرد (۶) اوست همان خدائی که بر غیب و شهود عالم دانا و بر جهانیان مقتدر و مهربانست (۷) آن خدائی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت کرد و آدمیان را نخست از خاک پستبدین حسن و کمال بیافرید (۸) آنگاه خلقت نژاد نوع بشر را از آب بی قدر و نطفه بی حس مقرر گردانید (۹) سپس آن نطفه بی جان را نیکو بیاراست و از روح قدسی الهی خود در آن بدمید و شما را دارای چشم و گوش و قلب با حس و هوش گردانید با وجود اینهمه احسان باز بسیار اندک شکر و سپاسگزاری نعمتهای حق میکنید (۱۰) کافران از روی تعجب و انکار گویند که آیا پس از آنکه ما در زمین خاک و در خاکنا بود شدیم باز از نو زنده خواهیم شد؟ بلی البته زنده خواهید شد لیکن آنها به شهود لقاء خدایشان و به روز حساب اعمالشان از جهل کافرنند (۱۱) ای رسول ما، به آنها بگو فرشته مرگ که مامور قبض روح شماست جان شما را خواهد گرفت و پس از مرگ به سوی خدای خود باز می‌گردید (۱۲) ای رسول اگر تو حال بدکاران را در قیامت بینی که چگونه در حضور خدای خود سر بزیر و ذلیلند و با آه و ناله حسرت گویند پروردگارا اینک عذاب تو را به چشم دیدیم و سخن رسولانت را بگوش گرفتیم ما را به دنیا باز گردان تا از آن پس صالح و نیکوکار شویم که اکنون وعده تو را به چشم یقین مشاهده کردیم (۱۳) و اگر ما به مشیت ازلی میخواستیم هر نفسی را به کمال هدایتش به جبر و الزام میرسانیدیم و لیکن وعده حق و حتمی من است که دوزخ را البته از کافران جن و انس پر سازم (۱۴) پس خطاب رسد امروز شما ای کافران عذاب را به کیفر غفلت از ملاقات این روزتان بچشید که ما هم شما را فراموش کردیم یعنی از نظر لطف انداختیم تا عذاب ابدی را به پاداش اعمال زشتی که در دنیا کردید بچشید (۱۵) تنها کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند آنان هستند که چون متذکر یاد خدا شوند به سجده رخ بر خاک نهند و به تسبیح و تنزیه ستایش پروردگار کنند و ابدا به کبر و نخوت سر از فرمان حق نکشند (۱۶) شبها پهلو از بستر خواب حرکت دهند و در دل شب با بیم و امید و ناله اشتیاق در نماز شب خدای خود را بخوانند و آنچه روزی آنها کردیم به مسکینان انفاق کنند (۱۷) هیچ کس نمیدانند و در محیط فکرش نمیگنجد که پاداش نیکوکاریش چه نعمت و لذتهای بی نهایت که روشنی بخش دل و دیده است در عالم غیب بر او ذخیره شده و چه نشاط و خوشیها در بهشت ابد بر او مهیا گردیده است (۱۸) آیا آن کس که به خدا ایمان آورده حالش در قیامت مانند کسی است که کافر بوده؟ هرگز مومن و کافر یکسان نخواهند بود (۱۹) اما آنان که در دنیا با ایمان و نیکوکار بودند به پاداش اعمال صالح منزلگاه پر نعمت در بهشت ابد یابند (۲۰) و اما آنان که سر از اطاعت حق کشیده و فاسق شدند منزلگاهشان در

آتش دوزخ است و هر چه کوشند و خواهند که از آن آتش بیرون آیند باز فرشتگان عذاب بدان دوزخ برگردانندشان و گویند عذاب آتشی را که در دنیا تکذیب کردید اینک بچشید (۲۱) و ما کافران را عذاب نزدیکتر و کمتر به بلاهای دنیا یا در برزخ بچشانیم غیر آن عذاب بزرگتر و شدیدتر قیامت یا قیامت حجت عصر (ع) تا مگر متنبه و پشیماناناز کفر و عصیان شوند و به سوی خدا باز گردند (۲۲) کدامین کس در عالم از آن کس که به آیات خدا پند و تذکرش دادند و باز اعراض کرد ستمکارتر است؟ البته ما از بدکاران انتقام خواهیم کشید (۲۳) و همانا ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم و تو ای رسول، در ملاقات او یعنی ملاقات موسی با خدا در قیامت یا شب معراج با تو هیچ شک مدار و ما او را سبب هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم (۲۴) و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را به امر ما نه به امر خلق هدایت کنند قرار دادیم برای آنکه در راه حق صبر کردند و در آیات ما مقام یقین یافتند (۲۵) البته خدای تو به روز قیامت در آنچه این مردم از آیات و احکام الهی اختلاف کلمه انگیزتند حکم خواهد کرد و به کیفر اعمالشان میرساند (۲۶) آیا آن طوایف و قبایلی را که ما پیش از این مردم کنونی هلاک کردیم و اینان اینک در دیارشان به جای آنها رفت و آمد میکنند هلاک آنها موجب هدایت و عبرت اینان نگردید؟ تا مانند آنها به راه کفر و عصیان نروند؟ البته در این هلاک پیشینیان آیات پند و عبرت خلق است آیا باز هم سخن نمی شنوند؟ (۲۷) آیا ندیدند که ما آب باران را به سوی زمین خشک بی زب و گیاه میریم تا حاصلی که مردم و چهارپایانشان از آن بخورند میروانیم؟ آیا باز هم چشم بصیرت نمی گشایند؟ تا لطف رحمت واسع خدا را به خلق بنگرند؟ (۲۸) و کافران میگویند این فتح و گشایش یعنی روز قیامت یا فتح مکه به دست مسلمین که وعد و وعید میدید کی خواهد بود اگر راست میگوئید (۲۹) ای رسول ما، به آنها بگو که امروز باید ایمان آرید که روز فتح، ایمان آنان که کافر بودند سود نبخشد و به آنها با نظر لطف و مرحمت ننگرند (۳۰) پس تو ای رسول، از آن کافران اعراض و دوری کن و منتظر فتح و فیروزی خدا باش که آنها هم منتظر قوت خویش و ضعف و شکست تو هستند (۳۱)

الأحزاب

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای پیغمبر گرامی همیشه خدا ترس و پرهیزکار باش و هرگز تابع رای کافران و منافقان مباش که همانا خدا دانا و حکیم است و تو به وحی خدای حکیم از تعلیم غیر بی نیازی (۲) تنها از آنچه به تو از جانب خدا وحی میشود پیروی کن و بدان و به امت بگو که خدا به هر چه میکند کاملاً آگاهست (۳) در کارها بر خدا توکل کن که تنها خدا برای مدد و نگهداری کفایت است (۴) خدا در درون یک مرد دو قلب و دو مبد ادراک و اراده که مردم در حق پیغمبر یا در حق جمیل ابن معمر گفتند قرار نداده و نیز زنانان را که مادر بخوانید مادر شما و پسر دیگری را که فرزند بخوانید پسر شما قرار نداده این گفتار شما زبانی و غیر واقعست و خدا سخن به حق میگوید و شما را به حقیقت راهنمائی میکند (۵) شما پسر خوانده ها را به پدرانشان نسبت دهید که این نزد خدا به عدل و راستی نزدیکتر است و اگر پدرانشان را نشناسید باز فرزند و رث بر شما نیستند بلکه در دین برادران و یاران شما هستند و در کار ناشایسته ای که به خطا کنید بر شما گناهی نیست لیکن آن کار زشتی که به عمد و با اراده قلبی میکنید بر آن گناه مواخذه میشود و اگر از این هم پشیمان شوید و توبه کنید باز خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۶) پیغمبر اولی و سزاوارتر به مومنان است از خود آنها یعنی باید حکم و اراده او را مومنان مقدم بر اراده خود بدانند و از جان و مال در اطاعتش مضایقه نکنند و آنان پیغمبر (ص) در اطاعت و عطف و حرمت نکاح به حکم مادران مومنان هستند و خویشاوندان نسبی شخص در حکم ارث بعضی بر بعضی دیگر در کتاب خدا مقدمند از مهاجر و انصار که با هم عهد برادری بسته اند مگر آنکه به نیکی و احسان بر دوستان خود از مهاجر و انصار وصیتی کنید که این تقدم وصیت بر ارث خویشان هم در کتاب حق مسطور گردیده است (۷) یاد آر آنگاه که ما از پیغمبران عهد و میثاق گرفتیم و هم از تو و پیش از تو از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی مریم از همه پیمان محکم گرفتیم که با هر مشقت و زحمتی است رسالت خدا را به خلق ابلاغ کنند (۸) تا راستگویان عالم یعنی انبیاء و مومنان امت را از

حقیقت و صدق ایمانشان باز پرسند و آنها را پاداش کامل تبلیغ رسالت و عمل صالح دهند و اهل کفر را به کیفر تکذیب رسل عذابی سخت دردناک مهیا کنند(۹) ای اهل ایمان به یاد آرید نعمتی را که خدا به شما عطا کرد وقتی که لشکر بسیاری از کافران بر علیه شما جمع شدند پس ما به مدد و یاری شما بادی تند و سپاهی بسیار از فرشتگان که به چشم نمیدیدید فرستادیم و خدا خود به اعمال شما آگاه بود(۱۰) یاد آرید وقتی را که در جنگ احزاب لشکر کفار از بالا و زیر بر شما حمله ور شدند و چشمها حیران شد و جانها به گلو رسید و به وعده خدا گمانهای مختلف کردید مومنان حقیقی به وعده حق و فتح اسلام خوش گمان و دیگران بد گمان و ترسان بودند(۱۱) در آنجا مومنان امتحان شدند و ضعیفان در ایمان سخت متزلزل گردیدند(۱۲) و نیز در آن هنگام منافقان و آنان که در دلهاشان شک و ریب بود با یکدیگر میگفتند دیدی آخر آن وعده فتح و نصرتی که خدا و رسول به ما دادند غرور و فریبی بیش نبود(۱۳) و در آن وقت طایفه ای از آن کفار و منافقان دین گفتند ای یثربیان دیگر شما را در مدینه جای ماندن نیست که همه کشته خواهید شد از گرد پیغمبر متفرق شوید و به شهر و دیار خویش باز گردید و در آن حال گروهی از آنها برای رفتن از پیغمبر اجازه خواسته و میگفتند خانه های ما دیوار و حفاظی ندارد در صورتی که دروغ میگفتند و مقصودشان جز فرار از جبهه جنگ نبود(۱۴) و اگر دشمنان دین از اطراف به شهر و خانه شان از پی غارت هجوم آرند سپس از آنها تقاضای بازگشت به کفر و شرک کنند آنان اجابت خواهند کرد در صورتی که اندک زمانی بیش در مدینه با آن شرک زیست نخواهند کرد و سپس همه هلاک میشوند(۱۵) و آن منافقان از این پیش در جنگ احد که اکثر فرار کردند با خدا عهد محکم بسته بودند که به جنگ پشت نکنند و خلق بر عهد خدا اگر پیمان حق را نگهدارند یا بشکنند به ثواب و عقاب مسئول خواهند بود(۱۶) ای رسول ما منافقان را بگو اگر از مرگ یا قتل فرار میکنید آن فرار هرگز به نفع شما نیست چه آنکه اندک زمانی بیش از زندگی کامیاب نخواهید شد(۱۷) ای رسول به آنها بگو اگر خدا به شما اراده بلا و شری کند یا اراده لطف و مرحمتی فرماید آن کیست که شما را از اراده خدا به خیر یا شر منع تواند کرد و هرگز خلق را جز خدا هیچ یار و یآوری نخواهد بود(۱۸) خدا از حال آن مردم منافق که مسلمین را از جنگ میترسانند و باز میدارند و به برادران و طایفه خود میگویند با ما متفق باشید نه با مومنان به خوبی آگاهست و آنها جز اندک زمانی آن هم برای نفاق و ریا کاری به جنگ حاضر نمیشوند(۱۹) آنها به هر نوع کمک مالی و غیره بر شما مومنان بخل می ورزند و اگر جنگ و خطری پیش آید آنها را چنان بینی که از شدت ترس بر تو با چشمی که از بیم دوران میزند نگاه میکنند مانند کسی که از سختی مرگ حال بیهوشی به او دست دهد و باز وقتی که جنگ و خطر بر طرف شد و فتح و غنیمتی بدست آمد سخت با زبان تند و گفتار خشنا کمال حرص و بخل مطالبه غنیمت میکنند اینان هیچ به خدا ایمان نیاورده اند خدا اعمالشان را چون همه ریا است محو و نابود میگرداند و این بر خدا آسانست(۲۰) و آن منافقان گمان کنند که لشکرهای کافران هنوز از دور مدینه نرفته و شکست نخورده اند و اگر آن دشمنان بار دیگر بر علیه اسلام لشکر کشند باز منافقان آرزوشان اینست که در میان اعراب بادیه از جنگ آسوده و برکنار باشند و از اخبار جنگی شما جو یا می شوند و اگر هم در میان سپاه شما در آیند جز اندکی آنهم به ریا و نفاق به جنگ نپردازند(۲۱) البته شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو خیر و سعادت بسیار نزد خداست برای آن کس که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند(۲۲) و مومنان چون لشکر و نیروهای کفار را به چشم دیدند به جای آن که از کثرت آنها بیمناک شوند بس بر ثبات و ایمانشان بیفزود و گفتند این همان جنگی است که خدا و رسول از پیش وعده دادند(۲۳) برخی از آن مومنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند بسیاری از مفسرین گفتند قضی نجه عبیده و حمزه و جعفر که در بدر و احد و موته شهید شدند مراد است و من ینتظر علی (ع) است که در کوفه به محراب عبادت شهید گشت(۲۴) تا آنکه خدا آن مردان راستگوی باوفا را از صدق ایمانشان پاداش نیکو بخشد و منافقان را به عدل عذاب کند اگر بخواهد یا به لطف توبه شان پذیرد که خدا بر خلق

بسیار آمرزنده و مهربانست (۲۵) و خدا کافران را در جنگ احزاب با همان خشم و غضبی که به مومنان داشتند بی آنکه هیچ خیر و غنیمتی به دست آورند ناامید بر گردانید و خدا امر جنگ را به فرستادن باد صرصر و سپاه فرشتگان غیبی از مومنان کفایت فرمود که خدا بسیار توانا و مقتدر است (۲۶) و آن گروه اهل کتاب از یهودان که پشتیبان و کمک مشرکان بودند خدا از حصار و سنگرهاشان فرود آورد و در دلشان از شما مسلمین ترس افکند تا آن که گروهی از آنها را به قتل رسانیده و گروهی را اسیر گردانیدند (۲۷) و شما را وارث سرزمین و دیار و اموال آنها کرد و نیز سرزمینی را که هیچ بر آن قدم به جنگ ننهادید نصیب شما گردانید و خدا بر هر چیز بخواهد تواناست (۲۸) ای پیغمبر گرامی با زنان خود بگو که اگر شما زندگانی با زیب و زیور دنیا راطالید بیاید تا من مهر شما را پرداخته و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم (۲۹) و اگر طالب خدا و رسول و مشتاق دار آخرت هستید همانا خدا به نیکوکاران از شما آنان در قیامت اجر عظیم عطا خواهد کرد (۳۰) ای آنان پیغمبر از شما هر که به کار ناروایی دانسته اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر خدا سهل و آسانست (۳۱) و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود پاداشش را دو بار عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکو در بهشت ابد مهیا سازیم (۳۲) ای آنان پیغمبر شما مانند دیگران از آنان نیستید بلکه مقامتان رفیعتر است اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن مگوئید مبادا آنکه دلش بیمار هوا و هوس است به طمع افتد بلکه متین و درست و نیکو سخن گوئید (۳۳) و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و بی حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خود آرائی مکنید و نماز پیا دارید و زکات مال به فقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید. خدا چنین می خواهد که رجس هر آلائش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند ذیل آیه موافق اخبار شیعه و اهل سنت راجع به شخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام است و اگر راجع به آنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مونث ذکر شود و به سیاق جمل صدر آیه باشد (۳۴) و از آن همه حکمت و آیات الهی که در خانه های شما تلاوت میشود متذکر شوید و پند گیرید و بدانید که همانا خدا را به خلق لطف و مهربانست و به حال همه آگاهست (۳۵) همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان و مردان و زنان اهلطاعت و عبادت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خداترس خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان باحفاظ خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند بر همه آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است (۳۶) هیچ مرد و زن مومن را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست که رای خلافی اظهار نمایند و هر کس نافرمانی خدا و رسول کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است پیغمبر آئین دختر عمه اش را به آید غلام آزاد کرده خود ازدواج کرد و آئین گفت من از اشراف قریشم غلامی را به شوهری نپذیرم این آیه نازل شد و پذیرفت (۳۷) و چون تو با آن کس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تواس نعمت آزادی یعنی آید حارثه به نصیحت گفתי برو زن خود را نگهدار و از خدا بترس و طلاقش مده و آنچه در در پنهان میداشتی که آئین را بگیری و حرمت ازدواج با آن پسرخوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از خدا سزاوارتر بود بترسی پس ما هم بدین غرض چون آید از آن زن کام دل گرفت و طلاقش داد او را ما به نکاح تو آوردیم تا بعد از این مومنان در نکاح آنان پسر خوانده خود که از آنها کامیاب شدند و طلاق دادند بر خویش حرج و گناهی نپندارند و فرمان خدا به انجام رسید (۳۸) پیغمبر را در حکمی که خدا در نکاح آنان پسر خوانده بر او مقرر فرموده گناهی نیست سنت الهی در میان آنان که در گذشتند هم اینست که انبیاء را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است و فرمان خدا حکمی نافذ و حتمی خواهد بود (۳۹) این سنت خداست در حق آنان که تبلیغ رسالت خدا به خلق کنند و از خدا میترسند و از هیچکس جز خدا نمیترسند و خدا برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی کفایت میکند (۴۰) محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما آید یا عمرو نیست پس زینب آن فرزند پیغمبر نبود و پس از طلاق او را تواند گرفت لیکن او رسول خدا و خاتم انبیاست و خداهمیشه حکمش وفق حکمت و مصلحت است زیرا او بر همه امور عالم

آگاهست (۴۱) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید ذکر حق و یاد خدا به دل و زبان بسیار کنید (۴۲) و دایم صبح و شام به تسبیح و تنزیه ذات پاکش پردازید (۴۳) اوست خدائی که هم او و هم فرشتگانش بر شما بندگان رحمت میفرستند تا شما را از ظلمتهای جهل و نقص و گمراهی بیرون آورد و به عالم نور علم و ایمان رساند و او بر اهل ایمان بسیار رئوف و مهربانست (۴۴) تحیت مومنان و پذیرائی ایشان روزی که به لقاء رحمت حق نائل شوند سلام خدا و بشارت لطف الهی خواهد بود و بر آنها پاداش باکرامت و شرافت مهیا فرموده است (۴۵) ای رسول گرامی ما تو را به رسالت فرستادیم تا بر نیک و بد خلق گواه باشی و خوبان را به رحمت الهی مژده دهی و بدان را از عذاب خدا بترسانی (۴۶) و به اذن حق خلق را به سوی خدا دعوت کنی و در این شب ظلمانی جهان چراغ فروزان عالم باشی (۴۷) مومنان را بشارت ده که خدا را بر آنان فضل و رحمت عظیم و ثواب بزرگ خواهد بود که از حد تصور آنها بیرون است (۴۸) ای رسول هرگز به فرمان کافران و منافقان مباش و از جور و آزارشان در گذر و کار خود به خدا واگذار که خدا بر کفالت و کارسازی امور خلق کفایت است (۴۹) ای مردان با ایمان هر گاه زنان مومنه را به عقد خود در آورده و پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان دادید در این صورت از شما ننگه داشتن عده بر آنها نیست پس آنها را به چیزی بهره مند و به نیکی رها سازید (۵۰) ای پیغمبر گرامی ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مومنه ای که خود را به رسول بی شرط و مهر ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد که این حکم هبه و بخشیدن آن و حلال شدن او مخصوص تو است دون مومنان که ما حکم آنان عقدی و کنیزان ملکی مومنان را پیشتر با شرایط و عدد و حقوق آنها بر شوهر همه را به علم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم و تو را مانند مومنان امت به احکام نکاح مقید نکردیم بدین سبب بود که بر وجود عزیز تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد. و خدا را بر بندگان خصوص بر تو مغفرت و رحمت بسیار است (۵۱) تو ای رسول هر یک از زنان را خواهی نوبتش موخر دار و هر که را خواهی به خود بپذیر و هم آن را که به قهر از خود راندی اگرش به مهر خواندی باز بر تو باکی نیست این آزادی و مختار مطلق بودن بر آنان بهتر و شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک باید محزون نباشند بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همه خشنود باشند. و خدا به هر چه در دل شما مردم است آگاهست و خدا بر نیک و بد خلق دانا و بر عفوشان کریم و بر انتقامشان بردبار است (۵۲) ای رسول بعد از این زنان دیگر نه عقد هیچ آن بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان به دیگر آن هر چند از حسنش بشگفت آئی و بسیار در نظرت زیبا آید مگر که کنیزی مالک شوی. و خدا بر هر چیز و بر حدودش مراقب و نگهبانست (۵۳) ای کسانی که به خدا ایمان آوردید به خانه های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه اذن دهد و بر سفره طعامش دعوت کند در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به پروف غذا چشم انتظار گشائید بلکه موقعی که دعوت شده اید بیائید و چون غذا تناول کردید زود از پی کار خود متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به سخن رانی پردازید که این کار پیغمبر را آزار میدهد و او به شما از شرم اظهار نمیدارد ولی خدا را از شما بر اظهار حق خجلتی نیست. و هر گاه از آنان رسول متاعی میطلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دلهای شما پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را در حیات بیازارید و نه پس از وفات هیچگاه زانانش را به نکاح خود در آورید که این کار نزد خدا گناهی بسیار بزرگ است (۵۴) و از خدا بترسید که هر چیزی را اگر آشکار یا پنهان کنید خدا بر آن و بر همه امور جهان کاملاً آگاهست (۵۵) و آنان را باکی نیست که بر پدران و فرزندان و برادرانشان و برادر و خواهرزادگان و زنان مسلمان و کنیزان ملکی و نابالغ غلامان بی ریه بی حجاب در آیند و از غیر اینها باید احتجاب کنند و از خدا در خیانت و زشتی پنهان بترسند که خدا بر همه چیز کاملاً گواه و آگاه است (۵۶) خدا و فرشتگانش بر روان پاک این پیغمبر صلوات و درود میفرستند شما هم ای اهل ایمان بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و جلال بر او سلام گوئید و تسلیم فرمان او شوید (۵۷) آنانکه خدا و رسول را به عصیان و مخالفت آزار و اذیت میکنند خدا آنها را درد دنیا و آخرت لعن کرده و از رحمت خود دور گرداند بر آنان عذابی با ذلت و

خواری مهیا ساخته است (۵۸) و آنان که مردان و زنان با ایمان و بی تقصیر و گناه را بیازارند بترسند که دانسته گناه و تهمت بزرگی را مرتکب شده اند (۵۹) ای پیغمبر گرامی با آنان و دختران خود و زنان مومنان بگو که خویشان را به چادر فروپوشند که این کار برای اینکه آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعریض و جسارت هوس رانان آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربانست (۶۰) البته بعد از این اگر منافقان و آنانکه در دلهاشان مرض و ناپاکیست و هم آنها که در مدینه بر ضد اسلام تبلیغات میکنند و دل اهل ایمان را مضطرب و هراسان می سازند دست از این زشتی و بدکاری نکشند ما هم تو را بر قتال آنها برانگیزیم و بر جان و مال آنها مسلط گردانیم تا از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در جوار تو زیست نتوانند کرد (۶۱) این مردم پلید بدکار رانده درگاه حقند باید هر جا یافت شوند آنان را گرفته و جدا به قتل رسانید (۶۲) این سنت خدا و طریقه حق است که در همه ادوار امم گذشته برقرار بوده که منافقان و فتنه انگیزان را رسولان حق به قتل رسانند و بدان که سنت خدا هرگز مبدل نخواهد گشت (۶۳) ای رسول ما، مردم از تو می پرسند که ساعت قیامت کی خواهد بود جواب ده که آن را خدا میداند و بس و تو ای رسول چه میدانی بگو به این مردم غافل شاید آن ساعت بسیار موقعش نزدیک باشد (۶۴) خدا کافران را لعن کرد و بر آنان آتش دوزخ مهیا گردانید (۶۵) آنان در آن دوزخ همیشه معذبند و بر نجات خود هیچ یار و یآوری نخواهند یافت (۶۶) در آن روز صورتهایشان بر آتش همی بگردد و فریاد پشیمانی از دل برکشند و گویند ای کاش که ما به دنیا خدا و رسول را اطاعت می کردیم (۶۷) و گویند ای خدا ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان فاسد خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشیدند (۶۸) و تو ای خدا عذاب آنان را سخت و مضاعف ساز و به لعن و غضب شدید گرفتارشان گردان (۶۹) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید شما مانند آن مردمی نباشید که پیغمبرشان موسی را به تهمت زنا و قتل هارون و دیگر عیجوتیها بیازردند تا آن که خدا از آن تهمتشان منزّه ساخت و پاک دامینش بر همه روشن گردانید و او نزد خدا پیغمبری مقرب و محترم بود (۷۰) ای اهل ایمان متقی و خداترس باشید و همیشه به حق و صواب سخن گوئید (۷۱) تا خدا اعمال شما را به لطف خود اصلاح فرماید و از گناهان شما درگذرد. و هر که خدا و رسول را اطاعت کند البته به سعادت و فیروزی بزرگ نائل گردیده است (۷۲) ما بر آسمانها و زمین و کوه های عالم و قوای عالی و دانی ممکنات عرض امانت کردیم و به آنها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند تا انسان ناتوان پذیرفت و انسان هم در مقام آزمایش و اداء امانت بسیار ستمکار و نادان بود که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت (۷۳) این عرض امانت برای این بود که خدا مرد و زن منافق و مرد و زن مشرک همه رابه قهر و عذاب گرفتار کند و از مرد و زن مومن به رحمت درگذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۷۴)

سبأ

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ستایش و سپاس مخصوص خداست که هر آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست و در عالم آخرت نیز شکر و سپاس مخصوص خداست زیرا نعمتهای دنیا و آخرت همه عطای اوست و او به نظم آفرینش حکیم و به همه امور عالم آگاهست (۲) او هر چه درون زمین رود از اموات و بذرها و هسته ها و قطرات و هر چه از زمین بدرآید از درختان و حبوبات و چشمه ها و معادن و هر چه از آسمان فرود آید از فرشتگان و ارواح و ارزاق و هر چه بر آسمان بالا رود از اعمال صالح و ارواح پاک همه را میداند و اوست که بر بندگان بسی مهربان و بخشاینده است (۳) و کافران منکر قیامت گفتند که هرگز ساعت قیامت بر ما نمی آید ای رسول به آنها بگو به خدای من قسم که البته می آید و او بر غیب جهان آگاهست و مقدار ذره یا کمتر و بیشتر از ذره ای از موجودات عالم در همه آسمانها و زمین نیست جز آنکه در کتاب علم ازلی حق آشکار است (۴) تا مطابق آن علم آنان را که به خدا ایمان آورده و به اعمال صالح پرداختند در قیامت پاداش نیکو دهد که آمرزش حق و رزق نیکوی بهشتی

مخصوص آنها است (۵) و آنان که از کفر و عناد در محو و نابود ساختن آیات ما سعی و کوشش کردند تا مگر رسول ما را ناتوان کنند و از قهر و قدرت ما بیسایند بر آنها عذاب سخت دردناک خواهد بود (۶) و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند یعنی مومنان و نیکان اهل کتاب یقین داشتند که قرآنی که بر تو نازل شده از جانب پروردگار تو برای هدایت خلق به حق نازل گردیده است و رهنمای خلق به راه خدای بی همتای ستوده صفاتست (۷) و کافران به تمسخر و استهزاء مومنان با مردم میگفتند که آیا میخواهید شما رابه مردی رهبری کنیم که میگوید شما پس از آنکه مرید و ذرات جسمتان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد؟ (۸) آیا این مرد یعنی محمد (ص) به این دعوی که میکند دانسته به خدا دروغ می بندد یا جنون بر این گفتارش وامیدارد؟ بگو ای جاهلان اینها که می پندارید هیچ نیست بلکه قیامت بزودی بیاید و آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند آنجا در عذاب و اینجا در گمراهی دور از نجات گرفتارند (۹) آیا کافران منکر قیامت به آسمان و زمین که بر آنها از پیش و پس احاطه کرده نینگرند تا از حکمت خلقت پی به زندگانی ابدی قیامت برند و اگر ما بخواهیم آنها را به زمین فرومیریم یا یک قطعه از آسمان را بر سرشان فرود آوریم باری در وضع آسمان و زمین بنگرند که در آن آیت حکمت و قدرت ما بر هر بنده خداشناس با اخلاص بخوبی پدیدار است (۱۰) و ما حظ و بهره داود را به فضل و کرم خود کاملاً افزودیم و امر کردیم که ای کوه ها و ای مرغان شما نیز با تسبیح و نغمه الهی داود هم آهنگ شوید و آهن سخت را چون موم بدست او نرم گردانیدیم (۱۱) و به او دستور دادیم که از آهن آره بساز و حلقه آره به اندازه و یک شکل گردان تا بدن را نرم و نگاهبان باشد و خود با قومت همه نیکوکار باشید که من کاملاً به هر چه کنید آگاهم (۱۲) و باد را مسخر سلیمان ساختیم تا بساطش را صبحگاه یکماه راه برد و عصر یکماه و معدن مس گداخته یا نعب یا معادن دیگر را برای او جاری گردانیدیم و برخی از دیوان به اذن پروردگار در حضورش به خدمت پرداختند و از آنها هر که سر از فرمان ما بیچد عذاب آتش سوزانش میچشانیم (۱۳) آن دیوان بر او و هر چه میخواست از کاخ و عمارات و معابد عالی و نقوش و تمثالها و ظروف بزرگ مانند حوضها و دیگهای عظیم که بر زمین کار گذاشته بودی همه را میساختند اینک ای آل داود شما شکر و ستایش خدا بجای آرید و هر چند از بندگان من عده قلیلی شکر گزارند (۱۴) و چون ما بر سلیمان مرگ را مامور ساختیم دیوان را بر مرگ او به جز حیوان چوبخواری موربانه که عصای او را خورد و جسد سلیمان که تا یک سال بر آن عصا تکیه داشت بر روی زمین افتاد کسی دیگر به مرگ او رهبر نگشت پس دیوان که از مرگ سلیمان آگاه شدند اگر از اسرار غیب آگاه بودند تا دیر زمانی در عذاب و ذلت و خواری باقی نمی ماندند و از اعمال شاقه ای که به اجبار انجام میدادند همانندم که سلیمان مرد دست میکشیدند (۱۵) و برای اولاد سبا در وطنشان سرزمین یمن و شام از جنوب و شمال دو سلسله باغ و بوستان آیت لطف و رحمت حق بود همه پر نعمت و به آنها گفتیم که بخورید از رزق خدای خود و شکر وی بجای آرید که مسکنتان شهری نیکو و پر نعمت است و خدای شما غفور و مهربان است (۱۶) با وجود این باز از شکر خدا و طاعت حق اعراض کردند ما هم سیلی سخت بر هلاک ایشان فرستادیم و به جای آن دو نوع باغهای پر نعمت دو باغ دیگرشان دادیم که بار درختانش تلخ و ترش و بد طعم و شوره گز و اندکی درخت سدر بود (۱۷) این کیفر کفران آنها بود و آیا ما با مرحمتی که به بندگان داریم تا کسی کفران نکند مجازاتش خواهیم کرد؟ (۱۸) و ما به میان آنها و شهرهائی که در آنجا پر نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه های نزدیک بهم قرار دادیم با فاصله کوتاه و سیر سفری معین و آنها را گفتیم که در این ده و شهرهای نزدیک بهم شبان و روزان با ایمنی کامل مسافرت کنید و از نعمت همه بهره مند شوید. امام صادق (ع) فرمود مقصود از شهر پیغمبر و قریه امام و نعمت علوم آنهاست (۱۹) باز آنها گفتند بارالها سفرهای ما را دور و دراز گردان و به این تقاضای بیجا بر خویش ستم کردند ما هم آنها را عبرت داستانها کردیم و بکلی متفرق و پراکنده ساختیم در این عقوبت برای مردمان پرصبر و شکر آیات عبرت و حکمت آشکار است (۲۰) و شیطان گمان باطل خود را سخت به صدق و حقیقت در نظر مردم جلوه داد تا جز فرقه کمی از اهل ایمان همه او را تصدیق کردند و پیرو او شدند (۲۱) در صورتی که شیطان بر مردمان تسلطی نداشت بلکه از حرص دنیا پیرو او شدند و شیطان را بر

این داشتیم تا به امتحان آن کس که به عالم قیامت ایمان آورد از آن کس که شک دارد بر خودشان معلوم گردانیم و خدای تو بر هر چیز نگهبان و آگاه است (۲۲) ای رسول ما مشرکان را بگو آنهایی را که به جز خدا شما موثر پنداشتید هیچیک مقدار ذره ای در آسمانها و زمین مالک نیستند و با خدا شرکتی در خلقت آسمان و زمین نداشته و به او در آفرینش یاری و کمکی نکرده اند (۲۳) و شفاعت کسی هم جز آنکه خدا به او اذن شفاعت داده سودمند نیست پس از اینان چشم شفاعت مدارید و خاصان و انبیاء را در دنیا و آخرت شفیع خود قرار دهید تا چون آن خاصان از دلهاشان اضطراب جلال و سطوت الهی برطرف شود پرسند خدای شما در باب شفاعت چه فرمود پاسخ دهند که حق و درستکاری و شفاعت مومنان نه مشرکان و منافقان فرمود که او خدای بلند مرتبه بزرگوار است و هیچکس را جرئت مخالفت امرش نیست (۲۴) ای رسول مشرکان را بگو آنکه از نعم آسمانها و زمین به شما روزی میدهد کیست اگر آنان نمیدانند تو جواب ده آن خداست و ما که موحدیم یا شما که مشرکید کدام در هدایت یا ضلالتیم بزودی معلوم شما خواهد شد (۲۵) باز بگو خدا داور عدل است شما را مسئول جرم ما و ما را مسئول کردار زشت شما هرگز نخواهد کرد (۲۶) باز بگو که خدا بین همه ما جمع کند آنگاه میان ما به حق فتح و داوری خواهد فرمود که او عقده گشای مشکلات و دانای اسرار عالم است (۲۷) باز بگو ای رسول شما به من آنان را که بعنوان شریک به خدا بستید نشان دهید چه قدرت و اثری در عالم دارند؟ هیچ بلکه خداست آنکه مقتدر بر جهان و با علم و حکمت در ایجاد است (۲۸) و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را به رحمت خدا بشارت دهی و از عذابش بترسانی نفرستادیم و لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند (۲۹) و کافران میگویند پس این وعده قیامتی که شما پیغمبران میدهید اگر راست میگوئید کی خواهد بود (۳۰) در جواب آنها بگو وعده گاه شما روزیست که البته بیاید و ساعتی تقدیم و تاخیر بر شما نخواهد یافت (۳۱) و کافران مشرک گفتند ما هرگز به این قرآن و به کتابهایی که پیش از این فرستاده انداز تورات و انجیل و زبور و غیره ایمان نخواهیم آورد وای بر آنها اگر روزی که آن ستمکاران را در پیشگاه خدا بازداشته اند مشاهده کنی در حالی که با یکدیگر به خصومت و گفتگو برخاسته و ضعیفان تابع به روسای گردنکش خطاب کنند که ای صد هزار نفرین بر شما مردم ریاست طلب دروغ زن باد که اگر غوای شما نبود مالبته ایمان می آوردیم (۳۲) و باز روسای متکبر با پیروان ضعیف خویش گویند آیا با آنکه از جانب خدا راه هدایت را به شما نمودند باز ما به اجبار شما را از هدایت منع کردیم؟ هرگز چنین نیست بلکه شما خود مردم بدکاری بودید و با اختیار به طمع دنیا پیرو ما شدید (۳۳) باز آنان که ضعیف و تابع بودند به روسای متکبر جواب دهند که مکر و فریب روزگار ما را بر آن داشت که به خدای یکتا کافر شویم و بر او شریک قرار دهیم و چون عذاب قیامت را به چشم مشاهده کنند سخت اظهار پشیمانی کنند و ما زنجیرهای عقاب بگردن همه فرماندهان و فرمان بران اهل کفر نهاده و گوئیم آیا این رنج و شکنجه جز کیفر کردار زشت شماست؟ (۳۴) و ما هیچ رسولی در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار به رسولان گفتند ما به رسالت شما کافریم و هیچ ایمان و عقیده به شما نداریم (۳۵) و باز گفتند که ما بیش از شما مال و فرزند داریم و چون نعمت دنیای ما افزون تر است در آخرت هم هرگز رنج و عذابی نخواهیم داشت (۳۶) ای رسول ما، بگو خدای من هر که را بخواهد روزی وسیع دهد و هر که را را بخواهد تنگ روزی گرداند و لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند گمان میکنند به سعی و کوشش آنها روزی وسیع و به ترک آن روزی تنگ می شود (۳۷) و هرگز اموال و اولاد شما چیزی که شما را به درگاه ما مقرب گرداند نیست مگر آنکه با ایمان و عمل صالح کسی مقرب شود و آنان پاداش اعمال صالحشان مضاعف و افزون است و در غرفه های بهشت ابدی از هر غم و رنج ایمن و آسوده خاطرند (۳۸) و آنان که در محو و نابودی آیات و رسل ما میکوشند تا رسولان ما را زبون و مغلوب خود کنند آنها را البته برای عذاب و انتقام حاضر خواهند کرد و به کیفر سخت میرسانند (۳۹) ای رسول ما، بگو خدای من هر که از بندگان را خواهد وسیع روزی یا تنگ روزی میگرداند و شما هر چه در راه رضای حق انفاق کنید به شما عوض می بخشد و او بهترین روزی دهنده است (۴۰) و ای محمد (ص) یادزر از آن روزی که خدا همه مردم را به عرصه محشر جمع آورد آنگاه به فرشتگان گوید آیا این گروهند که شما را معبود خود گرفتند (۴۱) فرشتگان زبان به

تسیح خدا گشوده و گویند بارالها تو از هر شرک و نقصی پاک و منزهی تو خدا و یاور مائی نه ایشان اینان جن و شیاطین را می پرستیدند و اکثرشان گرویده به آنها بودند که به ذات یکتای تو شرک آوردند (۴۲) پس در آن روز آدمیان هیچ مالک نفع و ضرر یکدیگر نیستند و ما آنان را که ظلم و ستم کردند گوئیم اینک بچشید عذاب آتشی را که تکذیب آن می کردید (۴۳) و چون توسط رسول برای کافران آیات روشن ما تلاوت شد گفتند این شخص که دعوی رسالت میکند جز آنکه مردیست که میخواهد شما را از دین پدرانتان برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد و نیز گفتند این قرآنش هم جز آنکه خود فرا بافته و به دروغبه خدا نسبت میدهد چیز دیگری نباشد و کافرانی که آیات حق بر هدایت آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحر است پیداست که چیز دیگری نیست (۴۴) در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که به آن سند تکذیب تو کنند و یا رسولی پیش از تو که به قول او بر رد تو دلیل آرند بر این مشرکان نفرستادیم (۴۵) و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر ثروت و جاه آن گذشتگان نرسیدند پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند مانند آنان اینان هم به کیفر میرسند (۴۶) ای رسول ما، بگو به امت که من به یک سخن شما را پند میدهم که اگر بشنوید البته هدایت یابید و آن سخن اینست که شما خالص برای خدا دو نفر دو نفر با هم یا هر یک تنها در امر دینتان قیام کنید و درباره من عقل و فکر کار بندید تا به خوبی دریابید که صاحب شما امت رسول خدا را جنون نیست و صاحب عقل کامل است و این نسبت به او از جهل و غرض است او رسول خداست و از عذاب سخت روز قیامت که شما را در پیش است میترساند (۴۷) باز ای رسول بگو آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آنهم برای شما باشد یعنی هرگز مزدی از شما نخواسته و نمیخواهم و شاید معنی این باشد که مودت و حب ذوی القربی که از شما مزد رسالت خواستم آنهم برای ثواب و سعادت خود شماست تنها پاداش رسالت من بر خداست و بس و او بر هر چیز دانا و گواهد (۴۸) باز ای رسول بگو خدای من حق را به وحی بر من لقا میفرماید که او به اسرار عوالم غیب آگاهست (۴۹) باز ای رسول بگو کتاب و رسول و یا شمشیر حق آمد و دیگر باطل در اول و آخر در دنیا و آخرت محو و نابود است (۵۰) باز ای رسول بگو اگر من به عقیده شما گمراه شده ام زیانش بر من است نه بر شما و اگر هدایت یافته ام آن به وحی خدای من است نه بهوش و تدبیر من که خدا البته دعای بندگان را شنوا و به قلوب خلق نزدیک است (۵۱) و اگر تو ای رسول سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند و هیچ از عذاب آنها فوت و زائل نشود و از مکان نزدیکی دستگیر شوند (۵۲) و کافران در آن حال که عذاب دوزخ را به چشم ببینند پشیمان شده و گویند ما به حق ایمان آوردیم و با اینهمه دوری از مقام ایمان کجا بدان مقام در قیامت نائل توانند شد؟ (۵۳) در صورتی که آنها به رسول حق جنون و سحر و کذب که از مقام او بسیار دور است نسبت میدادند (۵۴) و امروز میان آنها و آرزوهایشان که به دنیا برگردند یا توبه و ایمانشان را بپذیرند تا از عذاب رهایی یابند بکلی دوری و مابینت افکندند چنان که به امثال آنها از امم گذشته که آنها هم مانند اینان در شک و ریب بودند نیز چنین کردند (۵۵)

فاطر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سپاس خدای را است که آفریننده آسمانها و زمین است و فرشتگان را رسول پیمبران خود گردانید و دارای دو و سه و چهار بال و پر قدرت قرار داد و هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید که خدا بر بعث و ایجاد هر چیز قادر است (۲) دری که او از رحمت به روی مردم بگشاید هیچکس نتواند بست و آن در که او ببندد هیچکس جز او نتواند گشود و اوست خدای بی همتای با حکمت و اقتدار (۳) ای مردم متذکر شوید که چه نعمتها خدا به شما عطا فرمود آیا جز خدا آفریننده ای هست که از آسمان و زمین به شما روزی دهد هرگز جز آن خدای یکتا خدائی نیست پس ای مشرکان چگونه از درگاه حق رو به بتان باطل می آورید؟ (۴) ای رسول ما، غمین مباش اگر تو را این امت نادان تکذیب کردند پیمبران پیش از تو را نیز تکذیب کردند و باز گشت امور خلق بسوی خداست (۵) ای مردم البته وعده قیامت کتاب خدا حق است پس مبادا که زندگانی دنیای فانی شما را

مغرور سازد و مبادا سرگرم عصیان شوید و شیطان فریبنده از قهر و انتقام‌حق به عفو خدا مغرورتان گرداند (۶) شیطان سخت شما را دشمن است شما هم او را دشمن دارید و فریبتش نخورید و هشیار باشید که او حزب و سپاهش را برای غوای شما مهیا ساخته تا همه را مانند خوداهل دوزخ گرداند (۷) آنان که به خدا کافر شدند کیفر آنها عذاب سخت دوزخ است و آنان که ایمان آرند و نیکوکار گردند پاداش مغفرت خدا و اجر بزرگ بهشت ابد خواهد بود (۸) آیا آن کس که کردار زشتش به چشم زیبا جلوه گر شده تا از خود پسندی هر بد کرده در نظرش نیکو آمده مانند مرد متواضع و حقیقت بین است؟ خدا هر که را خواهد گمراه سازد یعنی به گمراهی واگذارد و هر که را خواهد هدایت فرماید پس تو ای رسول گرامی نفس شریف خود را بر هدایت این مردم به غم و حسرت نینداز که خدا بهر چه اینان کنند کاملاً آگاهست و بر نیک و بدشان پاداش و کیفر می‌دهد (۹) خداست آن که بادها را بفرستد تا ابرها را برانگیزد و آن ابر را ما به شهر و دیار مرده برانیم و به بارانش زمین را پس از مرگ خزان زنده گردانیم حشر و نشر مردگان هم به قیامت همین گونه است که همه ساله در زمین به چشم می‌بینید (۱۰) هر که طالب عزت است بداند که همانا در ملک وجود تمام عزت خاص خدا و خداپرستان است و دیگران همه خوار و ذلیلند کلمه نیکوی توحید و روح پاک آسمانی به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد و بر آنکه به مکر و تزویر اعمال بد کند عذاب سخت خواهد بود و فکر و مکرشان بکلی نابود خواهد شد (۱۱) خدا شما نوع بشر را نخست مردی از خاک بیافرید و سپس از نطفه آن مرد دیگری را خلق کرد و بعد از آن شما را جفت مرد و زن قرار داد و دستگاه خلقت بشر را بر عشق و میل این دو به یکدیگر بنهاد و آنچه آنان بارگیرند و بزایند جز به علم و اراده او نخواهد بود و کسی عمر طولانی نکند یا از عمرش نکاهد جز آنکه همه در کتاب علم ازلی حق ثبت است و این ضبب اعمار و آجال خلق بر خدا بسیار آسانست (۱۲) و هرگز آن دو دریا که آب این یک گوارا و شیرین و آن دگر تلخ و شور است یکسان نیستند با وجود این شما از هر دو گوشت تازه تناول کنید و زیورها چون لولو و مرجان از آن استخراج کرده که در پوشیده و زیب و زیور تن سازید و در آن کشتیها روان بینی تا از فضل خدا کسب و تجارت کرده و روزی طلبد، باشد که شکر گزار نعمتش گردید (۱۳) خداست که شب را درون پرده روز پنهان سازد و روز را درون پرده شب و خورشید و ماه را مسخر کرده تا هر یک به مقدار معین و مدار خاصی میگردند او خدای آفریننده شماست که همه ملک هستی از اوست و به غیر او معبودانی را که به خدائی میخوانید در جهان دارای پوست هسته خرمائی نیستند (۱۴) اگر آنها را بخوانید چون جمادند نشنوند و اگر بشنوند مانند عیسی و عزیر و فرشتگان و فراعنه چون بنده اند بی اذن خدا به شما جواب ندهند و روز قیامت چون آنها را شریک خدا گرفتید شما را کافر دانند و ای رسول و ای امت هیچکس مانند خدای دانا تو را به حقیقت آگاه نگرداند (۱۵) ای مردم شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی نیاز و غنی بالذات و ستوده صفاتست (۱۶) اگر بخواید همه شما را به دیار عدم فرستد و خلقی از نو به عرصه وجود آرد (۱۷) و هیچ این کار بر خدا دشوار نیست (۱۸) و هیچکس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد و آنکه بارش سنگین است اگر دیگری را هر چند خویش و پدر و فرزند هم باشد کمک بر سبکباری خود طلبد ابدای ازدوشش بر ندارد. و تو ای رسول تنها آنان را که در خلوت و پنهانی از خدای خود میترسند و نماز بپا میدارند توانی خدا ترس و پرهیزکار گردانی و بر ایمانشان بیفزائی و هر کس خود را از کفر و گناه و اخلاق زشت پاک و منزّه ساخت سود و سعادتش بر خود اوست و بازگشت همه به سوی خداست (۱۹) و هرگز کافر تاریک جان کور و مومن روشن روان بینا یکسان نیست (۲۰) و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود (۲۱) و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشد (۲۲) و ابدای زندگان علم و ایمان با مردگان جهل و عصیان برابر نیستند. و ای رسول بدان که خدا هر که را بخواید شنوای کلام حق سازد و اما تو آن کس را که در گورستان کفر و جهالت و شهوت پرستی فرورفته هرگز شنوا نتوانی کرد (۲۳) تو جز آنکه خلق را از کیفر اعمال بد بترسانی به کاری مامور نیستی (۲۴) ما تو را به حق و راستی به سوی خلق فرستادیم تا خوبان را به بهشت ابد بشارت‌دهی و بدان را از قهر حق بترسانی و هیچ امتی نبوده جز آنکه در میانشان ترساننده ای و رهنمائی بوده است (۲۵) و ای رسول اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که پیشینیان هم پیغمبرانی را که

با آیات و معجزات و کتب و حجت روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند (۲۶) ما هم از آن کافران مواخذه شدید کردیم و چقدر قهر و عذاب من به کیفر کفر بر آنها سخت بود (۲۷) آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان فرود آورد و به آن انواع میوه های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد و در زمین از کوه ها طرق زیاد و اصناف و رنگهای مختلف، سفید و سرخ و سیاه خلقت فرمود (۲۸) و از اصناف مردم و اجناس جنبندگان و حیوانات نیز به رنگهای مختلف آفرید همین گونه بندگان هم مختلفند و از میان اصناف بندگان تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خداترسند و البته خدا عزیز و توانا و بخشنده گناهانست (۲۹) و آنها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز پیامدارند و از آنچه خدا روزیشان فرموده پنهان و آشکار به فقیران انفاق میکنند و از لطف خدا امید تجارتی دارند که هرگز زیان و آوال نخواهد یافت بلکه سود ابدی در بهشت ابد خواهد داشت (۳۰) تا خدا به آنها پاداش کامل عطا کند و از فضل و کرم باز بر ثوابشان بیفزاید که خدا از خطای مومنان بسیار بیامرزد و به شکر گزاران احسان فراوان کند (۳۱) و آنچه از کتاب آسمانی قرآن بر تو وحی فرستادیم آن حق است که کتب آسمانی تورات و انجیل که پیش از اوست حقانیتش را تصدیق میکنند تو از تکذیب کافران میندیش که خدا به اعمال بندگان کاملاً بصیر و آگاهست و به کیفر کردارشان خواهد رسانید (۳۲) پس از آن پیمبران سلف ما آن خاندان را که از بندگان خود برگزیدیم یعنی رسول خاتم و آتش صلی الله علیه و آله وارث علم قرآن گردانیدیم باز هم بعضی از آنها یعنی فرزندان یا عترت او به نفس خود ظلم کردند و بعضی راه عدل پیمودند و برخی به هر عمل خیر با جان و دل به دستور حق سبقت گیرند این رتبه است در حقیقت همان فضل بزرگ و عطای بی منتهای الهی (۳۳) همان بهشت ابدی که در آن داخل شوند و با آر و گوهرهای آن به دست و بدن زیور بندند و جامه حریر و پرند دربر کنند (۳۴) و به سپاس آن نعمتهای بی حساب زبان به ستایش خدا گشوده و گویند حمد خدا را که حزن و اندوه ما ببرد و شادی بی حد عطا فرمود همانا خدای ما بسیار بخشنده جرم گناهکاران و پاداش دهنده سپاس شکر گزاران است (۳۵) شکر آن خدای را که از لطف و کرم ما را به منزل دائمی بهشت وارد کرد که در اینجا هیچ رنج و المی به ما نرسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت (۳۶) و آنان که کافر شدند عذاب ایشان آتش دوزخست که نه به پایان رسد تا بمیرند و نه تخفیف یابد تا آسوده شوند این گونه هر کافر لجوجی را کیفر میکنیم (۳۷) و آن کفار در آتش دوزخ فریاد و ناله کنند که ای پروردگار ما را از این عذاب بیرون آور تا بر خلاف گذشته به اعمال نیک پردازیم خطاب شود آیا شما را عمری مهلت ندادیم و رسولان بر شما نفرستادیم تا هر که قابل تذکر و پند شنیدن استاین روز را متذکر شود؟ و در دنیا به توبه پردازد پس امروز عذاب دوزخ را بچشید که ستمکاران را هیچ یار و نجات دهنده ای نخواهد بود (۳۸) خدا کاملاً به اسرار غیب آسمانها و زمین سر منزل شما داناست و به افکار و اندیشه دلها هم آگاهست (۳۹) اوست خدائی که شما را در زمین جانشین امم گذشته قرار داد اینک هر کس کافر شود زیان کفر بر خود اوست و کفر کافران نزد خدا چیزی جز خشم و غضب حق نیفزاید و کفر کافران چیزی جز خسارت و زیان بر آنها نخواهد افزود (۴۰) ای رسول ما، مشرکان را بگو شما که خدای یگانه را رها کرده و بتان را شریک خدا خواندید با من بگوئید و نشان دهید که این بتان آیا چیزی در زمین آفریده اند یا شرکتی در خلقت آسمانها با خدا داشته اند یا حجت و کتابی بر آنها از جانب حق آمده که بر عقیده شرک خود برهانی آرند هیچ یک از اینها نیست بلکه ستمکاران مشرک را حجتی جز وعده دروغی که به آن یکدیگر را میفریبند چیزی در دست نیست (۴۱) محققاً خدا آسمانها و زمین را از اینکه نابود شود نگاه میدارد و اگر رو به آوالنهند گذشته از او هیچکس آنها را محفوظ نتواند داشت و بدانید که خدا بر کفر و گناه خلق بسیار بردبار و آمرزنده است (۴۲) مشرکان عرب محکمترین قسم به نام خدا یاد میکردند که اگر پیغمبری از جانب خدا برای هدایت آنها بیاید از هر یک از امم یهود و نصاری زودتر و بهتر هدایت یابند و آنگاه که رسول آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود (۴۳) بدین جهت که میخواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند و مکر زشت و فکر بدکاری جز صاحبش احدی را هلاک نخواهد کرد و آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا در هلاک بداندیشان هرگز مبدل نخواهد شد و طریقه حق و سنت الهی هرگز تغییر نمی

پذیرد (۴۴) آیا این مردم در روی زمین سیر نمیکنند تا عاقبت کار ستمکاران پیش از خود را که نیرو و اقتدارشان هم بسیار بیش از اینان بود به دیده عبرت بنگرند و هیچ موجودی در آسمان و زمین از قدرت خدا نتواند کاست بلکه در مقابل قدرت کامله او همه عالم زبون و عاجز است که همانا خدا در ازل و ابد عالم قادر مطلق است (۴۵) و اگر خدا از کردار زشت خلق مواخذه کند در پشت زمین هیچ جنبنده ای باقی نگذارد و لیکن کیفر خلق را به تخییر میافکند تا به وقت معین که حکمتش اقتضا کند و چون هنگام اجل مردی و گاه کیفر قومی فرا رسد خدا به احوال بندگانش کاملاً آگاهست و مقدار مجازات و عفو هر کسی را میداند (۴۶)

یس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) یس ای سید رسولان و ای کاملترین انسان (۲) قسم به قرآن حکمت بیان (۳) که تو ای محمد البته از پیمبران خدائی (۴) که از جانب حق به راه راست فرستاده شدی (۵) این قرآن تو کتابی است که از جانب خدای مقتدر مهربان نازل شده است (۶) تا قومی که پدرانشان به کتب آسمانی پیشین وعظ و اندرز شدند تو هم خود آنها را به این قرآن پند دهی و از قهر حق بترسانی که ایشان سخت غافلند (۷) البته وعده عذاب ما بر اکثر آنان چون ایمان نمی آورند حتمی و لازم گردید (۸) ما هم چون کافر شدند بر گردن آنها تا آنخ زنجیر های عذاب نهادیم در حالی که از جهل و عناد مانند شتر سر بلند کرده و چشم بر بسته اند (۹) و راه خیر را از پیش و پس بر آنها سد کردیم و بر چشم هوششان هم پرده افکندیم که هیچ راه حق نبینند (۱۰) و تو آنها را بترسانی یا نترسانی یکسانست چون دانسته با حق عناد میورزند هرگز ایمان نمی آورند (۱۱) تو آنان را بترسانی و اندرز کنی سودمند افتد که پیرو آیات قرآن شده و از قهر خدای مهربان به خلوت و در پنهان می ترسند اینان را به مغفرت خدا و پاداش بالطف و کرم او بشارت ده (۱۲) ما مردگان را باز زنده می گردانیم، کردار گذشته و آثار وجودی آینده شان همه را در نامه اعمال آنها ثبت خواهیم کرد و در لوح محفوظ خدا یا قلب امام خلیفاله آشکارا همه را به شماره آورده ایم (۱۳) ای رسول برای این مردم حال قریه انطاکیه را مثل آن که رسولان حق برای هدایت آنها آمدند (۱۴) که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد و نصرت مامور کردیم تا همه گفتند ما از جانب خدا به رسالت برای هدایت شما آمده ایم (۱۵) اهل قریه به رسولان حق گفتند شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان شما را به رسالت نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگوئی هستید هیچ در کار نیست (۱۶) رسولان باز گفتند خدا میداند که محققاً ما فرستاده او به سوی شما هستیم (۱۷) بر ما جز آنکه واضح ابلاغ رسالت کنیم هیچ تکلیفی نیست (۱۸) باز منکران گفتند که ای داعیان رسالت ما وجود شما را به فال بد میگیریم اگر از این دعوی دست برندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید (۱۹) رسولان گفتند ای مردم نادان آن فال بد که میگوئید اگر بفهمید و متذکر شوید آن جهلیست که با خود شماست چنین نیست که می پندارید بلکه شما مردم مسرف و پرهوا و هوس هستید میخواهید تابع قانون حق نشده و غرقه در شهوترانی باشید (۲۰) و در این گفتگوها بودند که مردی شتابان از دورترین نقاط شهر انطاکیه، حیینام فرا رسید و گفت ای مردم از من بشنوید و رسولان خدا را پیروی کنید (۲۱) از آنان که هیچ اجر و مزد رسالتی نمی خواهند و شما را به راه حق هدایت میکنند پیروی کنید (۲۲) و چرا باید من خدای آفریننده خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما و همه خلایقه سوی اوست (۲۳) آیا من به جای آن خدای آفریننده یکتا خدایانی را معبود خود گیرم که اگر او خواهد به من رنج و زیانی رسد هیچ شفاعت آن خدایان از من دفع زیان نکرده و نجاتم نتوانند داد؟ (۲۴) در این صورت پیدا است که من بسیار زیانکار خواهم بود (۲۵) پس از من ای رسولان بشنوید و گواه باشید که به خدای فرستنده شما ایمان آوردم (۲۶) و به این مرد باایمان حبیب نجار که روز قیامت گفته شود بیا داخل بهشت شو گوید ای کاش ملت من هم از این نعمت بزرگ آگاه بودند (۲۷) که خدا چگونه در حق من مغفرت و رحمت فرمود و مرا مورد لطف و کرم قرار داد (۲۸) و ما پس از او یعنی حبیب بر قومش لشکری از آسمان نفرستادیم تا بر ایمان مجبورشان کنند هیچ این بر

ملتی نکرده ایم و نخواهیم کرد (۲۹) نیست عقوبتشان جز یک صیحه عذاب آسمانی که به ناگاه همه هلاک شوند (۳۰) وای بر حال این بندگان گمراه لجوج که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آن که او را به تمسخر و استهزاء گرفتند (۳۱) آیا ندیدند چه بسیار طوایفی را پیش از اینها هلاک کردیم که دیگر ابدًا به دیار اینان بازنگشتند (۳۲) و هیچکس از گذشته و آینده در عالم نیست جز آن که همه نزد ما حاضر میشوند (۳۳) و یک برهان بر این که ما مردگان را زنده میکنیم آنست که زمین مرده را به باران رحمت زنده کرده و از آن دانه ای که قوت و روزی خلق شود میروانیم (۳۴) و در زمین باغها از نخل خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشمه های آب جاری کردیم (۳۵) تا مردم از میوه آن باغها تناول کنند و از انواع غذاهائی که از این میوه ها و نباتات به دست خود عمل می آورند نیز تغذیه آیا نباید شکر آن نعمتها بجای آرند؟ (۳۶) پاک و منزّه است خدائی که همه ممکنات عالم را جفت آفریده چه از نباتات و حیوانات و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که شما از آنها آگه نیستید (۳۷) و برهان دیگر برای خلق در اثبات قدرت حق وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن برگیریم ناگهان همه چیز را تاریکی فرا گیرد (۳۸) و نیز خورشید تابان که بر مدار معین خود دایم بی هیچ اختلاف به گردش است برهان دیگر بر قدرت خدای دانای مقتدر است (۳۹) و نیز گردش ماه را که در منازل معین مقدر کردیم تا مانند شاخه خرما آرد و لاغربه منزل اول باز گردید بر قدرت حق برهان دیگری است (۴۰) نه در گردش منظم عالم خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب به روز سبقتگیرد و هر یک بر مدار معینی در این دریای بی پایان شناورند (۴۱) و برهان دیگر آن که ما نژاد بشر را در کشتی پر بار سوار گردانیدیم و از دریای پرموج عالم به ساحل سلامت رسانیدیم (۴۲) و نیز بر آنها بمانند کشتی چیزی که بر آن سوار شوند خلق کردیم شاید اتومبیل و ترن و طیاره مقصود باشد (۴۳) و اگر بخواهیم به تند موجی چنان همه را به دریا غرق کنیم که ابدًا نه فریادخواهی و نه راه نجاتی یابند (۴۴) مگر باز لطف و رحمت ما آنها را نجات دهد و تا وقت معین بهره زندگی بخشد (۴۵) و چون مردم را رسولان حق گویند در امر گذشته و آینده دنیا و آخرت خویش اندیشه کنید و تقوی پیشه کنید شاید مورد لطف رحمت خدا گردید (۴۶) و بر این مردم غافل هیچ از آیات الهی نیاید جز آنکه از او به نادانی اعراض کردند (۴۷) و چون مومنان به آنها گفتند که از آنچه خدا روزی شما قرار داده چیزی برای خدا به فقیران انفاق کنید کافران به اهل ایمان جواب دادند آیا ما به کسی که اگر خدا میخواست به او هم مانند ما روزی میداد طعام و دستگیری کنیم؟ هرگز نمیکنیم شما که به ما این نصیحت میکنید پیدا است که سخت در غلط و گمراهی هستید و راه راست آنست که چنان که خدا به فقیران احسان نکرده ما هم نکنیم (۴۸) و کافران از روی تمسخر به مومنان گویند پس این وعده قیامت و بهشت و دوزخ اگر راست میگوئید کی خواهد بود؟ (۴۹) این منکران قیامت انتظار نکشند جز یک صیحه اسرافیل حق که به مرگ همه را فرا گیرد در حالی که در کارهای دنیا یا در صیحه دوم قیامت با هم به بحث و جدل مشغولاند (۵۰) و در آن لحظه مرگ نه توانائی سفارشی دارند و نه به اهل بیت خود رجوع توانند کرد (۵۱) و چون در صورت دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می شتابند (۵۲) و از روی حسرت و پشیمانی گویند ای وای بر ما که ما را از خوابگاه مرگ برانگیخت؟ این همان وعده خدای مهربانست و رسولان که از این روز سخت خبر دادند همه راست گفتند (۵۳) و جز یک صیحه و یک لحظه بیش نباشد که ناگاه تمام خلائق محشر به پیشگاه ما حاضر خواهند شد (۵۴) پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچکس نشود و جز آنچه عمل کرده اند ابدًا جزائی نخواهند یافت (۵۵) اهل بهشت آن روز خوش به وجد و نشاط مشغولند (۵۶) آنان با زنان و اقربانشان در سایه درختان بهشت بر تختهای عزت تکیه کرده اند (۵۷) برای آنها میوه های گوناگون و هر چه بخواهند آماده است (۵۸) بر آنان از خدای مهربان فرشتگان رحمت سلام و تحیت رسانند (۵۹) و به فاسقان خطاب شود ای بدکاران امروز شما از صف نیکوان جدا شوید (۶۰) خطاب آید ای آدم زادگان آیا با شما عهد نبستم که شیطان را نپرستید زیرا روشناست که او دشمن بزرگ شماست (۶۱) و مرا پرستش کنید امر مرا اطاعت کنید که این راه مستقیم سعادت ابدی است (۶۲) و خلق بسیاری از شما نوع بشر را این دیو به گمراهی کشید آیا هنوز هم عقل و فکر کار نمی بندید؟ تا از مکر و فریبش پرهیزید (۶۳) این همان دوزخی است که به شما پیروان شیطان وعده

دادند (۶۴) امروز در آتش آن به کیفر کفرتان داخل شوید (۶۵) امروز است که بر دهان آن کافران مهر خموشی نهیم و دستهایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آنچه کرده اند گواهی دهد (۶۶) و اگر ما بخواهیم دیده هایشان را به گمراهی محو و نابینا کنیم تا چون به راه سبقت گیرند کجا با کوری و گمراهی بصیرت یابند؟ (۶۷) و اگر بخواهیم همانجا صورت آنها را مسخ کنیم تا به شکل سگان و بوزینگان شوند که نه از آن صورت بتوانند گذشت و نه به صورت اول بازگشت (۶۸) و ما هر کس را عمر دراز دادیم به پیری در خلقتش بکاستیم. آیا در این کار تعقل نمیکنید که اگر عمر بدست طبیعت بود پس از کمال به نقصان باز نمیگشت (۶۹) و نه ما او را یعنی محمد (ص) را شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست بلکه این کتاب ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا است (۷۰) تا هر که زنده دل است او را به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت بترساند و بر کافران نیز به اتمام حجت وعده عذاب حتم و لازم گردد (۷۱) آیا کافران ندیدند که بر آنها به دسه قدرت خود چهارپایان را خلقت کردیم تا آنها مالک شوند و انواع منافع از آنها ببرند (۷۲) و آن حیوانات با عظمت و قوت را مطیع و رام آنها ساختیم تا هم بر آن سوار شوند و هم از آنها غذا تناول کنند (۷۳) و برای مردم در آن حیوانات منافع بسیاری از پوست و پشم و کرک و غیره و آشامیدنیهای فراوان از شیر و ماست و روغن و غیره قرار دادیم، آیا شکر این نعمتها را نباید بجای آرند؟ (۷۴) و مشرکان از جهل به غیر خدا خدایانی دیگر اتخاذ کردند تا مگر از آنها نصرت و یاری جویند (۷۵) هرگز آن خدایان کمترین نصرتی به آنها نتوانند کرد و خود این مشرکان معبودانشان را سپاهی حاضر خدمت هستند تا در قیامت از پی آنها به دوزخ روند (۷۶) و ای رسول، سخن این مشرکان تو را محزون نکند ما هر آنچه پنهان و آشکار گویند همه را میدانیم و به کیفر کفرشان میرسانیم (۷۷) آیا انسان مانند امیه خلف ندید که ما او را از نطفه جماد ناقابل چنین آراسته خلقت کردیم که به جای آن شکرگزار باشد دشمن آشکار ما گردید (۷۸) و برای ما مثلی جاهلانه زد که گفت این استخوانهای پوسیده را باز که زنده میکند؟ (۷۹) ای رسول ما بگو آن خدائی زنده میکند که اول بار آنها را حیات بخشید و او به هر خلقت دانا و قادر است (۸۰) آن خدائی که از درخت سبز و تر برای انتفاع شما آتش قرار داده تا وقتی که برای حاجتی خواهید برافروزید (۸۱) آیا آن خدائی که خلقت باعظمت آسمانها و زمین را آفریده بر آفرینش موجود ضعیفی مانند شما قادر نیست؟ که چون مردید باز شما را زنده گرداند؟ آری البته قادر است که او آفریننده کلیه اشیا و دانا به همه موجودات است (۸۲) فرمان نافذ خدا در عالم چون اراده خلقت چیزی کند به محض اینکه گوید موجود باش بلافاصله موجود خواهد شد در تفسیر این آیه مبارکه حضرت امیر (ع) فرمود امر خدای متعال فعل و ایجاد اوست و الا از خدا امری که صدا و ندائی بگوش رسد نبوده و ممکنات در حال عدم گوشی که ندای خدا را بشنوند ندارند (۸۳) پس منزّه و پاک خدائی که ملک و ملکوت هر موجود بدست قدرت او و بازگشت شما همه خلاق به سوی اوست (۸۴)

الصفات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به صف آدگان که چون فوج فرشتگان یا نمازگزاران یا سپاه اهل ایمان به فرمان حق صف آرائی کرده اند (۲) قسم به منع و آجر کنندگان از عمل معصیت کاران یا رانندگان ابر و باران (۳) قسم به تلاوت کنندگان همه کتب آسمانی یا ذکر آیات قرآن (۴) که محققا خدای شما یکیست (۵) همان خدای یکتا که آفریننده آسمانها و زمین است و هر چه بین آنهاست و آفریننده مشرق و مغرب هاست شاید مشرق و مغربهای کرات و خورشیدهای بی شمار یا مشرق و مغربهای آفاق مختلف یا فصول مختلف مقصود باشد (۶) ما نزدیکترین آسمان را به زیور انجم بیاراستیم (۷) و به شهاب آن انجم از تسلط هر شیطان سرکش گمراه محفوظ داشتیم (۸) تا شیاطین هیچ از وحی و سخنان فرشتگان عالم بالا نشنوند و از هر طرف به قهرانده شوند (۹) هم به قهر برانندشان و هم به عذاب دائم قیامت گرفتار شوند (۱۰) جز آنکه کسی از شیاطین چون خواهد خبر از عالم بالا برآید هم او را تیر شهاب فروزان تعقیب کند (۱۱) ای رسول از این منکران قیامت بپرس که آیا خلقت آنها سختتر است یا موجودات یا عظمت دیگر که

ما خلق کرده ایم و ما هم اینان را در اول از گل سرشته بیافریدیم (۱۲) آری تو ای رسول از انکار منکران تعجب کردی و آنها هم به تمسخر پرداختند (۱۳) و هرگاه به آنها پند و اندرز دهند از جهل هیچ متذکر نمی‌شوند (۱۴) و چون آیت و معجزی مشاهده کنند باز هم به فسوس و مسخره پردازند (۱۵) و گویند این خود پیداست که سحری بیش نیست (۱۶) و با تعجب و انکار گویند آیا چون ما مردیم و استخوان ما خاک شد باز زنده و برانگیخته می‌شویم؟ (۱۷) یا پدران گذشته ما زنده میشوند؟ هرگز زنده نمی‌شوند (۱۸) ای رسول به آنها بگو آری هم شما و هم پدرانتان خوار و ذلیل به محشر مبعوث خواهید شد (۱۹) تنها به یک صیحه اسرافیل همه زنده شده و از قبرها برخیزند و عرصه قیامت را بنگرند (۲۰) و گویند ای وای بر ما اینست روز جزای اعمال (۲۱) این است روز حکم بر نیک و بد که شما تکذیب آن کردید (۲۲) و خطاب شود که اینک ستمکاران را حاضر کنید با همسران و آنچه معبود ایشان بود (۲۳) و هر چه را به جز خدا می‌پرستیدند بیاورید و همه را به راه دوزخ کشانید (۲۴) و در موقف حساب نگاهشان دارید که در کارشان سخت مسئولند (۲۵) از اینان باید پرسید که چرا شما در راه دین به یکدیگر نصرت نکردید (۲۶) بلکه در این روز آنها همه سخت تسلیم و ذلیلند (۲۷) و در آن هنگامه برخی از آنان با بعضی دیگر یعنی مرثوسین با روسا سوال و جواب کنند (۲۸) و گویند شما بودید که از سمت راست و چپ برای شما فریب ما می‌آمدید (۲۹) آنها جواب دهند که به ما مربوط نیست شما خود به خدا ایمان نیاوردید (۳۰) و ما بر شما تسلط و حجتی نداشتیم بلکه شما خودتان طاغی و سرکش مردمی بودید (۳۱) پس امروز بر همه ما وعده انتقام خدا حتمی است باید البته عذاب را بچشیم (۳۲) و ما شما را بدین سبب گمراه کردیم که خود گمراه بودیم و کافر همه را به کیش خود خواهد (۳۳) و امروز آنها همه در عذاب مشترکند (۳۴) ما چنین از بدکاران انتقام میکشیم؟ (۳۵) آنها بودند که چون لا اله الا الله کلمه توحید برایشان گفته میشد از قبول آن سرکشی میکردند (۳۶) و با کمال تکبر و بی‌شرمی میگفتند آیا ما برای خاطر شاعر دیوانه ای دست از خدایان خود برداریم؟ هرگز برنمی‌داریم (۳۷) چنین نیست که آنها پنداشتند بلکه محمد (ص) پیغمبر بزرگی است که برای تعلیم و هدایت خلق عالم با برهان روشن حق آمد و حجت و معجزاتش صدق پیغمبران پیشین را نیز اثبات کرد (۳۸) شما که او را تکذیب کردید امروز عذاب سخت و دردناک خواهید چشید (۳۹) و جز به کردارتان مجازات نمی‌شوید (۴۰) امروز همه مسئولند جز بندگان پاک با اخلاص خدا (۴۱) آنان را در بهشت ابد روزی جسمانی و روحانی بی حساب معین است (۴۲) و میوه‌های گوناگون بهشتی و هم آنها در آن عالم جاودانی بزرگوار و محترمند (۴۳) و در بهشت پر نعمت متنعمند (۴۴) و بر تختهای عالی روبروی یکدیگر نشسته اند (۴۵) حور و غلمان با جام شراب طهور بر آنان دور میزنند (۴۶) شرابی سپید و روشن که آشامندگان لذت کامل برند (۴۷) نه در آن می‌خمار و دردسری و نه مستی و مدهوشی است (۴۸) و در بزم حضورشان حوران زیبا چشمی است که جز به شوهر خود به هیچکس ننگرند (۴۹) گوئی آن حوران در سفیدی و لطافت بیضه مکنونند (۵۰) در آنجا مومنان بعضی با بعضی به صحبت روی کنند (۵۱) یکی از آنها گوید ای رفیقان بهشتی مرا در دنیا هم نشینی کافر بود (۵۲) که او با من میگفت آیا تو وعده‌های بهشت و قیامت را باور میکنی؟ (۵۳) آیا چون مردیم و استخوان ما خاک راه شد باز زنده شویم و پاداش و کیفی یابیم؟ (۵۴) باز این گوینده بهشتی به رفیقان گوید آیا میخواهید نظر کنید و آن رفیق کافر را اینک در دوزخ بنگرید؟ (۵۵) آنگاه که بنگرند او را در میان دوزخ معذب بینند (۵۶) به او بگویند قسم به خدا که نزدیک بود مرا هم چون خود هلاک گردانی (۵۷) و اگر نعمت و لطف خدای من نگهدار نبود من هم به دوزخ نزد تو حاضر بودم (۵۸) آیا دیگر ما را مرگی خواهد بود؟ (۵۹) جز همان مرگ اول که در دنیا مردیم و دیگر هیچ رنج و عذابی بر ما نخواهد بود (۶۰) اینست همان سعادت و رستگاری بزرگ (۶۱) آنان که سعی و عملی می‌کنند باید بر مثل این بهشت جاودانی کنند نه بر دنیای دو روزه فانی (۶۲) آیا این مقام عالی بهتر است یا درخت زقوم جهنم؟ (۶۳) که آن درخت را ما بلای جان ستمکاران عالم گردانیدیم (۶۴) آن زقوم به حقیقت درختی است که از بن دوزخ برآید (۶۵) میوه اش در خباث گوئی سرهای شیاطین است (۶۶) اهل دوزخ از آن درخت خباث آن طور میخورند که شکمها پر میسازند شاید یک معنی آن درخت حرص و طبع دنیا باشد که از بن جهنم کفر میروید و میوه اش همه

زشت و خبیث و شیطان‌نست (۶۷) پس از خوردن زقوم دوزخ بر آنها شرابی آمیخته از حمیم سوزان خواهد بود (۶۸) و باز هم رجوعشان به سوی عذاب دایم جهنم است (۶۹) چرا که آنها پدرانشان را در ضلالت و گمراهی یافتند (۷۰) و باز از پی آنها شتابان رفتند (۷۱) و قبل از اینان بیشتر پیشینیان هم سخت گمراه بودند (۷۲) و ما رسولانی برای هدایت و پند بر آنها فرستادیم (۷۳) همه را تکذیب کردند و بنگر تا عاقبت کار آن امتهای گمراه به چه سختی و هلاکت انجامید (۷۴) جز بندگان پاک باخלוص خدا همه هلاک شدند (۷۵) و همانا نوح ما را بر یاری خود ندا کرد و ما او را چه نیکو اجابت کردیم از شر دشمن کاملاً - حفظش نمودیم (۷۶) و او را با اهلیتش و پیروانش همه را از بلای بزرگ هلاکت غرق نجات دادیم (۷۷) و نژاد و اولاد او را روی زمین باقی داشتیم (۷۸) و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم (۷۹) سلام و تحیت بر نوح خدا پرست باد (۸۰) ما چنین نیکوکاران را پاداش میدهیم (۸۱) که او به حقیقت از بندگان باایمان ما بود (۸۲) و جز او و اهل و اصحابش که نجات دادیم همه را غرق دریای هلاک گردانیدیم (۸۳) و از پیروان نوح در دعوت به توحید و خدا پرستی به حقیقت ابراهیم خلیل بود (۸۴) که آن ابراهیم از جانب خدا با قلبی پاک و سالم از شرک به دعوت خلق آمد (۸۵) هنگامی که با پدر یعنی عموی خود و قومش گفت شما به پرستش چه مشغولید؟ (۸۶) آیا رواست به دروغ خدایانی به جای خدای یکتا برگزینید (۸۷) پس در این صورت به خدای جهانیان چه گمان میرید؟ و از قهر و انتقام خدا چگونه نمی ترسید؟ (۸۸) آنگاه ابراهیم تدبیری اندیشید و به ستارگان آسمان نگاهی کرد (۸۹) و با قومش گفت که من بیمارم و نتوانم به جشن عید بتان آیم (۹۰) و قوم از او دست کشیدند و از بتخانه در پی نشاط عید به باغ و صحرا شتافتند (۹۱) ابراهیم که بتخانه را خلوت یافت قصد بتهای آنان کرد خدایا نشان را مخاطب ساخته و گفت آیا شما غذا نمی خورید؟ (۹۲) چرا سخن نمیگوئید؟ شما چه خدایان بی اثر باطلی هستید (۹۳) این بگفت و محکم با تبر بر بتان زد و جز بت بزرگ همه را درهم شکست (۹۴) قوم آگه شدند و با شتاب از پی انتقام به سوی او آمدند (۹۵) ابراهیم زبان به نصیحت گشود و گفت آیا رواست که شما چیزی بدست خود بتراشید و آن را پرستش کنید؟ (۹۶) در صورتی که شما و آنچه از بتان میسازید همه را خدا آفریده (۹۷) قوم حجت و برهانش نشنیدند و گفتند باید بر او آتشخانه ای بسازید و او را در آتش بسوزانید (۹۸) نمرودیان قصد مکر و ستمش کردند ما هم آنان را خوار و نابود ساختیم و آتش را بر او گلستان کردیم (۹۹) و ابراهیم پس از نجات از بیداد نمرودیان به قومش گفت من با کمال اخلاص به سوی خدا میروم که البته هدایتم خواهد فرمود (۱۰۰) آنگاه دست به دعا برداشت بارالها مرا فرزند صالحی که از بندگان شایسته تو باشد عطا فرما (۱۰۱) پس دعایش را مستجاب کرده و مژده پسر بردباری به او دادیم (۱۰۲) آنگاه که آن پسر رشد یافت و با او به سعی و عمل شتافت یا در جهد و عبادت یادر سعی و صفا و مروه با پدر همراه شد ابراهیم گفت ای فرزند عزیزم من در عالم خواب چنین دیدم که تو را قربانی راه خدا کنم در این واقعه تو را چه نظریست؟ جواب داد ای پدر هر چه ماموری انجام ده که انشاء الله مرا از بندگان باصبر و شکیبای خواهی یافت (۱۰۳) پس چون هر دو تسلیم امر حق گشتند و او را برای کشتن به روی درافکند تا وقت مرگ رخسار جوانش نبیند (۱۰۴) ما در آن حال که کارد به گلویش کشید خطاب کردیم ای ابراهیم (۱۰۵) تو ماموریت عالم رویا را انجام دادی کار را از گلویش بردار ما نیکوکاران را چنین نیکو پاداش میدهیم (۱۰۶) این ابتلا همان امتحانی است که حقیقت حال اهل ایمان را روشن میکند که در راه خدا از هر چیز میگذرند (۱۰۷) و بر او گوسفندی فرستاده و ذبح بزرگی فدا ساختیم (۱۰۸) و ثنای او را بر آیندگان از فرزندان ابراهیم که حضرت حسین (ع) است واگذار کردیم (۱۰۹) سلام و تحیت خدا بر ابراهیم باد (۱۱۰) ما نیکوکاران را این چنین پاداش نیکو میدهیم که به ابراهیم دادیم (۱۱۱) زیرا او از بندگان باایمان بود (۱۱۲) و باز مژده فرزندش اسحق را که پیغمبری از شایستگانست به او دادیم (۱۱۳) و بر ابراهیم و اسحق برکت و خیر بسیار عطا کردیم و از فرزندانشان برخی صالح و نیکوکار و برخی دانسته به نفس خود، ستمکار شدند (۱۱۴) و ما بر موسی و هارون منت گذاریم (۱۱۵) و هر دو را با قومشان از بلای بزرگ فرعونیان دشمنانشان نجات دادیم (۱۱۶) و آنها را یاری دادیم تا بر فرعونیان به حقیقت غالب شدند (۱۱۷) و به آن دو پیغمبر کتاب تورات روشن بیان را عطا کردیم (۱۱۸) و هر دو را به راه

راست خداپرستی هدایت کردیم (۱۱۹) و بر ایشان نام نیک در میان آیندگان باقی گذاریم (۱۲۰) سلام و تحیت بر موسی و هارون باد (۱۲۱) ما چنین نیکوکاران را پاداش نیکو میدهیم که به موسی و هارون دادیم (۱۲۲) زیرا هر دو از بندگان خاص با ایمان ما بودند (۱۲۳) و همانا یاس یکی از رسولان بزرگ خدا بود (۱۲۴) وقتی قومش را گفت آیا خدا ترس و پرهیزکار نمیشوید؟ که ترک بت و خود پرستی کنید؟ (۱۲۵) آیا بت بعل نام را، خدا می خوانید؟ و خدای بهترین آفریننده عالم را ترک میگوئید؟ (۱۲۶) خدا آفریننده شما و پدران گذشته شما است نه بتان جماد (۱۲۷) قوم یاس رسالت او را تکذیب کردند بدین سبب برای انتقام و عذاب به محشر احضار میشوند (۱۲۸) و همه هلاک شوند جز بندگان با اخلاص خدا (۱۲۹) و بر یاس و آل یاسین باد (۱۳۰) ما نیکوان را مانند یاس نام نیکو در میان خلق آینده بگذاشتیم (۱۳۱) سلام بر یاسین چنین پاداش نیکو میدهیم (۱۳۲) زیرا او از بندگان خاص با ایمان ما بود (۱۳۳) و لوط هم یکی از رسولان خدا بود (۱۳۴) وقتی ما خواستیم قوم او را کیفر کنیم او و اهل بیتش همه را نجات دادیم (۱۳۵) به جز پیر زالی که در میان قومی که هلاک شدند باقی ماند (۱۳۶) پس از نجات لوط و اهلس دیگران را که بدکار بودند همه را هلاک ساختیم (۱۳۷) و شما مردم اینک بر دیار ویران قوم لوط میگذرید و خرابه های آن را به چشم مینگرید در صبح (۱۳۸) و شام آیا چشم عبرت نمی گشائید و عقل کار نمی بندید؟ (۱۳۹) و یونس نیز یکی از رسولان بزرگ خدا بود (۱۴۰) که چون به کشتی پر جمعیتی گریخت زیرا به قومش وعده عذاب داد و آنها از دل توبه و انابه کردند و خدا رفع عذاب کرد او به دریای روم گریخت تا نزد قوم خجل و شرمنده نرود (۱۴۱) کشتی به خطر افتاد و اهل کشتی معتقد شدند که خطاکاری در میان آنهاست قرعه زدند تا خطاکار را به قرعه تعیین کرده و غرق کنند به نام یونس افتاد و از غرق شوندگان گردید (۱۴۲) و ماهی دریا او را به کام فروبرد و مردمان هم ملامتش میکردند (۱۴۳) و اگر او به ستایش و تسبیح خدا نپرداختی (۱۴۴) تا قیامت در شکم ماهی زیست کردی (۱۴۵) باز یونس را پس از چندین روز از بطن ماهی به صحرای خشکی افکندیم در حالی که بیمار و ناتوان بود (۱۴۶) و در آن صحرا بر او درخت کدو رویانیدیم تا به برگش سایه بان و پوشش کند (۱۴۷) و باز او را بر قومی بالغ بر صد هزار یا افزون به رسالت فرستادیم (۱۴۸) و آن قوم چون ایمان آوردند ما هم به نعمت خود تا هنگامی معین مدت عمر آن قوم بهره مندشان گردانیدیم (۱۴۹) ای رسول، تو از این مشرکان که فرشتگان را دختر خدا می خوانند بپرس که آیا خدا را فرزندان دختر است و شما را پسر؟ (۱۵۰) یا آنکه چون ما فرشتگان را خلق میگردیم آنجا حاضر بودند؟ و دیدند که آنها را آن آفریدیم نه مرد (۱۵۱) بدان که اینان از جهل خود بر خدا دروغی بسته و میگویند (۱۵۲) خدا را فرزند میباید البته دروغ میگویند (۱۵۳) آیا خدا دختران را بر پسران برگزید؟ (۱۵۴) چرا چنین جاهلانه حکم میکنید (۱۵۵) آیا با این ادله روشن باز متذکر نمیشوید؟ (۱۵۶) آیا برای عقیده باطل خود دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۷) کتاب و برهاتان را بیاورید اگر راست میگوئید (۱۵۸) و فاسدتر از این عقیده آنکه بین خدا و جن نسبت و خویشی برقرار کردند در صورتی که آنها میدانند که این عقاید وهم و خرافاتست و به محشر برای کیفر احضار خواهند شد (۱۵۹) خدا ذات پاکش از این اوصاف که از جهل به او نسبت میدهند منزهست و همه شما مسئولید (۱۶۰) جز بندگان پاک با اخلاص (۱۶۱) که شما و معبودانتان (۱۶۲) نتوانستید آنها را مفتون و گمراه کنید (۱۶۳) و جز آن کس که اهل دوزخست کسی به کیش کفر شما در نیاید (۱۶۴) ای رسول ما، مشرکان را بگو که فرشتگان میگویند هیچکس از ما فرشتگان نیست جز آنکه او را در بندگی حق، مقامی معین است (۱۶۵) و همه به فرمان خدا نیکو صف آراستیم (۱۶۶) و دایم به تسبیح و ستایش او مشغولیم (۱۶۷) و همانا کافران میگویند (۱۶۸) که اگر نزد ما کتابی از رسولان پیشین بود (۱۶۹) ما هم البته از بندگان با اخلاص خدا می بودیم (۱۷۰) و دروغ میگویند زیرا آن قرآن بزرگ خدا آمد و به او کافر شدند و به زودی کیفر خود را خواهند دانست (۱۷۱) و همانا عهد ما درباره بندگان است که به رسالت فرستادیم چنین در علم ازلی سبقت گرفته است (۱۷۲) که البته آنها بر کافران فتح و فیروزی یابند (۱۷۳) و همیشه سپاه ما بر دشمن غالبند (۱۷۴) پس تو هم ای رسول ما، بر دشمنان عاقبت غالب میشوی اینک روی از آنها بگردان تا به وقتی معین (۱۷۵) و عذاب دنیا و آخرت آنها را به چشم ببین که آنها به زودی فتح و فیروزی تو را خواهند دید (۱۷۶) آیا کافران به تمسخر

از تو عذاب ما را با تعجیل میطلبند؟ (۱۷۷) بدانند که چون عذاب قهر الهی پیرامن دیارشان فرود آید بر آن کافران شبی بگذرد که صبح بسیار بدی دارد (۱۷۸) اینک روی از آنها بگردان تا به وقتی معین (۱۷۹) و عذاب و ذلت آنها را به چشم بین که آنها هم فتح و فیروزی تو را خواهند دید (۱۸۰) پاک و منزهست پروردگار تو که خدائی مقتدر و بی همتاست و از توصیف جاهلانه خلق مبراست (۱۸۱) و سلام و تحیت الهی بر رسولان گرامی او باد (۱۸۲) و ستایش مخصوص خداست که آفریننده جهانها است (۱۸۳)

ص

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ص رمز خدا و رسولست یا اشاره است به صمد و صانع و صادق از اسماء الهی یا به صفی و مصطفی که القاب پیغمبر است قسم به قرآن صاحب مقام ذکر و عزت و شرافت و پندآموز عالمیان (۲) که محمد (ص) رسول حق و قرآن بزرگ معجز اوست لیکن کافران که منکر اویند در مقام غرور و سرکشی و عداوت حق هستند (۳) باری بترسند که ما پیش از اینها طوایف بسیاری را بهلاکت رسانیدیم و آن هنگامقهر و عذاب فریادها کردند و هیچ راه نجاتی بر آنها نبود (۴) و مشرکان مکه تعجب کردند که رسولی از همان نژاد عرب برای تذکر و پند آنان آمد و آن کافران بجای آنکه ایمان آرند گفتند او ساحری دروغگوست (۵) آیا او چندین خدای ما را منحصر به یک خدا کرده؟ و به معبود یگانه دعوت میکند؟ این بسیار تعجب آور و حیرت انگیز است؟ (۶) و گروهی از سران قوم چنین رای دادند که باید طریقه خود را ادامه دهید و در پرستش خدایان خود همین بتان ثابت قدم باشید این کاریست که مراد همه است یا این قیام پیغمبر بر محو و نابود ساختن بتان از پیش آمدهای بد روزگار است که باید با آن مقاومت کنیم (۷) این را که دعوی محمد است در توحید و یگانگی خدا در آخرین ملت هم که ملت مسیحاست نشنیده ایم زیرا ملت عیسی نیز به سه خدا و اقایم سه گانه معتقد است و این دعوی محمد (ص) جز بافندگی و دروغ چیز دیگری نیست (۸) آیا میان همه ما بزرگان عرب قرآن مخصوصا بر او فرود آمد؟ در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت بلکه این کافران از وحی قرآن در شک و ربیند بلکه هنوز عذاب قهر حق را نچشیده اند که دست از کفر بر نمی دارند (۹) ای رسول آیا گنجهای رحمت خدای تو که در کمال اقتدار و بخشندگی است نزد اینمردم است؟ تا مقام رسالت را بهر که خواهند بخشند؟ (۱۰) آیا سلطنت آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست با این کافرانت پس اگر چنیناست بهر سبب که میتوانند بر آسمانها بالا روند (۱۱) ای رسول ما، دل خوش دار که این نالایق سپاه کفر بدخواه اسلام از احزاب مغلوب و نابودشدنی است (۱۲) پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد قوم هود و فرعون و فرعونیان صاحبقدرت نیز تکذیب پیغمبران خدا کردند (۱۳) و طایفه ثمود امت صالح و قوم لوط و اصحاب ایکه امت شعیب این اقوام هم احزاب و لشکرهای بسیار بر علیه انبیاء بودند و همه هلاک شدند (۱۴) و آنان بجز تکذیب انبیاء فکری و عملی نداشتند بدینجهت عقاب ما بر آنها حتم و واجب گردید (۱۵) و این مردم جز یک صیحه آسمانی که بر هلاکشان ندا کند انتظاری ندارند و دیگرابدا به دنیا باز نمی گردند (۱۶) و کافران به تمسخر گفتند ای خدا حساب نامه اعمال ما را تعجیل کن و پیش از روزحساب انداز (۱۷) ای رسول ما، اکنون تو بر سخنان طعن و سخریه آنها صبر کن که روزی به کیفر خود میرسند و از بنده ما داود یاد کن که در اجرای امر ما بسیار نیرومند بود از احدی اندیشه نداشت و دایم به درگاه ما توبه و انابه میکرد (۱۸) و ما کوه ها را با او مسخر کردیم تا شب و روز خدا را تسبیح و ستایش کنند (۱۹) و مرغان را مسخر نغمه خوش او کردیم که نزد او مجتمع گردند و همه به دربارش از هر جانب باز آیند و در ستایش خدا با او هم آهنگ شوند (۲۰) و در ملک و شاهی او را نیرومند ساختیم و به او قوه درک حقایق و تمیز حق از باطل عطا کردیم (۲۱) و ای رسول آیا حکایت آن دو فرشته به صورت خصم به تو رسیده است که از بالای غرفه عبادتگاه داود بی اجازه بر او وارد شدند (۲۲) هنگامی که داخل شدند در محراب، داود سخت هراسان شد که مبادا دشمن باشند آنان بدو گفتند مترس ما دو تن خصم یکدیگریم که بر هم ستم کرده ایم و به حکومت پیش تو آمده ایم میان ما به حق حکم کن و با هیچیک جور و طرفداری مکن و ما را به راه راست دلالت فرما (۲۳) این برادر من نود و نه راس میش داراست و

من یک میش این یک را هم گفته به منواگذار و با من به قهر و غلبه و تهدید آمیز خطاب کرده (۲۴) داود گفت البته به حکم حق بر تو ظلم کرده که خواسته است یک میش تو را به نود و نه میش خود اضافه کند و بسیار معاشران و شریکان در حق یکدیگر ظلم و تعدی میکنند مگر آنان که اهل ایمان و عمل صالح هستند که آنها هم بسیار کمند پساز این قضاوت بی تامل و سریع داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده ایم در آن حال پشیمان و تائب شد و از خدا عفو و آمرزش طلبید و با تواضع و فروتنی به درگاه خدا بازگشت (۲۵) خدا هم از آن کرده عفو کرد و از او درگذشت و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است مفسرین عامه گویند داود به آن اوریا که بسیار زیبا بود تمایل داشت و ایناز او ترک اولائی بود فرشتگان به صورت دو بشر به محاکمه نزدش آمدند و او رامتنبه ساختند و پشیمان گردید، اما حضرت امیر (ع) فرمود هر کس به داود یا آن اوریا حوالتی دهد من او را دو حد میزنم یکی برای نبوت و یکی برای اسلام و اما ترک اولای داود در اخبار امامیه این بود که در قضیه ای پیش از تقاضای بینه و شاهد حکم کرد (۲۶) ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا به حق حکمکنی و هرگز هوای نفس را پیروی نکنی که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنانکه از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده اند به عذابسخت معذب خواهند شد (۲۷) ما آسمان و زمین و هر چه بین آنهاست بازیچه و باطل خلق نکرده ایم این گمان کفرانست وای بر کافران از عذاب سخت آتش دوزخ (۲۸) آیا ما آنان را که به خدا ایمان آورده و به اعمال نیکو پرداختند مانند مردمی ایمان مفسد در زمین قرار میدهیم؟ یا مردان با تقوی و خداترس را مانند فاسقان بدکار جزا خواهیم داد؟ هرگز چنین نیست و مردم برای همین بازیچه دو روز دنیا و مرگ و فنا خلق نشده اند بلکه خلقت از روی حکمت و برای جهان ابدیست و آنجا محققا بد و خوب یکسان نیستند بلکه بدان دوزخی و خوبان بهشتی خواهند بود (۲۹) این قرآن بزرگ کتابی مبارک و عظیم الشانست که بر تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر حقایق آن شوند (۳۰) و به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم او بسیار نیکو بنده ای بود زیرا بسیار به درگاه خدا با تضرع و زاری رجوع میکرد (۳۱) ای رسول ما یاد کن وقتی را که بر او اسبهای بسیار تندرو و نیکو را هنگام عصر ارائه دادند و او به بازدید اسبان پرداخت برای جهاد در راه خدا و از نماز عصر غافل ماند (۳۲) در آن حال گفت افسوس که من از علاقه و حب اسبهای نیکو از ذکر و نماز خدا غافلشدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت (۳۳) آنگاه با فرشتگان موکل آفتاب خطاب کرد که به امر خدا آفتاب را بر من بازگردانید چون برگشت اداء نماز کرد و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان کرد و همه را برای جهاد در راه خدا وقف کرد (۳۴) و ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم و کالبدی بر تخت وی افکنیم برخی مفسران گفتند یعنی دیوی را به جای او بر تخت بنشانیدیم و برخی گفتند چون گفت من بر بستر صد زن خویش وارد شوم تا صد فرزند یابم و نگفت انشاء الله به خواست خدا و ذکر مشیت الهی استثنا نکرد خدا از همه زنانش یک جسد بی جانی بر او به وجود آورد لذا متذکر شد و باز به درگاه خدا توبه و انابه کرد (۳۵) عرض کرد بار الها به لطف و کرم از خطای من در گذر و مرا ملک و سلطنتی عطا فرما که پس از من احدی لایق آن نباشد که تو ای خدا تنها بخشنده بی عوضی (۳۶) ما هم باد را مسخر فرمان او کردیم تا به امرش هر جا بخواهد به آرامی روان شود (۳۷) و دیو و شیاطین را هم که بناهای عالی می ساختند و از دریا جواهرات گرانبها می آوردند نیز مسخر امر او کردیم (۳۸) و دیگران از شیاطین را که در پی ضلال خلق بودند به دست او در غل و زنجیر کشیدیم (۳۹) این نعمت سلطنت و قدرت اعطای ماست اینک بی حساب بهر که خواهی عطا کن و از هر که خواهی منع (۴۰) و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلتست (۴۱) و ای رسول ما، یاد کن از بنده ما ایوب هنگامی که بدرگاه خدا عرض کرد پروردگارا شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده تو از کرم نجاتم بخش (۴۲) خطاب کردیم که پای بزمین زن زد و چشمه آبی پدید آمد گفتیم در این آب سرد شستشو کن و از آن بیاشام تا از هر درد و الم بیاسائی (۴۳) و ما اهل و فرزندان او که از او مردند و به قدر آنها هم علاوه به او عطا کردیمتا در حق او لطف و رحمتی کنیم و تا صاحبان عقل نتیجه صبر در بلا را متذکر شوند (۴۴) و ایوب را گفتیم دسته ای از چوبهای باریک خرما به دست گیر و بر تن زن خود که بر زدنش قسم یاد کردی بزنی تا عهد و قسمت را

نشکنی و آن را هم بی گناه نیازاری ما ایوب را بنده صابری یافتیم چه نیکو بنده ای بود که دایم رجوع و توجهش به درگاه ما بود (۴۵) و باز ای رسول یاد کن از بندگان خاص ما ابراهیم و اسحق و یعقوب که همه در انجام رسالت صاحب اقتدار و بصیرت بودند (۴۶) ما آنان را خالص و پاک دل برای تذکر سرای آخرت گردانیدیم (۴۷) و آنها نزد ما از برگزیدگان خوبان عالم بودند (۴۸) و باز یاد کن از اسماعیل و یسع و ذوالکفل که همه از نیکوان جهان بودند (۴۹) این آیات پند و یادآوری نیکان است و البته در جهان جاودانی برای اهل تقوی بسیار نیکو منزلگاهی است (۵۰) باغهای بهشت ابد که درهایش به روی آنان باز است (۵۱) در آنجا بر تختها تکیه زده اند و شراب و میوه های بسیار خوش می طلبند (۵۲) و در خدمت آنها حوران جوان شوهر دوست باعفتند (۵۳) این نعمت ابد همانست که در روز حساب به آنها وعده داده اند (۵۴) اینست همان رزق بی انتهای ابدی ما (۵۵) حقیقت حال خوبان این است و اهل کفر و طغیان را بدترین منزلگاهست (۵۶) آنان به دوزخ درآیند که بسیار بد آرامگاه هست (۵۷) اینست از قهر حق عذابشان و آنجا آب گرم عفن حمیم و غساق را هم باید بچشند و بنوشند (۵۸) و از این نوع عذابهای گوناگون دیگر (۵۹) این گروهی هستند که با شما روسای کفر و ضلالت به دوزخ درآیند در این حال روسا چون بنی امیه گفتند بدا بر حال اینان که در عذاب آتش فروزان شدند (۶۰) اهل دوزخ در جواب روسایشان گفتند بلکه بدا بر احوال خود شما زیرا شما پیش قدمما به دوزخ شدید که بسیار آرامگاه بدی است (۶۱) باز تابعان به درگاه خدا عرض کردند پروردگارا آن کس که برای ما این عذاب را پیش فرستاد تو در آتش، عذابش را چندین برابر بیفزای (۶۲) و اهل دوزخ با یکدیگر گفتند چه شده که ما مردان مومن را که به جرم ایمان به خدا از سفله و اشرار می شمردیم امروز در دوزخ نمی بینیم (۶۳) در صورتی که ما آنها را در دنیا مسخره و استهزاء میکردیم؟ آیا آنها اهل دوزخ نیستند یا هستند و چشمان ما بر آنها نمی افتد؟ (۶۴) ای اهل ایمان بدانید که این منازعه بنی امیه و بنی عباس و غیره از اهل آتش دوزخ محقق و حتمی است (۶۵) ای رسول ما بگو به خلق که من رسولی منذر و ناصح بیش نیستم و جز خدای فرد قهار که بر همه عالم غالب و قاهر است خدائی نیست (۶۶) آفریننده آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همان خدای مقتدر آمرزنده است (۶۷) بگو ای پیغمبر آن حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم آن خبر بزرگ عالم است (۶۸) و دریغا که شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض میکنید و مهیای سفر آخرت تا دمرگ نمیشوید (۶۹) مرا بر فرشتگان عالم بالا که در قضیه خلق آدم یا غیر آن خصومت و گفتگو داشتند علمی پیش از وحی خدا نبود (۷۰) و به من وحی نمیرسد جز اینکه من با بیان روشن و آشکار خلق را از عذاب خدا بترسانم (۷۱) ای رسول یاد کن هنگامی را که خدا به فرشتگان گفت که من بشر را از گل می آفرینم (۷۲) پس آنگاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم همه به امر من بر او به سجده درافتید (۷۳) پس به فرمان خدا تمام فرشتگان بدون استثنا سجده کردند (۷۴) مگر شیطان که بر آدم خلیف الله غرور و تکبر ورزید و از زمره کافران گردید (۷۵) خدا به شیطان فرمود ای ابلیس تو را چه مانع شد که به موجودی با قدر و شرافت که من به دو دست علم و قدرت خود آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر و نخوت کردی یا از فرشتگان بلند رتبه عالم قدس، اعلا بودی؟ (۷۶) شیطان در جواب گفت من از او بهترم که مرا از آتش نورانی سرکش و او را از گل تیره پست خلقت کرده ای (۷۷) خدا فرمود ای شیطان جاهل خود بین اینک از این جایگاه بیرون رو که تو غرور و تکبر کردی و سخت رانده در گاه ما شدی (۷۸) و بر تو لعنت و غضب من تا روز قیامت حتمی و محقق است (۷۹) شیطان عرض کرد پروردگارا اینک که مرا مردود در گاه فرمودی پس مهلت ده که تا روز قیامت زنده مانم (۸۰) خدا فرمود آری از مهلت یافتگانت قرار دادیم (۸۱) تا روز معین و وقت معلوم که صلاح نظام عالم میدانیم (۸۲) شیطان گفت حال که مهلت یافتم به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد (۸۳) مگر خاصان از بندگان که دل از غیر بریدند و برای تو خالص شدند دو عالم را به یک بار از دل پاک برون کردند تا جای تو باشد (۸۴) خدا پاسخ شیطان فرمود به حق سوگند و کلام من حق و حقیقت است (۸۵) که جهنم را از جنس تو و پیروانت تمام پر خواهم کرد (۸۶) ای رسول به امت بگو من مزد رسالت از شما نمیخواهم و من بی حجت و برهان الهی مقام وحی و رسالت را بر خود نمی بندم (۸۷) این قرآن نیست جز اندرز

و پند برای اهل عالم (۸۸) و شما منکران بر صدق و حقیقت این مقال پس از هنگام مرگ و انتقال به آخرت به خوبی آگاه میشوید (۸۹)

الزمر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) این کتاب عظیم الشان قرآن از جانب خدای مقتدر حکیم بر محمد (ص) نازل گردید (۲) ما این کتاب را بر تو به حق فرستادیم پس به شکرانه این نعمت بزرگ خدای را پرستشکن و دین را برای او خالص گردان دل از غیر حق بگردان (۳) ای بندگان آگاه باشید که دین خالص بی هیچ شرک و ریا برای خداست و اما آنان که غیر خدا را چون بتان و فرعونان به دوستی و پرستش بر گرفتند و گفتند ما آن بتان را نمی پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه خدا نیک مقرب گردانند و خدا البته این عذر نپذیرد و میان آنها در آنچه با حق خلاف کنند حکم خواهد کرد و به کیفرشان میرساند که خدا هرگز آن کس که بسیار کافر نعمت و دروغگوست هدایت نخواهد کرد (۴) اگر خدا میخواست فرزندی برای خود اختیار کند همانا هر که را از مخلوقاتش خواستی برمیگزید و لیکن این نقص است و آن خدای فرد قهار بی مانند از هرگونه نقص و آلائش پاک و منزهست (۵) آسمانها و زمین را به حق و راستی و برای حکمت و غرض ثابتی ایجاد کرد و شب را بر روز و روز را بر شب پوشانید و خورشید و ماه را مسخر کرده تا هر یک بر مدار خود به وقت معین گردش کنند باری ای بندگان آگاه باشید که او خدای مقتدر و مطلق و آمرزنده گناه خلق است (۶) او شما نوع بشر را از یک تن آدم آفرید پس از آن جفت او حوا را قرار داد و برای استفاده شما نوع بشر هشت قسم از چهارپایان ایجاد کرد و شما را در باطن رحم مادران در سه تاریکی مشیمه و رحم و بطن با تحولات گوناگون بدین خلقت زیبا بیافرید این خداست پروردگار شما که سلطان ملک وجود اوست و هیچ خدائی جز او در عالم نیست پس ای مشرکان نادان از درگاه او به کجا میروید؟ و چرا معبودان باطل را به جای او می پرستید؟ (۷) اگر همه کافر شوید خدا از طاعت همه شما البته بی نیاز است و لیکن کفر و شرک را هم از بندگانش نمی پسندد و اگر طاعت و شکرش به جای آرید از شما آن پسند اوست و بدانید که در قیامت هرگز بار گناه کسی را دیگری بدوش نخواهد گرفت و پس از این زندگانی دنیای فانی بازگشت همه به سوی خداست و او شما را به هرچه در دنیا از نیک و بد کرده اید آگاه می سازد که او از اسرار دل‌های خلق به خوبی آگاهست (۸) و بیچاره انسان را هرگاه فقر و مصیبت و رنجی پیش آید در آن حال به دعا و توبه و انابه به درگاه خدا رود و چون نعمت و ثروت به او عطا کند خدائی را که از اینیش میخواند بکلی فراموش سازد و برای خدای یکتا شریک و همتا قرار دهد تا خلق را از راه خدا گمراه سازد ای رسول ما، با چنین کس بگو ای نگون بخت کمتر به کفر و عصیان لذت و آسایش جو که عاقبت از اهل آتش دوزخی و به عذاب ابد گرفتار خواهی بود (۹) یا آن کس که شب را به طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟ با آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است یکسانست؟ هرگز یکسان نیست بگو ای رسول آنان که مانند علی (ع) و شیعیان شاگردان مکتبش اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان دشمنان علی (ع) یکسانند؟ هرگز یکسان نیستند و منحصرآ خردمندان شیعیان علی (ع) متذکر این مطلبند که عالم و جاهل مساوی نیست (۱۰) ای رسول ما، بگو به امت ای بندگان که به خدا ایمان آورده اید خداترس و پرهیزکار باشید که هر کس متقی و نیکوکار است علاوه بر آخرت در دنیا هم نصیبش نیکوئی و خوشی است و زمین خدا بسیار پهناور است اگر در مکانی ایمان و حفظ تقوی مشکلد به شهر و دیاری دیگر روید و به راه دین صبر پیشه کنید که خدا صابران را به حد کامل و بدون حساب پاداش خواهد داد (۱۱) ای رسول بگو که من خود مامورم که تنها خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم و هرگز شرک نیآورم (۱۲) و باز مامورم که در اسلام و در تسلیم امر خدا مقام اولیت را دارا باشم (۱۳) باز بگو که من اگر خدای خود را نافرمانی کنم البته از عذاب روز بزرگ قیامت میترسم (۱۴) باز بگو من خدای یکتا را میپرستم و دینم را خاص و خالص برای او میگردانم و غیر او را باطل محض میدانم (۱۵) شما هم ای مشرکان هر که را

میخواهید جز خدا پرستید که از غیر خدا جز زیانمی بینید و بگو که زیانکاران آنان هستند که خود و اهل بیت خود را از کفر و عصیان در قیامت به خسران جاودان درافکنند این همان زیان است که در قیامت بر همه آشکار است (۱۶) و بر آنها از بالا- و زیر سایبان آتش دوزخ است آن آتشی که خدا از آن بندگان را میترساند که ای بندگان از آتش قهر من بترسید (۱۷) و آنان که از پرستش طاغوت دوری جستند و به درگاه خدا با توبه و انابه بازگشتند آنها را بشارت و مژده رحمت است ای رسول تو هم آن بندگان را به لطف و رحمت من بشارت آر (۱۸) آن بندگان که چون سخن بشنوند نیکوتر عمل کنند آنان هستند که خدا آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند (۱۹) آیا کسی که وعده عذاب خدا بر او محقق و حتمی و به دوزخ قهر و شقاوت معذب است تو به پند و نصیحت میتوانی از آن آتش قهرش برهانی؟ هرگز نمی توانی یعنی چنین کسی از فرط شقاوت گوش به پند تو نمیدهد تا هدایت یابد (۲۰) لیکن آنان که متقی و خداترس شدند برای آنها در بهشت رضوان و باغ فردوس جاویدان کاخ و عمارتها بالای یکدیگر بنا شده است که در جلو آن عمارات نهرهای آب جاریست این بهشت ابد وعده خداست و خدا هرگز وعده خود را خلاف نخواهد کرد (۲۱) نشانه لطفهای خدا را در دنیا نمی بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و در روی زمین نهرها و جویها روان ساخت آنگاه انواع نباتات گوناگون بدان برویاند باز از سبزی و خرمی رو به خزان آرد و نخست بنگری که آرد شود و آنگاه خدا چوب و علف خشک گرداند در آن باران و سیر صعودی و نزولی نباتات هم صاحبان عقل متذکر قدرت و رحمت الهی شوند (۲۲) آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر و فکر روشن عطا فرمود که وی به نورالهی روشن است؟ چنین کس با مردم کافر بی نور تاریک دل یکسانست؟ هرگز نیست پس وای بر آنان که از قساوت و شقاوت دلهاشان از یاد خدا فارغ است اینان هستند که دانسته به ضلالت و گمراهیند (۲۳) خدا برای هدایت امت آخر زمان قرآن را فرستاد که بهترین حدیث و نیکوترین سخن آسمانی خداست کتابیست که آیاتش همه در کمال فصاحت و عجاز با هم مشابه است و در آن ثنای خدا و خاصان خدا مکرر میشود که از تلاوت آیات قهر آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و با آیات رحمت باز به آنها آرام و سکونت بخشد و دل هایشان را به ذکر خدا مشغول سازد این کتاب همان رحمت و هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید و هر کس را خدا گمراه کند یعنی پس از تمام حجت به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده ای نخواهد یافت (۲۴) آیا آن کس که روز قیامت برای پرهیز از سختی عذاب دوزخ ناچار است که رخسارش را مقابل آتش سپر گرداند مانند کسی است که از آن عذاب ایمن و آسوده است؟ و آن روز به ظالمان خطاب شود که اینک کیفر ستمهائی که در دنیا کردید بچشید (۲۵) آنان که پیش از این امت بودند نیز پیغمبران خود را تکذیب کردند و از جایی که پی نمی بردند عذاب قهر حق بر آنها فرود آمد (۲۶) و خدا عذاب ذلت و خواری را در دنیا به آنها چشاندید در صورتی که عذاب آخرت آنها اگر بدانند بسیار سختتر است (۲۷) و ما در این قرآن مجید برای هدایت مردم هرگونه مثلهای روشن آوردیم باشد که خلق متذکر حقایق آن شوند (۲۸) این کتاب الهی قرآن عربی فصیح است که در آن هیچ ناراستی و حکم ناصواب نیست و خلق را به راه راست میخواند باشد که مردم از آن پند گرفته و پرهیزگار شوند (۲۹) خدا برای کفر و ایمان مثلی زده بیاموزید آیا شخصی که از بابانی متعدد دارد همه مخالف یکدیگر و هر کدام او را به کاری پررنج و زحمت میگارند با آن شخصی که تسلیم امر یک نفر است که به او مهربانست و هیچ تکلیف سختی نمی کند حال این دو شخص یکسانست؟ خدا را سپاس که حالشان هرگز یکسان نیست لیکن اکثر مردم درک این حقیقت نمیکنند (۳۰) ای رسول عزیز ما شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت (۳۱) آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش دادخواهی میکنند و حق متعادلاد مظلومان را از ظالمان خواهد گرفت (۳۲) پس در آن روز از آن کسی که بر خدا دروغ بسته و وعده صدق رسولان خدا را تکذیب کرده هیچ کس ستمکارتر هست؟ هرگز نیست آیا منزلگاه کافران آتش دوزخ نیست؟ البته هست (۳۳) و آن کس از بندگان که در آیات قرآن وعده صدق بر او آمد و آن را تصدیق کرد و به خدا و قیامت ایمان آورد هم آنها به حقیقت اهل تقوی هستند (۳۴) و برای آن بندگان نزد خدا از هر نعمتی که بخواهند از روحانی و

جسمانی همه مهیاست که این پاداش نیکو کاران عالم است (۳۵) تا خدا به لطف و کرم زشتترین گناهانشان را مستور و محو میگرداند و بسی بهتر از این اعمال نیکشان به آنها پاداش عطا می کند (۳۶) آیا خدای مهربان برای بنده اش کافی نیست که مردم تو را از قدرت غیر خدا میترسانند؟ البته خدا کافی است و از غیر او نباید ترسید و هر که را خدا گمراه کند یعنی پس از اتمام حجت به گمراهی خود واگذارد دیگر او را هیچ راهنمایی نخواهد بود (۳۷) و هر کس را خدا به لطف خود هدایت کند دیگر احدی او را گمراه نتواند کرد. آیا خدا مقتدر و غالب بر تمام قوای عالم و منتقم از همه ستمکاران جهان نیست؟ البته هست (۳۸) و ای رسول اگر از این مشرکان بپرسی که زمین و آسمانها را که آفریده است البته جواب دهند خدا آفریده پس به آنها بگو چه تصور میکنید آیا جز خدا همه بتهایی که میخوانید اگر خدا بخواهد مرا رنجی رسد آن بتان می توانند آن را رفع کنند؟ یا اگر خدا بخواهد مرا به رحمتی رساند بتان میتوانند آن رحمت را از من باز دارند؟ هرگز نمیتوانند بگو خدا مرا کافی است که متوکلان عالم بر او توکل میکنند (۳۹) باز به امت بگو ای مردم شما را آنچه میسر است و در خور جهل و گمراهی شماست عمل کنید من هم آنچه روا دانم عمل میکنم تا به زودی بطلان شما و حقانیت من معلوم شما گردد (۴۰) و تا بدانید که عذاب با ذلت و خواری که را فرا رسد و آلام همیشگی دوزخ برای که فرود آید؟ (۴۱) ای رسول این کتاب الهی را ما به حق برای هدایت خلق بر تو فرستادیم اینک هر که هدایت یافت نفع آن و هر که به گمراهی شتافت زیان آن بر شخص اوست و تو پساز تبلیغ رسالت و اتمام حجت دیگر وکیل خلق و نگهبان امت از قهر حق نخواهی بود (۴۲) خداست آن که وقت مرگ ارواح خلق را می گیرد و آن کس را که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض میکند سپس آن را که حکم به مرگش کرده جانش را نگاه می دارد و آن را که نکرده به بدنش می فرستد تا وقت معین مرگ در اینکار نیز ادله قدرت الهی برای متفکران پدیدار است (۴۳) بلکه این مردم کافر مشرک خدا را واگذارده و بتهایی بی اثر را شفیعان خود برگرفتند ای رسول به آن مردم نادان بگو، هم اگر چه این بتان کمتر چیزی در جهان مالک نباشند و عقل و ادراکی هیچ ندارند؟ باز شفیع شما توانند شد؟ (۴۴) بگو شفاعت همه خلقان با خداست که سلطان ملک زمین و آسمانهاست و پس از مرگ و فنا بازگشت همه شما به سوی اوست (۴۵) چون نزد مردم بی ایمان به آخرت اهل ایمان خدا را به یکتائی یاد کنند از ذکر حق سخت ملول و دلتنگ میشوند و هرگاه ذکر غیر خدا از امور مادی کنند خرم و دلشاد میگردند (۴۶) ای رسول ما، دایم بگو پروردگارا ای خالق زمین و آسمانها ای دانای عالم پیدا و پنهان تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع برانگیزند حکم فرما (۴۷) و اگر مردم ستمکار و ظالم هر آنچه در زمین است دو برابر دارا باشند البته خواهند که برای نجات خود از سختی عذاب قیامت همه را فدا کنند مگر نجات یابند و البته آن روز از قهر خدا عذابی که گمان نمی بردند بر آنان پدید آید (۴۸) و آن در نتیجه زشتی و بدکاریهایشان ظاهر شود و عذاب قیامت که با انکار و استهزاء تلقی میکردند بر آنان احاطه کند (۴۹) آری آدمی ناسپاس چون رنج و دردی به او رسد ما را به دعا میخواند و باز چون آن رنج و عذاب را برداشتم و نعمت و دولت به او دادیم گوید این نعمت دانسته و به استحقاق نصیب من گردید چنین نیست بلکه آن امتحان وی است ولیکن اکثر مردم آگه نیستند (۵۰) پیشینیان هم میگفتند که ما مال و دولت را به تدبیر و لیاقت خود یافتیم اما خطا گفتند که وقت مرگ و هلاک مال و دولتی که اندوختند بی نیازشان نکرد و هیچ به فریادشان نرسید (۵۱) ولیکن کیفر زشتی و بد کاریها که برای کسب مال انجام دادند به آنها رسید. و ستمکاران از این مردم به زودی کیفر کردارشان را خواهند یافت و هرگز از قهر و قدرت خدا رهائی نمی یابند (۵۲) آیا مردم نمی دانند که خدا البته هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی سازد در این اختلاف روزی خلق هم ادله قدرت الهی برای اهل ایمان پدیدار است (۵۳) ای رسول رحمت بدان بندگانم که به عصیان اسراف بر نفس خود کردند بگو هرگز از رحمت نامنتهای خدا ناامید مباشید البته خدا همه گناهان را چون توبه کنید خواهد بخشید که او خدائی بسیار آمرزنده و مهربانست (۵۴) و به درگاه خدای خود به توبه و انابه باز گردید و تسلیم امر او شوید پیش از آنکه عذاب خدا فرا رسد و هیچ آن زمان نصرت و نجاتی نیابید (۵۵) و بهترین دستور کتابی که بر شما از جانب خدا نازل شده است پیروی کنید پیش از آنکه

عذاب قهر خدا به کیفر گناهان بر شما ناگهان فرود آید و شما از فرط جهل و غفلت آگاه نباشید (۵۶) آنگاه هر نفسی به خود آید و فریاد و حسرتا برزرد و گوید ای وای بر من که جانبامر خدا را فرو گذاشتم و در حق خود ظلم و تفریط کردم و از جهل و غفلت وعده های خدا را مسخره و استهزاء نمودم (۵۷) یا آنکه از فرط پشیمانی در پی آرزوی محال آید و گوید افسوس اگر خدا مرا به لطف خاص هدایت فرمودی من نیز از اهل تقوی بودم و دور از دوزخیان در بهشت جاودان موی داشتم (۵۸) یا آنکه چون عذاب خدا را به چشم مشاهده کند گوید ای فریاد کاش بار دیگر به دنیا باز میگشتم تا به طاعت حق پرداخته و از نیکوکاران میشدم و این عذاب را نمیدیدم (۵۹) آری ای بدبخت آیات کتاب من که محققا برای هدایت تو آمد تو آن را تکذیب کردی و راه تکبر و سرکشی پیش گرفتی و از زمره کافران بد کیش گردیدی (۶۰) و روز قیامت کسانی که بر خدا دروغ بستند بنگری که همه رویشان سیاه شده است رسوای خدا و خلق گردیدند آری متکبران را نه منزل در دوزخ است؟ دوزخیان همه روسیاهند (۶۱) و خدا اهل تقوی را به اعمال صالح از عذاب نجات خواهد داد که هیچ رنج و المی به آنها نرسد و هرگز غم و اندوهی بر دلشان راه نیابد (۶۲) خدا آفریننده هر چیز است و بر هر چیز هم او نگهبانست (۶۳) و کلیدهای خزائن آسمانها و زمین او راست و آنان که به آیات خدا کافر شدند هم آنان زیانکاران عالمند (۶۴) ای رسول به مشرکان بگو ای مردم نادان مرا امر میکنید که غیر خدا را پرستش کنم؟ (۶۵) هنوز مشرکان جاهل از تو موحد کامل طمع شرک دارند؟ و حال آن که بر تو و بر رسولان پیش از تو چنین وحی شده که اگر به خدا شرک آوری عملت را محو و نابود می گرداند و سخت از زیان کاران خواهی گردید (۶۶) بلکه همیشه خدا را پرستش کن و از شکر گزاران نعمت الهی باش (۶۷) و آنان که غیر خدا را طلبیدند خدا را چنان که شاید به عظمت نشناختند و اوست که روز قیامت زمین در قبضه قدرت او و آسمانها در پیچیده بدست سلطنت اوست آن ذات پاک یکتا منزّه و متعالی از شرک مشرکان بلکه از فکر موحدان است (۶۸) و صیحه صور اسرافیل بدمند تا جز آنکه خدا بقای او خواسته دیگر هر که در آسمانها و زمین است همه یکسر مدهوش مرگ شوند آنگاه صیحه دیگری در آن دمیده شود که ناگاه خلائق همه از خواب مرگ برخیزند و نپاره واقعه محشر کنند (۶۹) و زمین محشر به نور پروردگار روشن گردد و نامه اعمال خلق در پیشگاه عدل حقنهاده شود و انبیاء و شهداء بر گواهی احضار شوند و میان خلق به حق حکم کنند و به هیچکس ابدا ظلمی نخواهد شد (۷۰) و هر کس به پاداش عملا تمام برسد و خدا از هر کس به افعال نیک و بد خلق آگاه تر است (۷۱) و آن روز آنان که به خدا کافر شدند فوج فوج به جانب دوزخ رانند و چون آنجا رسند درهای جهنم به رویشان بگشایند و خازنان دوزخ به آنها گویند مگر پیغمبران خدا برای هدایت شما نیامدند و آیات الهی را برایتان تلاوت نکردند و شما را از ملاقات این روز سخت نترسانیدند؟ جواب دهند بلی و لیکن افسوس که ما پند نگر فتمیم و به کفر و عصیان خود را مستحق عذاب حرمان کردیم و وعده عذاب برای کافران محقق و حتمی گردید (۷۲) آنگاه به آن کافران خطاب شود اینک از هر در به دوزخ داخل شوید و در آن عذاب جاودان بمانید که متکبران را دوزخ بسیار بد منزلگاهی است (۷۳) و متقیان خدا ترس را فوج فوج به سوی بهشت برند و چون بدانجا رسند همه درهای بهشت به رویشان به احترام بگشایند و خازنان بهشتی به تهنیت گویند سلام بر شما باد خوشا به حال شما که چه خوش عیش ابدی نصیب شما گردید حالی در این بهشت ابد در آئید و جاودان متنعم باشید (۷۴) مومنان به بهشت در آیند و گویند ستایش خدای را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن بخواهیم منزل گزینیم بلی آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود (۷۵) و ای رسول در آن روز فرشتگان رحمت را مشاهده کنی که گرداگرد عرش با عظمت الهی در آمده و به تسبیح و ستایش خدا مشغولند و میان اهل بهشت و دوزخ به حق حکم شود و همه زبان به حمد خدا گشایند و گویند سپاس و ستایش خاص خدای جهانیانست (۷۶)

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم اسرار خدا و رسولت (۲) نزول این کتاب آسمانی قرآن از جانب خدای مقتدر داناست (۳) خدائی که بخشنده گناه و پذیرنده توبه بندگان با ایمان و منتقم سخت از مردم مظالم بی ایمان است خدائی که صاحب رحمت و نعمتست جز او هیچ خدائی نیست و بازگشت همه به سوی اوست (۴) و بدان ای رسول که در آیات خدا کسی به انکار و جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید (۵) اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز پیغمبران را تکذیب کردند و هر امتی همت می گماشت که پیغمبر خود را دستگیر و هلاک گرداند و با جدل و گفتار باطل برهان حق را پایمال سازد و ما آنها را به کیفر کفر گرفتیم و چگونه عقوبت سخت کردیم (۶) و همین گونه وعده خدای تو بر عقاب و کیفر کافران امت محقق و حتم است که آنها روز قیامت همه اهل دوزخ هستند (۷) فرشتگانی که عرش با عظمت الهی را بر دوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند به تسیح و ستایش حق مشغولند هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایماناز خدا آمرزش و مغفرت می طلبند که ای پروردگاری که علم و رحمت بی منتهایت همه اهل عالم را فرا گرفته است تو به لطف و کرم گناه آنان که توبه کردند و راه رضای تو را پیمودند ببخش و آنان را از عذاب دوزخ محفوظ دار (۸) پروردگارا تو آنها را در بهشت عدنی که وعده فرمودی با پدران و مادران صالح و هم جفت و فرزندانشان واصل گردان که همانا تویی خدای با حکمت و اقتدار (۹) و هم آن مومنان را به لطف و عنایت از ارتکاب اعمال زشت نگاهدار که هر که را تو از زشتکاری امروز محفوظ داری در حق او رحمت و عنایت بسیار فرموده ای و آن به حقیقت رستگاری بزرگ از بلا یا و فیروزی عظیم در آخرت خواهد بود (۱۰) و آنان که به خدا کافر شدند چون به دوزخ درافتند و از فرط خشم، دشمن جان خود شوند به آنها خطاب شود که خشم و قهر خدا بسیار از خشم شما بر خود سختتر است چرا که شما را به ایمان دعوت کردند و شما کافر شدید (۱۱) در آن حال کافران گویند پروردگارا تو ما را دو بار بمیراندی و باز زنده کردی یکبار در دنیا میراندی و در قبور و عالم برزخ زنده کردی دوم بار در قبور میراندی و به قیامت زنده کردی تا ما به گناهان خود اعتراف کردیم آیا اینک ما را راهی هست که از این عذاب دوزخ بیرون آئیم؟ هیهات (۱۲) به آنها گویند این عذاب برای آنست که شما چون خدا به یکتائی یاد میشد به او کافر میشدید و اگر بر او شریک می گرفتند ایمان می آوردید پس اینک حکم عفو و عقوبت شما با خدای متعال بزرگوار است (۱۳) آن خدائی که به شما آیات قدرت خود را در عالم آفاق و انفس پدیدار ساخت و از آسمان به وسیله برف و باران بر شما روزی فرستاد و متذکر این معنی نشوند مگر کسانی که دایم رو به درگاه خدا آرند (۱۴) پس خدا را به اخلاص و یکتائی بخوانید که دین خالص و حکم نافذ هر چند کافران نخواهند مخصوص خداست (۱۵) که او دارای شئون و مراتب رفیع و صاحب عرش عظیم است روح همان فرشته جانبخش را به امر خود بر هر که از بندگان خواهد می فرستد تا آن بنده مقام نبوت یابد و خلق را از روز قیامت وقت ملاقات ثواب و عقاب بترساند (۱۶) آن روزی که همه نیک و بد خلق پدید آید و هیچ کرده آنها بر خدا پنهان نباشد. در آن روز سلطنت عالم با کیست؟ با خدای قاهر منتقم یکتاست (۱۷) آن روز هر نفسی به آنچه از نیک و بد کرده جزا خواهد یافت و امروز بر هیچکسستم نخواهد شد که خدای عادل حساب خلق به یک لحظه میکند (۱۸) و ای رسول، امت را از روز قیامت بترسان که از هول و ترس آن روز جانها به گلو میرسد و از بیم آن حزن و خشم خود فرو میرند و ستمکاران را هیچ خویشی که حمایت کند و یآوری که شفاعتش پذیرفته شود نخواهد بود. (۱۹) و خدا بر نگاه خیانت چشم خلق و اندیشه های نهانی دلهای مردم آگاهست (۲۰) خدا در عالم به حق حکم میکند و غیر او آنچه را به خدائی میخوانند هیچ حکم و اثری در جهان نتوانند داشت خداست که دعای خلق را شنوا و به احوال بندگان بیناست (۲۱) آیا مردم در روی زمین سیر و سفر نمیکند تا عاقبت کار پیشینانشان را ببینند که آنها با آنکه بسیار از اینان قوی تر و آثار وجودیشان در روی زمین بیشتر بود سرانجام خدا به کیفر گناهانشان بگرفت و همه را هلاک ساخت و از قهر و انتقام خدا هیچکس نگهدارشان نبود (۲۲) این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها آمدند و آنان از جهل و عناد کافر شدند خدا هم آنان را

به عقوبت گرفت که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است (۲۳) و ما موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم (۲۴) به سوی فرعون و هامان و قارون آنها موسی را تکذیب کردند و گفتند او ساحر بسیار دروغگوئی است (۲۵) و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت برای هدایت خلق آمد فرعون و قومش به مردم گفتند بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید تا ضعیف و نابود شوند و ما بالعکس آنها را قوی کردیم آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت و خسرانشان به کار نیاید (۲۶) فرعون به درباریانش گفت بگذارید تا من موسی را به قتل رسانم. و او خدای خود را که او را مقتدر و منتقم میدانم به یاری طلبید میترسم که اگر وی را زنده گذاریم آئین شما را تغییر دهد و در زمین فتنه و فساد برانگیزد (۲۷) موسی قصه قتل خود شنید گفت من به خدای آفریننده من و شما و همه عالم از شر هر کافر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد پناه میبرم و از او در دفع شما کافران یاری میطلبم (۲۸) و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان میداشت با فرعونیان گفت آیا مردی را به جرم اینکه میگوید پروردگار من خداست نه فرعون و هامان و بتان دیگر میکشید؟ در صورتی که با معجزه و ادله روشن از جانب خدا برای هدایت شما آمده است آخر فکر کنید اگر او دروغگوست گناه دروغش بر خود اوست و لیکن اگر راستگو باشد از وعده های او بعضی به شما برسد همه هلاک خواهید شد و خدا البته مردم ستمکار و دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد (۲۹) ای قوم امروز ملک و سلطنت زمین مصر با شماست لیکن اگر قهر و انتقام خدا بر ما برسد کیست که ما را از آن نجات تواند داد. فرعون باز گفت جز آنکه رصی به قتل موسی دادم رای دیگر نمی دهم و جز این صلاح نمیدانم و شما را جز به راه صواب دلالت نمیکنم (۳۰) باز همان شخص با ایمان به فرعونیان گفت ای قوم من بر شما می ترسم از روزی مانند روز سخت احزاب و امم پیشین (۳۱) مثل روزگار ناگوار قوم نوح و عاد و ثمود و امم بعد از اینان که همه به کیفر کفر و عصیان هلاک شدند و خدا هیچ اراده ظلم در حق بندگان نکند و هلاک آنها به سو، اختیار خود است (۳۲) و باز گفت ای قوم من برای شما از عذاب روز قیامت که خلق از سختی آن به فریاد آیند سخت میترسم (۳۳) روزی که از عذاب آن هر سو بگریزید و هیچ از قهر خدا پناهی نیابید. و هر که را خدا گمراه کند یعنی پس از اتمام حجت به ضلالت واگذارد دیگر برای او راهنمایی نیست (۳۴) و از این پیش یوسف کنعان به سوی شما مصریان با معجزات و ادله روشن به رسالت آمد و دایم از آیاتی که برای شما آورد در شک و ریب بماندید اطاعت وی نکردید تا آنکه یوسف از دنیا برفت و باز به دروغ گفتید که دیگر خدا پس از یوسف هرگز رسولی نمی فرستد بلی خدا مردم ستمگری که در آیات خدا و معجزات رسل در شک و ریبند گمراه میگرداند یعنی به گمراهی و خذلان خود وامیگذارد (۳۵) آنان که در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان به جدال و انکار برخیزند این کار سخت خدا و رسول و اهل ایمان را به خشم و غضب آرد بلی اینگونه خدا بر دل هر منکر ستمکاری مهر شقاوت میزند که با سعادت خود دشمن میشود (۳۶) و فرعون به وزیرش گفت ای هامان برای من کاخی بلند پایه آسمان خراش بنیادکن تا شاید به درهای آسمان راه یابم (۳۷) تا راه آسمانها یافته و بر خدای موسی آگاه شوم و از صدق و کذب موسی تحقیقی کنم و من هنوز موسی را دروغگوی می پندارم. و این چنین در نظر جاهلان فرعون مشرک خودپرست دعوی دروغ و عمل زشتش زیبا نمود و راه حق و خداپرستی بر او مسدود شد و مکر و تدبیر فرعون جز بر زیان و هلاکش به کار نیامد (۳۸) و باز همان شخص مومن آل فرعون زبان به نصیحت گشود و گفت ای قوم مرا پیروی کنید تا شما را به راه حق و صواب دلالت کنم (۳۹) ای قوم این زندگانی فانی دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی و حیات جاودانی است (۴۰) و بدانید که هر کس کار بدی در دنیا کرده آنجا الا به مثل آن مجازات نشود و هر که از مرد و زن عمل صالح بجا آورده در صورتی که با ایمان باشند آنان در بهشت جاودان داخل شوند و آنجا به رزق بی حساب و نعمت بی شمار برخوردار گردند (۴۱) و ای قوم چرا من شما را به راه نجات و طریق بهشت دعوت می کنم و شما مرا به سوی آتش دوزخ میخوانید؟ (۴۲) شما مرا دعوت میکنید که به خدا کافر شوم و از بی دانی بتی را که در جهان هیچ موثر نمیدانم شریک خدا قرار دهم و من شما را به سوی خدای مقتدر بسیار با بخشش و آمرزش میخوانم (۴۳) ناچار و بالضروره آنچه شما مرا به سوی او

میخوانید از بتها و فراغه و معبودان باطل آنها اثری در دنیا و آخرت هیچ ندارند و محققا بدانید که در قیامت باز گشتما به سوی خداست و البته ستمکاران فاسق در آنجا همه اهل آتش دوزخند (۴۴) به زودی گفتارم را هنگام پاداش عمل متذکر میشوید و میفهمید که نصایح من به خیرخواهی و نفع شما و نشنیدن پند من به زیان و هلاکت شماست و من کار خود به خدا وامیگذارم که او کاملا بر احوال بندگان آگاهست (۴۵) قوم به جای آنکه پند مومن آل فرعون را بشنوند قصد آزارش کردند پس خدا از شر و مکر فرعونیان او را محفوظ داشت و عذاب سخت بر آل فرعون فرا رسید و همه به دریای هلاک غرق شدند (۴۶) اینک که در عالم برزخند آتش دوزخ را صبح و شام بر آنها عرضه میدارند و چون روز قیامت شود خطاب آید که فرعونیان را به سختترین عذاب جهنم وارد کنید (۴۷) و در آتش دوزخ چون با هم به احتجاج و مجادله برآیند ضعیفان ملت به پیشوایان گردنکش خود میگویند ما در دنیا پیروی شما کردیم که گمراه شدیم آیا میتوانید امروز شما هم به عوض آن از آتش عذاب ما بکاهید و بر خود بیفزائید (۴۸) پیشوایان متکبر پاسخ دهند که ما و شما همه باید در آتش دوزخ یکسان معذب باشیم که خدا میان بندگان البته به عدل حکم فرموده است (۴۹) و اهل دوزخ به خازنان جهنم گویند از خدا بخواهید که روزی عذاب ما را تخفیف دهد (۵۰) آنها پاسخ دهند که آیا پیغمبران شما با معجزات و ادله روشن برای هدایت شما نیامدند؟ دوزخیان گویند آری آمدند ما پیروی آنان نکردیم و بدین روز سیاه افتادیم پس خازنان جهنم گویند اینک هر چه میخواهید دعا و ناله کنید که دعای کافران جز بر زیان و ضلالت نخواهد بود (۵۱) ما که خدای توانائیم البته رسولان و اهل ایمان را هم در دنیا بر دشمنان نشان ظفر و نصرت میدهیم و هم روز قیامت که گواهان اعمال نیک و بد به شهادت برخیزند مومنان را به مقامات بهشتی پاداش میدهیم (۵۲) در آن روز ستمکاران را پشیمانی و عذرخواهی سود ندهد و بر آنها خشم و لعن و منزلگاه بد جهنم مهیاست (۵۳) و ما به موسی مقام هدایت عطا کردیم و بنی اسرائیل قوم او را وارث کتاب بزرگ تورات گردانیدیم (۵۴) تا آن قوم هدایت یابند و خردمندان پند گیرند (۵۵) ای رسول ما بر آزار امت صبر کن که البته وعده ثواب و عقاب خدا حق است و بر گناه خود از خدا آمرزش طلب کن یعنی بر گناه امت نادان از درگاه خدا آمرزش خواه و صبح و شام به تسبیح و ذکر و ستایش پروردگار خود پرداز (۵۶) آنان که در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان راه انکار و جدل پیمودند جز تکبر و نخوت و قصد ریاست چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم، آخر نخواهند رسید پس تو از شر و فتنه آنها پناه به درگاه خدا بر که خدا شنوای دعای مظلومان و بینای احوال بندگان است (۵۷) البته خلقت زمین و آسمانها بسیار بزرگتر و مهمتر از خلقت بشر است و لیکن اکثر مردم این معنا را درک نمیکنند (۵۸) و هرگز جاهل نابینا و شخص عالم بینا یکسان نیست و هم آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند نزد خدا با کافران بدکردار مساوی در درجات آخرت نیستند لیکن بسیار کم مردم این حقیقت را متذکر میشوند (۵۹) البته ساعت قیامت بی هیچ شک می آید و لیکن بیشتر مردم تا ساعت مرگ به آن ایمان نمی آورند (۶۰) و خدای شما فرمود که مرا با خلوص دل بخوانید تا دعای شما مستجاب کنم و آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی کنند زود با ذلت و خواری در دوزخ شوند (۶۱) خداست آنکه شب تار را برای آسایش و استراحت شما قرار داده و روز را برای کسب و کار شما به چراغ خورشید روشن گردانید که خدا را در حق مردمان فضل و احسانست و لیکن اکثر مردم شکر نعمتش بجا نمی آرند (۶۲) همان خدای پروردگار شما آفریننده همه موجودات عالم است و جز او هیچ خدائی نیست پس ای بندگان از درگاه یگانه معبود حق چرا باز گردیده و فریفته معبودان باطلی شوید (۶۳) آنان که آیات و رسل الهی را انکار کردند هم اینگونه از بندگی حق باز گردیده و مغرور معبودان باطل میشوند (۶۴) خداست آنکه زمین را آرامگاه شما قرار داد و آسمان را کاخی رفیع برافراشت و شما را به نیکوترین صورتهای بیافرید و از بهترین غذاهای لذیذ خوش به شماروزی داد این خدا که چنین احسانها فرمود پروردگار شماست آهی برتر و بزرگوار است پروردگار عالمیان (۶۵) او خدای زنده ابد است و جز او هیچ خدائی نیست پس تنها او را بخوانید و به اخلاص بنده او باشید که ستایش و سپاس مخصوص خدای یکتای آفریدگار عالمیانست (۶۶) ای رسول ما، بت پرستان را بگو که مرا از پرستش معبودان باطلی که شما به جای خدا میپرستید البته منع کرده اند چرا که بر من از

خدای خود به وحی آیات و ادله روشنی آمده است و من مامورم که تنها تسلیم امر خدای عالمیان باشم (۶۷) اوست خدائی که شما را از خاک ناچیز بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آنگاه از خون بسته علقه پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیری سالخورده می شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنید و همه به اجل خود میرسید این چنین کردیم تا مگر قدرت خدا را تعقل کنید (۶۸) اوست خدائی که خلائق را زنده میکند و میمیراند و چون به خلقت چیزی حکم نافذ و مشیت کاملش تعلق گیرد به محض اینکه گوید موجود باش بی درنگ موجود میشود (۶۹) ای رسول آیا کسانی که در آیات ما راه جدال و انکار پیمودند ندیدی عاقبت کارشان به کجا کشید؟ (۷۰) آنان که کتاب ما را و احکامی که رسولان خود را بر ابلاغ آن فرستادیم تکذیب کردند بزودی کیفر کردارشان را خواهند یافت (۷۱) چون گردنهایشان با غل و زنجیرهای آتشین کشیده شود (۷۲) تا به حمیم دوزخ و آب گرم و عفن جهنم درافکنند سپس در آتش افروخته شوند (۷۳) آنگاه به آنها گویند کجا رفتند معبودان باطلی که شریک خدا میشمردید (۷۴) و از خدا روی گردانیدید آن مشرکان جواب گویند آن بتها همه از نظر ما محو و نابود شدند بلکه در مقام انکار برآمده که ما از این پیش چیزی را به خدائی نپرستیدیم خدا این گونه مردم کافر مشرک را گمراه میگرداند یعنی از رحمت خود محروم میکند (۷۵) این قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنیا از پی تفریح و هوسرانی باطل بودید و دایم به نشاط و شهوت پرستی سرگرم شدید (۷۶) اینک به کیفر کفرتان بر درهای دوزخ درآید که آنجا جاودان معذب خواهید بود بلی متکبران را که سر از فرمان حق کشیدند در آخرت بسیار منزلگاه بدیست (۷۷) ای رسول چند روزی بر آزار کافران امت صبر کن که البته وعده ثواب و عقاب خدا حق است که آنها را یا در حیات تو و مقابل چشم تو به بعضی از وعده های خود به شمشیر تو عقوبت میکنیم یا چنانچه تو را قبض روح کنیم باز رجوع آنها به سوی ماست و در قیامت به کیفر اعمالشان میرسانیم (۷۸) و ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی برای امت بیاورد و چون فرمان خدا بر غلبه حق و محو باطل فرارسد آن روز بر همه به حق حکم کنند و کافران مبطل زیانکار شوند (۷۹) خداست آنکه برای شما آدمیان چهارپایان را آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید (۸۰) و نیز نفع بسیار دیگر از شیر و پوست و پشم و کرک و موی آنها ببرید و از سواری و باربری و شیار زمین حوائج و اغراضی که با آنها در سفر و حضر دارید انجام دهید و بر آنها در خاک و بر کشتی ها در آب سوار شوید (۸۱) و خدا آیات قدرت و رحمت خود را به شما در جهان ارائه داد پس کدام یک از آیات الهی را انکار توانید کرد (۸۲) آیا مردم در زمین به سیر و سفر نمی روند تا عاقبت حال پیشینیانشان را که از اینها بسیار بیشتر و قوی تر و موثرتر در زمین بودند مشاهده کنند؟ که چگونه همه هلاک شدند و آنچه اندوختند آنها را از مرگ و هلاکت حفظ و حمایت نکرد (۸۳) پس آنگاه که رسولان ما با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم نادان به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند تا وعده عذابی که مسخره میکردند همه را فرا گرفت (۸۴) و آنگاه که شدت قهر و عذاب ما را به چشم دیدند در آن حال از کفر و شرک پشیمان شده و گفتند ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و به همه بتهایی که شریک خدا گرفتیم کافر شدیم (۸۵) اما ایمانشان پس از دیدن مرگ و مشاهده عذاب ما بر آنها هیچ سودی نبخشید. سنت خدا و حکمت الهی از ازل چنین در میان بندگان حکم فرما بوده که رسول و کتاب به امر و نهی و وعده ثواب و عقاب و نجات مومنان و هلاک کافران بفرستد تا خلق به اطاعت و عصیان امتحان شوند و آنجا کافران زیانکار شده اند (۸۶)

فصلت

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم رمز رسالت است یا قسم به خدای حمید مجید (۲) که این قرآن تنزیلی از جانب خدای بخشنده مهربانست (۳) کتابی است که آیات جامعش حقایق و احکام الهی را به زبان فصیح عربی برای دانشمندان مبین ساخته

است (۴) قرآن نیست که نیکان را به وعده رحمت حق بشارت می‌دهد و بدان را از عذاب قهر می‌ترساند اما اکثر مردم اعراض کرده و اندرز و نصایحش نمی‌شنوند (۵) و مشرکان گفتند تو با ما چه می‌گویی که دلهای ما از قبول دعوت سخت محبوب و گوش ما از شنیدن سخت سنگین و میان ما و تو حجاب ضخیم و فاصله بسیار است که هرگز بدین تو نمی‌گریم تو به کار دین خود پرداز ما هم البته به کیش خویش عمل میکنیم (۶) ای رسول ما، به امت بگو که منم مانند شما بشری هستم جز آنکه مرا وحی میرسد که پروردگار شما خدای یکتای بی همتا و از شرک و شریک مبرا است پس همه مستقیم به راه دین او شتایید و از او آمرزش طلبید. و ای به حال مشرکان (۷) آنانکه زکات به فقیران بینوا هرگز نمیدهند و به عالم آخرت و جهان ابدی بکلی کافرند (۸) آنانکه به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند البته پاداش بی پایان خواهند یافت (۹) ای رسول مشرکان را بگو که شما به خدا که زمین جهان را در دو روز بیافرید کافر میشوید و بر او مثل و مانند قرار میدهید؟ آهی جهل و نادانی او خدای جهانیانست نه بتها و معبودان شما. در این آیه شریفه شاید یک معنی عالم اجسام باشد و دو روز دو نوع بسیب و مرکب یا جواهر و اعراض اجسام مقصود باشد (۱۰) و او روی زمین کوه‌ها برافراشت و انواع برکات و منابع از معادن و چشمه‌ها و درختان بسیار در آن قرار داد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز برای هر شهر و دیاری مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید تا همه روزی خورند (۱۱) و آنگاه به خلقت آسمانها توجه کامل فرمود که آسمانها دودی بود او به امر نافذ تکوینی فرمود که ای آسمان و زمین و ای قوای عالم غیب و شهود همه به سوی خدا و اطاعت فرمان حق به شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتایید آنها عرضه داشتند ما با کمال شوق و میل به سوی تو میشتاییم زیرا حرکت هر ناقص فقیر به سوی کاملغنی برای کمال و غناست و حرکت مشتاقانه است (۱۲) آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی به نظم امرشوحی فرمود و آسمان محسوس دنیا را به چراغهای رخشنده مهر و ماه و انجم زیب و زیور دادیم این نظام آسمان و زمین تقدیر خدای مقتدر داناست (۱۳) اگر کافران پس از این ادله و آیات الهی از خدا اعراض کردند به آنها بگو من شما را از صاعقه ای مانند صاعقه هلاک عاد و ثمود ترسانیدم و هلاک آن قوم را به کیفر کفر شرح دادم (۱۴) که بر آنها از هر جانب رسولان حق آمدند و گفتند که جز خدای یکتا را نپرستید کافران باز گفتند اگر خدا میخواست که ما ایمان آوریم فرشتگان را به رسالت می فرستاد که ما به کتب و احکام شما رسولان بشری کافر هستیم (۱۵) اما قوم عاد در زمین بناحق تکبر و سرکشی کردند و به مغروری گفتند که از ما نیرومندتر در جهان کیست؟ آیا آنها ندانستند که خدائی که آنها را خلق فرموده بسیار از آنان تواناتر است؟ و باز آیات قدرت ما را با وجود این برهان انکار کردند (۱۶) ما هم بر هلاک آن قوم عاد باد تندی در ایام نحس شوم فرستادیم تا به آنها عذاب ذلت و خذلان را در دنیا بچشانیم در صورتی که خواری عذاب آخرت بیش از دنیاست و آنجا هیچکس یاری آنها نخواهد کرد (۱۷) اما قوم ثمود را نیز رسول فرستادیم و هدایت کردیم لیکن آنها خود کوری جهل و ضلالت را بر هدایت بگزیدند پس بر آنها هم صاعقه عذاب خواری و هلاکت به کیفر کردارشان فرود آمد (۱۸) و آنان که به خدا ایمان آوردند و خداترس و پرهیزکار شدند همه را نجات دادیم (۱۹) و روزی که همه دشمنان خدا را به سوی آتش دوزخ کشانند و آنجا برای جمع آوری بازدارند (۲۰) تا چون همه بر در دوزخ رسند آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنها بر جرم و گناه آنها گواهی دهند (۲۱) و آنها به اعضاء بدن گویند ای عجب به شما که زبان نداشتید چگونه بر اعمال ما شهادت دادید آن اعضاء جواب گویند خدائی که همه موجودات را به نطق آورد ما را نیز گویا گردانید و او شما را نخستین بار بیافرید و جان گویا داد و پس از مرگ باز به سوی او برمیگردید (۲۲) و شما که اعمال زشت خود را پنهان میداشتید برای این نبود که گوش و چشمهای شما و پوست بدنهایتان امروز شهادت ندهند زیرا تصور نمیکردید که اعضاء شما هم شاهد اعمال شما هستند و لیکن گناه را پنهان میکردید به گمانتان که اکثر اعمال زشتی که از خلق پنهان میکنید از خدا هم پنهانست و بر آن آگاه نیست (۲۳) ولی همین گمان باطل شما درباره خدا موجب معصیت و هلاکت شما گردید و امروز همه از زیانکاران شدید (۲۴) اینک اگر صبر و تحمل کنند چگونه بتوانند که جای در آتش دارند و اگر فریاد و بی تابی کنند فریادرس و دادخواهی

ندارند(۲۵) و ما رفیقان و یارانی از شیاطین بر آنها گماشتیم تا آنچه پیش روی آنهاست از نعمت و لذت‌های فانی دنیا در نظرشان جلوه دهند و آنچه از عقب دارند از نعمت و لذات ابدی آخرت فراموش و غافلشان کنند و وعده عذاب الهی بر آنها حتم و لازم گردد چون امتانی از جن و نس که غرق دنیا بودند و با کفر و عصیان در گذشتند و سخت زبون و زیانکار شدند(۲۶) و کافران به مردم گفتند بر این قرآن که محمد (ص) می خواند گوش فرادهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید(۲۷) ما هم کافران را البته عذابی سخت بچشانیم و بدتر از آنچه کردند کیفر کنیم(۲۸) جزای دشمنان خدا همان آتش دوزخ است که منزل ابدی آنهاست به کیفر آنکه آیات و رسل ما را انکار کردند(۲۹) و کافران چون مشاهده عذاب کنند با حسرت و ندامت گویند پروردگارا آن دو گروه از جن و انس که ما را گمراه کردند به ما نشان ده که آنها را زیر پا بیفکنیم تا پست و ذلیلترین مردم شوند(۳۰) آنانکه گفتند محققا پروردگار ما خدای یکتا است و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند و مژده دهند که دیگر هیچ ترسی از وقایع آینده و حزن و اندوهی از گذشته خود ندارید که راحت ابدی شدید و شما را به همان بهشتی که انبیاء وعده دادند بشارت باد(۳۱) و ما فرشتگان و حور و غلمان در دنیا و آخرت یاران و دوستداران شمائیم و برای شما در بهشت ابد هر چه مایل باشید یا آرزو و تقاضا کنید همه مهیاست(۳۲) این سفره احسان را خدای غفور مهربان پاداش ثبات ایمان برای شما گسترده است(۳۳) در جهان از آن کس که چون پیمبران خلق را به سوی خدا خواند و نیکوکار گردید و همی به عجز و لابه گفت که من تسلیم خدایم کدام کس بهتر و نیکوگفتارتر است؟(۳۴) بدان که هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست ای رسول تو و امت در امور شخصی همیشه بدی خلق را به بهترین عمل که خیر و نیکی است پاداش ده تا همان کس که گوئی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد(۳۵) ولیکن به این مقام بلند یعنی پاداش بدی نیکی کردن کسی نمیرسد جز آنانکه در راه دینداری دارای مقام صبر و ثبات و در معرفت الهی صاحب حظ بزرگ شدند(۳۶) پس هرگاه از وسوسه شیطان بر تو رنج و فساد رسد به خدا پناه بر که او به دعای خلق شنوا و به احوال همه داناست(۳۷) و از جمله آیات قدرت الهی خلقت شب و روز و خورشید و ماه است و نباید هرگز پیش خورشید و ماه و هزاران هزار آفتاب تابان در عوالم پیدا و پنهان آفریده است سجده و پرستش کنید اینجا سجده واجب است(۳۸) و اگر کافران از پرستش خدا تکبر ورزند این خاکیان را به چیزی مگیر که فرشتگان و قوای بی نهایت عالم بالا نزد خدا شب و روز بی هیچ خستگی و ملال به تسبیح و طاعت حضرت حق مشغولند(۳۹) و از جمله آیات قدرت الهی آنکه زمین را بنگری مطیع و مستعد که چون ما بر آن آب باران فرود آریم گیاه برآورد و اهتزاز و نشاط و خرمی یابد باری آن کس که زمین را به باران زنده کند مردگان را هم زنده گرداند که او بر هر چیز قادر است(۴۰) آنان که در آیات ما سخت راه کفر و عناد پیمودند از قهر ما بترسند که هرگز از نظر ما پنهان نیستند ای غافلان آیا کسی که روز قیامت به آتش دوزخ درافتد بهتر است یا آن کس که ایمن از عذاب است؟ باری امروز به اختیار خود هر چه میخواهید بکنید که خدا به تمام اعمال و جزای نیک و بد شما کاملا آگاه است(۴۱) همانا آنانکه به این قرآن که برای هدایت آنها آمد کافر شدند چقدر نادانند در صورتی که این کتاب به حقیقت همان صاحب عزت و معجز بزرگ است(۴۲) و هرگز از پیش و پس آینده و گذشته حوادث عالم این کتاب حق باطل نشود و تا قیامت حکومت و حکمتش باقیست زیرا او فرستاده خدای مقتدر حکیم ستوده و صفات است(۴۳) ای رسول ما، بر تو هم وحی نمیشود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد که خدا بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناکست(۴۴) و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می فرستادیم کافران میگفتند چرا آیات این کتاب مفصل و روشن به زبان عرب نیامد تا ما قوم عرب ایمان آوریم ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل میشود؟ اکنون که بدون عذر ایمان نمی آرند به آنها بگو این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنانکه ایمان نمیارند گوشه‌ایشان از شنیدن کلام حق گرانست بر آنها موجب کوری جهل و ضلالت است و آن مردم نادان از مکانی بسیار دور از سعادت و ایمان به این کتاب حق دعوت می شوند(۴۵) و ما به موسی کتاب تورات را فرستادیم در آن راه مخالفت پیش گرفتند و اگر کلمه رحمت از لطف خدا سبقت نیافته

بود که تعجیل در عذاب نکند همانا میان آن امتحکم عذاب میرسید. و هر چند که آنها سخت در نزول آن عذاب در شک و ریبند که تو را در وعده عذاب قیامت هم تکذیب میکنند(۴۶) هر کس کار نیکی کند بر نفع خود و هر که بد کند بر ضرر خویش کرده است و خدا در روز جزا هیچ بر بندگان ستم نخواهد کرد(۴۷) تنها از ساعت قیامت خدا آگاهست و هیچ میوه ای از غنچه خود بیرون نیاید و هیچ آبستنی بار بر ندارد و نژاید مگر به علم ازلی او و یاد آر ای رسول روز محشر را و امت را متذکر آن روز ساز که خدا به مشرکان خطاب کند آن معبودان باطلی که شریک من پنداشتید کجا رفتند که برای نجات شما نمی آیند مشرکان گویند بارالها ما حضور تو عرضه داشتیم که امروز جز تو از برای نجات ما هیچ دادرس و گواهی نیست(۴۸) و معبودان باطلی که در دنیا عبادت میکردند همه از نظرشان محو و نابود شود و آن زمان بدانند که از آتش قهر خدا هیچ مفر و نجاتی بر آنها نیست(۴۹) زدمی حریص از خدا به دعا دایم تمنای خیر میکند و هرگز خستگی و سیری ندارد و شکر آن نمیکند و لیکن اگر به وی روزی شر و آسیبی رسد از رحمت الهی زود مایوس و ناامید میگردد(۵۰) و اگر ما به انسان مغرور کم پرف پس از رنج و ضرری که به او رسیده نعمت و رحمتی نصیب کنیم البته خواهد گفت که این نعمت برای من از لیاقت من است و باز مغرور دنیا شود و گوید گمان نمیکنم که قیامت برپا شود و به فرض اینکه بعد از مرگ قیامتی باشد و به سوی خدا برگردیم باز هم برای من نزد خدا بهترین نعمت خواهد بود ما البته کافران را به کیفر اعمالشان آگاه میسازیم و عذابی بسیار سختی چشانیم(۵۱) و ما هر گاه به انسان بی حوصله کم پرف نعمتی عطا کردیم کفران کرد و رو بگردانید و از شکر خدا دوری جست و هر گاه شر و بلائی به او روی آورد آنگاه دایم زبانه دعا گشود اظهار عجز نمود(۵۲) ای رسول کافران را بگو چه می پندارید اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کافر شده باشید آیا گمراه تر از آنکه مانند شما به کفر و شقاق دور از راه سعادت گردید در جهان کسی تواند بود؟(۵۳) ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن میگردانیم تا در خلقت آفاق و انفس نظر کنند و خداشناس شوند و ظاهر و آشکار شود که خدا و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه بر حقست آیا ای رسول همین حقیقت که خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواهدست کفایت از برهان نمیکنند؟(۵۴) الا ای اهل ایمان بدانید که کافران از لقای خدای خود در شک و انکارند و باز بدانید که خدا را بر همه موجودات عالم احاطه کاملست و از همه چیز وجودش هویدا است(۵۵)

الشوری

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) حم(۲) عسق اسرار کتاب خداست(۳) اینگونه به سوی تو و رسولان پیش از تو خدای مقتدر دانا وحی میکند(۴) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه ملک اوست و او خدای بزرگ بلند مرتبه است(۵) نزدیکست که آسمانها از فراز شکافته و درهای آن به وحی رسولان باز شود و فرشتگان رحمت به ستایش خدای خود تسبیح گویند و برای اهل زمین از خدا مغفرت و آمرزش طلبند و ندا کنند که الا ای بندگان بدانید که خداست آن ذاتی که بسیار در حق بندگان آمرزنده و مهربان است(۶) و آنان که غیر خدا را معبود و محبوب خویش برگرفتند خدا رقیب و نگهبان اعمال آنهاست و آنها را به کیفر کفرشان میرساند و تو وکیل کار و مسئول کردار آنان نخواهی بود(۷) و چنین قرآن فصیح عربی را ما به تو وحی کردیم تا مردم شهر مکه ام القری و هر که در اطراف اوست از خدا بترسانی و هم از سختی روز بزرگ قیامت که بی هیچ شک همه جمع آیند و گروهی در بهشت جاودان و فرقه ای در آتش سوزان روند آگاه گردانی(۸) و اگر خدا میخواست و در ازل صلاح نظام عالم میدانست تمام خلائق مومن و کافر را به قهر یک فرقه مومن قرار میداد و لیکن برای امتحان جنین نخواست تا هر که را بخواهد به رحمت خود داخل کند و ستمکاران را هیچ یار و ناصری نباشد(۹) آیا مشرکان غیر خدا را یار و دوستدار خود برگرفتند؟ و حال آنکه خدا منحصر دوست و یاور بندگان است و اوست که مردگان را زنده میکند و اوست که بر هر چیز تواناست(۱۰) و آنچه را که در او اختلاف و نزاع کردید حکم آن به خدا و احکام خدا راجع است همان خدای آفریننده عالم و آدم پروردگار من است که بر او در

کارها توکل کرده و به درگاه او به تضرع باز میگردم (۱۱) خدا آفریننده زمین و آسمانها برای شما آدمیان از جنس خودتان آنان را همجفت شما قرار داد و نیز چهارپایان را جفت نر و ماده آفرید تا به این تدبیر ازدواج شما را خلق بی شمار کند. آن خدای یکتا را هیچ مثل و مانندی نیست و او به کردار بندگان شنوا و بیناست (۱۲) کلید گنج نعمتهای آسمانها و زمین او راست هر که را خواهد رزق وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی کند که او به هر چیز آگاهست (۱۳) خدا شرع و آئینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح راهم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را برپا دارید و در حفظ آن پایداری کنید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید و بدان که مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت میکنی قبولش بسیار در نظرشان بزرگ میاید باری از انکار آنها میندیش خدا هر که را بخواهد به سوی خود و مقام رسالت خویش برمیگزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت میفرماید (۱۴) و مردم در دین راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان از جانب حق بر آنها آمد لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند و اگر کلمه رحمت از لطف خدا سبقت نگرفته بود که تا وقت معین تعجیل در عذاب نکند البته میان مردم ستمکار حکم به هلاک میشد و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند مانند یهود و نصاری در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند و به آن ایمان واقعی نیاوردند (۱۵) بدین سبب ای رسول، تو همه را به دین اسلام و کلمه توحید دعوت کن و چنانکه ماموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و به امت بگو که من به کتابی که خدا فرستاد قرآن ایمان آورده ام و مامورم که میان شما به عدالت حکم کنم خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست و پس از تبلیغ رسالت دیگر هیچ حجت و گفت و گوئی بین ما و شما باقی نیست. خدا روز جزا برای حکم حق میان ما جمع میکند و به سوی او همه باز میگردیم (۱۶) و آنان که در دین خدا از حسد و عناد با رسولش جدل و احتجاج برانگیزند پس از آن که خلق دعوت او را پذیرفتند حجت آنها نزد خدا لغو و باطل است و بر آنها قهر و غضب و عذاب سخت خواهد بود (۱۷) خداست آن که کتاب آسمانی را به حق برای اجرای عدالت فرستاد و تو ای رسول چه دانی ممکنست ساعت قیامت بسیار نزدیک باشد (۱۸) آنان که به ساعت قیامت ایمان نمی آورند به تمسخر تقاضای تعجیل در ظهور قیامت میکنند اما اهل ایمان از آن روز سخت ترسانند و میدانند که آن روز و همه وعده های آخرت بر حق است الا ای مردم بدانید آنان که در قیامت جدل و انکار میکنند سخت در گمراهی دور از سعادتند (۱۹) خدا را به بندگان لطف و محبت بسیار است هر که را بخواهد روزی میدهد و او بر هر چیز توانای مطلق و بر همه عالم مقتدر و غالب است (۲۰) هر کس حاصل مزرعه آخرت را بخواهد ما بر تخمی که کاشته می افزائیم و هر که تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را هم از آن نصیب می کنیم ولی در آخرت از نعمتابدی آن چون نخواسته نصیبی نخواهد یافت (۲۱) آیا خدایان باطل مشرکان بر آنها شرع و احکامی که خدا اجازه فرموده جعل کرده اند و اگر کلمه فصل یعنی حکم تاخیر عذاب نبود میان آنها به هلاکت حکم میشد و ستمکاران را البته روزی عذاب دردناک خواهد بود (۲۲) و آن روز ظالمان را بینی که از کیفر کردار خود و از هول و سختی عذاب قیامتسخت ترسان و هراسانند و البته به کیفر خواهند رسید و آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند در باغهای بهشت منزل یافته و نزد خدا هر چه خواهند بر آنان مهیاست این همان فضل و رحمت نامنتهای خداست که نصیب اهل ایمان است (۲۳) این بهشت ابد همانست که خدا به بندگانی که ایمان آورده و نیکوکار شدند بشارت آن را داده است. ای رسول ما، به امت بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید و دوستدار آل محمد باشید که این اجر هم بر نفع امت و برای هدایت یافتن آنهاست و هر که کار نیکو انجام دهد ما بر نیکویش بیفزائیم که خدا بسیار آمرزنده گناهان و پذیرنده شکر بندگانش (۲۴) بلکه مردم نادان خواهند گفت محمد (ص) بر خدا دروغ بست که محبت اهل بیت را بر امت واجب کرد چنین نیست و هرگز رسولی بر خدا دروغ نتواند بست که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر مینهد و به کلمات وحی خود سخن باطل را محو و نابود و حق را ثابت و برقرار میگرداند که خدا به

اسرار دل‌های خلق کاملاً آگاهست. (۲۵) و اوست خدائی که توبه بندگانش را می‌پذیرد و گناهانشان را می‌بخشد و هر چه کنید میدانند (۲۶) و دعای آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شوند مستجاب میگرددند و از فضل و کرم خود بر ثواب آنها میافزاید اما برای کافران عذابی سخت خواهد بود (۲۷) و اگر خدا روزی بندگان را وسیع و فراوان کند در روی زمین ظلم و طغیان بسیار کنند لیکن روزی خلق را به اندازه ای که بخواهد و صلاح داند نازل می‌گرداند که خدا به احوال بندگانش بصیر و آگاهست (۲۸) و اوست خدائی که باران را پس از نومیدی خلق میفرستد و رحمت و نعمت خود را فراوان میگردداند و اوست خداوند محبوب الذات ستوده صفات (۲۹) و از جمله آیات قدرت او خلقت زمین و آسمانهاست و هم آنچه در آنها از انواع جنیندگان پراکنده است و او بر جمع آوری موجوداتی که در آسمانها و کرات بی شمار عالم آنچه پراکنده است هر وقت بخواهد قادر است زیرا همه موجودات بی نهایت همه در قبضه علم و قدرت اوست (۳۰) و آنچه از رنج و مصائب به شما میرسد چون درد و فقر و پریشانی و جنگ و قحط و گرفتاریها همه از دست اعمال زشت خود شماست در صورتی که خدا بسیاری از اعمالبد را عفو میکند و هیچ بر آن عقوبت دنیوی و اخروی نمی‌افزاید (۳۱) و شما در زمین هیچ قدرتی ندارید و از کوچکترین قوای جهان زبون و عاجزید و غیر خدا در عالم هیچ یار و یآوری نخواهید داشت (۳۲) و یکی از آیات قدرت الهی سیر و گردش کشتیهاست که در آب دریا مانند قصرها به حرکت می‌آورد (۳۳) و اگر خدا بخواهد باد را سکون و آرامش دهد تا کشتیها بر پشت آب از جنبش بایستند و در این کار برای مردم با صبر شکر گزار ادله قدرت خدا نمودار است (۳۴) یا اگر بخواهد خدا کشتیهایتان را به جرم بدکاری به دریا غرق میکند در حالی که بسیاری از جرم شما را باز می‌بخشد (۳۵) و آنان که در آیات ما راه جدال و انکار می‌پیمایند می‌دانند که بر آنها از قهر و عذاب ما هیچ مفر و نجاتی نیست (۳۶) باز ای مردم دنیا طلب بدانید که چیزی که از نعمتهای دنیا نصیب شما گردیده متاع فانی زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقی تر است اما آن مخصوصاست به آنان که به خدا ایمان آورده اند و در امورشان بر لطف پروردگار توکل میکنند (۳۷) و آنان که از زشتکاری و گناهان بزرگ می‌پرهیزند و چون بر کسی خشم و غضب کنند بر او می‌بخشند (۳۸) و آنان که امر خدا را اجابت و اطاعت کردند و نماز بپا داشتند و در حفظ دین و دنیای خود از شرفتنه کفار کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کردیم به فقیران انفاق میکنند (۳۹) و آنان که چون ظلمی بر آنها هجوم کند از مومنان یاری میطلبند (۴۰) و انتقام بدی مردم بمانند آن بد رو است نه بیشتر و باز اگر کسی عفو کرده و بین خود و خصم خود را به عفو اصلاح نمود اجر صبر و عفو او بر خداست و خدا هیچ ستمکاران را دوست نمیدارد (۴۱) و هر کس پس از ظلمی که بر او رفته برای انتقام یاری طلبد هرگونه دادخواهی کند بر او هیچ گناه و مواخذه ای نیست (۴۲) تنها راه مواخذه بر آنهاست که به مردم ظلم کنند و در زمین به ناحق شرارت انگیزند بر آنها در دنیا انتقام و در آخرت عذاب دردناک است (۴۳) و هر که بر ظلم کسی صبر کند و با قدرت انتقام ببخشد این مقام حلم و بردباری است که عزم در امور الهی و تسلط بر نفس و قوت عقل و اراده است (۴۴) و هر که را خدا گمراه گرداند یعنی به گمراهی خود واگذارد دیگر هیچ کس جز خدا بر او یآوری نیست و ستمکاران را بنگری که چون عذاب قیامت را به چشم بینید در آن حال با حسرت و پشیمانی گویند ای خدا آیا راهی به بازگشت به دنیا برای ما هست؟ (۴۵) و آن ظالمان را بنگری که به دوزخشان متوجه گردانند و آنها با ترس و ذلت از گوشه چشم بر آتش دوزخ مینگرند و در آن حال مومنان ایمن و شادان گویند آری زیانکاران آنان هستند که نفوس خود و اهل بیت خود را در امروز قیامت به زیان عذاب انداخته اند. الا ای مردم بدانید که ستمکاران عالم به عذاب ابدی گرفتارند (۴۶) و آنها را هیچ غیر خدا یار و یآوری نباشد و هر که را خدا گمراه کند و پس از تمام حجت به گمراهی گذارد دیگر هیچ راه نجاتی بر او نخواهد بود (۴۷) به زای بندگان غافل دعوت خدای خود را اجابت کنید پیش از آنکه بیاید روزی که نه از قهر خدا راه نجاتی یابید و نه ملج و پناهی دارید و نه بر عذابی که به کرده خود مستحق آن شدید کسی از شما دفاع و انکاری تواند کرد (۴۸) ای رسول تو این آیات قیامت را بر خلق برسان اگر باز اعراض کردند دیگر تو رانگهبان آنها نفرستادیم بر تو جز ابلاغ رسالت تکلیفی نیست و ما چون به انسان بی صبر کم ظرف از لطف

و رحمت خود بهره ای بخشیم شاد شود و اگر به کيفر کردار خود رنج و عذابی بر او رسد سخت راه کفران پوید و به جای توبه بکلی خدا را از یاد ببرد (۴۹) خداست تنها مالک زمین و آسمانها هر چه بخواهد می آفریند و به هر که خواهد فرزندان دختر و بهر که خواهد فرزند ذکور پسر عطا می کند (۵۰) یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار می دهد و هر که را خواهد عقیم نازاینده میگرداند که او به صلاح خلق دانا و بهر چه خواهد تواناست (۵۱) و از رسولان هیچ بشری را یارای آن نباشد که با خدا سخن گوید مگر به وحی و الهام خدا یا از پس پرده غیب عالم و حجاب ملکوت جهان یا رسولی از فرشتگان عالم بالا فرستد تا به امر خدا هر چه او خواهد وحی کند. که او خدای دانای بلند مرتبه است (۵۲) و همین گونه ما روح و فرشته بزرگ خود را به فرمان خویش برای وحی به تو فرستادیم و از آن پیش که وحی بر تو رسد نه، دانستی کتاب خدا چیست و نه، فهم کردی که راه ایمان و شرع کدام است و لیکن ما آن کتاب و شرع را نور وحی و معرفت گردانیدیم که هر کس از بندگان خود را بخواهیم به آن نور هدایت میکنیم و اینک تو که به نور وحی ما هدایت یافتی خلق را هدایت خواهی کرد به راه راست (۵۳) یعنی به راه خدا همان خدائی که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست و بدانید که رجوع تمام امور عالم آفرینش به سوی خداست (۵۴)

الزخرف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم رسول و جانشینانش بر اسرار این حرف آگاهند یا اشاره به دو اسم حمید و مجید خداست (۲) قسم به قرآن روشن بیان (۳) که ما قرآن را به لسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا شما بندگان در فهم آن مگر عقل و فکرت کار بندید تا دانا شوید و سعادت ابد یابید (۴) و همانا این کتاب نزد ما در لوح محفوظ که اصل مخزن کتب آسمانی است بسی بلند پایه و محکم اساس است (۵) آیا ما از متذکر ساختن شما به قرآن چون به انکار آن بر خویش ستم میکنید صرف نظر کنیم؟ هرگز نکنیم زیرا نزول قرآن بر هدایت مومنان و اتمام حجت کافران لازم است (۶) و چقدر پیمبرانی در اقوام پیشین برای هدایت خلق فرستادیم (۷) و بر مردم هیچ رسولی نیامد جز آنکه او را به مسخره و انکار گرفتند (۸) ما هم قویترین سرکشانشان را به عقوبت هلاک کردیم و شرح حال پیشینان برای عبرت مردم گذشت (۹) و اگر از این کافران بررسی که آسمانها و زمین را که آفریده البته جواب دهند خدای مقتدر دانا آفریده است (۱۰) همان خدائی که زمین را مهد آسایش شما بندگان قرار داد و در آن راه ها بر تحصیلا مرعاش و معاد شما پدید آورد تا مگر هدایت یابید (۱۱) و آن خدائی که از باران آسمان آبی به قدر و اندازه نازل کرد و به آن صحرا و دیار مرده خشک را زنده گردانیدیم و همین گونه مردگان هم از قبرها بیرون می آیند (۱۲) و آن خدائی که همه موجودات عالم را جفت آفریده و برای سواری شما بندگان کشتیها و چهارپایان را در آب و خاک مقرر فرمود (۱۳) تا چون در سفرها با کمال تسلط بر پشت آنها نشستید متذکر نعمت خدا شوید و به شکرانه آن گوئید پاک و منزّه خدائی که او این انواع کشتی و چهارپایان قوی را مسخر ما گردانید و گرنه ما هرگز قادر بر آن نبودیم (۱۴) و باز گشت ما البته به سوی خدای ما خواهد بود (۱۵) و مشرکان برای خدا مانند فرشته چیزی را که بنده و مخلوق اوست جز وجود و فرزند واقعی او قرار دادند آهی جهل و کفر و سفاهت که انسان بسیار ناسپاس و کفرش آشکار است (۱۶) ای مشرکان آیا خدا از مخلوقات خود بر خویش دختران را برگزید و شما را به پسران امتیاز داد؟ (۱۷) و حال آن که به هر کدام از مشرکان دختری که به خدا نسبت دادند مژده دهند ننگ دارد و رویش از غم سیاه میشود و به ناچار خشم فرومیرد (۱۸) آیا کسی که به زیب و زیور پرورده میشود مانند دختران و او در خصومت از حفظ حقوق خود عاجز است چنین کس؟ لایق فرزندی خداست؟ (۱۹) و مشرکان فرشتگانی که مخلوق و بندگان خدا هستند دختر میخوانند آیا در وقت خلقت آنها حاضر بودند؟ و دیدند که آنها دخترند. اگر آنها بر این گواهی دهند البته شهادت کذبشان در نامه عملشان نوشته شده و بر آن سخت مواخذه می شوند (۲۰) و مشرکان میگویند اگر خدا میخواست ما فرشتگان و بتان را نمی پرستیدیم و مجبور به عبادت خدا میشدیم گفتار جبری جاهلانه آنها نه از روی علم و دانش است بلکه به وهم و پندار باطل خویش میگویند (۲۱) آیا بر آنها از این

پیش کتابی فرستادیم که در این سخن جبر و عقیده باطل به آن کتاب استدلال می کنند؟ (۲۲) بلکه گفتند ما پدران را به عقاید و آئینی یافتیم و البته ما هم در پی آنها رویم بر هدایت هستیم (۲۳) و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آئین و عقائدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد و به گفتار شما از دین پدری خود بر نمی گردیم (۲۴) آن رسول ما به آنان گفت اگر من به آئینی بهتر از دین باطل پدرانتان شما راهدایت کنم باز هم پدران را تقلید میکنید آنها پاسخ دادند بهر تقدیر ما به آنچه شما به رسالت آورده اید اگر بهترین دین است باز کافریم (۲۵) ما هم از آن مردم پرغرور و عناد انتقام کشیدیم بنگر تا عاقبت حال کافران مکذب به کجا کشید؟ (۲۶) ای رسول ما، یاد آر وقتی را که ابراهیم با پدر یعنی عموی خود و قومش گفت ای بت پرستان، من از معبودان شما سخت بیزارم (۲۷) و حز آن خدائی را که مرا آفریده و البته مرا هدایت خواهد کرد نمی پرستم (۲۸) و این خداپرستی و توحید را در همه ذریت او خصوص محمد (ص) و آل پاکش خدا تاقیامت کلمه باقی گردانید تا همه فرزندانش به خدای یکتا رجوع کنند (۲۹) و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم بلکه آنان و پدرانشان را مهلت داده و از عمر بهره مند کردیم تا آنکه دین حق و رسول مبین حقیقت اسلام بر آنها آمد (۳۰) و چون رسول حق به سوی آنها آمد او را تکذیب کردند و گفتند این قرآن سحر است و ما به وحی بودن آن ایمان نداریم (۳۱) و باز گفتند چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف ولید و حبیب یا عروابن مسعود نازل نشد؟ (۳۲) آیا آنها باید فضل و رحمت خدای تو را تقسیم و مقام نبوت را تعیین کنند؟ هرگز نباید در صورتی که ما خود معاش و روزی آنها را در حیات دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی را بر بعضی به مال و جاه دنیوی برتری داده ایم تا بعضی از مردم به ثروت بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند و غافلند که بهشت دار رحمت خدا از آنچه از مال دنیا جمع میکنند بسی بهتر است (۳۳) و اگر نه این بود که مردم همه یک نوع و یک امتند ما از پستی و بی قدری دنیا آنان که کافر به خدا میشوند به مال فراوان سقف خانه هاشان از نقره خام قرار میدادیم و چندین طبقه که نردبام نصب کرده و بر سقف بالا روند رفیع میکردیم (۳۴) و نیز بر منزلهاشان از بزرگی و وسعت درهای بسیار و تختهای آرنگار که بر آن تکیه زنند قرار میدادیم (۳۵) و عماراتشان به آر و زیور می آراستیم و اینها همه متاع پست فانی مردم دنیاست و نعمتهای آخرت ابدی نزد خدا مخصوص اهل تقوی است (۳۶) و هر که از یاد خدا و حکم قرآن رخ بتابد شیطان را برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد (۳۷) و آن شیاطین همیشه آن مردم از خدا غافل را از راه خدا بازدارند و به ضلالت درافکنند و پندارند که هدایت یافته اند (۳۸) و سرگرم دنیا شود تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آنگاه با نهایت حسرتگوید ای کاش میان من و آن شیطان فاصله ای بدوری مشرق و مغرب بود که او بسیار همنشین و یار بداندیشی بر من بود که به این روزم نشانید (۳۹) و ای ستمکاران، پشیمانی هرگز در آن روز به حال شما سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین البته در عذاب دوزخ شریک هستید (۴۰) ای رسول ما، آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران باطن و آن را که دانسته به گمراهی می رود هدایت توانی کرد؟ (۴۱) پس بدان ما یا تو را به جوار خود برده و بعد از تو سخت از آنها انتقام میکشیم (۴۲) یا عذابی که وعده به آنها دادیم به تو مینمایانیم و به شمشیر تو از آنها انتقام می کشیم که ما همه گونه بر هلاک آنها قادریم (۴۳) پس تو مطمئن باش و به قرآنی که تو را وحی میشود تمسک کن که البته تو به راه راست و طریق حق هستی (۴۴) و بدان که قرآن برای تو و مومنان قومت شرف و نام بلند است و البته شما امت را باز میپرسند که با قرآن از اطاعت و عصیان چه کردید؟ (۴۵) ای رسول ما، از رسولانی که پیش از تو فرستادیم باز پرس یعنی از سیرت آنها بازجو که آیا ما جز خدای یکتای مهربان خدایان دیگری را هم معبود مردم قرار دادیم؟ (۴۶) و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش رسالت فرستادیم او برای تبلیغ امر خدا به آنها گفت من رسول رب العالمینم (۴۷) چون آیات ما را بر آنها آورد او را مسخره کرده و بر او خندیدند (۴۸) و ما هیچ معجز و آیتی ننمودیم جز آن که از آیت دیگر بزرگتر و در دلالت بر نبوت موسی روشنتر بود همه را تکذیب کردند ما هم آنها را به عذاب و بلایا گرفتار کردیم تا مگر به سوی خدا باز آیند (۴۹) و به موسی نسبت ساحری دادند گفتند

ای ساحر بزرگ تو از خدای خود چون تعهدی با تو دارد که دعایت مستجاب کند بخواه تا عذاب از ما بردارد و ما بدین شرط البته هدایت میشویم (۵۰) پس آنگاه که به دعای موسی ما عذاب را از آنها برداشتیم باز آنها نقض عهد کردند و ایمان نیاوردند (۵۱) فرعون در میان قومش بر علیه موسی به تبلیغات پرداخت و آوازه بلند کرد که ای مردم آیا کشور با عظمت مصر از من نیست؟ و چنین نهرها از زیر قصر من جاری نیست؟ آیا عزت و جلال مرا در عالم به چشم مشاهده نمیکنید؟ (۵۲) آیا من به ریاست و سلطنت بهترم یا چنین مرد فقیر خواری که هیچ منطق و بیان روشنی ندارد؟ (۵۳) و اگر موسی رسول خداست چرا او را دستگاهی نیست و طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیستند (۵۴) و به این تبلیغات دروغ و باطل قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمانوی شدند که آنها مردمی جاهل و فاسق و نابکار بودند (۵۵) پس آنگاه که فرعون و فرعونیان از کفر و عصیان ما را به خشم آوردند ما هم از آنان انتقام کشیدیم و همه را غرق دریای هلاک نمودیم (۵۶) و هلاک آن قوم را مایه عبرت آیندگان قرار دادیم (۵۷) و چون بر عیسی فرزند مریم مثلی زده شد او را به آدم در نداشتن پدر مثل زد یا علی را به او مثل زدند از زهد و روحانیت و کثرت معجزات و مقامات قوم تو ای رسول از آن به فریاد آمدند و سخت بر آنان گران بود (۵۸) و مشرکان به اعتراض گفتند آیا خدایان بهترند یا عیسی بن مریم (ع)؟ اگر به قول محمد (ص) غیر خدا همه معبودان در آتش بسوزند لازم آید عیسی هم بسوزد و این سخن را با تو جز آنکه به جدل و انکار گفتند که آنها قومی حریف جدل و خصومتند (۵۹) عیسی نبود جز بنده خاصی که ما او را به نعمت رسالت برگزیدیم و بر بنی اسرائیل مثل و حجت قرار دادیم و با معجزه به سوی آن قوم فرستادیم (۶۰) و اگر ما بخواهیم به جای شما آدمیان فرشتگان را در زمین جانشین میگردانیم (۶۱) نزول عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است و مبشر حضرت محمد (ص) خواهد بود و زنهار در آن ساعت شک و ریب روا مدارید و امر مرا پیروی کنید که راه راست به سعادت و بهشت ابد است (۶۲) و مبادا شیطان شما را از راه حق بازگرداند زنهار پیرویش مکنید که دشمنی او شما را آشکار است (۶۳) و چون عیسی با ادله و معجزات برای هدایت خلق گفت من آمده ام با حکمت و برهان و کتاب انجیل آسمانی شما را هدایت کنم و بعضی احکامی که در آن اختلاف میکنند از تورات بیان سازم پس خداترس و پرهیزکار شوید و مرا اطاعت کنید (۶۴) همانا خدای یکتا پروردگار من و شما است تنها پرستش او کنید که جز او معبودی نیست این راه راست است (۶۵) باز فرق یهود و نصاری بین خود اختلاف انداختند و جنگ و نزاع در آیات تورات و انجیل برانگیختند و ای و صد وای بر ستمکاران عالم از عذاب دردناک روز قیامت (۶۶) آیا به جز ساعتی انتظار خواهند کشید تا آنکه قیامت و ساعت مرگ به ناگاه بر آنها فرا میرسد و آنها غافل از خدا و بی خبر از روز قیامت اند (۶۷) در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمنند به جز متقیان که اهل تقوی دوستیشان با هم در دنیا و آخرت پایدار است (۶۸) آن روز خطاب شود الا ای بندگان صالح من امروز شما را هیچ ترس و حزنی نخواهد بود (۶۹) آنان که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم امر ما شدند (۷۰) به همه خطاب رسد که شما با همسرانان مسرور و شادمان در بهشت جاوید وارد شوید (۷۱) و بر آن مومنان کاسه های زرین و کوزه های بلورین مملو از انواع طعام لذیذ و شراب طهور دور زنند و در آنجا هر چه نفوس را بر آن میل و اشتها است و چشمها را شوق و لذت مهیا باشد و شما مومنان در آن بهشت جاویدان متنعم خواهید بود (۷۲) و به مومنان گویند این همان بهشتی است که از اعمال صالح خود به ارث یافتید (۷۳) برای شما در آنجا انواع میوه فراوان است که از آن هر چه خواهید تناول کنید این حال مومنان بود اما (۷۴) بدکاران عالم هم آنجا سخت در عذاب آتش جهنم مغلندند (۷۵) و هیچ از عذابشان کاسته نشود و امید نجات و خلاصی ندارند (۷۶) و ما به آنها ظلم و ستمی نکردیم لیکن آنان خود مردمی ستمکار و ظالم بودند (۷۷) و آن دوزخیان مالک دوزخ را ندا کنند که ای مالک از خدای خود بخواه که ما را بمیراند تا از عذاب برهیم جواب دهد شما در این عذاب همیشه خواهید بود و هرگز رهائی نخواهید یافت (۷۸) ما راه خدا و آئین حق را برای شما مردم آوردیم و لیکن اکثرتان از قبول حق کراهت و اعراض داشتید (۷۹) بلی کافران بر کفر و عصیان تصمیم گرفتند ما هم بر کیفر و انتقام ایشان (۸۰) آیا گمان میکنند که سخنان سری و پنهان که بگوش هم میگویند نمی شنویم؟ بلی میشنویم و رسولان ما فرشتگان

همانند آن را مینویسند (۸۱) ای رسول بگو به کافران قریش اگر خدا را فرزندی بود اول من او را میپرستیدم یعنی البته خدا را فرزندی نیست و من هم خدای یکتا را میپرستم شما هم هرگز نباید بر او فرزند قائل شوید (۸۲) خدای آسمانها و زمین و پروردگار عرش عظیم از آنچه کافران توصیف او کنند پاک و منزّه است (۸۳) ای رسول پس از اتمام حجت دیگر بخود رنج مده و کافران را بگذار تا به عالم حیوانیت فروروند و به بازیچه دنیا سرگرم باشند تا روزی را که به آنها وعده شده بینند و آن روز به کیفر خود برسند (۸۴) و آن ذات یگانه است که در آسمان و زمین و در همه عوالم نامتناهی او خداست و هم او به نظام کامل آفرینش به حقیقت داناست (۸۵) بزرگوار خدائی که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک اوست و علم ساعت قیامت نزد او است و خلق در قیامت همه به سوی او باز میگردند (۸۶) و غیر خدای یکتا آنان را که به خدائی میخوانند قادر بر شفاعت کسی نیستند مگر عزیر و عیسی و فرشتگان آن کسانی که با علم یقین و بر توحید حق گواهی دهند و شفاعت اهل حق کنند (۸۷) و اگر از مشرکان بازپرسی که آنها را که آفریده است؟ به یقین جواب دهند خدا آفریده پس چرا از خدای حق به سوی خدایان باطل بر می گردند (۸۸) خدا هم از ساعت قیامت آگاهست و هم از گفتار و دادخواهی رسولش که گوید خدایا اینها بس لجوج قومی هستند هیچ ایمان نمی آورند (۸۹) پاسخ دهیم رسولا! اکنون که از ایمان قوم مایوسی روی از آنها بگردان بگو به سلامت تا بروند در ضلالت که بزودی بر کیفر کفر و عصیانشان آگاه میشوند (۹۰)

الدخان

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم قسم به حمید و مجید دو نام مقدس الهی (۲) قسم به قرآن حکمت بیان (۳) ما آن قرآن را در شب مبارک قدر فرستادیم تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم مقصود از نزول قرآن در شب قدر یا نزول اول آیه قرآن است یا نزول مجموع قرآن از لوح محفوظ و ام الكتاب علم حق در آسمان عقل کلی و از آسمان در مدت بیست و سه سال بر نفس مقدس نبوی (ص) بعدا نازل گردید (۴) در آن شب هر امری با حکمت و تدبیر نظام احسن معین و ممتاز میگردد (۵) تعیین آن امر البته از جانب ما که فرستنده پیغمبرانیم خواهد بود (۶) این ارسال رسول از لطف و رحمت پروردگار تست که به دعای بندگان شنوا و به احوال خلق و حاجاتشان آگاهست (۷) همان پروردگاری که خالق آسمانها و زمین و هر آنچه میان آنهاست اوست اگر یقین دارید (۸) در عالم هیچ خدائی غیر او نیست خلق را او زنده میگرداند و باز میمیراند که او خدای آفریننده شما و پدران پیشین شماست (۹) کافران را به خدا و قیامت ایمان نیست بلکه با شک و ریب و استهزاء به بازیچه دنیا مشغولند (۱۰) ای رسول منتظر باش روزی را که بر عذاب کافران آسمان دودی پدید آرد پیدا و آشکار این از علائم قیامت است (۱۱) آن دود آسمانی که عذابی دردناکست مردم را احاطه کند (۱۲) و کافران فریاد برزنند که پروردگارا این عذاب از ما برطرف ساز ما البته ایمان می آوریم (۱۳) کجا متذکر شده و ایمان می آورند در صورتی که رسول ما با آیات روشن بیان از جانب خدا آمد و ایمان نیاوردند (۱۴) پس از مشاهده آیات باز از او اعراض کردند و گفتند او شخص دیوانه ایست که مردم قرآن را به او آموخته اند (۱۵) تا زمانی اندک که برای امتحان عذاب را از آنها بر میداریم آنها باز به کفر خود برمیگردند (۱۶) ای رسول منتظر باش آن روز بزرگ را که ما آنها را به عذاب سخت بگیریم که البته ما از آنها انتقام خواهیم کشید (۱۷) و ما پیش از این امت قوم فرعون را آزمودیم و رسولی مانند موسی بزرگوار به سوی آنها فرستادیم (۱۸) او گفت ای فرعونیان امر بندگان خدا را به من واگذارید و آنها را به ظلم و جور و عبودیت برمیگیرید که من بر شما به یقین رسول امین پروردگارم (۱۹) و زنهار بر خدا تکبر و طغیان مجوئید که من بر شما حجت آشکار آوردم و توحید خدا و نبوت خود را با معجز و دلیل روشن ساختم (۲۰) و من به خدای عالم پناه میبرم اگر عزم آزار و سنگسار من کنید (۲۱) و اگر به رسالت من ایمان نمی آورید پس مرا به حال خود واگذارید و در پی قتل و آزارم برنایید (۲۲) فرعونیان دست از ستمش برنداشتند پس دعا کرد که ای خدا اینان مردمی سخت مجرم و بدکارند از آنها انتقام

کش (۲۳) خدا فرمود تو بندگان با ایمان مرا شبانه از شهر بیرون بر تا فرعونیان شما را تعقیب کنند (۲۴) آنگاه دریا را همان گونه که بر تو بشکافتیم بگذار و بگذر تا فرعون و لشکریانش تمام به دریا غرق شوند (۲۵) چه بسیار در دنیا نظیر فرعونیان بودند و باغ و بستانها و چشمه های آب (۲۶) و کشت و آرها و مقام و منزلتهای عالی رها کردند و رفتند (۲۷) و ناز و نعمت وافری که در آن غرق بودند مرگ آمد و از همه چشم پوشیدند (۲۸) و ما آن ناز و نعمتها را از قوم گذشته ارث به قوم دیگر دادیم (۲۹) و بر مرگ گذشتگان هیچ چشم زمین و آسمان نگریست و بر هلاکشان مهلت ندادند (۳۰) و البته ما بنی اسرائیل را نجات از عذاب ذلت و خواری دادیم (۳۱) از شرقتل و اسارت فرعون که سخت متکبر و ستمکار بود آسوده ساختیم (۳۲) و آنها را در آن دور بر عالمیان به علم و دانش کتاب آسمانی تورات برگزیدیم (۳۳) و آیات و معجزاتی از رحمت و غضب بر آنها بدست موسی آوردیم که در آن کاملا آزمایش شوند (۳۴) همانا اینان یعنی مشرکان مانند دهریان البته خواهند گفت (۳۵) که ما جز این مرگ اول دیگر هیچ مرگ و زندگی نداریم و هیچ در قیامت زنده نخواهیم شد (۳۶) و اگر شما مسلمین به زندگی بعد از مرگ قائلید پس پدران ما را اگر راست میگوئید بیاورید (۳۷) بگو به ایشان آیا اینان بهترند و نیرومندتر یا قوم تبع و اقوام پیش از او که چون بسیار مردم بدکار مجرمی بودند ما همه را هلاک کردیم تبع بانی شهر حیره و سمرقند خود مردی صالح بود و قومش کافر بودند (۳۸) و ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست به بازیچه خلق نکردیم (۳۹) آنها را جز به حق و از روی حکمت و مصلحت نیافریدیم و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند (۴۰) همانا روز قیامت روز فصل و جدائی مومن و کافر و وعده گاه جمیع خلائق است (۴۱) روزیست که هیچ حمایت خویش و یار و یاور کسی را از عذاب نرساند و احدی را نصرت نکنند (۴۲) مگر آنکه خدا به او رحم کند که او تنها بر خلق مقتدر و مهربانست (۴۳) همانا درخت زقوم جهنم (۴۴) قوت و غذای بدکارانست (۴۵) که آن غذا در شکمهاشان چون مس در آتش گداخته میجوشد (۴۶) آنسان که آب به روی آتش جوشانست (۴۷) خطاب قهر رسد که بدکاران را بگیرد و به میان دوزخ افکند (۴۸) پس از آن آب جوشان بر سرش فرو ریزد (۴۹) و به استهزاء وی گوئید عذاب دوزخ را بچش که تو بسیار نزد خود عزیز و گرامی هستی (۵۰) این همان عذابیست که از آن در شک و انکار بودید (۵۱) همانا آن روز سخت آنان که متقی و خداترس بودند در بهشت ابد مقام امن و امان یافته اند (۵۲) در باغها و کنار چشمه ها و نهرا آرمیده اند (۵۳) بر تن، لطیفترین لباس از سندس و ستبرق حریر نازک و ستبر بیاراسته و روبروی هم بر تختها تکیه زده اند (۵۴) و همچنین با حوریان زیبا چشمشان همجفت قرار داده ایم (۵۵) در آن بهشت پر نعمت از هر نوع میوه ای که بخواهند بر آنان حاضر و از هر درد و رنج و زحمت ایمن و آسوده اند (۵۶) و جز آن مرگ اول که از دنیا مردند دیگر هیچ طعم مرگ را نمی چشند و خدا آنها را از عذاب دوزخ محفوظ خواهد داشت (۵۷) این به فضل و رحمت خدای تست و همین به حقیقت در جهان سعادت و فیروزی بزرگ است (۵۸) و ما این قرآن را با این آیات وعده و وعید با بیان فصیح به زبان تو آسان کردیم مگر خلقان متذکر حقایق آن شوند (۵۹) پس از تلاوت این آیات و اتمام حجت بر کافران منتظر عذاب بر آنان باش چنان که آنها هم بر تو انتظار روزگار بد و حوادث ناگوار دارند (۶۰)

الْبَائِئَةُ

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم قسم به نام خدای حمید و مجید که (۲) تنزیل این قرآن عظیم از جانب خدای مقتدر حکیم است (۳) همانا در خلقت آسمانها و زمین برای اهل ایمان آیات و ادله قدرت الهی پدیدار است (۴) و در خلقت خود شما آدمیان و انواع بی شمار حیوان با خلقتهای عجیب که در روی زمین پراکنده است هم آیات و براهین قدرت حق برای اهل یقین آشکار است (۵) و نیز در رفت و آمد شب و روز و گردش آسمان و زمین و آنچه خدا از آسمان برای روزی خلق از برف و باران می فرستد و زمین را پس از خزان مرگ دیگر بار به نفسبهار زنده میسازد و در وزش بادهای عالم در همه این موجودات برای خردمندان جهان آیات قدرت صانع پیداست (۶) این آیات قرآن که ما بر تو به حق تلاوت میکنیم همه ادله قدرت خدا و برهان قاطع وجود

صانع یکتا است پس بعد از خدا و آیات روشن او اگر نگروند دیگر به چه برهان ایمان می آورند (۷) وای بر مردم دروغگوی بسیار زشت کار (۸) آنکه آیات خدا را که بر او تلاوت میشود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار میکند چنانکه گوئی هیچ آیات را نشنیده است ای رسول چنین کس چون نضر ابن حارث شقی و امثاله را به عذاب دردناک بشارت ده (۹) چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره میگیرد چنین مردم کافر را در دنیا و آخرت عذاب ذلت و خواری مهیاست (۱۰) آنها را آتش دوزخ در پیش است و هیچ از آنچه اندوختند آنان را نجات و رهائی ندهد و آنچه غیر خدا دوست گرفتند به کارشان نیاید و کیفر آنها بزرگ عذاب قهر خداست (۱۱) این قرآن هدایت خلق است و آنان که به آیات خدای خود کافر شدند جزای آنها عذاب دردناک دوزخ است (۱۲) خداست آن که برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر خدا آسان در آب جاری شود و از آن به تجارت و سفر از فضل خدا روزی طلبید باشد که شکر نعمتش به جای آرید (۱۳) و آنچه در زمین و آسمانهاست تمام را مسخر شما گردانید تا از همه موجودات عالمه علم و عمل بهره معرفت یابید در این کار نیز برای مردم با فکرت آیات قدرت الهی کاملاً پدیدار است (۱۴) ای رسول ما، به آنان که ایمان آورده اند بگو شما مومنان از جور جهالتهای مردمی که در اثر کفر و شک به ایام الهی و روز وعده های خدا امیدوار نیستند در گذرید و آنها را به حال جهالت خود رها کنید که خدا عاقبت هر قومی را به پاداش اعمال خود میرساند (۱۵) هر کس کار نیک کند به نفع خود و هر که بد کند به زیان خویش کرده است آنگاه برای پاداش نیک و بد به سوی خدای خود باز میگردید (۱۶) و ما بنی اسرائیل را کتاب آسمانی تورات و حکومت و نبوت عطا کردیم و از هر روزی لذیذ و حلال نصیب آنها گردانیدیم و به آن نعمت بزرگ تورات آنان را بر اهل دوران خود فضیلت دادیم (۱۷) و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر دین و نظم دنیا عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع برینگیختند و به تخریب احکام تورات پرداختند مگر دانسته برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر، البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت حکم خواهد کرد (۱۸) پس از موسی و رسولان بعد ما تو را بر شریعت کامل در امر دین مقرر فرمودیم تو آن شریعت و آئین خدا را کاملاً پیروی کن و هیچ پیرو هوای نفس مردم مشرک نادان مباش (۱۹) آن مردم هیچ تو را از اراده خدا بی نیاز نکنند آنچه خدا بر تو خواهد تغییر نتوانند و ستمکاران عالم به نفع خود در ظلم و ستم دوستدار و مددکار یکدیگرند و خدا دوستدار متقیان است (۲۰) این قرآن برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پروردگار است (۲۱) آیا آنان که مرتکب اعمال زشت و تبه کاری شدند گمان کردند رتبه آنها را مانند کسانی که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند قرار میدهیم؟ تا در مرگ و زندگانی هم با مومنان یکسان باشند؟ هرگز چنین نیست حکم آنها اندیشه بسیار باطل و جاهلانه ایست (۲۲) و خدا آسمانها و زمین را به بازیچه خلق نکرده بلکه به حق آفریده است و در هرچه خلق کرده مصلحت و مقصودی داشته و عاقبت هر نفسی بی هیچ ستمی پاداش هر عملی که کرده است خواهد یافت (۲۳) ای رسول ما، مینگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را دانسته و پس از اتمام حجت گمراه ساخته و مهر قهر بر گوش و دل او نهاده و برچشم وی پرده ظلمت کشیده لذا سخن خدا را نمیشنود و فکر در عاقبت خود نمیکند و آیات الهی را به چشم مشاهده نمی نمایند پس او را بعد از خدا دیگر که هدایتش خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمیشوید که جز راه خداپرستی دیگر همه گمراهی است؟ (۲۴) کافران گفتند که زندگی ما جز همین نشاء دنیا و مرگ و حیات طبیعت نیست و جز دهر و طبیعت کسی ما را نمی میراند حشر و نشر و قیامتی نخواهد بود و این سخن نه از روی علم و دلیل بلکه از روی جهل و وهم و خیال میگویند (۲۵) و چون آیات و ادله روشن ما بر آن کافران تلاوت شود و با دلیل عقل معاد و قیامتبر آنها محقق گردد دیگر حجت و عذری نداشته جز اینکه گفتند اگر راست میگوئید پدران ما را زنده کنید (۲۶) ای رسول جواب آنها بگو خدا خلق را بمیراند و باز زنده کند سپس تمام شما را جمع گرداند برای روز قیامت که آن روز بی شک و ریب بیاید و لیکن اکثر مردم نمیدانند (۲۷) آسمانها و زمین همه ملک خداست و روزی که ساعت قیامت برپا شود آن روز اهل باطل و منکران معاد زیانکار خواهند بود (۲۸) و در آن روز هر گروهی را بنگری که به زانو درآمده که از وحشت قوت ایستادن بر آنها نمانده و هر فرقه به سوی

کتاب و نامه عمل خود خوانده شود و ندا شود که امروز همه به پاداش اعمال خود میرسید (۲۹) این کتاب ضبب ما به حق بر شما سخن میگوید که ما هر چه به دنیا کرده اید همه را درست نگاشته ایم و طبق آن به پاداش میرسید (۳۰) اما آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند آنها را خدا در رحمت خود داخل سازد که آن سعادت و فیروزی معین و معلومی است (۳۱) و اما آنان که به خدا کافر شدند چون از شدت عذاب بنالند به آنها گوئیم آیا بر شما آیات ما را تلاوت نکردند و شما تکبر و عصیان کردید؟ و مردمی بدکار و مجرم بودید (۳۲) و چون به شما گفته شد که وعده خدا حق است و در قیامت هیچ شک و ریب نیست شما گفتید قیامت چیست نمی فهمیم بس خیالی پیش خود می کنیم و به آن هیچ یقین نداریم (۳۳) و در آن هنگام بر آنان نتیجه اعمال بدشان پدید آید و عذابی که به آن تمسخر میکردند به آنها احاطه کند (۳۴) و با آنها به قهر و عتاب خطاب شود که امروز ما شما را از رحمت خود فراموش می کنیم یعنی محروم میسازیم چنان که شما در دنیا سرگرم شهوت و غفلت بودید و ملاقات این روز سخت را فراموش کردید اینک منزل شما آتش دوزخ است و بر نجات خود هیچ یار و یآوری ندارید (۳۵) این عذاب شما کیفر آنست که به آیات خدا و دعوت رسولان حق تمسخر کردید و مغرور زندگانی دنیا شدید و به زیور و زیب و موهومات پست آن فریب خوردید پس کافران امروز از آتش دوزخ رهائی ندارند و هیچ عذر و توبه ایشان نپذیرند (۳۶) باری ستایش و سپاس مخصوص خداست که به یکتائی آفریننده آسمانها و زمین و همه جهانهای بی نهایت است (۳۷) و مقام جلال و کبریائی در آسمانها و زمین مخصوص اوست و او یکتای مقتدر حکیم است (۳۸)

الأحقاف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم قسم به خدای حمید و مجید (۲) تنزیل این قرآن عظیم از جانب خدای مقتدر حکیم است (۳) ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنها است جز به حق و برای حکمت و مصلحت خلق و جز در وقت معین نیافریده ایم و آنان که کافرند از هر چه پند و اندرزشان کنند روی میگردانند (۴) ای رسول ما، مشرکان را بگو جز خدا همه آن بتهائی که به خدائی میخوانید به من نشان دهید که آیا در زمین چیزی آفریده اند؟ یا شرکتی با خدا در خلقت آسمانها دارند یا از کتب آسمانی پیشین دلیلی بر خدائی بتان دارید یا کمتر اثر و نشان بر درستی عقیده شرک یافته اید اگر راست میگوئید بر من بیاورید (۵) و کیست گمراه تر از آنکه جز خدا کسی را بپرستد که هیچ در حوائج تا قیامت او را اجابت نکند و نتواند کرد و از هر چه بخواندش خود بی خبر باشد؟ (۶) و چون در قیامت خلق محشور شوند آنجا معبودان باطل با مشرکان، دشمن و از پرستش آنها بیزارند (۷) و هرگاه رسولان حق آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که چون آیات الهی آمد به خدا کافر شدند گویند که این کتاب سحر آشکارا نیست (۸) یا کافران میگویند که محمد (ص) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. ای رسول، جواب آنها بگو اگر این قرآن را من از خود بافته باشم خدا مرا عذاب میکند و شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید و او به افکاری که در آن فرو می روید و رد و ایراد سخنانی که بر علیه من میگوئید داناتر است و گواه میانمن و شما هم او کافی است و اوست خدای آمرزنده مهربان (۹) ای رسول ما، امت را بگو من از بین رسولان اولین پیغمبر نیستم که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید و نمیدانم که با من و شما عاقبت چه میکنند؟ و خدا در دنیا و عقبی بر ما چه مقدر فرموده است؟ من جز آنچه وحی میشود پیروی نمیکنم و جز آنکه با بیان روشن خلق را آگاه کنم و از خدا بترسانم وظیفه ای ندارم (۱۰) ای رسول، باز با منکران قرآن بگو چه تصور میکنید؟ اگر از جانب خدا باشد و شما به آن کافر شوید در صورتی که از بنی اسرائیل شاهدهی چون عبد الله سلام عالمی بر حق بودن قرآن گواهی دهد و ایمان آرد و شما تکبر ورزید؟ جز آنکه به عذاب خدا گرفتار میشوید؟ آری البته خدا مردم ستمکار را هدایت نخواهد کرد (۱۱) و کافران با اهل ایمان گفتند اگر دین اسلام بهتر از بت پرستی بود مردم فقیر زبونی از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند آنها از لجاج و عناد چون به قرآن هدایت نمیشوند خواهند گفت که این کتاب وحی خدا نیست

بلکه دروغی از گفتار پیشینیان است (۱۲) و پیش از قرآن کتاب تورات بر موسی که امام و پیشوای مهربان خلق بود نازل گردید و این کتاب قرآن مصدق کتب آسمانی پیشین به زبان فصیح عربی نازل شده تا ستمکاران عالم را از عذاب خدا بترساند و نیکوکاران را بشارت به رحمت ایزد دهد (۱۳) آنان که گفتند آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی در دنیا و عقبی نخواهد بود (۱۴) آنان اهل بهشتند و به پاداش اعمال نیک همیشه در بهشت ابد مخلص خواهند بود (۱۵) و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم یاد کند که مادر نه ماه چگونه با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری بود که تحمل رنج فراوان کرد تا وقتی که طفل به حد رشد رسید آدمی چهل ساله گشت و عقل و کمال یافت آنگاه سزد که عرض کند بارخدا یا مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته ای که رضا و خشنودی تو در اوست موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان بارالها من به درگاه تو بدعا بازآمدم و از تسلیمان فرمان تو شدم (۱۶) این بند گانند که به نیکوترین اعمال خود مقبول درگاه ما شده و از گناهانشان میگذریم و داخل اهل بهشت می گردانیم این وعده صدقی است که به آنها در قرآن بشارت داده اند (۱۷) و چقدر ناخلف است فرزندی که پدر و مادر را گفت اف بر شما باد به من وعده میدهد که پس از مرگ مرا زنده کرده و از قبر بیرون می آرند؟ در صورتی که پیش از منگروه و طوایف بسیاری رفتند و یکی باز نیامد آنگاه پدر و مادر به خدا استغاثه کنند که پروردگارا تو فرزند ما را هدایت کن و به او گویند وای بر تو به خدا ایمان بیار البته وعده حشر و نشر و دوزخ و بهشت خدا بر حق و حقیقت است باز آن ناهل فرزند گوید این سخنان جز افسانه و اوهام پیشینیان نیست (۱۸) اینان در میان طوایف بسیاری از جن و انس که از این پیش به کفر مردند کسانی هستند که وعده عذاب خدا بر آنها حتم است و اینها به حقیقت زیانکاران عالمند (۱۹) و برای تمام مردم مومن و کافر به مقتضای اعمالشان درجاتی معین است در عالم قیامت و همه به پاداش و مزد اعمال خود کاملاً میرسند و هیچ ستمی به آنها نخواهد شد (۲۰) و روزی که کافران را بر آتش دوزخ متوجه سازند فرشتگان قهر و عذاب به آنها گویند شما لذات بهشتی و خوشیهایتان را در زندگانی دنیا به شهوت رانی و ظلم و عصیاناز بین بردید و بدان لذات دنیوی برخوردار و دلباخته بودید پس امروز به عذاب ذلت و خواری مجازات میشوید چون در زمین به ناحق ظلم و تکبر کردید و راه فسق و تبه کاری پیش گرفتید (۲۱) و یاد آر ای رسول، حال هود، پیغمبر قوم عاد را که چون در سرزمین احقاف امتش را وعظ و اندرز کرد و از قهر خدا بترسانید و پیش از هود و بعد از او هم بسیار پیمبر بر انداز خلق آمد باری هود قومش را گفت هرگز جز خدای عالم کسی را نپرستید که من بر شما از عذاب روز بزرگ قیامت میترسم چون آن روز مشرکان به عذابی سخت گرفتارند (۲۲) قوم هود در پاسخ گفتند آیا تو آمده ای ما را از پرستش بتان که خدایان ما هستند منع کنی هرگز این نتوانی پس تو زود وعده عذابی که به ما بر بت پرستی میدهی بیار اگر راست میگوئی که ما دست از بتان خود هرگز برنمیداریم (۲۳) هود در جواب گفت من آگه نیستم که وعده عذاب کی خواهد بود؟ عملش نزد خداست و من آنچه را که بر آن رسالت داشتم به شما ابلاغ کردم و لیکن شما را بسیار مردم بدبخت نادانی می بینم (۲۴) پس چون آن عذاب را به شکل ابری دیدند که بر رودخانه هاشان روی آورد شادمان شدند و گفتند این ابری است که بر ما باران رحمت میبارد هود به آنها گفت چنین نیست بلکه اثر عذاب است که به تعجیل درخواستید این باد سختی است که در آن شما را عذاب دردناک است (۲۵) این باد است که هر چیزی را به امر خدا نابود و هلاک میسازد پس شبی صبح کردند که همه قوم عاد هلاک باد شدند و جز خانه های ویرانه آنها اثری از آنان نماند. بلی ما بدینگونه قوم بدکار را مجازات میکنیم (۲۶) و به آن قوم عاد تمکین و قوتی دادیم که شما امت را چنان نیروی بدنی ندادیم و با آنکه بر آنها حواس ظاهر و باطن از گوش و چشم و قلب مدرک قرار دادیم تا با قوای ادراکی خدانشناس شوند هیچ این قوای مدرک خدا را نشناخت و آنها را از عذاب نرهانید بدین جهت که آیات خدا را از عناد نکار میکردند و آن عذابی را که استهزاء کردند به آنها فرا رسید و همه هلاک شدند (۲۷) و ما چه بسیار اهل شهر و دیار را که در اطراف شما بودند به کیفر کفر همه را هلاک کردیم و آیت عبرت برای مردم

گردانیدیم تا مگر در آنها بنگرند و از کفر و گناه به درگاه خدا بازگردند(۲۸) پس چرا جز خدا معبودانی که به آنها تقرب می‌جستند هیچ آنها را یاری نکردند؟ بلکه از نظرشان محو و نابود شدند و خدائی آن بتها سخنان بی حقیقت و دروغی بود که خود می‌بافتند(۲۹) ای رسول ما، یاد آر وقتی را که ما تنی چند از جنیان را متوجه تو گردانیدیم تا استماع آیات قرآن کنند چون نزد رسول رسیدند با هم گفتند گوش فرا دهید تا آیات خدا بشنوید چون قرائت تمام شد ایمان آوردند و کتاب خدا دانستند و به سوی قومشان برای تبلیغ و هدایت بازگردیدند(۳۰) و گفتند ای طایفه ما گروه جنیان ما آیات کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده بود در حالی که کتب آسمانی تورات و انجیل را که در مقابل او بود به راستی تصدیق میکرد و خلق را به سوی حق و طریق راست هدایت می‌فرمود(۳۱) ای طایفه ما شما هم مانند ما دعوت خدا را اجابت کنید و به او ایمان آرید تا خدا از گناهانتان درگذرد و شما را از عذاب دردناک قیامت نگاه دارد(۳۲) و هر که داعی حق محمد مصطفی (ص) را اجابت نکند در زمین مفر و پناهی از قهر خدا نتواند یافت و جز او هیچ یار و یآوری نخواهد داشت و چنین کسان که به راه حق نیایند دانسته در ضلالت و گمراهی هستند(۳۳) آیا کافران ندیدند خدائی که آسمانها و زمین را آفرید و هیچ فرونماند البته هم او قادر بر آنست که مردگان را باز زنده کند و روز جزا نیک و بد خلق را پاداش دهد که البته او بر هر چیز قادر است(۳۴) و روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه کنند و آنان آتش را به چشم بینند به آنها گویند آیا این وعده دوزخ حقیقت نبود گویند بلی پروردگارا حق بود فسوس که ما از جهالت ایمان نیاوردیم خدا گوید پس امروز به کیفر کفرتان سختی عذاب دوزخ را بچشید(۳۵) ای رسول ما، تو هم مانند پیغمبران اولوالعزم در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیتام صبور باش و بر امت به عذاب تعجیل مکن تا روزی که آنچه وعده داده شده به چشم بینند آن روز پندارند که در دنیا به جز ساعتی از روز درنگ نداشتند. این قرآن و آیات وعد و وعیدش تبلیغ رسالت و اتمام حجتی است بر تمام خلق تا مردم از شهوت و معصیت به راه طاعت و عبادت باز آیند پس آیا به قیامت جز مردم شهوت پرست فاسق هیچکس هلاک خواهد شد؟ ابدًا نخواهد شد(۳۶)

محمد

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) آنان که به خدا کافر شدند و راه دین خدا را بر خلق بستند اعمال آنها تباہ و باطل خواهد شد(۲) و آنان که به خدا گرویدند و نیکوکار شدند و به قرآنی که بر محمد (ص) نازل شد که البته بر حق و از جانب خدا بود ایمان آوردند خدا از گناهانشان درگذشت و امر دنیا و دین شان را اصلاح فرمود و دلشان را شایسته نور معرفت گردانید(۳) این سبب تباہی حال کافران و اصلاح مومنان است که کافران پیرو آرار و عقاید اهل باطل گردیدند و اهل ایمان پیرو قرآن حق که از جانب خدایشان نازل گردید شدند. اینگونه صریح خدا تمثال حال مردم را بیان میکند(۴) شما مومنان چون در میدان جنگ با کافران روبرو شوید باید شجاعانه آنها را گردن زید تا آنگاه که از خونریزی بسیار دشمن را از پا در آورید و بکلی مغلوب و تسلیم سازید پس از آن اسیران جنگ را محکم ببند کشید که بعدا آنها را آزاد گردانید یا فدا گیرید تا در نتیجه جنگ سختیهای خود را فروگذارد یعنی تا کافران تسلیم شوند و جنگ خاتمه یابد یا تا همه ایمان آرند و جنگ از جهان برافتد این حکم فعلی است و اگر خدا میخواست خود از کافران انتقام میکشید و همه را بی زحمت جنگ شما هلاک میکرد و لیکن این جنگ کفر و ایمان برای امتحان خلق به یکدیگر است و آنان که در راه خدا کشته شدند خدا هرگز رنج و اعمالشان را ضایع نگرداند(۵) و آنها را البته به راه سعادت هدایت کند و امورشان اصلاح فرماید(۶) و در بهشتی که قبلا- به منزل و مقاماتشان همه را شناسا کرده وارد کند(۷) ای اهل ایمان شما اگر خدا را یاری کنید یعنی دین و پیغمبر خدا را خدا هم شما را همه جا یاری کند و در جنگها فاتح سازد و بر حوادث ثابت قدم گرداند(۸) و آنان که به خدا کافر شدند نابود و هلاک شوند و خدا اعمالشان را ضایع و باطل سازد(۹) این هلاک کفار بدان سبب است که آنها از قرآنی که خدا نازل فرمود کراهت و اعراض داشتند پس خدا اعمالشان را محو و نابود فرمود(۱۰) آیا در زمین

به سیر و سفر نمیروید تا به چشم خود عاقبت حال و کیفر کفر پیشینیان را مشاهده کنید؟ که چگونه آنها را خدا هلاک کرد؟ این کافران هم مانند آنها به کیفر کفر خود البته میرسند (۱۱) این را که دانستید پس بدانید که البته خدا یار و مولای مومنانست و کافران هیچ مولا و یاور و یاری ندارند (۱۲) البته خدا آنان را که ایمان آورده و نیکوکار شوند در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و آنان که به راه کفر شتافتند و به تمتع و شهوت رانی و شکم پرستی مانند حیوانات پرداختند عاقبت منزل آنها آتش دوزخ خواهد بود (۱۳) چه شهرهای بسیار که از شهر مکه و وطن تو که از آن کفار خارج کردند محکم بنیان تر بود ما اهلش را هلاک کردیم و بر نجات خود هیچ یآوری نداشتند (۱۴) آیا آن کس که از خدای خود حجت علمی و برهانی مانند قرآن در دست دارد مانند کسانیست که از جهل و نادانی عمل زشتشان در نظر زیبا جلوه کرده و پیرو هوای نفسانی خود شدند؟ (۱۵) داستان بهشتی که به متقیان در دنیا وعده دادند اینست که در آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال گوارا است و نهرها از شیر بی آنکه هرگز طعمش تغییر کند و نهرها از شراب ناب که نوشندگان را به حد کمال لذت بخشد و نهرها از عسل مصفی و تمام انواع میوه ها بر آنان مهیاست و فوق همه لذات مغفرت و لطف پروردگار آیا حال آنکه در این بهشت ابد است مانند کسی است که در آتش مخلد است؟ و آب جوشنده حمیم نوشند تا اندرونشان را پاره پاره گرداند (۱۶) و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملا گوش میدهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند پس با اهل علم اصحابت به تمسخر و اهانت میگویند رسول باز از سر نو چه گفت؟ و معنی کلامش چه بود؟ ما که از گفتارش چیزی نفهمیدیم اینان هستند که خدا بر دلهاشان مهر قهر نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند (۱۷) و آنان که به گفتارت هدایت یافتند لطف خدا بر هدایت و ایمانشان بیفزود و پاداش تقوای آنها عطا فرمود (۱۸) کافران که ایمان نمی آرند پس باز انتظاری دارند جز آنکه ساعت قیامت فرا رسد؟ که شروب و علائم قیامت بسیاری پدید آمد و پس از آنکه قیامت بیاید در آن حال تذکر و پند آنان چه فایده بخشد؟ که ایمان پیش از مرگ بکار آید (۱۹) باز هم بدان که هیچ خدائی جز خدای یکتا نیست و تو بر گناه خود و برای مردان و زنان با ایمان آمرزش طلب و بدان که خدا منازل انتقال شما به عالم آخرت و مسکن همیشگی شما همه را میداند (۲۰) و مومنان می گویند چه شده که سوره ای که در حکم جهاد کفار نازل نشد؟ در صورتی که چون سوره ای محکم و صریح آمد و در آن ذکر جنگ شد حال آنان را که دلهاشان مریض نفاق است بنگری که مانند کسی که از ترس حال بیهوشی بر او دست میدهد و در تو نگاه میکنند آری مرگ و هلاک بر آنها سزاوارتر است (۲۱) راه سعادت، طاعت خدا و گفتار نیکو است و پس از آنکه امر دین یا کار جنگ به عزم و لزوم پیوست اگر منافقین کلام خدا را بعمل تصدیق کنند بر آنها در کاردین و دنیا از هر کار بهتر خواهد بود (۲۲) شما منافقان اگر از فرمان خدا و اطاعت قرآن روی بگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید نجات توانید داشت؟ (۲۳) همین منافقانند که خدا آنها را لعن کرده و گوش و چشمشان را کر و کور گردانید تا به جهل و شقاوت بمیرند (۲۴) آیا منافقان در آیات قرآن تفکر نمیکنند یا بر دلهاشان خود قفلهای جهل و نفاق اند (۲۵) آنان که پس از بیان شدن راه هدایت بر آنها باز به دین پشت کرده و مرتد شدند شیطان کفر را در نظرشان جلوه گر ساخت و به آمال و آرزوهای دراز فرییشان داد (۲۶) این برگشتن از دین برای آن بود که آن منافقان به دشمنان قرآن پنهانی گفتند ما البته با شما بر مخالفت محمد (ص) تا بتوان موافقت میکنیم و باری بترسند که خدا بر اسرار نهانشان آگاهست (۲۷) پس با چه حال سختی اینان روبرو شوند هنگامی که فرشتگان عذاب جانیشان بگیرند و بر روی و پشت آنها تازیانه قهر زنند؟ (۲۸) بدین سبب که از پی راهی که موجب خشم خداست رفتند و راه رضا و خشنودی او نیمودند خدا هم اعمالشان را محو و باطل گردانید (۲۹) آیا آنان که در دل مرض نفاق پنهان دارند پندارند که خدا کینه درونی آنها را بر اهل ایمان آشکار نمیسازد؟ (۳۰) ای رسول اگر ما میخواستیم حقیقت را به وحی بر تو آشکار می ساختیم تا به باطن آنها از سیمای ظاهرشان پی برده و در طی سخن کاملا بشناسی و ای منافقان و ای مومنان خدا به همه کارهای شما بندگان آگاهست (۳۱) و البته ما به حکم جهاد شما را در مقام امتحان می آوریم تا آن که در راه خدا جهاد و مجاهده و کوشش دارد و بر رنج آن صبر میکند مقامش معلوم سازیم و

اخبار و اظهارات شما منافقان را نیز به مقام عمل بیازمائیم (۳۲) آنان که به خدا کافر شدند و راه خدا را به روی خلق بستند و با رسول او پس از آنکه راه هدایت بر آنها روشن شد باز مخالفت کردند بدانند که به خدا ضرری نمی رسانند و زیان مخالفت بر خود آنهاست و اعمال آنها را خدا البته بی اثر و محو و نابود میگرداند (۳۳) ای اهل ایمان خدا را اطاعت کنید و رسول او را اطاعت کنید و به مخالفت خدا و رسول اعمال خود را ضایع و باطل نگردانید (۳۴) آنان که به خدا کافر شدند و از حسد و عناد راه خدا را به روی خلق بستند و به حال کفر مردند دیگر ابد خدا آنها را نخواهد بخشید (۳۵) پس شما ای اهل ایمان در کار دین سستی روا مدارید و از ترس جنگ، کافران را دعوت به صلح مکنید بلکه دعوت به دین حق کنید که شما بر کفار غالب و بلند مقام تر خواهید بود و خدا با شماست و از ثواب اعمال شما هیچ نمی کاهد (۳۶) و بدانید که زندگانی دنیا به جز بازیچه و هوسرانی نیست و اگر به خدا ایمان آرید و پرهیزکار شوید پاداش اعمال شما را بهشت ابد خواهد داد و از اموال شما چیزی مزد هدایت نمیخواهد (۳۷) و اگر از مال شما خدا چیزی به اصرار هم بخواهد باز بخل میورزید و کینه و خبتدرونی شما را آشکار میسازد (۳۸) آری شما همان مردمید که برای انفاق در راه تبلیغ دین خدا دعوت میشوید تا خدا به اضعاف مضاعف اجر و عوض دهد باز بعضی از شما بخل میورزند و هر که در انفاق بخل کند بر ضرر خود اوست که از اجر و ثواب خدا خود را محروم کرده و گرنه خدا از خلق غنی و بی نیاز است و شما فقیر و نیازمندید و اگر شما روی از دین حق بگردانید خدا قومی غیر شما که مانند شما بخیل نیستند بلکه بسی از شما بهتر و فداکارترند به جای شما پدید آرد از رسول اکرم (ص) سوال کردند که مراد از آن قوم کیستند حضرت دست بر شانه سلمان فارسی زد و فرمود قوم این مرد که اگر علم در ثریا باشد رجال فارس بر آن دست یابند (۳۹)

الفتح

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، غم مدار که ما تو را به فتح آشکاری در عالم فیروز میگردانیم که نه بس شهر مکه بلکه شهر دلهای اهل عالم را فتح کنی (۲) تا از گناه گذشته و آینده تو در گذریم مفسرین در این آیه گویند مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او میشمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از هجرت و بعد از هجرت بود و در اخبار از معصوم (ع) رسیده که پیغمبر را گناهی نیست و مراد گناهان امت و شیعیان اوست و نعمت خود را بر تو به حد کمال رسانیم و تو را به راه مستقیم شرع اسلام به وحی خود هدایت کنیم (۳) و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری خواهد کرد (۴) اوست خدائی که سکینت و وقار بر دلهای مومنان آورد تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید و کاملتر از آن که بودند گرداند و بداند که سپاه قوای زمین و آسمانها همه لشکر خداست و خدا به حکمت نظام آفرینش داناست (۵) این فتح یا فزودن ایمان برای آن بود که خدا می خواست مردان و زنان مومن را تا ابد در بهشت هائی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند و گناهانشان را تمام ببخشد و این به حقیقت نزد خدا فیروزی بزرگ و سعادت ابد است (۶) و نیز خدا خواست تا همه منافقان و مشرکان را از مرد و زن به کیفر شرک و نفاق عذاب کند که آنها به خدا بدگمان بودند و وعده فتح خدا را دروغ پنداشتند در صورتی که وعده خدا صدق است و روزگار بد و هلاکت ابد بر خود آنهاست و خدا بر آنان خشم و لعن کرد و جهنم را که بسیار بد منزلگاهی است برایشان مهیا ساخت (۷) و بداند که سپاه قوای زمین و آسمانها لشکر خداست و خدا بسیار مقتدر و به تدبیر نظام عالم داناست (۸) ما شخص تو مثل اعلای کمال را به عالم فرستادیم که شاهد نیک و بد امت باشی و خلق را به لطف و رحمت حق بشارت دهی و از قهر و عذاب او بترسانی (۹) تا تو خود با صالحان امت به خدا ایمان آورده و دین او را یاری کنی و به تعظیم جلالش صبح و شام تسبیح او گوئی (۱۰) ای رسول مومنانی که در حدیبیه با تو بیعت کردند به حقیقت با خدا بیعت کردند چون تو خلیفه خدائی و همان دست تو دست خداست بالای دست آنها پس از آن هر که نقض بیعت کند بر زیان و هلاک خویش به حقیقت اقدام کرده و هر که به عهدی که با خدا بسته است وفا کند به زودی خدا به او پاداش بزرگ عطا خواهد کرد بیعتاین آیه

مشهور به بیعت شجره و رضوان است هزار و چهار صد مرد با پیغمبر در حدیبیه زیر درختی تا جان خود بیعت کردند که در راه دین وفاداری کنند (۱۱) اعراب بادیه که از حضورت در جنگها و در سفر فتح مکه تخلف میورزند برای عذر و تعلق خواهند گفت که ما را محافظت اهل بیت و اموالمان از آمدن در رکابت بازداشت اینک از خدا بر گناه ما آمرزش طلب این مردم منافق چیزی که هیچ به دل عقیده ندارند به زبان می آورند یعنی معتقد گناه بر خود نبوده و برای ریاکاری طلب آمرزش از رسول میکردند به آنها بگو اگر خدا اراده کند که ضرر یا نفعی به شما رساند آن کیست که خلاف آن کاری تواند کرد بلکه خدا به هر چه می کنید آگاهست و پاداش و کیفر هر نیک و بد را خواهد داد (۱۲) بلکه شما پنداشتید که رسول و مومنان به او همه کشته میشوند و به سوی وطن و اهلیت خود دیگر هرگز برنخواهند گشت این خیال در دل شما به خطا جلوه کرد و بسیار گمان بد و اندیشه باطلی کردید و مردمی درخور قهر و هلاکت بودید (۱۳) و هر که از کفر و عناد به خدا و رسول او ایمان نیاورد ما هم بر آن کافران عذاب آتش دوزخ را مهیا ساختیم (۱۴) و ملک آسمانها و زمین همه خاص خداست او از گنه کاران هر که را بخواهد می بخشد و هر که را بخواهد عذاب میکند و خدا در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۵) کسانی که در حدیبیه تخلف کردند و همراهی با شما نمودند باز چون برای فتح خیبر و گرفتن غنایم حرکت کنید به زودی خواهند گفت بگذارید تا ما هم با شما تبعیت کنیم غرضشان اینست که سخن خدا را که فرمود غنایم خیبر را تنها حاضران حدیبیه خواهند گرفت تغییر دهند ای رسول در جواب آنها بگو شما به حقیقت هرگز ما را پیروی نمی کنید خدا از این پیش درباره شما چنین خبر داده باز آن مردم بی وفای بد عهد خواهند گفت چنین نیست بلکه شما با ما حسد میورزید و این گمان باطلی است که میکنند بلکه ایشان جز عده قلیلی همه بی ایمان و حسود و جاهل و نادانند (۱۶) ای رسول با اعرابی که از جنگ تخلف کردند بگو اگر به حقیقت قصد متابعت دارید به زودی برای جنگ با قومی شجاع و نیرومند فارس و روم دعوت میشوید که جنگ و مبارزه کنید تا وقتی که تسلیم شوند در این دعوت اگر اطاعت کردید خدا به شما اجر نیکو خواهد داد و اگر نافرمانی کنید چنانکه ازین پیش در حدیبیه مخالفت کردید خدا شما را به عذابی دردناک معذب خواهد کرد (۱۷) برای شخص نابینا و مریض و لنگ در تخلف از جنگ حرج و گناهی نیست و هر که خدا و رسول او را فرمان برد او را به باغهای بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرا جاریست و هر که مخالفت کند به عذابی دردناک معذب میشود (۱۸) خدا از مومنانی که زیر درخت معهود حدیبیه با تو بیعت کردند به حقیقت خشنود گشت و از وفا و خلوص قلبی آنها آگاه بود که وقار و اطمینان کامل برایشان نازل فرمود و به فتحی نزدیک که فتح خیبر بود پاداش داد (۱۹) و به غنیمتهای فراوان که از خیبریان خواهند گرفت موفق داشت و خدا بر همه امور عالم مقتدر و بر تدبیر نظم جهان دانا است (۲۰) خدا به شما لشکر اسلام وعده گرفتن غنیمتهای بسیار داده که این یک غنیمت خیبر را برای شما تعجیل در انجام آن فرمود و دست شر مردم کافر را از سر شما کوتاه کرد تا این فتح و غنیمت آیت و دلیل اهل ایمان بر صدق وعده خدا باشد و خدا شما را به راه راست سعادت ابد هدایت فرماید (۲۱) و خدا به شما باز وعده غنیمتهای دیگری فرموده که هنوز بر آن قادر نیستید و کجاست نمی دانید. برخی از مفسرین گفتند اینجا مراد فتح فارس برخی گفتند فتح روم برخی مکه یا هر فتحی که در هر دوران مسلمین را باشد علم خدا محیط بر آنست که خدا بر هر چیز دانا و تواناست (۲۲) و اگر کافران با شما مسلمین به جنگ برخیزند از قتال شما پشت گردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ ناصر و یآوری برای خود نیابند (۲۳) سنت الهی و قانون نظام ربانی بر این بوده که حق بر باطل غالب شود و ابد در این سنت خدا تغییری نخواهی یافت (۲۴) و او خدائست که دست شر کفار را از سر شما و دست شما را هم به زمین مکه پساز فیروزیتان از سر آنها کوتاه کرد که به امر خدا پیغمبر روز فتح مکه برای حفظ جان دشمنان خانه هائی را پناه قرار داد و خدا به هر چه میکنید آگاهست (۲۵) هم آنان بودند که به خدا کافر شدند و راه مسجد الحرام را بر شما بستند و هدی شما را از رسیدن به محل خود مکه منع کردند و اگر مردان مومن و زنان مومنه که شما اکنون نمی شناسید در مکه وجود نداشت که اگر حمله کنید آنها را ندانسته پامال هلاک میسازید پس دیه و غرامت خون آن مومنان به گردن شما میماند اگر این قضیه نبود به شما اجازه حمله به مکه داده میشد و لیکن این

اجازه به تاخیر افتاد تا خدا هر که را بخواهد در رحمت خود داخل گرداند و به نور اسلام هدایت کند اگر شما عناصر کفر و ایمان از یکدیگر جدا می‌گشتید همانا آنان که کافرند به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم (۲۶) چون کافران در دلها ناموس و حمیت، آنهم حمیت جاهلیت پروردند که نگذاشتند در عهدنامه صلح حدیبیه کلمه بسم الله و رسول الله بنویسند و مومنان را بر سر حمیت و غیرت ایمانی آوردند که خدا وقار و اطمینان خاطر بر رسول خود و بر مومنان نازل کرد و آنان را با کلمه اخلاص و مقام تقوی ملازم کرد که آنها سزاوارتر از دیگران بر این مقام بودند و اهلیت آن داشتند و خدا به همه امور عالم داناست (۲۷) البته خدا صدق و حقیقت خواب رسولش را آشکار و محقق ساخت که در عالم رویا دید شما مومنان البته به مسجد الحرام با دل ایمن وارد شوید و بعد از انجام وظایف حج سرها بتراشید و اعمال تقصیر بر رفع احرام بی ترس و هراس به جای آرید و خدا آنچه را از مصالح صلح حدیبیه شما نمیدانستید و قبل از آن که فتح مکه کنید فتح نزدیک حدیبیه و خیبر را مقرر داشت (۲۸) او خدائست که رسول خود محمد (ص) را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافست (۲۹) محمد فرستاده خداست. و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند آنان را در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را به دعا میطلبند و بر رخسارشان از اثر سجده نشانه های نورانیت پدیدار است این وصف حال آنها در کتاب تورات و انجیل مکتوب است که مثل حال آن رسول به دانه ای ماند که چون نخست سر از خاک برآورد شاخه ای نازک و ضعیف باشد بعد از آن قوت یابد تا آنکه سطر و قوی گردد و بر ساق خود راست و محکم بایستد که دهقانان در تماشای آن حیران مانند همچنین محمد ص اصحابش از ضعف به قوت رسند تا کافران عالم را از قدرت و قوت خود به خشم آرند. خدا وعده فرموده که هر کس از آنها ثابت ایمان و نیکوکار شود گناهانش ببخشد و اجر عظیم عطا کند دو آیه است در قرآن که مشتمل بر تمام حروف هجاستیکی همین آیه دیگر آیه سوره آل عمران مداومت آنها خواص بسیار دارد. (۳۰)

الحجرات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید در هیچکار بر خدا و رسول تقدم مجوئید و از خدا بترسید و او را نافرمانی مکنید که خدا به گفتار شما شنوا و به کردارتان داناست (۲) ای اهل ایمان با رسول با ادب سخن گوئید و فوق صوت پیغمبر صدا بلند مکنید به یا محمد و یا احمد بر او فریاد برمکشید که اعمال نیکتان در اثر بی ادبی محو و باطل شود و شما فهم نکنید که بی ادبی مبطل اعمال نیک است (۳) آنان که نزد رسول خدا برای احترامات او به صدای آرام و آهسته سخن گویند آنها هستند که در حقیقت خدا دلهايشان را برای مقام رفیع تقوی آزموده و آمرزش و اجر عظیم نصیب فرموده است (۴) به حقیقت مردمی که حرمت مقام رسالت نگاه نمیدارند و تو را از پشت حجره ات به صدای بلند می خوانند و فریاد یا محمد (ص) یا محمد (ص) بر میکشند اکثر مردم بی عقل و شعوری هستند (۵) و اگر آنها ادب نگاه داشته و صبر میکردند تا وقتی که تو بر ایشان خارج شوی و مقصودشان را انجام دهی بسیار بر آنها بهتر و ثوابش بیشتر بود و باز هم توبه اگر کنند خدا غفور و مهربانست (۶) ای مومنان عالم هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد تصدیق مکنید تا تحقیق کنید مبدا به سخن چینی فاسقی از نادانی به قومی رنجی رسانید و سخت پشیمان گردید در این آیه پند مهمی است (۷) و بدانید رسول خدا که از وحی حق به صلاح خلق آگاهست در میان شما هست شما او را به رای جاهلانه خود و مدارید که اگر در بسیاری از امور رصی شما را پیروی کند خود به رنج و زحمت می افتید و لیکن خدا به لطف خود مقام ایمان را محبوب شما گردانید و در دلها تان نیکو بیاراست و کفر و فسق و معصیت را زشت و منفوردر نظر تان ساخت تا در دو عالم سعادت مند شوید و اینان به حقیقت اهل صواب و هدایتند (۸) این مقام بر آنان به فضل خدا و نعمت الهی حاصل گردید و خدا به احوال بندگان دانا و به صلاح نظام عالم آگاهست (۹) و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی

برخیزند البته شما مومنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید و ترک ظلم کند پس هرگاه به حکم حق برگشتبا حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه با هر دوست و دشمنی عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد (۱۰) به حقیقت مومنان که از یک روح قدسی رسول به وجود آمده اند همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود چون نزاعی شود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید (۱۱) ای اهل ایمان مومنان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء کنند شما چه میدانید؟ شاید آن قوم که مسخره میکنید بهترین مومنین باشند و نیز بین زنان با ایمان قومی دیگری را سخریه نکنند که با آن قوم بهترین آن زنانند و هرگز عیبجویی از همدینان خود مکنید و به نام و لقبهای زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خدا نام فسق بر مومن نهند بسیار زشت است و هر که از فسق و گناه به درگاه خدا توبه نکند بسیار ظالم و ستمکار است (۱۲) ای اهل ایمان از بسیار پندارها و پند بدها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها باطل و بی حقیقت و معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس مکنید و جاسوس بر احوال خلق برمگمارید و غیبت یکدیگر روا مدارید آیا شما دوست میدارید گوشت برادر مرده خود را خورید البته کراهت و نفرت از آن دارید پس بدانید که مثل غیبت مومن به حقیقت همین است و از خدا بترسید و توبه کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربانست (۱۳) ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا قرب و بعد نژاد و نسب یکدیگر را بشناسید نه آنکه به واسطه نسب بر هم فخر و مباهات کنید و دل یکدیگر را بشکنید و بدانید که اصل و نسب نژادی مایه افتخار نیست بلکه بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمند و خدا هم بر نیک و بد مردم و ظاهر و باطن خلق کاملاً آگاهست (۱۴) ای رسول اعراب بنی اسد و غیره که بر تو منت گذارده و گفتند ما بی جنگ و نزاع ایمان آوردیم به آنها بگو شما که ایمانتان از زبان به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده اید لیکن بگوئید ما اسلام آوردیم و از خوف جان به ناچار تسلیم شدیم و اگر بعد از این با ایمان حقیقی خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از اجر اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه گذشته میگذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۵) منحصرأ مومنان واقعی آن کسانیست که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعدا هیچگاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند اینان به حقیقت راستگو هستند (۱۶) ای رسول با مردم ریائی بگو که شما میخواهید خدا را به دین خود آگاه سازید که اظهار دیانت میکنید؟ و حال آن که خدا آنچه در آسمانها و زمین است همه رامیداند و به کلیه امور عالم آگاهست (۱۷) آنها بر توبه مسلمان شدن منت می گذارند بگو شما به اسلام خود بر من منت منهد بلکه اگر راست میگوئید و ایمان حقیقی دارید خدا بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت فرموده است (۱۸) خدا اسرار غیب زمین و آسمانها را میداند و به آنچه شما بندگان میکنید از نیکو و بد، خالص یا ریا، از همه آگاهست (۱۹)

ق

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ق قسم به قدس و قدرت و قسم به قرآن با مجد و عظمت (۲) که منکران ایمان نیاوردند بلکه از آمدن رسولی که آنها را اندرز دهد به شگفت آمده و کفار نادان گفتند این دعوی رسالت و خبر از قیامت بسیار چیز عجیبی است (۳) آیا ما پس از آنکه مردمیم و یکسره خاک شدیم؟ باز زنده میشویم؟ این بازگشت بسیار بعید است (۴) تعجب نکنند که ما به آنچه زمین از آنها بکاهد کاملاً آگاهیم و کتاب لوح محفوظ که مشتمل بر همه حقایق عالم است نزد ماست (۵) بلکه کافران چون رسول آمد به جای ایمان حق را تکذیب کردند و در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت مضطرب و سرگردان ماندند گاهی از جهل افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند (۶) آیا منکران حق آسمان را فراز خود نمی نگرند که ما چگونه بنای محکم اساس نهاده ایم و آن را به زیور ستارگان رخشان آراسته ایم و هیچ شکافی و خللی در آن راه ندارد (۷) و زمین را نمی نگرند که آن را

بگستریدیم و در آن کوه های استوار بیفکنیدیم و هر نوع گیاه با حسن و طراوت از آن برویانیدیم(۸) این دلایل قدرت در آسمان و زمین موجب بصیرت است در برهان الهیت و تذکر برای هر بنده ایست که به توبه از گناه و غفلت رو به درگاه خدا آرد(۹) و ما از آسمان رحمت آب باران با برکت را نازل کردیم و باغهای میوه و خرمنها از کشت حبوبات برویانیدیم(۱۰) و نیز نخلهای بلند خرما که میوه آن منظم روی هم چیده شده است برانگیختیم(۱۱) اینها را رزق بندگان قرار دادیم و به باران زمین مرده را زنده ساختیم تا خلق بدانند که همچنین پس از مرگ سر از خاک بیرون میکنند(۱۲) ای رسول از تکذیب امت غمین مباش که پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رس که پیغمبر خود را به چاه افکندند و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند(۱۳) و قوم عاد و فرعون و قوم لوط(۱۴) و اصحاب ایکه امت شعیب و قوم تبع پادشاه یمن همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب حق بر آنان حتم و واجب گردید(۱۵) آیا در اول بار که آفرینش را از نیستی صرف به هستی آوردیم هیچ درماندیم؟ هرگز درنماندیم. پس در خلقت معاد دیگر بار هم عاجز نیستیم این منکران از جهل در شک و ریب از خلقت تو و نشاء معاد اند(۱۶) و ما انسان را خلق کرده ایم و از وساوس و اندیشه های نفس او کاملا آگاهیم که از رگ گردن او به او نزدیکتریم(۱۷) و هم دو ملک رقیب عتید یعنی ملک مراقب و حاضر مامور نگارش اعمال خیر و شر او از طرف راست و چپ به مراقبت او بنشسته اند(۱۸) سخنی از خیر و شر بر زبان نیاورده جز آنکه همانم رقیب عتید فرشتگان نگهبان حاضر بر نوشتن ثواب و عقاب آن آماده اند(۱۹) و به هوش آید که هنگام بی هوشی و سختی مرگ به حق و حقیقت فرا رسید آری همان مرگی بود که از او دوری می جستید و سخت ترسان و هراسان بودید(۲۰) و آنگاه در صور بدمند و ملایک ندا کنند که اینست روز وعده گاه خلق(۲۱) و هر نفسی را فرشته ای برای حساب به محشر کشاند و فرشته ای بر نیک و بدش گواهی دهد(۲۲) و تو ای آدمی نادان از این روز سخت مرگ در غفلت بودی تا آنکه ما پرده از کارت برانداختیم و چشم بصیرت بیناتر گردید و بر احوال و منازل بعد از مرگ که شک و انکار داشتی یقین یافتی(۲۳) و قرین وی یعنی فرشته موکل و شاهد او بدو گوید این همان اعمالی است که نزد من برای امروز تو محفوظ و مهیا است(۲۴) و خطاب آید که امروز هر کافر معاند را به دوزخ درافکنید(۲۵) همان کافری که در دنیا از هر کار خیر مانع میگشت و به حق خلق ستم میکرد و در کار خدا و قیامت به شک و ریب بود(۲۶) همان کافر مشرک که با خدای یکتا خدای دیگری جعل کرد مانند ولید مغیره و امثال او او را امروز در عذاب سخت جهنم درافکنید(۲۷) آنگاه قرین او شیطان گوید بارالها من او را به طغیان و عصیان نکشیدم بلکه او خود در ضلالت دور از اطاعت و سعادت افتاد(۲۸) آنگاه خدا به عتاب گوید در حضور من خصومت مکنید که من وعده عذاب شما را در کتاب الهی برای اتمام حجت پیش فرستادم(۲۹) دیگر وعده عذاب من مبدل نخواهد شد و هیچ در کيفر ستمی به بندگان نخواهم کرد(۳۰) روزی که جهنم را گوئیم آیا امروز مملو از وجود کافران شدی؟ و او گوید آیا دوزخیان بیش از اینهم هستند؟(۳۱) و آن روز بهشت را برای اهل تقوی نزدیک آرند تا هیچ دور از آن نباشند و رنج حرکت نکشند(۳۲) این بهشت همانست که وعده شد بر همه بندگان که به درگاه خدا پناه برده و نفس را از حرام نگه داشتند(۳۳) آنکس که از خدای مهربان در باطن ترسید و با قلب خاشع و نالان به درگاه او باز آمد(۳۴) به این گونه بندگان خطاب شود که در آن بهشت با تحیت و سلام حق در آئید که اینروز دخول ابدی در بهشت جاودانیست(۳۵) بر آن بندگان در آنجا هر چه بخواهند مهیاست و باز افزونتر از آن نعمتهای بهشتی نزد ما خواهد بود(۳۶) و چقدر طوایفی را پیش از اینان ما هلاک کردیم که با قهر و قوتتر از اینان بودند و در هر دیار راه جستند آیا با همه نیرومندیشان هیچ راه نجاتی از قهر حق بر خود یافتند؟ نیافتند(۳۷) در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری باشد یا گوش دل به کلام حق فرا دهد و به حقایقش توجه کامل کند و گواهی دهد(۳۸) و ما زمین و آسمانها و آنچه بین آنهاست همه را در شش روز آفریدیم و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید(۳۹) پس تو ای رسول بر آزار و تکذیب منکران صبر کن تا ما آنها را کيفر دهیم و به حمد و ستایش خدا تسبیح گو پیش از طلوع خورشید به نماز صبح و پیش از غروب آن به نماز ظهر و عصر(۴۰) و باز برخی از شب را به نماز مغرب و عشاء و هم در عقب سجده ها به تسبیح خدا پرداز(۴۱) و به ندای روزی که منادی حق اسرافیل

از مکان نزدیک مردگان را برای زنده شدنند کند گوش فرا دار که هم اکنون به گوش دلت ندای او را بشنوی (۴۲) روزی که خلق آن صیحه آواز اسرافیل را به حق بشنوند آن روز هنگام خروج از قبرهاست (۴۳) البته ما خلق را زنده ساخته و میمیرانیم و بازگشت همه به سوی ماست (۴۴) روزی که به سرعت زمین از احاطه بر آنها بشکافد تا خلایق را به عرصه قیامت محشور گرداند و این جمع آوری خلق در محشر بر ما سهل و آسان باشد (۴۵) ما به گفتار مردم مغرض نادان دانتر از تو و خود آنها هستیم کیفر گفتار زشت آنها را میدهم و تو بر آن مردم، جبار و مسلط نیستی تو رسول حقی پس آن کس را که از وعده عذاب قیامت ترسانست او را به آیات قرآن متذکر ساز (۴۶)

الذاریات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به نفس بادهای عالم که به امر حق بذرفشانی کنند و تخم نباتات را به هر جا نیکو بپراکنند (۲) قسم به ابرها که بار سنگین باران را به امر حق به دوش گیرند تا به هر جا مامورند فروبارند (۳) قسم به کشتی ها که آسان به روی آب روان شوند (۴) قسم به فرشتگان که کار جهانیان را به اذن خدا قسمت کنند (۵) قسم به اینان که آنچه شما را رسولان حق وعده دادند همه صدق و حقیقت است (۶) و البته دین یعنی جزای اعمال روزی واقع خواهد گردید (۷) قسم به آسمان علم رسالت که در آن راه های بسیار و معارف بی شمار است (۸) که شما مردم نادان در اختلاف سخن بازماندید و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحریش خواندید (۹) از این قرآن هر که شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان خواهد شد (۱۰) کشته باد و نابود آنکه دروغ بندد و قرآن را سحر و فسانه برخواند (۱۱) آنان که در ضلالت و غفلت آيستند (۱۲) و از روی انکار باز می پرسند که پس این روز جزا کی خواهد بود؟ (۱۳) به آنها جواب ده آن روز خواهد بود که آنها را به آتش دوزخ بیازمایند و معذب کنند (۱۴) و خطاب قهر کنند که اینک بچشید کیفر خود را این همان عذابیست که خود به تعجیل می خواستید (۱۵) آن روز متقیان همه در بهشت و بر لب چشمه های آب غنوده اند (۱۶) همان نعمتها که خدا به آنها عطا کند فرا گیرند چرا که در دنیا مردمی نیکوکار بودند (۱۷) و از شب اندکی را خواب می کردند (۱۸) و سحر گاهان از درگاه خدا طلب آمرزش و مغفرت میکنند (۱۹) و در اموالشان بر فقیر سائل و محروم حقی منظور دارند دارند (۲۰) و بدانید که در روی زمین برای اهل یقین ادله قدرت الهی پدیدار است (۲۱) و هم در نفوس خود شما مردم آیا در خویش به چشم بصیرت نمی نگرید؟ (۲۲) و روزی شما با همه وعده ها که به شما دادند در آسمان به امر خدا مقدر است (۲۳) پس به خدای آسمان و زمین قسم که این وعده رزق مقدر بمانند تکلمی که با یکدیگر میکنید حق و حقیقت است (۲۴) ای رسول ما آیا حکایت مهمانان گرامی ابراهیم و فرشتگان به تو رسیده است؟ (۲۵) هنگامی که آنها بر او وارد شدند و سلام گفتند و او جواب سلام گفت و فرمود که شما مردمی ناشناس می باشید بهتر آنکه خود را معرفی کنید (۲۶) آنگاه نزد اهلیت خود رفت و غذائی خواست و کباب گوساله فربهی نزد مهمانان باز آورد (۲۷) غذا را نزد آنها گذارد توجهی به غذا نکردند ابراهیم گفت شما غذا تناول نمی کنید؟ برای چه؟ (۲۸) آنگاه از اینکه بی اجازه بر او وارد شده و غذا هم نخوردند سخت از آنها بیم و اندیشه کرد مبادا دشمن باشند آن فرشتگان که ابراهیم را هراسان یافتند بدو گفتند هیچ مترس و او را به پسری دانا یعنی اسحق بشارت دادند (۲۹) در آن حال آن ابراهیم ساره با فریاد شادمانی روی به آنها آورد و از شوق سیلی به صورت زد و گفت ای عجب من زنی پیر و نازا هستم چگونه پسری توانم زائید (۳۰) فرشتگان گفتند خدای تو چنین فرموده که او به مصالح خلق آگاه و به حال بندگان داناست (۳۱) ابراهیم گفت ای رسولان حق باز گوئید که شما برای چه کار مامورید؟ (۳۲) آنان گفتند ما بر هلاک قوم بدکاری فرستاده شده ایم یعنی قوم لوط (۳۳) تا بر سر آنها و دیارشان از گل سنگ باران کنیم (۳۴) که آن سنگها نزد پروردگار معین و نشاندار برای ستمکارانست (۳۵) و از اهل ایمان هر که بود از آن دیار خارج کردیم (۳۶) و لیکن در همه آن دیار جز یک خانه لوط دیگر مسلم خداپرست نیافتیم (۳۷) و در آن دیار که ویران کردیم برای آنان که از عذاب الیم قهر خدا

می ترسند آیت عبرتی واگذارديم (۳۸) و نیز در رسالت موسی آیت عبرت است که با معجزه روشن به سوی فرعونینانش فرستادیم (۳۹) و فرعون به غرور ملک و قدرت سر از طاعت حق کشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است (۴۰) ما هم او را با همه سپاهش به قهر گرفتیم و به دریا انداختیم که از جهل و تکبر در خور هر نکوهش و ملامت بود (۴۱) و نیز در قوم عاد که بر هلاکشان تندباد خزان فرستادیم عبرت خلق است (۴۲) که آن باد هلاک به چیزی نمی گذشت جز آنکه آن را مانند استخوان پوسیده میگردانید (۴۳) و هم در قوم ثمود بر خلق عبرت است که به آنان گفته شد اینک گرم تعیش و تمتع حیوانی باشید تا هنگام معین که وعده انتقام حق فرا میرسد (۴۴) آنها هم از فرمان خدای خود سرکشیدند پس آنها را صاعقه آتش در گرفت و هلاک خویش را به چشم مشاهده کردند (۴۵) در حالی که نه هیچ توانائی برخاستن و گریختن داشتند و نه هیچ یار و مددکاری یافتند (۴۶) و پیش از این اقوام هم قوم نوح مردمی فاسق و نابکار بودند (۴۷) و کاخ آسمان رفیع را ما به قدرت خود برافراشتیم و مائیم که بر هر کار عالم مقتدریم (۴۸) و زمین را بگسترديم و چه نیکو مهدی بگسترديم (۴۹) و از هر چیزی دو نوع نر و ماده بیافریدیم تا مگر متذکر حکمت خدا شوید و طبیعت را موثر نشمرید (۵۰) باری ای بنندگان خدا از هر کفر و شر و فتنه عالم به درگاه خدا گریزید و به لطف او پناه برید که من از جانب او شما را با بیانی روشن میترسانم (۵۱) و هرگز با خدای یکتا خدائی دیگر نظرستید که من از آتش قهر او با بیان روشن شما را میترسانم (۵۲) همچنان که تو را ای رسول تکذیب کردند هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه او را تکذیب کرده و گفتند او ساحر یا دیوانه است (۵۳) آیا بر این تکذیب مردم اعصار به یکدیگر سفارش کرده اند؟ یا نه؟ بلکه این مردم همه به الذات گروهی سرکش و نافرمانند (۵۴) تو هم ای رسول ما، از این مردم کافر روی بگردان که اتمام حجت کردی و دیگر هیچ در خور نکوهش و ملامت نیستی (۵۵) و امت را تذکر و پندی ده که پند و تذکر اگر کافران را نفع ندهد مومنان را سودمند افتد (۵۶) و ما خلق جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا به یکتائی پرستش کنند (۵۷) و ما از خلقشان رزق و طعام و هیچگونه سودی بر خود نخواستیم (۵۸) همانا روزی بخشنده خلق تنها خداست که صاحب قوت و قدرت ابدیست (۵۹) پس این ستمکاران را هم گناهی و کیفری مانند اصحاب و امثالشان از امم پیشین خواهد بود باری عجله نکنند و به مهلتی که دادیم مغرور نشوند البته روز انتقامشان میرسد (۶۰) آنگاه که زمان کیفر فرا رسید وای بر آنان که کافر شدند از آن روز سختی که رسولان به آنها وعده میدهند که در دنیا به قتل و اسارت و در عقبی به قهر و عقوبت محکومند (۶۱)

الطور

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به طور سینا که خدا با موسی در آن تکلم فرمود (۲) قسم به کتاب مسطور قرآن (۳) در صحیفه گشوده فرقان که خدا بر رسولش محمد مصطفی (ص) فرستاد (۴) قسم به بیت المعمور کعبه اهل زمین یا مسجد ملائک آسمان که خدا به ذکر و طواف بندگان و یا به تسبیح فرشتگانش معمور گردانید (۵) قسم به طاق بلند آسمان که مظهر انوار و الطاف و برکاتش فرمود و از تصرف خاکینانش محفوظ داشت (۶) قسم به دریای آتش فروزان که خدا روز قیامت دریا را آتش سازد و بر دوزخیان فروریزد (۷) قسم به این امور که البته عذاب خدا بر کافران واقع خواهد شد (۸) و هیچ کس دافع آن نخواهد بود (۹) روزی که آسمان چون دریای پرموج سخت جنبش کند (۱۰) و کوه ها چون ابر بهار تند به گردش آید (۱۱) در آن روز سخت وای بر آنان که وعده حق و کتاب و رسول او را تکذیب کردند (۱۲) آنان که به بازیچه دنیا فرو شدند و از کار آخرت غافل ماندند (۱۳) آن روز آنها را سخت به آتش دوزخ درافکنند (۱۴) و به آنها خطاب کنند که این همان آتشی است که تکذیب آن کردید (۱۵) آیا این آتش دوزخ هم چون معجز انبیاء به نظر تان سحر است یا آن که هنوز چشم بصیرت باز نمیکنید؟ (۱۶) باری به دوزخ در شوید که صبر و بی صبری به حالتان یکسانست و پس آنچه در دنیا کردید امروز همان را جزا یابید (۱۷) متقیان هم امروز در باغهای بهشت پرنعمتند (۱۸) آنان به نعمتی که خدا نصیبشان فرموده دلشادند و خدا از عذاب دوزخ محفوظشان داشته است (۱۹) و خطاب شود که از هر نعمت خواهید

بخورید و بیاشامید شما را گوارا باد پاداش اعمال نیکی که در دنیا انجام دادید (۲۰) در حالی که نزدیک هم بر تخت عزت تکیه زده اند و ما حور العین را هم جفت آنان گردانیده ایم (۲۱) و آنان که به خدا ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند ما آن فرزندان را به آنها برسانیم و از پاداش عمل فرزندان هیچ نکاهیم بلکه بیفزاییم تا در بهشت به دیدار یکدیگر شادان باشند. و بدانید که هر نفسی در گرو عملیست که بر خود اندوخته است (۲۲) و بر آن بهشتیان از هر نوع میوه و گوشت های لذیذ که مایل باشند فراوان بیفزاییم (۲۳) آنها در بهشت جام شراب گوارا را چنان سریع از دست هم بگیرند که گوئی منازعه میکنند در صورتی که آنجا کار لغو و باطل و نزاع و خلاف و بزه کاری هیچ نیست (۲۴) و پسرانی مانند لولو مکنون گردش بر انجام خدمت میگردند (۲۵) و در بهشت آنها با هم به صحبت رو کرده و از سرگذشت یکدیگر پرسش کنند (۲۶) و با هم گویند خدا را شکر که ما از پیش در دنیا میان اهل و قبیله خود خداترس بودیم (۲۷) خدا هم بر ما منت نهاد و به لطف خود ما را از عذاب سموم دوزخ محفوظ داشت (۲۸) زیرا ما از این پیش در دنیا خدا را به حقیقت پرستش کردیم که او خود بر بند گانش بسیار نیکخواه و مهربانست (۲۹) ای رسول ما خلق را متذکر خدا ساز که تو به نعمت وحی و رسالت پروردگارت سخن گوئی و جنون و کفایت که کافران بدروغ نسبت دادند هیچ در تو نیست (۳۰) یا که کافران نادان گویند محمد (ص) شاعریست ماهر و ما حادثه مرگ او را انتظار داریم تا به مرگ از دعوی نبوتش آسوده شویم (۳۱) ای رسول بگو شما از جهل و حسد به انتظار مرگ من باشید که منم از منتظران مرگ و هلاک شما هستم (۳۲) آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وامیدارد که تکذیب تو کنند یا از جهل و کبر و نخوت خود قومی سرکش و نافرمانند؟ (۳۳) یا که میگویند او قرآن را از پیش خود فرا بافته است چنین نیست بلکه آنها لایقایمان نیستند که ایمان نمی آورند (۳۴) پس اگر راست میگویند که قرآن وحی خدا نیست آنها هم کلامی مانند قرآن بیاورند (۳۵) آیا این خلق بدون خالق از نیستی صرف به وجود آمدند؟ یا خویشان را خود خلق کردند (۳۶) یا آنکه آسمانها و زمین را این مردم آفریدند هرگز نیافریدند بلکه به یقین خدا را نشناختند و در خالق به شک و ریب فروماندند (۳۷) آیا گنجهای رحمت پروردگار نزد آنهاست یا هیچ قدرت و سلطنتی دارند؟ (۳۸) یا نردبامی دارند که به آسمان برشوند و سخن وحی فرشتگان بشنوند؟ اگر چنین است آنچه به وحی شنیدند با حجت روشن بیاورند (۳۹) آیا خدا را دختران و شما را پسران خواهد بود؟ که ملایک را از جهل دختران خدادانید (۴۰) آیا تو ای رسول از آنها اجر رسالت خواهی که زیر بار سنگین غرامت بمانند؟ (۴۱) آیا علم غیب با آنهاست تا از آن عالم خبری نگارند؟ (۴۲) یا که میخواهند با تو مکر و تزویری اندیشند هرگز نتوانند که کافران خود به مکر و انتقام حق گرفتارند (۴۳) یا آنکه بر آنها خدائی جز خدای یکتا هست؟ که خدا از هر چه شرک و شریک او گیرند پاک و منزهست (۴۴) این کافران هم اگر سقوب قطعه ای از آسمان را به چشم ببینند که این معجز را از تو خواستند باز خواهند گفت این پاره ابری متراکم است (۴۵) ای رسول ما، اینان را به جهل خود رها کن تا به روز سختشان که آن روز یکسر هلاک میشوند عاقبت برسند (۴۶) آن روزی که مکر و تدبیرشان هیچ به کارشان نیاید و هیچکس یاریشان نکند (۴۷) و برای ستمکاران عالم در دنیا عذابی پیش از آن جهنم خواهد بود و لیکن اکثرشان نمیدانند (۴۸) باری ای رسول بر حکم خدا صبر کن که تو منپور نظر مائی و چون برخیزی به نماز یا هر کاری به ستایش خدای خود تسبیح گو (۴۹) و از شبانگاه هم پاره ای به تسبیح خدا پرداز و هنگام فرورفتن ستارگان هم به نماز صبح تسبیح خدا گو (۵۰)

النجم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به ستاره ثریای نبوت چون از عالم قدس به جهان خاک فرود آید (۲) که صاحب شما محمد مصطفی (ص) هیچگاه در ضلالت و گمراهی نبوده است (۳) و هرگز به هوای نفس سخن نمیگوید (۴) سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست (۵) او را جبرئیل همان فرشته بسیار توانا به وحی خدا علم آموخته است (۶) همان ملک مقتدری که به خلقت کامل و صورت

ملکوتی بر رسول جلوه کرد (۷) و آن رسول در افق اعلائی کمال و مشرق انسانیت بود (۸) آنگاه نزدیک آمد و بر او به وحی حق نازل گردید (۹) بدان نزدیکی که با او بقدر دو کمان یا نزدیکتر از آن شد (۱۰) پس خدا به بنده خود وحی فرمود آنچه که هیچکس درک آن نتواند کرد (۱۱) آنچه در غیب عالم دید دلش هم حقیقت یافت و کذب و خیال نپنداشت (۱۲) آیا کافران بر آنچه رسول در شب معراج به چشم مشاهده کرد انکار میکنند؟ (۱۳) و یکبار دیگر هم او را یعنی جبرئیل را رسول مشاهده کرد (۱۴) در نزد مقام سدر المنتهی که آن درختی است در سمت راست عرش که منتهای سیر عقلی فرشتگان و ارواح مومنان تا آنجاست و بر مقام بالاتر آگاه نیستند (۱۵) بهشتی که مسکن متقیانست در همان جایگاه سدر است (۱۶) چون سدره می پوشاند از نور و عظمت حق آنچه را که حدی از آن آگاه نیست (۱۷) چشم محمد (ص) از حقایق آن عالم آنچه را باید بنگرد بی هیچ کم و بیش مشاهده کرد (۱۸) آنجا از بزرگتر آیات حیرت انگیز پروردگار را به حقیقت دید (۱۹) ای مشرکان آیا دو بت بزرگ لات و عزای خود را دیدید؟ بی اثر است (۲۰) و منات سومین بت دیگران را دانستید جمادی بی نفع و ضرر است (۲۱) آیا شما را فرزند پسر و خدا را دختر است؟ (۲۲) اگر چنین بودی باز هم تقسیم نادرست بودی (۲۳) ای مشرکان این بتها جز نامهایی که شما و پدرانتان بر آنها نهاده اید چیزی دیگری نیست و خدا هیچ دلیلی بر معبودیت آنها نازل نفرموده و مشرکان چیزی غیر گمان باطل و هوای نفس فاسد خود را در بت پرستی پیروی نمیکنند و از جانب خدایشان هدایت بفرستادن رسول حق بر آنها آمد و آنها دانسته ضلالت و شرک را از هوای نفس بگزیدند (۲۴) آیا برای آدمی هر چه آرزو کند حاصل میشود هرگز نمیشود (۲۵) در صورتی که انسان مالک هیچ نیست و دنیا و آخرت همه ملک خداست (۲۶) و بسیار ملک در آسمانها هست که شفاعتش سودمند نیست جز به امر خدا و بر آن کس که خدا بخواهد و از او خشنود باشد (۲۷) و آنان که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را نام دختران خدا نهادند (۲۸) و حال آنکه هیچ علم به آن ندارند و جز در پی گمان و پندار نمیروند و پن و گمان هم در فهم حق و حقیقت هیچ سودی ندارد (۲۹) تو هم ای رسول از هر کسی که از یاد ما و قرآن ما روگردانید و جز زندگانی دنیای فانی را نخواست بکلی اعراض کن (۳۰) منتهای علم و فهم این مردم تا همین حد است که در پی دنیا و لذات حیوانی باشند خدا به حال آنکه از راه حق گمراه شد و آن که هدایت یافت کاملاً آگاهست (۳۱) و آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و حکم اعمال خلق با اوست که بدکاران را به کیفر میرساند و نیکوکاران را پاداش نیکوتر عطا میکند (۳۲) بلی عطا میکند به آنان که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری کنند مگر آنکه کمی یعنی گناه صغیره ای یا تخیل و وسوسه ای به غلبه طبیعت و عادت از آنها سرزند که مغفرت پروردگار بسیار وسیع است و خدا به حال شما بندگان آگاه تر است زیرا او شما را از خاک زمین آفریده و هنگامی که در رحم مادرها جنین بودید یاد آرید و خودستائی مکنید او که آفریننده است به حال هر که متقی و در خور ستایش است از شما داناتر است (۳۳) ای رسول دیدی آن کس را که روی از جنگ احد بگردانید (۳۴) و اندک صدقه ای داد سپس بکلی قطع احسان کرد مفسرین گفتند آیات مربوط به عثمانست که شتری با بار به عبد الله سعد داد که در محشر بار گناه عثمان را بدوش گیرد (۳۵) آیا علم غیب نزد اوست و او به احوال آن جهان بیناست که بار گناه عثمان را به شتری پذیرفت (۳۶) یا که آگه نشد به آنچه راجع به مجازات در تورات موسی عمرانست؟ (۳۷) و هم در صحف ابراهیم خلیل وفادار؟ (۳۸) که هیچکس بار گناه دیگری را در قیامت بدوش نخواهد گرفت (۳۹) و نمیداند اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده ثواب و جزائی نخواهد بود؟ (۴۰) و البته انسان پاداش سعی و عمل خود را در دنیا و برزخ به زودی خواهد دید (۴۱) سپس در آخرت به پاداش کاملتری خواهد رسید (۴۲) و کار خلق عالم به سوی خدا منتهی میشود که او منتهای آمال عارفان و حوائج نیازمندان است (۴۳) و هم او بندگان را شاد و خندان سازد و غمین و گریان گرداند (۴۴) و هم او خلق را بمیراند و باز زنده فرماید (۴۵) و او خلق را برای انس با هم جفت نر و ماده آفریده است (۴۶) از نطفه ای آفریده که از مردان به رحم آنان میریزد (۴۷) و هم او ایجاد نشاء آخرت خواهد کرد (۴۸) و هم او بندگان را بی نیاز کند و سرمایه هر سعادت بخشد (۴۹) و هم او آفریننده ستاره شعری است پس آفریننده را پرستید نه ستاره را (۵۰) و هم او قوم عاد را در اول هلاک

ساخت (۵۱) و قوم ثمود را و هیچ باقی نگذاشت (۵۲) و پیش از اینان او قوم نوح را که ظالم و سرکشتر بودند هلاک گردانید (۵۳) و او قوم لوط را به کیفر بدکاری شهرهایشان واژگون ساخت (۵۴) تا آنکه بر آنها عذابی بسیار سخت احاطه کرد (۵۵) پس ای بشر به کدام یک از نعمتهای پروردگارت جدل و انکار خواهی کرد (۵۶) این رسول هم مانند رسولان پیشین ترساننده خلق از قهر خدا است (۵۷) روز قیامت بسیار نزدیک شده است (۵۸) هیچکس غیر خدا آن روز را آشکار نتواند ساخت (۵۹) آیا از این سخن کافران تعجب میکنند (۶۰) و به فسوس و مسخره بر آن میخندند و به روزگار سخت خود نمیگیرند (۶۱) و ای بشر نادان شما سخت غافلید از این خواب غفلت برخیزید و (۶۲) بعد از این به سجده و عبادت خدا پردازید (۶۳)

القمر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) آن ساعت قیامت یا قیام رسول حق نزدیک آمد و ماه آسمان شکافته شد این آیه راجعه شق القمر است که کفار از رسول اکرم درخواست کردند (۲) و اگر کافران بزرگ آیت و معجزی چون شکافتن ماه هم ببینند باز اعراض کرده و گویند که این سحری کامل است (۳) و آنها رسول حق را تکذیب کرده و پیرو هوای نفس باطل شدند و هر حق و باطل امری را عاقبت در بهشت یا دوزخ مقری خواهد بود (۴) و در آیات قرآن اخباری از کیفر کفر پیشینیان که مایه عبرت و انزجار اهل ایماناز معصیت است کاملاً به مردم رسید (۵) قرآن حکمت بالغه خداست و اگر از آن پند نگیرید دیگر از این پس هیچ اندرز و پند شما را سودی نخواهد بخشید (۶) پس از اتمام حجت ای رسول روی از کافران بگردان تا روزی که ندا کننده ای چون اسرافیل خلق را به عالمی حیرت آور و قیامتی هول انگیز دعوت کند (۷) که از هول آن کافران بخواری چشم بر هم نهند و سر از قبرها برآورده مانند ملخه عرصه محشر منتشر شوند (۸) در آن حال منادی محشر را ناچار به سرعت اجابت کنند و کافران با هم گویند این روز همان روز سخت است که ما انکار می کردیم (۹) پیش از اینان هم قوم نوح بنده ما نوح را تکذیب کردند و گفتند او مردی دیوانه است و آجر و ستم بسیار از آنها کشید (۱۰) تا آنکه به درگاه خدا دعا کرد که بارالها من سخت مغلوب قوم شده ام تو به لطف خود مرا یاری فرما (۱۱) ما هم دعای او را مستجاب کردیم و درهای آسمان گشودیم و سیلابی از آسمان فرو ریختیم (۱۲) و در زمین چشمه ها جاری ساختیم تا آب آسمان و زمین با هم به طوفانی که مقدر حتمی بود اجتماع یافت (۱۳) و نوح را در کشتی محکم اساس برنشانیدیم (۱۴) که آن کشتی با نظر ما و حفظ و عنایت ما روان گردد تا کافران به آن طوفان بلا مجازات شوند (۱۵) و آن کشتی را محفوظ داشتیم تا آیت عبرت خلق شود آیا کیست که از آن پند گیرد؟ (۱۶) پس ای بد کاران عالم بنگرید که سختی تنبیه و عذاب ما چگونه بود؟ (۱۷) و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بفهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد؟ (۱۸) قوم عاد نیز پیغمبرشان هود را تکذیب کردند پس باز بنگرید که عذاب و تنبیه ما چگونه سخت بود (۱۹) ما بر هلاک آنها تنبادهای در روز پایدار نحسی فرستادیم (۲۰) که آن باد مردم را از جا برمیکند چنانکه ساق درخت خرما از ریشه افکنند (۲۱) پس باز بنگرید که عذاب و تنبیه ما چگونه سخت بود (۲۲) و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد (۲۳) قوم ثمود هم آیات حق را تکذیب کردند (۲۴) و گفتند آیا سزد که مایک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و ضلالت سخت درافتاده ایم (۲۵) ای عجب آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید چنین نیست بلکه او مرد دروغگوی بی باکی است (۲۶) این منکران بزودی فردای قیامت کاملاً معلومشان شود که دروغگوی بی باک کیست و از انکارشان سخت پشیمان شوند (۲۷) ما برای امتحان آنها ناقه صالح را به درخواست آنها از سنگ بیرون فرستادیم و صالح را گفتیم مراقب حالشان باش و بر آزارشان صبر پیشه گیر (۲۸) و به آنها خبر ده که نوشیدن آب چشمه بین شما و ناقه تقسیم شده که یک روز سهم ناقه و روزی برای شما است (۲۹) آن قوم شقی صاحب و رئیس خود را خواندند تا مجهز شد و ناقه را پی کرد (۳۰) پس باز بنگرید که عذاب و تنبیه ما چگونه سخت بود (۳۱) ما بر هلاک آنها یک صیحه عذاب آسمانی فرستادیم و همه مانند گیاه خشک شدند (۳۲) و ما قرآن را برای

وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد؟ (۳۳) قوم لوط نیز کتاب و رسول حق را تکذیب کردند و به عصیان پرداختند (۳۴) ما هم جز خانواده لوط همه آنان را به سنگباران هلاک نابود کردیم (۳۵) نجات اهل بیت لوط هم به نعمت و لطف ما بود بلی ما چنین شکرگزاران را پاداش میدهم (۳۶) لوب آن قوم را از قهر و مواخذه ما ترسانید باز آنها در آیات ما شک و انکار کردند (۳۷) و قوم از او مهمانانش را که فرشتگانی زیبا بودند بر سو، قصد طلبیدند ما همچشم آنها را بی نور و نابینا کردیم و گفتیم که اینک عذاب قهر و انتقام ما را بچشید (۳۸) و شبی به صبحگاه رسید که مرگ آمد و به عذاب دوزخ دايم گرفتار شدند (۳۹) و گفتیم اینک عذاب قهر و انتقام ما را به جرم بدکاری بچشید (۴۰) و ما قرآن را برای وعظ و اندرز به فهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد (۴۱) و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد (۴۲) آنها از کفر و غرور همه آیات ما را تکذیب کردند ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مواخذه کردیم (۴۳) آیا کفار شما مکيان بهتر و قویتر از آن امم گذشته اند یا شما را برائت و امانی در کتب آسمانی از عذاب خدا هست؟ (۴۴) آیا آنان که میگویند چون ما با هم مجتمعیم و بسیاریم البته منصوریم (۴۵) نمیدانند که بزودی آن جماعت در جنگ بدر شکست خورده و به جنگ پشت کنند و بکلی مغلوب شوند (۴۶) بلکه ساعت قیامت وعده گاه آنهاست و آن روزی بسیار سختتر و ناگوارتر از روز بدر است (۴۷) البته بدکاران عالم در دنیا به گمراهی و در آخرت در آتش دوزخند (۴۸) روزی آنها را فرشتگان عذاب به رو در آتش دوزخ کشند و گویند اینک الم جهنم را بچشید (۴۹) ما هر چه آفریدیم به اندازه و بر وفق حکمت و مصلحت و مقصودی آفریدیم (۵۰) و فرمان ما در همه عالم یکیست و هیچ تبدیل پذیر نیست چه در امر ایجاد و چه در کار معاد و در سرعت به مانند چشم بهم زدن انجام باید (۵۱) و ما بسیاری از پیشینیان امثال شما کافران را هلاک کردیم آیا کیست که از آن پند و عبرت گیرد؟ (۵۲) و هر عملی کردند در کتب نامه عملشان ثبت شد (۵۳) و هر امر کوچک و بزرگ آنجا نگاشته است (۵۴) محققا اهل تقوی در باغها و کنار نه‌های بهشت ابد منزل گیرند (۵۵) در منزلگاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت جاودانی متعینند (۵۶)

الرحمن

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) خدای بخشنده (۲) به رسولش محمد (ص) قرآن آموخت (۳) و انسان را خلق کرد (۴) و به او تعلیم نطق و بیان فرمود (۵) خورشید و ماه به حکم نافذ و جاذبه شوق او به حساب معین و سرعت و بطر مخصوص به گردش است (۶) و گیاهان و درختان هم به سجده او سر به خاک اطاعت نهاده اند (۷) آسمان را او کاخی رفیع گردانید و میزان عدل و نظم را در عالم وضع فرمود (۸) و حکم کرد که ای بندگان هرگز در میزان عدل و احکام شرع من تعدی و نافرمانی مکنید (۹) و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان کم فروشی و نادرستی مکنید (۱۰) و زمین را با هزاران نعمت برای زندگانی خلق مقرر فرمود (۱۱) که در آن میوه های گوناگون و نخل خرما با پوشش برگ و شکوفه و غلاف است (۱۲) و حبوبات متنوع که دارای برگ و گل و ریاحین است برای رزق خلق برویانید (۱۳) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۱۴) انسان را خدا از صلصال خشک گلی مانند گل کوزه گران بدین حسن و زیبایی آفرید (۱۵) و جنیان را از رخنده شعله آتش خلق کرد (۱۶) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۱۷) آن خدائی که آفریننده دو مشرق و دو مغربست یکی مشرق و مغرب تابستان مطلع سرطان و یکی زمستان مطلع جدی (۱۸) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۱۹) اوست که دو دریای پر گوهر علم و حلم علی (ع) و فاطمه علیها السلام یا دریای آب شور و گوارا را بهم در آمیخت تا مختل شدند (۲۰) و میان آن دو دریا ای رسول برزخ و فاصله ایست که تجاوز به حدود یکدیگر نمیکنند (۲۱) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۲۲) از آن دو دریا دو گوهر حسن و حسین پدید آورد و یا لولو و مرجان گرانها بیرون آورد (۲۳) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۲۴) و او راست کشتیهای بزرگ مانند کوه که به دریا

در گردشند (۲۵) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۲۶) هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست (۲۷) و زنده ابدی ذات خدای منعم با جلال و عظمت است (۲۸) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۲۹) هر که در آسمانها و زمین است همه از او حوائج خود را میطلبند و در هر عالم او به شان و کاری در تکمیل و افاضه به خلق پردازد (۳۰) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۳۱) ای گروه انس و جن بزودی به حساب کار شما هم خواهیم پرداخت (۳۲) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می کنید؟ (۳۳) ای گروه جن و انس اگر میتوانید در اطراف زمین و آسمانها بر شوید و از قبضه قدرت الهی بیرون روید این خیال محالست هرگز خارج از ملک و سلطنت خدا نتوانید شد (۳۴) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۳۵) اگر به کفر و طغیان گرائید خدا بر شما شراره های آتش و مس گذاخته فرود آرد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید شاید هم اشاره به آتشبارها و گلوله ها و بمبارانهای هوایی باشد (۳۶) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۳۷) آنگاه که آسمان شکافته شود تا چون گل سرخ گون و چون روغن مذاب و روان گردد آن روز سخت هولناک از گنه پشیمان شوید (۳۸) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۳۹) در آن روز هیچ از گناه انس و جن باز نپرسند یعنی چون خدا و فرشتگان از گناهان خلق آگاهند دیگر سوال نمیکند یا در موقفی نپرسند و در موقفی دیگر باز پرسند یا از خاصان حق و شیعیان علی (ع) نپرسند و از دیگران پرسند یا از زبان نپرسند سیمای جوارح و اعضای خود گواهی دهند (۴۰) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۴۱) آن روز بدکاران به سیمایشان شناخته شوند که سیه روی و ازرق چشمند پس موی پیشانی آنها را با پاهایشان بگیرند و در آتش دوزخ افکنند (۴۲) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۴۳) آن روز گفته شود این همان دوزخیست که بدکاران از جهل تکذیب میکردند (۴۴) اینک کافران میان آن جهنم و در حمیم سوزان آن میگردند (۴۵) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۴۶) و هر که از مقام قهر و کبریائی خدا بترسد او را دو باغ بهشت خواهد بود بهشتی دار السلام در دنیا و بهشتی دار البقار در آخرت (۴۷) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۴۸) در آن دو بهشت انواع گوناگون میوه ها و نعمتهاست (۴۹) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۵۰) در آن دو بهشت دو چشمه آب تسنیم و سلسبیل روانست (۵۱) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۵۲) در آن دو بهشت از هر میوه ای دو نوع است معروف و غیر معروف که یکی را در دنیا دیده و یکی را ندیده اند (۵۳) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۵۴) در حالتی که بهشتیان بر بسترهائی که حریر و استبرق آستر آنهاست در کمال عزت تکیه زده اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه دسترس آنهاست (۵۵) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۵۶) در آن بهشتها آنان زیبای باحیائیت که به چشم پرناز جز به شوهر خود ننگرند و دست هیچکس پیش از آنها بدان آنان نرسیده است (۵۷) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۵۸) آن زمان حور العین در صفا و لطافت گوئی یاقوت و مرجاند (۵۹) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۶۰) آیا پاداش نکوئی و احسان جز آن که نکوئی و احسانست؟ (۶۱) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۶۲) و رای آن دو بهشت دیگر است (۶۳) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۶۴) که درختان آن دو بهشت در منتهای سبزی و خرمی است (۶۵) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید (۶۶) در آن دو بهشت دیگر هم دو چشمه آب گوارا میجوشد و زیر آن درختان جاری میشود (۶۷) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۶۸) در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است (۶۹) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۷۰) در آن بهشتها نیکو زنان با حسن و جمال بسیارند (۷۱) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۷۲) حورانی در سراپرده های خود مستوراز چشم بیگانگان (۷۳) الا- ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید؟ (۷۴) که پیش از شوهران دست هیچکس بدان آنان نرسیده است (۷۵) الا ای جن و انس کدامین

نعمتهای خدایان را انکار میکنید؟ (۷۶) در حالی که بهشتیان با حور العین بر رفرر سبز وجد و عزت و بساط زیبای فخر و دولت تکیه زده اند (۷۷) الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار میکنید؟ (۷۸) بزرگوار و مبارک نام پروردگار تست که خداوند جلال و عزت و احسان و کرامت است (۷۹)

الواقعه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) هنگامی که آن واقعه بزرگ قیامت و هنگامه خطیر آخرت واقع گردید (۲) که در وقوعش هیچ کذب و جای هیچ شک و ریب نیست (۳) آن روز قومی را به دوزخ خوار و ذلیل کند و طایفه ای را به جنت سربلند و رفیع گرداند (۴) آنگاه که زمین شدید به حرکت و لرزه درآید (۵) و کوه های سخت متلاشی شود (۶) و مانند ذرات گرد در هوا پراکنده گردد (۷) و در آن روز شما خلائق بر سه دسته مختلف شوید (۸) گروهی راستان اصحاب یمین باشند که چقدر حالشان در بهشت ابد نیکوست (۹) و گروهی ناراستان اصحاب شومی و شقاوتند که چقدر روزگارشان در دوزخ سخت است؟ (۱۰) و طایفه سوم آنان که مشتاقانه در ایمان بر همه پیشی گرفتند و در اطاعت خدا و رسول مقام تقدم یافتند (۱۱) آنان به حقیقت مقربان درگاهند (۱۲) آنان در بهشت پرنعمت جاودانی متنعمند (۱۳) آنها جمعی بسیار از امم پیشینیان هستند (۱۴) و عده قلیلی از متاخران یا بسیاری از متقدمان امت محمد (ص) و قلیلی از مردم آخر زمان این امت باشند (۱۵) آنان در بهشت به عزت بر سریرهای آربفت مرصع به انواع جواهر تکیه زنند (۱۶) همه شادان با یاران و دوستان روبروی یکدیگر بر آن سریرهای عزت مینشینند (۱۷) و پسرانی زیبا که حسن و جوانیشان همیشگی و ابدی است گرد آنها به خدمت میگردند (۱۸) با کوزه های بلورین و مشربه های زرین و جامهای پر از شراب ناب بر آنان دورمیزنند (۱۹) نه هرگز هر چه نوشند درد سری یابند و نه مستی عقل و رنج خمار کشند (۲۰) و میوه خوش برگزینند (۲۱) و گوشت مرغان و هر غذا مایل باشند (۲۲) و آنان سیه چشم زیبا صورت (۲۳) که در بهار و لطافت چون در و لولو مکنونند بر آنها مهیاست (۲۴) این نعمتهای الهی پاداش آن بهشتیانست (۲۵) نه آنجا هیچ حرفی لغو و بیهوده شنوند و نه به یکدیگر خرده گیری و فتنه و گناهی بر بندند (۲۶) هیچ جز سلام و تحیت و احترام هم نگویند و نشنوند (۲۷) اما راستان و اصحاب یمین آنها هم چه خوش روزگارند (۲۸) در سایه درختان سدر پر میوه بی خار (۲۹) و درختان پر برگ سایه دار (۳۰) همه در سایه بلند درختان (۳۱) و در طرف نهر آبهای روان زلال (۳۲) و میوه های بسیار (۳۳) که هیچوقت منقطع نشود و هیچکس بهشتیان را از آن میوه ها منع نکند (۳۴) و فرشهای پربها یا فراش و آنان زیبا (۳۵) که آنها را ما در کمال حسن و زیبایی بیافریده ایم (۳۶) و همیشه آن زنان را باکره گردانیده ایم (۳۷) و شوهر دوست و با غنچ ناز و جوان و همسالان دلنواز (۳۸) این نعمتهای بهشتی مخصوص اهل یمین است (۳۹) که جمعی از پیشینیان (۴۰) و جمعی از امت رسول آخر زمان هستند (۴۱) و اما اصحاب شقاوت که نامه عملشان به دست چپ است (۴۲) آنها در عذاب باد سموم و آب گرم باشند (۴۳) و سایه ای از دود آتش دوزخ (۴۴) که نه هرگز سرد شود و نه خوش نسیم گردد (۴۵) این عذاب آنها را بدین سبب است که از این پیش در دنیا به ناز و نعمت پرداختند و از خدا غافل شدند (۴۶) و بر گناه بزرگ شرک و عناد لجاجت و اصرار داشتند (۴۷) و در مقام رد و انکار رسل دایم میگفتند آیا ما چون مردیم و استخوان ما خاک شد باز هم ما زنده میشویم؟ (۴۸) یا پدران گذشته ما زنده خواهند شد؟ (۴۹) ای رسول بگو البته تمام خلق اولین و آخرین زنده میشوند (۵۰) و همه در وعده گاه روز معین محشر جمع میگردند (۵۱) آنگاه شما ای گمراهان منکر قیامت (۵۲) از درخت زقوم تلخ دوزخ البته خواهید خورد (۵۳) تا آن که شکم را از آن پر میسازید (۵۴) آنگاه همه از آب گرم جهنم میاشامید (۵۵) بدانسان از عطش آن آب را مینوشید که شتران تشنه آب می آشامند (۵۶) این طعام و شراب کافران در روز جزاست (۵۷) ما شما را بدین خلقت زیبا بیافریدیم پس چرا آفریننده را تصدیق نمی کنید؟ و بدار ثواب و عقابش ایمان نمیآورید؟ (۵۸) آیا ندیدید و به حقیقت درنیافتید که نخست شما نطفه ای بی قدر و قابلیت بودید؟ (۵۹) آیا شما خود آن نطفه را به صورت فرزند انسان آفریدید یا ما آفریدیم؟ (۶۰) ما مرگ را بر همه

خلق به اختلاف سن مقدر ساختیم و هیچکس بر قدرت ما سبق نتواند برد (۶۱) اگر بخواهیم هم شما را فانی کرده و خلقی دیگر مثل شما بیافرینم و شما را به صورتی در جهانی دیگر که اکنون از آن بی خبرید بر میانگیزیم (۶۲) و شما از نشه اول خود آگاه شدید که از عدم به وجودتان آوردیم پس چرا متذکر عالم آخرت نمیشوید (۶۳) آیا ندیدید تخمی را که در زمین کشتید (۶۴) آیا شما از خاک آن تخم را رویانیدید یا ما رویانیدیم؟ (۶۵) اگر ما بخواهیم کشت و آرع شما را خشک و تباہ میسازیم تا با حسرت و ندامت به سخنان بیهوده پردازید (۶۶) و گوئید ما سخت در زیان و غرامت افتادیم (۶۷) بلکه از روزی خود بکلی محروم گردیدیم (۶۸) آیا آبی را که شما هر روز مینوشید متوجهید؟ (۶۹) آیا شما آن آب را از ابر فرو ریختید یا ما نازل ساختیم؟ محققا ما نازل کردیم (۷۰) حال اگر میخواستیم آن آب را به جای آن که خوش و گوارا کرده ایم شور و تلخ میگردانیدیم آیا شکرگزاری این نعمت بزرگ نمیکنید (۷۱) آیا آتشی که برای حوائج خود روشن میکنید مینگرید؟ (۷۲) آیا شما درخت آن را آفریدید یا ما آفریدیم؟ (۷۳) ما در چوب آن آتش را خلق کردیم و مایه پند و عبرت مسافران کوه و بیابان عالم گردانیدیم که برای نجات از سرما و روشنی و طبع نان و غذا و غیره به کار میبرند (۷۴) پس ای رسول نام بزرگ خدای خود را تسبیح گو و اگر مردم غافلند تو متذکر نعمتهای حق باش (۷۵) سوگند به مواقع نزول ستارگان یا آیات کریمه قرآن (۷۶) و این قسم اگر بدانید بسی سوگند بزرگی است (۷۷) که این قرآن بسیار کتابی بزرگوار و سودمند و گرامیست (۷۸) در لوح محفوظ سر حق مقام دارد (۷۹) که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد (۸۰) این کتاب بزرگ تنزلی از پروردگار عالم است (۸۱) ای کافران آیا با این سخن آسمانی باز انکار و نفاق میورزید؟ (۸۲) و به جای استفاده از قرآن تنها بهره خود را تکذیب آن قرار میدهید؟ (۸۳) پس چگونه خواهد بود هنگامی که جانشان به گلو رسد (۸۴) و شما وقت مرگ بر بالین آن مرده حاضرید و او را مینگرید (۸۵) و ما به او از شما نزدیکتریم لیکن شما معرفت و بصیرت ندارید (۸۶) اگر حیات بدست شما و طبیعت است و شما را آفریننده ای نیست (۸۷) پس روح را دوباره به بدن مرده باز گردانید اگر راست میگوئید (۸۸) بدانید آنکه بمیرد اگر از مقربان درگاه خداست (۸۹) آنجا در آسایش و نعمت بهشت ابدی است (۹۰) و اگر از اصحاب یمینست (۹۱) وی را بشارت دهید که تو را از هر رنج و درد و الم ایمنی و سلامتست (۹۲) و اما اگر از منکران خدا و قیامت و از گمراهانست (۹۳) نصیبت حمیم جهنم است (۹۴) و جایگاهش آتش دوزخست (۹۵) این وعده و وعید البته یقین و حق و حقیقت است (۹۶) ای رسول تو نام بزرگ خدای خود را تسبیح گوی و پیوسته به یاد خدا باش (۹۷)

الحدید

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش یکتا خدائی که مقتدر و حکیماست مشغولند (۲) آن خدائی که آسمانها و زمین همه ملک اوست او خلق را زنده می گرداند و باز میمیراند و اوست که در عالم بر همه چیز تواناست (۳) اول و آخر هستی و پیدا و پنهان وجود همه اوست و او به همه امور عالم داناست (۴) اوست خدائی که آسمانها و زمین را در شش روز و شش مرتبه کلی ظهور وجود بیافرید آنگاه به تدبیر عرش با عظمت و علم فعلی بی حد و نظام جمعی عالم بی نهایت پرداخت و او هر چه در زمین فرو رود و هر چه برآید و آنچه از آسمان نازل شود و آنچه بالا-رود همه را میداند و هر کجا باشید او با شماست و به هر چه کنید به خوبی آگاهست (۵) آسمانها و زمین همه ملک اوست و رجوع تمام امور عالم به سوی اوست (۶) شب را در پرده زرین روز نهد و روز را در خیمه سیاه شب پنهان سازد و به اسرار دلهای خلق هم او آگاهست (۷) الا ای بندگان به خدا و رسول او ایمان آرید و از آنچه شما را در آن وارث گذشتگان گردانید به راه خدا انفاق کنید که عاقبت از شما هم به دیگران میرسد پس بر آنان که از شما ایمان آوردند و انفاق کردند پاداش بزرگ بهشت ابد خواهد بود (۸) و برای چه شما به خدا و رسول او ایمان نیاورید در صورتی که رسول حق شما را به آیات و معجزات به راه ایمان به پروردگارتان که سعادت ابد است دعوت میکند و خدا هم در فطرت عقل از شما پیمان ایمان گرفته است اگر قابلیت ایمان دارید (۹) اوست خدائی که بر بنده

خود محمد مصطفی (ص) آیات قرآن روشن بیان را نازل کرد تا شما بندگان را از ظلمات جهل و عصیان بیرون آورد و به نور علم و ایمان رهبری کند و خدا بسیار در حق شما مشفق و مهربانست که از لطف و رحمت بر هدایت شما رسول میفرستد (۱۰) و برای چه در راه خدا انفاق نکنید در صورتی که شما با ملک و مالتان روز مرگ فانی شوید و وارث تمام اهل آسمانها و زمین خداست که باقی ابدیست و آن مسلمانانی که پیش از فتح مکه زمان ضعف اسلام در راه دین انفاق و جهاد کردند آنها اجر و مقامشان بسیار عظیمتر از کسانیست که بعد از فتح و قدرت اسلام انفاق و جهاد کردند لیکن خدا به همه وعده نیکوترین پاداش را که بهشت ابد است داده و خدا به هر چه کنید آگاهست (۱۱) آن کیست که به خدا قرض نیکو دهد یعنی قرض الحسنه و صدقه و احسان به فقیران کند تا خدا بر او چندین برابر گرداند و پاداشی با لطف و کرامت نامتناهی او را عطا فرماید (۱۲) ای رسول ما، یاد آر روزی را که مردان و زنان مومن شعشعه نور ایمانشان پیشرو و سمت راست آنها بشتابند و مزده دهد که امروز شما را به بهشتی که نهرها زیر درختانش جاریست بشارت باد که در آن بهشت جاودان خواهید بود و این همان سعادت و فیروزی بزرگ شماست (۱۳) و باز آن روز مردان و زنان منافق به اهل ایمان گویند مشتابید و به ما فرصتی دهید تا ما هم از نور شما روشنائی بگیریم در پاسخ به آنها گویند واپس گردید یعنی اگر میتوانید به دنیا باز گردید و از آنجا نور نماز و طاعت و وضو، و طهارت دل مانند ما طلبید در این گفتگو باشند که بین آن دوزخیان با اهل بهشت حصاری حایل گردد و بر آن حصار دری باشد که باطن و درون آن در بهشت رحمت است و از جانب ظاهر عذاب جهنم خواهد بود مفسران گفتند مراد از حائل عالم برزخاست (۱۴) باز منافقان بهشتیان را ندا کنند که آخر نه ما هم در دنیا با شما بودیم و مانند شما نماز و طاعت بجا آوردیم چه شد که شما بهشتی و ما دوزخی شدیم آنها جواب دهند بلی راست میگوئید لیکن شما به نفاق با خدا خود را چنین به فتنه و هلاکت افکندید و در دنیا نیز انتظار هلاکت مومنان داشتید و در کار دین به شک و ریبودید و آرزوهای دنیا فریبتان داد تا وقتی که امر خدا یعنی مرگ فرا رسید و شیطان فریبنده شما را تا دم مرگ از خدا غافل و مغرور گردانید (۱۵) پس امروز بر نجات هیچیک از شما منافقان و کافران فدییه و عوض نپذیرند همه منزلگاهتان آتش دوزخ و آن آتش شما را سزاوارتر است و بسیار به بد منزلی باز میگردید (۱۶) آیا نوبت آن نرسید که گرویدگان ظاهری از باطن به خدا بگروند و دلهاشان به یاد خدا خاشع گردد و به آنچه از حق نازل شد بذل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این برایشان کتاب آسمانی تورات آمد یعنی یهود و نصاری نباشید که دوره طولانی زمان فترت بر آنها گذشت و دلهاشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نابکار شدند (۱۷) الا ای عاقلان بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ خزان زنده میگرداند ما آیات و ادله قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل بکار بندید (۱۸) همانا مردان و زنانی که در راه خدا به فقیران صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند یعنی به محتاجان قرض الحسنه دهند خدا احسان آنها را چندین برابر سازد و پاداش با لطف و کرامت نیز عطا کند (۱۹) و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آوردند به حقیقت راستگویان عالمند و برایشان نزد خدا اجر شهیدان است پاداش اعمال و نور ایمانشان را در بهشت می یابند و آنان که به خدا کافر شده و آیات الهی را تکذیب کردند آنها اهل آتش دوزخند (۲۰) الا ای هوشیاران بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه ایست طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تفاخر و خودستائی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان این حقیقت کار دنیاست و در مثل مانند بارانیست که به موقع ببارد و گیاهی در پی آن از زمین بروید که برزگر یا کفار دنیاپرست را به شگفت آورد و سپس بنگری که زرد و خشک شود و بپوسد و در عالم آخرت دنیاطلبان را عذاب سخت جهنم و مومنان را آمرزش و خشنودی حق نصیب است و باری بدانید که دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست (۲۱) الا ای بندگان به سوی آمرزش پروردگارتان بشتابید و به راه بهشتی که عرضش به قدر پهنای آسمان و زمین است که آن بهشت بدین وسعت برای اهل ایمان به خدا و پیمبرانش مهیا گردیده این فضل خداست که به هر کس خواهد عطا می کند و فضل و کرم خدا بسیار عظیم است (۲۲) هر رنج و مصیبتی که در زمین از قحطی و افت و فقر و ستم یا از نفس خویش چوثرس و غم و درد و الم به شما رسد همه در کتاب لوح محفوظ ما پیش از آنکه همه را در دنیا ایجاد کنیم ثبت است و

این کار بر خدا آسانست (۲۳) این تقدیر حق را بدانید تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما رسد مغرور و دلشاد نگردید و خدا دوستدار هیچ متکبر خودستایی نیست (۲۴) همان متکبرانی که خودشان در احسان به فقیران بخل می‌ورزند و مردم را هم به بخل و منع احسان و امیدارند و هر که روی از اطاعت حق بگرداند زیان به خود رسانیده که خدا به کلی از طاعت خلق بی‌نیاز و به ذات خویش ستوده صفات است (۲۵) همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات به خلق فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند و آهن و دیگر فلزات را که در آن هم سختی جنگ و کارزار و هم منافع بسیار بر مردم است نیز برای حفظ عدالت آفریدیم تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ هر چند که خدا بسیار قوی و مقتدر و از یاری خلق بی‌نیاز است (۲۶) و البته ما نوح و ابراهیم را به خلق فرستادیم و در فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند (۲۷) و از پی نوح و ابراهیم باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی نجیل را عطا کردیم و در دل پیروان حقیقی او رفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند در کتاب نجیل نوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبه کاری شتافتند (۲۸) ای کسانی که به حق گرویدید اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش محمد مصطفی (ص) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند یکی برایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت یا یکی در دنیای فانی و یکی در آخرت ابدی و نوری از پرتو ایمان به قرآن شما را عطا کند که بدان نور راه بهشت ابد پیمائید و از گناه شما درگذرد که خدا بسیار به خلق آمرزنده و مهربانست (۲۹) و آنان که اسلام نیاوردند از اهل کتاب بدانند که آنها هیچ به رحمت و فضل الهی دستی ندارند و هر فضل و رحمتی به دست خداست که او به هر که خواهد می‌بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بی‌انتهاست (۳۰)

المجادله

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله برخاسته و شکوه او به خدا میرد محققا شنید و گفتگوهای شما را نیز میشنود که خدا به سخنان بندگان البته شنوا و به احوالشان بیناست اوس بن صامت با زن خود خوله بنت ثعلبه ظهار کرد یعنی گفت تو بر من چون مادری و این کار در حکم طلاق و حرمت آور بود آن نزد رسول آمد و حکم پرسید رسول حکم به حرمت فرمود، آن باز مجادله کرد و آخر گفت من به خدا شکوه میکنم از تنهائی و غربت خود و آیه بعد راجع به حکم ظهار نازل شد و بر این فعل حرام کفاره معین گردید (۲) آنان که با زنان خود ظهار کنند یعنی گویند تو بر من چون پشت مادری آنها مادر حقیقی شوهران به مجرد این گفته نخواهند شد بلکه مادر ایشان جز آن که آنها را زائیده نیست و این مردم به عادت زمان جاهلیت سخنی ناپسند و باطل میگویند. و خدا را عفو و بخشش بسیار است (۳) و آنان که از زنان خود ظهار کردند و آنها را به منزله مادر و محارم دیگر گفتند آنگاه از گفته خود برگشتند و عزم جماع آنها کردند پیش از تماس و مجامعت باید برده ای آزاد کنند به این عمل پند و موعظه می‌شوید تا دیگر به این کار حرام اقدام نکنید و خدا به تمام کردار شما بندگان آگاهست (۴) و هر که برده نیابد یعنی بر آزاد کردن برده توانائی ندارد باز باید پیش از جماع دو ماه پی در پی روزه بگیرد و باز اگر نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد این حکم کفاره برای آنست که شما به خدا و رسول ایمان کامل آرید و این احکام حدود الهی است و کافران را که به خدا و احکامش نمیگروند عذاب دردناک دوزخ مهیاست (۵) آنان که با خدا و رسول سخت مخالفت میکنند آنها هم مانند کافران پیش برو در آتش عذاب افتند. و ما برای اتمام حجت مردم آیات روشن بیان نازل کردیم و کافران را عذاب ذلت و خواری مهیاست (۶) به یاد آر روزی که خدا در آن روز سخت، جمیع خلائق را برای حساب برانگیزد تا آنها را به

نتیجه اعمالشان که او تمام را به شماره ضبب فرموده و آنها اکثرا فراموش کرده اند آگاه سازد و خدا به علم حضوری بر همه موجودات عالم گواهد است (۷) آیا ندیدی و به علم الیقین ندانستی که آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاهست هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها و نه پنج کس جز آنکه خدا ششم آنها و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آنکه هر کجا باشند او با آنهاست که خدا را احاطه کامل وجودی بر کلی و جزئیات عالم است پس روز قیامت همه را به نتیجه نیک و بد اعمالشان آگاه خواهد ساخت که خدا به کلیه امور عالم دانا است (۸) ای رسول ما، آیا آنان یعنی یهود و منافقان را که از نجوی و راز گفتن با هم ممنوع شدند ندیدی که اعتنا به نهی خدا نکردند و باز هم با یکدیگر بر بزهکاری و دشمنی و مخالفت رسول راز گفتن از سر گرفتند. و هرگاه حضور تو آیند از مکر و خدیعت تو را سلام و تحیتی گویند که خدا نفرموده است و پیش خود میگویند اگر این شخص رسول خداست چرا خدا بر این سلام تمسخر آمیزی که به او می کنیم آگه نیست و ما را عذاب نمی کند؟ بدانند که عذاب دوزخ آنها را کفایت است که در آنجا که بسیار بد منزلگاه‌هایست پیوسته معذب خواهند شد (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید شما هرگاه با هم سخنی به راز گوئید هرگز بر بزه کاری و دشمنی و مخالفت رسول نگوئید بلکه بر نیکویی و تقوی راز به میان آرید و از خدا که پس از مرگ به سوی او محشور خواهید شد بترسید و پرهیز کار شوید (۱۰) همیشه نجوی و راز گفتن از نفوس شریره شیطان و عمل منافقان است که می‌خواهند مومنان را دلتنگ و پریشان خاطر کنند در صورتی که هیچ زیان به آنها نمی رساند جز آن که امر خدا باشد و مومنان باید همیشه بر خدا توکل کنند و هیچ اندیشه از حوادث عالم و حیل منافقان به دل راه ندهند (۱۱) ای اهل ایمان هرگاه شما را گفتند که در مجالس خود جای را بر یکدیگر فراخ دارید امر خدا را بشنوید و برای نشستن مکان بالاتر و نزدیکتر به پیغمبر تنازع و تراحم مکنید تا خدا بر توسعه مکان و مقام و منزلت شما بیفزاید و هر گاه گفتند که از جای خود برای توسعه مجلس یا کار خیر دیگری برخیزید نیز حکم خدا را اطاعت کنید که خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را در دو جهان رفیع میگرداند و خدا بهر چه از نیک و بد کنید به همه آگاهست (۱۲) ای اهل ایمان هرگاه بخواهید که با رسول سخن سری گوئید یا سوالی کنید پیش از اینکار باید مبلغی صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تر است که شما را از سوالات بی جا برکنار و از بخل و لثامت پاک میگرداند و اگر از فقر چیزی برای صدقه نیابید در این صورت خدا البته آمرزنده و مهربان است و شما را می بخشد (۱۳) آیا از این که پیش از راز گفتن با رسول صدقه دهید از فقر ترسیدید؟ پس حال که اداء صدقه نکردید باز هم خدا شما را بخشید اینک نماز بپادارید و زکات بدهید و خدا و رسول را اطاعت کنید. و بدانید که خدا به هر چه کنید آگاهست (۱۴) ای رسول ما آیا آن منافق مردمی را ندیدی که با یهود قومی که خدا بر آنها غضب کرده است دوستی کردند؟ آنها به حقیقت نه از شما مسلمین و نه از فرقه یهودند و به دروغ قسم یاد می کنند که ما اهل ایمانیم در صورتی که خود میدانند که دروغ می گویند (۱۵) خدا بر آنها به دوزخ عذابی سخت مهیا کرده زیرا بسیار زشت کردارند (۱۶) آن مردم منافق سوگند و قسمهای خود را برای حفظ خود و پنهان داشتن کفر و نفاق خویش سپر قرار دادند و خلق را از راه خدا باز داشتند بدانید که در دو عالمبر آنها کیفر عذاب ذلت و خواری خواهد بود (۱۷) و هرگز مال و فرزندان آنان را از عذاب قهر خدا ابدان نرهند آنها اهل آتش دوزخند و در آن همیشه معذبند (۱۸) روزی را به یاد آر که خدا همه آنها را برای انتقام برانگیزد و چنان که برای شما قسم یاد کردند برای خدا هم به دروغ سوگند میخورند و می پندارند که اثری بر آنها خواهد داشت الا- ای اهل ایمان بدانید که آنها بسیار مردم منافق دروغگوئی هستند (۱۹) شیطان بر دل آنها سخت احاطه کرده که فکر و ذکر خدا را بکلی از یادشان برد آنان حزب شیطانند الا ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان به حقیقت زیانکاران عالمند (۲۰) آنان که با خدا و رسول او عناد و مخالفت می کنند آنها در میان خلق خوار و ذلیلترین مردمند (۲۱) خدا به لطف خود در لوح محفوظ نگاهشته و حتم گردانیده که البته من و رسولانم بر دشمنان غالب شویم که خدا بی حد قوی و بر نصرت رسولش بسیار مقتدر است (۲۲) ای رسول هرگز مردمی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده اند چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول کنند هر چند آن دشمنان پدران و فرزندان و برادران و خویشان

آنها باشند این مردم پایدارند که خدا بر دلهاشان نور ایمان نگاهشته و به روح قدس الهی آنها را موید و منصور گردانیده و در قیامت به بهشتی آنها را داخل کند که نهرهای مصفا زیر درختانش جاریست و جاودان در آنجا متنعمند و این بهشت نعیم است و بالاتر از آن بهشت رضوانست که خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند اینان به حقیقت حزب خدا هستند الا ای اهل ایمان بدانید که حزب خدا رستگاران عالمند(۲۳)

الحشر

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش یکتا خدای عالم که مقتدر و حکیم است مشغولند(۲) اوست خدائی که برای نصرت اسلام کافران اهل کتاب را یعنی یهود بنی نضیر که به مکر قصد قتل پیغمبر (ص) کردند برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرونکرد تا جلار وطن کرده به سرزمین شام رفتند و هرگز شما مسلمین گمان نمی کردید که آنها به امر رسول حق از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را از قهر و انتقام خدا نگهبان خود می پنداشتند تا آنکه عذاب خدا از آنجا که گمان نمی بردند بانها فرا رسید و در دلشان از سپاه اسلام ترس افکند تا به دست خود و به دست مومنان خانه هاشان را ویران کردند ای هوشیاران عالم از این حادثه پند و عبرت بگیرید(۳) و اگر خدا بر آنها حکم جلای وطن نمی کرد سختتر از آن در دنیا به قتل و اسارت مانند کفار بدر معذب میکرد و به هر حال عذاب آتش در آخرت بر آنها خواهد بود(۴) این جلار وطن و آوارگی آنها برای این بود که آنان با خدا و رسول سخت دشمنی و مخالفت کردند و هر که با خدا و رسولش دشمنی آغازد بترسد که عقاب خدا بسیار سخت است(۵) آنچه از درختان خرما را که در دیار بنی نضیر بریدید و آنچه را برپا گذاشتید همه به امر خدا و صلاح اسلام و برای خواری و سرکوبی یهودان فاسق نابکار بود(۶) و آنچه را که خدا از مال آنها یعنی یهودان بنی نضیر به رسم غنیمت باز داد متعلق به رسول است که شما سپاهیان اسلام بر آن هیچ اسب و استری نتاختید و آزار کارزار نکشیدید و لیکن خدا رسولانش را بر هر که خواهد مسلط میگرداند و خدا بر هر چیز تواناست(۷) و آنچه که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و ائمه خویشاوندان رسول است و یتیمان و فقیران و راه گذران ایشان این حکم برای آنست که غنایم دولت توانگران را نیفزاید بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد و شما آنچه رسول حق دستور دهد و منع یا عطا کند بگیریید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است(۸) مقام بلند یا غنائم خاص فقیران مهاجرین است که آنها را از وطن و اموالشان به دیار غربت راندند در صورتی که چشم از خانه پوشیده و در طلب فضل و خشنودی خدا می کوشند و خدا و رسول را یاری میکنند اینان به حقیقت راستگویان عالمند(۹) و هم آن جماعت انصار که پیش از هجرت مهاجرین در مکه به رسول ایمان آوردند و مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند دوست میدارند و از غنائم بنی نضیر که به آنها داده شد در دل خود هیچ حاجتی و حسد و بخلی نسبت به آنها نمی یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش در آن چیز مقدم میدارند و جانشان بکلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند آنان به حقیقت رستگاران عالمند(۱۰) و آنان که پس از مهاجرین و انصار آمدند یعنی تابعین و سایر مومنین تا روز قیامت داریم در دعا به درگاه خدا عرض می کنند پروردگارا بر ما و برادران دینی مان که در ایمان پیش از ما شتافتند همه را از کرم ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد مومنان قرار مده پروردگارا تویی که در حق بندگان بسیار روف و مهربانی(۱۱) ای رسول آنان که به ظاهر مسلمان شده و با خدا نفاق ورزیدند نبینی؟ که با برادرانشان یعنی با دشمنان اسلام و همان یهود اهل کتاب که کافر شدند در پیوسته و گویند اگر شما از دیارتان اخراج شدید البته ما هم به همراهی شما خارج خواهیم شد و در راه حمایت شما از احدی ابدای اطاعت نخواهیم کرد و اگر مسلمانان با شما جنگ کردند البته شما را مدد می کنیم و خدا که از دل آنها آگاهست گواهی دهد که محققا آنها دروغ میگویند(۱۲) اگر آنها یعنی یهود از مدینه اخراج شدند هرگز

منافقان با آنها خارج نمی‌شوند و اگر مسلمانان به جنگشان آیند هرگز یاریشان نمی‌کنند و اگر هم یاریشان کنند البته به جنگ پشت کرده و دیگر نصرت نخواهند یافت (۱۳) این مردم منافق بسیار در دلشان از شما بیشتر ترس دارند تا از خدا زیرا آنها مردمی هستند که هیچ فهم و شعوری ندارند تا خداشناس و خدا ترس باشند (۱۴) یهودان از جن بر جنگ با شما جمع نمی‌شوند. مگر در قریه محکم حصار یا پس دیوار دشمنی مکر و حيله و جاسوسی و کارزار بین خودشان سخت است ولی هنگام کارزار با دیگری فرار میکنند و شما آنها را جمع و متفق می‌پندارید در صورتی که دلهاشان سخت متفرق است زیرا آن قوم دارای فهم و عقل نیستند (۱۵) مثل حال اینان هم مانند همان قوم کافر پیشین است یعنی یهود قینقاع یا کفار بدر که در دنیا بدین زودی به کیفر کردارشان رسیدند و در قیامت هم عذاب دردناکبر آنها مهیاست (۱۶) این منافقان در مثل مانند شیطانند که انسان را گفت به خدا کافر شو پس از آن که آدمی به اطاعت او کافر شد و گوهر ایمانش را ربود آنگاه بدو گوید از تو بیزارم که من از عقاب پروردگار عالمیان سخت می‌ترسم (۱۷) پس عاقبت شیطان و آدمی که به امر او کافر شد اینست که هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آن دوزخ کیفر ستمکاران عالمست (۱۸) الا ای اهل ایمان خدا ترس شوید و هر نفسی در کار دنیای خود نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد و از خدا بترسید که او به همه نیکو بد کردارتان به خوبی آگاهست (۱۹) و شما مومنان مانند آنان نباشید که بکلی خدا را فراموش کردند و به عصیان شتافتند خدا هم حظ روحانی و بهره ابدی نفوس آنها را از یادشان برد آنان به حقیقت بدکاران عالمند (۲۰) هرگز اهل جهنم و اهل بهشت با هم یکسان نیستند اهل بهشت به حقیقت سعادت‌مندان عالمند و جهنمیان محرومان ابدند (۲۱) و ای رسول اگر ما این قرآن عظیم الشان را به جای دلهای خلق بر کوه نازل می‌کردیم مشاهده می‌کردی که کوه از ترس و عظمت خدا خاشع و ذلیل و متلاشی میگشت و این امثال را در قرآن برای مردم بیان می‌کنیم باشد که اهل عقل و فکرت شوند (۲۲) اوست خدای یکتائی که غیر او خدائی نیست که دانای نهان و آشکار عالم است و بخشنده و مهربان در حق بندگان (۲۳) اوست خدای یکتائی که غیر او خدائی نیست سلطان مقتدر عالم پاک از هر نقص و آلائش منزّه از هر عیب و ناشایست ایمنی بخش دلهای هراسان نگهبان جهان و جهانیان غالب و قاهر بر همه خلقتان با جبروت و عظمت بزرگوار و برتر از حد فکرت آهی منزّه و پاک خدای یکتا که از هر چه بر او شریک پندارند منزّه و از آنچه در وهم و خیال و عقل اندیشید میرا است (۲۴) اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان نگارنده صورت خلقتان او را نامهای نیکو بسیار است و آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش اوصاف جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم (۲۵)

المتحنه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید هرگز نباید کافران را که دشمن من و شمایند یاران خود بر گرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتی که آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق، سخت کافر شدند و رسول خدا و شما مومنان را به جرم ایمان به خدا از وطن خود آواره کردند پس نباید اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خشنودی من بیرون آمده اید پنهانی با آنها دوستی کنید. و منبه اسرار نهان و اعمال آشکار شما از هر کس داناترم و هر که از شما چنین کند یعنی با آن کافران پنهان دوستی کند سخت به راه ضلالت شتافته است (۲) هرگاه آنها بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینند اینک هم هر چه بتوانند به دست و زبان بر عداوت شما میکوشند و چقدر دوست میدارند که شما باز کافر شوید (۳) بدانید ای مومنان که هرگز روز قیامت خویشان و فرزندان شما اگر مومن نباشند هیچ سودی برایتان ندارند که در آن روز میان شما بکلی جدائی می‌افکنند که میان کافر دوزخی و مومن بهشتی ابدی سنخیت نیست و خدا به هر چه از نیک و بد کنید آگاهست (۴) برای شما مومنان بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید که آنها به قوم مشرک خود صریح گفتند ما از شما و بتهای شما که به جای خدا می‌پرستید بکلی بیزاریم، ما مخالف و منکر شمایم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها

به خدای یگانه ایمان آرید. الا آنکه ابراهیم به پدر یعنی عموی خود گفت اگر ایمان آری من برای تو از خدا آمرزش می طلبم که از شرک و عصیان گذشته تو درگذرد و هرگاه ایمان نیاوری دیگر من بر نجات تو از قهر و غضب خدا هیچ کاری نتوانم کرد آنگاه رو به درگاه خدا کرد که بارالها ما در عالم بر تو توکل کردیم و از همه رو به درگاه تو آوردیم و میدانیم که بازگشت تمام خلق به سوی تست (۵) پروردگارا ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و از شر و مکر آنها حفظکن و به لطف و کرم خود پروردگارا ما را بیامرز که تنها توئی که بر هر کار بسیار مقتدری و به صلاح خلق کاملاً آگاهی (۶) البته برای شما مومنان هر که به خدا و ثواب عالم آخرت امیدوار است اقتدار به ابراهیم و یارانش نیکوست و چنان که او از مشرکان تبری جست حتی از عموی خود و وعده دعا هم به شرط ایمان بر او کرد شما مسلمین هم باید از کافران هر چند خویشانان باشند بیزاری جوئید و هر که روی از خدا بگرداند بداند که خود را محروم از رحمت او میکند و گرنه خدا از طاعت خلق کاملاً بی نیاز و به ذات خودستوده صفاتست (۷) امید است یعنی امیدوار باشید که خدا دوستی میان شما و دشمنانان به فتوحات اسلام و ایمان کفار برقرار گرداند و خدا بر هر کار قادر و بر خلق آمرزنده و مهربانست (۸) خدا شما را از دوستی آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نمودند نهی نمیکند تا بیزاری از آنها جوئید بلکه با آنها به عدالت و انصاف رفتار کنید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست میدارد (۹) و تنها شما را از دوستی کسانی نهی میکند که در دین با شما قتال کرده و از وطنتان بیرون کردند و بر بیرون کردن شما همدست شدند زنهار آنها را دوست نگیرید و کسانی از شما که با آنان دوستی و یاوری کنند ایشان به حقیقت ظالم و ستمکارند (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده اید آنانی که به عنوان اسلام و ایمان از دیار خود هجرت کرده و به سوی شما آمدند خدا به صدق و کذب ایمانیشان دانایتر است ممکن است جاسوس باشند شما از آنها تحقیق کرده و امتحانیشان کنید اگر با ایمانیشان شناختید آنها را بپذیرید و دیگر به شوهران کافرشان بر مگردانید که هرگز این زنان مومن بر آن کفار و آن شوهران کافر بر این زنان حلال نیستند ولی مهر و نفقه ای که شوهران مخارج آن زنان کرده اند به آنها پردازید و باکی نیست که شما با آنان نکاح کنید در صورتی که اجر و مهرشان را بدهید و هرگز متوسل به حفاپت و عقد و پیمان کافران نشوید یعنی عهد ازدواج و دوستی و نظیر آن با کافران مبندید و شما اگر زنانتان از اسلام به کفر برگشتند از کفار مهر و نفقه مطالبه کنید آنها هم اگر زنانشان ایمان آوردند مهر و نفقه طلبند این حکم خداست میان شما بندگان و خدا به حقایق امور دانا و به مصالح خلق آگاهست (۱۱) و اگر از زنان شما کسانی مرتد شده به سوی کافران رفتند شما در مقام انتقام بر آئید مهر و مخارج آن را از کافران بگیریید یا زنی مومنه بگیریید و شما مومنان خود یا از بیت المال به قدر همان مهر و نفقه ای که خرج کرده اند به مردانی که زنانشان رفته اند بدهید و از خدائی که به او ایمان آورده اید بترسید و پرهیزکار شوید (۱۲) الا ای پیغمبر گرامی چون زنان مومن آیند که با تو بر ایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زناکاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کس افتراء و بهتان میان دست و پای خود نبنند یعنی فرزندی که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کسی غیر پدرش نبنند و با تو در هیچ امر معروفی که به آنها کنی مخالفت نکنند بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۳) الا ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنان غضب کرده یعنی یهودان یار و دوستدار خود مگیریید که آنها از عالم آخرت بکلی مایوسند چنان که کافران از اهل قبور نومیدند یعنی فرقی میان یهودان و اهل کتاب که خود را معتقد به خدا و قیامت میدانند با کافران بی عقیده در مقام عمل هیچ نیست که هیچکدام طالب آخرت و در فکر قیامت ابد نیستند (۱۴)

الصف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش خدای عالم که مقتدر و حکیماست

مشغولند (۲) الا ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید چرا با خدا و خلق دورنگی و نفاق میورزید و چیزی به زبان میگوئید که در مقام عمل خلاف آن میکنید؟ (۳) بترسید که این عمل که به وعده دروغ و دعوی باطل سخن بگوئید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورد (۴) خدا آن مومنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و در عهد با وفا و پایداری بسیار دوست میدارد (۵) ای رسول ما، یاد آر وقتی را که موسی به قوم خود گفت برای چه مرا رنج و آزار میدهید و تهمت سحر و کذب و عیبهای دیگر بر من می بندید در صورتی که بر شما معلوم است که من رسول خدا به سوی شما هستم؟ باز چون سخن نشنیدند و با لجبازی حق روی گردانیدند خدا هم دلهای بی نورشان را از سعادت و اقبال به حق بگردانید و خدا هرگز مردم نابکار فاسق را هدایت نخواهد کرد (۶) و باز یاد آر هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق میکنم و نیز شما را مژده میدهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش در نجیل من احمد است بیاید قرآنش عالمی را به نور علم و حکمت روشن سازد چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند این معجزات و قرآن او سحری آشکار است (۷) آیا از آن کس که به راه اسلام و سعادتش میخوانند و او از فرط شقاوت همان دمیر خدا افترا و دروغ می بندد در جهان کسی ستمکارتر هست؟ هرگز نیست و خدا هم هیچ قوم ستمکاری را هدایت نخواهد کرد (۸) کافران میخواهند تا نور خدا را به گفتار باطل و طعن و مسخره خاموش کنند و البته خدا نور خود را یعنی شرع و کتاب وحی و حکمت دین کامل خود را هر چند کافران خوش ندارند به رغم کفار کامل و محفوظ خواهد داشت (۹) اوست خدائی که رسولش محمد مصطفی (ص) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا او را هر چند کافران خوش ندارند بر ادیان عالم بر همه غالب گرداند (۱۰) ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک آخرت نجات بخشد دلالت کنم؟ (۱۱) آن تجارت اینست که به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید این کار از هر تجارت اگر دانا باشید برای شما بهتر است (۱۲) تا خدا گناهان شما ببخشد و در بهشتی که در زیر درختانش نهرهای آب گوارا جاریست داخل گرداند و در بهشتهای عدن جاودانی منزلهای نیکو و قصرهای عالی عطا فرماید این همان رستگاری بزرگ و سعادت عظمای بندگان است (۱۳) و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید نصرت و یاری خدا در جنگ و فتح نزدیک سپاه اسلام و بشارت رحمت به اهل ایمان است (۱۴) ای اهل ایمان شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند ما یاران خدائیم و البته رسول او را یاری کنیم باز با آن همه معجزات طایفه ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه ای کافر شدند ما هم آنان که ایمان آوردند موید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنان ظفر یافتند (۱۵)

الجمعة

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و داناست مشغولند (۲) اوست خدائی که میان عرب امی یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی دانستند پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آنها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند (۳) و نیز قوم دیگری را که به روایت از پیغمبر، مراد عجمند چون به عرب در اسلام ملحق شوند هدایت فرماید که او خدای مقتدر و همه کارش به حکمت و مصلحتست (۴) این رسالت و نزول قرآن فضل و کرامت خداست که آن لطف را در حق هر که بخواهد میکند و خدا را بر خلق فضل و رحمت نامنتهاست (۵) وصف حال آنان که تحمل علم تورات کرده و خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد آری قومی که مثل حالشان اینست که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار مردم ستمگر بدکاری هستند و خدا هرگز به راه سعادت ستمکاران را رهبری نخواهد کرد (۶) ای رسول ما، یهودان را بگو ای جماعت

یهود اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدائید نه مردم دیگر پس تمنای مرگ کنید اگر راست میگوئید که علامت دوستان خدا آرزوی مرگ و شوق لقای خداست (۷) و حال آنکه در اثر آن کردار بد که به دست خود برای آخرت خویش پیش فرستاده اند ابدآرزوی مرگ نمی کنند بلکه از مرگ سخت ترسان و هراسانند و خدا از کردار ستمکاران آگاهست (۸) ای رسول ما، با یهودان بگو عاقبت مرگی که از آن می گریزید شما را البته ملاقات خواهد کرد و پس از مرگ به سوی خدائی که دانای پیدا و پنهانست باز می گردید و او شما را به آنچه نیک و بد کرده اید آگاه می سازد (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه شما را برای نماز روز جمعه بخوانند فی الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود (۱۰) پس آنگاه که نماز پایان یافت بعد از ظهر جمعه باز در پی کسب و کار خود رفته و روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبد. و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادت مند گردید (۱۱) و این مردم سست ایمان چون تجارتی یا لهو و بازیچه ای ببینند بدان شتابند و تو را در نماز تنها گذارند ای رسول بگو به خلق که آنچه نزد خداست یعنی ثواب آخرت و بهشت ابد بسیار برای شما از لهو و لعب و تجارتهای دنیا بهتر است و خدا بهترین روزی دهنده خلاق است در شان نزول آیه جابر روایت کرد که قومی با رسول ص نماز جمعه می خواندند آواز طبل کاروان تجارت شنیدند همه از پی تجارت و صدای لهو طبل رفتند جز هشت یا دوازده تن. رسول (ص) فرمود اگر این عده هم میرفتند عذاب خدا بر امت نازل میشد (۱۲)

المنافقون

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، چون منافقان ریاکار نزد تو آمده و گفتند که ما به یقین و حقیقت گواهی میدهم که تو رسول خدائی فریب مخور خدا می داند که تو رسول اوئی و خداهم گواهی میدهد که منافقان سخن به مکر و خدعه و دروغ می گویند (۲) قسمهای دروغ خود را سپر جان خویش و مایه فریب خلق قرار داده اند تا بدین وسیله راه خدا را به روی خلق ببندند بدانید ای اهل ایمان که آنچه می کنند بسیار بد میکنند (۳) برای آن که آنها به زبان ایمان آوردند و سپس به دل کافر شدند خدا هم مهر قهر و ظلمت بر دلهاشان نهاد تا هیچ از حقایق ایمان درک نکنند (۴) ای رسول، تو چون از ظاهر و وجود جسمانی آن منافقان را مشاهده کنی به آراستگی ظاهر فریبنده تو را به شکفت آرند و اگر سخن گویند بس خوش گفتار و چرب زبانند به سخن هاشان گوش فرا خواهی داد ولی از باطن و درون گوئی که چوبی خشک تکیه کرده بر دیوارند و هیچ عقل و ایمان و معرفت ندارند و چون در باطن نادرست و بداندیشند هر صدائی بشنوند بر زیان خویش پندارند. ای رسول بدان که دشمنان قوی دین و ایمان به حقیقت اینان هستند از ایشان بر حذر باش. خدایشان بکشد چقدر به مکر و خدعه و دروغ پرداخته و از حق باز میگردند (۵) و هرگاه به آنها گویند بیائید تا رسول خدا برای شما از حق آموزش طلبد سربپسند و بنگری که با تکبر و نخوت از حق روی میگردانند (۶) ای رسول تو از خدا بر آنان آموزش خواهی یا نخواهی به حالشان یکسانست خدا هرگز آنها را نمی بخشد که همانا قوم نابکار فاسق را خدا هیچوقت به راه سعادت هدایت نخواهد کرد (۷) اینها همان مردم بدخواهند که میگویند بر اصحاب رسول انفاق مال مکنید تا مردماز گردش پراکنده شوند در صورتی که خدا را گنجهای زمین و آسمانهاست لیکن منافقان درک آن نمی کنند (۸) آنها پنهانی با هم می گویند اگر به مدینه مراجعت کردیم البته باید اربابان عزت و ثروت مسلمانان ذلیل فقیر را از شهر بیرون کنند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمانست و ذلت خاص کافران و لیکن منافقان از این معنی آگه نیستند (۹) الا ای اهل ایمان مبادا هرگز مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازد و البته کسانی که به امور دنیا از یاد خدا غافل شوند آنها به حقیقت زیانکاران عالمند (۱۰) و از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرا رسد در آن حال به حسرت بگویند پروردگارا اجل مرا اندکی تخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نکوکاران شوم (۱۱) و خدا هرگز اجل هیچکس را از وقتش که فرا رسد موخر نیفکند و خدا به هر چه از نیک و بد کنید آگاهست (۱۲)

التغابن

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) هر چه در زمین و آسمانهاست همه به زبان تکوین و منطق فطرت به تسبیح و ستایش خدا مشغولند که ملک هستی و ستایش اهل عالم برای اوست که او بر ایجاد هر چیز تواناست(۲) اوست خدائی که شما آدمیان را بدین خلقت نیکو آفرید تا آفریننده را شناخته و کافر نشوید باز شما بندگان فرقه ای کافر ناسپاس و بعضی مومن خدا شناس هستید و خدا به هر چه کنید کاملاً آگاهست(۳) خدا زمین و آسمانها را به حق و به نظم احسن اتقن آفرید و شما آدمیان را به زیباترین صورت برنگاشت و باز گشت همه خلایق به سوی اوست(۴) او آنچه را که در آسمانها و زمین است و آنچه را که شما پنهان و آشکار کنید همه را میدانند و خدا به اسرار دلهای خلق هم آگاهست(۵) آیا حکایت حال پیشینیان که به خدا کافر شدند به شما نرسید؟ که هم در دنیا به کیفر کردارشان رسیدند و هم در آخرت عذاب دردناک بر آنان مهیا است(۶) این عذاب برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان آمدند و آنها به تکذیب و طعن گفتند آیا بشری مانند ما رهبری بر ما تواند کرد؟ و به انبیاء کافر شدند و از جهل روی از آنها گردانیدند و خدا از کفر و ایمان خلق البته بی نیاز است که او غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است(۷) کافران گمان کردند که هرگز پس از مرگ برانگیخته نمیشوند. ای رسول ما، به آنها بگو به خدای من سوگند که البته برانگیخته میشوید و سپس به نتیجه اعمال خود آگاه می گردید و این کار بعث خلق بر خدا بسیار آسانست(۸) پس به خدا ایمان آرید و به رسول او و نور علم و حکمتی که بندگان را در آیات قرآن فرستاده ایم بگروید و بترسید که خدا به هر چه از نیک و بد کنید آگاهست(۹) یاد آرید روزی را که خدا همه شما را به عرصه محشر برای حساب جمع میگرداند و آن روز روز غبن و پشیمانی بدکاران است و هر که در دنیا به خدا ایمان آورد و نیکو کار شود خدا گناهانش ببوشد و در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند که در آن بهشت جاودان متنعم باشند و این به حقیقت سعادت و رستگاری بزرگ خواهد بود(۱۰) و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند آنها اهل آتش دوزخ و در آن جاودان مغلندند و آنجا بسیار بد منزلگاهی است(۱۱) بدانید که هیچ رنج و مصیبتی و فقر و درد و غمی به شما نرسد مگر به فرمان خدا و به خیر بندگان و هر که به خدا ایمان آورد دلش را به مقام عالی رضا و تسلیم هدایت کند و خدا بر همه امور عالم آگاهست(۱۲) و همیشه فرمان خدا و هم او امر رسول حق را اطاعت کنید که اگر روی از او بگردانید و مخالفت وی کنید بر رسول ما جز تبلیغ رسالت و اتمام حجت با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود و عفو و مجازات خلق با خداست(۱۳) خدای یکتاست که جز او خدائی نیست و تنها بر خدا در جمیع امور اهل ایمان توکل باید کنند(۱۴) الا ای اهل ایمان بدانید که آنان و فرزندان شما هم برخی که شما را از طاعت و جهاد و هجرت در دین بازدارند و مخالفت کنند آنها دشمن شما هستند از آنان حذر کنید و دل از محبتشان برکنید و اگر از عقاب آنها پس از توبه آنان عفو و آمرزش و چشم پوشی کنید خدا هم در حق همه شما بسیار آمرزنده و مهربانست(۱۵) به حقیقت اموال و فرزندان شما اسباب فتنه و امتحان شما هستند چندان به آنها دل نبندید و بدانید که نزد خدا اجر عظیم بهشت ابد خواهد بود(۱۶) پس تا بتوانید خداترس و پرهیزکار باشید و سخن حق بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود برای ذخیره آخرت خویش به فقیران انفاق کنید و کسانی که از خوی لثامت و بخل نفس خود محفوظ مانند آنها رستگاران عالمند(۱۷) و اگر به خدا یعنی بندگان محتاج خدا قرض نیکو یعنی قرض الحسنه یا صدقه دهید خدا برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما درگذرد و خدا بر شکر و احسان خلق نیکو پاداش دهنده است و بر گناهشان بسیار بردبار است(۱۸) او دانای عوالم غیب و شهود و سلطان مقتدر ملک وجود و آگاه از صلاح نظام آفرینش است(۱۹)

الطلاق

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) الا ای پیغمبر گرامی امت را بگو هر گاه آنان را طلاق دهید به وقت عده آنها یعنی در زمان پاکی از

خون حیض که در آن پاکی هم نزدیکی به آنها نکرده اید طلاق دهید و زمان عده را مدت سه پاکی بشمارید و از خدا که آفریننده شماسست بترسید و آن زنان را تا در عده اند از خانه بیرون مکنید مگر آن که کار زشتی آشکار مرتکب شوند این احکام حدود شرع خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده است. تو ندانی شاید خدا پس از طلاق کاری از نو پدید آرد یعنی میلر جوع در شما حادث گرداند (۲) آنگاه که مدت عده را به پایان رسانند باز یا به نکوئی نگاهشان دارید یا به خوشرفتاری رهانشان کنید و نیز بر طلاق آنها دو مرد مسلمان عادل گواه کنید. بدین وعظ الهی آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد متعظ و بهره مند خواهد شد و هر کس خداترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم را بر او میگشاید (۳) و از جائی که گمان نبرد به او روزی عطا کند و هر که در هر امر بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش بر همه عالم نافذ و روانست و بر هر چیز قدر و اندازه ای مقرر داشته است و به هیچ تدبیری سر از تقدیرش نتوان پیچید (۴) و از زنان شما آنان که از حیض و فرزند به ظاهر نومیدند اگر باز شک در تحققسن یسشان دارید عده طلاق آنان سه ماهست و نیز آنانی که حیض ندیده لیکن در سن حیض باشند آنها هم سه ماه عده نگه دارند. و آنان حامله مدت عده شان تا وقت زائیدنست. و هر که متقی و خداترس باشد خدا مشکلات کار او را در دو عالم آسان می گرداند (۵) این احکام فرمان خداست که بر شما نازل کرد و هر که از خدا بترسد خدا گناهانش ببوشد و او را پاداش بزرگ بهشت ابد عطا کند (۶) زنانی که طلاق رجعی دهید تا در عده اند باز آنها را در همان منزل خویش که میسر شماسست بنشانید و به ایشان در نفقه و سکنی آزار و زیان نرسانید تا آنان رادر مضیقه و رنج درافکنید که به ناچار از حق خود بگذرند و به آنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید آنگاه اگر فرزند شما را شیر دهند اجرتشان با قرارداد متعارف بین خود بپردازید و اگر با هم سخت گیری کنید مادر صرف نظر کند تا دیگری را برای شیر دادن طلبید (۷) تا مرد دارا به وسعت و فراوانی، نفقه آن شیرده دهد و آن که نادار و تنگ معیشت هم از آنچه خدا به او داده انفاق کند که خدا هیچکس را جز به مقدار آنچه توانائی داده تکلیف نمیکند. و خدا بزودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد (۸) و چه بسیار مردم دیاری را که از امر خدا و رسولانش سرپیچیدند و کافر شدند ما هم آنان را به حساب سخت مواخذه کردیم و به عذاب بسیار شدید معذب ساختیم (۹) تا به کیفر کردار خود رسیدند و عاقبت کارشان زیانکاری و حسرت گردید (۱۰) و خدا بر آنان عذاب سخت جهنم مهیا ساخت پس شما ای خردمندانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و راه طاعت پیش گیرید که خدا برای هدایت شما قرآن نازل کرد (۱۱) و رسول بزرگواری را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند فرستاد تا آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمات جهل به سوی معرفت و ایمان بازآرد و بدانید هر کس به خدا ایمان آورده و نیکوکار شود در باغهای بهشتی درآید که نهرا زیر درختانش جاریست و همیشه در آن بهشت ابد متنعم است که خدادر آنجا رزق بسیار نیکو بر او مهیا ساخته است (۱۲) خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمانها از هفت طبقه زمینخلق فرمود و امر نافذ خود را در بین هفت آسمان و زمین نازل و نافذ کند تابدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور عالم آگاهست (۱۳)

التحریم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای پیغمبر گرامی برای چه آن را که خدا بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام کردی تا زنان را از خود خشنود سازی در صورتی که خدا آمرزنده و مهربانست بر هیچکس خصوص بر تو رسول گرامیش سخت نخواهد گرفت. در تفسیر وارد است که روزی حفصه با اجازه رسول خدا (ص) به خانه پدرش عمر رفت پیغمبر با ماریه در حجره حفصه خلوت کرد ناگه رسید و غوغا انگیخت که تو در حجره من با کنیزی خلوت کردی و آبروی مرا نزد زنان بردی حضرت برای خشنودی او فرمود من ماریه را بر خود حرام کردم ولی این سر نزد تو است با هیچ کس مگویی او به فور عایشه را هم آگه ساخت. او هم با

رسول راجع به ماریه گفتگو کرد حضرت سوگند خورد که ماریه را ترک گوید آن دو زن شاد شدند و این آیه نازل گردید (۲) خدا حکم کرد برای شما که سوگندهای خود را به کفاره بگشایید او مولای شما بندگان و حکمش نافذ است و هم او به هر چیز عالم دانا و به حکمت از تمام امور خلق آگاه است (۳) وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود یعنی با حفصه سخنی راجع به ماریه یا راجع به ریاست ابوبکر و عمر به راز گفت و به او سپرد آن زن چون خیانت کرده و دیگری یعنی عایشه را بر سر پیغمبر آگه ساخت خدا به رسولش خبر داد و او بر آن زبیرخی را اظهار کرد و برویش آورد و برخی را از کرم پرده داری نمود و اظهار نکرد آن زن گفت رسولاً- تو را که واقف ساخت که من سر تو بر کسی فاش کرده ام رسولگفت مرا خدای دانای آگاه از همه اسرار عالم خبر داد (۴) اینک اگر هر دو زن به درگاه خدا توبه کنید رواست که البته دل‌های شما خلاف رضای پیغمبر (ص) میل کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید باز هرگز بر او غلبه نکنید که خدا یار و نگهبان اوست و جبریل امین و مردان صالح با ایمان یعنی علی (ع) به روایت عامه و خاصه و فرشتگان حق یار و مددکار اویند (۵) امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زنانی بهتر از شما به جایان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع اطاعت کنند و اهل توبه و عبادت باشند و رهسپار طریق معرفت چه بکر چه غیر بکر (۶) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید در طاعت خدا بکوشید و خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم دل سخت کافر و سنگ خارا آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار دل سخت مامورند که هرگز نافرمانی خدا را در اجرای قهر و غضب حق نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود فوراً انجام دهند (۷) به کافران گویند ای کافران امروز قیامت توبه و عذرخواهی مکنید که پذیرفته نیستند آنچه در دنیا کرده اید به آن مجازات میشود (۸) الا ای مومنان به درگاه خدا توبه نصوح با خلوص و دوام کنید باشد که گناهانتان را مستور گرداند و شما را در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخلکنند در آن روزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان به او را ذلیل نسازد بلکه عزیز و سرفراز ابد گرداند در آن روز نور ایمان و عبادت آنها در پیش رو و سمت راست ایشان می‌رود و راه بهشتشان مینماید و در آن حال به شوق و نشاط گویند پروردگارا تو نور ما را به حد کمال رسان و ما را به لطف و کرم خود ببخش که تنها تو بر هر چیز توانائی (۹) الا ای رسول گرامی اینک با کفار و منافقان به جهاد و کارزار پرداز و بر آنها تا ایمان نیآورده اند سخت گیر و بدان که ماوای آنها دوزخ است که بسیار بد منزلگاهی است (۱۰) خدا برای کافران آن نوح و آن لوط را مثال آورد که تحت فرمان دو بنده صالح مابودند و به آنها نفاق و خیانت کردند و آن دو شخص با وجود مقام نبوت نتوانستند آنها را از قهر خدا برهانند و حکم شد آن دو زن را با دوزخیان در آتش درافکنید (۱۱) و باز خدا برای مومنان آسیه آن فرعون را مثل آورد هنگامی که از شوهر کافرش بیزاری جست و عرض کرد بارالها من از قصر فرعون بی و عزت دنیوی او گذشتم تو خانه ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش (۱۲) و یاد آر حال مریم دخت عمران را که رحمش را پاکیزه داشتیم آنگاه در آن روح قدسی خویش بدمیدیم که آن مریم کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا بشمار بود (۱۳)

الملک

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) بزرگوار خدائی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و در همه عالم بر همه چیز وی را توانائیست (۲) خدائی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکو کارتر و خلوص اعمالش بیشتر است و او مقتدر بر همه عالم آفرینش و آمرزنده گناهان بندگان است (۳) آن خدائی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی نظمی و نقصان نخواهی یافت بارها به دیده عقل در نظام مستحکم آفرینش بنگر تا هیچ سستی و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ (۴) باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد زبون و خسته نقصی نیافته به سوی تو باز گردد

و به حسن نظم الهی بینا شود (۵) و ما آسمان دنیا را به چراغهای انجم رخشان زیب و زیور دادیم و به تیر شهاب آن ستارگان شیاطین را رانندیم و عذاب آتش فروزان را بر آنها مهیا ساختیم (۶) و بر آنان که به خدای خود کافر شدند عذاب جهنم که بسیار بد منزلگاه‌یست مهیاست (۷) که چون به آن جهنم درافتند فریاد منکری چون شهیق خران از آتش چون دیگ جوشان میشنوند (۸) و دوزخ از خشم کافران نزدیکست شکافته و قطعه قطعه شود هر فوجی را که به آتش درافکنند خازنان جهنم به آنها گویند آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد (۹) آنها در جواب گویند آری رسول حق آمد ولی ما تکذیب او کردیم و از جهل و شقاوت گفتیم که خدا چیزی از آسمان نفرستاده و جز اینکه شما رسولان به دعوی دروغ وحی سخت به گمراهی و ضلالتید هیچ نیست (۱۰) و آنگاه اهل دوزخ با تسف و حسرت با هم گویند اگر ما در دنیا سخن انبیاء می شنیدیم یا به دستور عقل رفتار میکردیم امروز از دوزخیان نبودیم (۱۱) آنجا به گناه خود معترف شوند که سودی ندارد و خطاب قهر فرا رسد که اهل آتش قهر از رحمت حق دور باد (۱۲) همانا آنان که از خدای خود در پنهان می ترسند یعنی در باطن متقی و خداترسند نه به نفاق و ظاهر سازی آنها را آمرزش و پاداش بزرگ بهشت ابد خواهد بود (۱۳) و شما سخن پنهان گوئید یا آشکار در علم حق یکسانست که خدا به اسرار دلها همالبته آگاهست (۱۴) آیا آن خدائی که خلق را آفریده عالم به اسرار آنها نیست؟ و حال آن که او بر باطن و ظاهر همه امور عالم آگاهست (۱۵) او آن خدائست که زمین را برای شما نرم و هموار و مطیع و مسخر گردانید پس شما در پست و بلندی های آن حرکت کنید و روزی او خورید و شکرش گوئید که باز گشت همه خلائق به سوی اوست (۱۶) آیا از قهر خدائی که در آسمان مقتدر و حکم فرماست ایمنید که شما را به زمین فروربرد در حالی که زمین چون دریا به موج و اضطراب درافتد؟ (۱۷) آیا از قهر خدای مقتدری که در زمین و در آسمان حکم فرماست ایمنید که تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ بیارد تا بدانید که وعده عذاب من چگونه است؟ (۱۸) و اممی پیش از اینها رسولان ما را تکذیب کردند و چگونه سخت آنها را هلاک کردیم تا این امت بترسند و عبرت گیرند (۱۹) آیا مرغ هوا را نمینگرند که بالای سرشان پر گشوده و گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز میکنند؟ کسی جز خدای مهربان آنها را در فضا نگاه نمی دارد که او به احوال همه موجودات کاملاً آگاهست (۲۰) آیا کسی که سپاه و مددکار شما باشد و همه گونه شما را یاری تواند کرد در جهان جز خدای مهربان کسی هست؟ هرگز نیست پس کافران به خدا به هر چه غیر خدا توجه کنند بر آنها جز غرور و فریبی بیش نیست (۲۱) آیا آن کیست که اگر خدا از شما رزق خود باز گیرد او روزی به شما تواند داد؟ و کافران هم انکار نکنند که جز خدا کسی روزی نمیدهد بلکه به هوای نفس دانسته در طغیان و عصیان لجاج ورزند و از حق اعراض میکنند (۲۲) آیا آن کس که در کفر و جهالت سرنگون برو درافتاده یا آنکه به راه راست ایمانست کدام بهتر هدایت یافته اند؟ (۲۳) ای رسول ما، بگو اوست خدائی که شما را از نیستی به هستی آورد دو گوش و چشم شنوا و بینا و دل هوشیار به شما عطا کرد تا شکر نعمتش گوئید و حال آن که بسیار کم از نعم او شکرگزاری میکنید (۲۴) ای رسول باز بگو اوست خدائی که شما را در زمین از خاک برانگیخت و پس از مرگ باز به سوی او محشور میشود (۲۵) و کافران به تمسخر گویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راستمی گوئید؟ (۲۶) بگو علم آن تنها نزد خداست و من منحصر وظیفه ام اینست که شما را از عذاب حق بترسانم (۲۷) که چون کافران آن عذاب سخت را نزدیک خود به چشم مشاهده کنند رخسار آنها از خوف زشت و سیاه شود و به آنها گویند این همان عذابیست که جدا به تمسخر درخواست می کردید (۲۸) ای رسول با کافران بگو چه تصور می کنید اگر خدا من و مومنانی که با منند با وجود ایمان و اطاعت همه را هلاک کند یا لطف و رحمت فرماید فرمان، او راست اما آنان که به خدا کافرند که از عذاب دردناک دوزخ نجاتشان خواهد داد؟ (۲۹) ای رسول کافران را بگو آن که من شما را به سوی او میخوانم او خدای مهربانست که ما مسلمانان به او ایمان آورده و بر او توکل کردیم و به زودی شما را معلومشود کیست که آشکارا به ضلالت و گمراهیست؟ (۳۰) ای رسول ما، باز بگو ای کافران به دیده تامل بنگرید که اگر آب که مایه زندگانی شماست صبحگاهی همه به زمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آرد؟ (۳۱)

القلم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ن قسم به نون که شاید نام نور و ناصر حق یا لوح نور خداست و قسم به قلم علم فعلی ازلی و آنچه تا ابد در لوح محفوظ عالم خواهد نگاشت (۲) که تو به لطف و رحمت پروردگارت عقل کامل و نعمت نبوت یافتی و هرگز چنان که کافران پندارند دیوانه نیستی (۳) و البته تو را در مقابل خدمت رسالت حق پاداشی نامحدود است (۴) و در حقیقت تو بر نیکو خلقی عظیم و آئین و شرعی بزرگ آراسته ای (۵) و به زودی تو و مخالفان مشاهده میکنید؟ (۶) که از شما کدام یک به اوهام و خیالات باطل مفتون و دیوانه اند (۷) البته خدا داناتر است که از راه خدا گمراه کیست و بهتر میدانند که هدایت یافتگان عالم کیانند و هر کدام را به پاداش خود می رساند (۸) پس تو و امت ای رسول هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می کنند پیروی مکن (۹) کافران بسیار مایلند که تو با آنها مداهنه و مدارا کنی و متعرض بتهاشان نشوی تا آنها هم به نفاق با تو مدارا کنند (۱۰) و تو هرگز اطاعت مکن احدی از منافقان دون را که دایم به دروغ سوگند می خورند (۱۱) و دایم عیججوی و سخن چینی میکنند (۱۲) و خلق را هر چه بتوانند از خیر و سعادت و ایمان باز میدارند و به ظلم و بدکاری می کوشند (۱۳) با این همه عیب باز متکبرند و خشن با آنکه حرامزاده و بی اصل و نسبند (۱۴) پیرو چنین مردمی برای این که مال و فرزندان بسیار دارند نباید شد (۱۵) در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید این سخنان افسانه پیشینیانست (۱۶) به زودی بر خرطوم و بینش داغ شمشیر نهم این آیات در حق ولید مغیره عم ابوجهل که روز بدر بر حسب وعده حق به شمشیر علی (ع) بینش بشکافت نازل آمدولی بر هر که مانند اوست تا ابد شاملست (۱۷) ما کافران را نیز به قحط و سختی مبتلا کنیم چنان که اهل آن بستان را که از مرد صالح باسختی بود اولاد ناخلفش جز یک نفر شبی قسم خوردند که صبحگاه میوه اش را بچینند تا فقیران آگاه نشوند (۱۸) و هیچ استثنار نکردند انشاء الله نگفتند و به خواست خدا معتقد نبودند (۱۹) بدین سبب همان شب هنوز به خواب بودند که از جانب خدا آتش عذابی نازل شد (۲۰) و بامدادان نخلهای آن بستان چون خاکستری سیاه گردید (۲۱) صبحگاه یکدیگر را صدا کردند (۲۲) که برخیزید اگر میوه بستان را خواهید چید بنخلستان رویم (۲۳) آنها سوی بستان روان شده و آهسته سخن می گفتند (۲۴) که امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود (۲۵) و صبحدم با شوق و عزم و توانائی به باغ رفتند (۲۶) چون باغ را به آن حال دیدند از فرط غم با خود گفتند باغ ما نه اینست ما یقینراه را گم کرده ایم؟ (۲۷) یا بلکه باغ همانست و ما به قهر خدا از میوه اش محروم شده ایم؟ (۲۸) یک نفر بهترین اولاد و عادلترینشان به آنها گفت من به شما نگفتم چرا شکر نعمت و تسییح و ستایش خدا را بجا نیاورید؟ و به فقیران به شکرانه نعمت احسان نکنید؟ (۲۹) آنان همه گفتند خدای ما از ظلم منزه است آری ما خود در حق خویش ستم کردیم که ترک احسان نمودیم (۳۰) و رو به یکدیگر کرده به ملامت و نکوهش هم پرداختند (۳۱) و با توبه و انابه گفتند ای وای بر ما که سخت سرکش و گمراه بودیم (۳۲) اینک به درگاه خدا توبه کرده و امیدواریم که پروردگار ما به جای آن بستان بهتری از لطف به ما عطا کند که از این پس ما همیشه به خدای خود معتقد و مشتاقیم (۳۳) اینگونه است عذاب دنیا و البته عذاب آخرت بسیار سختتر است اگر مردم بدانند (۳۴) در آخرت برای متقیان نزد پروردگارشان باغهای بهشت پرنعمت خواهد بود (۳۵) آیا هرگز اهل اسلام را با کافران بدکار یکسان قرار میدهم؟ (۳۶) چنین نیست چگونه شما این چنین حکم ظالمانه میکنید؟ (۳۷) یا آنکه شما را کتابیست آسمانی در او این حکم میخوانید؟ (۳۸) و در آن کتاب هر آنچه به هوای نفس بخواهید نگاشته اند؟ (۳۹) یا شما را بر ما به عدم عقاب عهد و سوگند دائمی تا روز قیامت است که چنین حکمی به یقین بر نفع خود می کنید؟ (۴۰) از آنان پرس تا کدام در گرو این پیمانند (۴۱) یا آنها گواهان بر دعوی خود دارند اگر راست میگویند آن گواهان را حاضر کنند (۴۲) یاد کنند روز سختی را که دامن به میان زنند و با کمال جهد بر نجات خود بکوشند و سودی نبرند و به سجده خدا خوانده شوند و نتوانند (۴۳) چشمانشان ذلیل و ترسان، ذلت و حسرت آنها را فرا گرفته و از این پیش به دنیا با تن سالم به طاعت خدا آنها را خواندند اجابت نکردند (۴۴) ای رسول تو کیفر

مکذبان و منکران قرآن را به من واگذار که ما آنها را از آنجا که نفهمند و گمان نعمت کنند به عذاب سخت درافکنیم (۴۵) و آنها را مهلت ده که البته کید من قوی و قهر من بسیار سخت است (۴۶) آیا تو از کافران امت مزد رسالت خواهی که بار گرامتش بر آنها گرانست؟ (۴۷) یا آنکه از عالم غیب آگاهند تا از آنجا چیزی بر نویسند؟ (۴۸) باز ای رسول تو بر انکار و آزارشان برای حکم خدای خود صبر کن و مانند یونس که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد مباش که عاقبت پشیمان شد و در ظلمت بطن حوت و زندان شکم ماهی افتاد و به حال غم و اندوه خدا را بر نجات خود خواند (۴۹) که اگر لطف و رحمت پروردگارش در نیافتی با نگوهرش به کیفر ترک اولی از بطن ماهی دریا به صحرای بی زب و گیاه در افتادی و هلاک شدی (۵۰) باز چون به درگاه حق نالید خدایش برگزید و از صالحانش گردانید (۵۱) ای رسول نزدیک بود که کافران به چشمان بد، چشم زخمت زنند که چون آیات قرآن بشنوند و در فصاحتش حیرت کنند از شدت حسد گویند که این شخص عجب دیوانه است (۵۲) و حال آن که این کتاب الهی جز ذکر و پند و حکمت برای عالمیان هیچ نیست (۵۳)

الحاقه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قیامت آن روز حق و حقیقت است که حقوق خلق و حقایق امور در آن به ظهور رسد (۲) دانی چه روز هولناک سختی است؟ (۳) چگونه سختی و عظمت آن روز را درک توانی کرد؟ (۴) قوم عاد و ثمود آن قیامت موعود را تکذیب کردند (۵) اما قوم ثمود به کیفر طغیان هلاک شدند (۶) اما قوم عاد نیز به بادی تند و سرکش به هلاکت رسیدند (۷) که آن باد تند را خدا هفت شب و روز پی در پی بر آنها مسلط کرد که دیدی آن مردمگویی ساقه نخل خشکی بودند و به خاک درافتادند (۸) آیا هیچ بینی که دیگر به روزگار از آنان اثری باشد؟ (۹) و فرعون و اقوام پیش از او و قوم زشتکار لوط به کفر و خطاکاری برخاستند (۱۰) و با رسول پروردگارش مخالفت کردند خدا هم آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت (۱۱) شما مردم فرزندان توحید که ما چون طوفان دریا بر غرق عالمیان طغیان کرد شما را به کشتی نشانندیم و نجاتتان دادیم (۱۲) تا غرق کفار و نجات مومنان را مایه پند و عبرت شما مردم قرار دهیم و لیکن گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند شنید (۱۳) باز به یاد آر چون در صور اسرافیل یکبار بدمند (۱۴) و زمین و کوه ها را برگیرند و یک مرتبه همه را خرد و متلاشی سازند (۱۵) آنگاه روز موعود آن واقعه بزرگ قیامت واقع گردد (۱۶) و بنای مستحکم آسمان از دهشت و عظمت آن روز سست شود و سخت در هم شکافد (۱۷) و فرشتگان بر اطراف آسمان منتظر فرمان حق باشند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت ملک مقرب بگیرند (۱۸) آن روز که در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند برترسید که هر چه کرده اید آشکار سازند و هیچ کار از اسرار مخفی شما هم پنهان نخواهد ماند (۱۹) اما کسی که نامه اعمال او را به دست راستش دهند با کمال نشاط و شادمانی و سربلندی به اهل محشر گوید بیائید نامه مرا بخوانید (۲۰) من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم و در دنیا به گناه نپرداختم (۲۱) این چنین کس در عیش و زندگانی خوش خواهد بود (۲۲) در بهشت عالی رتبه ابدی (۲۳) که میوه های آن همیشه در دسترس بهشتیان است (۲۴) و خطاب رسد که از طعام و شرابهای لذیذ و گواری بهشتی هر چه خواهید تناول کنید شما را گوارا باد که این پاداش اعمال ایام گذشته دنیاست که بر امروز خویش پیش فرستادید (۲۵) و اما آن کس که کتاب عملش بدست چپ دهند با کمال شرمندگی و اندوه گوید ای کاشنامه مرا به من نمی دادند (۲۶) و من هرگز از حساب اعمالم آگاه نمی شدم (۲۷) یا ای کاش مرگ مرا از چنگ این غصه و عذاب نجات میدادی (۲۸) ای داد که مال و ثروت من امروز به فریاد من نرسید (۲۹) و همه قدرت و حشمت من نبود گردید (۳۰) و خطاب قهر رسد که او را بگیرید و در غل و زنجیر کشید (۳۱) تا بازش به دوزخ درافکنید (۳۲) آنگاه به زنجیری که طولش هفتاد ذراع است به آتش در کشید (۳۳) که او از کفر و عناد به خدای بزرگ ایمان نیاورده (۳۴) و هرگز مسکینی را بر سفره طعام خود به رغبت نخوانده است (۳۵) بدین سبب امروز هیچ خویش و دوستداری که به فریادش رسد در اینجا ندارد (۳۶) و طعامی

غیر از غسلین چرک و پلیدی دوزخیان نصیبت نیست (۳۷) و کسی آن طعام را جز اهل دوزخ نمی خورد (۳۸) قسم به آنچه از آثار حق که می بینید (۳۹) و آنچه نمی بینید (۴۰) که قرآن به حقیقت وحی خدا و کلام رسول بزرگوار است (۴۱) نه سخن شاعری و گفتار خیالی و موهومی است گرچه اندکی مردم هوشیار به آن ایمانی آورند (۴۲) و نه حرف کاهن غیبگو گرچه اندک مردم متذکر حقایق آن می شوند (۴۳) این قرآن تزیل خدای عالمیانست (۴۴) و اگر محمد (ص) از دروغ به ما برخی سخنان را می بست (۴۵) محققا ما او را به قهر و انتقام از یمینش می گرفتیم (۴۶) و رگ و تینش قطع می کردیم (۴۷) و شما هیچیک بر دفاع از او قادر نبودید (۴۸) و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پرهیز کاران عالمست (۴۹) و البته ما میدانیم که شما برخی تکذیب آن می کنید (۵۰) و تکذیبش عاقبت مایه ندامت کافران است (۵۱) و این حق و حقیقت محض است (۵۲) پس تو ای رسول گرامی نام خدای بزرگوار خود را بر این نعمت بزرگ یعنی قرآن عظیمالشن و وحی خدا به ستایش یاد کن (۵۳)

المعارج

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سائلی از عذاب قیامت که وقوعش حتمی است از رسول پرسید که آن عذاب چه مردمی راست (۲) بداند که بر فرقه کفرانست و هیچکس از آنان دفع نتواند کرد (۳) که آن عذاب از قهر خدای مالک آسمانهاست و کسی یارای دفاع آن ندارد یا مراد عذاب واقع بر حارث ابن نعمان است که به نصب خلافت علی (ع) بر رسول صاعتراض کرد رسول (ص) فرمود به امر خدا کردم او گفت اگر چنین است خدایا بر من عذابی فرست فوراً سنگی از آسمان بر فرقش رسید و هلاک شد (۴) فرشتگان و روح الامین برای اخذ فرمان به سوی عرش خدا بالا روند در روزی که مدتش پنجاه هزار سال خواهد بود (۵) پس تو ای رسول بی هیچ جزع و تشویش صبر نیکو پیش گیر (۶) که این مردم غافل کافر آن روز را بسیار دور از امکان بینند (۷) و ما نزدیک به وقوع می بینیم (۸) روزی که آسمان بدان عظمت از هول و دهشت چون فلز گداخته شود (۹) و کوه های بدان صلابت از ترس و هیبت مانند پشم زده متلاشی گردد (۱۰) و خلق چنان به کار خود گرفتارند که هیچ کس از خویش خود جویا نشود (۱۱) چون حقیقت حالشان به آنها بنمایند آن روز کافر بدکار آرزو کند که کاش توانستی فرزندان را فدای خود سازد و از عذاب برهد (۱۲) و هم آن و برادرش (۱۳) و هم خویشان و قبیله اش را که همیشه حمایتش کردند (۱۴) و هر که روی زمین است خواهد همه را فدای خویش گرداند تا مگر خود از آن عذاب نجات یابد (۱۵) و هرگز به فدا نجات نیابد که آتش دوزخ برو شعله ور است (۱۶) تا سر و صورت و اندامش پاک بسوزد (۱۷) دوزخ آنان را میخواند که از خدا رو گردانیده و با حق مخالفت کردند (۱۸) و مال دنیا را جمع کرده و بی آنکه حقوق الهی را به مستحقان پردازند همه را ذخیره نمودند (۱۹) که انسان مخلوقی طبعاً سخت حریص و بی صبر است (۲۰) چون شر و زیانی به او رسد سخت جزع و بی قراری کند (۲۱) و چون مال و دولتی به او رو کند بخل ورزد و منع احسان نماید (۲۲) مگر نماز گزاران حقیقی (۲۳) آنان که دایم در نماز و طاعت الهی عمر گذرانند (۲۴) و آنان که در مال و دارائی خود حقی معین و معلوم گردانند (۲۵) تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند (۲۶) و آنان که روز قیامت و جزا را تصدیق کنند و به بقار روح و عالم آخرت ایمان دارند (۲۷) و آنان که از قهر و عذاب خدای خویش سخت ترسانند (۲۸) که از عذاب خدا هیچکس ایمن نتواند بود (۲۹) و آنان که اندام خود را از شهوت رانی نگاه میدارند (۳۰) مگر بر آنان حلال و کنیزان ملکی خویش که از عمال شهوت با آنها هیچ ملامت ندارند (۳۱) و هر که غیر از این کند و به ناروا شهوت راند به حقیقت متعدی و ستمکار است (۳۲) و آنان که امانت و عهد و پیمانشان را رعایت کنند (۳۳) و آنان که برای حفظ حقوق خلق نترسند و برای شهادت به حق قیام کنند (۳۴) و آنان که نماز خود را به وقت و شرایط و حضور قلب محافظت کنند (۳۵) آنان که جامع این اوصافند در باغهای بهشت ابد با عزت و احترام متنعمند (۳۶) ای رسول چه شده است کافران را که با تمسخر به جانب می شتابند؟ (۳۷) و از راست و چپ باز پراکنده میشوند و به دین خدا نمی گروند (۳۸) آیا طمع دارند که باز در بهشت با ناز و نعمت داخل شوند؟ (۳۹) هرگز این

نشود چون آنها خود میدانند که ما آنها را از چه نطفه پستی آفریده ایم باز به آفریننده خود ایمان نمی آورند و به کفر می شتابند و طمع آن دارند که چون مومنان به بهشت روند (۴۰) چنین نیست سوگند به خدای مشرقها و مغربهای بی نهایت خورشید های عالم که ما قادریم (۴۱) که آنها را هلاک سازیم و به جای آنها خلقی بهتر از آنها بیافرینیم و هرگز کسی به قدرت و قوت بر ما سبقت نخواهد یافت (۴۲) پس تو ای رسول آنها را به کفر و ضلالت خود بگذار که به بازیچه دنیا دل بازند تا با روزی که وعده عذاب آنهاست روبرو شوند (۴۳) آن روزی که به سرعت سر از قبرها برآورده و به سوی بتها و نتیجه پرستش غیر خدای شتابند (۴۴) در حالی که چشمه‌اشان از هول و وحشت قیامت به خواری فرو افتاده و ذلت کفر و عصیان بر آنها احاطه کرده این همان روزیست که رسولان حق به آنها وعده دادند تا مگر ایمان آرند و از این عذاب برهند و کافران از جهل و عناد تکذیب کردند (۴۵)

نوح

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ما نوح را به سوی قومش به رسالت فرستادیم و امر کردیم که قوم را از قهر خدا به اندرز و پند بترسان پیش از آنکه بر آنان عذاب دردناک فرا رسد (۲) نوح به امر حق آمد و گفت ای قوم، من برای شما رسولی مهربان هستم که شما را با بیانی روشن از عذاب قهر خدا می ترسانم (۳) و از راه خیر خواهی به شما می گویم که خدای را به یکتائی پرستید (۴) و پرهیز کار باشید و مرا که رسول اویم پیروی کنید تا خدا به لطف و کرم از گناهان شما درگذرد و اجلتان را تا وقت عمر طبیعی معین به تخیر افکند نه پیش از آن به طوفان دریا غرق کند که اجل الهی چون وقتش فرا رسد اگر بدانید دگر هیچ تخیر نیفتد (۵) قوم نوح نگرویدند و بر کفر و طغیان بیفزودند او به درگاه خدا نالید و گفت بارالها من آنچه را شب و روز دعوت کردم (۶) دعوت و نصیحتم جز بر فرار و اعراض آنها نیفزود (۷) و هر چه آنان را به مغفرت و آمرزش تو خواندم انگشت جهل و عناد بر گوش نهادند و جامه به رخسار افکندند تا مرا نبینند و سخنم را نشنوند و بر کفر اصرار و لجاج ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند (۸) باز هم آنها را به صدای بلند و در مجلس عام دعوت کردم و اجابت نکردند (۹) و آنگاه آشکار و علنی خواندم و در خلوت و پنهانی خواندم به هیچوجه اثری نکرد (۱۰) باز گفتم ای مردم به درگاه خدای خود توبه کنید و آمرزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده ایست (۱۱) تا باران آسمان را بر شما پس از خشک سالی فراوان نازل کند (۱۲) و شما را به مال بسیار و پسران متعدد مدد فرماید و باغهای خرم و نه‌های جاری به شما عطا کند (۱۳) و پس از دعوت به امیدواری و رحمت باز بترس از قهر و عظمت خدا خواندم که چرا شما مردم خدای را به عظمت و وقار یاد نمی کنید؟ (۱۴) و حال آنکه او شما را از نطفه ای به انواع خلقت و اطوار گوناگون مراتب آدمیت بیافرید تا نشانه های حکمت با عظمتش در خود مشاهده کنید (۱۵) آیا ندیدید که خدا چگونه هفت آسمان را به طبقاتی بسیار منظم و محکم خلق کرد (۱۶) و در آن سماوات، ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت (۱۷) و خدا شما را نباتات مختلف از زمین برویانید (۱۸) آنگاه بار دیگر پس از مرگ به زمین باز گرداند و دیگر بار هم شما را از خاک به روز حساب برانگیزد (۱۹) و زمین را بنگرید که خدا برای شما چون بساط پرنعمت بگسترانید (۲۰) تا در زمین راه های مختلف وسیع برای تحصیل معاش و معاد پیمائید (۲۱) نوح گفت پروردگارا با این همه تبلیغ و دعوت و اتمام حجت باز این قوم مرا مخالفت کردند و پیرو کسی از ثروتمندان شدند که او خود مال و فرزندش هم جز بر زیانش نیفزود (۲۲) و بر ضد من بزرگترین مکر و حيله به کار بردند (۲۳) و خلاصه قوم نوح گفتند هرگز حرف نوح نشنوید و خدایان خود را رها نکنید و بخصوص دست از پرستش این پنج بت ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر هرگز برمدارید (۲۴) و آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند در آن حال نوح نفرین در حق مشرکان کرد که خدایا تو ستمکاران را هیچ جز بر ضلالت و عذابشان میفرای (۲۵) و آن قوم از کثرت کفر و گناه عاقبت به آب دریا غرق شدند و به آتش دوزخ درافتادند و جز خدا بر خود هیچ یار و یآوری نیافتند (۲۶) و نوح عرض کرد پروردگارا اینک که قوم از کفر و عناد دست نمی کشند تو هم این کافران را هلاک کن و از آنها دیاری بر روی زمین باقی

مگذار (۲۷) اگر از آنها هر که را باقی گذاری بندگان پاک با ایمان را گمراه می کنند و فرزندی هم جز بدکار و کافر از آنان به ظهور نمرسد (۲۸) آنگاه به درگاه خدا دعا کرد که بارالها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه یا به کشتی من داخل شود و همه مردان و زنان با ایمان عالم را ببخش و بیامرز و ستمکاران را جز بر هلاک و عذابشان میفزای (۲۹)

الجن

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما بگو مرا وحی رسیده که گروهی از جنیان آیات قرآن را هنگام قرائتمن استماع کرده اند و پس از شنیدن گفته اند که ما از قرآن آیات عجیبی می شنویم (۲) این قرآن خلق را به راه خیر و صلاح هدایت میکند بدین سبب ما به آن ایمان آورده و دیگر هرگز به خدای خود مشرک نخواهیم شد (۳) و همانا بسیار بلند مرتبه است شان و اقتدار پروردگار ما و منزله از آرایش زن و فرزند و همجفت و فرزندی هرگز نگرفته و از این آلائشهای جسمانی پاک و مبرا است (۴) و البته سفیهان و بی خردان ما به خدا دروغ بستند که به او فرزندی مسیح و عزیر و فرشتگان را نسبت دادند. (۵) و ما چنین می پنداشتیم که هرگز هیچ قومی از جن و انس بر خدای متعال دروغ و افترا نخواهد گفت (۶) و همانا مردانی که از نوع بشر به مردانی از گروه جن پناه می بردند و خود را در بیابانها به جنیان می سپردند بر غرور و جهل خود سخت می افزودند آیه چنین تفسیر شده که زمان جاهلیت عرب در بیابان پناه به بزرگ جنیان آنجا می برد تا ایمن باشد آنگاه آسوده می خفت و مال و جانش به خطر می افتاد (۷) و آنها هم مانند شما آدمیان گروهی کافر شده و گمان کردند که خدا احدی را به قیامت زنده نخواهد کرد (۸) و جنیان گفتند ما از این پیش به آسمان بر می شدیم تا اسرار وحی را استراق کنیم لیکن یافتیم که آنجا فرشته نگهبان با قدرت و تیر شهاب آتشبار فراوان و بسیار است (۹) و ما پیش از نزول قرآن در کمین شنیدن سخنان آسمانی و اسرار وحی می نشستیم اما اینک هر که از اسرار وحی الهی سخنی بخواهد شنید تیر شهاب و آتش قهر در کمینگاه اوست (۱۰) و ما هنوز نمی دانیم که آیا عاقبت برای مردم زمین با این مذاهب و اعمال مختلف که دارند شر و فساد و خونریزی و ظلم و بیماری و بدبختی خواسته اند یا که خدای آنها بر هدایت آنان قرآن فرستاده و رشد و خیر و صلاح آنها را منظور دارد؟ (۱۱) و همانا برخی از ما صالح و نیکوکار هستیم و برخی برخلاف آن عقیده و اعمال ما هم بسیار متفرق و مختلف است (۱۲) و ما چنین دانسته ایم که هرگز بر قدرت خدا غلبه و از محیط اقتدارش فرار نتوانیم کرد (۱۳) و ما چون به آیات قرآن گوش فرا دادیم برخی هدایت یافته و ایمان آوردیم برخی نیافریدیم و هر که به خدای خود ایمان آورد در دو عالم حظ کامل و ایمنی دایم یافته و دیگر از نقصان خیر و ثواب و از احاطه رنج و عذاب بر خود هیچ نترسد (۱۴) و از ما جنیان هم چون آدمیان بعضی مسلمان و بی آزار و برخی کافر و ستمکارند و آنان که اسلام آوردند راستی به راه رشد و ثواب شتافتند (۱۵) و اما ستمکاران ما همیزم بر آتش جهنم گردیدند (۱۶) و اگر بر طریقه اسلام و ایمان پایدار بودند آب علم و رحمت و رزق وسیع نصیبشان البته می گردانیم (۱۷) تا به آن نعمت آنها را امتحان و آزمایش کنیم و هر که از یاد خدای خود اعراض کند خدا به عذابی بسیار سخت معذبش گرداند (۱۸) و مساجد مخصوص پرستش ذات یکتای خداست پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید (۱۹) و چون بنده خاص خدا محمد (ص) برای آنکه خدا را بخواند و خلق را به راه او دعوت کند قیام کرد طایفه جنیان برای استماع قرآن چنان گرد او ازدحام کردند که نزدیک بود بر سر هم فرو ریزند (۲۰) ای رسول به خلق بگو من خدای خود را به یگانگی می پرستم و هرگز احدی را با او شریک نمی گردانم (۲۱) و باز بگو من مالک و قادر بر خیر و شر شما نیستم (۲۲) باز ای رسول بگو که اگر خدا بر من قهر و غضب کند ابدا کسی مرا از قهر خدا در پناه نتواند گرفت و به غیر او هیچ گریزگاهی هرگز نخواهم یافت (۲۳) تنها ممن و پناه من ابلاغ احکام خدا و رسانیدن پیغام الهی است و هر که نافرمانی خدا و رسول او کند البته کیفر او آتش دوزخست که در او تا ابد مغلذ است (۲۴) ای رسول کافران را رها کن تا روزی که عذاب موعود خود را به چشم ببینند آن زمان خواهند دانست که تو و آنها کدامتان یارانش ضعیف و ناتوانتر و سپاهش کمتر است؟ (۲۵) ای رسول بگو من خود ندانم که

عذاب موعود شما وقتش نزدیک است یا خدا تا آن روز مدت بسیاری قرار داده است (۲۶) او دانای غیب عالمست و هیچکس بر عالم غیب او آگاه نیست (۲۷) مگر آن کس آگاهست به وحی که از رسولان خود برگزیده است که بر محافظت او فرشتگان را از پیش رو و پشت سر می فرستد تا اسرار وحی را شیاطین به سرقت گوش نربایند (۲۸) تا بدانند و معلوم سازد که آن رسولان پیغامهای پروردگار خود را به خلق کاملاً رسانیده اند و البته خدا به آنچه از اسرار نزد رسولانست احاطه کامل دارد و به شماره هر چیز در عالم به خوبی آگاهست (۲۹)

المزمل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الا- ای رسولی که در جامه فکرت و خاموشی خفته ای (۲) هان شب را به نماز و طاعت خدا برخیز مگر کمی (۳) که نصف یا چیزی کمتر از نصف باشد به استراحت پرداز (۴) یا چیزی بر نصف بیفزای و به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش (۵) ما به وحی خود کلام بسیار سنگین و گرانمایه قرآن را بر تو لقا می کنیم (۶) البته نماز شب و دعا و ناله سحر بهترین شاهد خلاص و صفای قلب و دعوی صدق ایمانست (۷) تو را روز روشن در طلب روزی وقت کافی و فرصت وسیع است (۸) و دایم در شب و روز نام خدا را یاد کن و بکلی از غیر او علاقه ببر و به او پرداز که بی انقطاع از خلق اتصال به حق میسر نگردد (۹) همان خدای مشرق و مغرب عالم که جز او هیچ خدائی نیست او را بر خود وکیل و نگهبان اختیار کن (۱۰) و بر طعن و یاهو گوئی کافران و مکذبان صبور و شکیب باش و به طرزی نیکو که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواریست از آنان دوری گزین (۱۱) و کار آن کافران مغرور نعمت و مال حرام را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده تا وقت انتقام بزودی فرا رسد (۱۲) که البته نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کیفر کافران مهیاست (۱۳) و طعامی که از فرط غصه و اندوه گلوگیر آنها میشود و عذاب دردناک با حسرت و ندامت در روز ثواب و عقاب بر آنها است (۱۴) آن روزی که از وحشت آن روز بزرگ زمین و کوه ها به لرزه درآید و تل ریگی شود و چون موج روان گردد (۱۵) ما به شما امت آخر زمان رسولی فرستادیم که شاهد اعمال و حجت کامل شماست چنانکه بر فرعون و وزیرش هامان و سایر فرعونیان هم رسول فرستادیم (۱۶) تا فرعون نافرمانی آن رسول کرد ما هم او را به قهر و انتقام سخت بگرفتیم (۱۷) پس ای مردم غافل اگر امروز به خدا کافر شوید باز چگونه از عذاب حق نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟ (۱۸) و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده ثواب و عقاب الهی به وقوع انجامد (۱۹) این قرآن برای تذکر و یادآوری فرستاده شد تا هر که بخواهد راهی به سوی خداپیش گیرد و برای سعادت ابد به فکر و ذکر و عبادت پردازد (۲۰) خدا به حال تو آگاهست که تو و جمعی هم از آنان که با تواند اغلب نزدیک دو ثلثیا نصف یا لا اقل ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می پردازد و خدا گردش روز و شب را مقدر می کند تا هر چه در روز فوت شد شب و هر چه در شب فوت شد روز تدارک کنید خدا میداند که شما هرگز تمام ساعات شب را به عبادت ضبب نخواهید کرد لذا از شما اوقات خواب و کارهای دیگر را درگذشت تا هر چه از شب را بی مشقت و آسانست به تلاوت قرآن پردازید. خدا بر احوال شما آگاهست که برخی مریض و ناتوانید و برخی به سفر برای کسب و تجارت از کرم خدا روزی می طلبید و برخی در راه خدا روز و شب به جنگ و جهاد مشغولید پس در هر حال آنچه میسر و آسان باشد به قرائت قرآن پردازید و نماز پیادارید و زکات مالتان به فقیران بدهید و به خدا قرض نیکو دهید یعنی برای خدا به محتاجان احسان کنید و قرض الحسنه دهید و بدانید که هر عمل نیک برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آن را البته نزد خدا بیابید و آن اجر و ثواب آخرت که بهشت ابد است از متاع دنیا بسی بهتر و بزرگتر است و دایم به دعا از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۲۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) الا- ای رسولی که خود را به لباس حیرت و فکرت در پیچیده ای(۲) برخیز و به اندرز و پند، خلق را خداترس گردان(۳) و خدای را به بزرگی و کبریائی یاد کن(۴) و لباس جان و تن را از هر عیب و آرایش پاک و پاکیزه دار(۵) و از ناپاکی بت و بت پرستان بکلی دوری گزین(۶) و بر هر که احسان کنی ابدًا منت مگذار و عوض افزون خواه(۷) و هر چه در تبلیغ رسالت از خلق آزار بینی برای خدا صبر و شکیبائی پیش گیر(۸) تا آنگاه که هنگامه روز قیامت برپا شود و صور اسرافیل را بدمند(۹) آن روز بسیار روز سختی است(۱۰) کافران را هیچگونه در آن راحتی و آسایش نیست(۱۱) ای رسول به من واگذار کار انتقام آن کس را که من او را تنها آفریدم مراد ولید ابن مغیره است که دشمن بزرگ پیغمبر بود و همیشه در مقام آزار آن بزرگوار برمی آمد(۱۲) و به او مال و ثروت فراوان بذل کردم(۱۳) و پسران بسیار هفت یا سیزده تن حاضر به خدمت نصیب گردانیدم(۱۴) و اقتدار و مکنت و عزت دادم(۱۵) و با کفران این نعمتها باز هم از من طمع افزونی آن دارد(۱۶) هرگز بر نعمتش نیفزایم که او با آیات و رسول ما دشمنی و عناد ورزید(۱۷) به زودی او را به آتش دوزخ درافکنیم(۱۸) اوست که بر هلاک پیغمبر و محو اسلام فکر و اندیشه بدی کرد که رسول خدا را به سحر و ساحری نسیت داد(۱۹) و چقدر، خدایش بکشد، اندیشه غلطی کرد(۲۰) باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطائی نمود(۲۱) پس از همه مکر و تدبیر بر دشمنی رسول باز اندیشه کدر(۲۲) و به اظهار تنفر از اسلام رو ترش کرد و چهره در هم کشید(۲۳) آنگاه روی از اسلام و قرآن گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد(۲۴) و گفت این قرآن محمد (ص) به جز سحر و بیان سحرانگیزی هیچ نیست(۲۵) این آیات را که به وحی خدا نسبت میدهد گفتار بشری بیش نیست(۲۶) ما این منکر و مکذب قرآن را به کیفر کفر به آتش دوزخ درافکنیم(۲۷) و تو چگونه توانی یافت که سختی عذاب دوزخ تا چه حد است؟(۲۸) شراره آن دوزخ از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را بسوزاند و محو گرداند(۲۹) آن آتش بر آدمیان رو نماید و خرمن گنه کاران را به باد دهد(۳۰) بر آن آتش نوزده تن فرشته عذاب موکلند(۳۱) و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان عذاب قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار نوزده نگردانیدیم و تا آن که اهل کتاب هم یقین کنند که ذکر اینعدد مطابق تورات و انجیل است با آن که صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند و آن بر یقین مومنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مومنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنانکه دلهاشان مریض شک و جهالت است و کافران نیز به طعنه نگویند خدا از این مثل که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم چه منپور داشت بلی چنین قرار داد تا هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچکس از عده بی حد لشکرهای پروردگار غیر او آگاه نیست و این آیات ذکر دوزخ جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود(۳۲) چنین که کافران گویند نیست قسم به ماه تابان(۳۳) و قسم به شب تار چون به سحر که وقت راز و نماز مشتاقان خداست باز گردد(۳۴) و قسم به صبح نبوت چون جهان را به نور علم و معرفت روشن سازد(۳۵) که این قرآن یکی از بزرگترین آیات خداست(۳۶) در آن پند و اندرز آدمیانست(۳۷) تا از شما آدمیان هر که خواهد در مقام ایمان و طاعت و سعادت پیش افتد یا بازماند(۳۸) هر نفسی در گرو عملیست که انجام داده است(۳۹) مگر اهل یمین که به یمین و سعادت نیکوکار شدند(۴۰) آنان در باغهای بهشت متعینند سؤال می کنند(۴۱) از احوال دوزخیان گنه کار(۴۲) که شما را چه عمل به عذاب دوزخ درافکنند؟(۴۳) آنان جواب دهند که ما از نماز گزاران نبودیم(۴۴) و مسکینی را طعام و صدقه ای ندادیم(۴۵) و ما با اهل باطل به بطالت پرداختیم(۴۶) و ما روز جزا را تکذیب کردیم(۴۷) تا آنکه به مرگ یقین به قیامت یافتیم(۴۸) پس در آن روز شفاعت شفیعان از انبیاء و اولیاء در حق آنان هیچ پذیرفته نشود(۴۹) اینک چرا از یاد آن روز سخت خود و از ذکر و اندرز قرآن اعراض میکنند؟(۵۰) گوئی خران گریزانی هستند(۵۱) که از شیر درنده می گریزند(۵۲) بلکه هر یک از آنها می خواهند که بر ایشان هم مانند پیمبران صحیفه وحی آسمانی باز آید تا ایمان آرند(۵۳) هرگز این نخواهد شد که همه مقام رسالت یابند چنین نیست که پنداشتند بلکه از عذاب آخرت نمی ترسند(۵۴) چنین نیست که آنها پنداشتند قرآن محققا همه پند و اندرز است(۵۵) تا هر که خواهد متذکر حق شود(۵۶) و نخواهند متذکر شوند جز آنکه خدا خواهد

یعنی بدون مشیت و لطف الهی کسی بهشتی و سعادت‌مند نخواهد شد از او رواست تقوی و ترس و بیم و شوق و امیدواری که او اهل تقوی و آمرزش و مغفرت است (۵۷)

القیامه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) چنین نیست که کافران پنداشتند قسم به روز بزرگ قیامت (۲) و قسم به نفس پر حسرت و ملامت یعنی نفس انسان که در قیامت خود را بر تقصیر و گناه بسیار ملامت کند و حسرت خورد (۳) آیا آدمی پندارد که ما دیگر ابد استخوانهای پوسیده او را باز جمع نمی‌کنیم؟ و به حشر زنده نمی‌گردانیم؟ (۴) بلی ما قادریم که سرانگشتان او را هم منظم درست گردانیم (۵) بلکه انسان می‌خواهد آنچه از وعده بهشت و دوزخ، خدا فرموده همه را تکذیب کند تا از خیال آخرت آسوده به لهو و لعب دنیا پردازد یا از عمرش هر چه در پیش است همه را به فجور و هوای نفس گذرانند (۶) که دایم با شک و انکار می‌پرسد کی روز قیامت و حساب خواهد بود؟ (۷) بگو روزی که چشمهای خلقان از وحشت و هول خیره بماند (۸) و ماه تابان تاریک شود (۹) و میان خورشید و ماه جمع گردد و هر دو بی نور شود (۱۰) و در آن روز انسان زشتکار گوید ای وای از سختی عذاب کجا مفر و پناهی خواهد بود؟ (۱۱) هرگز مفری نیست (۱۲) آن روز جز در گاه خدا آرامگاهی هیچ نیست (۱۳) آن روز آدمی به هر نیک و بدی که در مقدم و موخر عمر کرده از نتیجه همه آگاه خواهد شد (۱۴) بلکه انسان خود بر نیک و بد خویش به خوبی آگاهست (۱۵) و هر چند پرده‌های عذر بر چشم بصیرت خود بیفکند (۱۶) ای رسول در حال وحی باشتاب و عجله زبان به قرائت قرآن مگشای بلکه تا خاتمه وحی صبر کن (۱۷) که ما خود قرآن را مجموع و محفوظ داشته و بر تو فرا خوانیم (۱۸) و آنگاه که بر خواندیم تو پیرو قرآن باش و به تعلیم امت کوش (۱۹) پس از آن بر ماست که حقایق آن را بر تو بیان کنیم و احکام آن را بر قلبت مشروح سازیم (۲۰) هرگز، بلکه کافران لجوج به خدا و عالم آخرت نگروند تمام دنیای نقد عاجل را دوست دارند (۲۱) و بکلی کار آخرت و نشانه قیامت را واگذارند (۲۲) آن روز رخسار طایفه ای از شادی برافروخته و نورانیست (۲۳) و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می‌کنند و در بهشت رضوان بیدار دوست متعینند (۲۴) و رخسار گروهی دیگر عبوس و غمگین است (۲۵) که میدانند حادثه ناگواری در پیش است که پشت آنها را می‌شکند (۲۶) چنین نیست که منکران قیامت پنداشتند باش تا جانشان به گلو رسد (۲۷) و اهلش گویند کیست که چاره درد این بیمار تواند کرد؟ (۲۸) و بیمار خود یقین به مفارقت از دنیا کند که ملک موت را بیچشم ببیند (۲۹) و ساقهای پا از شدت غم عقبی و حسرت دنیا به هم در پیچد (۳۰) در آن روز خلق را به سوی خدا خواهند کشید (۳۱) آن روز وای بر آنکه چون ابو جهل حق را تصدیق نکرد و نماز و طاعتش بجا نیامد (۳۲) بلکه خدا را تکذیب کرد و از حکمش رو بگردانید (۳۳) و آنگاه با تکبر و نخوت بسوی اهل خویش روی آورد (۳۴) به آن ابو جهل بدبخت خطاب شود وای بر زندگی و صد وای بر مرگ تو (۳۵) پس از مرگ هم وای بر برزخ و صد وای بر روز محشر تو (۳۶) آیا آدمی می‌پندارد که او را مهمل از تکلیف و ثواب و عقاب گذارند و غرضی در خلقتش منظور ندارند. این آیه را علی علیه السلام بسیار میخواند و میگفت (۳۷) آیا آدمی در اول قطره آب نطفه نبود؟ (۳۸) و پس از نطفه خون بسته و آنگاه به این صورت زیبای حیرت انگیز آفریده و آراسته گردید (۳۹) پس آنگاه از دو صنف نر و ماده پدید آورد (۴۰) آیا چنین خدای با قدرت و حکمت که اول او را از قطره آبی آفریده باز نتواند پس از مرگش زنده گرداند؟ (۴۱)

الإنسان

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی لایق ذکر هیچ نبود؟ (۲) ما او را از آب نطفه مختلَب بی حس و شعور خلق کردیم و دارای قوای چشم و گوش و مشاعر و عقل و هوش گردانیدیم (۳) ما به حقیقت راه حق و باطل را به

انسان نمودیم و برای اتمام حجت بر او رسول فرستادیم حال خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند(۴) ما برای کیفر کافران غل و زنجیرها و آتش سوزان مهیا ساخته ایم(۵) و نکوکاران عالم که در این آیه حضرت علی (ع) و فاطمه (ع) و حسنین عو شیعیانشان به اجماع خاصه و اخبار عامه مقصودند در بهشت از شرابی نوشند که طبعش در لطف و رنگ و بوی کافور است برخی گفتند شراب یقین به شهود جمال الهی است(۶) از سرچشمه گوارائی آن بندگان خاص خدا می نوشند که به اختیارشان هر کجا خواهند جاری می شود(۷) که آن بندگان نیکو به عهد و نذر خود وفا می کنند و از قهر خدا در روزی که شر و سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد می ترسند(۸) و هم بر دوستی او یعنی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می دهند به روایات عامه و خاصه وقتی حسنین (ع) مریض شدند علی (ع) به امر پیغمبر نذر کرد که اگر شفا یابند سه روز روزه بدارد فاطمه (ع) و حسنین (ع) و فضه هم نذر کردند چون شفا یافتند همه روزه گرفتند شب اول فقیری، شب دوم یتیمی و سوم اسیری بر در خانه سوال کرد علی (ع) نان جوینی که بر افطار به قرضی از یهود مهیا کرده بود هر سه شب به ساتلان داد فاطمه (ع) و دیگران هم اقتدا کردند، روز چهارم حسنین از ضعف روزه بی تاب شدند که مائده بهشتی و این آیات در شانسان نازل گردید روحی فداهم(۹) و گویند ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی طلبیم(۱۰) ما از قهر پروردگار خود به روزی که از رنج و سختی آن رخسار خلق درهم و غمگین است می ترسیم(۱۱) خدا هم از شر و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا نمود(۱۲) و پاداش آن صبر کامل بر ایثارشان باغ بهشت و لباس حریر بهشتی لطف فرمود(۱۳) که در آن بهشت بر تختهای عزت تکیه زنند و آنجا نه آفتابی سوزان بینند و نه سرمای آموهریر بلکه در هوایی بسیار خوش و باغی وسیع و دلکش تفرج کنند(۱۴) و سایه درختان بهشتی بر سر آنها و میوه هایش در دسترس و به اختیار آنهاست(۱۵) و ساقیان زیبای حور و غلمان با جامهای سیمین و کوزه های بلورین بر آنها دوزنند(۱۶) که آن بلورین کوزه ها به رنگ نقره خام و به اندازه و تناسب اهلش مقدر کرده اند(۱۷) و آنجا شرابی که طبعش چون زنجبیل شوق، گرم و عطرزگین است به آنها بنوشانند(۱۸) در آنجا چشمه ایست که سلسبیلش نامند و شرابش بخوبی از حد وصف بیرون است(۱۹) و دور آن بهشتیان پسرانی زیبا که تا ابد نوجوانند و خوش سیما به خدمت میگردند که در آنها چو بنگری از فرط صفا گمان بری که لولو منثورند(۲۰) و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پر نعمت و کشوری بی نهایت بزرگ خواهی یافت(۲۱) بر بالای بهشتیان، لطیف دیبای سبز و حریر سطر است و بر دستهایشان دستبند نقره خام و خدایشان شرابی پاک و گوارا از کوثر عنایت بنوشاند(۲۲) این بهشت بدین نعمت و عظمت به حقیقت پاداش اعمال شماسست سعی و اشتیاقان در راه طاعت حق مشکور و مقبول است(۲۳) ای رسول محققا ما این قرآن عظیم الشان را بر تو فرستادیم(۲۴) به شکرانه آن بر اطاعت حکم پروردگار صبور و شکبیا باش و هیچ از مردم بدکار کیفر کیش اطاعت مکن(۲۵) و نام خدا را صبح و شام به عظمت یاد کن(۲۶) و شب را برخی در نماز به سجده خدا پرداز و شام دراز به تسبیح و ستایش او صبحگردان(۲۷) این مردم کافر غافل همه دنیای نقد عاجل را دوست می دارند و آن روز قیامت سخت سنگین را بکلی از یاد می برند(۲۸) ما اینان را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم و هر گاه بخواهیم همه را فانی ساخته و مانندشان قوم دیگر خلق می کنیم(۲۹) این آیات، پند و تذکریست پس هر که سعادت و حسن عاقبت بخواهد راهی به سوی خدای خود پیش گیرد(۳۰) و آنها یعنی اولیاء حق چیزی جز آنچه خدا بخواهد نمی خواهند و کار را به او تفویضی کنند که البته خدا بهتر به احوال خلق دانا و به صلاح بندگان آگاهست(۳۱) خدا هر که را بخواهد در بهشت رحمت خود داخل گرداند و برای ستمکاران عالم عذاب دردناک مهیا ساخته است(۳۲)

المرسلات

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) قسم به رسولانی که از پی هم بر خیر و سعادت خلق فرستاده شدند(۲) قسم به فرشتگانی که به

سرعت تندباد به انجام حکم حق می شتابند (۳) قسم به آنان که وحی حق و شرع الهی را در جهان با اخلاص علی (ع) نیکو نشر میدهند (۴) و قسم به حق آنان که به حکم خدا راه هدایت را از ضلالت ممتاز کرده و بین حق و باطل را بر خلق کاملاً جدا می کنند (۵) و قسم به آنان که ذکر خدا و کتاب الهی را به انبیاء وحی می کنند (۶) تا عذر و حجت نیکان و بیم و تهدید بدان شود (۷) قسم به همه اینان که آنچه از ثواب و عقاب آخرت به شما وعده دادند البته واقع خواهد شد (۸) چه وقت وقتی که ستارگان همه بی نور و محو شوند (۹) و آسمان را بشکافند (۱۰) و کوه ها چون خاک بر دم باد پراکنده شوند (۱۱) و به رسولان وقت گواهی بر امتان را اعلام کنند (۱۲) برای آن چه وقت وعده حق معین شد؟ (۱۳) برای روز قیامت همان روزی که بین حق و باطل و سعید و شقی جدائی افتد (۱۴) و تو چگونه توانی عظمت و سختی آن روز جدائی را تصور کنی؟ (۱۵) وای آن روز به حال منکران خدا و قیامت و مکذبان کتاب و رسالت (۱۶) آیا ما پیشینیان را به کیفر کفر هلاک نکردیم؟ (۱۷) از پی آنان هم قومی دیگر را که منکران قرآن باشند نیز هلاک می کنیم (۱۸) ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک می سازیم (۱۹) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۰) آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه بی قدر بدین زیبایی نیافریدیم؟ (۲۱) و آن نطفه را از صلب پدر به قرارگاه رحم منتقل ساختیم (۲۲) تا مدتی معین و معلوم در رحم بماند (۲۳) و ما تقدیر مدت رحم و تعیین سرنوشت او تا ابد کردیم که نیکو مقدر حکیمی هستیم (۲۴) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۵) آیا ما زمین را جامع حوایج و کفایت بر مسکن و هر امر بشر قرار ندادیم؟ (۲۶) تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند (۲۷) و در زمین کوه های بلند برافراشتیم و از ابر و باران به شما آب زلال گوارا نشانیدیم (۲۸) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۹) خطاب رسد ای منکران شما امروز به سوی آن دوزخی که تکذیب کردید بروید (۳۰) بروید زیر سایه دود های آتش دوزخ که از سه جانب شما را احاطه کند (۳۱) نه آنجا سایه خواهد بود و نه از شرار آتش هیچ گریز و نجاتی دارند (۳۲) آن آتش هر شراری بیفکند شعله اش مانند قصریست (۳۳) گوئی آن شراره در بزرگی و رنگ به شتران آردموی مانند است (۳۴) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۵) این روزیست که کافران بر نجات خود سخنی نتوانند گفت (۳۶) و به آنها رخصت عذرخواهی نخواهند داد (۳۷) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۸) این روز فصل حکم و جدائی نیک و بد است که شما را با همه در گذشتگان پیشین به عرصه محشر جمع گردانیم (۳۹) پس اگر فکر و حیلتی بر نجات خود توانید حیلت کنید (۴۰) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۱) آن روز سخت بندگان باتقوی و پرهیز در سایه درختان بهشت و طرف نه‌های جاری متنعمند (۴۲) و از هر نوع میوه مایل باشند فراوان فراهم است (۴۳) به آنها خطاب لطف شود که از هر طعام و شراب بخواهید بخورید و بیاشامید که شما را گوارا باد پاداش اعمال نیکی که در دنیا بجای آوردید (۴۴) ما البته نیکوکاران عالم را چنین پاداش میدهم (۴۵) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۶) ای کافران شما هم که ایمان به لذات روحانی و تنعم و نشاط ابدی آخرت ندارید پس به خوی حیوانیت بخورید و تمتع برید به عمر کوتاه دنیا که شما بسیار مردم بزه کاری هستید (۴۷) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۸) و هرگاه به آنها گفته شد که نماز و طاعت خدا را بجای آرید اطاعت نکردند (۴۹) وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۵۰) شما پس از آیات خدا که آن را تکذیب کردید باز به کدامین حدیث ایمان می آورید؟ (۵۱)

النبأ

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) مردم از چه خبر مهمی پرسش و گفتگو میکنند؟ (۲) از خبر بزرگ قیامت (۳) که در آن با هم جدال و اختلاف کلمه برخاستند چون پیغمبر (ص) به نزول قرآن سخن از خدا و قیامت آغاز فرمود مومن و کافر در صدق و کذبش به مجادله پرداختند این آیات نازل شد (۴) چنین نیست که منکران پنداشته اند به زودی وقت مرگ خواهند دانست (۵) و البته بر خطای

خود بزودی آگاه میشوند(۶) آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟(۷) و کوه‌ها را عماد و نگهبان آن نساختم؟(۸) و شما را جفت زن و مرد آفریدیم تا انس و نشاط و فرزند صالح و بقای نوع با آن یابید(۹) و خواب را برای شما مایه قوام حیات و استراحت قرار دادیم تا چون بدن در خوابیه زحمت کار نپرداخته به گوارش غذا و تهیه خون و تقویت بدن و رویا صادق پردازد(۱۰) و پرده سیاه شب را ساتر احوال خلق گردانیدیم(۱۱) و روز روشن را برای تحصیل معاش آنان مقرر داشتیم(۱۲) و بر فراز آنها هفت آسمان محکم بنا کردیم(۱۳) و چراغی چون خورشید رخشان برافروختیم(۱۴) و از فشار و تراکم ابرها آب باران فرو ریختیم(۱۵) تا بدان آب دانه و گیاه رویانیدیم(۱۶) و باغهای پر درخت و انواع میوه‌ها پدید آوردیم(۱۷) همانا روز فصل یعنی روز قیامت که در آن فصل خصومتها شود وعده گاه خلق است(۱۸) آن روزی که در صور بدمند تا مردگان زنده شوند و فوج فوج به محشر درآیند(۱۹) و درهای آسمان ابواب مختلف گشوده شود تا هر فوجی از دری شتابند(۲۰) و کوه‌ها به مانند سراب گردد و خودبینها نابود شود(۲۱) همانا دوزخ در کمین کافران و بدکاران است(۲۲) آن دوزخ جایگاه مردم سرکش ستمکار است(۲۳) که در آن قرن‌ها عذاب کشند(۲۴) هرگز در آنجا قطره‌ای آب سرد و شراب طهور نیاشامند چنان که در دنیا از علوم انبیاء بهره نیافتند(۲۵) مگر آبی پلید و سوزان که حمیم و غساق جهنم است به آنها دهند(۲۶) که با کيفر اعمال آنها موافق است(۲۷) زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند و برای آن روز سخت به فکری نپرداختند(۲۸) و آیات ما را از فرط نادانی و جهالت به احوال و احوال قیامت سخت تکذیب کردند(۲۹) و حال آن که حساب هر چیزی را ما در کتابی به احصار و شماره رقم کرده ایم(۳۰) پس بچشید کيفر تکذیب و بدکاری را که هرگز بر شما چیزی جز رنج و عذاب دوزخ نیفرائیم چنان که شما در دنیا هیچ متنبه نشده و جز بر بدی نیفزودید(۳۱) متقیان را در آن جهان مقام گشایش و هرگونه آسایش است(۳۲) باغها و تاکستانهاست(۳۳) و دختران زیبای دلربا که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند(۳۴) و جامهای پر از شراب طهور و انواع نوشابه‌های شیرین و خوش(۳۵) هرگز سخن بیهوده و دروغ نشنوند چنان که در دنیا نگفتند(۳۶) این نعمتهای ابدی مزدی به عطار و حساب پروردگار تست(۳۷) خدائی که آسمانها و زمین و همه مخلوقاتی که در زمین آسمان و زمین است بیافریده خدائی مهربانست که در عین مهربانی کسی از قهر و سطوتش با او به گفتگو نتواند لب گشود(۳۸) روزی که آن فرشته بزرگ روح القدس با همه فرشتگان صف زده و به نظم برخیزند و هیچکس سخن نگوید جز آن کسی که خدای مهربانش به سخن اذن دهد و او سخن به صوابگوید و به اذن خدای شفاعت گنه کاران کند(۳۹) چنین روز که بدکاران به دوزخ معذب و نیکوکاران به بهشت ابد متعینند حتمی و محقق خواهد بود پس هر که می خواهد نزد خدای خود در آن روز مقام و منزلتی یابد امروز در راه ایمان و طاعت بکوشد که چون از این عالم برفت دیگر کاری از برای درک سعادت و رفعت خود به درجات بهشت ابد نتواند کرد(۴۰) ما شما را از روز عذاب که نزدیکست ترسانیده و آگاه ساختیم روزی که هر کس هرچه از نیک و بد کرده در پیش روی خود حاضر بیند و کافر در آن روز از فرط عذاب آرزو کند که ای کاش خاک بود تا چنین به آتش کفر خود نمی سوخت(۴۱)

النازعات

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) قسم به فرشتگانی که جان کافران را بسختی بگیرند(۲) و قسم بفرشتگانی که جان اهل ایمان را باسایش و نشاط ببرند(۳) و قسم بفرشتگانی که با کمال سرعت فرمان حق را انجام دهند(۴) قسم به فرشتگانی که در نظم عالم از هم پیشی جسته و مومنانی که در جهاد کفار به امر خدا بر هم سبقت گیرند(۵) قسم به فرشتگانی که به فرمان حق خلق میکوشند که قیامتی و حشر خواهد آمد. خلاصه معنی آیات قسم به همه قوائی که در نظام عالم تکوین و تشریح با کمال سرعت و حسن تدبیر بامر خدای حکیم بکار مشغولند که حیات دنیا را آخرتی و فعل حکیم را مقصدی در پیش است(۶) روزی که نفخه صور الهی جهان را بلرزاند(۷) و نفخه صور دیرگ از پی آن درآید(۸) در آن روز سخت دلها مضطرب و هراسان شود(۹) مردم از ترس چشمها به زیر

افکنند (۱۰) مردم غافل دنیا گویند آیا ما پس از مرگ باز زندگانی دیگری خواهیم یافت (۱۱) چگونه چون مردیم و استخوان ما پوسید زنده خواهیم شد (۱۲) و گویند که در این صورت که دیگر بار زنده شویم بسی زیانکار خواهیم بود (۱۳) جز یک صدای مهیب که در صور اسرافیل کنند نشنوند (۱۴) و بدان صدا ناگاه همه از خاک برشوند و به صحرای قیامت رهسپار گردند (۱۵) آیا خبر موسی عمران به تو رسیده؟ (۱۶) آنگاه که خدا او را در وادی مقدس طوی قرب طور ندا کرد (۱۷) که برای هدایت و اتمام حجت به سوی فرعون برو که او سخت به راه طغیان رفته است (۱۸) پس با کمال مدارا و مهربانی بگو میل داری که از پلیدی خود پرستی و شرک پاک و پاکیزه شوی (۱۹) و تو را به راه خدا هدایت کنم تا به درگاه عظمت و قدرت او خاشع و فروتن شوی (۲۰) پس چون به جانب فرعون رفت آیت و معجزه بزرگ بر او نمود (۲۱) فرعون تکذیب و نافرمانی کرد و به خدا ایمان نیاورد (۲۲) از آن پس که معجزه موسی دید باز روی از حق بگردانید و برای دفع موسی به جهد و کوشش برخاست (۲۳) پس با رجال بزرگ دربار خود انجمن کرد (۲۴) و از غرور و تکبر گفت منم خدای بزرگ شما (۲۵) خدا هم در اثر این غرور و سرکشی او را به عقاب دنیا و آخرت گرفتار کرد (۲۶) تا به هلاکت او اهل معرفت عبرت گیرند و سرکشان نتیجه غرور را بدانند (۲۷) آیا بنای شما آدمیان استوارتر است یا بنای آسمان بلند (۲۸) که سقفی بس بلند و محکم بنیان در کمال زیبایی استوار ساخت (۲۹) و شامش را تیره و روزش را روشن گردانید (۳۰) و زمین را پس از آن برای انتفاع بشر و سایر خلق بگسترانید (۳۱) و در آن آب و گیاه پدید آورد (۳۲) و کوه ها را عماد آن ساخت (۳۳) تا از آن آب و گیاه که از بیابان و کوه برانگیزد قوت شما و چهارپایان برآید (۳۴) پس بدانید که این جهان با این همه تدبیر و حکمت مقدمه جهان ابدی قیامت است که چون آن واقعه بزرگ و حادثه عظیم قیامت پدید آید (۳۵) روزیست که آدمی هر چه کرده بیاد آرد (۳۶) و دوزخ برای ببندگان آشکار شود دوزخی که خود از گنهکاری بر خویش ساختند و در دنیا نمیدیدند آن روز پدیدار شود (۳۷) پس هر کس از حکم شرع خدا سرکش و طاعی شد (۳۸) و زندگی دنیا را برگزید (۳۹) دوزخ جایگاه اوست (۴۰) و هر کس از حضور در پیشگاه عز ربوبیت بترسید و خداپرست شد و از هوای نفس دوری جست (۴۱) همانا بهشت منزلگاه اوست (۴۲) ای رسول ما از تو سوال کنند که قیامت کی برپا شود (۴۳) تو را چه کار است دیگر که از آن به یاد آری بسیار یاد آور شدی و منکران از تو نپذیرفتند (۴۴) کار آن ساعت محشر به خدا منتهی شود و به امر خدا آن ساعت در رسد (۴۵) تو را جز این نباشد که اهل ایمان را هر کس از یاد آن روز هراسان میشود به احوال آن روز آگاه سازی (۴۶) چون آن روز بر مردم پدیدار شود گوئی همه عمر دنیا شبی تا صبح یا روزی تا شام بیش نبوده است برای روشندلان عمر دنیا یک روز و برای تیره دلان یک شب مینماید (۴۷)

عبس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) چرا عبوس و ترشو گشت (۲) چون آن مرد نابینا حضورش آمد (۳) و تو چه میدانی ممکنست او مردی پارسا و پاکیزه صفات باشد (۴) یا به تعلیم رسول به یاد خدا آید و ذکر حق او را سودمند افتد مراد عبد الله مکتومست که چون حضور رسول برای تعلیم قرآن آمد جمعی اکابر کفار قریش نزد حضرت بودند حضرت از حرص بر ایمان و هدایت آنها به او توجه کامل نکرد و به صحبت مشغول بود و مرد متشخصی از امویان بر آن نابینا ترشوئی و اظهار انضجار نمود بر نکوهش او و حرمت عبد الله این آیات نازل شد (۵) اما آنکه دارا و مغرور دنیا است (۶) چرا تو ای رسول به او توجه کنی؟ و حریص بر ایمان او باشی (۷) در صورتی که اگر او از کفرش به ایمان و پارسائی نپردازد بر تو تکلیفی نیست (۸) اما آن کس که چون عبد الله مکتوم به شوق دل برای ذکر خدا به سوی تو می شتابد (۹) و او مرد خدا ترس و باتقوائست (۱۰) تو از توجه به او خودداری میکنی؟ (۱۱) این روا نیست که آیات حق برای پند و تذکر همه خلق است (۱۲) تا هر که بخواهد پند گیرد (۱۳) آیات الهی در صفحات مکرم یعنی لوح محفوظ یا کتب آسمانی یا قلوب پاکان نگاشته است (۱۴) که آن صفحات بسی بلند مرتبه و پاک و منزّه از خطا است (۱۵) سپرده به دست

سفیران حق و فرشتگان وحی است (۱۶) که ملائکه مقرب عالی رتبه با حسن و کرامتند (۱۷) ای کشته باد انسان بی ایمان چرا تا این حد کفر و عناد می ورزد (۱۸) نمی نگردد از چه چیز خلق شده است (۱۹) از آب نطفه بی قدری خدا بدین صورت زیبا خلقتش فرمود (۲۰) سپس راه خروج از نقص به کمال را بر او سهل و آسان گردانید (۲۱) آنگاه به وقت معین او را بمیراند و به خاک قبر سپرد (۲۲) و سپس هر وقت خواهد باز او را از قبر برانگیزد (۲۳) چنین نیست که منکران معاد می پندارند بشر کافر چرا آنچه خدا امر کرد بجا نیاورد تا سعادت ابد یابد (۲۴) زد می به قوت و غذای خود به چشم خرد بنگرد (۲۵) که ما آب باران فرو ریختیم (۲۶) آنگاه خاک زمین بشکافتیم و انواع نباتات از آن برآوردیم (۲۷) و حبوبات برای غذا برویانیدیم (۲۸) و باغ انگور و نباتاتی که هر چه بدروند باز بروید (۲۹) و درخت زیتون و نخل خرما (۳۰) و باغها و جنگلهای پر از درختان کهن (۳۱) و انواع میوه های خوش و علفها و مرتعها (۳۲) تا شما آدمیان و حیوانات شما هم از آن بهره مند شوید (۳۳) به یاد آرید آنگاه که صدای بلند و ندای مهیب قیامت بگوش همه خلق برسد (۳۴) آن روز که از وحشت و هولناکی هر که از برادرش می گریزد (۳۵) بلکه و از مادر و پدرش (۳۶) و از آن و فرزندش هم میگریزد (۳۷) در آن روز هر کس چنان گرفتارشان و کار خود است که به هیچکس نتواند پرداخت (۳۸) آن روز طایفه ای که اهل ایمانند رخسارشان چون صبح فروزانست (۳۹) و خندان و شادمانند (۴۰) و رخسار گروهی گردزلود غم و اندوه است (۴۱) و به رویشان خاک ذلت و خجلت نشسته (۴۲) آنها کافران و بدکاران عالمند (۴۳)

التکویر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، یاد آر هنگامی که آفتاب تابان تاریک شود (۲) و ستارگان آسمان تیره شوند و فرو ریزند (۳) و کوه ها به رفتار آیند (۴) و شتران عشار را ده ماهه آستن که نزد عرب بسیار عزیز است بکلی رها کنند و بدور افکنند (۵) و هنگامی که وحوش و طیور نیز به عرصه قیامت محشور شوند (۶) و هنگامی که دریاها آب چون آتش سوزان شعله ور گردد (۷) و هنگامی که نفوس خلق همه با همجنس خود در پیوندند (۸) و هنگامی که از دختران زنده بگور شده باز پرسند (۹) که آن بی گناهان را شما به چه جرم و گناه کشتید؟ (۱۰) و هنگامی که نامه اعمال خلق گشوده شود (۱۱) و هنگامی که آسمان را از جای برکنند و به یک سو افکنند (۱۲) و هنگامی که آتش دوزخ را سخت بیفروزند (۱۳) و هنگامی که بهشت را به اهلش نزدیک سازند (۱۴) در آن هنگام که روز قیامتست هر نفسی آنجا هر آنچه بر خود حاضر کرده همه را بداند (۱۵) چنین نیست که منکران قرآن پندارند قسم یاد میکنم به ستارگان بازگردنده (۱۶) که به گردش آیند و در مکان خود رخ پنهان کنند (۱۷) قسم به شب تار هنگامی که روی جهان را تاریک گردانند (۱۸) و قسم به صبح روشن وقتی که دم زند و عالم را به روی خود بیفروزد (۱۹) قسم به این آیات که همانا قرآن کلام رسول بزرگوار حق جبرئیل است (۲۰) که فرشته با قوت و قدرتست و نزد خدای مقتدر عرش با جاه و منزلتست (۲۱) و فرمانده فرشتگان و امین وحی خداست (۲۲) و رسول عصر شما محمد مصطفی (ص) که شما دیوانه اش خوانید عقل کامل مکمل عالم است هرگز دیوانه نیست (۲۳) و او امین وحی جبرئیل را در افق اعلائی مشرق درست مشاهده کرد (۲۴) و این رسول شما بر وحی از عالم غیب بخل نمی ورزد و شما را از علم وحی خود آگاه می سازد (۲۵) و قرآن او کلام خداست و هرگز کلام شیطان مردود نیست (۲۶) پس شما مردم نادان کلام حق و کتاب وحی خدا را رها کرده بکجا میروید؟ (۲۷) این قرآن عظیم جز پند و نصیحت اهل عالم هیچ نیست (۲۸) تا هر که از شما بندگان بخواد راه راست حق پرستی و سعادت ابد پیش گیرد (۲۹) و شما کافران راه حق را نمی خواهید مگر خدای آفریننده عالم بخواد و به قهر شما را به این راه بدارد (۳۰)

الانفطار

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، یاد کن روز قیامت را هنگامی که آسمان شکافته شود (۲) و هنگامی که ستارگان

آسمان فروریزند (۳) و هنگامی که آب دریاها روان گردد تا به هم پیوسته همه یک دریا شود (۴) و هنگامی که خلائق از قبرها برانگیخته شوند (۵) آن هنگام است که هر شخصی به هر چه از عمل نیک و بد که در دنیا مقدم و موخر انجام داده همه را بداند شاید مراد از مقدم عملی است که پیش از رفتن از دنیا برای آخرت بجای آورده و موخر آن اعمالی که پس از مرگ به او می رسد مانند باقیات الصالحات و اعمال خیری که وصیت کرده و وقف و صدقات جاری و فرزند صالح یا کتابعلمی و سنت حسنه (۶) ای انسان غافل چه باعث شد که به خدای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی؟ و نافرمانی او کردی؟ (۷) آن خدائی که تو را از عدم به وجود آورد و به صورتی تمام و کامل بیاراست و به اعتدال اندام و تناسب قوا برگزید (۸) و حال آن که به هر صورتی که خواستی جز این صورت زیبا هم خلق توانستی کرد (۹) چنین نیست که شما کافران پنداشتید که معاد و قیامت نیست البته هست بلکه شما از جهل روز جزا را تکذیب می کنید (۱۰) البته نگهبانها بر مراقبت احوال شما مامورند (۱۱) که آنها نویسندگان اعمال شما و فرشته مقرب خدایند (۱۲) شما هر چه کنید همه را میدانند (۱۳) و روز جزا نیکوکاران عالم در بهشت پرنعمت متنعمند (۱۴) و بدکاران در آتش دوزخ معذبند (۱۵) روز جزا به آن دوزخ درافتند و همیشه رنج و عذاب کشند (۱۶) و هیچ از آن آتش دور نتوانند بود (۱۷) و تو چگونه به روز با عظمت جزای بشر امروز کاملا آگاه توانی شد؟ (۱۸) باز هم عظمت آن روز جزا را چگونه توانی دانست؟ (۱۹) آن روز هیچکس برای کسی قادر بر هیچکار نیست و تنها حکم و فرمان در آن روز باخدای یکتاست (۲۰)

المطفین

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) وای به حال کم فروشان (۲) آنان که چون به کیل یا وزن چیزی از مردم بستانند تمام بستانند (۳) و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند (۴) آیا آنها نمی دانند که پس از مرگ روزی برای مجازات برانگیخته میشوند؟ (۵) که آن بسیار روز بزرگیست؟ (۶) روزیست که مردم تمام در حضور پروردگار عالم برای حساب می ایستند این آیاتیر تهدید کم فروشان عالم نازل شد مانند ابو جهینه که در مدینه دو صاعبزرگ و کوچک داشت از صاع کوچک به مردم میداد و به بزرگ می گرفت و مردم بدانند که گران فروشی نیز به حکم کم فروشی است و گران فروشان عالم هم مشمول تهدید این آیاتند (۷) چنین نیست که منکران پندارند البته روز قیامت بدکاران با نامه عمل سیاهشان در عذاب سجینند (۸) و چگونه به حقیقت سجین آگاه توانی شد؟ (۹) کتابیست که به قلم حق نوشته شده (۱۰) وای به حال منکران قرآن (۱۱) آنان که روز جزا را تکذیب می کنند (۱۲) در صورتی که آن روز را کسی تکذیب نمی کند مگر ظالمان و بدکاران عالم (۱۳) که بر آنها چون آیات ما تلاوت شود گویند این سخنان افسانه پیشینیانست (۱۴) چنین نیست بلکه ظلمت ظلم و بدکاریهایشان بر دلهای تیره آنها غلبه کرده است که قرآن را انکار می کنند (۱۵) چنین نیست که می پندارند بلکه آنها از معرفت پروردگارشان در پرده جهل محجوب و محرومند (۱۶) سپس روزی آنها را به آتش دوزخ درافکنند (۱۷) و به آنان گویند این همان دوزخی است که تکذیب آن می کردید (۱۸) چنین نیست که شما کافران پنداشتید امروز نکوکاران عالم با نامه اعمالشان در بهشت علین روند (۱۹) و چگونه به حقیقت علین آگاه توانی شد؟ (۲۰) کتابیست که به قلم حق نوشته شده که نیکان را به مقام علین بهشت برین برند (۲۱) و مقربان درگاه حق به مشاهده آن مقام نائل شوند (۲۲) محققا نیکوکاران در بهشت ابد متنعمند (۲۳) آنجا بر تختهای عزت تکیه زنند و رحمت و نعمتهای خدا را بنگرند (۲۴) و در رخسارشان نشاط و شادمانی نعیم بهشتی پدیدار است (۲۵) و ساقیان حور و غلمان به آنها شراب ناب سر به مهر بنوشانند (۲۶) که به مشک مهر کرده اند و عاقلان بر این نعمت و شادمانی ابدی باید به شوق و رغبت بکوشند نه بر نعمت دنیای فانی (۲۷) ترکیب طبع آن شراب ناب از عالم بالاست (۲۸) سرچشمه ای که مقربان خدا از آن می نوشند (۲۹) همانا امروز بدکاران بر اهل ایمان می خندند و مسخره می کنند (۳۰) و چون به آنها بگذرند به چشم طعن و استهزاء بنگرند (۳۱) و چون از حضور محفل مومنان آن بدکار مردم به سوی کسان خود بازگردند به سخنمزاح و فکاهی به نکوهش نماز و طاعت مومنان با هم تفریح می کنند (۳۲) و چون مومنان را

بینند گویند اینان به حقیقت مردم ساده لوح گمراهی هستند (۳۳) در صورتی که ما آن بدان را موکل کار و نگهبان اعمال مومنان نگردانیدیم تا بدین سخنان پردازند (۳۴) پس امروز که روز جزای نیک و بد است هم اهل ایمان به کفار می خندند (۳۵) و بر تختهای عزت تکیه زده و دوزخیان را مشاهده می کنند (۳۶) آیا پاداشی که در دوزخ به کافران میدهند جز نتیجه افعال زشتی است که در دنیا کردند (۳۷)

الانشاق

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، به یاد آر هنگامی که آسمان شکافته شود (۲) و به فرمان حق گوش فرا دارد و البته آسمان مخلوق خداست سزد که فرمان او پذیرد (۳) و هنگامی که زمین وسیع و منبسط شود و پست و بلندیهای آن هموار گردد (۴) و هر چه در درون دل پنهان داشته از مردگان و گنجهها و معادن همه را بکلی بیرون افکند (۵) و به فرمان خدا گوش فرا دهد و البته زمین که مخلوق حقست سزد که فرمان او پذیرد در آن هنگام که هنگامه قیامت برپا شود (۶) ای انسان غافل مباش از آن روز و البته با هر رنج و مشقت در راه طاعت و عبادت حق بکوش که عاقبت حضور پروردگار خود میروی و به مرگ نائل به ملاقات او می شوی (۷) اما آن کس که در آن روزنامه اعمالش به دست راست دهند (۸) آن کس خوشا بر احوالش که بسیار حسابش آسان کنند (۹) و او به سوی کسان و خویشانش در بهشت مسرور و شادمان خواهد رفت (۱۰) و اما آن کس که نامه اعمالش را از پشت سر بدست چپ دهند (۱۱) بدا بر احوالش که او بر هلاک خود آه و فریاد حسرت بسیار کند (۱۲) و به آتش سوزان دوزخ درافتد (۱۳) که او میان کسانش بسیار مغرور و مسرور بود و به ناز و نعمت دنیا از خدا غافل شد. امای اولشان نزولش عبد الله ابن عبد الاسود بود که مردی با ایمان و از اصحاب پیغمبر (ص) بود و امای دوم برادرش اسود که کافر بود و همدست باقاتل حمزه عم پیغمبر صلی الله علیه و اله (۱۴) و گمان کرد که ابدا به سوی خدا باز نخواهد گشت (۱۵) بلی خدا به احوال و اعمال او کاملاً آگاهست (۱۶) چنین نیست که خدا از فعل مخلوقش آگه نباشد قسم به شفق و روشنی او وقت غروب هنگام نماز مغرب (۱۷) قسم به شب تار و آنچه در او گرد آمده و در دل شب خزیده و آرام گرفته (۱۸) و قسم به ماه تابان هنگام بدر که تمام فروزان شود (۱۹) قسم به این امور که شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ از نخستین خلقت تا مرگ و برزخ و ورود به بهشت و دوزخ خواهید یافت که همه به امر خداست نه اختیار شما (۲۰) پس کافران از چه رو به خدا ایمان نمی آورند (۲۱) و چرا چون بر آنان آیات قرآن تلاوت شد سجده حق نمی کنند (۲۲) بلکه آن مردم کافر قرآن خدا را تکذیب می کنند (۲۳) و خدا به آنچه در دل پنهان میدارند از خود آنها دانتر است (۲۴) ای رسول آنها را به عذاب دردناک دوزخ بشارت ده (۲۵) مگر آنان که ایمان آرند و نیکوکار شوند که آنها را اجر بی منت و ثوابی بی نهایت در بهشت جاودانی خواهد بود (۲۶)

البروج

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به آسمان بلند که دارای کاخهای با عظمت است (۲) و قسم به روز موعود قیامت که وعده گاه خلاق است (۳) و قسم به شاهد عالم پیغمبر خاتم (ص) و به مشهود او قیامت و امت روایت است که کودکی چون ماه تابان در مسجد پیغمبر خلق را به آیات قرآن موعظه می کرد و از او معنی شاهد و مشهود را سوال کردم فرمود شاهد رسول (ص) و مشهود قیامتست پرسیدم این کودک کیست؟ گفتند حسین بن علی (ع) است (۴) قسم به اینان که اصحاب اخدود یعنی آن قوم کافری که بر مومنان به مکر مسلط شدند و آنها را به خندقهای آتش درافکندند همه کشته و نابود شدند (۵) همان مردم ظالمی که آتش سختی به جان خلق برافروختند به حقیقت خود را سوختند (۶) که بیرحمانه بر کنار آن خندقهای آتش بنشستند (۷) و سوختن مومنانی که به آتش افکندند مشاهده می کردند (۸) و با آن مومنان که بسوختند هیچ عداوتی نداشتند جز آنکه آنان به خدای مقتدر ستوده صفات

ایمان آورده بودند(۹) آن خدائی که مالک زمین و آسمانهاست و بر هر چه در عالم است به علم شهودی ازلی گواهد است(۱۰) آنان که چون اصحاب اخدود مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند بر آنها عذاب جهنم و آتش دوزخ مهیا است(۱۱) آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند بر آنها البته در بهشت باغهایست که زیر درختانش نهرها جاریست این بهشت ابد به حقیقت خوبان را سعادت و فیروزی بزرگ است(۱۲) ای رسول ما، بدان و امت را بگو که مواخذه و انتقام خدا بسیار سخت است از قهر او بترسید(۱۳) او به حقیقت نخست خلق را بیافریند و پس از مرگ باز به عرصه قیامت برگرداند(۱۴) و هم او بسیار آمرزنده و مهربانست(۱۵) و خداوند عرش اقتدار و عزت است(۱۶) و هر چه بخواهد آن را در کمال قدرت و اختیار انجام دهد(۱۷) ای رسول آیا احوال جنود شاهان گذشته بر تو حکایت شده است؟(۱۸) داستان فرعون و قومش و قوم ثمود؟ که به کیفر کفر، و دشمنی با رسل، هلاک شدند(۱۹) بلی آنان که کافرنند به تکذیب قرآن تو که بزرگتر و بزرگوارترین کتاب آسمانی است می پردازند(۲۰) و خدا بر همه احوال و افعالشان محیط است آنها هم از روز کیفر کفر و مواخذه خدای منتقم بترسند که هلاک خواهند شد(۲۱) بلکه این کتاب قرآن بزرگوار الهیست(۲۲) که در لوح محفوظ حق و صفحه علم ازلی نگاشته است(۲۳)

الطارق

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) قسم به آسمان و قسم به طارق آن(۲) و چگونه توانی طارق آسمان را بدانی(۳) طارق همان کوكب درخشان است که نورش چون نور علم قرآن به دلهای تاریک جاهلان فرورود(۴) قسم به اینان که هر شخصی را البته از طرف خدا مراقب و نگهبانست(۵) انسان مغرور در بدو خلقت خود بنگرد که از چه آفریده شده است؟(۶) از آب نطفه جهنده ای خلقت گردیده(۷) که از میان صلب پدر و سینه مادر بیرون آمده است(۸) خدائی که او را از این ناچیز بی جان آفرید و جان بخشید او البته بر زنده کردنش دوباره پس از مرگ قادر است(۹) روزی که اسرار باطن شخص آشکار شود(۱۰) و آن روز قوتی در خویش و یآوری بر نجات خود نیابد(۱۱) قسم به آسمان گردان و فروریزنده باران(۱۲) و قسم به زمین گیاه روینده برای خلقت(۱۳) که قرآن به حقیقت کلام حق و جدا کننده حق از باطلست(۱۴) و هرگز سخن هزل بیهده که دشمنان گفتند البته نیست(۱۵) دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر بر محو اسلام میکنند(۱۶) و ما هم در مقابل مکرشان مکر خواهیم کرد و البته ما بر آنها غالبیم(۱۷) پس تو ای رسول اندکی کافران را مهلت ده تا وقت کیفرشان فرا رسد(۱۸)

الأعلى

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) ای رسول ما، به نام خدای خود که برتر و بالاتر از همه موجوداتست به تسبیح و ستایش مشغول باش(۲) آن خدائی که عالم را خلق کرد و همه را به حد کمال خود رسانید(۳) آن خدائی را که هر چیز را قدر و اندازه ای داد و به راه کمالش هدایت نمود(۴) آن خدائی که گیاه را سبز و خرم از زمین برویانید(۵) و آنگاه خشک و سیاه گردانید(۶) و ما آیات قرآن را بر تو مکرر قرائت می کنیم تا هیچ فراموش نکنی(۷) مگر آنچه خدا خواهد که از یادت برد که او به امور آشکار و پنهان عالم آگاهست(۸) و ما تو را بر طریقه شریعت سهل و آسان موفق می داریم(۹) پس به آیات الهی خلق را اگر سودمند افتد متذکر ساز(۱۰) البته هر که خداترس باشد به این تذکر پند میگیرد(۱۱) و آنکه شقی تر نفس و بدبختترین مردم است آن پند و موعظه الهی نپذیرد و از آن دوری گزیند(۱۲) آنکس عاقبت به آتش بسیار سخت دوزخ درافتد(۱۳) و در آن دوزخ نه بمیرد تا راحت شود و نه زنده ماند و برخوردار از زندگانی باشد(۱۴) حقا فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس کرد(۱۵) و به ذکر نام خدا به نماز و طاعت پرداخت(۱۶) اما مردم از جهل و غفلت از پی این سعادت نروند بلکه زندگانی دنیا را بگزینند و عزیز دارند(۱۷) در صورتی که منزل آخرت بسی بهتر و پاینده تر از دنیای چند روزه است(۱۸) این گفتار به حقیقت در کتب رسولان پیشین ذکر

شده (۱۹) بخصوص قبل از قرآن در صحف ابراهیم و تورات موسی مفصل بیان گردیده است (۲۰)

الفاسیه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، آیا خبر هولناک قیامت و بلیه عالم گیر محشر بر تو حکایت شده است؟ (۲) که آن روز رخسار گروهی کافر و متکبر ترسناک و ذلیل باشد (۳) و همه کارشان رنج و مشقت است (۴) و پیوسته در آتش فروزان دوزخ معذبند (۵) و از چشمه آب گرم جهنم آب نوشند (۶) طعامی غیر صریح دوزخ که علفی بد طعم و بوست غذای آنها نیست (۷) که به آن طعام هر چه خوردند نه فربه شوند و نه سیر گردند (۸) جمعی دیگر به نعمتهای بهشتی رخسارشان شادمان و خندانست (۹) و از سعی و کوشش خود در طاعت خدا خشنودند (۱۰) که در بهشت بلند مرتبت مقام عالی یافته اند (۱۱) و در آنجا بهشتیان به هم هیچ سخن زشت و بیهوده نگویند و نشنوند (۱۲) در آن بهشت چشمه های آب زلال و گوارا جاریست (۱۳) و هم آنجا تختهای عالی و کرسیهای بلند پایه نهاده اند (۱۴) و قدحهای بزرگ بهترین شراب گذاشته اند (۱۵) و بر هر تخت مسند و بالشهای لطیف مرتب داشته اند (۱۶) و فرشهای عالی گرانبها گسترده اند (۱۷) آیا مردم در خلقت شتر نمی نگرند که چگونه به انواع حکمت و منفعت برای بشر خلق شده است؟ که یک قطار این حیوان را خدا مطیع یک کودک انسان گردانیده و از شیر و گوشت و پوست و کرک و بارکشی آن هزاران سود میبرند (۱۸) و در خلقت کاخ آسمان بلند فکر نمی کنند که چقدر و چگونه به استحکام و نظم گردش و اشعه و انوار نیکو آفریده اند (۱۹) و کوه های معدن زای و چشمه زار را نمی بینند که چگونه بر زمین برافراشته اند؟ (۲۰) و به زمین که حکمتها در آن آشکار و پنهانست نظر نمی کنند که چگونه گسترده اند (۲۱) ای رسول تو خلق را به حکمتهای الهی متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست (۲۲) و تو مسلط و توانا بر تبدیل کفر و ایمان آنها نیستی (۲۳) جز آنکه هر کس پس از تذکر روی از حق بگرداند و کافر شود (۲۴) او را خدا به عذابی بزرگ در دوزخ معذب کند (۲۵) تا بدانند که البته بازگشت آنها بسوی ماست (۲۶) آنگاه حساب و جزای اعمال نیک و بدشان بر ما خواهد بود (۲۷)

الفجر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به صبحگاه هنگامی که خدا جهان را به نور خورشید تابان روشن میسازد (۲) و قسم به ده شب اول ذیحجه که بندگان خدا به دعا و ذکر خدا مشغولند (۳) قسم به حق جفت که کلیه موجودات عالم است و به حق فرد که ذات یکتای خداست (۴) و قسم به شب تار هنگامی که به روز روشن مبدل شود (۵) آیا در این امور که قسم به آنها یاد شد نزد اهل خرد لیاقت سوگند نیست؟ البته هست (۶) ای رسول ندیدی که خدای تو با عاد قوم هود چه کرد؟ (۷) و نیز به اهل شهر ارم یا قوم ارم که صاحب قدرت و عظمت بودند چگونه کیفر داد؟ (۸) در صورتی که مانند آن شهری در استحکام و بزرگی و تنعم در بلاد عالم نبود (۹) و نیز به قوم ثمود که سنگ را شکافته و کاخها بر خود از سنگ می ساختند چه کیفر سخت داد؟ (۱۰) و نیز فرعون و فرعونیان را که صاحب قدرت و سپاه بسیار بودند چگونه به دریای هلاک غرق نمود؟ (۱۱) برای اینکه در روی زمین ظلم و طغیان کردند (۱۲) و بسیار فساد و فتنه انگیزتند (۱۳) تا آنکه خدای تو بر آنها عذاب پی در پی فرستاد و عاقبت به دوزخ قهر درافکند (۱۴) ای رسول ما خدای تو البته در کمینگاه ستمکارانست (۱۵) اما انسان کم پرف ضعیف بی صبر چون خدا او را به رنج و غمی مبتلا سازد سپس به کرم خود او را نعمتی برای آزمایش و امتحان بخشد در آن حال مغرور ناز و نعمت شود و گوید خدا مرا عزیز و گرامی داشت (۱۶) و چون او را باز برای آزمودن تنگ روزی و فقیر کرد دلتنگ و غمین شود و گوید خدا مرا خوار گردانید (۱۷) چنین نیست بلکه به گناه بخل و طمع خوار شوند چون هرگز یتیم نوازی نکنند (۱۸) و فقیر را بر سفره طعام خود به میل و رغبت نشانند (۱۹) و بناحق مال ارث را به تمامی می خورند و مراعات حق وارثان ضعیف مانند آنان و دختران و صغیران را

نمیکنند (۲۰) و سخت فریفته و مایل به مال دنیا می باشند و به ثواب آخرت هیچ نمیپردازند (۲۱) چنین نیست که دنیا طلبان پندارند روز قیامتی نیست البته هست روزی که از زلزله پی در پی آن زمین بکلی خرد و متلاشی شود (۲۲) و آن هنگام امر خدا و فرشتگان قهر و لطف خدا صف در صف بعرضه محشر آیند (۲۳) و آن روز جهنم را پدید بیاورند و همان روز آدمی متذکر کار خود گردد و از خواب غفلت بیدار شود و آن تذکر چه سود به حال او بخشد؟ (۲۴) و با حسرت و ندامت گوید ای کاش در دنیا برای زندگانی ابدی امروزم کار خیری انجام می دادم (۲۵) و آن روز بمانند عذاب انسان کافر هیچکس عذاب نکشد (۲۶) و آن گونه جز انسان به بند هلاک هیچ موجودی گرفتار نشود (۲۷) آن هنگام به اهل ایمان خطاب لطف رسد که ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام به یاد خدا (۲۸) امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود به نعمتهای ابدی او و او راضی از اعمال نیک تو است (۲۹) باز آی و در صف بندگان خاص من درزی (۳۰) و با خشنودی در بهشت رضوان من داخل شو (۳۱)

البلد

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند باین بلد مکه معظم و مسجد کعبه محترم یاد نکنم (۲) و حال آنکه تو ای رسول گرامی در این بلد منزل داری (۳) و قسم پیدر بزرگوار انسان آدم صفی و فرزندان خداپرست او (۴) که ما نوع انسان را بحقیقت در رنج و مشقت آفریدیم و به بلا و محتشش آزمودیم که روز و شبی بی غم و رنج و زحمت بسر نبرد و با آلام طبیعت و امراض و اندیشه و اندوه و خوف و خطر عمر گذرانند (۵) آیا انسان چون ولید بن مغیره، باین ناتوانی پندارد که هیچکس بر او توانائی ندارد؟ و فوق او قدرتی نیست؟ آهی غرور و جهالت (۶) و میگوید من در راه مسلمانی مال بسیاری تلف کردم که زکات و صدقات و خمس و کفارات دادم یا در راه دشمنی پیغمبر (ص) و علی (ع) بسیار خرج کردم (۷) آیا پندارد احدی او را ندیده؟ و افکار و اعمال بدش را ندانسته و ریا و نفاقش را خدا نمیداند؟ (۸) آیا ما برای حفظ حیات و تکمیل ذات به او دو چشم عطا نکردیم؟ (۹) و زبان و دو لب برای سخن به او ندادیم؟ (۱۰) و راه خیر و شر و حق و باطل و بهشت و دوزخ را به او ننمودیم؟ (۱۱) باز هم به شکرانه این نعمتها بجای طاعت حق و مخالفت نفس به عقبه تکلیف تن درنداد؟ (۱۲) و چگونه توان دانست که آن عقبه تکلیف و ایمان چیست؟ (۱۳) آن بنده در راه خدا آزاد کردنت (۱۴) و به مسکین طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی است (۱۵) یا به یتیم خویشاوندان خود احسان کردن است (۱۶) یا به فقیر مضطر خاک نشین دستگیری کردن است (۱۷) و آنگاه هم از آنان باشد که به خدا ایمان آورده و یکدیگر را به اهمیت صبر و مهربانی با خلق سفارش میکنند (۱۸) که آنها اهل یمین و سعادتند و نامه عمل بدست راست گیرند (۱۹) و آنان که به آیات ما قرآن و دیگر کتب آسمانی کافر شدند آنها اهل شومی و شقاوتند نامه عمل بدست چپ دارند (۲۰) برزن کافران آتشی سرپوشیده احاطه خواهد کرد (۲۱)

الشمس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به آفتاب و تابش آن هنگام رفعتش (۲) قسم به ماه که پیرو آفتاب تابان است شاید یک معنی آفتاب و ماه نبی و ولی منظور است که چون خورشید و ماه عالم را روشن ساختند و خلق را از شب تاریک و ضلالت نجات دادند (۳) و قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد (۴) و به شب وقتی که عالم را در پرده سیاهی کشد (۵) و قسم به آسمان بلند و آن که این کاخ رفیع را بنا کرد (۶) و به زمین و آنکه آن را بگسترده (۷) و قسم به نفس ناطقه انسان و آنکه او را نیکو به حد کمال بیافرید (۸) و به او شر و خیر او را الهام کرد (۹) قسم به این آیات الهی که هر کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد به یقین در دو عالم رستگار خواهد بود (۱۰) و هر که او را به کفر و گناه پلید گرداند البته در دو جهان زیانکار خواهد گشت (۱۱) طایفه ثمود از غرور و سرکشی پیغمبر خود صالح را تکذیب کردند (۱۲) هنگامی که شقی ترینشان قدار بن سالف

برانگیخته شد تا ناقه صالح را پی کند (۱۳) و رسول خدا صالح به او گفت این ناقه آیت خداست از خدا بترسید و آن را سیراب گردانید تا از شیرش به امر حق همه برخوردار شوید (۱۴) آن قوم رسول را تکذیب و ناقه او را پی کردند خدا هم آنان را به کیفر ظالم و گناهشان هلاک ساخت و شهرشان را با خاک یکسان نمود (۱۵) و هیچ باک از هلاک آنها نداشت یا آنها هیچ از عاقبت بد گناه خود نترسیدند (۱۶)

اللیل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم بشب تاریک که جهان را در پرده سیاه پوشانده (۲) و قسم بر روز فروزان هنگامی که عالم را به ظهور خود روشن سازد شاید شب و روز اشاره باشد بزمان پیش از ظهور و بعد از ظهور حجت عصر (ع) (۳) و قسم بمخلوقات عالم که خدا همه را برای بقای نوع جفت نر و ماده بیافرید (۴) قسم باین آیات الهی که سعی و کوشش شما مردم بسیار مختلف است برخی بر صلاح و برخی بر فساد و بعضی بر ضرر و شر و زحمت خود و بعضی بر نفع و خیر و آسایش خود و خلق میکوشید (۵) اما هر کس عطا و احسان کرد و خداترس و پرهیزکار شد (۶) و به نیکوئی یعنی به نعیم آخرت یا هر خیر و سعادت که در قرآن بیان شده تصدیق کرد (۷) ما هم البته کار او را در دو عالم سهل و آسان می گردانیم (۸) اما هر کس بخورزید و از جهل و غرور خود را از لطف خدا بی نیاز دانست (۹) و عدل و نیکوئی را تکذیب کرد (۱۰) پس بزودی کار او را در دو عالم دشوار میکنیم (۱۱) و گناه عذاب و هلاکت دارائش وی را هیچ نجات نتواند داد (۱۲) و البته برماست که از لطف و کرم خلق را هدایت کنیم (۱۳) و ملک دنیا و آخرت از ماست به هر که بخواهیم و صلاح دانیم می بخشیم (۱۴) من شما را از آتش شعله ور دوزخ ترسانیدم و آگاه ساختم (۱۵) هیچکس در آن آتش درنیفتد مگر شقی ترین خلق (۱۶) همان کس که آیات و رسل حق را تکذیب کرد و روی از آن بگردانید (۱۷) و اهل تقوی از آن آتش دوری جستند و محفوظ ماندند (۱۸) که آنها مال خود را به فقیران اسلام به وجه زکات اعطا کردند (۱۹) و حال آنکه هیچکس از رسول و امت بر وی حق نعمت نداشت (۲۰) او احسان نکرد جز در طلب رضای خدای خود که برتر و بالاترین موجوداتست (۲۱) و البته در بهشت آخرت به آن نعمتهای ابدی خشنود خواهد گردید (۲۲)

الضحی

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به روز روشن یا هنگام ظهر آن (۲) و قسم به شب یا هنگام آرامش آن شاید روز مقام نبوت مراد است و وقت ظهر آن مقام ختمی مرتبت و شب زمان غیبت حجت (ع) که دوران تاریک و عصر فترت است (۳) که خدای تو هیچگاه تو را ترک نگفته و بر تو خشم ننموده است چهل روز بر رسول وحی نیامد دشمنان به طعنه گفتند خدا از محمد (ص) قهر کرده این آیه رد بر آنهاست و سبب نیامدن وحی را برخی گفتند که یهود از رسول (ص) سوالاتی کردند رسول فرمود فردا جواب میدهم و انشاء الله نگفت و برخی گفتند بعضی زوجات پیغمبر بی اطلاع حضرت بچه سگی در خانه آورد و می پروراند و تا سگ در خانه باشد وحی و نزول ملک در آن خانه نخواهد بود (۴) و البته عالم آخرت برای تو بسی بهتر از نشاه دنیاست (۵) و پروردگار تو بزودی بتو چندان عطا کند که تو راضی شوی در دنیا فتح و نصرت و در آخرت مقام شفاعت به تو بخشد (۶) آیا خدا تو را یتیمی نیافت که در پناه خود جای داد؟ و از شر دشمنان نگهداری کرد؟ (۷) و تو را در بیابان مکه ره گم کرده و حیران یافت در طفولیت که حلیمه دایه ات آورد تا به جدت عبدالمطلب سپارد در راه مکه گم شدی، حلیمه و عبدالمطلب سخت پریشان شدند و خدا زود آنها را به تو ره نمائی کرد (۸) و باز تو را فقیر الی الله یافت به دولت نبوت توانگر کرد و نعمت رسالت عطا نمود (۹) پس به شکرانه آن تو هم یتیم را هرگز میازار (۱۰) و فقیر و گدای سائل هیچ از درت به اجر مران بلکه به احسان یا به زبان خوش بازگردان (۱۱) و اما نعمت پروردگارت را که مقام نبوت و تقرب کامل به خدا از حق یافتی بر امت بازگو که اظهار نعمت حق نیز شکر منع است (۱۲)

الشرح

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول گرامی، آیا ما تو را به نعمت حکمت و رسالت شرح صدر و بلندی همت عطا نکردیم؟ که توجه به ما سوی الله نکردی (۲) و بار سنگین گناه را به اعطای مقام عصمت از تو دور داشتیم (۳) در صورتی که آن بار سنگین ممکن بود پشت تو را گران دارد مفسرین گفتند یا مراد گناه امت است یا گناهی که مشرکان بر پیغمبر می شمردند که مردم را به خدای یگانه چرا میخواند (۴) و نام نکوی تو را به رگم دشمنان در عالم بلند کردیم (۵) پس بدان که به لطف خدا با هر سختی البته آسانی هست (۶) و در دو عالم با هر سختی البته آسانی هست و هر رنجی را راحتی باشد (۷) پس تو چون از نماز و طاعت پرداختی برای دعا یا چون از تبلیغ نبوت پرداختی برنصب خلافت علی (ع) همت مصروف دار (۸) و به سوی خدای خود و قطع توجه از خلق همیشه متوجه و مشتاق باش و از کس میندیش (۹)

التین

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به تین و زیتون دو میوه معروف انجیر و زیت یا دو معبد بزرگ کعبه و بیت المقدس (۲) و قسم بطور سینا و سینه روشن به نور وحی خدا (۳) و قسم به این شهر امن و امان مکه معظم (۴) که ما انسان را در مقام احسن تقویم و نیکوترین صورت در مراتب وجود بیافریدیم (۵) سپس به کيفر کفر و گناهِش به اسفل سافلین جهنم و پستتر رتبه امکان برگردانیدیم (۶) مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی بهشتابد عطا کردیم (۷) پس ای انسان مشرک ناسپاس چه تو را بر آن داشت که دین توحید و شرع حق را تکذیب کنی؟ (۸) آیا خدا مقتدرترین و عادلترین حکم فرمایان عالم نیست؟ البته هست (۹)

العلق

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول گرامی برخیز و قرآن را به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم استبر خلق قرائت کن نزد اکثر این اول سوره ایست که بر رسول (ص) نازل شده است (۲) آن خدائی که آدمی را از خون بسته که تحول نطفه است بیافرید (۳) بخوان قرآن را و بدان که پروردگار تو کریمترین کریمان عالمست (۴) آن خدائی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت که به این نوشتن برای انسان افکار و علوم گذشتگان را محفوظ داشت و نظم معاش و معاد و هر فضل و علم و کمال را منظم و برقرار ساخت (۵) و به آدم آنچه را که نمی دانست به الهام خود تعلیم داد (۶) باز چرا انسان از کفر و طغیان باز نمیایستد و سرکش و مغرور میشود (۷) چون که به غنا و دارائی ناچیز دنیا میرسد (۸) از روز جزا برترسد که محققا به سوی پروردگار پس از مرگ باز خواهد گشت (۹) ای رسول ما، دیدی آن کس را که منع و تمسخر میکرد؟ (۱۰) آن بنده خدای را که به نماز مشغول شد؟ مراد ابو جهل است که بر نماز پیغمبر و اصحابش را به مسخرگی می آزرده (۱۱) آیا چه می بینی اگر آن رسول به راه راست باشد (۱۲) و خلق را به تقوی و پرهیزکاری امر کند (۱۳) آیا شما مردم بر این کس که حق را تکذیب می کند و از رسول او رو می گرداند چه رصی می دهید؟ و مستحق چه عذابش می دانید؟ (۱۴) آیا او ندانست که خدا اعمال زشتش را می بیند؟ و از او روزی انتقام می کشد؟ (۱۵) اگر او از کفر و ظلم و تکذیبش دست نکشد البته خدا موی پیشانیش به قهر و انتقام بگیرد (۱۶) آن پیشانی دروغ زن خطا پیشه را به خاک هلاک کشد (۱۷) آنگاه او هر که از قبیله و عشیره خود را خواهد بخواند که از هلاک کش برهانند و هیچکس نتواند (۱۸) و ما هم فرشتگان قهر و عذاب که زبانیه دوزخ و ماموران آتش جهنم اند بر گرفتن او میخوانیم (۱۹) ای رسول گرامی چنین نیست که ابو جهل پنداشته که تو را به آجر و ظلم مطیع خود تواند کرد تو هیچ از او اطاعت مکن و بیم مدار و به نماز و سجده خدا پرداز و

بحق نزدیک شو که سجده و نماز موجب قرب حضرت بی نیاز است (۲۰)

القدر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ما این قرآن عظیم الشن را که رحمت واسع و حکمت جامعست در شب قدر نازل کردیم (۲) و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند کرد (۳) شب قدر به مقام و مرتبه از هزار ماه بهتر و بالاتر است (۴) در این شب فرشتگان و روح یعنی جبرئیل به اذن خدا بر مقام ولایت نبی و امام عصر (ع) از هر فرمان و دستور الهی و سرنوشت مقدرات خلق را نازل میگرداند (۵) این شب رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبحگاه شهود (۶)

البینه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) کافران اهل کتاب و مشرکان از کفر و عصیان منفک نبودند و به راه صواب هدایت نمی یافتند تا آن که برهان و حجت حق بر آنها آمد (۲) رسولی از جانب خدا چون محمد (ص) فرستاده شد تا کتب آسمانی پاک و منزه از خطا و تحریف را بر آنها تلاوت کند (۳) که در آن کتب نامه های حقیقت و راستی و نگهبان سنت عدل الهی مسطور است (۴) و اهل کتاب در حق این رسول گرامی (ص) راه تفرقه و خلاف نپیمودند مگر پس از آنکه آنها را حجت کامل در کتب آسمانی بر حقانیت رسول آمد و دانسته بر انکار او لجاج و عناد ورزیدند (۵) و در کتب آسمانی امر نشدند مگر بر اینکه خدا را به اخلاص کامل و بی شائبه شرک و ریا در دین اسلام پرستش کنند و از غیر دین حق روی بگردانند و نماز بپا دارند و زکات فقیران بدهند. اینست دین درست و راه راست سعادت (۶) محققا آنان که از اهل کتاب کافر شدند و عیسی و عزیر و رهبانان و احبار را به مقام ربوبیت خواندند آنها با مشرکان همه در آتش دوزخند و در آن همیشه معذبند و آنها به حقیقت بدترین خلقند (۷) و آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند (۸) پاداش آنها نزد خدا باغهای بهشت عدنست که نهرها زیر درختانش جاریست و در آن بهشت ابد جاودان متنعمند و خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا راضی هستند و این بهشت مخصوص کسی است که از خدا ترسید و به طاعت او پرداخت (۹)

الزلزله

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) هنگامی که زمین به سختترین زلزله خود به لرزه درآید (۲) و بارهای سنگین اسرار درون خویش که گنجها و معادن و اموات و غیره است همه را از دل خاک بیرون افکند (۳) آن روز محشر آدمی از فرط حیرت و اضطراب گوید ای عجب زمین را چه پیش آمد (۴) آن هنگام زمین مردم را به حوادث بزرگ خویش آگاه می سازد (۵) که خدا به او چنین الهام کند تا به سخن آید و خلق را به اخبارش آگاه نماید (۶) در آن روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا پاداش نیک و بد اعمال خود را در حساب و میزان حق ببینند (۷) پس در آن روز هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده باشد پاداش آن را خواهد دید (۸) و هر کس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید صعصعه این سوره را از رسول (ص) شنید و گفت اگر دیگر هیچ از قرآن نشنوم در پند و اندرز همین سوره مرا کافی است (۹)

العادیات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به اسبانی که سواران اسلام در جهاد کفار تاختند تا جائی که نفسشان به شماره افتاد (۲) و در تاختن از سم ستوران بر سنگ آتش افروختند (۳) و بر دشمن شیخون زدند تا صبحگاه آنها را به غارت گرفتند (۴) و گرد و غبار از

دیوار کفار برانگیختند (۵) و سپاه دشمن را همه در میان گرفتند مفسرین گفتند رسول (ص) سه بار سپاهی به ریاست سه تن از اصحاب، عمر، ابوبکر، و عمرو عاص به جنگ دشمن فرستاد و هر سه ترسیدند و بی نتیجه بازگشتند آنگاه علی (ع) را امیر لشکر فرمود حضرت از بیراه رفت و ناگاه بر دشمن شیخون زد و صبحگاه اسیر و غنیمت بسیار گرفت و از جنگ فاتح بازگشت و این سوره در شأنش نازل شد (۶) قسم به این مجاهدان دین خدا که انسان نسبت به پروردگارش کافر نعمت و ناسپاس است (۷) و خدا و یا خود او بر این ناسپاسی محققا گواهی خواهد داد (۸) و هم او بر حب مال دنیا سخت فریفته و بخیل است (۹) آیا آدمی نمی داند که روزی برای جزای نیک و بد اعمال از قبرها برانگیخته میشود (۱۰) و آنچه در دلها از نیک و بد پنهان است همه را پدیدار میسازد (۱۱) محققا آن روز پروردگار بر نیک و بد کردارشان کاملا آگاهست و نکوکاران و بدکاران را به ثواب و عقابشان می رساند (۱۲)

الفارعة

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) فارعه چیست فارعه همان روز سخت قیامت است (۲) همان روز وحشت و اضطراب مرگ که دلهای خلاق را از ترس در هم کوبد و قلب عالم و عالمیان را از هراس در هم شکند و اوهام و خیالات دنیوی را نابود سازد (۳) چگونه حالت آن روز هولناک را تصور توانی کرد؟ (۴) در آن روز سخت مردم مانند ملخ هر سو پراکنده شوند (۵) و کوه ها از هیبت آن همچون پشم زده متلاشی گردد (۶) پس آن روز عمل هر کس را در میزان حق وزنی باشد (۷) در بهشت به آسایش و زندگانی خوش خواهد بود (۸) و عمل هر کس بی قدر و سبک وزن است (۹) جایگاهش در قعر هاویه جهنم است (۱۰) و چگونه سختی هاویه را تصور توانی کرد؟ (۱۱) هاویه همان آتش سخت سوزنده و گدازنده است که از کفر و گناه خلق و خشم و قهر خدا فروخته است (۱۲)

التکائر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) به هوش آئید که شما مردم را بسیاری اموال و فرزندان و عشیره سخت از یاد خدا و مرگ غافل داشته است (۲) تا آنجا که به ملاقات اهل قبور رفتید و به جای آنکه عبرت گیرید آنجا هم به قبرهای مردگان خود بر هم مفاخرت کردید (۳) نه چنین است از این غفلت و غرور برگردید که بزودی خواهید دانست که پس از مرگ به برزخ چه سختیها در پیش دارید (۴) باز هم حقا خواهید دانست که به قیامت با چه عذابها مواجهید (۵) حقا اگر بطور یقین می دانستید چه حادثه بزرگی در پیش دارید هرگز به بازی دنیا از عالم آخرت غافل نمی شدید (۶) البته پس از مرگ دوزخ را مشاهده خواهید کرد (۷) و سپس به چشم یقین بی شک و ریب آن عالم را می بینید (۸) آنگاه از نعمتها مانند مال و جاه و صحت و جوانی و عمر و نعمت بزرگ ولایت علی (ع) و غیره شما را در آنجا باز می پرسند (۹)

العصر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) قسم به عصر نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر (۲) که انسان همه در خسارت و زیانست (۳) مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند و به حفظ دین و اطاعت حق یکدیگر را ترغیب و تشویق کردند رسول اکرم (ص) فرمود هر که سوره عصر را بسیار بخواند به مقام صبر رسد و با اهل حق به بهشت ابد محشور گردد و حضرت صادق (ع) فرمود هر که بر این سوره مداومت کند در نماز نافله روز قیامت با لیبی خندان و روئی درخشان و دلی شادمان باشد تا در بهشت جاودان وارد شود (۴)

الهمزة

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) وای بر هر عیب جوی هرزه زبان مراد ولید بن مغیره و اخنس بن شریق است که دایماز رسول (ص) و اصحابش عیبجوئی می کردند و تا قیامت بر هر که از نیکان و اهالیمان عیبجوئی کند شاملست (۲) همان کسی که مالی جمع کرده و دایم به حساب و شماره اش سرگرم است (۳) زدمی پندارد که مال و دارائی دنیا عمر ابدش خواهد بخشید (۴) چنین نیست بلکه محققا به آتش دوزخ سوزان درافتد (۵) زتشی که چگونه تصور سختی آن توانی کرد؟ (۶) آن آتش را خشم خدا افروخته (۷) شراره آن بر دلهای ناپاک پر از حرص دنیای کافران شعله ور است (۸) زتشی که بر آنها از هر سو سخت احاطه کرده (۹) و مانند ستونهای بلند زیانه کشیده است (۱۰)

الفیل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما آیا ندیدی یا ای بینندگان آیا ندیدید که خدای تو با اصحاب فیل و سپاه فیل سوار ابرهه چه کرد؟ (۲) آیا کید و تدبیری که برای خرابی کعبه اندیشیدند تباه نکرد؟ (۳) و بر هلاک آنها مرغان ابابیل را فرستاد (۴) تا آن سپاه را به سنگهای سجیل دوزخی سنگباران کردند (۵) و تنششان چون علفی زیر دندان حیوان خرد گردانید نجاشی پادشاه یمن ابرهه را برای ویرانی کعبه با پیلهای جنگی فرستاد لشکرش شتران عبدالمطلب جد پیغمبر ص را غارت کردند حضرت نزد ابرهه رفت از دور که می آمد وقار و جلالتش ابرهه را خوش آمد و گفت اگر این مرد تقاضا کند از خرابی کعبه صرفنظر کنم لیکن او شترانش را خواست و در پاسخ ابرهه گفت من صاحب شترانم خانه را صاحبی است اگر بخواهد حفظ تواند کرد و آن لشکر چنان که در سوره است به امر حق همه هلاک شدند و اینسال در عرب معروف به عام الفیل گردید که تولد پیامبر (ص) در آن واقع شده است (۶)

قریش

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) خدا با اصحاب فیل چنین کرد برای آنکه قریش خداشناس شوند و با هم انس و الفت گیرند (۲) الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و برقرار بماند و نزاع و خلاف داخلی بکلی از میان برخیزد تا به تجارت یمن و شام که برای کسب معاش میروند به اتفاق و دوستی و حفظ منافع هم روند نه بر اخلاف و زیان یکدیگر وسایل زندگانی و آسایش خود را در مکه سرزمین بی حاصل بهتر تامین کنند (۳) پس به شکرانه این دوستی باید یگانه خدای کعبه را پرستند (۴) که بانها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت (۵)

الماعون

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما آیا دیدی آن کس یعنی ولید مغیره را که روز جزا را انکار میکرد؟ (۲) این همان شخص بیرحم است که یتیم را از در خود بقهر میراند و هرگز درویش را بر سفره طعام خود نمی خواند (۳) و کسی را بر اطعام فقیر ترغیب نمیکند (۴) پس وای بر آن نمازگزاران (۵) که دل از یاد خدا غافل دارند (۶) همانان که اگر طاعتی کنند به ریا و خود نمائی کنند (۷) زکات و احسان را از فقیران و هر خیر کوچک راحتی فرض را هم از محتاجان منع کنند (۸)

الکوثر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول گرامی ما تو را کوثر عطای بسیار بخشیدیم به تو مقام سید انبیاء نام نیکو و کثرت فرزندان

نهر کوثر و مقام رحم للعالمینی و شفاعت کبرای امت و شرح صدر و همت عالی از لطف خود تو را عطا کردیم (۲) پس تو هم بشکرانه آن نعم برای خدا بنماز و طاعت و قربانی و مناسک حج پرداز (۳) که محققا دشمن بدگوی تو عاص بن وائل مقطوع النسل و نسل تو تا قیامت بکثرت و برکت و عزت باقی است (۴)

الکافرون

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما بگو که ای کافران مشرک (۲) من آن بتان را که شما به خدائی می پرستید هرگز نمی پرستم (۳) و شما هم آن خدای یکتائی که من پرستش می کنم پرستش نمی کنید (۴) نه من هرگز خدایان باطل شما را عبادت می کنم (۵) و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد (۶) پس اینک دین شرک و جهل برای شما باشد و دین توحید و خداپرستی منم برای من تا روزی که به امر حق شما را از شرک برگردانم و به راه توحید خدا و خداپرستی هدایت کنم (۷)

النصر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) چون هنگام فتح و فیروزی با یاری خدا فرا رسد مراد فتح مکه است (۲) و در آن روز مردم را بنگری که فوج فوج به دین خدا داخل میشوند و تو را به رسالت تصدیق میکنند (۳) در آن وقت خدای خود را حمد و ستایش کن و از لوث شرک پاک و منزّه دان و از او مغفرت و آمرزش طلب که او خدای بسیار توبه پذیر است توبه مشرکان را هم اگر مومن موحد شوند می پذیرد (۴)

المسد

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ابو لهب که دایم در پی آزار و دشمنی پیغمبر (ص) بود با تمام اقتدار و دارائی نابود شد و دو دستش که سنگ به رسول (ص) می افکند قطع گردید (۲) مال و ثروتی که اندوخت برای محو اسلام هیچ به کارش نیامد و از هلاکش نرهانید (۳) زود باشد که به دوزخ در آتشی شعله ور درافتد (۴) و همسرش ام جمیله خواهر ابو سفیان هیزم آتش افروز دوزخ باشد (۵) در حالی که با ذلت و خواری طنابی از لیف خرما به گردن دارد (۶)

الإخلاص

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما، به خلق بگو او خدای یکتاست (۲) آن خدائی که از همه عالم بی نیاز و همه عالم به او نیازمند است (۳) نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است (۴) و نه هیچکس مثل و مانند و همتای اوست جمعی از علماء یهود یا برخی از بزرگان مشرکین خدمت پیغمبر آمدند که خدائی را که ما را به سوی او میخوانی اوصافش را بر ما بیان کن در پاسخ آنان این سوره مبارکه نازل گردید (۵)

الفلق

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای رسول ما بگو من پناه میجویم به خدای فروزنده صبح روشن (۲) از شر مخلوقات شریر و مردم بد اندیش (۳) و از شر شب تار هنگامی که از پی آزار درآید و حشرات موزی و جنایتکاران و فتنه انگیزان را به کمک ظلمتش به ظلم و به جور و ستم برانگیزد (۴) و از شر آنان افسونگر چون به جادو در گره ها بدمند در عصر رسول (ص) زنانی یهودیه بودند که

سحر و جادوگری بر علیه مسلمین میگردند(۵) و از شر حسود بدخواه چون بر وجود رسول (ص) و کمالات حضرتش شراره آتش رشک و حسد برافروزند رسول اکرم (ص) از اینها به خدا پناه برد تا امت هم به آن حضرت اقتدا کند(۶)

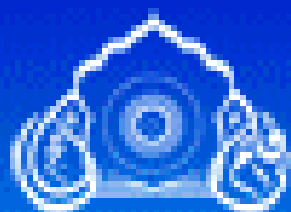
انسان

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) ای رسول ما بگو من پناه می جویم به پروردگار آدمیان(۲) پادشاه آدمیان(۳) اله یکتا معبود آدمیان(۴) از شر وسوسه شیطان(۵) آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان(۶) چه آن شیطان از جنس جن باشد و یا از نوع انسان(۷)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزارای دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضورى و مجازى) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا : ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۳۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

